کارنامه و خاطرات
هاشمی رفسنجانی
سال ۱۳۶۴










امید و دلواپسی

به اهتمام:
سارا لاهوتی

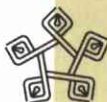
بسمه تعالی

کارنامه و خاطرات
هاشمی رفسنجانی
سال ۱۳۶۴

امید و دلواپسی

به اهتمام:

سارا لاهوتی



دفتر
نشر معارف انقلاب
۱۳۸۷

امید و دلواپسی

ISBN 964 - 7193 - 18 - 1

سرشناسه : هاشمی رفسنجانی ، اکبر ، ۱۳۱۳-
عنوان و نام پدیدآور : هاشمی رفسنجانی : کارنامه وخاطرات سال ۱۳۶۴: امید و دلواپسی / به اهتمام سارا لاهوتی
مشخصات نشر : تهران : دفتر نشر معارف انقلاب ، ۱۳۸۷
مشخصات ظاهری : ۶۵۰ صفحه : مصور ، نقشه ، نمونه ، عکس
شابک : ۱-۱۸-۷۱۹۳-۹۶۴
وضعیت فهرست نویسی : فیپا
یادداشت : نمایه .
موضوع : هاشمی رفسنجانی ، اکبر ، ۱۳۱۳ - - یادداشتها ، طرح ها وغیره .
موضوع : هاشمی رفسنجانی ، اکبر ، ۱۳۱۳ - - خاطرات .
موضوع : ایران - تاریخ - جمهوری اسلامی ، ۱۳۵۸ - - خاطرات .
شناسه افزوده : لاهوتی ، سارا ،
شناسه افزوده : دفتر نشر معارف انقلاب
رده بندی کنگره : DSR ۱۶۷۰/ه۲آ۳ الف ۱۳۸۷
رده بندی دیویی : ۹۵۵/۰۸۴۲۰۹۲
شماره کتاب شناسی ملی : ۱۲۰۰۴۳۵



هاشمی رفسنجانی
امید و دلواپسی
کارنامه و خاطرات سال ۱۳۶۴

به اهتمام: سارا لاهوتی

ویراستار: قادر باستانی

طرح و پردازش: دفتر نشر معارف انقلاب

طراحی جلد و صفحات اول: کارگاه گرافیک سپهر

لیتوگرافی: پارت

چاپ و صحافی: آوام

تیراژ: ۳۰۰۰ نسخه

چاپ سوم: ۱۳۸۷

قیمت: ۸۰/۰۰۰ ریال

شابک ۱-۱۸-۷۱۹۳-۹۶۴



دفتر نشر معارف انقلاب

تهران- خیابان شهید باهنر، خیابان یاسر، خیابان سوده

کوچه شهید امیدیان تلفن ۲۲۲۸۴۰۰۷ فاکس ۲۲۲۸۵۷۶۰

فهرست مطالب

عنوان | صفحه



حرف اول

بسم‌الله الرحمن الرحیم

مانند چند سال گذشته، در سال ۱۳۶۴ نیز مساله اول کشورمان دفاع مقدس بود و مسایل دیگر، حتی انتخابات ریاست جمهوری و تشکیل کابینه ـ که بسیار هم پُرماجرا بود ـ تحت‌الشعاع جنگ قرار داشت.

در پایان این سال با عبور نیروهای ما از اروند و تصرف شهر فاو و نزدیک شدن به خاک کویت، شرایط کاملاً جدید و حساسی در منطقه و جهان به وجود آمد. اما در طول سال، **امید و دلواپسی** بر کشور حاکم بود؛ **امید** به خاطر مطرح بودن عملیات سرنوشت‌ساز و **دلواپسی** به خاطر مسلح و مجاز شدن عراق به امکانات انجام شرارت علیه مراکز غیرنظامی و کشتی‌های حمل و نقل در خلیج‌فارس که تقریباً در سراسر سال به طور متناوب ادامه داشت.

شلیک ضدهوایی‌ها به هنگام تحویل سال در ساعت ۱۹ و ۴۳ دقیقه و ۵۶ ثانیه روز

چهارشنبه ۲۹ اسفند ۱۳۶۳ و شکستن دیوار صوتی دشمن بر فراز تهران، هنگام نمازجمعه من در جمعه دوم فروردین، برائت استهلال سال جدید بود.

اما در عراق امیدی وجود نداشت. آنچه بود ترس و دلواپسی از حمله سرنوشت‌ساز و مقابله به مثل ایران در مقابل شرارت‌ها بود.

جنگ

بعد از عملیات مهم خیبر و سپس بدر که در منطقه هور هویزه و شرق دجله انجام شد، عراق و دولت‌های منطقه و ناظران جهانی دریافتند که ایران می‌تواند از موانع مرزی عراق عبور کند و برنامه اعلان شده تصرف نقطه حساس از خاک عراق، با هدف ایجاد اهرم فشار برای گرفتن حقوق خود را عملی سازد. حامیان صدام برای جلوگیری از پیروزی ایران، سلاح‌های جدید و اموال زیاد و تبلیغات و اطلاعات مورد نیاز او را در اختیارش گذاشتند و برای شرارت‌ها و انجام جنایات جنگی ارتش بعث عراق، چراغ سبز نشان دادند.

در سراسر این کتاب می‌بینید که صدامیان بدون واهمه از بازخواست جهانی، مرتکب جنایاتی از قبیل بمباران و موشکباران شهرها، زدن یا ربودن هواپیماهای مسافربری، زدن کشتی‌های حامل نفت و کالا، زدن چاهها و تأسیسات نفتی ایران در خلیج‌فارس، استفاده از سلاح شیمیایی و... می‌شوند.

در مقابل، ایران به خاطر تعهد اسلامی و انسانی و ملاحظه حال مردم عراق ـ که آنها را دوست واقعی خود و در مقابل جنایات بعثی‌ها غیر مسئول می‌دانست ـ نمی‌خواست شبیه اعمال وحشیانه صدامیان را مرتکب شود. با اینکه بسیاری از شهرهای عراق در تیررس توپخانه‌های برد بلند ایران بود و توانسته بودیم موشک‌های با برد سیصد کیلومتر به دست آوریم که می‌توانست اکثر مراکز جمعیتی عراق را هدف قرار دهد، فقط با اخطار قبلی گاهی مقابله به مثل می‌کردیم که دشمن بداند اگر زیاد شرارت کند، ممکن است جواب سختی دریافت نماید.

حمله به اهداف غیر نظامی، محدود به زدن شهرها و کشتی‌ها نبود، به هواپیماهای مسافربری هم حمله می‌کردند که شهادت وزیر خارجه الجزایر، شهادت شهید محلاتی و همراهانش که هشت نماینده مجلس و تعدادی از قضات و شخصیت‌های مهم کشور بودند و سرانجام شهادت حدود سیصد نفر از مسافران مظلوم هواپیمای ایرباس توسط شلیک موشک از

ناو آمریکایی در سال ۱۳۶۷ از آن موارد است که برای مقابله به مثل در این میدان وارد شدیم.

از سویی فکر می‌کردیم جواب اصلی را در میدان نبرد زمینی خواهیم داد و مدت نسبتاً طولانی، مردم و مسئولان در انتظار انجام عملیات سرنوشت‌ساز بودند. عملیاتی که شرارت‌های عراق هم برای جلوگیری از تحقق آن انجام می‌شد. متأسفانه کمبود امکانات ضروری عملیات بزرگ و اختلاف سلیقه فرماندهان سپاه و ارتش در شیوه عملیات، کار را به تأخیر می‌انداخت و به صورت مکرر طرح‌هایی ارائه می‌شد و مدتی وقت را می‌گرفت و سپس عوض می‌شد. وضع هم به‌گونه‌ای بود که فشار فرماندهی جنگ، جهت وادارکردن به اقدام زودرس هم به صلاح نبود.

عملیات محدود

در مرحله‌ای از جنگ، با یأس از امکان توافق مؤثر و کامل ارتش و سپاه در کوتاه مدت و قبل از رسیدن به تصمیم‌نهایی برای عملیات اصلی، به پیشنهاد خود آنها اجازه داده شد که جداگانه و با سلیقه خود عملیات داشته باشند و قرار شد در این گونه عملیات‌ها، ارتش با امکاناتی مثل هواپیما، توپخانه، بالگرد و... به سپاه کمک کند و سپاه هم با نیروهای صف‌شکن که از داوطلبان بسیجی در اختیار داشت، به آفند و خط‌شکنی ارتش کمک کند.

در این قرار فرماندهان ارتش بیشتر به بخش مرکزی و شمالی جبهه توجه داشتند و سپاه عملیات محدود خود را در جنوب و جبهه میانه و بیشتر در همان محدوده عملیات خیبر و بدر انجام می‌داد. سعی می‌شد که زمان عملیات به گونه‌ای باشد که به حساب تلافی شرارت‌های دشمن بیاید. در طول سال ۱۳۶۴ چندین عملیات آفندی توسط ارتش و سپاه انجام شد که عبارتند از:

رشته عملیات قدس، شامل قدس ۱ در منطقه هور هویزه در۲۴ خرداد، قدس ۲ در همان منطقه در۴ تیر، قدس ۳ در منطقه دهلران، عماره و طیب در۲۰ تیر، قدس ۴ در منطقه جنوب شرقی عماره واقع در شمال هورالهویزه در ۲ مرداد و قدس ۵ در غرب هور هویزه در ۱۶ مرداد. این رشته عملیات، در مجموع آزادسازی و تصرف حدود ۲۲۵ کیلومتر مربع از مناطق ایران و داخل خاک عراق و تحکیم مواضع را به دنبال داشت.

رشته عملیات ظفر، شامل ظفر ۱ در منطقه جزیره مینو در ۱۷ خرداد، ظفر ۲ در منطقه پنجوین در۵ تیر، ظفر ۳ در منطقه شمال غرب ایران در ۷ تیر و ظفر ۴ در منطقه فکه در ۱۰ تیر با

دستاوردهای محدود.

رشته عملیات عاشورا، شامل عاشورای ۱ در کردستان در ۲۳ مرداد، عاشورای ۲ در منطقه چنگوله در جنوب مهران در ۲۴ مرداد، عاشورای ۳ در شمال فکه در ۲۵ مرداد و عاشورای ۴ در ضلع شمالی دریاچه ام‌النعاج در خاک عراق در اول آبان با دستاورد انهدام پایگاه‌های ضدانقلاب و قسمتی از نیروهای ارتش بعث عراق.

- چند عملیات پراکنده مانند عملیات کمیل در ۲۶ اردیبهشت، عملیات انصارالله توسط سپاه در کردستان در ۲۳ خرداد و عملیات قادر توسط ارتش در جبهه شمالی و در محور سیدکان در ۲۳ تیر[1].

عملیات بزرگ سرنوشت‌ساز

نیازهای مالی و تدارک مهمات به عنوان مقدمات عملیات بزرگ و سرنوشت‌ساز را تهیه کردیم. منتظر فرصت مناسب برای بسیج عمومی شدیم که با پیش آمدن بحرانِ زدن کشتی‌ها این پوشش و فرصت به دست آمد و با فرمان امام اقدام شد.

در سراسر این کتاب حوادث مهم جنگ در زمان وقوع آن را می‌خوانید که سرانجام به عملیات مهم والفجر ۸ و عبور از اروند می‌رسیم که شرح مبسوط آن در کتاب است، اما نکات مهم آن:

۱- تهیه مقدمات و امکانات و شناسایی‌ها با حفظ اطلاعات و جلوگیری از هوشیار شدن دشمن، کار بسیار دشواری بود. با توجه به حضور ستون پنجم دشمن از قبیل منافقان، سلطنت‌طلبان و جاسوسان حرفه‌ای و پرواز ماهواره‌ها و آواکس‌ها در جوار مرز و نزدیک بودن عقبه عملیات به مرز و دستکاری در نخلستان‌ها، سواحل و آبراه‌ها و ایجاد جاده‌های دسترسی به جبهه نبرد و استقرار توپخانه‌ها، پدافند و... مهم بود که این بخش به خوبی انجام شد و عملیات با غافلگیری کامل دشمن آغاز گردید.

۲- عبور از اروند با عرض حدود یک کیلومتر و وجود جزر و مدها و امواج خروشان روز و شب و سردی هوا برای غواصان و نیروهای خط‌شکن که بایستی در شب سرد و با شنا بدون

---

۱ ـ شرح کامل عملیات‌ها در بخش ضمایم همین کتاب با ذکر منابع و مآخذ آورده شده است.

شناور و با کوله‌بار برای رزم و در خاک و میدان دشمن و عبور از موانع بسیار پیچیدهٔ ساحل دشمن صورت گیرد و این مورد هم به صورت معجزه‌آسا در شب اول حمله در ساعت ۱۰ آغاز و سنگرهای دشمن فتح شد و نیروها سر پُل لازم را بدست آوردند و در خاک عراق در سواحل دشمن مستقر گردیدند.

۳- تداوم عملیات؛ معلوم بود که دشمن به محض شروع تهاجم ما از غفلت بیرون می‌آید و هدف عملیات را می‌فهمد و حمله متقابل را از زمین، آب و هوا شروع می‌کند و با برتری هوایی که دارد، انتقال نیرو و تدارکات نبرد را با مانع مواجه می‌کند و عبور نفر و شناور با خطر انهدام مواجه می‌شود و امکان پل و بندر و ساحل برای پهلوگیری در دو طرف اروند هم نداشتیم.

به خصوص استفاده از سلاح شیمیایی علیه نیروها در ساحل دور و نزدیک و آبراه می‌توانست مشکل آفرین باشد. در این مورد هم با پیش‌بینی‌های خوب انجام شده، با جهاد، ایثار، ابتکار و شجاعت فراوان، نیروهای اسلام با استقرار کامل در نطقه هدف، توانستند بر مشکلات فایق آیند. تعداد بمباران‌ها و به ویژه بمب‌های شیمیایی که عراق به کار برد، در پنج سال گذشته جنگ بی‌سابقه بود:

روز چهارشنبه ۲۳ بهمن، حملات شیمیایی عراق با گازهای اعصاب و به مقدار کمتری با خردل و سیانید به صورت بمباران هوایی آغاز شد و سپس توپخانه عراق هم در حملات شیمیایی فعال شد.اگر چه شروع حملات شیمیایی را برخی گزارش‌ها ساعت ده صبح ذکر کردند، ولی مهمترین بمباران‌ها عصر انجام شد که یکی از طولانی‌ترین بمباران‌های شیمیایی در تاریخ جنگ بود. حدود ۳۲ فروند هواپیما به صورت گروه‌های کوچک و هماهنگ، منطقه را به مدت یک ساعت بمباران شیمیایی کردند. گلوله باران‌های شیمیایی با توپ خردل در روزهای بعد نیز باعث تداوم آلودگی محیط شد. عراقی‌ها علاوه بر هواپیما، در مواردی نیز از بالگرد برای پرتاب سلاح شیمیایی استفاده کردند.

در صبح و بعد از ظهر ۲۴ بهمن ماه، علاوه بر فاو، منطقه آبادان نیز هدف دو حمله سنگین شیمیایی قرار گرفت که در آن ۲۰ نفر از رزمندگان به شهادت رسیدند. تعداد مصدومین شیمیایی عملیات فاو که در روز اول ۲۵۰۰ نفر اعلام شده بود، طی دو روز بعد ـ با توجه به پایداری گاز خردل ـ تا ۸۵۰۰ نفر افزایش یافت.

در روزهای بعد تا آخر بهمن و نیز هفته اول اسفند، حملات شیمیایی همچنان ادامه یافت.

ما نیز طی نامه‌های متعدد، شورای امنیت سازمان ملل را در جریان جزئیات حملات عراق گذاشته و درخواست اعزام تیم کارشناسی جهت بررسی حادثه نمودیم. با اصرار ایران، تیم کارشناسان سازمان ملل ۸ اسفند وارد تهران شد و روز بعد در اهواز، آبادان و بیمارستان صحرایی به بررسی شواهد حملات شیمیایی عراق پرداخت. در گزارش این تیم به آمار ۱۲ هزار نفر مصدوم بستری شده در بیمارستان‌های اهواز و تهران اشاره شده است، اما مسلماً تعداد مصدومین شیمیایی بیش از این رقم بود، زیرا غالب موارد خفیف و متوسط مسمومیت، به علت شلوغی اوژانس‌ها و نقاهتگاه‌ها ثبت نمی‌شدند.

علیرغم تعداد زیاد مصدوم شیمیایی نیازمند به بستری شدن، که در همان زمان بیش از مجروحین عادی جنگ بودند، از کل ۶۴ شهید شیمیایی یک ماهه اول عملیات ۲۵ نفر در منطقه جنگی شهید شدند که اغلب قبل از رسیدن به اورژانس و در اثر عوامل اعصاب و سیانید به طور گروهی به شهادت رسیدند. ۳۹ نفر دیگر به علت مسمومیت با خردل به تدریج در بیمارستان‌های اهواز، تهران و خارج از کشور در برخی پایتخت‌های اروپایی به شهادت رسیدند.

۴- ایجاد پل‌های ارتباطی برای تداوم حضور در فاو که قبل از انجام، به نظر خیلی‌ها تقریباً محال جلوه می‌کرد، از ابتکارات حقیقتاً معجزه‌آسای این عملیات است. با توجه به امواج وحشی اروند و حملات هوایی و توپخانه‌ای مداوم دشمن، پیشنهاد ساخت تونل زیر اروند هم با امکانات ضعیف مهندسی ما غیر ممکن شده بود و همه بحث روی ساخت پل متمرکز شد و پس از بررسی راهکارها بالاخره راهکار خواباندن لوله‌های عظیم و حجیم در اروند از بستر فاصله زیادی از سطح آب و جریان وحشی آب پر حجم مقبول و اجرا شد.

شرح تهیه این همه لوله و بردن زیر آب و جوش دادن آن به نظر بسیاری از مهندسان و متخصصان سازه‌ها افسانه می‌نمود، ولی این معجزه هم با قدرت ایمان و ایثار انجام شد و پنج هزار لوله ۱۲ متری به قطر ۱۴۲ سانتی‌متر و ضخامت ۱۶ میلی‌متر از جنس فولاد در عمق ۱۲ متری رودخانه که ارتفاع جزر و مد آن، گاه از پنج متر هم بالاتر می‌رفت، طی شش ماه انجام شد و کار ساخت آن به هر حال در تاریخ ۲۲ مهر به پایان رسید و پل عظیمی دو سوی اروند را به هم وصل کرد.

خیلی‌ها تا ندیده بودند، باور نمی‌کردند و پس از دیدن، آن را «معجزه» خواندند. گرچه چنین معجزه‌ای را قبلاً در هور که پل ۱۷ کیلومتری خیبر را زده بودیم، اهم بود، ولی این معجزه مهمتر

جلوه کرد ودشمن و حامیانش از این قدرت مهندسی آمادگی، استقامت و ابتکارگیج شده بودند.

با اینکه عملیات والفجر ۸ به مهمترین هدف خود که رسیدن به بندر ام‌قصر و قطع کامل رابطه عراق با دریا بود ـ ولو در مرحله دوم ـ نرسید، ولی آثار آن و آشکار شدن قدرت ایران در میدان نبرد و جدی‌تر شدن خطر سقوط حکومت بعث و نگرانی کشورهای جنوب خلیج‌فارس که حامی عراق بودند، از نزدیک شدن ایران به آنها ظهور کرد و آمریکا، انگلیس و فرانسه در ۲۴ مهر رسماً ایران را تهدید به دخالت و درگیری کردند.

آثار داخلی آن بالا رفتن سطح امید و توقع و زدودن رنج‌های دوران طولانی صبر و انتظار همراه با تحمل شرارت‌ها و جنایات جنگی صدامیان و اعتماد بیشتر به همه نیروهای مسلح و جهاد سازندگی بود که در این معجزه بزرگ ایمان و ایثار شرکت داشتند.

در آن زمان پیشنهاد کردم که مجموعه عملکرد این عملیات، موضوعی برای دروس نظامی دانشگاه‌های جنگ شود که در آن دلواپسی دشمن شدت گرفت و امیدها افزون شد.

پس از پیروزی در فاو، بر اساس سیاست گرفتن یک نقطه استراتژیک در عراق و اهرم کردن آن برای دریافت حقوقمان از عراق، بحث جدیدی در مورد آینده جنگ مطرح شد و سران قوا با حضور آیت‌الله منتظری در خدمت امام، چهار فرض را در مورد جنگ مطرح کردند:

۱- پذیرش آتش‌بس با توجه به خواست شورای امنیت به شرط محاکمه صدام و اخذ غرامت جنگ.

۲- ادامه جنگ تا کامل شدن هدف عبور از اروند و رسیدن به بندر ام‌قصر.

۳- ادامه جنگ تا سقوط صدام و حزب بعث عراق.

۴- راکد کردن جنگ و تلاش از مجاری سیاسی برای اهداف دفاع.

امام اجازه دادند که در مورد این فرض‌ها به بحث و مشورت بپردازیم و پس از مذاکرات، توجه‌ها بیشتر به راهکارهای دوم و سوم رسید.

میانجی‌گری‌های شورای امنیت سازمان ملل

بخش دیگری که در این کتاب می‌خوانید، مربوط به تحرکات میانجی‌گری از سوی افراد، کشورها و مراکز جهانی است که بعد از مشاهده قدرت رزمی ایران در عملیات خیبر و عمدتاً برای جلوگیری از پیروزی ایران و شکست صدامیان در کنار حرکت‌های مذبوحانه جنایات

جنگی صدام آغاز گردید.

آقای خاویر پرز دکوئیار دبیر کل سازمان ملل ۸ فروردین به ایران و فردای آن روز به عراق سفر کرد و برای متوقف شدن جنگ یا حداقل جلوگیری از اقدامات خلاف مقررات بین‌الملل تلاش جدی نمود.

بحث درباره آتش‌بس و ختم جنگ و شرایط آن در ۵ اسفند در سازمان ملل و شورای امنیت بالا گرفت. عراق در موضع ضعف بود و ایران روی شرط محاکمه متجاوز و پرداخت غرامت تأکید داشت و حتی به عنوان اعتراض به عدم تهیه مقدمات درست، در جلسه شورای امنیت شرکت نکرد. کمیته صلح سازمان کنفرانس اسلامی نیز در طول این سال فعالیت‌هایی برای جلب نظر ایران و عراق انجام داد. از جمله در شهریور ماه نشستی در جده داشت اما این تلاش‌ها به جهت عدم تأمین حقوق ایران ناموفق بود.

سرانجام پس از پیروزی‌های چشمگیر ایران در عملیات والفجر ۸ در هفته‌های آخر سال ۶۴ و به انفعال کشیده شدن صدام و حامیانش، شورای امنیت سازمان ملل در یک اقدام تأمل برانگیز به اتفاق آرا قطعنامه‌ای در مورد ختم جنگ تصویب کرد که نکات مثبت و منفی آن قابل توجه است.

ضمناً مدیران سازمان ملل که خود شاهد بمباران شیمیایی توسط صدامیان بودند، این جنایت جنگی را در تاریخ ۲۱ مارس ۱۹۸۶ (اول فروردین ۶۵) پذیرفتند[1]، ولی به هر حال با اینکه این اقدام گامی به جلو بود، خواسته‌ها را تأمین نکرد و ایران هم آن را نپذیرفت.

نفت، خلیج‌فارس و کشتی‌ها

دشمنان ایران خوب می‌دانستند که نقطه ضعف ما در بُعد اقتصاد و تأمین نیازهای مالی و تدارکاتی جبهه است و نیز می‌دانستند عمده امکانات مالی ما از نفت بدست می‌آید و به همین جهت عراق را برای حمله به مراکز نفتی و به خصوص مراکز نفتی دریایی و سامانه‌های بارگیری

---

۱ ـ شورای امنیت در بیانیه خود آورده است: "اعضای شورا عمیقاً از نتیجه گیری متفق‌القول گزارش کارشناسان حاکی از اینکه سلاح‌های شیمیایی در موارد بسیاری توسط نیروهای عراقی علیه نیروهای ایران و اخیراً در جریان حمله ایران به داخل سرزمین عراق به کار گرفته شده، نگران هستند.

اعضای شورا قویاً کاربرد مداوم سلاح‌های شیمیایی را که مغایر با پروتکل ۱۹۲۵ ژنو مبنی بر ممنوعیت کاربرد سلاح‌های شیمیایی در جنگ‌هاست، محکوم می‌نمایند".

و به ویژه جزیره خارک و گوره و کشتی‌های حامل نفت و کالا مجهز کردند و عراق بی‌رحمانه و بدون توجه به موازین و مقررات جهانی نبرد، حملات هوایی و موشکی وحشیانه‌ای را با استفاده از ستون پنجم برای فلج کردن صنعت نفت و منهدم کردن تأسیسات دریایی و ساحلی و ناامن کردن راه آبی خلیج‌فارس متمرکز کرد.

هواپیماهای دوربرد، موشک‌های لیزری، اطلاعات، عکس‌های ماهواره‌ای آواکس‌ها، سواحل و فرودگاه‌های کشورهای جنوب خلیج‌فارس در اختیار عراق قرار گرفت. ما هم با امکانات محدود، ولی ابتکارات کارا برای خنثی کردن این شرارت و توطئه، به مقابله پرداختیم و اعلان کردیم اگر خلیج‌فارس برای ایران ناامن شود، خداوند آن را برای همه ناامن خواهد کرد و هیچ شرارتی را بی‌جواب نمی‌گذارد.

خداوند هم به داد مظلوم این میدان نبرد نابرابر رسید و با تیرهای غیب به همه شرارت‌های صدام و یارانش جواب داده شد و برای مرحله نهایی، بحث بستن تنگه هرمز را در صورت لزوم آغاز و امکانات لازم تهیه کردیم و در جزایر نزدیک به تنگه و سواحل نزدیک مستقر نمودیم و برای کم کردن خطر، از گوبه‌های شناور برای بارگیری نفت دور از سواحل بهره گرفتیم و مراکز بارگیری را در جزایر سیری و پایانه احداث کردیم که ریسک شناورهای بزرگ خارجی را به حداقل رساندیم و پروازهای اف ۱۴ها را بر فراز خلیج‌فارس در حمایت از کاروان‌های دریایی و شناورها تنظیم نمودیم و هدف‌های کاذب که بسیاری از تیرهای دشمن را منحرف می‌کرد، به کار گرفتیم و صنعت مین‌های دریایی را فعال کردیم و اعلان کردیم آنهایی که به نیابت از عراق که از دریا محروم شده، نفت می‌فروشند، در حکم هدف‌های عراقی در مقابله به مثل می‌باشند و پیشرفت‌هایی در خاموش کردن چاه‌های نفتی منفجر شده و آتش گرفته بدست آمد که مایه تعجب جهانیان بود و سازمانی برای حفظ و فعال نگه‌داشتن کشتی‌های حامل کالا و نفت نیز به وجود آوردیم.

دخالت رسمی آمریکا

کار به جایی رسید که آمریکا با احساس شکست عراق در این نبرد جنایتکارانه، مجبور شد عملاً به میدان بیاید و امنیت کاروان‌های حامل نفت دیگران را با ناوهای جنگی و تحت پرچم آمریکا بر روی شناورهای دیگران به عهده بگیرد. امیدوار بودند که این اقدام، ایران را سر جای

خود بنشاند که این سیاست هم نگرفت.

چند تیر غیب، آمریکا را آسیب‌پذیر نشان داد و ابهت ببر کاغذی را شکست. البته بخشی از این موارد مربوط به سال‌های بعد است و چون در ادامه همین توطئه بوده، در اینجا مورد اشاره قرار گرفت. منتظر باشید که در خاطرات سال‌های ۶۵، ۶۶ و ۶۷ آنها را بخوانید.

کمبودهای مالی

یکی از مشکلات دوران دفاع، مضیقه‌های مالی است که تحت تأثیر کم شدن صدور نفت و بالا بودن هزینه‌های جنگ و نیز کم شدن تولیدات استان‌های جنگ زده و صنایع آسیب دیده پی آمد و معمولاً در بودجه‌ها، کسری علنی یا مخفی زیادی داشتیم و از منابع تورم زای بانک مرکزی استفاده می‌شد. یکی از موارد آن کسب اجازه ولایی از امام توسط دولت در تاریخ ۱۸ دی ماه برای گرفتن ده میلیارد دلار خارج از بودجه از بانک مرکزی بود. سرانجام هم یکی از عوامل پذیرش قطعنامه تنگناهای اقتصادی بود.

تدارک سلاح

تهیه نیازهای دفاع مقدس و مخصوصاً سلاح و مهمات، یکی از دغدغه‌های دائمی کشور در طول دوران هشت ساله جنگ بود. سلاح‌های ایران عمدتاً از منابع غربی بود و غربی‌ها ما را تحریم کرده بودند. سلاح‌ها و قطعات و سایر نیازهای لجستیک را که از قراردادهای فروش، متعهد به تأمین آن بودند، به ما نمی‌دادند و گاهی به خاطر نداشتن یک یا چند قطعه، سلاح‌های مهم مثل هواپیما، تانک، رادار و موشک‌ها از رده خارج می‌شدند.

ما مجبور بودیم از منابع دست دوم و یا بازار سیاه تهیه کنیم که معمولاً گران و بی‌کیفیت‌تر بودند. البته بخشی از نیازها را خودمان می‌ساختیم و صنایع دفاعی و نظامی روز به روز فعال‌تر می‌شد که در اواخر جنگ تبدیل به زرادخانه قابل توجهی گردید و در بسیاری از موارد خودکفا شده بودیم. بخشی را هم از کشورهایی مثل چین، کره شمالی، لیبی و... می‌گرفتیم. در خاطرات به موارد زیادی برمی‌خورید که دلال‌ها با افراد دلسوز برای تهیه نیازهای جنگی مراجعه می‌کردند؛ بعضی صادقانه و بعضی سودجویانه و بعضی هم با اهداف دیگر.

آمریکا، مک‌فارلین و قربانی‌فر

از اوایل سال، زمزمه‌هایی به‌گوش می‌رسید که در آمریکا جریانی به وجود آمده که سیاست تأمین سلاح برای ایران را دنبال می‌کند. با این استدلال که نگذارند ایران از اتکا به سلاح آنها بی‌نیاز شود و یا اینکه تداوم حمایت از عراق را بی‌آینده و طرفداری از طرف در حال شکست ارزیابی می‌کردند.

در اول شهریور این سال آقای محسن کنگرلو مشاور نخست وزیر که برای تأمین نیازها، با واسطه‌هایی از جمله آقای منوچهر قربانی‌فر کار می‌کرد، خبر از نامه‌ای داد که او فرستاده بود.

قربانی‌فر یک ایرانی فراری بود و بر اثر آشنایی‌اش در زمان شاه با منابع دارنده سلاح، در کار تهیه و فروش سلاح به ایران بود. او به کنگرلو تغییر سیاست آمریکا را خبر داده بود. سپس در یک نامه از جلسه‌ای گزارش داد که با سران آمریکا آقایان دول رئیس اسبق سنای آمریکا و جورج‌بوش معاون رئیس جمهور داشته و بحث تغییر سیاست آمریکا و دادن سلاح به ایران مطرح بوده است. نامه در جلسه سران مطرح شد و ابعاد آن مورد بررسی قرار گرفت[1].

در سال‌های ۶۳ و ۶۴ افرادی از اتباع آمریکا و بعضی از کشورهای غربی، در لبنان به گروگان گرفته شده بودند و گروگان‌گیرها هم درست شناخته شده نبودند و نیز ربودن هواپیمای تی.دبلیو.ای در اواخر خرداد هم فشار مضاعفی بر غربی‌ها وارد کرده بود.

بعضی از خواسته‌های ربایندگان ناشناس، نشان از اسلامی بودن جریان رباینده‌ها داشت. واسطه‌هایی برای حل مشکل به ایران متوسل می‌شدند و در یکی دو مورد از طریق افرادی، سرنخی از گروگان‌گیران پیدا شد.

رفته رفته دریافت نیازهای دفاعی در مقابل تلاش برای نجات گروگان‌ها مطرح گردید. به خصوص دریافت لامپ‌های حساس رادارها و موشک‌های تاو، هاک و فونیکس و هارپون و قطعات حساس سلاح‌ها و هواپیماها که نیاز بسیار ضروری دفاعمان بود، ما را به انجام معامله وارد کرد. چند محموله کوچک سلاح در مقابل کمک به آزادی چند گروگان دریافت شد و کم‌کم صحبت از تحویل محموله‌های بزرگ با کشتی و هواپیما پیش آمد.

در چهارم خرداد ۶۵ خبر رسید که هیأتی برای گفت‌وگو درباره تحویل سلاح و حل مشکل

---

۱ ـ متن نامه در بخش ضمایم همین کتاب آمده است.

لبنان همراه با محموله‌ای که در هواپیمای حامل آنها وجود دارد، به ایران می‌آیند. اشتباهشان این بود که هویت اعضای هیأت را درست نگفته بودند.

در فرودگاه مهرآباد آقای مک‌فارلین خود را با گذرنامه جعلی ایرلندی، عضو و سرپرست هیأت معرفی کرده بود و هدایای رئیس جمهور آمریکا را که به عنوان علامت حسن نیت همراه داشت ـ کیک و کلت ـ به مأموران داده بود. مأموران که با وضع غیرقابل پیش‌بینی مواجه شده بودند، برای گزارش وضع و گرفتن نظر مسئولان، مدتی آنها را معطل و سرانجام در هتل استقلال مستقر کرده بودند.

سران قوا، فردا پس از مشورت با امام، آقایان دکتر [محمدعلی] هادی و [فریدون] وردی‌نژاد را برای مذاکره با آنها تعیین کردند. مذاکرات آنها پنج روز طول کشید و آقای مک‌فارلین تقاضای ملاقات با سران قوا داشت. با نظر امام با این تقاضا موافقت نشد و آنها از طریق فرستنده که در هواپیمای خود داشتند، گزارش کارشان را به آمریکا می‌دادند و نظر می‌خواستند و دکتر هادی و وردی‌نژاد هم با گزارش مذاکرات، نظر سران قوا را می‌گرفتند و سران هم در موارد مهم از امام نظر می‌خواستند. مذاکرات نتیجه مطلوب را نداشت. آنها برگشتند و قرار شد مسأله محرمانه بماند و تا مدتی مخفی ماند.

در تاریخ ۱۱ آبان ۶۵ مجله لبنانی الشراع، شرح گزارشی از سفر ناموفق مک‌فارلین به ایران با مطالبی مخلوط صحیح و ناصحیح داد و خبر مثل بمب در دنیا منفجر شد. امام دستور دادند که ما مشروح جریان را همان‌گونه که اتفاق افتاده، با مردم در میان بگذاریم و من در روز ۱۳ آبان در یک سخنرانی برای جمعیت انبوهی که مقابل مجلس جمع شده بودند، شرح ماجرا را گفتم. در تاریخ ۱۷ فروردین ۶۶ هم در مصاحبه‌ای جواب سؤالات فراوان خبرنگاران را دادم.

بعضی‌ها از این افشاگری‌ها انتقاد کردند و گفتند چرا پیشامدی را که می‌توانست مشکل جنگ را رفع کند، از دست داده‌اند. حتی آیت‌الله منتظری هم به قطع مذاکرات و معاملات اعتراض کردند.

در جای جای خاطرات، ایستگاه‌های این جریان را می‌بینید و در پاورقی‌ها شرح بیشتری خواهد آمد و کتاب مستقلی هم تهیه شده که به زودی منتشر می‌شود. پس از قطع آن فاز از مذاکرات، فاز دیگری شروع شد و پیشرفت‌هایی داشت و بعدها به دلایلی قطع شد. بخشی از مطالب مورد اشاره مربوط به خاطرات سال ۶۵ است که در سال آینده منتشر می‌شود.

منابع دیگر نیازهای تسلیحاتی دفاع مقدس

برای تأمین نیازها، بیشتربه بقایای به جامانده از رژیم پهلوی و تولیدات داخلی و بازار سیاه و دلالان سلاح متکی بودیم و تعمیر و نگهداری و صرفه‌جویی هم کارساز بود. در این میان سفرهای من به لیبی، سوریه و چین هم کارساز شد و بعضی نیازهای مهم موشکی و مهماتی و توپخانه و قطعات را برطرف کرد. موشک‌هایی که لیبی سخاوتمندانه و با استقبال از خطر خشم شوروی به ما داد، در مقابله به مثل جنگ شهرها تأثیرات فیزیکی و روانی زیادی داشت و به صنعت نوپای موشکی ما هم کمک کرد؛ کاری که سوریه با همه اصرار ما نکرد. البته نفس مواضع سوریه و شخص حافظ اسد به نفع ایران در جنگ با عراق، ارزشی بیشتر از سلاح داشت. چون تلاش زیادی می‌شد که جنگ را بین عرب و عجم یا سنی و شیعه معرفی کنند.

وجود سوریه و حافظ اسد ـ شخصیت انقلابی و سیاسی جهان عرب و اسلام ـ و نیز کشور انقلابی لیبی در کنار ما این توطئه را خنثی می‌کرد و به علاوه قطع رابطه بین سوریه و عراق مشکلات زیادی برای صدام به وجود آورد؛ قطع لوله نفت عراق به مدیترانه از مسیر سوریه آن هم در زمانی که عراق نمی‌توانست از مسیر خلیج‌فارس استفاده کند و صدور نفت عراق محدود به خط لوله‌ای شده بود که از طریق ترکیه و آن هم با آسیب زیادی که در منطقه کردها داشت، محدود شده بود و کمی هم با تانکرهای نفتکش از طریق اردن صادر می‌کرد و به هر دو جا باج می‌داد.

البته بعضی از کشورهای عربی جنوب [خلیج‌فارس] به نیابت از عراق نفت خود را می‌فروختند و پول آن را به عراق می‌دادند و گویا هنوز هم منتظر دریافت طلب خود هستند. خط لوله‌ای هم برای انتقال نفت عراق از خاک عربستان سعودی به دریای احمر در دست ساخت داشتند. سلاح‌ها و فن‌آوری‌هایی که چین و کره شمالی به صورت محدود و بعد از سفر من دادند، نسبتاً کارگشا شد و نقش قابل توجهی در صنایع نظامی داشته و دارد، گرچه آنها به عراق هم می‌دادند؛ چون عراق اصالتاً به اردوگاه شرق نزدیک‌تر بود.

راهیان کربلا

برای عملیات سرنوشت‌ساز نیاز به بسیج کردن و آموزش نیروهای زیادی بود که می‌بایست به نحوی عمل می‌شد که اصل غافلگیری حفظ شود. با بزرگ نمایی خطرات دشمن در

خلیج‌فارس و ضرورت آمادگی برای دفاع و عواقب و احتمال بستن تنگه هرمز، برنامه راهیان کربلا طراحی و اجرا شد و پس از آمادگی نیروها، مقدمات دیگر عملیات کامل نبود و تأخیرهای مکرر، نگرانی از خسته شدن نیروها و مراجعت آنها پیش آمده بود.

انتخابات، کابینه و دولت

از مسایل مهم سال ۶۴ موضوع دولت بود. آیت‌الله خامنه‌ای به خاطر اختلاف نظرهایی که با دولت درخصوص تمرکز گرایی، اقتصاد و بعضی از افراد کابینه داشتند، مایل به انتخاب مجدد به عنوان رئیس جمهور نبودند. دوستان ایشان و بیش از همه خود من با اصرار زیادی ایشان را قانع به ضرورت حضور کردیم. نظر امام راحل نیز همین بود. ایشان با صراحت قید کردند که در صورت انتخاب مجدد، مصمم به اصلاحاتی در ترکیب دولت هستند.

پس از انتخاب آیت‌الله خامنه‌ای، اولین مسأله معرفی نخست وزیر به مجلس برای گرفتن رأی تمایل بود. رئیس جمهور موافق با معرفی مهندس میرحسین موسوی نبودند و علیرغم علاقه شخصی به ایشان و ارتباط خانوادگی، به افراد دیگری نظر داشتند. امام راحل با توجه به نظر اکثریت نمایندگان مجلس و نیروهای رادیکال و چپ‌گرای انقلاب و اخباری که از نظر رزمندگان به ایشان می‌رسید، موافق با تغییر نخست وزیر نبودند.

رئیس جمهور به حق از من توقع داشتند که در این جهت به ایشان کمک کنم و من هم قول تلاش در این جهت داده بودم و مذاکرات زیاد و متعددی هم با شخص امام و حاج احمدآقا داشتم. شخصیت‌های متعددی از جناح راست هم با ملاقات یا پیام از امام، درخواست موافقت با تغییر دولت را داشتند.

اما همه این تلاش‌ها تغییری در نظر امام به وجود نیاورد و آیت‌الله خامنه‌ای با توجه به وظایف و حقوق و اختیارات خود، گفتند نمی‌توانند برخلاف عقیده خود عمل کنند؛ مگر در صورت حکم امام که در این صورت تکلیف ایشان عوض می‌شود. امام حاضر به صدور حکم نشدند و حتی فرمودند به عنوان یک شهروند نظرشان را درباره کابینه اعلان می‌کنند.

معلوم بود که نتیجه چنین اعلانی چه بود. حتی پیشنهاد اینکه حکمِ گرفتن رأی تمایل و اعتماد مجلس برای نخست‌وزیر و کابینه پس از انتخاب مجدد رئیس جمهور با تفسیر شورای نگهبان از قانون اساسی با اتکاء به نظر امام، معلق شود، با موافقت امام مواجه نشد. بالاخره کار

به بن‌بست رسید. بدون جلب نظر امام، امکان تغییر دولت نبود و اکثریت مجلس هم مخالف تغییر بودند. با تسلیم رئیس جمهور و معرفی آقای مهندس موسوی به مجلس از این مرحله عبور کردیم. ایشان با ۱۶۱ رأی موافق و ۷۳ رأی مخالف و ۲۶ رأی ممتنع از ۲۶۱ نفر نماینده حاضر در جلسه، رأی تمایل مجلس را بدست آورد.

همین وضع در مورد تعدادی از اعضای کابینه تکرار گردید. گرچه امام درباره اعضای دولت نظر شخصی ابراز نکردند، اما اکثریت نمایندگان با افراد مورد نظر نخست‌وزیر موافقت داشتند و مذاکرات و صرف وقت‌های زیاد هم نتوانست توافق مطلوب را به دست آورد و مشاجرات جناحی و نطق‌های مخالف و موافق هم وضع را دشوارتر می‌کرد. به خصوص بعد از عدم رأی ۹۹ نفر از نمایندگان اقلیت مجلس وفق نظر امام ـ که مشخص شده بود ـ فشار زیادی بر اقلیت در مجلس وارد می‌شد و به سطح جامعه سرایت می‌کرد.

آیت‌الله خامنه‌ای در این زمینه کوتاه نمی‌آمدند و آقای موسوی هم حاضر به معرفی افرادی که جناح راست بپسندد، نمی‌شدند. امام راه حل دیگری مطرح کردند و آن تشکیل گروه داور با ترکیب من، آیت‌الله موسوی اردبیلی و حاج احمدآقا برای تصمیم در موارد اختلاف نظر رئیس جمهور و نخست‌وزیر درخصوص اعضای کابینه بود. معلوم بود که این ترکیب، همه نظرات رئیس جمهور را تأمین نمی‌کند.

روزهای سختی بر من گذشت. توقع به حق آیت‌الله خامنه‌ای از من و عدم قدرت من در تغییر رأی دیگران و امام کار را دشوار کرده بود. البته در چند مورد توانستیم تعدیل و توافقی به وجود بیاوریم، ولی این همه کار نبود. تازه نوبت به مجلسیان می‌رسید که در آنجا علیرغم نفوذ خوب من، در مواردی کار به سامان نمی‌رسید و در نهایت ترکیب کابینه رضایت کامل خاطر رئیس جمهور را تأمین نکرد و مهندس موسوی هم با بعضی از آنها توافقی نداشت و سرانجام توانستیم ترکیبی اسلامی از کابینه را به تصویب مجلس برسانیم.

در این کتاب به مواردی از این مسأله برخورد می‌کنید که مختصر و اشاره‌گونه نوشته شده و برای اطلاع بیشتر، مذاکرات مجلس در سال ۱۳۶۴ می‌تواند اطلاعات را تقویت نماید. حتی در سال‌های بعد هم آثار این وضع خود را در عمل نشان می‌دهد که در خاطرات سال‌های بعد خواهید دید. من هنوز هم تلخی‌های آن دوران را در ذائقه آیت‌الله خامنه‌ای که گاهی بروز دارد، احساس می‌کنم.

قائم مقامی آیت‌الله منتظری

کسالت‌های امام آن هم در زمان جنگ و اختلافات داخلی مایه نگرانی بود. فکر شد که لازم است جانشینی برای امام مشخص گردد که در صورت بروز حادثه‌ای، دچار خلاء مرکزیت و مشروعیت نشود. در بین علما و مراجع، آیت‌الله منتظری دارای بیشترین صلاحیت شناخته شدند و مقدماتی برای رسمیت دادن به آن انجام گرفت، گرچه امام در آن زمان هم احتیاط‌ها و بعضی از کارهای مهم خود را به ایشان محول می‌کردند.

در مجلس خبرگان در تاریخ ۱۸ آبان این موضوع مطرح شد و آقای منتظری با ارسال پیامی مخالفت خود را اعلان داشتند، ولی خبرگان کار را انجام داد و رسماً ایشان به عنوان قائم مقام رهبری معرفی شدند.

قبل از طرح مسأله در مجلس خبرگان، آقای محمدی گیلانی در ۱۴ آبان پیامی از امام برای من آوردند که از طرح مسأله در خبرگان خودداری کنیم و پس از آن پیام دیگری رسید که آن پیام را نادیده بگیریم.



مشکل دیگری که در این سال پیش آمد، دولت امارات اعلان کرد که مقداری سلاح و مواد منفجره که از افراد منتسب به سپاه و بیت آقای منتظری بوده، کشف کرده که تبلیغات سهمگینی برای تیره کردن روابط ایران با همسایگان روی آن شد که گونه‌هایی از موضوع را در این کتاب می‌خوانید.

حزب و روزنامه جمهوری اسلامی

اختلاف بین دو جریان رادیکال و محافظه‌کار در درون حزب جمهوری اسلامی، شبیه اختلاف در دولت و مجلس ادامه داشت که این اختلاف به مدیریت و محتوا و شیوه اداره روزنامه جمهوری اسلامی هم کشیده شده بود و وقت زیادی از ما می‌گرفت. بالاخره پای امام راحل، هم در داخل کار حزب و هم روزنامه به میان آمد. بحث بر سر ادامه کار یا انحلال و یا پایین کشیدن فتیله حزب بود و سرانجام راه سوم با مشورت امام راحل انتخاب شد. این جریان ضربه‌کاری را به تفکر تحزب وارد کرد و پس از آن دیگر حزب نیرومندی در کشور شکل نگرفت.

تجربه خدمات سرنوشت‌ساز حزب جمهوری اسلامی ایران در چند سال عمر کوتاهش،

بسیار روشن و الهام بخش است که جلوگیری از انحراف نظام با تشکیل مجلسی انقلابی و ایفای نقش در مسایل اساسی کشور، از جمله آنهاست. خوشبختانه روزنامه جمهوری اسلامی با همان مدیریت و محتوا ادامه یافت و امروز یکی از غنی‌ترین تجربه‌های مطبوعاتی است و افتخارات بزرگی را در پرونده خود دارد و نمونه‌ای از استقامت و پافشاری بر اصول است.

البته حزب جمهوری اسلامی هنوز هم شخصیت حقوقی و قانونی خود را دارد. باشد که روزی بار دیگر از آن ریشه تنومند، جوانه‌هایی بجوشد و کاری بکند؛ به امید خدای مهربان و حکیم.

سفرهای خارجی

در سال ۱۳۶۴ سفرهای کارسازی به کشورهای لیبی و سوریه و سپس چین و ژاپن داشتم. در این سفرها به رأی العین، عظمت، اُبهت و اعتبار جمهوری اسلامی مظلوم را در خارج از کشور دیدم و ماهیت، اهداف، آثار و برنامه‌های ایران اسلامی و ماهیت دفاعی جنگ از سوی ایران و ماهیت تجاوزکارانه و جنایت بار آن از سوی عراق را در مذاکرات، سخنرانی‌ها و مصاحبه‌ها توضیح دادم و آثار مهمی در جهت تأمین نیازهای دفاعی وضروری کشور و تقویت سیاسی مواضع حق ایران بدست آمد که مقداری از آن در این کتاب دیده می‌شود. به غیر از اهداف دفاعی، این سفرها دستاوردهای مهم دیگری هم داشت که به بخشی از آنها اشاره می‌شود:

۱- به دستور امام به رهبران چین و ژاپن گفتم که انقلاب آماده است همکاری استراتژیک با آنها داشته باشد و آنها در مذاکره استقبال کردند. چین تا حدودی به این قرار پایبند شد و تاکنون هم ادامه دارد، ولی نه با آن وسعت مورد نظر. ژاپن گویا تحت تأثیر قدرت آمریکا نتوانست به حد مورد انتظار عمل کند، ولی عملاً جریان همکاری باثباتی برقرار شد و در محدوده‌های اقتصادی و فنی ادامه یافت.

۲- در سوریه با سران گروه‌های مجاهدان فلسطینی و مرکزیت حزب‌الله لبنان و جریان‌های مترقی اهل سنت مذاکرات مهمی داشتیم که آثار آن هنوز باقی و در مواردی توسعه یافته است.

۳- با آقای حافظ اسد و آقای معمر قذافی دوستی ریشه‌داری برقرار شد که بحمدالله تداوم یافت.

وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی

پس از پیروزی انقلاب بسیاری از متخصصان از کشور مهاجرت کردند. در این میان، از مهاجرت پزشکان تأثیرات منفی بیشتری مشهود بود. چون آثار کمبود پزشک برای آحاد مردم ملموس بود. بگذریم که بدون مهاجَرت هم کشور دچار کمبود پزشک بود و از دوره رژیم پهلوی این مشکل با آوردن پزشکان خارجی و به‌کارگرفتن بیشتر آنها در نقاط محروم، مقداری از کمبود کاسته می‌شد.

کمبود پزشک و دارو و تجهیزات پزشکی، مردم را به شدت رنج می‌داد و یکی از راهکارهای پیشنهادی برای حل ریشه‌ای مشکل، تربیت پزشک بود. در سیستم آموزشی، تربیت پزشک در اختیار وزارت علوم قرار داشت، در حالی که بیمارستان‌های کشور که می‌توانستند کمک زیادی به تربیت پزشک بنمایند، در دست وزارت بهداری بودند و اصولاً ظرفیت آموزش عالی در اکثر رشته‌ها خیلی کمتر از نیاز جامعه بود و در ادامه سیاست رژیم گذشته، بسیاری از نیازهای آموزشی با اعزام دانشجو به خارج و آوردن متخصص از خارج به طور ناقص و با عیوب زیاد رفع می‌شد.

بخش درمان کشور هم در وزارت بهداری متمرکز بود که مسئولیتی در آموزش نداشت. پیشنهاد جدا شدن آموزش پزشکی از وزارت علوم و انتقال آن به وزارت بهداری، مورد اختلاف کارشناسان و مدیران قرار گرفت و دوره طولانی این اختلاف مانع تصمیم‌گیری بود.

در سال ۶۲ لایحه تشکیل وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی در مجلس مطرح شد و تا سال ۱۳۶۴ ادامه یافت و شما در کتاب به مواردی از شاخ و برگ‌های این موضوع برمی‌خورید و سرانجام در تاریخ ۲۰ تیر به تصویب مجلس رسید.

مطالبات ایران از فرانسه

رژیم گذشته در امتداد سیاست توسعه صنایع و نیروگاه‌های هسته‌ای ایران در مجتمع عظیم غنی‌سازی اورانیوم اورودیف فرانسه شریک شده و ده درصد از سهام آن را خریده بود. ایران در تأسیسات اورودیف دو میلیارد دلار سرمایه‌گذاری کرده بود که این دو میلیارد دلار، وام ورود صنعت غنی‌سازی فرانسه بود که یک میلیارد دلار آن را "بختیار" پس گرفته بود و یک میلیارد دلار دیگر دست فرانسه بود.

با تعطیل شدن کار ساختمان نیروگاه‌های هسته‌ای بوشهر و دارخوین و خارج شدن توسعه صنایع هسته‌ای و نیروگاه‌ها از برنامه و به خصوص بعد از موضع‌گیری‌های فرانسه به نفع صدام و مزاحمت‌های آن کشور علیه ایران با دادن اعتبارات و سلاح‌ها و حمایت‌های سیاسی و میزبانی ضدانقلاب، منافقین و بنی‌صدر، ادامه کار سرمایه‌گذاری‌های ما در فرانسه دچار مشکل شد.

تا وقوع انقلاب اسلامی، رآکتور شماره یک بوشهر به میزان ۸۵ درصد و احداث رآکتور شماره دو نیز ۶۵ درصد پیشرفت فیزیکی داشتند، اما با پیروزی انقلاب، دولت موقت به ریاست مهندس بازرگان با انتصاب دکتر فریدون سحابی از فعالان نهضت آزادی به ریاست سازمان انرژی اتمی ایران، عملیات ساخت نیروگاه بوشهر، به عنوان بزرگترین پروژه اجرایی هسته‌ای خاورمیانه در زمان خود، متوقف شد و بسیاری از برنامه‌های هسته‌ای دیگر نیز به تعطیلی کشانده شد.

پس از انقلاب شرکت آلمانی زیمنس، حاضر به تکمیل نیروگاه هسته‌ای بوشهر نشد و به جای آن پیشنهاد داد این طرح با رآکتورهایی که باگاز طبیعی کار می‌کردند تکمیل شود. ایران با آن مخالفت کرد و از آنجایی که در این برهه نمی‌توانست فشار بین‌المللی چندانی به آلمان غربی وارد کند، لذا مشاجره حقوقی بر سر این طرح ناتمام تا سال ۱۹۸۸ ادامه یافت و ایران درخواست غرامت کرد، اما سرانجام شرکت زیمنس علیرغم رأی دادگاه داوری، غرامتی به ایران پرداخت نکرد. روند ضررهای هسته‌ای ایران در این دوره، شامل تأسیسات غنی‌سازی اورودیف فرانسه نیز می‌شد.

در پی فسخ این قرارداد، فرانسوی‌ها اقامه دعوا کردند و شرکت اورودیف از آن‌جایی که این اقدام ایران را موجب عدم تحقق برنامه‌ریزی ده ساله خود دانستند، تقاضای خسارت کرد و در نهایت ۶۰۰ میلیون فرانک از یک میلیارد دلار سرمایه‌گذاری ایران به عنوان خسارت تأمین شد.

با پیگیری سازمان انرژی هسته‌ای و همکاری محدود دولت آقای شیراک، توانستیم بخشی از مشکل را حل کنیم و همان راکه مورد نیاز شدید بود، پس بگیریم و سهم‌مان را در شرکت حفظ کنیم که در خاطرات این سال، موارد متعددی در این باره وجود دارد.

آرژانتین

تحریم‌های عملی غربیها در مورد دانش هسته‌ای علیه ایران و عدم عمل به تعهدات

قراردادهای گذشته باعث شد که سازمان انرژی هسته‌ای به دولت آرژانتین روی بیاورد و قراردادهایی را با آن‌ها امضا نماید و اقدامات عملی شود، اما فشار غرب بر آرژانتین آن راه را هم به روی ما بست و ایران روی پای خود ادامه داد و در این راه با اتکا به دانش و فن خود پیشرفت کرد تا به نقطه موجود فعلی رسید و ان‌شاءالله ادامه خواهد یافت. البته برای رآکتور تحقیقاتی تهران، توانستیم علیرغم همه کارشکنی‌های آمریکا سوخت دریافت کنیم که بعدها این رآکتور باعث تولید و خودکفایی رادیوایزوتوپ‌ها در کشور شد؛ به طوری که ایران در سال ۱۳۷۵ به خودکفایی در تولید "رادیو داروها" دست یافت.

احداث مترو در تهران

رژیم سابق قرارداد مطالعه طراحی و نظارت بر ساخت متروی تهران را با یک شرکت فرانسوی منعقد کرده بود و کار اجرایی آن با حفر تونل خط یک از زمین‌های عباس‌آباد آغاز شده بود. با پیروزی انقلاب و تبلیغات نیروهای چپ و به خصوص حزب توده با عنوان لوکس بودن مترو و وابستگی‌آور بودن آن، کم‌کم فعالیت آن کند شد و رو به رکود گذاشت و بالاخره در اواخر سال ۱۳۶۰ به طور کامل متوقف شد.

شخصاً در سفرهای خارجی خود قبل از انقلاب در اروپا و ژاپن با اهمیت تأثیرات مثبت مترو آشنا شده بودم و در دولت موقت نتوانستم از تعطیلی آن جلوگیری کنم. بعد از پیروزی انقلاب در مجلس اول تلاش‌هایی برای احیای طرح آغاز کردم، اما در مجلس و دولت هم کارش پیش نرفت، زیرا به خاطر جنگ تحمیلی اختصاص بودجه به طرح‌های مهم مشکل بود. به علاوه نمایندگان مجلس که نیازها و مشکلات حوزه‌های انتخابیه خودشان را در اولویت می‌دیدند، با دادن بودجه به طرح پر هزینه و دیربازده مترو در تهران مخالفت می‌کردند و اصولاً گرفتن بودجه برای تهران که امکانات زیادی در آن متراکم شده بود، در همه زمینه‌ها مشکل بود و دولت هم در این تفکر دست کمی از مجلس نداشت.

به هر حال تلاشم را ادامه دادم و در مجلس دوم، نمایندگان تهران هم با من هم صدا شدند و تصمیم گرفتیم بدون دریافت از منابع دولتی، با اتکا به امکانات خود شهر تهران، کار را آغاز کنیم و مصوباتی برای تأمین منابع از عوارض شهرداری تهران، به خصوص تعیین عوارض بر سوخت مصرفی در تهران و مشارکت بانک‌ها تصویب شد. از شهرداری تهران چیزی به دست نیامد، اما

مشارکت بانک‌ها تا حدودی کارگشا بود.

گذشته از فقدان بودجه و اعتبار و کمبود مصالح ماشین آلات، مخالفت‌های فکری و سیاسی هم کار را دشوار می‌کرد. در تاریخ ۱۰ فروردین شخصاً به جلسه هیأت دولت رفتم و با بحث‌های طولانی و مساعدت مهندس [میرحسین] موسوی، توانستم رأی اکثریت دولت را بگیرم. چهره‌های مؤثر اقتصادی دولت و چپ‌گراها مخالف بودند و با این رأی دولت، مشکل قانونی حل شد اما مشکل سیاسی و فکری باقی بود، به خصوص مخالفت‌های آیت‌الله منتظری که با موقعیت مهمی که داشتند، کار سخت شده بود.

ناچار شدم برای توجیه افکار عمومی که مسموم شده بود، در نماز جمعه خطبه‌ای در مزایا و آثار مهم اقتصادی، اجتماعی، امنیتی، روانی، بهداشتی و صرفه‌جویی مترو بخوانم. آن خطبه خیلی از مخالفان را وادار به عقب‌نشینی یا سکوت کرد و به نام خطبه مترو معروف شد.

بالاخره با حرکت لاک‌پشتی موفق شدیم کار اجرایی را آغاز کنیم و با وجود همه مشکلات و ناملایمات به مرحله بهره‌برداری برسانیم. در این کتاب موارد زیادی از مذاکرات، جلسات و اقدامات انجام شده را در این مورد می‌خوانید.

بخش خصوصی و دولت

یکی از موارد مهم اختلاف بین دو جناح فکری نیروهای انقلاب، قلمرو عمل دولت و غیر دولت بود. جناح راست، طرفدار میدان دادن بیشتر به بخش خصوصی بود و جناح چپ امور را متمرکز در دولت می‌خواست و خارج از دولت، توجه بیشتری به بخش تعاونی داشت.

بر سر معادن، بازرگانی خارجی، مدارس و دانشگاه‌های غیر دولتی، تولید، توزیع و امثال اینها، آنجا که طرح یا لایحه‌ای پیش می‌آید، موضع‌گیری‌های متفاوت، بحث‌ها را داغ می‌کرد. نمونه‌هایی از این نوع بحث‌ها را در سراسر کتاب می‌بینید و برای اطلاع بیشتر می‌توانید به مذاکرات مجلس نیز رجوع نمائید.

دانشگاه آزاد اسلامی

اختلاف جناح راست و چپ در مورد دانشگاه آزاد اسلامی هم صدق می‌کرد، ولی این بحث در مجلس مطرح نبود و بیشتر در شورای عالی انقلاب فرهنگی بحث می‌شد. با این تفاوت که در

این مورد تأیید امام راحل و حضور مؤسسان آن ـ که سران قوا بودند ـ در شورای انقلاب فرهنگی مانع مخالفت‌های اساسی بود. ولی بالاخره تفاوت نظرها در جاهایی مثل اساسنامه دانشگاه بی‌جلوه نبود. البته اساسنامه دانشگاه آزاد اسلامی به آسانی و با محدودیت‌هایی، در شورای عالی انقلاب فرهنگی تصویب شد. اعضای دیگر هیأت مؤسس، سران دیگر قوا که فرصت پرداختن به مسایل فراوان آن را نداشتند، اینجانب را وکیل تام‌الاختیار کردند که به وظایف و اختیارات هیأت مؤسس عمل کنم و باری جدید بر دوش من شد که هنوز هم هست.

حرف آخر

این جلد از خاطرات، هشتمین کتاب خاطرات من است. کتاب **دوران مبارزه** مربوط به قبل از انقلاب و بقیه مربوط به بعد از پیروزی انقلاب می‌باشد. خاطرات قبل از انقلاب با شیوه مصاحبه تهیه و تنظیم شده و سال‌های ۵۷، ۵۸ و ۵۹ هم با مصاحبه و از روی اسناد تنظیم گردیده است. در آن سال‌ها یادداشت روزانه نداشتم، ولی سخنرانی‌ها، پیام‌ها، نامه‌ها و مصاحبه‌های فراوانی داشتم که به اندازه کافی سند معتبر برای نوشتن خاطرات در اختیار می‌گذارند.

اما از اول فروردین سال ۶۰ هر روز در یک صفحه از سررسید همان سال، یادداشت‌هایی درباره کارهای خودم و حوادث مهم داخلی و خارجی می‌نویسم و این کار تاکنون ادامه دارد و عملاً برای هر سال یک کتاب آماده در یک تقویم [سررسید] بزرگ موجود است و بنا داریم هر سال یک جلد از آن توسط دفتر نشر معارف انقلاب منتشر شود.

معمولاً در تنظیم نهایی سعی می‌شود که در متن نوشته دست برده نشود، جز در مواردی که اشتباهی باشد و یا نشر آن ضرری داشته باشد و یا به کسی توهین شود. سعی می‌شود مطالب مربوط به دیگران در صورتی که احتمال عدم رضایت طرف داده شود، با خود او در میان گذاشته شود و در صورت عدم موافقت، نوشته نمی‌شود.

معمولاً قبل از چاپ، نسخه‌ای به آیت‌الله خامنه‌ای می‌دهم و نظر ایشان را می‌خواهم. در موارد کمی اظهار نظر می‌کنند و گویا بعضی از سال‌ها غفلت شده است.

دفتر نشر معارف انقلاب در کنار انتشار کتاب خاطرات، چند کتاب دیگر شامل مجموعه سخنرانی‌ها و پیام‌ها، مجموعه خطبه‌های جمعه، مجموعه مصاحبه‌ها و مجموعه نطق‌های

پیش از دستور مجلس شورای اسلامی، مربوط به همان سال را ضمیمه کتاب اصلی منتشر می‌کند که این کتاب‌ها می‌توانند مستندات مطالب خاطرات یا توضیحات بیشتر و یا مستقل از آن باشند.

در پاورقی کتاب خاطرات نیز ویراستار توضیحاتی راجع به مطالب مبهم می‌نویسند که معمولاً با کسب نظر خود من است. به هر حال سعی و وقت زیادی می‌شود که اصالت و صحت مندرجات تضمین شود و تغییرات بسیار جزیی و معمولاً لفظی است و اگر در ویراستاری کلمه‌ای اضافه شود، در داخل کروشه می‌آید.

خوشبختانه دفتر نشر معارف انقلاب متن تمامی خاطرات نگاشته شده را به لوح فشرده هم منتقل کرده است که در صورت آسیب دیدن یادداشت‌ها، نسخه‌های دیگری وجود داشته باشد.

از خداوند متعال شاکرم که توفیق ثبت تاریخ مشعشع انقلاب را تا آنجا که به خود من مربوط است و نیز توفیق نشر بخشی از آن را عطا فرموده است. از تمام کسانی که در این راه مساعدت دادند متشکرم.

اکبر هاشمی رفسنجانی
۱۳۸۶/۱۰/۲۲

یادداشت ناشر

بسم‌الله الرحمن الرحیم

پانزده سال از روزی که بر وادی نشر گام نهادیم، گذشته است. خدای بزرگ را سپاسگزاریم که به ما این توفیق را عطا فرمود که بتوانیم صفحات دیگری بر تاریخ انقلاب شکوهمند اسلامی بیفزائیم.

گامهای نخست سخت و لرزان بود و مشکلات فراوان فراراه این مسیر پرفراز و نشیب قرار داشت اما تشویق‌ها و دلگرمی‌های شما ملت عزیز و قدرشناس میهن اسلامی، ما را به تداوم راه و رفع موانع و استمرار انتشار کتاب‌ها مصمم‌تر ساخت.

ما در سال ۸۶ به این باور رسیدیم، ناشری شده‌ایم که مخاطب فراوان و حرف برای گفتن دارد. تماس‌های مکرر و پیگیرانه شما خوانندگان محترم در این سال به اوج خود رسید. همکارانم در دفتر نشر معارف انقلاب سال بسیار پرکاری داشتند. پنج بار تجدید چاپ کتاب "به سوی سرنوشت" در یک سال با شمارگان بالا و نایاب شدن همه کتاب‌های منتشره در بازار کساد

کتاب، ما را بسیار امیدوار ساخت.

اکنون پس از انتشار ۳۰ عنوان کتاب در دفتر نشر معارف انقلاب، سنگینی مسئولیت بزرگی را که در قبال تاریخ انقلاب اسلامی عهده‌دار شده‌ایم، به خوبی احساس می‌کنیم و از پروردگار متعال استعانت می‌جوئیم که این توش و توان را در ما افزون سازد تا بتوانیم با سرعت بیشتری به انتشار حقایق انقلاب اسلامی بپردازیم.

سال ۸۶ نقطه عطفی در فعالیت‌های دفتر نشر معارف انقلاب بود. هفته‌هایی از این سال نام دفتر به کرات در سطح رسانه‌های ملی و بین‌المللی مطرح شد. نقد و بررسی کتاب "**به سوی سرنوشت**" در رسانه‌ها، این فرصت را به دفتر داد تا مخاطب بیشتری را جذب کند و ما امیدواریم این فرصت ارزشمند را قدر بدانیم و این مخاطبان را حفظ کنیم.

همان گونه که آقای هاشمی رفسنجانی در مقدمه کتاب به سوی سرنوشت قول داده بودند، قرار شد هر سال یک عنوان جدید از مجموعه کارنامه و خاطرات ایشان به زیور چاپ آراسته شود. بحمدلله با وجود همه مشغله‌های فکری و اجرایی، با تلاش مجموعه همکارانم توانستیم کتاب "**امید و دلواپسی، کارنامه و خاطرات ۱۳۶۴**" را به شما خوانندگان فهیم و ارجمند تقدیم نمائیم.

در این کتاب نیز همانند کتاب‌های خاطرات پیشین شامل دوران مبارزه، انقلاب و پیروزی، انقلاب در بحران، عبور از بحران، پس از بحران، آرامش و چالش و به سوی سرنوشت، خاطرات یک سال آمده است. در سال ۱۳۶۴ آیت‌الله هاشمی رفسنجانی فرماندهی جنگ را عهده‌دار بودند. همچنین ریاست مجلس شورای اسلامی و نمایندگی حضرت امام خمینی(ره) در شورای عالی دفاع را برعهده داشتند و به دلیل نزدیکی به امام عملاً در تصمیم‌گیری‌های مربوط به سیاست‌های کلان کشور، نقش برجسته‌ای ایفا می‌کردند. بنابراین مطالبی که به قلم ایشان در آن روزها به صورت روز نوشت به رشته تحریر در آمده است، علاوه بر اهمیت روایی و سندی، نشان دهندهٔ بخشی از تفکر، روحیه و عمل مسئولان کشور در آن سال‌ها می‌باشد و قطعاً این خاطرات در تدوین واقعیت‌های تاریخ انقلاب اسلامی، دستمایه مفید و ارزشمندی برای پژوهشگران و مورخان خواهد بود.

انتخاب نام کتاب‌ها مانند همه کتاب‌های قبلی توسط خود آقای هاشمی انجام شده است. ایشان با توجه به کلیات خاطرات یک سال، نامی را انتخاب می‌کنند و خوشبختانه این نام‌ها با

استقبال دست اندرکاران عرصه کتاب و کتابخوانی مواجه شده است.

در این کتاب تغییراتی نسبت به کتاب‌های خاطرات قبلی مشاهده می‌کنید که حاصل توجه به دیدگاه‌ها و نظرات شما عزیزان می‌باشد که در نامه‌ها و یا تماس‌های تلفنی و یا در نمایشگاه‌های کتاب ابراز کرده‌اید. سعی ما بر آن بوده که پاورقی و توضیحات کتاب را بیشتر و پر محتواتر کنیم. بخش تصویری کتاب را غنی‌تر کرده‌ایم. نزدیک ۳۰۰ عکس و سند در این کتاب مورد استفاده قرار گرفته است. تقاضا می‌کنم نظرات خود را مانند قبل با ما در میان بگذارید که نقایص و ایرادات موجود را بر طرف نمائیم.

دفتر نشر معارف انقلاب شرمنده مردم فهیم و عزیز کشور است که علیرغم تقاضاهای فراوان برای تجدید چاپ کتاب‌های گذشته، هنوز نتوانسته است این خواسته به حق را برآورده سازد. در حال حاضر کلیه کتاب‌های خاطرات دفتر نشر معارف انقلاب در بازار نشر نایاب است و ما کارهایی را شروع کرده‌ایم که با کاهش حجم کتاب‌ها از طریق تغییر در قلم حروف و صفحه‌آرایی کتاب‌ها، مجموعه خاطرات را در شمارگان بالاتر و قیمت مناسب عرضه کنیم. امیدوارم مجموعه خاطرات به زودی در دسترس علاقمندان قرار گیرد.

دفتر نشر معارف انقلاب امیدوار است با حمایت بیشتر نهادهای فرهنگی از جمله سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ـ که اکنون همکاری و مساعدت‌های شایسته‌ای دارند ـ و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، توفیق عرضه سریع مجلدات را به شما خوانندگان محترم به دست آورد.

دفتر نشر معارف انقلاب نهایت تلاش خود را به کار می‌گیرد تا متونی صحیح، پاکیزه و روان با اسناد دست اول و عکس‌ها، نقشه‌ها و مستندات تاریخی انتشار دهد. در این مسیر نیازمند یاری هموطنان فرهیخته و بزرگوار هستیم که با ارسال عکس، سند و نامه‌های تاریخی در این کار بزرگ فرهنگی سهیم باشند.

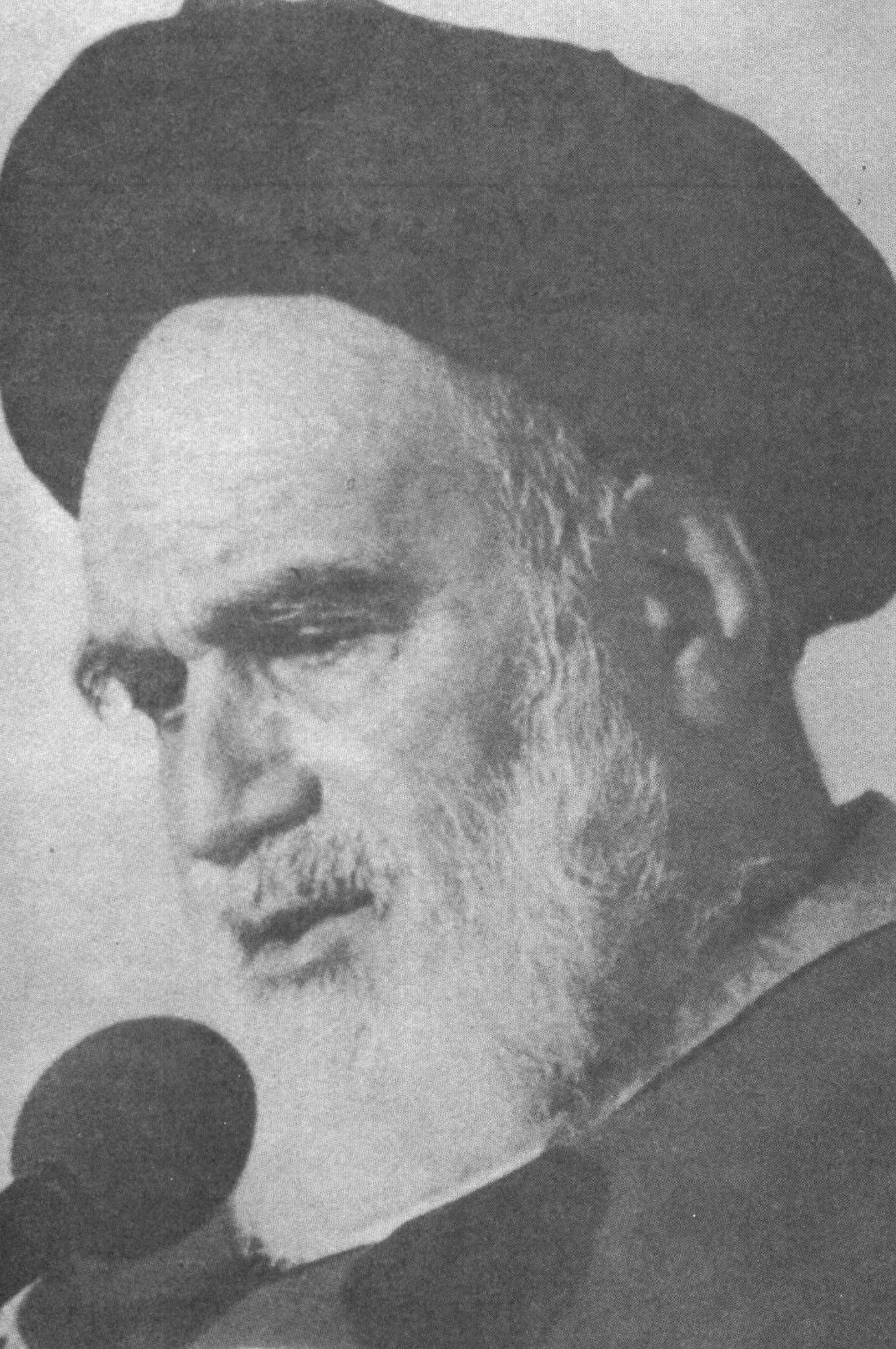
همچنین تشکر ویژه دارم از همکاری و مساعدت ارزشمند و صمیمانه دوست عزیزم حضرت حجت‌الاسلام والمسلمین حاج سید حسن خمینی و جناب آقای حمید انصاری و همکاران تلاشگرشان در دفتر تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره) که قبول زحمت کردند و کتاب‌های دفتر از جمله این کتاب را مطالعه کردند و نظرات صائب و مفیدی را ارائه دادند. امیدوارم این همکاری استمرار داشته باشد.

ازدرگاه خداوند سبحان مسئلت می‌نمائیم توفیقات خود را بر ما ارزانی دارد تا بتوانیم در خدمت فرهنگ ایران اسلامی باشیم و سهم خود را در انجام وظایف تاریخی به خوبی اداء کنیم.

در پایان لازم می‌دانم از تلاشهای همکارانم در دفتر نشر معارف انقلاب جناب آقایان سید علی نقی موسوی، حبیب‌الله حمیدی، داریوش باریکانی، جلال خیمه‌کبود، مجید اسدی، شهرام اصغرنیاویند، مسعود هاشمی و سرکار خانم کاشانی‌زاده و ویراستار مجموعه جناب آقای قادر باستانی قدردانی و تشکر کنم.

دفتر نشر معارف انقلاب
محسن هاشمی
زمستان ۱۳۸۶

فروردین ۱۳۶۴



بسم الله الرحمن الرحیم

پنجشنبه ۱ فروردین ۱۳۶۴ ۲۹ جمادی الثانی ۱۴۰۵ 21 MARCH 1985

ساعت چهار صبح بیدار شدیم. عفت، فاطی، مهدی، یاسر و سارا[1] به فرودگاه [مهرآباد] رفتند تا برای عمره مفرده به عربستان بروند. بعد از نماز کمی خوابیدم.

نزدیک ساعت نه به حسینیه جماران رفتم و برای مراسم عید خدمت امام رسیدیم. امام سخنرانی مفصلی فرمودند[2]. حالشان خوب است. قبل از ظهر، آقای محلاتی آمد[3] و از مدیریت ضعیف عملیات بدر گله داشت[4]. عصر، [سرهنگ اسماعیل سهرابی] رئیس ستاد [مشترک ارتش] و همکارانش برای دیدار عید آمدند. از خاموشی بی مورد دیشب، در هنگام تحویل سال و شلیک زیاد تیربارهای ضدهوایی انتقاد کردم.

شب، آقای دکتر [علی اکبر] ولایتی و احمدآقا [خمینی] آمدند. در مورد پیشنهادهای [آقای خاویر پرز دکوئیار] دبیر کل سازمان ملل برای قطع حمله به شهرها و کشتی‌ها و کاربرد اسلحه

---

۱ - بانو عفت مرعشی همسر گرامی آیت‌الله هاشمی رفسنجانی و فاطمه، فائزه، محسن، مهدی و یاسر فرزندان و سارا و مونا لاهوتی و عماد هاشمی نوه‌های ایشان هستند. دکتر سعید لاهوتی و دکتر حمید لاهوتی نیز دامادهای آقای هاشمی هستند.

۲ - در این دیدار که آیت‌الله سید علی خامنه‌ای رئیس‌جمهور، آیت‌الله عبدالکریم موسوی اردبیلی رئیس دیوان عالی کشور (قوه قضائیه کنونی)، مهندس میرحسین موسوی نخست‌وزیر و جمعی از مقامات لشگری و کشوری نیز حضور داشتند، ابتدا آیت‌الله خامنه‌ای در سخنان کوتاهی ضمن تبریک حلول سال جدید گفتند: " فرصت بسیار خوبی است برای جمع حاضر که در اولین ساعات سال جدید به حضور رهبر و امام عزیز و بزرگوارشان، حلول سال نو را تبریک عرض کنند. بهار طبیعت و حیات دوباره گیتی ما را امیدوار و علاقه‌مند می‌کند که با الهام از نصایح جنابعالی، تحول معنوی و روحی و اخلاقی را در سال جدید در خودمان نوید بدهیم." آن گاه حضرت امام خمینی(ره) در سخنان مبسوطی به تشریح پیروزی واقعی پرداختند. ایشان در بخشی از سخنرانی خود فرمودند: "نصرت خدا، نصرت بندگان خداست. نصرت دین خداست. وقتی ما نصرت کردیم، بندگان خدا را برای خدا، برای اینکه اینها عیال‌الله هستند. ما اگر چنانچه در جبهه‌ها هم پیروز نشویم، اینجا پیروزیم و اگر این طور نشد، شکست خورده‌ایم از همین حالا. در اوج پیروزی در شکست هستیم. اینجا در اوج و در حضیض شکست، پیروز هستیم".

رجوع کنید ← "کتاب صحیفه امام، جلد نوزدهم، صفحه ۱۹۴، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره).

۳ - حجت‌الاسلام والمسلمین شیخ فضل‌الله محلاتی نماینده امام در سپاه پاسداران انقلاب اسلامی بود.

۴ - عملیات بدر در اواخر اسفند سال ۶۳ در منطقه هور انجام شد. عبور از هور، تصرف ساحل شرق دجله و بستن بزرگراه العماره - بصره، اهداف عملیات بدر بود. در این عملیات، تردد دشمن در جاده العماره - بصره قطع شد اما اتکا به عقبه آبی، نداشتن جاده‌های مواصلاتی، بروز مشکلات ترابری و پشتیبانی و بی‌بهره بودن از آتش توپخانه، سبب گردید که پس از شش روز نبرد و مقاومت در برابر پاتکهای متوالی و سنگین زرهی دشمن، ساحل خشک شرق دجله را تخلیه و به تثبیت مواضع جدید در هورالعظیم بسنده کنند. در شش روز جنگ سخت، شماری از نیروها و فرماندهان سپاه از جمله مهدی باکری فرمانده لشگر ۳۱ عاشورا و عباس کریمی فرمانده لشگر ۲۷ حضرت رسول(ص) به شهادت رسیدند.

شیمیایی از سوی عراق مشاوره شد. نظر موافق داشتیم. از امام هم سؤال شد؛ موافقت دارند. [دکتر ولایتی]گزارش سفرش را به لیبی و سوریه ارائه کرد و گفت که آنها [مسئولان لیبی] اصرار دارند که من به آنجا سفر کنم.

بالاخره بعد از چند روز هواپیمای حامل موشک‌های اهدائی لیبی رسید که کمتر از مقدار تقاضا شده بود. با محسن و اعظم و عماد شام خوردیم. محسن از عدم هماهنگی در تبلیغات خارجی و ضعف سفارتخانه‌ها گله داشت. ازکم بودن نقدینگی با توجه به مخارجی که در اثر مراجعات دیگران بر او تحمیل می‌شود، سخن گفت. ضمن اینکه مایل نیست امتیازی نسبت به دیگران داشته باشد. دربارهٔ ادامه تحصلیش در دوره فوق لیسانس در بلژیک یا کانادا مذاکره کردیم.

جمعه ۲ فروردین ۱۳۶۴   ۳۰ جمادی الثانی ۱۴۰۵   22 MARCH 1985

محسن و اعظم و عماد، صبح خیلی زود به رفسنجان رفتند. قرار است که فائزه و افراد دیگر هم بروند. آقا جلال هم همراه آنها رفت. تا ساعت ده‌ونیم در منزل تنها بودم و برای خطبه‌های جمعه مطالعه کردم.

آقای [علی]صیاد [شیرازی] [فرمانده نیروی زمینی ارتش] برای تأمین ارز مأموران نیروی زمینی که بناست برای آوردن پل به لیبی بروند، تلفن کرد. آقای سرهنگ جمالی، تلفنی از عدم موافقت خود با طرح جدید صیاد گفت.

قبل از مراسم نماز، وضعیت قرمز اعلام شد و در عین حال جمعیت انبوهی در نماز جمعه شرکت کردند. هنگام خطبهٔ دوم، یک هواپیمای عراقی دیوار صوتی را در تهران شکست و ضدهوایی‌ها به شدت به کار افتادند. مردم خونسردی خود را حفظ کردند و من هم سخنرانی خود را ادامه دادم[1]. صحنهٔ واقعاً جالبی به وجود آمد؛ باید بر این شهامت مردم آفرین گفت.

---

۱ ـ در خطبه اول نماز، سخنان نوروزی حضرت امام مورد تحلیل و بررسی قرارگرفت. خطبه دوم نیز به تشریح وضعیت جبهه‌ها و مسایل مربوط به جنگ تحمیلی اختصاص یافت. ایشان در بخشی از خطبه دوم گفت: "ما نمی‌خواهیم از دریای خون عبور کنیم. ما می‌خواهیم با حداقل تلفات از دو طرف، ملت عراق را از شر این جنایتکاران نجات بدهیم". رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، خطبه‌های جمعه سال ۱۳۶۴، جلد هشتم" زیر نظر محسن هاشمی، دفترنشرمعارف‌انقلاب.

عصر، آقای [هوشنگ] صدیق [فرمانده نیروی هوایی ارتش] از تأخیر در پیاده کردن موشکها گله کرد. در این مورد، به آقای [محسن]رفیق‌دوست تأکید کردم. آقای [محمدعلی]عربی نمایندهٔ کاشمر اطلاع داد که به علت درگیری در نماز جمعهٔ این شهر، دادستان می‌خواهد، ایشان را بازداشت کند.

شنبه ۳ فروردین ۱۳۶۴ ۱ رجب ۱۴۰۵ 23 MARCH 1985

تمام روز در منزل بودم. چند بار با آقایان صیاد و [محسن]رضایی صحبت کردم. آقای رضایی خبر شکست حملهٔ پریشب عراق به پاسگاه «ترابه» را داد که در نتیجه آن تعدادی از عراقی‌ها اسیر شده‌اند. عمده نیروهای ما در آنجا مبارزان عراقی‌های تابع مجلس اعلاء هستند. آقای رضایی از تلاش برای آمادگی و جبران گذشته و آقای صیاد از تأخیر برنامه‌اش خبر داد.

احمدآقا پیش از ظهر آمد و در مورد لزوم اعلام پذیرش پیشنهاد سازمان ملل در مورد شهرها، دریا، سلاح‌های شیمیایی و خطوط هوایی صحبت کرد و قرار شد که فردا آن را اعلام کنیم[1]. گفت نظر امام این است که تا این وضع و امکان حملهٔ هوایی عراق به تهران ادامه دارد، غیر از من و آقای خامنه‌ای کسی به نماز جمعه نرود، زیرا ممکن است که در هنگام بحران، نتوانند از عهدهٔ ادارهٔ خطبه‌ها برآید.

عصر هم احمدآقا دوباره آمد و پیشنهاد کرد که چون عراق امروز به غیر نظامیان حمله نکرده، خوب است که امشب پرتاب موشک متوقف شود. قرار بود که امشب بغداد را با موشک بزنیم. با رئیس‌جمهور و نخست‌وزیر هم مشورت کردم و نظر آنها هم همین بود. دستور دادم که موشک شلیک نشود و توپخانه‌ها نیز شهرهای مرزی عراق را مورد حمله قرار ندهند و قرار است فردا این مطلب را اعلام کنیم، چون موضع ما مقابله به مثل است.

گزارشها را آوردند، خواندم. دستگاه‌های تبلیغاتی غرب و عرب کوشش دارند که عراق را در

---

۱ ـ وزیر امور خارجه در نامه‌ای به دبیر کل سازمان ملل اعلام کرد، ایران با حق مقابله به مثل، در صورت متوقف شدن حملات هوایی، موشکی در گلوله باران مناطق مسکونی و حمله به کشتی‌ها از سوی عراق، حملات خود را به شهرهای این کشور متوقف می‌نماید.

شرق دجله، به عنوان پیروز معرفی کنند[1].

یکشنبه ۴ فروردین ۱۳۶۴   ۲ رجب ۱۴۰۵   24 MARCH 1985

بعد از نماز، به آقای [کمال]خرازی رئیس ستاد تبلیغات جنگ گفتم، اعلامیه‌ای بدهد که به خاطر دست برداشتن عراق از زدن شهرها و کشتی‌ها که در اثر توان مقابله به مثل ما در بیست‌وچهار ساعت گذشته صورت گرفت، ما هم شهرهای عراق را از دیشب نزده‌ایم و تا صدام تجدید شرارت نکند، در آینده نخواهیم زد.

نخست‌وزیر اطلاع داد که عراق مدعی است در کردستان ـ جبهه شمال ـ دو پاسگاه را از ما اشغال کرده است. از قرارگاه پرسیدم. آقای [محسن]رضایی خبر را تأیید کرد و گفت که در صدد پس گرفتن آنها هستیم. نیروهای ما در آنجا، بیشتر از بارزانیها و اکراد مخالف عراق بوده‌اند. عفت از مدینه تلفن کرد ولی چون من در حیاط منزل بودم تا آمدم، تلفن قطع شده بود.

سرهنگ [مصطفی]ترابی [مسئول دفتر مشاورت امام در ارتش] تلفنی تذکر داد که چون قدرت موشکی ما برتری هوایی عراق را از او گرفته، ممکن است که در جنوب و در منطقه خلیج‌فارس فتنه‌ای به پا کند تا در مقابل موشک ما بتواند موشک‌های دوربرد تازه‌ای بگیرد. نامه‌ای از آقای [محسن] رضایی رسید که در آن، برنامهٔ آینده خودش را در جبهه‌ها گفته و از برنامه آقای صیاد [شیرازی] انتقاد کرده است.

شب گزارشها را آوردند. معلوم شد که عراق امروز دو کشتی را با موشک زده و هواپیماهایش به

---

۱ ـ خبرگزاری آمریکایی یونایتدپرس در گزارش جانبدارانه‌ای اعلام کرد: "سربازان مصدوم ایرانی که ظاهراً از زخمهای ناشی از سلاحهای شیمیایی رنج می‌برند، امروز در بیمارستانهای کشورهای غربی بودند و این در حالی است که گزارشهای رسیده حاکی از آن است که عراق آخرین تهاجم ایران را با انجام کارهای زیرکانه مهندسی و آتش سنگین ارتش خود دفع کرده است. در واشنگتن شبکه تلویزیونی ABC در برنامه خبری خود به نقل از تحلیلگران اطلاعاتی گفت: بخشی از پیروزی این هفته عراق در باتلاقهای استراتژیک واقع در جنوب عراق را می‌توان ناشی از نبوغ عراقی‌ها دانست! اخبار ABC روز جمعه گفت عکسهای گرفته شده توسط ماهواره‌های آمریکا نشان می‌دهد، ناحیه بین بندر عراقی بصره و مرز جنوبی ایران که قبلاً یک دشت خاکی بود، از طریق یک شاهکار فوق‌العاده مهندسی عراق تغییر یافته است. ABC گزارش داد عراق با لایروبی، مرتب ساختن آب بندها و پمپاژ آب که غالباً زیر آتش سلاحهای ایران انجام می‌گرفت، جهت رود دجله را منحرف کرده است و در نتیجه این کار، یک سپر دفاعی عظیم آبی به موازات مرز، یک خندق عظیم با عمق سه متر که در باریک‌ترین نقطه، یک مایل پهنا دارد، به وجود آمده است".

چند شهر نزدیک شده‌اند، اما این حملات دفع شده است. پس از مشورت با احمدآقا و رئیس‌جمهور تصمیم گرفتیم که فردا یک موشک به [ساختمان] رادیو و تلویزیون بغداد بزنیم. دستور این حمله ابلاغ شد. با دکتر ولایتی هم صحبت کردم که تلاشش را برای تهیه موشک بیشتر قوی‌تر کند. به آقای صیاد هم گفتم که برنامه‌اش را به تهران بیاورد؛ آقای [آیت‌الله] خامنه‌ای هم بر این نکته تأکید داشتند. سرشب احمدآقا آمد و راجع به جنگ و مسائل دیگر صحبت شد.

دوشنبه ۵ فروردین ۱۳۶۴ ۳ رجب ۱۴۰۵ 25 MARCH 1985

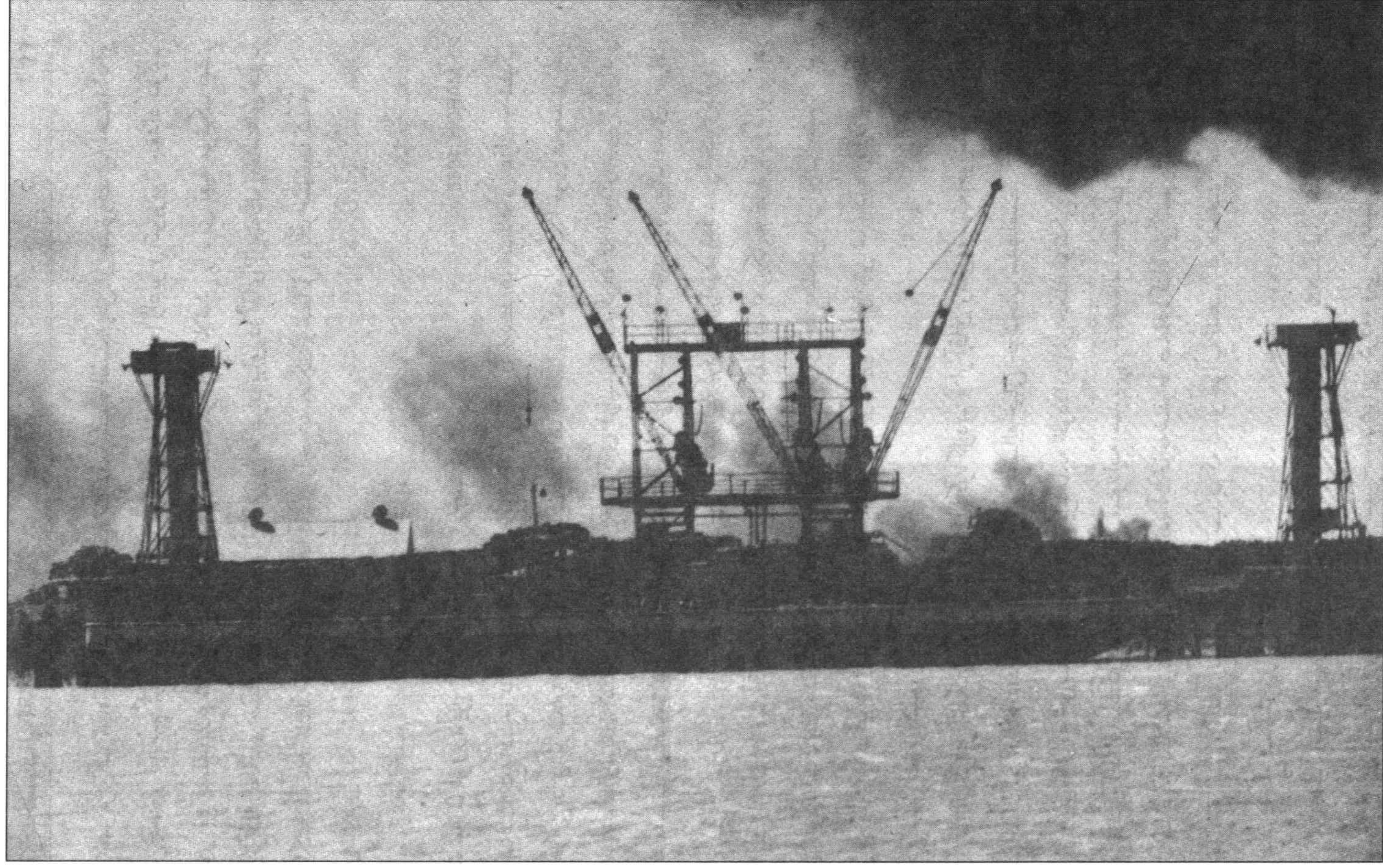
ساعت پنج صبح، با صدای شکستن دیوار صوتی تهران توسط هواپیماهای عراق و شلیک ضدهوایی‌ها بیدار شدم. حدس زدم که موشک ما به بغداد اصابت کرده است. اخوی محمد [رئیس سازمان صداوسیما]، تلفنی اطلاع داد که خبرگزاری فرانسه اعلام کرده که انفجار مهیبی بغداد را لرزانده است. او ضمناً اطلاع داد که هواپیماهای عراقی بمب‌های خود را در بیابان‌های اطراف تهران ریخته و فرار کرده‌اند. عراق برای اولین بار اعتراف کرد که ایران موشک در اختیار دارد.

پیش از ظهر، احمدآقا آمد و گفت که بعضی از رسانه‌ها گفته‌اند، آمریکا به خاطر گروگانی که در دست مردم لبنان دارد، تحت فشار است و مایل است که برای حل مشکل، از ایران استمداد کند. اگر چه ما گروگان‌گیرها را نمی‌شناسیم، اما گفتم که اگر چنین درخواستی شد، دربارهٔ آن و راهکار ممکن مشورت می‌کنیم.

درباره [گرفتن] امکانات از شوروی مذاکره کردیم و از آقای رفیق‌دوست خواستیم که اقدام کند. ایشان نیز اطلاع داد که سفیر روس از این مسأله خیلی خوشحال شده است.

از وزیر خارجه خواستم که درباره تمایل ما به خودداری از حمله موشکی به شهرها تبلیغات کند. فردی اطلاع داد که به اظهار خانم سودابه سدیفی، عربستان سعودی از طریق آقای [علیرضا]نوبری تلاش کرده است که بداند، آیا ما به سقوط صدام اکتفا می‌کنیم یا بیشتر از آن را می‌خواهیم. پس از مشورت به این نظر رسیدیم که به او جواب ندهیم. او همچنین مدعی است که بنی‌صدر دچار کسالت روانی شده است.

آقای صیاد[شیرازی] را احضار کردم که برنامه‌اش را توضیح بدهد؛ قرار شد که فردا بیاید. گزارشها را آوردند. امروز، عراق به چند شهر حمله هوایی کرده، ولی موفقیتی نداشته است. به



حمله به اسکله های نفتی در خلیج فارس

[پایانه نفتی در جزیره] خارک هم حمله کرده است و گویا دو یا سه هواپیمایش ساقط شده است. احمدآقا پیشنهاد کرد که حمله به بصره را شروع کنیم. آقای خامنه‌ای گفتند که بهتر است تا فردا صبر کنیم. آخر شب تلفن به هتل محل اقامت عفت و بچه‌ها در مدینه وصل شد و احوالشان را پرسیدم؛ خوب و راضی بودند.

سه شنبه ۶ فروردین ۱۳۶۴ ۴ رجب ۱۴۰۵ 26 MARCH 1985

ساعت یک ونیم بامداد، با صدای انفجار بمب‌های هواپیماهای عراقی و شلیک ضدهوایی‌ها بیدار شدم. صبح معلوم شد که یک ساختمان سه طبقه در کوی ۱۳ آبان و یک مسجد در دولت آباد، در جنوب شرق تهران، در اثر اصابت بمب ویران شده است و ۹ نفر شهید داشته‌ایم.

ساعت هشت و نیم به مجلس رفتم. گزارش‌ها را خواندم و ساعت نه و نیم به دفتر آیت‌الله خامنه‌ای رفتم؛ درباره مجلس اعلای [انقلاب اسلامی] عراق و جنگ صحبت کردیم. آقای صیاد[شیرازی] مطابق قرار قبلی از جبهه آمد و طرح خود و مانور آن را توضیح داد. پیشنهادهای او را پسندیدیم و وقتی معین کردیم. مسئولیت عملیات به عهده ایشان محول شد، به گونه‌ای که سپاه هم در این عملیات تحت امر او باشد.

ظهر به دفترم رفتم. عراق مدعی است که دیشب دو کشتی را زده است، اما این کشتی‌ها ایرانی نبوده است. یک کشتی عربستان سعودی موشک خورده و عراق دچار اشتباه شده است. آقای [محمد]غرضی [وزیر نفت] تلفنی گفت که فشار بر کشتی‌های نفتی زیاد شده و ممکن است که نتوانند به تعهد خود در این ماه عمل کنند.

صبح امروز، بوی تند گاز در بخشی از تهران به مشام می‌رسید. بعضی‌ها تصور کردند که ناشی از بمب‌های عراقی است، اما پس از تحقیق، این احتمال رد شد. احتمالاً در اطراف خیابان فردوسی، همان ماده بوداری که به گازهای مصرفی اضافه می‌کنند، منتشر شده است.

بعد از ظهر [آقای رضا امراللهی] رئیس [سازمان] انرژی اتمی آمد و درباره غنی کردن اورانیوم در فرانسه مشورت کرد. قرار شد گزارش کاملی بدهد و پس از آن نظر خود را اعلام کنیم. از سازمان برنامه و بودجه هم برای اصلاح اشتباهی که در لایحه بودجه در زمان تنظیم نهائی رخ داده است، نزد من آمدند.

شب جلسه شورای عالی انقلاب فرهنگی داشتیم. در مورد گزینش [دانشجویان دوره] فوق لیسانس و رؤسای گروههای برنامه‌ریزی، تصمیماتی اتخاذ شد. آقای [محسن] رفیق‌دوست آمد و از کار [انتقال] موشک‌ها گزارشی ارائه کرد.

چهارشنبه ۷ فروردین ۱۳۶۴ ۵ رجب ۱۴۰۵ 27 MARCH 1985

ساعت دوونیم بامداد با صدای شلیک ضدهوایی‌ها بیدار شدم. تصادفاً داشتم خواب شروع حمله هوایی عراق را می‌دیدم و دیگر تا صبح به خواب نرفتم. بعداً معلوم شد که به یک منزل مسکونی بمب خورده است و سه نفر شهید شده‌اند.

شخصی با اظهار این که کاری مهم و فوری دارد، نزد من آمد. او مدعی بود که سال قبل، به عنوان ضدانقلاب کودتاچی با سفارت عراق در آنکارا تماس گرفته و دریافته است که عراق چشم از خوزستان نپوشیده و خواهان صلح نیست! عملش به نظرم غیرعادی و مشکوک آمد؛ از [آقای محمدی‌ری‌شهری] وزیر اطلاعات خواستم که درباره او تحقیق شود.

احمدآقا آمد. راجع به جنگ و ... صحبت شد. امام از من خواسته‌اند درباره این نکته که نیروی هوایی قادر نیست هواپیماهای مهاجم عراقی را که در ارتفاع ۷۵ هزار پائی اقدام به بمب‌اندازی می‌کنند، مورد حمله و اصابت قرار دهد، تحقیق کنم. از دفتر مشاورت [امام در ارتش] خواستم که رسیدگی کند و نظر بدهد.

آقای [محمدباقر محی‌الدین] انواری همراه آقای محلاتی برادر [شیخ مجدالدین]محلاتی در شیراز آمدند. آقای محلاتی پیشنهادی برای فروش ۳۵ [فروند] موشک هارپون از پاریس آورده بود. به فرمانده نیروی هوایی و دفترم گفتم که رسیدگی کنند. معمولاً دلالان اسلحه اینگونه پیشنهادها را با اغراض خاصی می‌آورند. ششمین موشک را به بغداد پرتاب کردیم و خبر اصابت آن به غرب دجله رسید، اما منتظر اخبار تکمیلی هستیم.

شب همراه با سران قوا مهمان احمدآقا بودیم و امام هم شرکت کردند. در همان حال، حمله هوایی عراق به تهران رخ داد و مدت خاموشی طولانی شد. ۱۶ شهید و ۱۹۰ مجروح از این حمله عراق روی دستمان ماند. در این جلسه، درباره کیفیت برخورد با مخالفان صدام در عراق که از گروه‌های غیر اسلامی و ناهمسو با ما هستند، بحث و اتخاذ تصمیم شد. دیر به خانه آمدم. تنها بودم.

پنجشنبه ۸ فروردین ۱۳۶۴ ۶ رجب ۱۴۰۵ 28 MARCH 1985

بعد از نماز، مشغول کارهایم شدم. برای اطلاع از سیاست تبلیغاتی دشمنان، رادیوهای فارسی بیگانه را گوش دادم. آقای رفیق‌دوست که عازم سفر به سوریه برای گرفتن موشک است، آمد. از او خواستم که ازکره شمالی هم موشک مطالبه کند. با آقایان صیاد و رضایی صحبت کردم. آنها گفتند که مشکلی ندارند.

امروز هم عراق به چند شهر، حمله هوایی کرده و حملات آن در چند مورد دفع شده است[۱]. احمدآقا هم آمد و در مورد جنگ، موشک و اطلاعات رسیده با او بحث شد. ظهر فائزه و [همسرش] حمید [لاهوتی] که از رفسنجان برگشته‌اند، آمدند. فائزه، ماهی پلو پخت.

با رئیس‌جمهور درباره زدن موشک تلفنی مشورت کردم که ایشان موافق تأخیر بودند. عصر آقای [سیدرضا]زواره‌ای آمد و طبق معمول از ضعف دولت سخن گفت و گزارشی از وضع منطقه بمباران شده دولت آباد داد. گفت که روحیه‌ها خوب است. شب هم هواپیماهای عراقی به تهران آمدند ولی قبل از انجام عملیات، مجبور به فرار شدند.

جمعه ۹ فروردین ۱۳۶۴ ۷ رجب ۱۴۰۵ 29 MARCH 1985

تا ساعت ده‌ونیم در منزل بودم و پس از آن، برای اقامه نماز جمعه به دانشگاه [تهران] رفتم[۲]. جمع زیادی از نمازگزاران آمده بودند و خیلی پرشور برخورد کردند. خیلی جالب توجه است و چنین چیزی انتظار نمی‌رفت، زیرا شایعه حمله عراق یا انجام خرابکاری بود. همچنین، خبری رسیده بود که بناست به من سوء قصد شود، اما به خوبی گذشت[۳].

---

۱ ـ در این روز هواپیماهای بمب‌افکن ارتش عراق، شهرهای رشت، بیجار، شیراز، ایلام، دوگنبدان، خرم‌آباد، ارومیه، بانه، مریوان و تبریز را مورد حمله قرار دادند. شهر ایلام توسط هشت فروند هواپیما مورد حمله وحشیانه قرار گرفت و بمباران مناطق مسکونی این شهر موجب شهادت ۱۸ نفر و مجروح شدن بیش از ۶۰ نفر از مردم غیر نظامی شد.

۲ ـ در خطبه اول نماز جمعه بحث مربوط به سیستم حکومتی ایالات متحده مورد بحث و بررسی قرار گرفت. در خطبه دوم نیز مسایل مربوط به جنگ تحمیلی، بمباران شهرها، شلیک موشک به بغداد پایتخت عراق و آینده جنگ مطالبی بیان شد. آقای هاشمی در بخشی از خطبه دوم گفت: "ما به هرگونه بحران و ناامنی و زدن شهرها مخالفیم و هرگاه احساس کنیم که عراق دیگر نمی‌زند، ما هم شهرها را نمی‌زنیم". رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، خطبه‌های جمعه سال ۱۳۶۴، جلد هشتم" دفترنشرمعارف‌انقلاب.

۳ ـ خبرگزاریهای بین‌المللی خطبه‌های نماز جمعه تهران را به شکل وسیع پوشش خبری دادند. خبرگزاریهای رویتر،

عصر آقای حسین تاش آمد و گزارش وضع فعالیت واحد موشکی سپاه و همکاری خوب لیبی را داد. دستور دادم که برای فردا آماده باشند. از دفتر مشاورت [امام در ارتش] آمدند و گزارشی از وضع پدافند تهران دادند. برنامه‌ای هم برای قوی ترکردن دفاع ریخته‌اند. احمدآقا هم آمد و راجع به مسائل جاری مذاکره کردیم.

امروز از طرف عراق حمله‌ای به شهرها نشد. ساعت ده خوابیدم. هنوز به خواب نرفته بودم که وضعیت قرمز اعلام شد و ضدهوایی‌ها به مدت طولانی کار کردند. بعداً معلوم شد که هواپیماهای عراقی نتوانستند کاری انجام دهند و فرار کردند.

شنبه ۱۰ فروردین ۱۳۶۴ — ۸ رجب ۱۴۰۵ — 30 MARCH 1985

با اخوی محمد تماس گرفتم و دربارهٔ اشکالاتی که درکیفیت نقل اخبار وجود دارد، تذکر دادم؛ ضعیف عمل می‌کنند.

سرهنگ ترابی [مسئول دفتر مشاورت امام در ارتش] گزارشی از کیفیت دفاع هوایی دیشب ارائه کرد. دستور دادم که اعلام شود خلبانهای عراقی را در پایگاه معینی می‌پذیریم؛ شبیه اعلان قذافی. آقای حسین تاش مسئول موشکی سپاه تماس گرفت و مجوز پرتاب یک موشک به سمت

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

آسوشیتدپرس، خبرگزاری آلمان غربی و یونایتدپرس گزارشهایی از برپایی نماز جمعه در شرایط حمله هوایی به شهرها مخابره کردند. خبرگزاری آلمان غربی گزارش داد: "آقای هاشمی رفسنجانی رئیس مجلس ایران اعلام داشت مقدمات انجام یک حمله همه جانبه علیه عراق فراهم شده است. وی به کشورهای عربی تولید کننده نفت هشدار داد که دست از حمایت عراق بردارند. آقای رفسنجانی که در مراسم نماز جمعه سخن می‌گفت افزود: با این وجود ایران حاضر است در مورد حمله به شهرها و اهداف غیر نظامی فوراً آتش‌بس برقرار شود. آقای رفسنجانی به همسایگان غیر متخاصم ایران اطمینان داد که ایران انقلابی علیه آنها مقاصد سوئی نداشته و همانگونه که بارها به آنها گفته‌ایم دلیل ندارد و نیازی نیست که آنها از قدرت جمهوری اسلامی ایران نگران باشند. وی تأکید کرد که ایران هرگز پذیرای آتش‌بس در جبهه‌های جنگ نخواهد بود و موکداً به کشورهای عرب خلیج‌فارس که از نظر نظامی بی‌طرف هستند، توصیه کرد توجه کنند وکمکهای تسلیحاتی و مالی خود را به عراق قطع نمایند. از سوی دیگر صدام حسین رئیس‌جمهور عراق هشدار داد، عراق تا زمانی که ایران یک صلح جامع و همزیستی مسالمت‌آمیز با کشورهای حوزه خلیج‌فارس را قبول نکند، این کشور را تحت فشار خواهد گذارد. صدام حسین قویاً درخواست ایران مبنی بر برقراری آتش‌بس مجدد را رد کرد و گفت: ایران با استفاده ازکارخانجات و درآمدهای نفتی خود سعی دارد ماشین جنگی خود را علیه عراق به کار اندازد. رادیو بغداد به طور غیر مستقیم با اشاره به درخواست ایران در مورد سرنگونی پرزیدنت صدام گفت رهبر عراق برای مردم عراق در مقابله با ایران به صورت سمبل و امید در آمده است.

بغداد را گرفت. معاون آقای [کمال]خرازی [رئیس ستاد تبلیغات جنگ] را دربارهٔ اعلامیه و خط تبلیغاتی جنگ راهنمائی کردم.

ساعت ده به مجلس رفتم، گزارش‌ها را خواندم و کارهای اداری مجلس را انجام دادم. عصر [آقای صلاح زواوی] سفیر فلسطین آمد و نامه‌ای از [یاسر] عرفات برای درخواست پذیرش آتش‌بس آورد. او هم خواستار پذیرش هیأت فلسطینی برای میانجیگری بود و هم پیشنهاد دعوت وزرای خارجه کشورهای حاشیه خلیج‌فارس را داشت و ضمن درخواست کمک از من می‌خواست که نامه‌ای به عرفات بنویسم[1].

مصاحبه‌ای تلویزیونی درباره دوازده فروردین [روز جمهوری اسلامی] داشتم. [آقای آرادا ک مانوکیان] اسقف [اعظم] ارامنه آمد، چهار میلیون ریال برای کمک به جبهه‌ها آورد و برای تدریس متون دینی در مدارس ارامنه کمک خواست. [آقای ژان‌پرن] کاردار سفارت فرانسه برای خداحافظی آمد و از بدرفتاری فرانسه با ما عذرخواهی کرد. من هم به تلخی از سیاست فرانسه، مخصوصاً در کمک به عراق و ضدانقلاب و بلوکه کردن وام ایران انتقاد کردم.

شب در جلسه هیأت دولت درباره جنگ شرکت کردم و به سئوالات وزرا درباره جنگ پاسخ دادم. درباره متروی تهران هم بحث شد. من از لزوم احداث آن دفاع کردم، مخالفان و موافقان هم صحبت کردند و سرانجام با احداث آن موافقت شد. طرح متروی تهران، پس از پیروزی انقلاب، در اثر تبلیغات کمونیست‌ها و برخورد شعاری نیروهای انقلاب، با مصوبه دولت تعطیل شده بود و تجدید ساخت آن نیاز به تصویب مجدد دولت داشت[2].

دیر وقت به خانه آمدم. به نصف ساندویچی که در جلسه دولت خوردیم، به عنوان شام اکتفا کردم و خوابیدم.

---

۱ ـ آقای یاسر عرفات (ابوعمار) رهبر سازمان آزادیبخش فلسطین ـ ساف ـ در خرداد سال ۶۳ نیز نامه‌ای توسط ابوخالد برای آقای هاشمی رفسنجانی ارسال کرده بود. وی در این نامه پیشنهاد نمود که تلاش برای صلح ایران و عراق را از طریق کشورهای غیر متعهد و سازمان کنفرانس اسلامی آغاز کنند. آقای هاشمی به پیشنهاد عرفات پاسخ گفت. متن کامل این نامه در کتاب "به سوی سرنوشت" به چاپ رسیده است. رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، کارنامه و خاطرات سال ۱۳۶۳ ـ به سوی سرنوشت"، زیر نظر محسن هاشمی، دفترنشرمعارف‌انقلاب.

۲ ـ پروژه احداث متروی تهران پس از تصویب هیأت دولت، مجدداً فعال شد و در دوران سازندگی با حمایت ویژه آقای هاشمی و اختصاص بخشی از درآمد صادرات نفت کوره به این پروژه، به مراحل اجرایی رسید. خط متروی تهران ـ کرج در سال ۷۶ افتتاح شد و از آن پس هر سال بخش دیگری از خطوط هفت گانه مترو به بهره‌برداری رسیده است. کارشناسان معتقدند در صورت عدم اجرای پروژه مترو در تهران، قطعاً این شهر با مشکل جدی ترافیک مواجه می‌شد و امکان پایتخت ماندن آن وجود نداشت.

یکشنبه ۱۱ فروردین ۱۳۶۴ ۹ رجب ۱۴۰۵ 31 MARCH 1985

چون قرار بود که نیمه شب، بغداد مورد حمله موشکی قرار گیرد، دیشب احتمال تجاوز هواپیماهای عراقی به حریم تهران ـ مطابق روال گذشته که کمی بعد از اصابت موشک‌ها می‌آمدند ـ قوی بود و انتظار سروصدای ضدهوایی‌ها را داشتم، اما خبری نشد.

صبح قبل از اینکه حمله موشکی به بغداد را اعلام کنیم، رادیو آمریکا خبر انفجار بغداد را پخش کرد[1]. پیش از ظهر آقای حاج یوسف یکی از نظامیانی که برای خرید اسلحه به ژنو رفته بود، آمد و مدعی بود که آمریکا آمادگی دارد هواپیمای اف ۴ و موشک فونیکس و قطعات لازم را به ما، در قالب یک شرکت بفروشد. گفتم که مانعی ندارد، بخرید. سلاحهای ما اکثراً آمریکایی است و وسائل آنها را از هر جا که بتوانیم ـ غیر از اسرائیل ـ می‌خریم. البته احتمال فریب در پیشنهاد آنها زیاد است. به بانک مرکزی گفتم که وجود پشتوانه خرید را در لندن اعلام کند.

احمدآقا آمد و با هم صحبت کردیم که چون عراق در بیست‌وچهار ساعت گذشته شرارت مهمی نکرده، خوب است که توقف حمله به شهرها را اعلام کنیم، مگر آنکه شرارت جدیدی از طرف عراق شروع شود. به خبرگزاری [جمهوری اسلامی ـ ایرنا] هم اعلام کردم که بیانیه‌ای تهیه کنند، اما هنگام ظهر اخوی محمد، تلفنی گفت که چون به بعضی شهرهای مرکزی تجاوز شده، بهتر است صبر کنیم. جنگ شهرها و مقابله به مثل با روحیات ما سازگار نیست و از هر فرصتی برای توقف آن استفاده می‌کنیم.

عصر جمعی از مسئولان صدا و سیما آمدند و درباره خط تبلیغاتی در شرایط حاضر و در

---

۱ ـ رادیو آمریکا در اخبار صبحگاهی خود گفت: "گزارش خبرگزاری آسوشیتدپرس از بغداد حاکی است که لحظاتی پس از آنکه ایران اعلام کرد موشک خود را به سوی بغداد پرتاب کرده است، صدای یک انفجار بزرگ در بغداد شنیده شد اما هنوز از تلفات یا خسارات این انفجار گزارشی نرسیده است. این حمله هنگامی صورت گرفت که فعالیتهای دیپلماتیک بین‌المللی برای متوقف ساختن جنگ تشدید شده است". بخش فارسی رادیو اسرائیل نیز گفت: "پرتاب موشکهای زمین به زمین از جانب حکومت اسلامی ایران به سوی بغداد نه تنها پایتخت عراق را به لرزه در آورد، بلکه صحنه سیاست خاورمیانه را نیز تکان داد و ناظران و مقامات کشورهای دور و نزدیک را به این تلاش انداخت که بدانند موشکها ساخت چه کشوری است و کدام حکومت آن را در اختیار رژیم تهران قرار داده است. منابع اطلاعاتی غربی تأکید کردند که موشکها ساخت شوروی است و از نوع اسکاد ـ بی می‌باشد که توسط حکومت سرهنگ قذافی در اختیار ایران نهاده شده و کارشناسان سوری طرز پرتاب آن را به فرماندهان سپاه پاسداران تعلیم داده‌اند. تردیدی نیست که هدف اصلی طارق عزیز معاون نخست‌وزیر و وزیر خارجه عراق از مسافرت غیر منتظره به مسکو که دومین سفر ظرف نه روز گذشته می‌باشد، ابراز گلایه نسبت به این واقعیت بوده که موشکهای روسی پایتخت عراق را در هم می‌کوبد و اهالی بغداد را به هلاکت می‌رساند و چنین امری با پیمان دوستی شوروی و عراق تناقضی عمیق دارد."

صورت اوج‌گیری بحران حملات شهری و خصوصاً در صورت استفاده عراق از موشک اس.اس ۱۲ ـ که احتمال ضعیفی دارد ـ بحث شد.

فائزه و مونا امروز عصر به منزل آمدند. حمید و سعید [لاهوتی] به شمال رفته‌اند. شب قرار شد که بیانیه توقف حمله به شهرها از رسانه‌ها خوانده شود. سیاست تبلیغی این است که عدم تمایل به حمله به شهرها را دائماً نشان دهیم، ولی عراقی‌ها حمله هوایی ناموفقی به تهران کردند که در نتیجهٔ آن، از اعلام توقف حملات، منصرف شدیم. بعد از نیمه شب به منطقه خزانه در جنوب تهران هم دوباره حمله کردند که منجر به شهادت ۱۳ نفر و جراحت حدود صد نفر شد.

دوشنبه ۱۲ فروردین ۱۳۶۴ — ۱۰ رجب ۱۴۰۵ — 1 APRIL 1985

ساعت یک و نیم بامداد، با صدای شلیک ضدهوایی‌ها بیدار شدم. فائزه هم که ترسیده بود، به اتاق من آمد. تا موقع نماز خواب راحتی نداشتم. بعد از نماز صبح در مورد کیفیت پخش اخبار، با صدا و سیما صحبت کردم و به واحد موشکی گفتم که آماده باشند تا بنا به دستور عمل کنند. گفتند که می‌توانند موشک‌های معیوب را اصلاح کنند. آقای [سرهنگ مصطفی] ترابی اطلاع داد که در یک حمله موفق از سوخت‌گیری اف ۱۴ استفاده کرده‌اند.

احمدآقا آمد و درباره مشکل تأمین خواسته لیبی در ایجاد ارتباط آنان و نیروهای لبنانی و بدنامی آنها در حادثه مفقود شدن امام موسی‌صدر سخن گفت و از وزیر خارجه نقل کرد که آقای [محسن] رفیق‌دوست، هنوز توفیقی در سوریه به دست نیاورده است.

عصر آقای [شیخ محمد تقی] فلسفی و آقای مهدیان برای دیدن من آمدند. آقای فلسفی از اظهارات من به کاردار سفارت فرانسه تقدیر کرد. گویا در محافل مختلف مقبول افتاده است. من در ملاقات کاردار فرانسه از موضع قدرت حرف زدم و بر خلاف روال و سنّت معمول، همه مذاکرات را منتشر کردیم[1].

---

۱ ـ خبرگزاری فرانسه در این باره گزارش داد: "آقای هاشمی رفسنجانی که "ژان پرن" کاردار سفارت فرانسه را در پایان مأموریتش در ایران به حضور پذیرفت، اعلام کرد: علی‌رغم تمامی اشتباهات سوسیالیست‌ها نسبت به جمهوری اسلامی به آقای دوما [وزیر روابط خارجی فرانسه] بگویید که به دلیل اقامت کوتاه امام در فرانسه، ما می‌خواهیم گذشته را نادیده بگیریم به شرط آنکه برای حسنه کردن روابطمان به گونه‌ای صریح و قاطعانه تصمیم بگیرید. ژان پرن خاطر نشان کرد که انتصاب آقای رولان دوما

(ادامه پاورقی در صفحه بعد)

احمدآقا هم آمد. نظرشان این بود که چون صدام امروز به شهرها حمله نکرده، خوب است ما هم خودداری کنیم. من موافقت کردم و به آقای صیاد[شیرازی] تلفنی اعلام کردم که بصره را نزنند و از آقای [هوشنگ]صدیق [فرمانده نیروی هوایی] هم خواستم که دست به حمله هوایی نزنند. فائزه به منزلش رفت و من تنها ماَندم. تلفنی با عفت و همراهان در مکه صحبت کردیم. حالشان خوب است و تا آخر هفته برمی‌گردند.

سه شنبه ۱۳ فروردین ۱۳۶۴ ۱۱ رجب ۱۴۰۵ 2 APRIL 1985

آقای [کمال]خرازی [رئیس ستاد تبلیغات جنگ] تلفن کرد و قرار شد که سیاست ما این باشد که تا عراق جائی را نزند، ما هم از حمله خودداری کنیم، اما توقف عملیات را اعلام نکنیم. آقای ولایتی [وزیر امور خارجه] همین مطلب را تلفنی گفت و اطلاع داد که به موفقیت آقای رفیق‌دوست در تهیه نیازها بعد از ملاقات با حافظ اسد در سوریه، امید بیشتری می‌رود.

آقای [محمدعلی] نظران تلفن کرد و با یک واسطه نقل کرد که رادیو آلمان اعلام کرده است، نظامیان عراق صدام را هدف قرار داده‌اند، اما تأیید نشد. محسن از رفسنجان تلفن کرد و پرسید که آیا موافقم برای کارآموزی در مس سرچشمه کار کند. آقای ترابی هم تلفنی اعلام کرد که امشب هوا خراب است و اف ۱۴ نمی‌تواند برای دفاع [هوایی] پرواز کند.

شب زودتر از معمول خوابیدم، اما زنگ تلفن آقای دکتر ولایتی بیدارم کرد. او اطلاع داد که شوروی با تأمین کانال هوایی برای هواپیماهای ما موافقت کرده است. این خبر خوبی است و لااقل نشانگر تمایل شوروی به تیرگی بیشتر روابط [با عراق] است که البته احتمال آن منتفی نیست.

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

به سمت وزیر روابط خارجی فرانسه، فضای جدیدی بین ایران و فرانسه به وجود آورده و وزیر روابط خارجی فرانسه از وی خواسته است که از رهبران ایران بخواهد که روابط موجود تحکیم یابند. آقای هاشمی رفسنجانی به کاردار فرانسه گفت: در حال حاضر کشتی‌های ما در خلیج‌فارس توسط موشکهای شما زده می‌شود، پول ما در بانکهای شما نگهداشته شده‌اند. دشمنان تروریست ما که بهترین رهبران مردم ما راکشته‌اند، توسط پلیس شما حفاظت می‌شوند. قبول کنید که آمریکا هم این چنین نسبت به ما بدرفتاری نکرده است. وی در مورد قصد فرانسه مبنی بر بهبود این روابط، اظهار عقیده کرد که جز حرف، چیز دیگری دیده نشده است. مساله وام یک میلیارد دلاری شاه به شرکت غنی‌سازی اورانیوم "اورودیف" فرانسه یکی از اختلافات است که ایران خواهان پس دادن آن و پرداخت بهره آن می‌باشد، که اینک متجاوز از ۳۰۰ میلیون دلار است. آقای پرن تمایل پاریس مبنی بر حل سریع این مسأله را مورد تأکید قرار داد چون این یک کار سمبولیک برای حل سایر مسایل تهران ـ پاریس است".

این اقدام می‌تواند دلیلی باشد، براین که آنها در این شرایط از دادن موشک‌های اس.اس ۱۲ به عراق خودداری خواهند کرد.

چهارشنبه ۱۴ فروردین ۱۳۶۴ ۱۲ رجب ۱۴۰۵ 3 APRIL 1985

تا ساعت چهار بعداز ظهر در منزل بودم. خطبه عربی نماز جمعه آینده را نوشتم. به ستاد تبلیغات جنگ گفتم که خبر تبریک سران شوروی به رئیس‌جمهور و نخست‌وزیر را منتشر کنند. آقای محسن رضایی آمد و گزارش ناقصی از عملیات بدر داد. ولی مطلب قابل قبولی ارائه نکرد و به نظر می‌رسد که برای آینده هم طرح قابل توجهی ندارد.

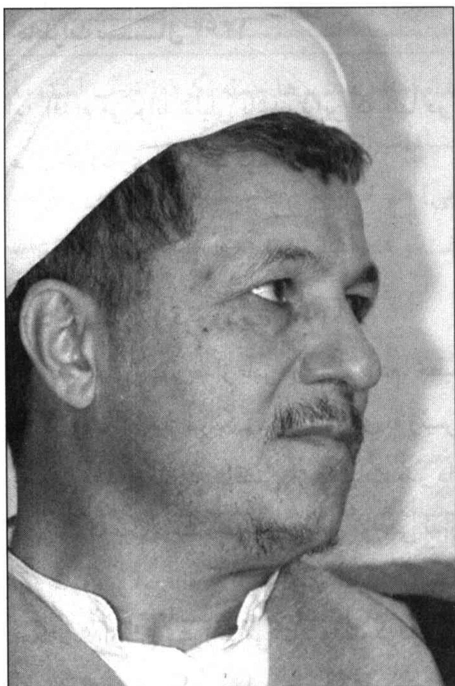
علاوه بر این، او با طرح آقای صیاد هم موافق نیست و کارهای آینده را به در دست داشتن امکانات ارتش مشروط می‌کند. وقت گرفتیم که خدمت امام برسد. در آنجا هم ـ بنا به گفته خودش ـ همان مطالب را درباره ارتش گفته. او پس از ملاقات با امام برگشت و مذاکراتمان تا ساعت یک‌ونیم بعد از ظهر ادامه یافت. با آقای صیاد هم تلفنی صحبت کردم؛ ظاهراً از پیشرفت کار راضی است. قرار شد که برای گزارش کامل به تهران بیاید، اما ظاهراً عملیات بی‌تأخیر نیست. تأخیر از عوامل مهم عدم موفقیت در بعضی عملیات‌های گذشته بوده است و در شرایطی که روزانه مردم شاهد شرارت‌های عراق در شهرها هستند، نیاز به یک عملیات موفق در جبهه‌ها زیاد است و تأخیرها مشکل‌زاست.

عصر به مجلس رفتم. در گزارشها مطلب مهمی نبود. آقای [طهماسب]مظاهری مسئول بنیاد مستضعفان آمد و گزارشی از وضع مالی بنیاد داد و گفت که بودجه بنیاد در سال ۶۴ را ۴۷۳ میلیارد ریال تعیین کرده‌اند. او از اینکه دادگاهی بنیاد را به پرداخت ۶۰۰ میلیون تومان به نفع یک مدعی خصوصی ـ که علیه رضاشاه اقامه دعوی کرده بود ـ محکوم کرده است، اظهار ناراحتی کرد. با آقای [موسوی] اردبیلی [رئیس دیوان عالی کشور] صحبت کردم؛ قرار شد که رسیدگی شود.

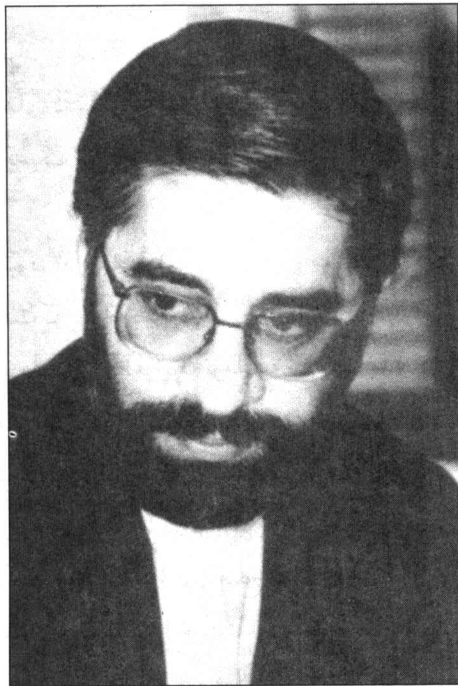
شب مهمان آقای موسوی اردبیلی بودیم. درباره جنگ بحث شد. قرار شد که سیاست ما در جنگ این باشد که نقطه مهمی را از عراق را تصرف کنیم و سپس خواستار صلح شویم تا وسیله‌ای برای بازپس گرفتن حقوق و احتمالاً سقوط صدام باشد. همین نظر را خدمت امام مطرح خواهیم کرد. دو نظر دیگر مبنی بر صلح از موضع قدرت یا جنگ تا سقوط صدام فعلاً مقبول نشد. هنگام



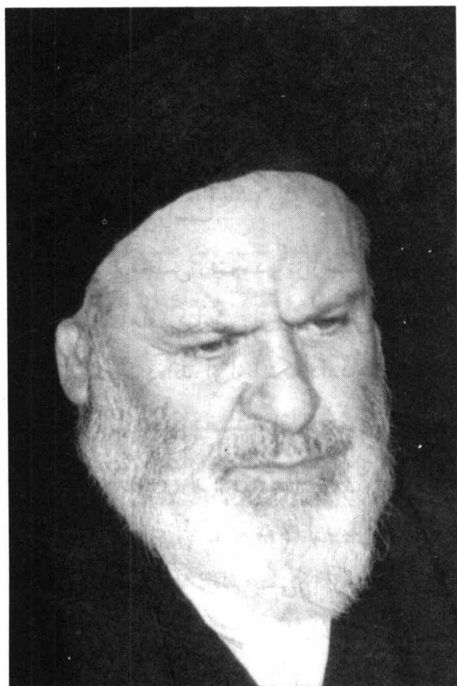
آیت الله خامنه ای رئیس جمهور



آیت الله هاشمی رفسنجانی رئیس مجلس شورای اسلامی



میر حسین موسوی نخست وزیر



آیت الله موسوی اردبیلی رئیس قوه قضائیه

شام، وضعیت قرمز اعلام شد و ضدهوایی‌ها کار کردند، اما حمله‌ای صورت نگرفت. دیر وقت به خانه آمدم. تنها در خانه خوابیدم.

پنجشنبه ۱۵ فروردین ۱۳۶۴ ۱۳ رجب ۱۴۰۵ 4 APRIL 1985

بعداز نماز، آقای [کمال]خرازی اطلاع داد که عراق اعلام کرده است حمله موشکی به شهرهای ایران را بیشتر می‌کند[۱]. گفتم که در این‌باره بیانیه‌ای از ستاد تبلیغات جنگ صادر شود[۲]. با آقایان رئیس‌جمهور، نخست‌وزیر و صیاد[شیرازی] صحبت شد و برای نحوه برخورد با تهدیدات دشمن در صورت عملی شدن آنها، تصمیماتی اتخاذ و ابلاغ شد. اخوی محمد بعداز دیدار عمومی امام آمد و گفت که امام در اظهاراتشان بر مقاومت و ادامه جنگ تأکید کرده‌اند[۳]. آقای [شیخ فضل‌الله]محلاتی [نماینده امام در سپاه] تلفنی تذکر داد که احتمالاً بیانات امام، موجب سوءتفاهم برای اهل‌سنت شود[۴]. موضوع را به احمدآقا گفتم و قرار شد که در صورت اجازه امام، اصلاح شود.

امروز، سه موشک عراق به باختران (کرمانشاه) و همدان اصابت کرده و حدود هفتاد شهید و تعداد بیشتری مجروح گرفته است. بنا به دستور، چند شهر عراق بمباران و چند شهر با توپ زده شد

۱ـ در این روز شهرهای کرمانشاه، همدان، ایلام، اسلام آباد غرب، نهاوند، بروجرد، شهریار و قزوین مورد حمله موشکی و هوایی قرار گرفت. در حمله موشکی به کرمانشاه تعداد ۲۵ نفر از مردم بی‌دفاع به شهادت رسیدند و بیش از ۷۰ نفر مجروح شدند. اداره آموزش و پرورش کرمانشاه به علت حملات مداوم موشکی به این شهر کلیه مدارس را تا ۲۴ فروردین تعطیل اعلام کرد.

۲ـ در این اطلاعیه آمده است: "جمهوری اسلامی اعلام می‌دارد در اجرای سیاست مقابله به مثل، ناگزیر از حمله به بغداد شده و مسئولیت ویرانی و خسارات ناشی از اقدامات متقابل ما تنها متوجه حکام بغداد است و این اقدامات تا قطع حملات عراق به مناطق مسکونی ایران و تنبیه رژیم عراق ادامه خواهد یافت".

۳ـ امام خمینی(ره) در دیدار با ائمه جماعات قم، گروهی از پرسنل ارتش و سپاه و جمعی از بسیجیان و اهالی جنوب تهران و جمعی از ایتام، به مناسبت میلاد حضرت علی(ع) فرمودند: "دفاع از اسلام و کشور تکلیف همه است و ما در مقابل صدام تا آخر ایستاده‌ایم". رجوع کنید ← "کتاب صحیفه امام، جلد نوزدهم، صفحه ۲۱۳، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره).

۴ـ در این سخنرانی، حضرت امام در پاسخ به اشکال برخی علما مبنی براینکه جنگ عراق و ایران، جهاد نیست و جنگ مسلمان با مسلمان است فرمودند: "این منحرفین که ایران را متهم می‌کنند به اینکه چرا با مسلمین شما جنگ می‌کنید، علاوه براینکه حزب بعث را مسلم نمی‌دانیم بلکه ضداسلام می‌دانیم.... جنگ با مسلم نیست گرچه او مسلمین را سپر قرار می‌دهد و می‌آورد به جبهه‌ها لکن جنگ با مسلم نیست.... حضرت امیر(ع) جنگی را که کرده است با اصحاب پیغمبر(ص) با نزدیکان پیغمبر(ص) با مقدسهای حقه باز کرده است و این برای مصلحت اسلام بوده است". رجوع کنید ← "کتاب صحیفه امام، جلد نوزدهم، صفحه ۲۱۳، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره).

و قرار شد فردا بعداز ظهر که نماز جمعه تمام شد، به بغداد موشک بزنیم.

عصر آقایان [اسدالله]لاجوردی و [جواد]مقصودی آمدند. تأکید کردم که آقای لاجوردی شغلی در دستگاه قضائی بپذیرد تا آثار سوء عزل ایشان [از دادستانی انقلاب تهران]کم شود. شب عفت و بچه‌ها از عمره برگشتند. آنها از سفرشان خیلی راضی بودند، اما می‌گویند که بعضی از وهابی‌های عربستان با ایرانی‌ها بدرفتاری می‌کنند.

جمعه ۱۶ فروردین ۱۳۶۴ ۱۴ رجب ۱۴۰۵ 5 APRIL 1985

تا ساعت ده‌ونیم صبح در منزل بودم و برای تنظیم مطالب خطبه‌های نماز جمعه مطالعه می‌کردم. در نماز جمعه جمعیت زیادی از مردم آمده بودند. خیلی ابراز احساسات کردند. اعلام کردم که امروز به بغداد موشک می‌زنیم[1]. موشک در ساعت دو و ۴۸ دقیقه بعداز ظهر شلیک شد. گویا به نقطه مهمی از شهر اصابت کرده است[2].

---

۱ ـ در خطبه‌های نماز جمعه این هفته، آقای هاشمی به بحث پیرامون عدالت اجتماعی و مظالم نژاد سفید و جامعه غرب نسبت به نژادهای دیگر ادامه داد و با اشاره به حاکمیت سرمایه برحکومت‌های غربی و مقایسه آن با حکومت اسلامی، به نقد سرمایه‌داری غربی پرداخت. در خطبه دوم نماز نیز اهداف عراق از گسترش جنگ شهرها و آمادگی جمهوری اسلامی برای مقابله با ارتش عراق را تشریح کرد. در بخشی از خطبه دوم آمده است: "حکام بعثی بدانند نتیجه معکوس شده است. از زدن شهرها چه نتیجه می‌خواستید بگیرید. آیا مردم باختران، تهران، همدان، شهرهای کردستان، خرم‌آباد خسته شده‌اند. آیا انگیزه رزمندگان ما کم شده بدانید درست نتیجه معکوس می‌گیرد و قدرت مردم ما بیشتر شده است.... راه نهایی پایان جنگ، تسلیم رژیم بعثی و انتخاب حکومت دلخواه توسط مردم عراق است.... به عنوان سخنگوی شورای عالی دفاع آرزو می‌کنم که این موشکی که به بغداد می‌زنیم آخرین موشکی باشد که به این شهر می‌زنیم. ضمناً اکنون هیچ شهری نیست که از برد حملات ما مصون باشد". رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، خطبه‌های جمعه سال ۱۳۶۴، جلد هشتم، صفحه ۶۹" دفترنشرمعارف‌انقلاب.

پیش از خطبه‌های نماز جمعه، آیت‌الله سید محمود هاشمی شاهرودی رئیس مجلس اعلای انقلاب اسلامی عراق به مناسبت سالگرد شهادت آیت‌الله سید محمد باقر صدر و خواهرش بنت‌الهدی به تشریح ابعاد مختلف جنایات رژیم بعث عراق پرداخت.

۲ ـ خبرگزاری آسوشیتدپرس از بغداد گزارش داد: "انفجار نیرومندی روز جمعه کمی پس از اینکه ایران اعلام کرد به تلافی حملات روز قبل عراق، موشکی به پایتخت عراق شلیک می‌کند، قلب بغداد را لرزاند. دولت عراق هیچ آماری از تلفات ارائه نداده و توضیحی نیز برای این انفجار که در ۲۳ روزگذشته، هشتمین انفجار در بغداد بوده است، نداد. چند ساعت قبل از این انفجار، آقای هاشمی رفسنجانی رئیس مجلس شورای اسلامی ایران اعلام کرد که این کشور، موشکی به بغداد شلیک خواهد کرد و بخش عربی رادیو تهران از عراقی‌ها خواست تا از پایتخت فرار کنند. پلیس و شبه نظامیان یونیفورم پوش پس از انفجار، ناحیه مرکزی شهر را مسدود کرده و از ورود خبرنگاران برای بررسی خسارت یا تعیین محل دقیق اصابت موشک جلوگیری کردند. گرچه

(ادامه پاورقی در صفحه بعد)

عصر آقایان [سیدعلی اکبر]محتشمی [سفیر ایران در دمشق]، احمدآقا و دکتر ولایتی آمدند و گزارش مذاکرات آقای [محسن]رفیق‌دوست در سوریه را ارائه کردند و گفتند که نسبتاً پیشرفت داشته است. راجع به خواست لیبی در مورد همکاری با مجاهدان لبنان هم تصمیم لازم اتخاذ شد. آقای [محمد حسن]زورق [معاون سازمان صداوسیما] تلفنی اعلام کرد که با پخش فیلم پرتاب موشک موافق نیست؛ گفتم که با دیگران هم مشورت کند.

شنبه ۱۷ فروردین ۱۳۶۴ ۱۵ رجب ۱۴۰۵ 6 APRIL 1985

صبح زود با صدای تیربارهای ضدهوایی بیدار شدم. معلوم شد که هواپیماهای عراقی دو بمب در تهران انداخته‌اند که یکی عمل نکرده و دیگری در جای دوری افتاده که در اثر آن چهار نفر مجروح شده‌اند. دیشب به ایلام و اسلام‌آبادغرب سه موشک زده‌اند که به کوه خورده است و دو موشک هم درکرمانشاه ۱۳ شهید داشته است. با آیت‌الله خامنه‌ای صحبت کردم. قرار شد که امروز مقابله‌به‌مثل نکنیم تا شاید جنگ شهرها آرام بگیرد.

در جلسه شورای سرپرستی صداوسیما، بیشتر به بحث‌های سیاسی، نظامی و تبلیغی پرداختیم. خبر رسید عراق به شهرهای دزفول، نهاوند و رامهرمز هم موشک زده است و از دیشب، جمعاً ده موشک شلیک کرده است که اکثراً کم اثر یا بی اثر بوده‌اند. در دزفول چهار موشک، تنها یک شهید داشته است.

ظهر والده و همشیره‌ها ـ فاطمه و طیبه ـ مهمان ما بودند. آقای نخست‌وزیر اطلاع دادند که موشک‌های ساخت صنایع نظامی با برد ۴۰ کیلومتر آماده بهره‌برداری است. به دفتر مشاورت گفتم که ترتیب آموزش و به کارگیری آنها توسط نیروی زمینی یا هوایی داده شود. به آقای

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

جمعه روز تعطیل مسلمانان است ولی مغازه‌های مرکزی شهر بغداد امروز باز بودند و این ناحیه اغلب در بعد از ظهرها پر است از مشتریان مغازه و افرادی که برای قدم زدن می‌آیند. یکی از سکنه خارجی بغداد که در نزدیک مرکز شهر زندگی می‌کند طی تماس تلفنی گفت که انفجار بسیار دهشتناک بوده و چندین ثانیه خانه وی را لرزانده است. این خارجی که خواست ناشناس بماند گفت: من صدای شکستن شیشه‌ها را چند ثانیه پس از انفجار می‌شنیدم. بعد چند راننده‌ای که در خیابان بودند با شنیدن صدای انفجار، دیوانه‌وار شروع به راندن به این طرف و آن طرف و بوق زدن کردند. ستون عظیمی از دود قهوه‌ای رنگ که از محل انفجار به هوا برخاسته بود، قابل مشاهده بود".

و امرهم شوری بینهم

بسمه تعالی

شورای انقلاب اسلامی

تاریخ ۱۷/۱/۵۸
شماره ۱۴۹۶۵
پیوست

دانشمند محترم جناب [illegible] حسین نژاد

نامه جنابعالی حاوی نتایج تحقیقات و مطالعات [illegible]
همراه با مطالب ارزشمند دیگر خودتان دریافت شد. خداوند
به شما و همه پژوهشگران راه حق توفیق کامل عنایت کند.
و [illegible] قطعه شعری که فرستاده بودید از طرف
[illegible] به [illegible] عزیز [illegible]

[illegible] ۵۸

پیش نویس پاسخ به نامه یک نویسنده عرب

دکترولایتی گفتم که پارتی جدید موشک را از لیبی مطالبه کند.

شب آقای [کمال]خرازی درباره دادن اخطار به مردم عراق برای حملات موشکی فردا ـ که سالگرد تأسیس حزب بعث است و دبیرکل سازمان ملل متحد هم به بغداد می‌رود ـ مشورت کرد که مجموعاً موافقت نشد. خبر کودتای ارتش سودان در غیاب [جعفر]نمیری و در آستانه ورود او از آمریکا به قاهره، خبر مهم روز است[1].

یکشنبه ۱۸ فروردین ۱۳۶۴ — ۱۶ رجب ۱۴۰۵ — 7 APRIL 1985

بعد از نماز و ورزش مختصری، به مجلس رفتم. مسأله مهمی در گزارش‌ها نیست. [آقای خاویر پرز دکوئیار] دبیرکل سازمان ملل متحد که قرار نبود به ایران بیاید، ناگهان اعلام کرده است که می‌آید.

اولین جلسه مجلس در سال جدید تشکیل شد. پیش از دستور، درباره ماجراجوئی‌های جدید صدام صحبت کردم[2]. بعداز تنفس به دفترم رفتم که آیت‌الله خامنه‌ای و صیاد[شیرازی] آمدند. صیاد زمان و مانور عملیات آینده را شرح داد. از تأخیر درکار انتقاد کردیم ولی به ناچار پذیرفتیم. آقای ولایتی تلفنی خواست که ملاقات با دبیرکل سازمان ملل را ـ که درخواست اوست ـ بپذیرم و پذیرفتم. چون عراق اعلام کرد که موقتاً شهرها را نمی‌زند، به توپخانه‌ها دستور داده شد که دیگر شهرهای عراق را نزنند. ظهر سلمانی برای اصلاح آمد.

عصر با [آقای خاویر پرز دکوئیار] دبیرکل سازمان ملل متحد ملاقات کردم و مفصلاً مواضع و نظراتمان را گفتم. فکر می‌کنم که ملاقات خوبی بود. به او گفتم که از کیفر متجاوز نمی‌گذریم و آماده‌ایم هرگونه اقدام خلاف مقرارت بین‌المللی را که در پاسخ به جنایات مکرر عراق، به عنوان

---

۱ ـ فرماندهی نظامی سودان در کودتایی بدون خونریزی در حالی قدرت را به دست گرفت که جعفر نمیری رئیس‌جمهور این کشور مشغول دیداری کوتاه از مصر بود. "عبدالرحمن محمد حسن سوارالذهب" وزیر دفاع سودان با انجام کودتا حکومت را در دست گرفت. جعفر نمیری روابط خوبی با آمریکا داشت و از طرف این کشور حمایت می‌شد.

۲ ـ در این نطق آمده است: "با مقاومت حیرت‌انگیز مردممان مخصوصاً شهرهایی که مورد اصابت بمب‌ها و موشک‌ها قرار گرفته است و با مقابله به مثل بسیار مؤثر و حساب شده نیروهای رزمنده ما، یک توطئه عمیق خنثی شد و شرارت بعث جنایتکار دامان خودش را گرفت و این روزها برای نجات از باتلاقی که برای خودش درست کرده، به دست و پا افتاده است". رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، نطق‌های پیش از دستور سال ۱۳۶۴، جلد پنجم،" زیر نظر محسن هاشمی، دفترنشرمعارف‌انقلاب.



ملاقات با خاویر پرز دکوئیار دبیر کل سازمان ملل متحد



مقابله به مثل انجام می‌دهیم، متوقف کنیم[1].

تا ساعت هشت شب گزارشها را در دفترم خواندم و کارها را انجام دادم. احمدآقا و آقای موسوی اردبیلی، تلفنی درباره نتایج ملاقات توضیح خواستند. آقای دکتر ولایتی نتیجه مذاکرات هیأت اعزامی به روسیه را شرح داد. آنها قول داده‌اند که از تحویل موشکهای دور برد به بغداد خودداری کنند. تمایل به توسعه روابط با ما دارند، از عدم برخورد مناسب ما در جریان قطع ارسال اسلحه از سال ۱۹۸۰ به عراق گله داشته‌اند و بر ختم جنگ اصرار دارند. مناسبات بازرگانی دو کشور هم توسعه خواهد یافت.

دوشنبه ۱۹ فروردین ۱۳۶۴ — ۱۷ رجب ۱۴۰۵ — 8 APRIL 1985

احمدآقا آمد و خبر داد، مسافری که از نجف و ترکیه برگشته، گفته است که شهرهای مقدس عراق که امن اعلام شده، فوق‌العاده شلوغ شده است. علمای اهل سنت نزد آقای [سیدابوالقاسم] خوئی رفته‌اند و از وی خواسته‌اند که به امام تلفن کند و تقاضای عدم شلیک موشک نماید. ایشان هم با ادعای علم به عدم تأثیر نپذیرفته‌اند.

عصر آقای [محمدحسن]زورق [معاون سازمان صداوسیما] آمد و درباره نمودار سازمانی صداوسیما ـ که در حال تدوین شدن است ـ نظراتی داد. آقای [ابوالفضل]توکلی آمد و درخواست کرد که به خانواده‌های چند نفر از فرماندهان شهید سپاه زمین داده شود. آقای رحیمی آمد و

---

۱ ـ خبرگزاری آلمان در این باره گزارش داد: "درست قبل از آنکه خاویر پرز دکوئیار دبیر کل سازمان ملل تهران را ترک کند، توسط هاشمی رفسنجانی رئیس مجلس ایران به او اطمینان داده شد که ایران موضع جنگ را رد می‌کند و امیدوار است که منطقه ما از آرامش و ثبات برخوردار شود به طوری که ما بتوانیم کشورمان را دوباره بسازیم و به سود مردم کشورمان کار کنیم. آقای رفسنجانی در ملاقات با پرز دکوئیار قبل از رفتن وی از ایران تأکید کرد که عراق برای حمله به ایران و برای جنایات متعاقب آن در جنگ باید تنبیه شود. این نشان دهنده یک تغییر مهم در پافشاری قبلی ایران دایر بر سرنگونی صدام حسین و محکوم نمودن عراق به عنوان شرط قبلی برای گفتگوی صلح با عراق است. آقای رفسنجانی که نماینده آیت‌الله [امام] خمینی در شورای عالی دفاع است، در گفتگو با پرز دکوئیار اظهار داشت: "اگر راهی برای پایان دادن به جنگ وجود داشته باشد، این راهی است که شما انتخاب کرده‌اید. ابتدا باید از اعمال نادرست و غیر قانونی جلوگیری شود تا اینکه مردم بتوانند صدای آزادی را در جهان بشنوند. شما باید اقدام اخیر خود را با صراحت و شجاعت دنبال کنید و مطمئن باشید که ما برعکس تبلیغات بدخواهانه امپریالیستها، علاقه‌ای به تجاوز نداریم و هرگونه پیشرفت و موفقیتی که خواهانیم در چارچوب صلح و ثبات می‌باشد، اما ما به حدی در معرض بی‌عدالتی قرار گرفته‌ایم که موجب شده است فکر کنیم که تنها راه دفاع از خودمان در برابر تجاوز، مقاومت با اسلحه است".

شکایت همسر یکی از پاسدارانم را گفت. در گزارشها مطلب مهمی نبود. آقای دکتر ولایتی از من خواست که از رئیس مجلس پاکستان [برای دیدار از ایران] دعوت کنم. محسن را برای بازدید از کارخانه‌های صنایع نظامی فرستادم.

سه شنبه ۲۰ فروردین ۱۳۶۴ ۱۸ رجب ۱۴۰۵ 9 APRIL 1985

بعداز نماز به مجلس رفتم. در جلسه رسمی به چند مورد از دستورکار رسیدگی شد و مراجعات زیادی داشتم. ظهر نماینده کاشمر آمد و برای حل مشکلات ناشی از اختلافات با امام جمعه چاره‌جوئی کرد. او را توصیه به گذشت و الفت کردم. عصر آقای [عبدالرحیم] گواهی سفیرمان در ژاپن آمد و برنامه سفرم به چین و ژاپن را توضیح داد. آقای [محسن] رفیق‌دوست آمد و گزارشی از سفرش به سوریه ارائه داد که مطلب تازه‌ای نداشت.

عصر و شب، جلسه شورای عالی انقلاب فرهنگی داشتیم. بیشتر بحث‌ها درباره جهاد دانشگاهی بود که یک مسأله مهم سیاسی و دانشگاهی است و تصمیم‌گیری درباره آن مشکل است. بعد از جلسه با رئیس‌جمهور درباره جنگ صحبت کردیم. شب به خانه آمدم.

چهارشنبه ۲۱ فروردین ۱۳۶۴ ۱۹ رجب ۱۴۰۵ 10 APRIL 1985

ساعت هفت و نیم با پاسداران و محسن، برای بازدید از مؤسسه سرم و واکسن سازی [رازی] به حصارک [کرج] رفتیم. [آقای دکتر عباسعلی زالی] وزیر کشاورزی هم آمده بود. از بخش مارها و عقرب‌ها، سم‌گیری، تهیه واکسن فلج اطفال و سرخک و کتابخانه بازدید کردیم که خیلی جالب و کارها منظم بود. اطلاعات جدید و جالبی درباره مارها به دستم آمد. در آمفی تأتر مؤسسه برای کارکنان سخنرانی کردم[1]، ناهار را در آنجا صرف کردیم و به مجلس آمدم.

---

۱ ـ در این سخنرانی آمده است: "من امروز یکی از مراکزی را که خدمات اساسی به جامعه بشریت می‌کند، بازدید کردم و حمایت شما را از نزدیک لمس نمودم و این بازدید در روحیه من هم تأثیر گذاشت که انصافاً با علاقه و صمیمیت در اینجا کار می‌شود و دلیل روشن آن هم این اضافه تولیدی است که شما در روزهای بعد از انقلاب دارید، یعنی سه برابر شدن تولیدات موسسه اعجاب‌انگیز است و برای جامعه و مردم انقلابی ما شیرین است که بشنوند موسسه رازی ظرف پنج سال موفق شده محصولاتی را

(ادامه پاورقی در صفحه بعد)

عصر هیأت رئیسه جلسه داشت و درباره کارها و برنامه‌های مجلس تصمیم‌گیری شد. آقای [شیخ فضل‌الله]محلاتی آمد و گزارشی از جبهه و نتایج عملیات بدر آورد که نزدیک به دوهزار شهید داشته است. شب مهمان رئیس‌جمهور بودیم. در آنجا درباره نهضت‌آزادی که اخیراً به افساد تبلیغاتی افتاده است، بحث شد[1]. درباره جنگ و نظرات آقای [محسن]رضایی، در مقابل تصمیم عملیاتی اخیر آقای صیاد[شیرازی] که نامه‌ای هم فرستاده است، بحث و تبادل نظر شد. به سپاه و وزارت خارجه تأکید شد که فرستادگان لیبی را در مورد ایجاد رابطه با مجاهدان لبنان راضی کنند. برای خواب به مجلس رفتم. اخبار ساعت دوازده شب راگوش دادم و خوابیدم.

درگزارشها مطلب مهمی نداشتیم. عراقیها با این که هیاهو می‌کنند، اما جرأت شرارت زیادی ندارند. به نظر می‌رسد که از موشک‌های ایران ترسیده‌اند و چند موشک توانسته است که برتری هوایی آنها را خنثی کند. مسافرت دبیرکل سازمان ملل هم به نفع ما تمام شد؛ گرچه کاری انجام نداد.

پنجشنبه ۲۲ فروردین ۱۳۶۴   ۲۰ رجب ۱۴۰۵   11 APRIL 1985

تا ساعت هفت و نیم صبح مطالعه کردم. به مجلس رفتم و تا ساعت ده ونیم در جلسه علنی مجلس بودم. درکمیسیون ویژه بیانیه الجزایر شرکت کردم. دوستان پیشنهاد می‌کردند که دفتر بیانیه تقویت شود، روی تخلفات آمریکا تأکید شود و چند نفری به هلند بروند. آقای روحانی گزارش هیأت بین‌المجالس را ارائه کرد و توضیحاتی درباره عملیات آینده گرفت. ظهر آقای موسوی‌پور نماینده ابهر آمد و از دبیرحزب [جمهوری اسلامی] زنجان و آقای [اسدالله]بادامچیان گله داشت. نمایندگان باختران برای کمک به آسیب دیدگان جنگ، از محل کمکهای مردمی که در اختیار من است، مبالغی دریافت کردند.

عصر مدیر عامل [سازمان] صنایع دفاع، [به اتفاق گروه تحقیق و ساخت موشک این سازمان]

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)
که بازده آن در جامعه بسیار بالا است، سه برابر کند." رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۴، جلد پنجم، "زیر نظر محسن هاشمی، دفترنشرمعارف‌انقلاب.

۱ ـ نهضت آزادی در آستانه انتخابات ریاست جمهوری و برای جلب توجه افکار عمومی، در نامه سرگشاده‌ای از ادامه جنگ به شدت انتقاد کرده و خوستار برقراری صلح و پایان جنگ با عراق شده بود.

طرح موشک جدید را آورد که کار جالبی است. موشکی با برد تقریبی ۴۰ کیلومتر طراحی کرده است که او را تشویق کردم[1]. [مهندس حسین نیلی] وزیر معادن [و فلزات] با گروهی از مدیران آمدند و گزارشی از کار خود دادند. من هم برای آنها صحبت کردم[2]. مسئول تلکس مجلس آمد و نیازهایش را گفت.

آقای [عبدالله]جاسبی آمد و گزارشی از پیشرفت کار دانشگاه آزاد اسلامی ارائه کرد که با سرعت گسترش می‌یابد. تا ساعت هشت‌ونیم در دفترم کار کردم و به خانه آمدم. عراق امروز دو شهر را زد، اما چون حمله مهمی نیست، مقابله به مثل را در همان بصره انجام می‌دهیم.

جمعه ۲۳ فروردین ۱۳۶۴ ۲۱ رجب ۱۴۰۵ 12 APRIL 1985

در منزل ماندم. استراحت، پیاده روی در حیاط منزل، نوشتن خاطرات و مطالعه مقداری از وقت مرا پر کرد. عصر آقای ناصر کمره‌ای و بستگان آمدند. با آقای صیاد [شیرازی] صحبت کردم. او گفت که کارها خوب پیش می‌رود، اما تأخیرها ـ مثل بعضی موارد گذشته ـ کار را خراب می‌کند.

شنبه ۲۴ فروردین ۱۳۶۴ ۲۲ رجب ۱۴۰۵ 13 APRIL 1985

در منزل ماندم و تا ساعت نه صبح مطالعه کردم. آقا جلال برای اصلاح بعضی از خرابی‌های منزل بنّا آورد. شورای سرپرستی [صداوسیما] طبق معمول از ساعت نه صبح تا ظهر جلسه داشت. مسئولان اخبار در صداوسیما توضیحاتی دادند و اعضای شورا نظرات اصلاحی خود را درباره آرم

---

۱ ـ در این دیدار آقای هاشمی از کار بزرگ آنان که باعث تحولی بزرگ در صنایع نظامی ایران شده قدردانی و تشکر نمود و گفت: "قطعاً اگر این فشارها برملت ما وارد نمی‌شد، هیچ وقت در ذهن شماها خطور نمی‌کرد که استعدادهایتان را به کار بیندازید و برای جلوگیری از شرارتهای صدام هم در صنعت و هم در جبهه، فکری بنمایید."

۲ ـ در این دیدار که علاوه بر وزیر معادن و فلزات، معاونین و مدیران صنایع فولاد نیز حضور داشتند، آقای هاشمی گفت: "برداشتی که متخصصین و دانشمندان در مورد خودکفایی صنعتی کشور دارند، کاملاً امیدوار کننده و اطمینان بخش است. متخصصین ما، مملکت ما را از لحاظ منابع و ذخایر مربوط به صنایع، کاملاً غنی می‌دانند و این نظر خوشبینانه در مورد مهمترین اساس استقلال اقتصادی کشور که صنعت فولاد می‌باشد، بسیار نوید دهنده است. رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۴"، جلد پنجم، دفترنشرمعارف‌انقلاب.

اخبار، درست خوانی گویندگان و موارد دیگر ارائه کردند.

با نخست‌وزیر، تلفنی صحبت کردم و از او خواستم که یک آشیانه تعمیر هواپیما از هواپیمائی کشوری برای تعمیر هواپیماهای نظامی به ارتش واگذار شود و یک چاپخانه از بنیاد مستضعفان در اختیار دانشگاه آزاد اسلامی قرار گیرد. آقای بهزاد نبوی [وزیر صنایع سنگین]، در گفتگوی تلفنی از امضای پیشنهادی در مجلس درباره ادغام دو وزارتخانه صنایع و صنایع سنگین اظهار نگرانی کرد.

عصر، خانواده امام و آشنایان محله جماران، مهمان عفت بودند. به خاطر مهمانان زن، در کتابخانه‌ام ماندم و ساعتها محدود بودم. به عفت گفتم که مهمانی‌هایش را در روزهائی قرار دهد که من در منزل نیستم.

یکشنبه ۲۵ فروردین ۱۳۶۴ ۲۳ رجب ۱۴۰۵ 14 APRIL 1985

ساعت شش ونیم صبح به مجلس رفتم. در گزارشها مطلب مهمی نبود. در جلسه علنی لایحه اعزام دانشجو به خارج و طرح تمدید مدت آزمایشی قانون موقت وزارت صنایع سنگین مطرح بود. به خاطر مخالفتی که بعضی از نمایندگان با آقای [بهزاد]نبوی دارند، موضوع جنبه سیاسی به خود گرفته است.

ظهر هیأت اعزامی لیبی با من ملاقات داشت و با اصرار از من می‌خواستند که به لیبی سفر کنم. آنها برای حل مشکلی که در لبنان دارند و ناشی از فقدان آقای سید موسی‌صدر در سفر به لیبی، هفت سال پیش از این است، از ما کمک می‌خواهند و مسأله تحویل موشک را به نحوی به آن ربط داده‌اند.

یکی از فرماندهان سپاه آمد و از مدیریت عملیات بدر و از طرح آماده اجرای سرهنگ صیاد[شیرازی] انتقاد داشت و از تأثیر روابط خطی در سپاه ـ مخصوصاً در شیراز ـ گله داشت. عصر مسئولان اردوگاه‌های اسرای عراقی آمدند و درباره اقدامات رفاهی برای اسرا گزارش دادند و من برای آنها مفصلاً صحبت کردم و گفتم که با اسرا با محبت و احترام رفتار شود[1].

---

۱ ـ در این سخنرانی آمده است: "برای یک اسیر هر چقدر هم که به او خوش بگذرد، سخت است که بعد از چند سال دور از

(ادامه پاورقی در صفحه بعد)

شورای مرکزی حزب [جمهوری اسلامی] جلسه داشت. به این نتیجه رسیدیم که از امام استفسار شود که آیا با وجود یک حزب مقتدر و قوی موافقند یا خیر؟ اگر موافق باشند، برای تداوم و اصلاح حزب جمهوری اسلامی اقدام کنیم و اگر نباشند، به طرف انحلال یا راکد کردن حزب برویم. شب با آقای خامنه‌ای درباره وزرای جدید، جنگ، سفر من به لیبی، ژاپن و چین و اروپای شرقی و سفر ایشان به هند، پاکستان و تانزانیا بحث شد. دیر به خانه آمدم.

دوشنبه ۲۶ فروردین ۱۳۶۴ — ۲۴ رجب ۱۴۰۵ — 15 APRIL 1985

تمام روز در منزل ماندم. بنّا برای تعمیر خانه آمده بود. با نخست‌وزیر تلفنی صحبت کردم که از خروج پزشکان از باختران [= کرمانشاه] ممانعت شود. آقای [شیخ محمد علی] موحدی کرمانی امام جمعه باختران دیروز تلفنی اطلاع داد که بعد از جنایت [شلیک] موشک به شهر، هشتاد پزشک از دسترس مردم رفته‌اند و ناراحت بود که چگونه بعضی افراد در موقع بلا فرار می‌کنند. با نخست‌وزیر دربارهٔ دادن ارز برای خرید سلاح و وزرای جدید نیز با هم صحبت کردیم.

آقای [محمدعلی]نظران هم گفت، تیم خرید اسلحه که قرار بود فانتوم و موشک فونیکس خریداری کنند، تلفنی اطلاع داده‌اند که کارها به خوبی پیش می‌رود. محسن که از بازدید صنایع نظامی آمده بود، می‌گفت که در واحد خمپاره سازی، مواد اولیه کم است. عفت برای زیارت به قم رفت. وصیت نامه‌های شهید مهندس ابوالحسن آل اسحاق را ـ که در دوسه نوبت نوشته است ـ خواندم و خیلی مرا تحت تأثیر قرار داد. جوانان ایران رشد معنوی عجیب و دور از انتظاری کرده‌اند، کلماتشان اصحاب کربلا و بدر و خیبر را تداعی می‌کند و ما خیلی عقبیم.

قرار بود که امشب در جبهه‌ها خبری باشد. از صیاد جویا شدم که معلوم شد، او در مشهد است. احتمالا برای توسل به مشهد رفته و همین امشب برمی‌گردد؛ قابل توجه است. از آقای [هوشنگ]صدیق [فرمانده نیروی هوایی] موضوع را پرسیدم. او هم در جبهه بود و منتظر.

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

خانواده و محیط خود زندگی کند، گرچه این وضع را او به خاطر تجاوزی که کرده برای خودش به وجود آورده است. اما شما باید از لحاظ انسانی روحیات یک اسیر را در نظر بگیرید و با آنها از نقطه نظر انسانی و اسلامی به گونه‌ای برخورد کنید که وقتی دوران اسارتشان تمام شود بتوانیم نوع مشخص از اسیرداری را در دنیا عرضه کنیم که بی‌نظیر باشد". رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۴، جلد پنجم، دفترنشرمعارف انقلاب.

سه شنبه ۲۷ فروردین ۱۳۶۴ ۲۵ رجب ۱۴۰۵ 16 APRIL 1985

بعداز نماز به مجلس رفتم. درگزارشها مسأله مهمی نداشتیم. در جلسه علنی مجلس، طرح تمدید قانون آزمایشی وزارت صنایع سنگین مطرح بود. من از آن دفاع کردم و سرانجام تصویب شد، اما احتمالا شورای نگهبان بنا به ملاحظات سیاسی رد می‌کند. اساسنامه کمیته‌های انقلاب هم مطرح بود.

ظهر آقای [حسینعلی]رحمانی نماینده بیجار و آقای [احمد]زمانیان نماینده نهاوند نزد من آمدند. با آنها به ترتیب درباره جنگ و امور حوزه انتخابیه خود و مشکلاتی که با مخالفان دارند، صحبت کردم. بسیاری از نمایندگان مشکل برخورد با مخالفان خود را دارند.

عصر اعضای ستاد بزرگداشت معلم آمدند. برای آنها صحبت کردم[1]. سپس شورای عالی انقلاب فرهنگی جلسه داشت. من به عنوان نایب رئیس شورا انتخاب شدم. از این انتخاب راضی نبودم. درباره جهاد دانشگاهی بحث شد ولی به تصمیم‌گیری نرسیدیم.

قرار بود که امشب در جبهه حمله‌ای داشته باشیم. با آقای صیاد[شیرازی] صحبت کردم. معلوم شد که آن را به تأخیر انداخته‌اند. آقای سنجقی از جبهه آمده بود و نظرات فرماندهان سپاه را در مورد عملیات بیان کرد. آنها اعتراضاتی دارند و به همین دلیل، صیاد قانع شده است که عملیات را عقب بیندازد. با آیت‌الله خامنه‌ای درباره مشکلات جنگ و مشکل همکاری سپاه و ارتش و راههای احتمالی حل مشکل بحث شد، اما به جائی نرسیدیم. برای شام و خواب به مجلس آمدم.

چهارشنبه ۲۸ فروردین ۱۳۶۴ ۲۶ رجب ۱۴۰۵ 17 APRIL 1985

تا ساعت هشت صبح در دفتر کارم در مجلس، مطالعه می‌کردم و گزارشها را می‌خواندم. آقای [هادی]فقهی امام جمعه بیرجند آمد؛ کمک‌های جمع‌آوری شده برای جبهه را آورده بود. معمولاً ائمه جمعه در ملاقات با رؤسای کشور کمکهای مردمی را می‌آورند. او از دوگانگی روحانیت در

۱ـ در این دیدار که آقای سید کاظم اکرمی وزیر آموزش و پرورش به اتفاق اعضای برگزارکننده هفته معلم حضور داشتند، آقای هاشمی گفت: "شما معلمین هر چه یاد بدهید برای شما باقی خواهد ماند. شما در ارزشهایی که در دیگران خلق می‌کنید شریک هستید و در زندگی جاوید از آنها استفاده خواهید کرد". رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۴، جلد پنجم، دفترنشرمعارف‌انقلاب.

بیرجند گله‌داشت و تعیین نماینده آقای [واعظ]طبسی را امری زائد می‌دانست.

آقای [علی]شمخانی آمد؛ دربارهٔ لبنان، جبهه‌ها و کارهای آینده در جبهه، مسائل لبنان، قرارگاه رمضان و... مطالبی گفت و با من مشورت کرد. مسئولان تعاونی‌های کشور آمدند. درباره اهداف تعاونی و ارزش آن برای آنها صحبت کردم[1].

علامه شیخ [محمد مهدی] شمس‌الدین نایب رئیس مجلس اسلامی اعلای شیعیان لبنان آمد. او درباره کیفیت طرح مبارزات اسلامی در لبنان مشورت کرد. قرار است که حقوق برحق اکثریت جامعه لبنان ـ که مسلمانان هستند ـ پیگیری شود. او همچنین درباره سفر به فرانسه و واتیکان و برخورد با مسیحیان و فلسطینیان و رئیس مجلس لبنان مشورت کرد و کمک خواست و تقاضای ملاقات با امام را داشت.

با کارمندان مجلس ملاقات داشتم و برایشان صحبت کردم. اعضای واحد دانشجوئی حزب آمدند؛ برایشان مفصلاً صحبت کردم[2]. عصر جلسه هیأت رئیسه مجلس تشکیل شد. شب مهمان نخست‌وزیر بودیم؛ در آنجا درباره حرکات موتورسواران حزب‌اللهی در خیابانها و برخورد آنها با افراد بی‌بندوبار ـ که این روزها اوج گرفته است ـ بحث شد. مقرر شد، بدون اینکه انتقاد تندی از آنها شود، از عملشان جلوگیری شود، زیرا اعلامیه بی‌امضایی برای دعوت به تظاهرات علیه جنگ پخش شده و شاید لازم باشد که در روز شنبه نیروهای حزب‌اللهی هم در خیابانها باشند. البته آنها معمولاً سالی یک یا چند بار چنین حرکاتی می‌کنند و انتظار دارند که مسئولان با بی‌بند و باری اخلاقی، برخورد شدیدی کنند. درباره جنگ، رفتار مخالفت‌آمیز نهضت آزادی و رادیوهای خارجی هم بحث شد.

دیر وقت به خانه آمدم. شورای نگهبان بر خلاف رویه قبلی، مصوبه مجلس را درباره تمدید شش ماهه مأموریت وزارت صنایع سنگین رد کرده و باعث ناراحتی جریان افراد تندرو شده است.

---

۱ ـ در این دیدار ابتدا آقای فاضل هرندی مسئول سمینار بخش تعاونی در اقتصاد جمهوری اسلامی، اهداف کلی این سمینار را تشریح کرد. سپس آقای هاشمی پیرامون اهمیت بخش تعاون در کاهش تبعیض‌ها و حفظ حقوق و استفاده از نیروها و استعدادها مطالبی بیان داشت. رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۴، جلد پنجم، دفترنشرمعارف‌انقلاب.

۲ ـ در این سخنرانی، آقای هاشمی خطاب به اعضای واحد دانشجویی حزب جمهوری اسلامی اظهار داشت: "باید به سرعت وضع موجود ارزیابی شود و برای بهره‌گیری از شرایط فوق‌العاده‌ای که پیش آمده استفاده کنیم و این نفخه الهی که از آسمان به زمین افتاده و این حجت الهی در اختیار ما قرارگرفته را نباید آسان از دست بدهیم". رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۴، جلد پنجم، دفترنشرمعارف‌انقلاب.

این رای شورای نگهبان، سیاسی تلقی شده است.

پنجشنبه ۲۹ فروردین ۱۳۶۴ ۲۷ رجب ۱۴۰۵ 18 APRIL 1985

تا ساعت نه صبح در منزل مطالعه می‌کردم. به زیارت امام رفتم. امام به مناسبت بعثت پیامبر(ص)، در حسینیه جماران ملاقات عمومی داشتند. تکیه صحبت‌های امام بر کوبیدن مخالفان و اخلالگران در جنگ بود. تصور می‌شود که ایشان بیش از حد لازم به این موضوع پرداختند که احتمالاً مورد سوء استفاده دشمنان واقع می‌شود و جریان مخالف جنگ را بزرگ می‌کند.

عقد ازدواج یکی از دوستان فاطی را جاری کردم. گزارشها را خواندم. عقب ماندگی دو سه روزهٔ خود را در تحریر خاطرات جبران کردم.

شب آقای صیاد [شیرازی] آمد. گزارشی از علت تأخیر در عملیات ارائه داد و برنامه‌های آینده را گفت. گفته می‌شود که فرماندهان اصلی سپاه مایل نیستند که در این طرح با او همکاری شود، اگر چه خودش چنین سوء ظنّی ابراز نمی‌کند. آخر شب آقازاده در یک گفتگوی تلفنی، برای کنترل نیروهای حزب‌اللهی ـ که امروز خیلی شلوغ کرده بودند ـ استمداد کرد[1]. به او گفتم که فردا در نماز جمعه، این مسأله مطرح می‌شود.

جمعه ۳۰ فروردین ۱۳۶۴ ۲۸ رجب ۱۴۰۵ 19 APRIL 1985

تمام روز در منزل بودم. با آیت‌الله خامنه‌ای درباره مسائل جنگ، آقای صیاد [شیرازی] و کنترل حزب‌اللهی‌ها صحبت کردم. احمدآقا آمد. مطالب صیاد را به او گفتم تا خدمت امام بگوید. او هم مضامین نامه محسن رضایی و اظهارات آقای [شیخ‌فضل‌الله] محلاتی را درباره خوشحالی از لغو عملیات برایم گفت. قرار شد این مسأله با امام در میان گذاشته شود.

---

۱ ـ نیروهای موسوم به حزب‌الله در ده روز اخیر در مناطق مختلف تهران با موتورسیکلت به راهپیمایی علیه بدحجابی و بی‌بندوباری توسط برخی بانوان پرداختند. کمیته‌های انقلاب اسلامی و مرکز امربه‌معروف و نهی‌ازمنکر تهران، این راهپیمایی را بدون مجوز و غیر قانونی خوانده بودند.

آقای سیروس شرافت نزد من آمد. او پیشنهاد فروش تانک از یک شرکت خارجی آورده بود. عصر آقای صیاد[شیرازی] را خواستم وتذکراتی در مورد عملیات آینده دادم. احمدآقا هم ترتیب ملاقاتش را با امام داد که زمینه بهتری برای فرماندهی او باشد.

شنبه ۳۱ فروردین ۱۳۶۴ — ۲۹ رجب ۱۴۰۵ — 20 APRIL 1985

از ساعت نه صبح تا یک بعد از ظهر در جلسه شورای سرپرستی [صداوسیما] حدود وظایف معاونت‌های سیاسی و برون مرزی را مشخص کردیم. در این مطلب، آقایان [محمدحسن]زورق و [ابوالقاسم]قاسم‌زاده اختلاف نظر داشتند. اعضای شورا ظهر مهمان من بودند.

به رئیس دفترم گفتم که از سعید منتظری فرزند آیت‌الله منتظری در بیمارستان لبافی‌نژاد عیادت کند. او برای جهاد سازندگی کار می‌کرده و در جزیره مجنون مجروح شده و گویا یک چشمش از بین رفته است.

آقای خامنه‌ای پس از ملاقات [سرهنگ] صیاد[شیرازی]، تلفنی از ضعف برنامه اظهار نارضایتی کردند و از من خواستند که وقتی از امام بگیرم تا درباره حزب[جمهوری اسلامی] با ایشان صحبت کنیم. قرار شد که پس فردا ملاقات کنیم.

شب آقای نخست‌وزیر از بخشنامه [آیت‌الله خامنه‌ای] رئیس‌جمهور به ارگانهای دولتی درباره معرفی واحد نظارت برعملکرد ادارات شکایت کرد و آن را از حقوق رئیس‌جمهور نمی‌دانست. به او گفتم که عکس‌العمل نشان ندهد.

گزارشها و کارهای مجلس را خواندم و انجام دادم. مطلب مهمی در گزارشها نبود. درباره جنگ با آیت‌الله خامنه‌ای تلفنی صحبت کردم. یکی از بستگان که برای کار مؤسسه پانزده خرداد آمده بود و انتظار داشت وقت زیادتری صرف او کنم، اوقاتم را تلخ کرد و از پیشرفت کارم کاست. در نهایت تقاضای یک ماشین تحریر برای دفتر مؤسسه کرد!

اردیبهشت ۱۳۶۴



یکشنبه ۱ اردیبهشت ۱۳۶۴ ۳۰ رجب ۱۴۰۵ 21 APRIL 1985

بعداز نماز به مجلس رفتم. مسأله مهمی در گزارش‌ها نبود. در جلسه علنی [مجلس] مشکل وزارت صنایع سنگین را داشتیم؛ چون نظریه شورای نگهبان، رنگ سیاسی به خود گرفته و موضع‌گیری‌های سیاسی کار را در مجلس مشکل‌تر می‌کند. جلسه دشواری بود و با تصویب یک فوریت برای لایحه دولت و رد دو فوریت طرح ۱۳۰ نفر از نمایندگان، کمی از مشکل حل شد، ولی تا زمانی که تکلیف این وزارت مشخص شود، مشکلاتی در پیش خواهیم داشت[1].

جمعی از فرماندهان سپاه که به کردستان مأمور شده‌اند، آمدند؛ برای آنها صحبت کردم[2]. آقای بهرامی ساوجی آمد و تقاضای کار برای فرزندش و ملاقات برای یک فرد عراقی داشت. آقای [عباس]بابائی هم از فرماندهی نیروی هوایی انتقاد داشت و پیشنهادهایی ارائه کرد. عصر برای جرم‌گیری دندانهایم به دندان‌پزشکی مجلس رفتم.

سفیر جدیدمان در ونزوئلا برای خداحافظی آمد. به او گفتم که تحقیق کند، علت بدهی‌های خارجی ونزوئلا با داشتن صادرات زیاد نفت چیست؟ آقای محسن رضایی آمد. او را از مخالفت با

---

۱ ـ یک فوریت لایحه اساسنامه وزارت صنایع سنگین به تصویب رسید و دو فوریت طرح ادغام صنایع سنگین و وزارت صنایع به تصویب نرسید و رد شد. مجلس قبلاً طرح تمدید شش ماهه وزارت صنایع سنگین را تصویب کرده بود که با ایراد شورای نگهبان مواجه شد. این شورا تمدید وزارت صنایع سنگین را خلاف اصل ۸۵ قانون اساسی تشخیص داد، اما برخی نظر شورای نگهبان را به مسایل سیاسی و اختلاف عقیده دبیر شورای نگهبان با آقای بهزاد نبوی وزیر صنایع سنگین تعبیر کردند. آقای هاشمی رفسنجانی هنگام طرح موضوع دو فوریت ادغام دو وزارتخانه به عنوان مخالف صحبت کرد و گفت: "من به این دلیل با دو فوریت مخالفم که شما چه جور می‌خواهید قبول کنید اگر ما دو فوریت را تصویب کردیم، فردا باید جلسه بگذاریم، آقایان بحث بکنند و بگوئیم وزارتخانه به این مهمی و این همه کارخانه و تشکیلات و این همه قرارداد را بگذاریم زیر نظر یک وزارتخانه دیگری که آدم نمی‌داند آن وزارتخانه چقدر قدرت دارد که این وزارت بعدی را اداره کند." سپس آقای محمد خامنه‌ای به عنوان موافق اظهار داشت: "برای فوریت این طرح بهترین دلیل مطلبی است که خود آقای هاشمی فرمودند که وزارتخانه‌ای با این عظمت از نظر کار مدیریت وقتی قانون نداشته باشد، متزلزل می‌شود و برای رفع تزلزل باید یک مرهمی به آن رساند. بنابراین فوریت به جای خودش باقی است و با این دفاع محکمتر می‌شود و دیگر ممکن است با این سرعت بی‌دقتی شود و ضایعه‌ای پیش بیاید. بنابراین من موافق با فوریت آن هستم." آن‌گاه دو فوریت طرح ادغام صنایع سنگین به وزارت صنایع به رأی گذاشته شد و به تصویب نرسید و رد شد.

۲ ـ در این دیدار آقای هاشمی گفت: "مردم کردستان واقعاً مظلومند، برای اینکه اینها اکنون که انقلاب شده باید از ثمرات انقلاب بهره‌برداری کنند و ظلم‌های زمان شاه جبران شود ولی این گروهکها مانع می‌شوند که خدمتی به این مردم بشود و محیط را ناامن می‌خواهند." ایشان از پاسدارانی که برای مبارزه با ضدانقلاب عازم کردستان بودند، خواست مردم کردستان را که در مظلومیت مضاعف به سرمی‌برند از شر جنایتکارها نجات دهند". رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۴، جلد پنجم، دفترنشرمعارف‌انقلاب.

طرح عملیاتی [سرهنگ]صیاد[شیرازی] برحذر داشتم. او دلایل مخالفت خود را گفت؛ بعضی از آنها قابل قبول است که به او گفتم برای رفع عیوب تلاش کند؛ بعضی نیز مهم نیست و لذا برهمکاری تأکید داشتم و برای رفع سوءظن او توضیحاتی دادم.

تا ساعت نه شب، در دفترم کار کردم. آقای صیاد[شیرازی] درباره کارش توضیحاتی داد. از وزارت نفت، درباره هلی‌کوپتری که پس از فرار در عربستان سقوط کرده و خلبانش کشته شده است، توضیح خواستم. آقای [علی اکبر]ناطق[نوری وزیرکشور] تلفنی، مشکل کنترل حزب‌اللهی‌ها را مطرح کرد؛ مخصوصاً پس از تائید رئیس‌جمهور در نماز جمعه گذشته. قرار شد که با خود آقای خامنه‌ای صحبت شود که مشکل را حل کنند. تلفنی احوال آقای ربانی [املشی] را پرسیدم که گفتند مثل سابق است[1].

دوشنبه ۲ اردیبهشت ۱۳۶۴ — ۱ شعبان ۱۴۰۵ — 22 APRIL 1985

تا ساعت هشت و نیم صبح در منزل مطالعه می‌کردم. با رئیس‌جمهور خدمت امام رسیدیم و درباره حزب[جمهوری اسلامی] و جنگ با ایشان مذاکره کردیم. احمدآقا هم حضور داشت.

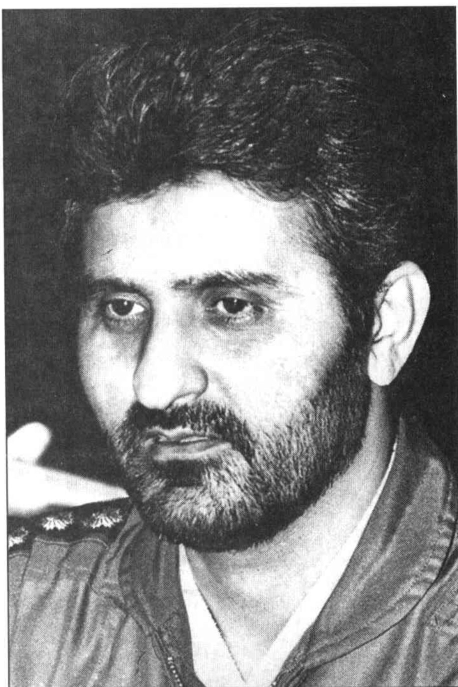
امام در مورد فعالیت حزبی که شخصیتهای مهم رسمی کشور در آن باشند، ملاحظاتی دارند، چون ضعفهای حزب دامن آنها را می‌گیرد و قدرت اصلاح کامل هم نخواهند داشت. با انحلال علنی و رسمی حزب هم موافق نیستند، چون آثار سوء سیاسی دارد. با بیرون آمدن ما دو نفر و رها کردن حزب به حال خود هم موافق نیستند؛ پس از مذاکرات زیاد، قرار شد که تدریجاً فعالیت‌های حزب محدود شود و این حزب راکد شود، تا اگر روزی لازم شد، بتواند تجدید حیات کند. درباره جنگ هم قرار شد که بحث کنیم و راهی برای حل مشکل سلیقه سپاه و ارتش و فرماندهی جنگ پیدا کنیم. امام هم مثل ما توجه فرموده‌اند که اختلافات سلیقه‌ای فرماندهان ارتش و سپاه، مشکل اصلی جنگ است.

---

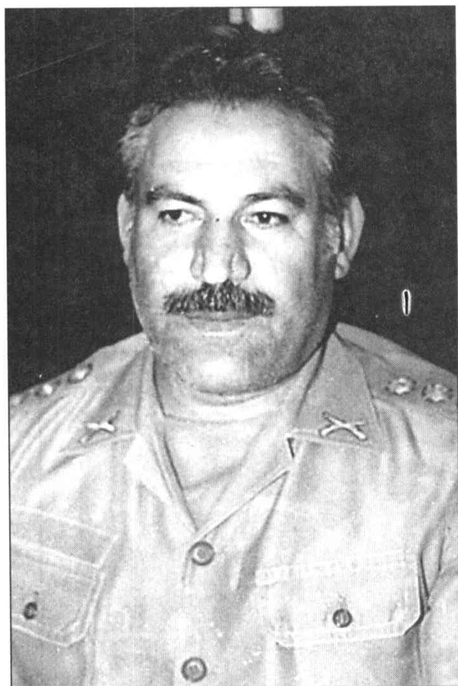
۱ ـ آیت‌الله محمد مهدی ربانی املشی، نایب رئیس مجلس شورای اسلامی در بهمن ماه سال ۱۳۶۳ دچار عارضه غده بدخیم مغزی شدند و در ۱۲ بهمن ۱۳۶۳ عمل جراحی سختی بر روی مغز انجام شد. این بیماری پس از گذشت چند ماه موجب رحلت ایشان گردید. مرحوم ربانی املشی در زمان طلبگی با آقای هاشمی عقد اخوت بسته بود و از دوستان نزدیک ایشان محسوب می‌شد.



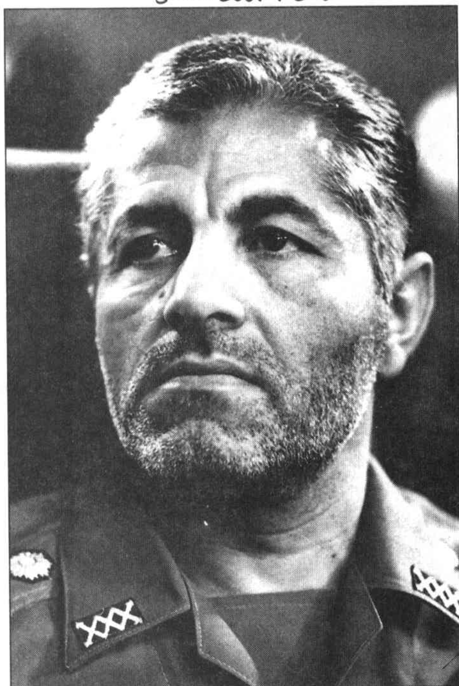
آیت الله ربانی املشی در مجلس خبرگان رهبری



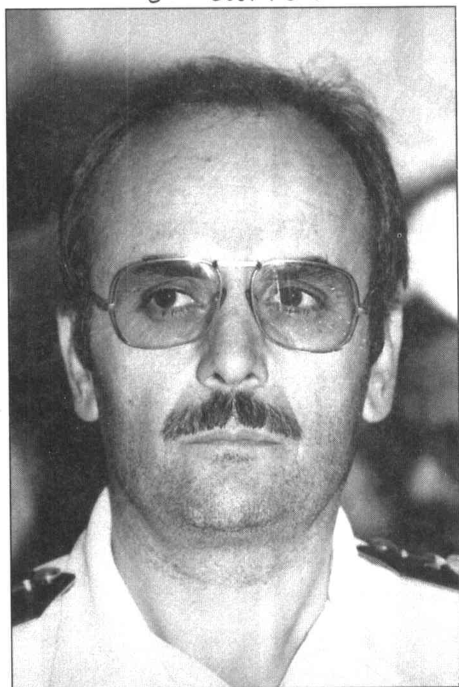
سرهنگ هوشنگ صدیق فرمانده نیروی هوایی
ارتش جمهوری اسلامی



سرهنگ اسماعیل سهرابی رئیس ستاد مشترک
ارتش جمهوری اسلامی



سرهنگ جلالی وزیردفاع



ناخدا محمد حسین ملک زادگان فرمانده نیروی دریایی
ارتش جمهوری اسلامی

سپس در منزل احمدآقا جلسه سه نفره‌ای برگزار کردیم. درباره جنگ به این نتیجه رسیدیم که باید تلاش شود تا سرهنگ صیاد[شیرازی] بتواند طرحش را اجرا کند. اگر او نتوانست یا اجرای طرح شکست خورد، برنامه دراز مدتی با اصول: ۱- وحدت فرماندهی ۲- ادغام واحدهای سپاه و نیروی زمینی ارتش ۳- تعیین مدت لازم برای هدف مشخص ۴ - تهیه ابزار لازم برای یک جنگ وسیع ۵- دفاع محکم در دو دوره تلاش، برای آمادگی دفاعی تهیه شود و به امضای امام برسد که مشکلات سپاه و ارتش، برای دوران بعد از جنگ هم حل شود.

درباره حزب [جمهوری اسلامی] هم قرار شد که طرحی اجرائی برای خاموش کردن چراغ حزب، تا جلسه بعد تهیه شود. دربارهٔ تظاهرات حزب‌اللهی‌ها هم قرار شد که آقای خامنه‌ای مصاحبه کنند و صریحاً بخواهند که تظاهرات متوقف شود[1].

آقای [هوشنگ]صدیق [فرمانده نیروی هوایی ارتش] تلفنی اجازه پرواز هواپیما به لیبی را برای آوردن سلاحهایی که موافقت کرده‌اند بدهند، خواست. از مجلس درباره سخنران مراسم تظاهرات دانشگاهیان ـ که قرار است به مجلس بیایند ـ پرسیدند. گفتم که با آقای یزدی صحبت کنند[2]. عصر دکتر [حسن]روحانی و دکتر [محمدعلی]هادی [نجف‌آبادی] آمدند و درباره جنگ، سیاست خارجی و تهیه اسلحه مطالبی پیشنهاد کردند که قرار شد تعقیب شود.

شب دکتر ولایتی آمد و گزارشی از سفر به ژنو و هند داد. برنامه سفر به ژاپن را آورد و دربارهٔ سفر به لیبی تأکید کرد. او همچنین پیشنهاد کرد که در پاسخ به اظهارات [رونالد]ریگان

---

۱ ـ در این مصاحبه آیت‌الله خامنه‌ای رئیس‌جمهور، پیرامون تظاهرات خیابانی حزب‌الله علیه بی‌حجابی و بدحجابی اظهار داشتند: "این تظاهرات هر چه بود و هرگونه بود و هر چند روزی بود، کافی است و دیگر ادامه پیدا نکند.... بعضی اتفاقات که افتاده از جمله وارد یک مطب شدن یا مثلاً داخل یک کافه که چای می‌خورده‌اند رفتن، کار حزب‌اللهی‌ها نبوده و کار گروههای نفوذی است... حضور مردم را و احساسات مردم را در مقابل بدحجابی و گرایش به فساد و فحشا و منکرات قبول می‌کنیم و مردم را محق می‌دانیم، اما آن احساسات و تندروی‌ها را قبول نمی‌کنیم".

۲ ـ راهپیمایی دانشگاهیان و دانشجویان در حمایت از ادامه جنگ از مسجد دانشگاه تهران شروع شد و راهپیمایان در مقابل مجلس شورای اسلامی تجمع کردند. آقای فخرالدین حجازی نماینده مردم تهران در مجلس شورای اسلامی برای دانشجویان سخنرانی کرد و با اشاره به نامه مهندس مهدی بازرگان رهبر نهضت آزادی و سی نفر از همفکران او به دبیرکل سازمان ملل در مورد ایجاد صلح کامل گفت: "دبیرکل سازمان ملل نباید به این سخنان اعتنا کند، زیرا ملت ایران همواره فریاد جنگ جنگ تا پیروزی سر می‌دهد و ملت ایران ملت نمازجمعه و دعای کمیل می‌باشد و ملتی است که مادران آن که سه فرزند در جنگ از دست دادند، چهارمین فرزند خود را به جبهه اعزام می‌کنند". در پایان این راهپیمایی بیانیه‌ای در ۱۵ ماده قرائت شد. در این بیانیه آمده است: "باید این تفکر غلط را دور انداخت که نفع آمریکا در ادامه جنگ است. ادامه جنگ تا پیروزی به ضرر آمریکا و به نفع انقلاب اسلامی است".

[رئیس‌جمهور آمریکا] دربارهٔ حضور ما در نیکاراگوئه[1]، هلی‌کوپتر سرقت شدهٔ ما و آزادی اسرای ایران و عراق اقدامات و تبلیغاتی انجام شود.

سه‌شنبه ۳ اردیبهشت ۱۳۶۴ — ۲ شعبان ۱۴۰۵ — 23 APRIL 1985

بعداز نماز صبح به مجلس رفتم. درگزارش‌ها مطلب مهمی نبود. در جلسه علنی تا هنگام تنفس ماندم و پس از آن، کارهای اداری را در دفترم انجام دادم.

با نخست‌وزیر درباره تأمین ارز سلاح‌های مورد لزوم صحبت کردم. آقای رفیق‌دوست برای جاانداختن نظرات سپاه در جنگ نزد من آمد. نماینده گرگان نیز از امام جمعه شاکی بود و برای استان شدن گرگان استمداد می‌کرد. نماینده جیرفت راجع به امام جمعه جیرفت و دستگاه قضائی شکایت داشت.

عصر نماینده باختران [کرمانشاه] آمد و از عملکرد ضعیف مسئولان باختران در حملات اخیر عراق که باعث تضعیف روحیه مردم شده است، شاکی بود. آقای طباطبائی [معاون وزیرکشاورزی] آمد و طرح عمران خوزستان را آورد، برای تصویب و اجرای آن در شورای عالی کشاورزی از من کمک خواست و طرح توسعه کشت نیشکر را توضیح داد.

در شورای عالی انقلاب فرهنگی قسمت اعظم وقت ما صرف تعیین حدود وظایف و اختیارات جهاد دانشگاهی شد و باز هم بحث ناقص ماند. به دلیل اختلاف نظرها، این بحث وقت‌گیر و خسته کننده است. بعد از جلسه با آقای خامنه‌ای درباره جنگ صحبت کردیم.

عفت تلفنی اطلاع داد که دو انگشت دستش را با کارد آشپزخانه مجروح کرده و در بیمارستان دو بخیه خورده است. شب به خانه آمدم.

چهارشنبه ۴ اردیبهشت ۱۳۶۴ — ۳ شعبان ۱۴۰۵ — 24 APRIL 1985

بعداز نماز به مجلس رفتم و تا ساعت نه کارهای اداری را انجام دادم. جمعی از پاسداران واحد

---

۱ ـ رونالد ریگان رئیس‌جمهور ایالات متحده در روز ۳۱ فروردین در یک نطق تلویزیونی درباره کمک ۱۴ میلیون دلاری آمریکا به ضدانقلابیون نیکاراگوئه کشورهای شوروی، کوبا و ایران را متهم کرد که آمریکای مرکزی را به یک زرادخانه تروریستی ـ کمونیستی تبدیل می‌کنند.

اطلاعات و عملیات جنگ آمدند و من برای آنها سخنرانی کردم[۱].

در جلسه نمایندگان تهران، گزارش شهردار را درباره مترو و گزارش استاندار را درباره رسیدگی به مصدومان بمباران تهران شنیدیم؛ کار مترو هنوز در مرحله مقدماتی است.

ظهر ازکارپردازی و اداره قوانین مجلس آمدند و گفتند که قانون وزارت صنایع سنگین هنوز حداقل ۳۸ روز اعتبار دارد؛ مشکلی ازکارمان رفع شد. عصر هیأت رئیسه برای تنظیم امور مجلس جلسه داشت.

شب آقایان خامنه‌ای، [موسوی]اردبیلی و مهندس موسوی مهمان من در مجلس بودند. با آقای اردبیلی که مدتی است تصدی نماز جمعه را قبول نمی‌کند، صحبت کردم و قرار شد که بپذیرند. همچنین قرار شد که آقای [اسدالله]لاجوردی را در سمت معاونت دادستان کل کشور قرار دهند. درباره جنگ، سفر من به لیبی، مسأله جلال طالبانی که برای جنگ با صدام از ما کمک خواسته است، مسائل قضائی و بازداشت اخلال گران در جنگ مذاکره کردیم. برای خواب در مجلس ماندم.

پنجشنبه ۵ اردیبهشت ۱۳۶۴ ۴ شعبان ۱۴۰۵ 25 APRIL 1985

تا ساعت هفت و نیم صبح در دفترم کار کردم. در جلسه علنی مجلس، طرح قانون جنگل‌ها و مراتع مطرح بود و همه وقت را گرفت. ظهر اعضای کمیسیون آموزش و پرورش آمدند و درباره دگرگونی فرهنگ مطالبی بیان کردند.

عصر اعضای سمینار برنامه ریزی صدا و سیما آمدند و برای آنها مفصلاً صحبت کردم[۲]. [آقای

---

۱ - در این سخنرانی آمده است: "فرانسویها به دکترهایشان و روسای بیمارستانهایشان اجازه نداده‌اند که درباره مجروحین بمبهای شیمیایی مصاحبه کنند. روزنامه‌های فرانسه اکنون نمی‌توانند از طریق مجروحین اطلاعاتی در مورد مسایل شیمیایی به دست آورند و این را یک پروفسوری رسماً اظهار نمود. فرانسه که مدعی آزادی مطبوعات و دموکراسی جدید است، چقدر برایش رسوایی دارد که یک جنایت جنگی را در اخبارش سانسور کند و به دانشمندان و دکترهایش فشار بیاورد که شما این اخبار را پخش نکنید؛ این خیلی زشت است." رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۴، جلد پنجم، دفترنشرمعارف انقلاب.

۲ - در این دیدار که مدیران و مسئولین برنامه‌ریزی سازمان صداوسیما شرکت کننده در سمینار "برنامه‌ریزی و تولید" حضور داشتند، ایشان با تأکید بر تنوع برنامه‌های تلویزیونی و برنامه‌ریزی برای سالهای آینده و جلب اعتماد مردم گفت: "اگر بخواهید که

(ادامه پاورقی در صفحه بعد)

رضا امراللهی] رئیس سازمان انرژی اتمی آمد و درباره تعامل با فرانسه با من مشورت کرد. او تصور می‌کند که آنها می‌خواهند، موانع روابط را رفع کنند. دکتر خلیلی که در فرانسه اقامت دارد، نزد من آمد و مدعی بود که فرانسوی‌ها مایل به اصلاح روابط با ما هستند. دکتر رقابی نیز گزارشی از وضع سرخ پوستان آمریکا داد. اعضای سمینار پزشکان عضو حزب جمهوری اسلامی آمدند و برای آنها مفصلاً درباره لزوم تحول در طبابت، کاهش هزینه مداوای مجروحان و تقویت معنویت پزشکان صحبت کردم[1].

شب به عیادت آقای ربانی [املشی] در بیمارستان قلب رفتم. حالشان خوب نیست. دیر وقت به منزل رسیدم. بچه‌ها بیرون شام خورده بودند و برای من هم یک [ساندویچ] همبرگر آورده بودند.

جمعه ۶ اردیبهشت ۱۳۶۴ — ۵ شعبان ۱۴۰۵ — 26 APRIL 1985

تا ساعت ده‌ونیم در منزل، برای خطبه‌های جمعه مطالعه کردم. گزارشها را برایم آوردند و آنها را خواندم. شورای امنیت سازمان ملل اعتراف کرده است که علیه نیروهای ایرانی از سلاحهای شیمیائی استفاده شده ولی صریحاً اسم عراق را نیاورده است[2]. با نخست‌وزیر مشورت کردم. قرار

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

برنامه‌هایتان در مردم مؤثر باشد و مردم واقعاً درس بگیرند، باید به شما و حرفهایتان اعتماد کنند. روی صداقت، راستی و انطباق با واقعیت خیلی باید تکیه کنید، سرمایه اساسی سازمان صداوسیما همین است. قلب و اعتماد مردم را باید در عمل جلب کنید." رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۴، جلد پنجم، دفترنشرمعارف‌انقلاب.

۱ ـ در این دیدار که پزشکان، دندانپزشکان، داروسازان، اساتید، روسای دانشکده‌های پزشکی و مسئولین اجرایی بهداشت و درمان و آموزش پزشکی و اعضای جامعه پزشکان حزب جمهوری اسلامی وگروهی از پزشکان شرکت کننده در سمینار بررسی مسایل و مشکلات پزشکی کشور حضور داشتند، ایشان گفت: " باید کاری کنیم که دائم جرقه‌های انسانی، باعث ایجاد رابطه با بیماران سطح پایین جامعه شود و شما باید کار بسیار جدی را آغاز کنید، مخصوصاً دوستانی که با ما در حزب جمهوری اسلامی کار می‌کنند باید دنبال یک راه جدی بیفتند تا بتوانیم در انقلاب چنین کاری بکنیم. ما دکترهای فراوانی داشتیم که در طول چند سال جنگ، واقعاً خودشان را فراموش کردند و به جبهه‌ها رفتند و شهید و مجروح شدند. کسانی که مطب آنها در اینجا بسیار پررونق بود ولی داوطلب شدند، برای آنکه در آنجا کار انجام دهند. البته تاریخ پزشکی همیشه اطبای این طوری داشته که سطح فکرشان بالا باشد. من نمی‌دانم تلاش شما چقدر روی تربیت شدگان موجود موثر است ولی حداقل برای آینده، برای دانشکده‌های پزشکی، کسانی که از حالا تربیت کرده و تحویل می‌دهیم، برنامه‌ریزی کنیم که محصولات این صحنه تربیت پزشکی ما، شدیداً به این نیروی انسان دوستی مسلح بشوند و عواطف شدید انسانی داشته باشند". رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۴، جلد پنجم، دفترنشرمعارف‌انقلاب.

۲ ـ در بیانیه شورای امنیت سازمان ملل به جنگ ایران و عراق اشاره شده و بلافاصله از کاربرد سلاح شیمیایی علیه سربازان

شد که ضمن استقبال از این گام مثبت، به دلیل عدم صراحت مدعی شویم.

خطبه‌های نماز جمعه را یکی در [ادامه بحث] عدالت اجتماعی و دیگری راجع به عوامل و آثار جنگ شهری [میان ایران و عراق] ایراد کردم[1]. به آقای ناطق [نوری] وزیر کشور گفتم که جلوی کندن بی رویه خیابان‌ها برای آب و برق و تلفن و گاز و... را بگیرد. ستاد [برگزاری] نماز جمعه برای مخارج جاری استمداد کرد. امام مبلغی می‌دهند ولی کم است.

عصر سرهنگ [مصطفی] ترابی آمد و گزارشی از وضع دفاعی داد. پیشنهاد کرد که آموزش مردم برای دفاع در مقابل حملات شیمیائی احتمالی عراق شروع شود. آقای صیاد [شیرازی] آمد و ضمن ارائه گزارش پیشرفت برنامه عملیات، درباره مشکلاتی که با سپاه و ارتش دارد، خواستار حمایت قوی شد.

شب وضعیت قرمز اعلام شد و ضدهوایی‌ها کار کردند، اما بعداً معلوم شد که هواپیماهای عراقی به فضای تهران نرسیده‌اند. ظهر آقای [حسین] علائی یکی از فرماندهان سپاه که همکار آقای صیاد [شیرازی] در عملیات آینده است، آمد و از طرح آقای صیاد اظهار نارضایتی می‌کرد.

شنبه ۷ اردیبهشت ۱۳۶۴ — ۶ شعبان ۱۴۰۵ — 27 APRIL 1985

تا ساعت نه صبح مطالعه کردم. جلسه شورای سرپرستی [صداوسیما] داشتیم. بیشتر بحث‌ها درباره کیفیت اخبار بود. اگر چه بعد از انتقاد امام اصلاحاتی انجام شده است، ولی هنوز اشکالات

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

ایرانی که به تأیید پزشک سازمان ملل نیز رسیده اظهار انزجار شده و به بیانیه سال ۱۹۸۴ شورای امنیت در محکومیت سلاح شیمیایی اشاره گردیده است. این بیانیه با قاطعیت هرگونه استفاده آینده از سلاح شیمیایی را نیز محکوم کرده و یادآور شده است که پروتکل ۱۹۲۵ استفاده از سلاح شیمیایی در جنگ را ممنوع شمرده و جامعه بشری آن را محکوم کرده و خواهان رعایت جدی مفاد آن شده است. در این بیانیه همچنین حمله به اماکن مسکونی، بدرفتاری با اسرا و هرگونه اقدامی که آلام و ناراحتی‌های ناشی از جنگ را افزایش می‌دهد، مورد نکوهش قرار داده و از اقدامات آقای دکوئیار دبیر کل سازمان ملل حمایت کرده و خواهان راه‌حل عادلانه برای پایان جنگ شده است.

۱ ـ در بخشی از خطبه دوم نماز آمده است: "شورای امنیت قدم مثبتی برداشت و استفاده از اسلحه شیمیایی علیه سربازان ایرانی را تأیید کرد؛ اما این کافی نیست. شما باید بگوئید کسی که آتش جنگ را افروخت و این همه کشته و مجروح در پی‌داشت که بود و با این متجاوز چه باید کرد؟ هرگاه شورای امنیت صریحاً اعلام کند که صدام متجاوز است و باید مجازات شود، آن وقت ما آماده مذاکره هستیم". رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، خطبه‌های جمعه سال ۱۳۶۴، جلد هشتم، صفحه ۱۰۷، دفترنشرمعارف‌انقلاب.

زیادی دارد. از نظر لحن گویندگان خبر، نوع اخبار و تبعیض در مراجع خبر ساز و... انتقاداتی شد، ولی این اشکالات به آسانی قابل رفع نیست. نمایندگان مجلس هم اعتراضاتی به صداوسیما دارند ولی آنها از دور دستی برآتش دارند. انصافاً اداره این گونه کارها با شرایط موجود کشور مشکل است. کمی هم وقت خود را با سَارا صرف کردم، چون فاطی مشغول درسهایش بود.

یکشنبه ۸ اردیبهشت ۱۳۶۴ — ۷ شعبان ۱۴۰۵ — 28 APRIL 1985

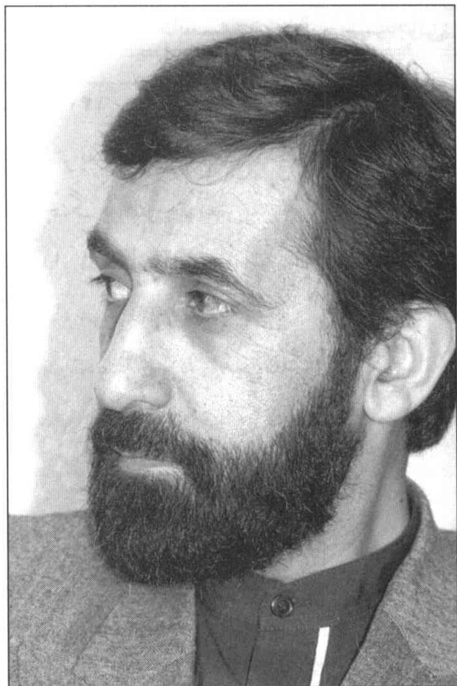
ساعت شش و نیم به مجلس رسیدم. در گزارش‌ها مسأله مهمی نداشتیم. در جلسه علنی دوسه بند از دستور اجرا شد. ظهر یکی از کارمندان مجلس ـ که دانشجو است ـ آمد. او پیشنهادهایی برای تقویت مدرسه عالی تربیت مدرس داشت. عصر [آقای واسوکی میاکه] مدیرکل سیاسی [آفریقا و خاورمیانه] وزارت خارجه ژاپن به ملاقات من آمد. نامه دعوت مجدد آقای [شینتارو]آبه وزیر خارجه ژاپن را آورد و راجع به جنگ صحبت شد[1]. ژاپنی‌ها به طور غیر منتظره‌ای روی مسافرت من حساب باز کرده‌اند[2].

در جلسه شورای مرکزی حزب [جمهوری اسلامی] درباره کیفیت راکد کردن فعالیت حزب بحث شد، اما به نتیجه مشخصی نرسیدیم. با آقای خامنه‌ای درباره جنگ، سفرها و مطالب دیگر جلسه داشتیم. شب به منزل آمدم. عفت از رفسنجان برگشته بود و قلبش درد می‌کرد. پزشک امام پس از انجام معاینات، نظر داد که مربوط به اعصاب و عضلات است.

---

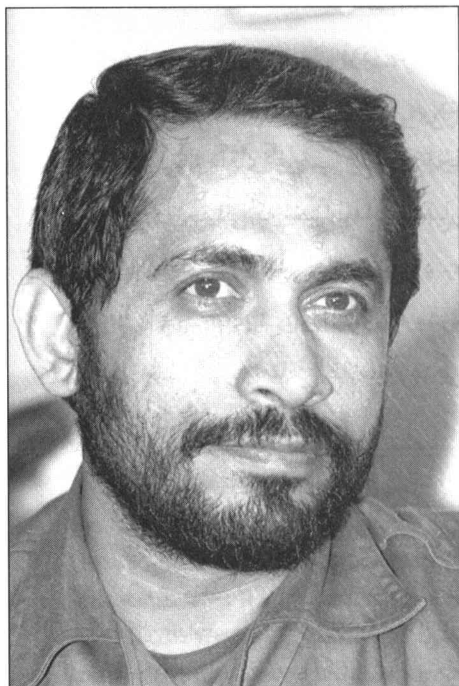
۱ ـ در این ملاقات آقای هاشمی گفت: "برای ایران و ژاپن امکانات فراوانی جهت توسعه روابط وجود دارد و ما امیدواریم از این امکانات خوب استفاده شود... ملت ایران هیچ راهی غیر از اینکه رژیم متخلف عراق محاکمه شود را نخواهد پذیرفت".

۲ ـ کلیه مطبوعات ژاپن و اغلب خبرگزاریهای معتبر بین‌المللی درباره انجام این سفر به گمانه زنی پرداختند. خبرگزاری آسوشیتدپرس گزارش داد: "یک مقام وزارت خارجه ژاپن گفت که آقای هاشمی رفسنجانی رئیس پارلمان ایران که دومین مقام عالیرتبه این کشور نیز محسوب می‌شود، به منظور بحث پیرامون روابط ایران و ژاپن و همچنین مسایل بین‌المللی ماه ژوئیه (تیرماه) از ژاپن دیدن خواهد کرد. این مقام ژاپنی که خواست نامش فاش نشود، گفت تاریخ دیدار آقای رفسنجانی هنوز مشخص نشده است. به گفته مقام مذکور انتظار می‌رود آقای رفسنجانی در جریان ملاقات خود با مقامات عالیرتبه ژاپنی از جمله "شینتارو آبه" وزیر امور خارجه و "یاسوهیرونا کاسونه" نخست‌وزیر ژاپن پیرامون مسایل گوناگون از جمله اوضاع خاورمیانه و جنگ ایران و عراق به گفت‌وگو بپردازد. ژاپن که از روابط دیپلماتیک با هر دو کشور ایران و عراق برخوردار است، تمایل خود را برای کمک به پایان این جنگ ابراز داشته است".


علی اکبر ولایتی وزیر امور خارجه


غلامرضا آقازاده معاون نخست وزیر


محمد غرضی وزیر نفت


محسن رفیق دوست وزیر سپاه پاسداران

دوشنبه ۹ اردیبهشت ۱۳۶۴ ۸ شعبان ۱۴۰۵ 29 APRIL 1985

دوشنبه‌ها مجلس جلسه ندارد. در منزل بودم و بیشتر به مطالعه پرداختم. احمدآقا آمد و دربارهٔ مذاکراتش با آقای منتظری نقل کرد که ایشان با ختم جنگ به صورت آتش‌بس موافق است که باید پس از تنظیم امور، در موقع مناسب در این زمینه اقدام شود. از ایشان خواستم که درباره سفرم به ژاپن، نظر امام را جویا شود. او تلفنی اطلاع داد که امام موافقند.

محسن از رفسنجان برگشته و امورش را برای ادامه تحصیل رو به راه می‌کند. پذیرش از کانادا برای فوق لیسانس مهندسی مکانیک برایش آمده است، اما ابتدا می‌خواهد که به جبهه خوزستان برود.

سه شنبه ۱۰ اردیبهشت ۱۳۶۴ ۹ شعبان ۱۴۰۵ 30 APRIL 1985

ساعت شش و نیم صبح به مجلس رسیدم. کارهای اداری را انجام دادم و گزارش‌ها را دیدم. قبل از دستور، درباره شهید [مرتضی]مطهری و روزکارگر صحبت کردم و بعداً متوجه شدم که درباره آقای مطهری می‌بایست پس فردا حرف بزنم. اعضای کمیسیون نفت آمدند و راجع به قانون جدید نفت ـ که اختیارات وزیر را محدود می‌کند و سخت مورد اعتراض آقای [محمد]غرضی است ـ مشورت کردند. آقای غرضی هم برای مخالفت با آن از من استمداد کرد. گفتم که من تابع منطقم.

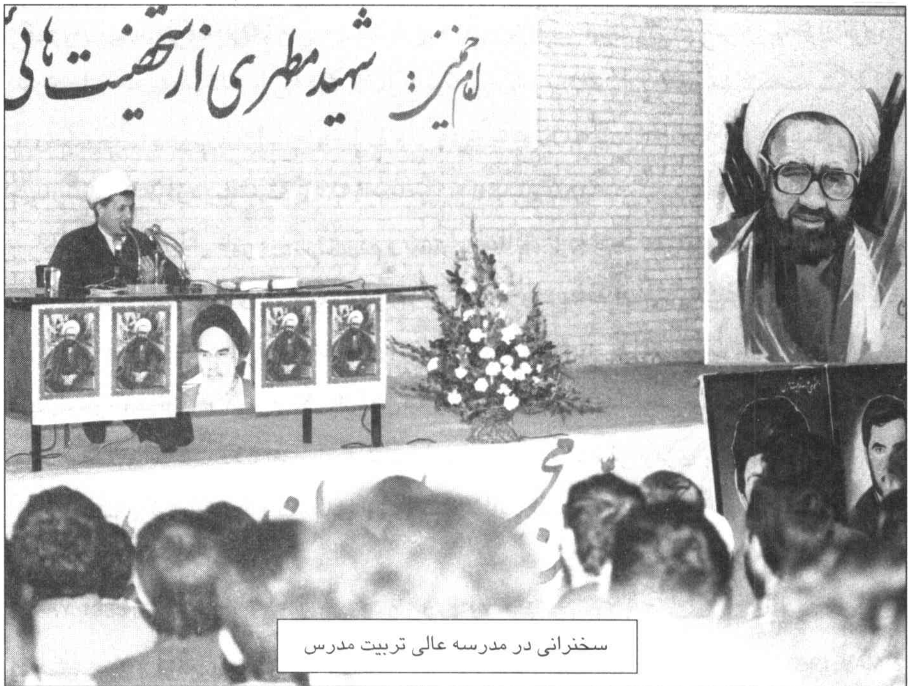
ظهر دو خلبانی که اخیراً بغداد را بمباران کردند، آمدند و مبلغ یک میلیون ریال ـ که از طرف مردم به عنوان قدرشناسی داده شده بود ـ به آنها تقدیم کردم[1]. عصر برای شرکت در دومین مجمع "بررسی اندیشه‌های شهید مطهری" به مدرسه عالی تربیت مدرس رفتم و برای آنها سخنرانی کردم[2].

در جلسه شورای عالی انقلاب فرهنگی شرکت کردم. حدود و حقوق جهاد دانشگاهی تصویب

---

۱ ـ این خلبانان مبلغ تشویقی خود را پس از دریافت، جهت بازسازی مناطق جنگی تقدیم آقای هاشمی نماینده حضرت امام در شورای عالی دفاع کردند.

۲ ـ در این سخنرانی، آقای هاشمی به بحث پیرامون افکار و شخصیت شهید مطهری پرداخت و لزوم تربیت استاد و کادرهای علمی را که از اهداف شهید مطهری بود، مورد تأکید قرار داد و گفت: "تأسیس مدرسه تربیت مدرس از ضرورتهای انقلاب بود که متأسفانه این اقدام قدری دیر شروع شد. اگر ما قبل از انقلاب برای اداره کشور برنامه‌ریزی داشتیم و انقلاب را تجربه کرده بودیم، جزو اولین کارهایمان این بود که فکری برای تربیت استاد و کادرهای علمی بکنیم." رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۴، جلد پنجم، دفترنشرمعارف‌انقلاب.



سخنرانی در مدرسه عالی تربیت مدرس

شد. بحث درباره تحصیلات عالی به صورت غیردولتی آغاز شد که یک بحث مهم است. من به عنوان موافق اجازه به بخش خصوصی برای شرکت در این امر صحبت کردم.

بعد از جلسه، جلسه خصوصی دیگری با آقای خامنه‌ای در مورد جنگ و کارهای دیگر داشتیم. تلگرافی از مهندس [مهدی]بازرگان رسید که در آن، در مورد اظهاراتم در نماز جمعه اعتراض کرده است. من مطالبی را از کتاب [جیمی] کارتر در نماز جمعه نقل کردم که گفته بود، او موافقت آقای بازرگان را برای ورود شاه به آمریکا گرفته بود. آقای خامنه‌ای با ناراحتی، خبر فرار [خانم بدری حسینی خامنه‌ای] خواهرشان را ـ که همسر شیخ علی تهرانی است[1] ـ با پنج فرزندش،

---

۱ ـ شیخ علی تهرانی یکی از شاگردان امام خمینی است که در دوران پهلوی به مبارزه با رژیم پرداخت و در این راه به زندان افتاد. وی در سالهای بعد از پیروزی انقلاب، موضع‌گیری‌های ضد و نقیض درباره وقایع مختلف اتخاذ کرد و به همین دلیل به مدت کوتاهی پس از انقلاب منزوی شد. شیخ علی تهرانی به انتقاد علنی از سیاستهای نظام جمهوری اسلامی می‌پرداخت و در کلاسهای درس، از مسئولان رده بالای جمهوری اسلامی بدگوئی می‌کرد. وی در فروردین سال ۱۳۶۳ در یک اقدام خائنانه به عراق پناهنده شد و در رادیو فارسی زبان بغداد به تبلیغات سوء علیه جمهوری اسلامی مشغول گردید. دروغگویی و پشت هم اندازی در سخنان او موجب شد، بعد از مدت کوتاهی رژیم عراق به عدم اثر بخشی تبلیغات وی آگاه شود. او در خرداد ماه سال ۱۳۷۴ به علت

(ادامه پاورقی در صفحه بعد)

ازکشور دادند. از ترکیه اطلاع رسیده است که او اکنون در ترکیه است ولی می‌خواهد به عراق برود.

چهارشنبه ۱۱ اردیبهشت ۱۳۶۴ — ۱۰ شعبان ۱۴۰۵ — 1 MAY 1985

تا ساعت سه بعداز ظهر در منزل بودم و بیشتر به مطالعه پرداختم. عصر به مجلس رفتم و پس از جلسه هیأت رئیسه به سوی قم حرکت کردم. نزدیک غروب به منزل آقای منتظری رسیدم. آقایان [میرحسین موسوی]نخست‌وزیر، [موسوی]اردبیلی، خامنه‌ای و احمدآقا هم آمدند. تا ساعت یازده شب درباره مسائل قضائی، جنگ، آزادی‌ها و امور اقتصادی مذاکراتی داشتیم و پس از آن به تهران برگشتیم. ساعت یک بعداز نیمه شب به مجلس رسیدم. با تلفن رمزی با جبهه تماس گرفتم؛ آقای [محسن]رضایی درباره نیازهای ارزی سپاه مطالبی گفت.

پنجشنبه ۱۲ اردیبهشت ۱۳۶۴ — ۱۱ شعبان ۱۴۰۵ — 2 MAY 1985

بعد از نماز صبح، تا ساعت هفت صبح خوابیدم. در جلسه علنی مجلس قبل از دستور، درباره روز معلم صحبت کردم[۱]. بعداز تنفس به دفترم آمدم. عصر برای نیروهای لشکر نصر خراسان ـ که به ملاقات آمده بودند ـ درباره جنگ صحبت کردم[۲]. نمایندگان اَردل و سُنقر آمدند و برای مسائل محلی استمداد کردند.

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

سرخوردگی و شکست و با پی بردن به حقانیت جمهوری اسلامی تقاضای بازگشت به کشور را مطرح کرد و بعد از تقاضاهای مکرر، خود را در یکی از پاسگاههای مرزی تسلیم نمود. در آن زمان اعلام شد که وی به علت سالخوردگی، وضع جسمانی مناسبی ندارد و از نظر روحی و روانی نیز از تعادل برخوردار نیست.

۱ ـ در این نطق آمده است: "با استفاده از فرصت روز معلم به ملت عزیزمان یادآوری می‌کنیم که معلمان کشور ما، خلاقان ارزشها در جامعه برای نسلهای آینده هستند. ما باید از این مربیان و راهنمایان جامعه حداکثر قدرشناسی را داشته باشیم. رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، نطق‌های پیش از دستور سال ۱۳۶۴، جلد پنجم، دفترنشرمعارف‌انقلاب.

۲ ـ در این دیدار که گروهی از پرسنل لشگر نصر و جمعی از رزمندگان قرارگاه ثارالله حضور داشتند، آقای هاشمی گفت: "کشورهای منطقه از این مسایل نترسند که مثلاً صدام گفته بعد از سر من، سرهای زیادی خواهد رفت ولی من می‌گویم سرهای زیادی اگر مثل سرتو شرارت نداشته باشند، نمی‌روند و اگر شرارت داشته باشند سرهایشان را از دست می‌دهند، چرا که ما با شرور مخالفیم. در این مقطع از تاریخ اسلام، ما تکلیف داریم این درگیری را به نقطه‌ای برسانیم که درسی برای جنگ افروزها باشد." رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۴، جلد پنجم، دفترنشرمعارف‌انقلاب.

آقای [حسین]شیخ‌الاسلام گزارش سفرش را به لیبی داد و راجع به زمان سفرم به لیبی و موضوع مذاکرات صحبت شد. جمعی از طلاب خارجی مقیم ایران [و گروهی از طلاب مدرسه عالی شهید مطهری] آمدند و من مفصلاً برای آنها صحبت کردم[1]. آقای [سیدکمال]خرازی آمد و گفت کسی از اخوان‌المسلمین، پیشنهاد میانجیگری بین ما و عربستان‌سعودی را دارد تا حمایت عربستان را از عراق خنثی کنند. به او گفتم مانعی ندارد و اقدام شود.

عقد ازدواج یکی از کارکنان دفترم را جاری کردم و هدیه‌ای به او دادم. تا ساعت نه شب در دفترم کار کردم. با رئیس‌جمهور درباره احتمال آغاز حرکات دانشجویان مسلمان علیه اساتید بی‌بندوبار مذاکره کردیم. کمی تب داشتم که با مصرف دو قرص آسپرین خوب شدم. شب به خانه آمدم.

جمعه ۱۳ اردیبهشت ۱۳۶۴ — ۱۲ شعبان ۱۴۰۵ — 3 MAY 1985

آقای رضایی اطلاع داد وسیله‌ای که ارتش ساخته است، آزمایش خوبی نداده است و لذا لازم است که نمونه ساخت سپاه را توسعه دهیم. او در مورد ترکیب نیروها نیز نظراتی داد و در یافتن راهکار جدید امیدوارتر به نظر می‌رسید.

به نخست‌وزیر در مورد تأمین ارز سپاه و حرکاتی که بنا به خبرهای رسیده، بناست از طرف دانشجویان مسلمان دانشگاه‌ها بروز کند، تذکراتی دادم[2]. تا عصر، اکثر وقت را به مطالعه و قدم زدن در حیاط منزل پرداختم. شب درباره لزوم تذکر به دانشجویان در مورد درگیری با عناصر

---

۱ ـ در این سخنرانی آمده است: "طلبه‌ها در رکاب امام امت مبارزه کرده و آن قدر مقاومت کردند تا جامعه را به دنبال خودشان به حرکت در آورده و این انقلاب عظیم را به وجود آوردند و این قطعه تاریخی مهم را در دنیا خلق کردند. اگر این شعله مقدسی را که با انقلاب اسلامی در ایران شروع شده بتوانیم روشن نگهداریم و به جاهای دیگر برسانیم، امیدی برای نجات مردم و مستضعفین خواهد بود و هیچ راهی جز این نیست." رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۴، جلد پنجم، دفترنشرمعارف‌انقلاب.

۲ ـ در پی تحرکات نهضت آزادی و همچنین راهپیمایی طرفداران شاپور بختیار در تهران، دانشجویان مسلمان دانشگاهها فعالیتهایی را برای پاکسازی دانشگاهها از اساتیدی که تمایلات لیبرال و غرب‌گرایانه دارند، آغاز کردند. در پی این اقدامات که با مخالفت دکتر ایرج فاضل وزیر علوم مواجه شد، آقای بهمن یزدی صمدی رئیس دانشگاه تهران از سمت خود کناره گیری کرد. دکتر نجفقلی حبیبی رئیس دانشکده حقوق دانشگاه تهران از دخالت دانشجویان حزب‌اللهی در مدیریت دانشگاه دفاع کرد و گفت: عوامل استعمار هنوز ناامید نشده‌اند و باید همچنان مواظب جریانات بود.

غیراسلامی، با احمدآقا صحبت کردم.

شنبه ۱۴ اردیبهشت ۱۳۶۴ ۱۳ شعبان ۱۴۰۵ 4 MAY 1985

بعداز نماز به مطالعه پرداختم. با رئیس‌جمهور درباره کیفیت تعامل با کمیسیون صلح سازمان کنفرانس اسلامی ـ که اعلان کرده‌اند برای مذاکره درباره جنگ می‌خواهند به ایران بیایند ـ مذاکره کردیم. آقای خامنه‌ای نگران پیامدهای فرار خواهرشان به عراق‌اند. او مصاحبه‌ای کرده و رسانه‌های مخالف از آن بهره گیری می‌کنند.

در جلسه شورای سرپرستی قسمتی از آئین نامه پخش اخبار تصویب شد و راجع به فیلمهای خارجی که زنان بی‌حجاب دارند، بحث شد. آقای صیاد [شیرازی] وضع را گزارش داد؛ راضی است. عصر آقای [محمد]غرضی [وزیر نفت] آمد و از فشاری که از طرف نخست‌وزیر و دولت به ایشان برای فروش نفت وارد می‌شود، گله داشت و استمداد کرد. ضمناً بعضی‌ها ایشان را مقصر عمدی یا غیر عمدی درکم فروختن نفت می‌دانند. اطلاع داد که یک چاه دیگر را مهار کرده‌اند و هنوز یک چاه دیگر می‌سوزد.

آقای رحیمیان و دو فرزندش آمدند و درباره اوضاع اصفهان و اختلاف علمای اصفهان صحبت کردند. شب هم به مطالعه گزارشها و استماع اخبار گذشت. اخوی محمد آمد و راجع به اختلاف و برخورد نیروهای جدید با همکاران دیگر صداوسیما گفت. به او گفتم مصلحت است از نمایش فیلمهای خارجی که زنان بی‌حجاب را به صورت زننده عرضه می‌کنند، جلوگیری کنیم؛ گرچه حرام نیست.

یکشنبه ۱۵ اردیبهشت ۱۳۶۴ ۱۴ شعبان ۱۴۰۵ 5 MAY 1985

تا ساعت سه بعداز ظهر در منزل بودم و بیشتر به مطالعه پرداختم. آقای [غلامرضا] آقازاده [وزیر مشاور در امور اجرایی] آمد و گزارشی از مذاکرات خرید اسلحه از چین و کره‌جنوبی آورد؛ احتمالاً به خاطر دیدن روابط رو به توسعه ما با شوروی می‌خواهند مانع نزدیک شدن بیشتر ما به شوروی‌ها بشوند.

عصر با هلی‌کوپتر از دانشکده افسری به قم پرواز کردیم. یک هلی‌کوپتر کبرا هم برای حفاظت همراهمان بود. سری به آقای منتظری زدم. در اثر آنفلوانزا کسالت دارند. سپس برای سخنرانی در مراسم بزرگداشت ولادت امام زمان(عج) به مدرسه فیضیه رفتم و درباره ولایت و اهمیت آن و انحرافها در برداشت و عمل به آن صحبت کردم[1]. اول شب به تهران برگشتم.

دوشنبه ۱۶ اردیبهشت ۱۳۶۴ — ۱۵ شعبان ۱۴۰۵ — 6 MAY 1985

در منزل بودم و بیشتر به مطالعه پرداختم. روحانیون به‌ملاقات امام آمده بودند[2]. پیش از ظهر عقد ازدواج دوخواهر زاده‌ام ـ ناصر و مریم ـ را بستم. ظهر بستگان در منزل محمد ـ همشیره‌زاده ـ مهمان بودند و من در منزل تنها بودم.

با آقایان صیاد [شیرازی] و محسن رضایی صحبت کردم. صیاد ۳۰ گردان نیرو از سپاه برای انجام عملیات آتی خواسته، ولی سپاه ۲۰ گردان واگذار کرده است. محسن رضایی مدعی است که نیروی بیشتر ندارند و صیاد می‌گوید بدون ۳۰ گردان، نمی‌شود عملیات را شروع کرد؛ باعث تعجب او است که سپاه با داشتن بیش از صدهزار کادر سپاهی ثابت و این همه بسیجی داوطلب، چگونه نمی‌تواند ۳۰ گردان نیرو تحویل دهد؟ گردانهای سپاه معمولا سیصد نفری است. شب این مسأله را با [آقای محسن] رفیق‌دوست [وزیر سپاه پاسداران] در میان گذاشتم و گفتم اگر واقعاً چنین است،

---

۱ ـ ایشان در این سخنرانی ابتدا موقعیت مستضعفان جهان و ظلم‌هایی که در حق آنان از سوی مستکبرین آغاز شده است، تشریح کرد و اظهار داشت: "یکی از موارد حقوق غصب شده محرومین جهان، مساله حق حاکمیت آنها و وراثت واقعی آنان بر زمین بوده است که این حق از سوی جنود شیطان و مستکبرین جهان از بین رفته است... آنچه که امام زمان (عج) در رابطه با حکومت جهانی‌اش خواهد آورد تکمیل رسالت اهداف انبیا و ائمه می‌باشد که این مسأله جدا از حکومت انبیا نبوده است و یک حرکت همگام و پیوسته با آنهاست که در ادوار مختلف تاریخ برای تحقق آن تلاش و مجاهدت می‌کردند. یک مسأله بسیار مهم است که در رابطه با ولایت و مدیریت اسلامی و ربط آن به حکومت مهدی(عج) اهتمام اساسی در حوزه‌های روحانی نشده است. این خسارت آثار سوئی را در تاریخ اسلام به جای گذاشته است و اگر به همین شکل ادامه پیدا کند، ضررهای بزرگی در آینده متوجه جوامع اسلامی به خصوص شیعه خواهد شد". رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۴، جلد پنجم، دفترنشرمعارف‌انقلاب.

۲ ـ در این ملاقات که گروهی از روحانیون تهران و استانهای دیگر و اهل سنت حضور داشتند، حضرت امام(ره) فرمود: "روحانیون بیش از همه قشرها مسئولند. باید از قدرت‌طلبی و تجمل‌گرایی بپرهیزند و ساده زندگی کنند. آن چیزی که روحانیت را پیش برده تا حالا و حفظ کرده است، این است که ساده زندگی کرده‌اند... روحانیون الان در ایران هیچ عذری ندارند برای اینکه راه را می‌دانند و می‌توانند هم کار بکنند." رجوع کنید ← "کتاب صحیفه امام، جلد نوزدهم، صفحه ۲۴۶، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره).

باید لشکرهای سپاه را در هم ادغام کرد که تشکیلات سپاه این همه نیرو راپخش و بی اثر نکند. در گزارشها مسأله مهمی نداشتیم.

سه شنبه ۱۷ اردیبهشت ۱۳۶۴ ۱۶ شعبان ۱۴۰۵ 7 MAY 1985

ساعت شش صبح به مجلس رسیدم. درگزارشها مطلب مهمی نبود و جلسه علنی هم مثل معمول گذشت. ظهر، [اعضای جامعه]روحانیت مبارز مشهد آمدند. سئوالاتی درباره وضع اقتصادی کشور، جنگ، حزب [جمهوری اسلامی]، اختلافات، حزب‌اللهی‌ها و امور دیگر داشتند و من توضیحاتی دادم. مراجعات زیادی از طرف نمایندگان داشتم.

عصر شورای [عالی] انقلاب فرهنگی جلسه داشت. بحث دربارهٔ مدیریت دانشگاه تهران، چهره اسلامی دانشگاه‌ها و برخورد حزب‌اللهی‌های دانشگاه با مدیران و آئین‌نامه‌ها بود. از آقای صیاد[شیرازی] نامه‌ای رسید که باز هم چند روزی عملیات را به تأخیر انداخته است. با محسن‌رضایی و صیاد صحبت کردم. کمبود نیروهای سپاه و بعضی از ابزارکار از عوامل تأخیر است و از طریق آقای خامنه‌ای به نیروی هوایی امر شد که از جهت پدافند و حمایت هوایی همکاری بیشتری با نیروی زمینی در عملیات داشته باشد. درباره سفرمان به لیبی برای انتخاب همراهان و مسائل دیگر تصمیماتی گرفته شد.

شب به مجلس برای خواب و شام رفتم. کارهای اداری مجلس را انجام دادم. ذیل نامه شورای نگهبان درباره لایحه توزیع کالا مطلبی نوشتم که احتمالاً بحث انگیز خواهد شد، ولی چاره‌ای نیست؛ به نظر می‌رسد فراتر از وظایف آنها است.

چهارشنبه ۱۸ اردیبهشت ۱۳۶۴ ۱۷ شعبان ۱۴۰۵ 8 MAY 1985

تا ساعت هفت‌ونیم صبح در دفترم کار کردم. در جلسه علنی هم چند دستور را تصویب کردیم. ظهر گروه اطفاء حریق چاه شماره ۵ نوروز ـ که از دو سال پیش در خلیج‌فارس در اثر حمله عراقیها

آتش گرفته و می‌سوخت ـ آمدند. گزارش کارشان را دادند، جالب بود. تشکر و تقدیر نمودم[1].

عصر هیأت رئیسه [مجلس شورای اسلامی] جلسه داشت. مطابق معمول مسائل فراوانی در دستور داشتیم. شب با دیگر مسئولان قوا، مهمان آیت‌الله [موسوی]اردبیلی [رئیس قوّه قضائیه] بودیم. درباره سفرمن به لیبی و احتمالاً به آلمان شرقی صحبت شد و ضرورت بهره برداری از تضاد و رقابت دو بلوک شرق و غرب و درباره تداخل حدود و حقوق وظایف وزارت اطلاعات، کشور و دستگاه قضائی در مسائل امنیتی بحث شد. قرار شد لایحه‌ای برای تعیین حدود آنها به مجلس بیاورند.

[آقای میرحسین موسوی] نخست‌وزیر از طرح قانون محاسبات که در مجلس است، ناراضی است. می‌خواهد فردا برای مخالفت، به مجلس بیاید. آقای [مصطفی]میرسلیم آمد و راجع به طرح سازمان نهاد ریاست جمهوری مطالبی داشت. راجع به مجلس اعلای [انقلاب اسلامی] عراق تذکراتی به ایشان دادم؛ سررشته کارشان در دفتر ریاست جمهوری است. دیر وقت به خانه آمدم.

۱ ـ در این سخنرانی آمده است: "شما کار بسیار زیبا و بزرگی را عرضه کردید. روشن است که کار شما در منطقه‌ای بسیار خطرناک انجام گردید و نفس حضور در منطقه و کار کردن در تیررس دشمن و حساسیتی که دشمن روی این جریان دارد، شجاعت فوق‌العاده‌ای را نشان می‌دهد. مشکلات کار و سختی‌های ناشی از وضع آب و هوای منطقه نیز مشخص است و همه اینها نشان عمق ایمان و علاقه شماست." رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۴، جلد پنجم، دفترنشرمعارف انقلاب.

جمهوری اسلامی ایران

مجلس شورای اسلامی

دفتر رئیس

شماره ۲۰/۱۵۲۵/۵۰۳
تاریخ ۶۴/۲/۱۹
پیوست ....

بسمه تعالی

جناب آقای خامنه‌ای
ریاست محترم جمهوری اسلامی

نامه مورخ ۱۳۶۴/۲/۱۱ شماره ۹۱۲/را که به دریافت شد، به کمیسیون‌های مربوط
اطلاع دادم. گویا کمیسیون‌ها کار لوایح مورد نیاز جنابعالی را در دست دارند و لایحه‌ای
که در اولویت دقت ... از تصویب نهایی گذرانده‌ایم. ... لوایح دیگری نیز هست
که در دوره قانونگذاری زمانی ... رسیده و بخشی از طرف دولت
لایحه‌ای برای تعیین تکلیف به مجلس نرسیده است. لیست آنها را هم
برای دولت می‌فرستادم ... دستور فرمایید نسبت به آنها اقدام نمایند.

رئیس مجلس شورای اسلامی
۶۴/۲/۲۱

پیش نویس نامه به رئیس جمهور

پنجشنبه ۱۹ اردیبهشت ۱۳۶۴ ۱۸ شعبان ۱۴۰۵ ه‍ 9 MAY 1985

قبل از رفتن به مجلس، خاطرات عقب افتاده را نوشتم. در گزارشها مطلب مهمی ندیدم. در جلسه علنی مجلس، چند دستور عمل شد. ظهر در دفترم با [آقای باریک‌بین] امام جمعه قزوین و جمعی از مسئولان این شهر ملاقات داشتم. نمایندگان باختران هم آمدند و از استاندار شکایت دارند.

عصر در دفترم کار کردم و به خاطر خستگی در جلسه شورای عالی انقلاب فرهنگی شرکت نکردم. با دکتر ولایتی [وزیر امور خارجه] درباره مقدمات سفر به لیبی صحبت کردم. معلوم شد در تاریخی که ما تعیین کرده‌ایم، آقای [معمر]قذافی [رهبر لیبی] قصد سفر به خارج دارد. قرار شد هماهنگ کنند و ضمناً معلوم کردیم که در ماه رمضان، ما سفر نمی‌کنیم. شب به خانه آمدم.

جمعه ۲۰ اردیبهشت ۱۳۶۴ ۱۹ شعبان ۱۴۰۵ 10 MAY 1985

در منزل تا ساعت ده‌ونیم صبح برای خطبه‌های نماز جمعه مطالعه می‌کردم. به دانشگاه تهران برای اقامه نماز جمعه رفتم[۱]. عصر احمدآقا آمد و درباره جنگ و شورای نگهبان و مسایل دانشگاه

۱ـ ایشان در خطبه اول در ادامه بحث پیرامون عدالت اجتماعی در اسلام، با ذکر خلاصه‌ای از مظالم نژاد سفید نسبت به نژادهای دیگر و شیوه‌های شیطانی حاکمیت این نژاد مطالبی را بیان داشت. در خطبه دوم نیز درباره مهدویت و فرهنگ انتظار و همچنین مسایل مربوط به جنگ بحث‌هایی را مطرح کرد. در بخشی از خطبه دوم آمده است: "کلید حل مساله جنگ در دست ما و شما دولتهای منطقه است. محاکمه صدام یا قطع کمک به او و هر دو موجب خاتمه جنگ خواهد شد. شرایط ما همان شرایط سابق است. حرف ما از اول همین بود. گاهی تعبیر می‌کردیم اسقاط صدام وگاهی می‌گفتیم محاکمه صدام و به نظر ما محاکمه و اسقاط صدام یکی است." در این خطبه همچنین آقای هاشمی در پاسخ به نامه مهندس بازرگان رهبر نهضت آزادی گفت: "ایشان نامه‌ای نوشتند و از من خواستند که مساله را اصلاح کنم و قبول ندارند که کارتر چنین چیزی گفته است و اعلام کردند که اگر اصلاح نکنی به امام و شورای عالی قضایی و دیگران شکایت خواهیم کرد". من متن اظهارات کارتر با شبکه سی‌بی‌اس آمریکا را دیدم که قسمتهای مهم آن را می‌خوانم: "جیمی‌کارتر در مورد کتاب خود توضیح داده وگفته است اگر لازم باشد بار دیگر تحت همان شرایط آن روز ایران به شاه اجازه ورود به آمریکا بدهم، این اجازه را می‌دهم. تنها شانس زنده ماندن شاه، اقامت وی در نیویورک بود. در عین حال ما نخست‌وزیر ایران، آقای بازرگان را از این کار مطلع کردیم و وی تعهد کرد که سفارت و پرسنل سفارت ما را حفاظت خواهد کرد. بعداً با اشغال سفارت و حمایت امام خمینی، بازرگان که مردی قوی بود استعفا داد و این عمل باعث نزول انقلاب و نابودی آن شد. امیدوارم کارتر دروغ گفته باشد و اینها راست بگویند، زیرا ما از اینها زمانی دفاع کرده‌ایم. شما که علیه ما اعلامیه می‌دهید، چرا علیه کارتر اعلامیه نمی‌دهید و نمی‌گویید که کارتر دروغ می‌گوید تا همه موضع شما را بدانند. اگر چنین حرفی بزنید، بین شما وکارتر فاصله می‌افتد و مردم این جدایی را درک می‌کنند و مساله از نظر ما حل می‌شود". رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، خطبه‌های جمعه سال ۱۳۶۴، جلد هشتم، صفحه ۱۴۷، دفترنشرمعارف‌انقلاب.

صحبت کردیم. دکتر [مصطفی]معین آمد و درباره اجازه کناره‌گیری او از شورای عالی انقلاب فرهنگی ـ که از امام خواسته ـ صحبت شد؛ مصلحت نمی‌دانم و گفتم نامه‌اش را به امام نمی‌دهم. به وزارت فرهنگ [و آموزش عالی] و وزیر معترض است و فکر می‌کند شورا نمی‌خواهد او را حفظ کند.

اول شب فرماندهان سپاه آمدند و از مشکلات گفتند. و در صورت ادامه کار، تأیید بیشتر می‌خواستند. گفتم مسأله اساسی جنگ است، اگر خوب بجنگند تأیید می‌شوند و مورد اعتمادند. قرار شد طرحشان را بیاورند. آقای ناصر کمره‌ای برای کارهای شخصی آمد. شب مریض شدم و تب و لرز شدیدی گرفتم اما با مصرف مسکّن تخفیف یافت.

شنبه ۲۱ اردیبهشت ۱۳۶۴ — ۲۰ شعبان ۱۴۰۵ — 11 MAY 1985

اول وقت آقای صیاد [شیرازی] آمد و گزارش برنامه عملیات را داد. تقریباً از انجام طرح مأیوس است و مدعی است سپاهیان تمکین نمی‌کنند و پیشنهادهای دیگری هم داشت. حاجی یوسف آمد و گزارش سفر تیم خرید اسلحه را داد. مدعی است که آمریکا مایل است اسلحه‌ها، هواپیما، موشک و... مورد نیاز ما را از طریق شرکت‌های غیر آمریکایی به ما بدهد، ولی ما نمی‌توانیم باور کنیم. استدلال آنها این است که آمریکا چون می‌ترسد ما اجباراً سیستم نظامی خودمان را که متکی به اسلحه‌های آمریکایی است، عوض کنیم به اندازه‌ای که بتوانیم سیستم موجود را حفظ کنیم، تحویل می‌دهند؛ ممکن است نظرشان درست باشد. به هر حال به نفع ماست که بخریم و اجازه داده‌ایم، ولی امروز و فردا می‌کنند. به هرحال اجازه را تأکید کردم. آقای خامنه‌ای هم در این باره تلفنی مشورت کردند؛ نظر واحدی داریم.

شورای سرپرستی صدا و سیما جلسه داشت. تصمیم گرفتیم از پخش فیلمهای خارجی بکاهیم و فیلمهائی که هنرپیشه‌های زن بی‌حجاب به صورت زننده دارند، پخش نشود و بیشتر به طرف تولید فیلم داخلی برویم. ترکیب شورای عالی طرح و برنامه هم مشخص شد.

عصر مسئول حفاظت سپاه آمد و درباره حفاظت تذکراتی داد. تلفنی به آقای محسن رضایی گفتم درباره رفع موانع عملیات پیشنهادی صیاد که به مشکل برخورده است، کمک کنند. بچه‌ها

مهمان فائزه بودند. حاجیه والده[1] را اخوی محمد به منزل خودش برد.

یکشنبه ۲۲ اردیبهشت ۱۳۶۴ ۲۱ شعبان ۱۴۰۵ 12 MAY 1985

ساعت شش و ۲۵ دقیقه در مجلس بودم. مطابق معمول اخبار تلکسها را خواندم و به رادیو فارسی آمریکا، برای فهمیدن خطوط تبلیغاتی مورد نظر غربیها گوش دادم. در جلسه علنی طرح رسمی شدن دندانسازان تجربی را داشتیم که خیلی پر سروصدا بود و موضع‌گیری دانشگاهیان و تجربیّون خصومت آمیز است. این طرح با تعدیل‌هائی تصویب شد.

بعد از تنفس به دفترم آمدم. آقای صیاد[شیرازی] آمد و برای انجام طرح جدید مورد نظرش اجازه خواست؛ به شرط تداوم عمل موافقت کردم. به نظر آقای خامنه‌ای و من بی‌اهمیت است.

ظهر چند نفر از نمایندگان مازندران همراه شخصی به نام سیاّح آمدند. آقای سیاّح مدعی است موشکی هدایت شونده با برد ۱۵۰ کیلومتر و وزن ۲۵۰ کیلوگرم ساخته و مدعی است با نازی‌ها همکاری می‌کرده و در زمان شاه به خاطر ترس او از این نوع موشک، با مخالفت آمریکایی‌ها او را به مازندران تبعید کرده‌اند و بعداز انقلاب هم سپاه و ارتش به خوبی با او همکاری نکرده‌اند. دو ماه وقت گرفت که اولین موشک را تحویل دهد؛ می‌گوید قطعات را آماده کرده ولی پراکنده است.

آقای موسوی دامغانی آمد و از قاضی رامهرمز و از نرسیدن مسئولان به نیازهای مردم رامهرمز شکایت داشت. عصر خانواده‌های شهدای لبنان و مربیان عقیدتی سیاسی کمیته آمدند و من برای آنها صحبت کردم[2].

جلسه شورای مرکزی حزب [جمهوری اسلامی] را داشتیم که موارد محدود کردن کار حزب، تعطیل کردن تبلیغات حزبی و نیمه وقت کردن کارکنان و... به تصویب رسید. شب با آقایان

---

۱ ـ بانو ماه بی‌بی هاشمی والده گرامی آقای هاشمی رفسنجانی در سال ۱۳۷۵ دارفانی را وداع گفت.

۲ ـ در این دیدار که جمعی از خانواده‌های شهدای لبنان و روحانیون و مسئولین عقیدتی سیاسی کمیته‌های انقلاب اسلامی حضور داشتند، آقای هاشمی گفت: "ما و شما (لبنانی‌ها) سرنوشتهایمان به هم دوخته شده است. امروز پیروزی ایران، پیروزی لبنان است و پیروزی مسلمانان لبنان، پیروزی ایران می‌باشد. ما با همان ایمانی که در جبهه‌های جنگ با عفلقی‌های عراق می‌جنگیم، با همان ایمان در لبنان کنار شما هستیم و شما هم با همان ایمان امروز به کشور ما آمده‌اید. امروز لبنان مثل ایران شده است و امنیت و آسایش استکبار جهانی را به هم می‌زند و لبنان امروز پایگاهی برای اسلام است." رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۴"، جلد پنجم، دفترنشرمعارف‌انقلاب.

خامنه‌ای و [واعظ]طبسی جلسه‌ای داشتیم. درباره کیفیت اداره جنگ در آینده و ادغام واحدهای سپاه و نیروی زمینی و وحدت فرماندهی و اصلاح شورای سپاه، تصمیماتی اتخاذ شد. شب به خانه آمدم[1].

دوشنبه ۲۳ اردیبهشت ۱۳۶۴ — ۲۲ شعبان ۱۴۰۵ — 13 MAY 1985

تمام روز در منزل بودم. پیش از ظهر بیشتر وقت به مطالعه گزارشها پرداختم و مقداری با سارا - دختر فاطمه صبیه‌ام - سرکردم. مادرش به دانشگاه می‌رود و او بهانه گیری می‌نماید. دکتر علفی آمد و مقداری داروی گیاهی آورد. داروهایش در تسکین درد دستم موثر است. از اینکه دکترها با اینگونه افراد مخالفند و مزاحم کارشان می‌شوند، استمداد نمود.

عصر آقایان [مسیح]مهاجری و [علیرضا]بهشتی آمدند و راجع به حزب و روزنامه [جمهوری اسلامی] صحبت کردیم. نگرانند که در کنگره حزب، تصمیمی بر خلاف میل آنان درباره روزنامه بگیرند.

آقای رفیق‌دوست [وزیر سپاه پاسداران] و همکارانش آمدند. گزارشی از امکانات نظامی آرژانتین و آمادگی آنان برای فروش تسلیحات به ایران دادند و درباره رفتن وزیر سپاه به آرژانتین مشورت نمودند. احمدآقا آمد و راجع به نماز جمعه و شورای قضائی صحبت شد. شب به مطالعه گزارشها گذشت.

سه شنبه ۲۴ اردیبهشت ۱۳۶۴ — ۲۳ شعبان ۱۴۰۵ — 14 MAY 1985

بعد از نماز و ورزش به مجلس رفتم. در گزارشها دیدم که عراق مدعی است یک کشتی را در خلیج‌فارس زده است، ولی خبر درست نیست. اصلاح طرح اراضی مزروعی در دستورکار مجلس بود که قسمتی از آن اصلاح شد و برخوردهای مزاحمی از طرف بعضی نمایندگان داشتیم و لایحه

---

۱ - در این روز در اثر انفجار یک بمب قوی در خیابان ناصر خسرو تهران که در داخل یک اتومبیل پیکان کارگذاشته شده بود، یک ساختمان دو طبقه تولیدی پوشاک آتش گرفت و ویران شد و ۹ نفر شهید و ۴۵ نفر مجروح شدند. در اثر شدت انفجار ۱۵ دستگاه خودرو نیز در آتش سوخت.

تشدید مجازات سوء استفاده‌های مالی در شور اول تصویب شد. در تنفس و ضمن جلسه و پیش از آن، مراجعات زیادی از طرف نمایندگان داشتم.

ظهر آقای صیاد [شیرازی] آمد. او تقریباً در اجرای طرح خود به بن بست رسیده و چاره‌جوئی می‌کرد. اخوی احمد از رفسنجان آمده بود؛ با جمعی از کارکنان [مس]سرچشمه عازم جبهه‌اند. در مورد مزاحمت [سازمان]محیط زیست رفسنجان درباره شهرک کارکنان سرچشمه و خانه پدری‌مان در بهرمان نوق صحبت شد.

آقای [غلامرضا] آقازاده مشاور نخست‌وزیر آمد. اطلاع داد که کره شمالی هم پیشنهاد فروش موشک‌های دوربرد زمین به زمین و هوا به زمین داده است. عصر آقای حجازی معاون وزیر اطلاعات آمد و گزارشی از فعالیت‌های برون مرزی داد.

در جلسه سه شنبه نمایندگان، درباره علت مسافرتم به خارج توضیحاتی دادم. در جلسه شورای عالی انقلاب فرهنگی، درباره ضوابط و شیوه گزینش اساتید دانشگاه‌ها تصمیم‌گیری شد و رئیس دانشگاه سیستان و بلوچستان هم انتخاب شد. شب در جلسه‌ای با حضور نخست‌وزیر و رئیس‌جمهور، درباره جنگ و همکاری سپاه و ارتش بحث کردیم و قرار شد [آقای سید محمد خاتمی] وزیر ارشاد [اسلامی]، شش میلیون تومان برای مخارج بنیاد تدوین تاریخ [انقلاب اسلامی]، در اختیار بنیاد قرار دهد.

چهارشنبه ۲۵ اردیبهشت ۱۳۶۴   ۲۴ شعبان ۱۴۰۵   15 MAY 1985

در منزل بودم و وقتم با مطالعه و راه رفتن در حیاط گذشت. آقای ولایتی، تلفنی گفتند که [آقای سعودالفیصل]وزیر امور خارجه عربستان سعودی برای آمدن به ایران، شرط ملاقات با من را دارد که پذیرفتم. آقای [محمدحسن]زورق [معاون سازمان صداوسیما] تلفنی اجازه پخش بیانیه‌ای راجع به حوادث خوزستان را خواست. روزنامه اطلاعات به اعراب خوزستان اهانتی کوچک کرده و با تحریک مفسدان، جمعی از عربهای خوزستان با تظاهرات، خشم خود را از آن توهین ابراز می‌کنند و با نیروهای حزب‌اللهی و نیروهای انتظامی برخورد نموده‌اند[1]. گفت اخوی

---

۱ ـ تنفر اعراب خوزستان از اینکه کسی آنها را "کولی" خطاب کند و تلاش گسترده و سازمان یافته ضدانقلاب، باعث شد اهواز به

(ادامه پاورقی در صفحه بعد)

محمد موافق نیست. آیت‌الله خامنه‌ای موافقند و من هم موافقت کردم.

شب مهمان احمدآقا بودیم. امام هم در جلسه شرکت کردند. قرار شد چراغ خیابانهای تهران که از هنگام حمله‌های هوایی عراق خاموش است، روشن شود. خارجی‌ها این خاموشی را دلیل خطرناک بودن اوضاع دانسته‌اند. درباره جنگ و موارد دیگر صحبت شد، ولی جلسه محصول چندانی نداشت. آقای [موسوی]اردبیلی اطلاع دادند که عامل انفجار در خیابان ناصر خسرو را دستگیر کرده‌اند.

پنجشنبه ۲۶ اردیبهشت ۱۳۶۴ ۲۵ شعبان ۱۴۰۵ 16 MAY 1985

صبح زود به مجلس رفتم. در جلسه علنی اصلاح طرح اراضی مزروعی در دستور بود و پیشرفتهائی کردیم. ان‌شاءالله با تصویب و اجرای این طرح مشکل اراضی کشت موقت و دایر و بایر حل خواهد شد و [کشاورزان] از بی‌تکلیفی در می‌آیند.

ظهر گروهی از مردم دامغان آمدند و در مورد تأسیس یک دانشگاه در این شهر مشورت و استمداد کردند و صد میلیون تومان تعهد از مردم گرفته‌اند. چند نفر از کارکنان مجلس برای رفع مشکلات آمدند.

شخصی با معرفی اخوان مرعشی آمد و از طرف یک شرکت هلندی، اسلحه برای فروش عرضه می‌کرد. او را به وزارت دفاع فرستادم. از این مراجعات این روزها زیاد داریم و نوعاً اسلحه‌های پیشرفته و کمیاب آمریکایی پیشنهاد می‌کنند، ولی کمتر به نتیجه می‌رسد.

عصر آقای شجاعی آمد و کاری می‌خواست. فرماندهان سپاه آمدند؛ سه ساعت جلسه داشتیم و

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

دنبال درج مطلبی در ویژه نامه استان خوزستان روزنامه اطلاعات، شاهد حوادث ناگواری باشد. ضدانقلاب این شبهه را در ذهن اعراب خوزستان القا کرده بود که درج مقاله مزبور از سوی مقامات جمهوری اسلامی به روزنامه اطلاعات دیکته شده است. ضدانقلاب در این زمینه تبلیغ می‌کرد که "مطبوعات جمهوری اسلامی بیش از زمان محمدرضا شاه پهلوی از احساسات و تفکرات اشکانی‌گری برخوردارند!" تبلیغات ضدانقلاب در این زمینه آن چنان گسترده بود که حتی برخی افراد موجه نیز باور کرده بودند که این مقاله به دستور مقامات در روزنامه درج شده است. جالب آنکه اغلب افرادی که در تظاهرات اهواز دستگیر شدند، غیر عرب بودند و حتی قادر به ادای شعارهای عربی هم نبودند. اختلاف افکنی میان عرب و عجم، هدف این جنگ روانی بود که با درایت مسئولان وقت خنثی شد.

در مخالفت با طرح عملیات پیشنهادی سپاه صحبت کردند. شب با آقای خامنه‌ای جلسه داشتیم. امام ایشان را از انصراف از کاندیدا شدن [برای دوره دوم ریاست جمهوری] نهی کرده‌اند. درباره جنگ و تبلیغات ریاست جمهوری و چیزهای دیگر صحبت کردیم. مایل نیستند که برای دور دوم نامزد ریاست جمهوری بشوند. شب به خانه آمدم.

جمعه ۲۷ اردیبهشت ۱۳۶۴ ۲۶ شعبان ۱۴۰۵ 17 MAY 1985

صبح زود برای بازدید از مؤسسه [تحقیقات و] اصلاح [و تهیه نهال و] بذر با همراهی [آقای دکتر زالی] وزیر کشاورزی به کرج رفتیم. ابتدا فیلمی دیدیم و توضیحاتی دادند و سپس به مزرعه رفتیم، مراحل کار اصلاح بذر را توضیح دادند و در مزرعه هم مشاهده کردیم. مصاحبه‌ای کردم.

به دعوت [شاهپور]بختیار تعدادی از افراد ضدانقلاب در خیابان ولی‌عصر [تهران] با اتومبیل خود سد معبر کردند که با ورود حزب‌الله و مأموران به صحنه متفرّق شدند.

عصر احمدآقا ـ عموزاده ـ آمد و برای تاسیس دفتر شرکت تعاونی پسته رفسنجان در کشورهای جنوب خلیج‌فارس و معامله ارز با صنایع سنگین و افتتاح مرکزی در اروپا مشورت کرد. این شرکت تعاونی که ده‌ها هزار کشاورز خرده پا عضو آن هستند، توانسته در حمایت از کشاورزان و تأمین ارز برای کشور، خدمات خوبی نماید و بعضی از نمایندگان مجلس هم مایلند برای محصولاتی مثل خرما، مرکبات، خشکبار، زعفران و.... که کشاورزان آنها مشکل دارند، از تجربه این تعاونی استفاده کنند. قبل از انقلاب، تجارت پسته در اختیار چند سرمایه‌دار عمده بود اما در حال حاضر سود آن به کشاورزان می‌رسد.

شب آقایان صیاد[شیرازی] و [محسن]رضایی و [رحیم]صفوی آمدند. درباره جنگ مذاکره کردیم. اتفاق ندارند و این اختلاف نظر سپاه و ارتش مایه ضعف است؛ در مذاکره به جائی نرسیدیم. طرح ادغام سپاه و نیروی زمینی را مطرح کردم که سپاهیان راضی و صیاد ناراضی شدند. [پسرم]محسن که به جبهه رفته بود، برگشت و گزارشی از وضعیت جزیره مجنون داد.

شنبه ۲۸ اردیبهشت ۱۳۶۴ ۲۷ شعبان ۱۴۰۵ 18 MAY 1985

در منزل بودم و تا ساعت نه صبح مطالعه می‌کردم. شورای سرپرستی [صداوسیما] جلسه

داشت. آئین نامه پخش اخبار و برنامه‌های ماه رمضان در دستور بود. آقای ولایتی تلفنی گفت که لیبی اعلام کرده که فردا آماده پذیرائی از ما هستند. گفتم که مشورت شود و سرانجام عصر گفتم بهتر است پیش از ماه رمضان نرویم تا پس از تجدید دعوت کشور آلمان‌شرقی، برنامه کاملی اجرا شود.

با [آقای رازینی]دادستان انقلاب تهران درباره بازداشتی‌های دیروز حرف زدم. گفت حدود دویست نفر و بیشتر از اوباش هستند و بناست برخورد شدید و قاطع شود. آقای [اکبر]پرورش از محدود شدن برنامه آقای [محسن]قرائتی در تلویزیون در ماه مبارک رمضان اظهار ناراحتی کرد.

عصر خانواده شهید بهشتی آمدند و درباره ساختن قتلگاه ۷۲ تن در محل حزب و مراسم سالگرد ۷۲ تن و پخش سخنرانی‌های آقای بهشتی از صدای جمهوری اسلامی ایران استمداد کردند.

آقای محلاتی [نماینده امام در سپاه پاسداران] آمد و انتقاداتی از فرماندهان سپاه داشت و نظریه‌ای درباره جنگ آورد. آقای [عبدالمجید]معادیخواه آمد و گزارش عملکرد بنیاد تدوین تاریخ انقلاب را داد و برای تامین مخارج بنیاد مذاکره کردیم. شب به خواندن گزارشها گذشت. عفت از سخت‌گیری پاسداران بیت ناراحت شده بود و اوقات تلخی کرد و پیشرفت کارم کند شد. به آقای رئیس‌جمهور و نخست‌وزیر گفتم که دستور بدهند، چراغهای شهر امشب روشن شود.

یکشنبه ۲۹ اردیبهشت ۱۳۶۴ — ۲۸ شعبان ۱۴۰۵ — 19 MAY 1985

صبح زود به مجلس رفتم. در جلسه علنی کار اصلاح لایحه اراضی مزروعی تمام شد. اگر شورای نگهبان بپذیرد، مقداری از مشکلات را حل می‌کند. مصاحبه‌ای برای ویژه نامه مجلس به مناسبت سالگرد افتتاح دوره دوم مجلس کردم و در مصاحبه‌ای با سیمای جمهوری اسلامی نیز در این باره پرداختم.

عصر ملاقاتی با آقای سعودالفیصل وزیر امور خارجه عربستان سعودی ـ که به دعوت [آقای ولایتی] وزیر خارجه به ایران آمده ـ داشتم. درباره تحسین روابط صحبت شد و به آنها از امکان دوستی و حسن روابط اطمینان دادم و از کمک آنها به عراق انتقاد کردم[1]. مدعی شد که کمک را

---

۱ ـ در این دیدار ابتدا شاهزاده سعودالفیصل وزیر امور خارجه پادشاهی عربستان سعودی از سفر خود به ایران اظهار خشنودی نمود و برگسترش روابط فیمابین دوکشور تأکید کرد. سپس آقای هاشمی گفت: "از شما انتظار داریم به مطالب و اخطارهای ما

(ادامه پاورقی در صفحه بعد)

بعد از هجوم ایران به خاک عراق شروع کرده‌اند و درباره جنگ مفصل صحبت شد. برای پذیرش آتش بس التماس داشت؛ گفتم بپذیرند که عراق متجاوز است و محکمه‌ای برای محاکمه متجاوز تشکیل شود، آن موقع ما می‌پذیریم. ایشان می‌گفت محکمه را قبول دارند، اما اعتراض به تجاوز عراق قبل از محکمه را نمی‌پذیرفت. یک دوره قرآن ترتیل با صدای عبدالباسط هدیه آورده بود.

گروهی از مردم رامهرمز آمدند و من برای آنها صحبت کردم[1] و از مردم خوزستان دلجویی نمودم. شب در مجلس ماندم و تا ساعت ده مطالعه کردم و سپس شام خوردم و خوابیدم. آقای اسدی نماینده اهواز آمد و می‌خواست به نحوی از اعراب خوزستان که به خاطر مقاله روزنامه اطلاعات رنجیده‌اند، دلجویی شود.

دوشنبه ۳۰ اردیبهشت ۱۳۶۴ ۲۹ شعبان ۱۴۰۵ 20 MAY 1985

تا ساعت هشت صبح در دفترم کار کردم. آقای صفاتی دزفولی رئیس دیوان محاسبات آمد و

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)
توجه کافی مبذول داشته و آن را با سایر مسئولین کشور خودتان و کشورهای شورای همکاری خلیج‌فارس مطرح نمائید و آن اینکه اولاً ما واقعاً خود را با برادران عرب و مسلمان منطقه یک امت واحده می‌دانیم و فکر می‌کنیم که امت واحده زیر پرچم اسلام می‌تواند متحد برای اهداف اسلام کار کند. ما انتظار داشتیم که با پیروزی اسلام در ایران، مورد استقبال کشورهای مسلمان قرار گیریم و واقعاً آماده هستیم و از اول هم بودیم که امکاناتی را که شاه در ایران تهیه کرده بود، علیه اسرائیل که دشمن مشترک ما و شما و همه مسلمانان است، به کار ببریم. ما معتقدیم که ابرقدرتها و قدرتهای استعماری الحادی به همان اندازه که در حفظ اسرائیل توافق دارند، از اینکه نگذارند بین ما و برادران عرب و دیگر مسلمانان رفاقت وجود داشته باشد، خوشحالند. ما معتقدیم این جنگ توسط دولت عراق برای همین منظور و ایجاد فاصله میان ما و شما آغاز شد و ما بیشتر از شما از این جنگ متنفر هستیم و علاقه‌مند به پایان جنگ می‌باشیم، منتها ما می‌خواهیم این جنگ را به گونه‌ای خاتمه دهیم که بعداً بتوانیم با خیال راحت و در کمال صمیمیت و رفاقت با کشورهای اسلامی در منطقه زندگی کنیم اما دشمنان ما که خود این جنگ را به راه انداختند، می‌خواهند که آن را به صورت یک کانون آتش زیر خاکستر نگهدارند و کانون اختلاف برای همیشه زنده بماند. در این جنگ بدون آنکه حزب بعث که مسئول جنگ است، کیفر ببیند و حقوق حقه مردم ایران داده شود، راه دیگری وجود ندارد و هر راه دیگری مورد قبول ما نمی‌باشد.

۱ ـ در این سخنرانی آمده است: "خوزستان حق بزرگی به گردن کل کشور دارد. علاوه براینکه قسمت عمده تغذیه اقتصادی کشور ما از خوزستان است، در این مقطع بلای عمده هم به سر مردم خوزستان آمد و تحمل مردم خوزستان برای دیگران آموزنده است. اینکه مردم شهرهای متعددی از خوزستان آواره شدند، خانه‌هایشان خراب شد و خانه بدوش شدند و شهدا و اسرای زیادی دادند، خانواده‌های آنها در اردوگاه آوارگان زندگی حقیرانه‌ای را پشت سر گذاردند و جوانهایشان در جبهه‌ها و شهرهای مورد هجوم ماندند و دفاع کردند، این مردم مسلمان چند سال است که این بلای طولانی را تحمل کردند و خم به ابرو نیاوردند و برای همیشه دم از جهاد و مقاومت در جنگ تا پیروزی زدند و اثر بسیار با ارزشی را در تاریخ خلق کردند". رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۴، جلد پنجم، دفترنشرمعارف‌انقلاب.



ملاقات با وزیر امور خارجه عربستان سعودی

مشکل وجود کارکنان ناصالح در دیوان و نداشتن بودجه برای اضافه مزد اساتید و مشکلات دیگر را برای حل مطرح کرد. آقای آصفی سفیرمان در آلمان شرقی آمد و گزارشی از مذاکره و مقدمات سفرم به آلمان را داد. [آقای غلامرضا شافعی] وزیر صنایع هم آمد و گزارش مذاکرات خود با هیأت آلمان‌شرقی را داد. سپس هیأت [اعزامی این کشور] آمد و دعوت رئیس مجلس آلمان شرقی را مطرح کرد و درباره توسعه روابط مذاکره کردیم.

سرهنگ [محمد حسین] جلالی کاندیدای وزارت دفاع آمد و قول حمایت گرفت و گزارشی از وضع هلی‌کوپترها را داد. ظهر آقای جعفری رئیس کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران آمد و گزارشی از وضع کتابخانه را داد و مدعی بود که کتابخانه شریف امامی که مصادره شده، به دانشگاه تحویل داده نشده و شاید به قم برده‌اند. گفتم از دادستان انقلاب توضیح بخواهد. تقاضا کرد که صحافی مدرن مجلس را به دانشگاه منتقل کند، گفتم کارهایش را به مجلس بیاورد.

عصر نماینده بهشهر آمد و از مشکل اختلاف با امام جمعه گفت. نماینده خرمشهر هم آمد و مشکلات آوارگان جنگ را گفت و کمک برای مخارج امام جمعه خرمشهر گرفت.

آقای دکتر کلیم صدیقی رئیس موسسه اسلامی در لندن همراه با مدیر روزنامه کرسنت - اینترنشنال کانادا آمدند. درباره توسعه معرفی انقلاب اسلامی ایران بحث کردم. تأکید بر فعال شدن روحانیون جوان انقلابی ایران و ایجاد رابطه با روحانیون مسلمان کشورهای دیگر داشتند.

آقای محفوظی نماینده آیت‌الله منتظری در دانشگاه تهران آمد و از نفوذ لیبرالیسم و غیر متعهدها در دانشگاهها اظهار نگرانی نمود. به ایشان گفتم که شورای عالی انقلاب فرهنگی توجه دارد و نمی‌گذارد حاکمیت غیر اسلامی در محیط دانشگاهی پیش بیاید. پیش از این گروهی از دانشجویان دانشگاه تبریز هم آمدند و همین مطلب را مطرح کردند و آنها را هم با اشاره به تصمیمات شورا مطمئن کردم و گفتم مواظب حرکت غیر اسلامی‌ها در دانشگاه باشند.

تا ساعت نه شب در دفترم کار کردم. از آقای [محمد مهدی] ربانی املشی احوالپرسی کردم. گفتند حالشان بد شده و دوباره به بیمارستان منتقل شده‌اند. شب به خانه آمدم. با نخست‌وزیر و رئیس‌جمهور درباره تسریع در معرفی وزرای راه [و ترابری]، دفاع و برنامه [و بودجه] صحبت کردم*.

---

* - رادیو بی‌بی‌سی در تفسیری پیرامون سفر وزیر خارجه عربستان سعودی گفت: "شاهزاده سعودالفیصل به طور غیر منتظره‌ای وارد

(ادامه پاورقی در صفحه بعد)

سه شنبه ۳۱ اردیبهشت ۱۳۶۴ — ۳۰ شعبان ۱۴۰۵ — 21 MAY 1985

صبح زود به مجلس رفتم. در جلسه علنی لایحه وزارت صنایع سنگین مطرح بود، اما تمام نشد. آقای صالحی نماینده اصفهان به عنوان اخطار مطلبی گفت که باعث رنجش شورای نگهبان شد و سپس عذر خواهی کرد. ظهر کارگنان بازنشسته مجلس آمدند و خواستار اضافه شدن حقوق بودند. مدیر کل روابط عمومی [مجلس] برای کارهای اداری آمد. از کار پردازان ناراضی است.

عصر برای جمعی از دانشجویان مدد کار اجتماعی سخنرانی کردم[1]. شورای عالی انقلاب فرهنگی جلسه داشت. در این جلسه درباره کیفیت گزینش استاد و شورای مرکزی، بحث تکمیل شد و برسر تعیین رئیس دانشگاه تهران به توافق نرسیدیم. وزیر علوم آقای [دکتر علی] شریعتمداری را می‌خواهد و اکثریت اعضاء دکتر [محمد]فرهادی را می‌خواهند. بعداز جلسه با نخست‌وزیر و رئیس‌جمهور درباره تکمیل کابینه و مسائل جنگ حرف زدیم.

امروز عراق به نیروگاه زرگان در اهواز و تلمبه خانه تنگه فنی در لرستان حمله کرده و قرار است مقابله به مثل نمائیم. شب به خانه آمدم. رئیس مجلس مجارستان هم کتباً از من برای دیدار از آن کشور دعوت کرده است. گفتم خبر آن به رسانه‌ها داده شود. [آقای صلاح زواوی] سفیر فلسطین در پیامی برای خاموش کردن جنگ بین نیروهای جنبش امل و فلسطینی‌ها در اردوگاههای فلسطینی در لبنان استمداد نمود.

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

تهران شده است. از بدو جنگ ایران و عراق که در آن عربستان کمکهای مالی در اختیار عراق می‌گذارد، چنین دیداری در نوع خود بی‌سابقه است. گرچه سفر وی در عین حال نشانه‌ای از یکی از جنبه‌های پراهمیت سیاست خارجی عربستان است، به این معنی که این کشور می‌کوشد صرف نظر از اینکه اختلافات سیاسی و مسلکی موجود تا چه میزان دامنه دارد، باب مناسبات با کشورهای منطقه را باز نگه‌دارد. رهبران کشورهای مسلمان خواستار توقف جنگ در خلال ماه رمضان شده‌اند و این دعوت از سوی دولت عراق به طور مشروط پذیرفته شده، در صورتی که دولت ایران نیز به این دعوت پاسخ مثبت دهد، چیزی که سعودالفیصل نیز مشوق آن خواهد بود، آن‌گاه گام قابل توجهی برداشته خواهد شد".

۱ ـ در این ملاقات که شرکت کنندگان در سمینار کاربرد مددکاری اجتماعی در نظام جمهوری اسلامی حضور داشتند، آقای هاشمی گفت: "ما موقعی می‌توانیم جامعه خوبی داشته باشیم که اکثریت مردم ما روحیه خدمت کردن داشته باشند، در آن صورت دیگر در بازار ما مسائلی چون دروغ و احتکار و گرانفروشی و کلاه گذاشتن سر مشتری وجود نخواهد داشت. در ادارات مردم را معطل و اذیت نمی‌کنند. در پست‌ها و مسئولیت‌ها ارتشا و باندبازی و رفیق‌بازی نخواهد بود. در این صورت هر جا که برویم، سایه حق را می‌بینیم و از خدمت کردن استقبال می‌شود. و در فداکاری مسابقه می‌گذارند. این در صورتی است که این فرهنگ بر ما حاکم شود." رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۴"، جلد پنجم، دفترنشرمعارف‌انقلاب.

خـــرداد ۱۳۶۴



چهارشنبه ۱ خرداد ۱۳۶۴ ۱ رمضان ۱۴۰۵ 22 MAY 1985

در منزل بودم. بعد از سحری و نماز صبح تا ساعت هشت خوابیدم و بقیه روز را به مطالعه و مصاحبه با مجله حوزه[۱] و مجله پیام انقلاب گذراندم[۲].

تلفنی با رئیس‌جمهور، درباره حمله تلافی جویانه به مراکز صنعتی عراق صحبت شد. [آقای حسن غفوری فرد] وزیر نیرو اطلاع داد که نیروگاه زرگان در حمله دیروز عراق آسیب کلی دیده است. به همین دلیل، چراغ‌های خیابان‌های تهران را که قرار بود دیشب روشن شود، روشن نکردیم.

از محسن رضایی خواستم که در تهیه طرح [عملیات]، جدیت بیشتری شود. جلسه هفتگی سران قوا را نداشتیم. در جلسه هیأت رئیسه [مجلس] هم شرکت نکردم.

پنجشنبه ۲ خرداد ۱۳۶۴ ۲ رمضان ۱۴۰۵ 23 MAY 1985

بعداز سحری و نماز صبح به مجلس رفتم. در جلسه علنی، کلیات لایحه وزارت صنایع سنگین تصویب و جناحی از مجلس متحمل شکست شد. آنها در نطق‌های پیش از دستور جوسازی کردند، ولی به ضررشان شد[۳].

---

۱ ـ این مصاحبه در مورخه ۱۰ خرداد ۶۴ در ماهنامه پاسدار اسلام (نشریه دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم) با عنوان "حج نموداری از عبادت اجتماعی در اسلام" و با موضوعات جنبه اجتماعی احکام اسلام، حج مظهر جامعه صحیح، جامعه گرایی انقلاب اسلامی، نتیجه گیری از مناسک حج و سخنی با راهیان خانه خدا به چاپ رسیده است". رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، مصاحبه‌های سال ۱۳۶۴، جلد پنجم، دفترنشرمعارف‌انقلاب.

۲ ـ این مصاحبه در شماره ۱۳۸ ماهنامه پیام انقلاب (ارگان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی) در مورخه ۱۸ خرداد ۶۴ با عنوان "وظایف و عملکرد مجلس شورای اسلامی" به چاپ رسیده است. در بخشی از این مصاحبه آمده است: "مجلس مثل نهادهای انقلابی کشور، کاملاً در جهت قشر محروم حرکت می‌کند. البته دولت هم در همین راه است، بقیه نهادها هم در همین راه هستند. با توجه به محدودیت‌هایی که به طور کلی در جامعه ما وجود دارد و با توجه به محرومیت‌های زیادی که در طول تاریخ این کشور بر بخش عظیم ملت ما تحمیل شده است و اکثریت مردم ما را اقشار محروم و مستضعف تشکیل می‌دهند، به سرعت نمی‌توان کار چشمگیر و برق‌آسایی انجام داد، ولی همین که ما پنج شش سالی بعد از انقلاب تا این مقدار زیاد به نفع محرومان موفقیت‌هایی کسب کردیم، اینها همه نشان جهت‌گیری مجلس و دولت است ولی تبعیض آن قدر زیاد است که زمان خیلی طولانی و امکانات فراوانی لازم دارد که به حد معتدلی برسند". رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، مصاحبه‌های سال ۱۳۶۴، جلد پنجم، دفترنشرمعارف‌انقلاب.

۳ ـ آقای رضا زواره‌ای نماینده تهران در نطق پیش از دستور خود از افزایش بی‌رویه واردات و کاهش صادرات انتقاد کرد. وی

چند نفر از کارکنان ـ از خانمهای مؤمن مجلس ـ ظهر به دفترم آمدند و از خانم‌های غیر مؤمن که بیرون از مجلس حجاب را مراعات نمی‌کنند، شکایت کردند؛ گفتم که در این مورد فکری می‌کنم. عصر شخصی به نام آقای سروری آمد و نوعی لباس ضدآتش راکه به ادعای او در [سازمان آتلانتیک شمالی] ناتو به کار می‌رود، برای استفاده نظامیان ما عرضه کرد. او مدعی بود که قبلاً موضوع را به سپاه گفته، اما توجه نکرده‌اند. آقای صفا همراه او نیز شرحی از ساختن مدرسه علمیه در محل آرامگاه [رضا شاه] پهلوی [در شهرری] داد.

آقای [علی]فلاحیان [معاون وزیر اطلاعات] آمد و ضمن گزارش پیشرفت کار وزارت اطلاعات، مشکل تداخل وظایف با دیگران را مطرح کرد. دو نفر از انجمن اسلامی وزارت علوم آمدند و شکایت داشتند. [پسرم]محسن آمد و برای احتیاجاتش از من پول گرفت.

موقع افطار آقای خامنه‌ای آمدند و درباره جنگ بحث کردیم و تصمیماتی گرفتیم. شب به عیادت آقای ربانی [املشی] رفتم. حالشان خوب نبود. آخر شب به خانه آمدم. بچه‌ها هم از مهمانی رسیدند.

جمعه ۳ خرداد ۱۳۶۴ ۳ رمضان ۱۴۰۵ 24 MAY 1985

بعداز نماز صبح تا ساعت هفت‌ونیم خوابیدم. اسناد لانه جاسوسی آمریکا را درباره اتمی شدن

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

گفت: "قرعه کشی پیکان و رنو و غیره، مردم را از روی آوردن به مشاغل مفید به سمت بخت آزمایی اتومبیل‌های وارداتی و مونتاژ کشانده است. اگر درگذشته تنها عده‌ای از مردم آن هم یک هفته در تخیل زندگی می‌کردند، متأسفانه حالا ماهها مردم را به زندگی تخیلی و خریدن اتومبیل و فروختن به قیمت بالاتر عادت داده و اثرات روانی نامطلوبی گذاشته که جبران آن به سادگی امکان‌پذیر نیست". آقای ابراهیم اسرافیلیان نماینده تهران نیز با استفاده از سه دقیقه وقت آقای زواره‌ای به موضوع بیانیه الجزایر پرداخت و گفت: "چند سال پیش قرارداد بین‌المللی بزرگی به نام بیانیه الجزایر به امضا رسیده که به طور آشکار از مصوبه‌ها و شرط مجلس در مورد آزادی گروگان‌ها تجاوز کرده است. مقامات اجرایی مملکت تاکنون هیچ گونه اطلاعاتی از چگونگی امضای این قرارداد و فعل و انفعالاتی که صورت گرفته به مجلس شورای اسلامی ارائه نکرده‌اند. در این شرایط نمایندگان محترم مجلس ازکمیسیون ویژه انتظار دارند تا اطلاعات مورد نیاز مجلس را تهیه و پیشنهادهای خود را در زمینه کیفیت جلوگیری از ضایعات ناشی از این قرارداد ارائه نمایند". آقای اسرافیلیان سپس درباره دادگاه لاهه و مسایل داوری میان ایران و آمریکا صحبت کرد. سخنان هر دو نفر که از مخالفان آقای بهزاد نبوی و نخست‌وزیر بودند، به نحوی غیر مستقیم انتقاد از عملکرد وزیر صنایع سنگین بود. آقای نبوی از طرفداران اقتصاد دولتی بوده و در مذاکرات ایران و آمریکا و تهیه بیانیه الجزایر نقش مهمی داشت. گفتنی است بعدها وزارت صنایع سنگین با وزارت صنایع ادغام شد.

پاکستان مطالعه کردم. امام پیغام فرستادند که ذکر تقوا در خطبه اول فراموش نشود که این موضوع را تلفنی به آیت‌الله خامنه‌ای اطلاع دادم و با ایشان درباره اقدام در مورد نامه همافر جمشیدی که از نیروی هوایی انتقاداتی کرده، مشورت کردم. قرار شد که از طریق خودشان تعقیب شود.

محسن و عفت و بچه‌ها به بهشت زهرا و از آنجا به منزل همشیره‌زاده‌ام ملکه رفتند و من تنها افطار کردم. عصر احمدآقا آمد؛ راجع به جنگ بحث کردیم و اوضاع را برای انتقال به امام، برای ایشان شرح دادم. احمدآقا گفت که چون آقای [شیخ یوسف]صانعی دادستان کل کشور، هنگام مراجعه به بیت امام با سخت‌گیری پاسداران مواجه شده، عصبانی شده و استعفا داده است. چند روز پیش آیت‌الله [موسوی]اردبیلی هم از سخت‌گیری پاسداران بیت عصبانی بود. عفت هم معمولاً همین گله را دارد؛ پاسداران احساس مسئولیت می‌کنند و در حفظ امام وسواس دارند و آموزش کافی هم ندیده‌اند.

شنبه ۴ خرداد ۱۳۶۴ — ۴ رمضان ۱۴۰۵ — 25 MAY 1985

در منزل بودم. کار مهمی نداشتیم. آقای خامنه‌ای در مکالمه تلفنی، از تقلیل برنامه آقای [محسن]قرائتی در تلویزیون در ماه رمضان انتقاد کردند. خبر از مهیا شدن یک موشک زمین به هوا ـکه بردی در حدود ۹۰ هزار پا دارد ـدادند که اگر صحت داشته باشد، می‌توانیم هواپیماهای میگ ۲۵ و ۲۷ را هدف قرار دهیم. تاکنون وسیله‌ای برای دفاع در مقابل آنها نداشتیم.

عصر شورای سرپرستی [صداوسیما]جلسه داشت و مطلب مهمی جز آئین نامه اخبار سران قوا در دستور کار نبود. افطار تنها بودم. به جان [آقای شیخ جابر الاحمد الصباح] امیر کویت ـ با انفجار در مسیر حرکتش ـ سوء قصد شده که در نتیجه، او زخمی شده و گروه جهاد اسلامی مسئولیت این اقدام را به عهده گرفته است[1]. وزارت خارجه از آیت‌الله خامنه‌ایِ خواسته است که به شکرانه

---

۱ ـ در این حادثه انتحاری، فردی با اتومبیل حامل مواد منفجره به کاروان اسکورت حامل امیر کویت و همراهان یورش برد. در این حمله سه نفر از جمله دو مامور گارد محافظ شیخ جابر و یک رهگذر کشته و ۱۳ تن دیگر از جمله امیر کویت مجروح شدند. این حمله ساعت نه‌ونیم صبح زمانی که امیر کویت به طرف کاخ السیف حرکت می‌کرد، صورت گرفت. شیخ جابر در یک نطق تلویزیونی گفت که حالش خوب است و انفجار بمب وی را از ادامه سیاستهایش باز نخواهد داشت. خبرگزاریهای غربی اعلام کردند شخص ناشناسی در بیروت در یک تماس تلفنی از طرف سازمان جهاد اسلامی، مسئولیت حمله را برعهده گرفتند.

سلامت او پیامی بدهد[۱]. آخر شب، عراقی‌ها اعلام کردند که جنگ شهرها را شروع خواهند کرد[۲].

یکشنبه ۵ خرداد ۱۳۶۴ ۵ رمضان ۱۴۰۵ 26 MAY 1985

در حالی که مشغول خوردن سحری بودیم، وضعیت قرمز اعلام شد و دو هواپیمای عراقی به تهران حمله کردند. ضد هوایی‌ها به شدت کار کردند. هواپیماهای عراقی دو بمب انداختند که در نتیجه دو سه خانه خراب و ۵ نفر شهید و ۱۲ نفر زخمی شدند. به ستاد تبلیغات جنگ گفتم که اعلام مقابله به مثل کند.

پیش از دستور در جلسه علنی [مجلس]، درباره تهدید آمریکا، حوادث لبنان و مقابله به مثل صحبت کردم[۳]. کار لایحه وزارت صنایع سنگین را تمام کردیم. مخالفان خیلی ضعیف بودند.

بعد از جلسه، دکتر بیگدلی ـ که از اول جنگ تا کنون در عراق اسیر بود و اخیراً آزاد شده ـ آمد و گزارش کاملی از اسارت خود و وضع اسرا ارائه داد. او معتقد است که حدود دو هزار اسیر داریم که رژیم عراق، آنها را در ناصریه و جاهای دیگر مخفی نگه داشته است؛ مطالب قابل توجهی داشت.

ظهر آقای [محسن]رفیق‌دوست آمد و درباره پیشنهاد سفر به لیبی و سوریه برای کشف مواضع آنها در شرایط اخیر مشورت کرد؛ با پیشنهاد او موافقت کردم. عصر آقایان [علی]شمخانی [قائم مقام فرمانده سپاه] و مصلح مسئول سپاه در لبنان نزد من آمدند. گزارش کاملی از وضع لبنان دادند، برنامه‌های آینده را شرح دادند و درباره اختلافی که با شورای لبنان دارند، مشورت و برای تأمین نیازهایشان استمداد کردند.

---

۱ ـ مطبوعات کویت در روز دوشنبه ۶ خرداد پیام تهنیت ارسالی آیت‌الله خامنه‌ای رئیس‌جمهور به مناسبت سلامتی امیر کویت را که توسط کاردار سفارت ایران در کویت به رئیس دفتر امیر کویت ابلاغ شد، در صفحات اول خود درج کردند.

۲ ـ صدام حسین رئیس‌جمهور عراق ساعاتی پس از ترور امیر کویت، ایران را مسئول واقعی این سوء قصد معرفی کرد و اعلام نمود که به این دلیل، رهبران اسلامی ایران را تنبیه خواهد کرد و حملات هوایی به شهرها را دوباره آغاز خواهد نمود.

۳ ـ در این نطق آمده است: "به نظر می‌رسد که باز شیطان بزرگ و عوامل آن توطئه‌ای را برای ایجاد تشنج در منطقه طراحی کرده‌اند و هدف، جمهوری اسلامی و حرکت اسلامی منطقه است. ما در لبنان شاهد به خون کشیده شدن مردم مظلوم و آواره فلسطین و مسلمانان لبنان هستیم که اینها قربانی جریانات سیاسی ناصالحی هستند که ما از طرف نمایندگان مجلس شورای اسلامی اخطار می‌کنیم به این جریانات سیاسی که بیش از این مردم مظلوم مسلمان را و مردم فلسطین را قربانی اهداف شوم سیاسی خودتان نکنید و بگذارید مردم مبارزه خودشان را علیه استکبار در منطقه و علیه صهیونیسم ادامه دهند". رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، نطق‌های پیش از دستور سال ۱۳۶۴، جلد پنجم، دفترنشرمعارف‌انقلاب.

عراقی‌ها باختران، گیلان‌غرب، بانه، مریوان و ایلام را هم زده‌اند. آقای خامنه‌ای اصرار داشتند که حمله به بغداد را به تاخیر بیندازیم. همان شب، در مکالمه تلفنی باایشان مشغول اصرار برای حمله بودم و ایشان مخالف بود که پدافندهای تهران شروع به شلیک کردند و معلوم شد که باید بزنیم. قرار است که امشب موشک بزنیم. سرهنگ صیاد هم دستور گرفت بصره را بزنند.

دوشنبه ۶ خرداد ۱۳۶۴ — ۶ رمضان ۱۴۰۵ — 27 MAY 1985

هنگام سحر آقای [محسن]رفیق‌دوست اطلاع داد که فرمانده تیم موشکی لیبیائی‌ها بهانه‌جوئی می‌کند و به زحمت او را قانع و به منطقه اعزام کرده است. او پیشنهاد کرد که از لیبی بخواهم، او را عوض کنند. ضمناً افراد سپاه هم مدعی هستند که می‌توانند [پرتاب موشک را] مستقلاً عمل کنند؛ در مجموع مصلحت ندانستیم که در این مقطع آنها را جواب کنیم.

گزارش‌ها را خواندم. بمباران دیشب تهران ۷ شهید و ۳۰ مجروح به جا گذاشته است. کار [پرتاب] موشک‌ها را تعقیب کردم و احتمالاً برای شب آینده آماده می‌شود. با رئیس‌جمهور، نخست‌وزیر و فرماندهان سپاه و نیروی هوایی درباره جنگ صحبت کردم. چند شهر عراق را به تلافی تجاوز عراق بمباران کردیم. امروز عراق تحرک زیادی نداشت. فشار مردم برای استفاده از موشک زیاد شده و تأخیر نظامیان در عملیات در جبهه کار را مشکل کرده است.

عصر آقای بهزاد نبوی [وزیر صنایع سنگین] آمد. نظرش این است که دشمنان در صدد توطئه و ایجاد فشار داخلی و بین‌المللی علیه ما هستند. او طرح اقدام اضطراری در جنگ را آورده بود.

سه شنبه ۷ خرداد ۱۳۶۴ — ۷ رمضان ۱۴۰۵ — 28 MAY 1985

در جلسه علنی، در نطق پیش از دستور، درباره مجلس صحبت کردم[1]. قانون انتخابات ریاست

---

۱ ـ در این نطق درباره سالروز افتتاح مجلس شورای اسلامی، وظایف نمایندگان برای قانونگذاری و پیام امام خمینی(ره) در این مورد مطالبی بیان شد. در بخشی از این نطق آمده است: "یک سال از عمر دوره دوم مجلس شورای اسلامی می‌گذرد و الحمدلله عملکرد یک ساله مجلس رضایت بخش است و مایه امید برای سه سال آینده ما خواهد بود. ما با جمعی از انسانهای متدین و تلاشگر، دلسوز، زاهد و انقلابی همراهی داریم و این جمع می‌تواند در آینده برای این کشور و این انقلاب منبع امید و نقطه روشنی برای حرکت به طرف بهتر شدن وضع انقلاب باشد". رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، نطق‌های پیش از دستور سال ۱۳۶۴، جلد پنجم، دفترنشرمعارف‌انقلاب.

جمهوری در دستور جلسه بود. اداره جلسه را به آقای یزدی [نایب رئیس مجلس] سپردم و به دفترم آمدم.

عصر در شورای عالی انقلاب فرهنگی، تأسیس دانشگاه‌های غیر انتفاعی غیر دولتی را تصویب کردیم و رئیس دانشگاه تهران را انتخاب نمودیم. دکتر [محمد]فرهادی که مورد نظر انقلابیون و حزب‌اللهی‌های دانشگاه است ـ و [دکتر ایرج فاضل] وزیر علوم با او مخالف بود ـ با اکراه این سمت را پذیرفت.

بعد از افطار، هیأت نظارت بر اندوخته‌های کشور با سران قوا جلسه داشت. درباره جواهرات خزانه سلطنتی ـ که اخیراً عمر استحکام ویترین‌های آنها تمام شده و در خطر قرار گرفته است ـ و در مورد انتقال آنها، نظارت بر انتقال و تنظیم پرونده کامل برای آنها، تصمیماتی اتخاذ شد؛ با آن که ثروت عظیمی است، متأسفانه پرونده کاملی ندارد. هنگام حضور در جلسه، وضعیت قرمز اعلام شد و ضدهوایی‌ها به طور خیلی شدید کار کردند.

چهارشنبه ۸ خرداد ۱۳۶۴ — ۸ رمضان ۱۴۰۵ — 29 MAY 1985

از ساعت هشت تا ده صبح کارهای اداری را در دفترم انجام دادم. در دفتر آقای خامنه‌ای با فرماندهان سپاه برای بررسی برنامه آنها درباره آینده جنگ جلسه داشتیم. بعد از عملیات بدر مأمورشان کردیم که برنامه خود را بیاورند. به نظر می‌رسد که آنها ضعیف برخورد کرده، طرحهای بلند مدتی که چند سال دیگر نتیجه می‌دهد و مستلزم صرف نیروهای عظیم انسانی و مالی است، آورده بودند. با تلخی طرحشان را رد کردیم و من به آنها گفتم که باید با امکانات موجود جنگید. آنها پیشنهاد ادغام با ارتش را رد کردند و پیشنهاد تقسیم سرزمین بین ارتش و سپاه را هم برای مطالعه بیشتر گرفتند.

ساعت سه و نیم بعد از ظهر آقای صیاد [شیرازی] آمد. ایشان تقسیم سرزمین را نپذیرفت و توضیحاتی درباره طرح عملیات خود داد. عصر جلسه هیأت رئیسه [مجلس] داشتیم. بعد از جلسه، مشکلات جنگ را مطرح کردم. رؤسای قوا افطار مهمان من در مجلس بودند. با آنها درباره جنگ بحث کردیم. قرار شد که طرح صیاد را تأیید کنیم و برای و ادار کردن سپاه به اطاعت، از امام استمداد شود.

جمهوری اسلامی ایران
مجلس شورای اسلامی
دفتر رئیس

شماره ۲۵۰/۴۸/۱۶۰۴
تاریخ ۶۴/۴/۸
پیوست ——

بسمه تعالی

شورای محترم نگهبان

بخاطر نزدیک شدن انتخابات ریاست جمهوری و نداشتن سه وزیر در کابینه و ابهام قانون اساسی لازم است که نظر شورا را در تفسیر اصول ۱۲۲ و ۱۳۵ و ۱۴۱ روشن باشد.
خواهشمند است نظر شورا در مورد مسائل زیر بیان فرمائید

۱ــ با توجه به دو اصل ۱۲۲ و ۱۳۵ آیا پس از انتخاب رئیس جمهور نخست وزیر و کابینه به اعتبار سابق خود باقی هستند و یا نیاز به معرفی جدید به مجلس و گرفتن رأی تمایل و اعتماد وجود دارد ؟

۲ــ بر فرض نیاز به معرفی جدید ، در فرض انتخاب مجدد رئیس جمهور قبلی که خود نخست وزیر و کابینه را بمجلس آورده نیز چنین نیازی هست یا نه؟

۳ــ جواز سرپرستی نخست وزیر نسبت به وزارت خانه‌های فاقد وزیر بر اساس اصل ۱۴۱ احتیاج به تصویب مجلس و موافقت ریاست جمهوری و یا یکی از آن دو دارد و یا ندارد؟

رئیس مجلس شورای اسلامی
اکبر هاشمی رفسنجانی

نامه استعلام از شورای نگهبان

وضعیت قرمز و خاموشی اعلام شد ولی دشمن به تهران نرسید. شب در مجلس خوابیدم و سحری را به تنهائی صرف کردم. سرهنگ [هوشنگ]صدیق [فرمانده نیروی هوایی] از موفقیت آزمایش موشک استاندارد برای استفاده در پدافند ضد هوایی خبر داد که اگر کامل باشد، نقطه عطفی است.

پنجشنبه ۹ خرداد ۱۳۶۴ ۹ رمضان ۱۴۰۵ 30 MAY 1985

در جلسه علنی مجلس، به دوسه بند از دستور عمل شد. عصر گروهی از پرسنل حفاظت اطلاعات ارتش آمدند، برایشان سخنرانی کردم[1]. نمایندگان انجمن‌های اسلامی ذوب آهن آمدند و انتقاداتی از وزیر داشتند و کاملاً مخالف او بودند. آنها را نصیحت کردم.

نمایندگان انجمن‌های اسلامی دانشگاه تهران آمدند و از نفوذ ضدانقلاب و افراد غیر متعهد اظهار نگرانی کردند. با توضیح برنامه‌های شورا[ی عالی انقلاب فرهنگی]، آنها را مطمئن کردم. آقای عباس شیرازی [قائم مقام سازمان تبلیغات اسلامی] آمد و گزارشی از وضع تبلیغات در جبهه‌ها داد و برای بودجه آن استمداد کرد.

قبل از افطار با آقای خامنه‌ای درباره دولت بحث کردیم. شورای عالی دفاع بعد از افطار جلسه داشت و پس از آن مصاحبه‌ای داشتم[2]. سپاه مأمور شد که پیش از ظهر شنبه، بغداد را با موشک مورد هدف قرار دهد. معلوم شد که مسئول آن ترجیح می‌دهد که این حمله شب انجام شود[3]. دیر

---

۱ ـ در بخشی از این سخنرانی آمده است: "ما اسنادی جمع‌آوری کرده‌ایم که عده‌ای منافق به دروغ به عراق گزارش می‌کنند که حمله شما خیلی مؤثر بوده است و مردم خیلی ترسیده‌اند. اینها دشمن را تحریک می‌کنند که مردم هموطن غیر نظامی آنها را بمباران کند و درست نقش ستون پنجم دشمن را بازی می‌کنند و به نفع عراق پشت جبهه‌ها را تضعیف می‌کنند و شایعه پخش می‌کنند." رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۴، جلد پنجم، دفترنشرمعارف‌انقلاب.

۲ ـ در این مصاحبه، آقای هاشمی به ابتکارات جدید در امور دفاعی کشور برای مقابله با تهاجمات هوایی ارتش عراق اشاره کرد و گفت: "من به مردم بشارت می‌دهم که به زودی اثرات این ابتکار را بیشتر خواهند دید، به طوری که عملاً دست عراق از اعماق کشورمان کوتاه خواهد شد." در این مصاحبه همچنین درباره قدرت موشکی ایران،انگیزه عراق در شدت بخشیدن به بمباران شهرها، برتری قدرت رزمی ایران و آزادسازی یک جانبه اسرای معلول و بیمار عراقی توسط ایران مطالبی بیان شد. رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، مصاحبه‌های سال ۱۳۶۴، جلد پنجم، "زیر نظر محسن هاشمی، دفترنشرمعارف‌انقلاب.

۳ ـ رسانه‌های غربی اعلام کردند: "موشکی که به سوی بغداد پرتاب گردید ۸۶ نفر کشته و ۱۳۲ تن زخمی به جای گذاشته است. این موشک در یک مرکز بازرگانی منفجر شد و خسارات سنگینی نیز وارد آورد. عراق هیچ‌گونه آماری در این باره منتشر نساخته

(ادامه پاورقی در صفحه بعد)

وقت به خانه رسیدم. خسته و کوفته خوابیدم.

جمعه ۱۰ خرداد ۱۳۶۴ ۱۰ رمضان ۱۴۰۵ 31 MAY 1985

تا ساعت ده‌ونیم صبح در خانه مطالعه کردم. با امام، رئیس‌جمهور و نخست‌وزیر، در مورد طرح حمایت از جنگ در تظاهرات روز جهانی قدس یا ۱۵ خرداد مشورت کردم که همه موافق بودند.

در خطبه اول نماز، فصل عدالت اجتماعی از نظر مرد و زن را شروع کردم و خطبه دوم را به جنگ و مسایل لبنان اختصاص دادم[1]. ساعت سه بعد از ظهر با صدای ضد هوایی‌های بیت امام بیدار شدم. معلوم شد که هواپیماهای عراقی در محوطه خانه‌های نیمه ساخته آریاشهر، دو بمب انداخته‌اند که تلفاتی نداشته است. آقای [حسن]روحانی تلفنی گفت که بعداز نماز جمعه، هواپیماهای اف ۱۴، فضای تهران را ترک گفته‌اند و هواپیماهای دشمن آمده است؛ قرار شد که بازخواست شود.

آقای [هوشنگ]صدیق [فرمانده نیروی هوایی] خبر ورود یک فروند هواپیمای اف۵ خریداری شده را داد که خود موفقیتی است. گروهی از قضات آمدند و راجع به جلوگیری از استعفای آقای [شیخ یوسف]صانعی [دادستان کل کشور] و ضرورت تقویت شورای عالی قضائی

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

است. با آنکه در روزهای اخیر حملات هوایی عراق علیه شهرهای ایران به ویژه تهران شدت یافته، مقامات ایرانی، موشک تازه‌ای به سوی بغداد پرتاب نکرده‌اند. خبرنگاران خارجی از تهران گزارش دادند که اهالی تهران معتقدند نیروهای مسلح ایران پاسخ مناسبی به حملات عراق نمی‌دهند و اقدامات تلافی جویانه ایران چندان مؤثر نیست. با این همه کارشناسان تأکید می‌کنند که دولت عراق از انتشار هرگونه گزارشی درباره تعداد تلفات و خسارات احتمالی گلوله باران‌های ایرانی علیه شهرهای آن کشور و موشکهایی که تاکنون به سوی بغداد پرتاب گردیده، هیچ گونه گزارشی منتشر نمی‌سازد و از آنجا که دولت ایران نیز متقابلاً از انتشار آمار تلفات و خسارات جلوگیری می‌کند، مقایسه بین ضربات طرفین علیه یکدیگر امکان پذیر نمی‌باشد".

۱ ـ در خطبه اول در ادامه مباحث عدالت اجتماعی، فصل دیگری از این مباحث تحت عنوان عدالت اجتماعی اسلام در ارتباط با زن و مرد و حقوق، وظایف و اختیارات و امتیازات مربوط به آنها مطرح شد و اهمیت این بخش در خصوص استحکام بخشیدن به پایه‌های خانواده مورد تأکید قرار گرفت. در خطبه دوم مسایل مربوط به تحولات کشور لبنان، نقش ستون پنجم دشمن در داخل کشور و دادن اطلاعات به ارتش عراق و درخواست از مردم برای حمایت از ادامه جنگ در راهپیمایی روز قدس و ۱۵ خرداد مطرح گردید. در بخشی از خطبه دوم آمده است: "اینها می‌خواهند وانمود کنند، جمهوری اسلامی جنگ افروز است تا به این وسیله به نفع خود بهره‌برداری کنند". رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، خطبه‌های جمعه سال ۱۳۶۴، جلد هشتم، صفحه ۱۸۵، دفترنشرمعارف‌انقلاب.

کمک خواستند.

شنبه ۱۱ خرداد ۱۳۶۴ ۱۱ رمضان ۱۴۰۵ 1 JUNE 1985

به همراه آقایان خامنه‌ای، [موسوی]اردبیلی و مهندس موسوی به زیارت امام رفتیم. وضع سپاه و ارتش، پیشنهادهای سپاه در مورد جنگ و آمادگی [سرهنگ] صیاد [شیرازی] را در حال حاضر برای عملیات مطرح کردیم.

امام هم با بیان برداشت خود از نامه فرمانده سپاه فرمودند که معمولاً با جمع شدن امکانات، توکل ضعیف می‌شود و باید مواظب بود که توکلشان ضعیف نشود. امام دستور دادند که به آنها بگوییم، نیروهای لازم را در اختیار [سرهنگ صیاد شیرازی] فرمانده نیروی زمینی بگذارند و بدون عذر اطاعت کنند.

تلفنی دستور امام را به آقای [محسن]رضایی ابلاغ کردم. ظهر ایشان و [آقای یحیی]رحیم صفوی آمدند و طرح‌هائی برای آینده ارائه دادند. از فرمان جدید امام راضی نیستند. فرمانده نیروی هوایی اطلاع داد که امروز هم چند حمله هوایی به عراق داشته‌ایم و به یک هواپیمایمان تیر خورده ولی خود را به پایگاه دزفول رسانده است.

عصر شورای سرپرستی [سازمان صداوسیما] جلسه داشت. آئین نامه پخش اخبار مهمانان خارجی را اصلاح کردیم. آقای شجاعی نوارهائی از مکالمات بنی‌صدر ـ که پر از دروغ است ـ آورد. ساعت ده‌ونیم آقای محسن رضایی اطلاع داد که موشک به بغداد پرتاب شده و ساختمان رادیو تلویزیون هدف گرفته شده است. گفتم به نیروی هوایی اطلاع دهید که آماده دفاع باشند. چهل دقیقه بعد، هواپیماهای عراقی به تهران حمله کردند و مجدداً ساعت دو ونیم بامداد هم حمله کردند، ولی بمب‌ها را بیرون تهران انداختند و فرار کردند.

یکشنبه ۱۲ خرداد ۱۳۶۴ ۱۲ رمضان ۱۴۰۵ 2 JUNE 1985

ساعت هفت به مجلس رفتم. گزارشها را خواندم. موشک ما به مرکز بغداد اصابت کرده است. از آقای صدیق علت عدم پرتاب موشک استاندارد به طرف هواپیمای دشمن را پرسیدم. گفت

رادارش خوب کار نکرده است. در جلسه علنی مجلس، بحث انتخابات ریاست جمهوری مطرح بود.

آقای دکتر روحانی طرحی از طرف بعضی از خلبان‌ها ارائه داد که با اف ۴ حمله میگهای ۲۵ بلند پرواز را دفع کنند، ولی هنوز مورد موافقت نیروی هوایی قرار نگرفته؛ دو درصد ریسک دارد. آقایان سرهنگ ترابی و آقازاده آمدند و گزارش سفر هیأت به چین را دادند. برای دیدن اسلحه‌های پیشنهادی رفته بودند و موفقیت چندانی نداشته‌اند. چینی‌ها پیشنهاد [فروش] تانک و موشک داده‌اند.

آقای [محسن]سازگارنژاد معاون [سازمان] تعاون روستائی وزارت کشاورزی آمد و راجع به اهمیت تعاونیهای روستائی و کمبود بودجه و ایذاء سازمان برنامه گفت و از فشار زیاد نمایندگان بر [دکتر زالی] وزیر کشاورزی گله داشت. عصر آقای حمید بهرامی و دو داورمان از لاهه آمدند. گزارشی از کارشان دادند و از اذیت‌های کمیسیون ویژه بیانیه الجزایر گله داشتند.

تا ساعت شش و نیم در دفترم کار کردم و گزارش‌ها را خواندم. عراقی‌ها امروز به ایلام حمله کرده‌اند. افطار به منزل آمدم. آقای رفیق‌دوست از دمشق تلفن کرد و می‌خواست که کشتی نفتی سوریه را علی‌رغم عدم عمل به تعهدشان، بار بزنیم؛ اگر موشکها را بدهند، ممکن است بار بزنیم. آقای ولایتی هم همین پیشنهاد را قبول داشت.

دوشنبه ۱۳ خرداد ۱۳۶۴ ۱۳ رمضان ۱۴۰۵ 3 JUNE 1985

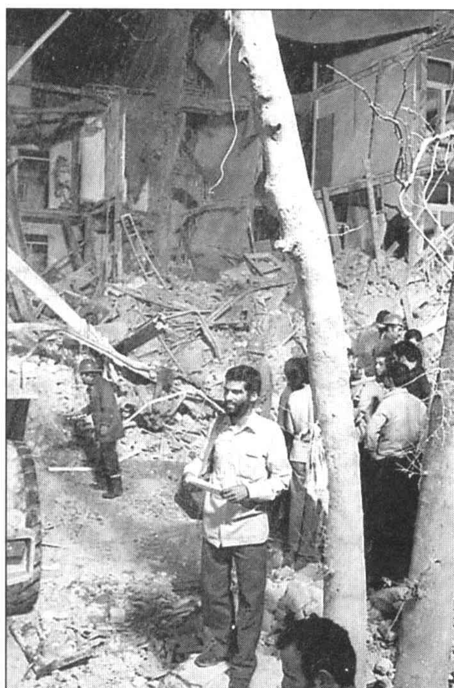
جلسه علنی داشتم. مراجعات فراوان بود. دیشب عراق محله کوی گیشا [نصر] را بمباران کرده و حدود ۴۰ کشته و ۶۰ مجروح به جا گذاشته است. عصر جامعه روحانیت مبارز جلسه داشت و درباره راهپیمائی روز قدس برای حمایت از جنگ بحث شد. افطار مهمان آقای فاضل هرندی بودم. بعداز نماز و افطار، وضعیت قرمز اعلام شد.

به مجلس آمدم. از صحن حیاط مجلس هواپیماهای دشمن مشاهده می‌شدند. موشک شباهنگ برای اولین بار شلیک شد. به نظر می‌رسد که به هواپیما خورد ولی هواپیما رفت و بعداً اطلاعات رسید که نتوانسته به پایگاهش برسد و شاید در خاک عراق سقوط کرده باشد. مسأله مهمی است که موشکی در ارتفاع هفتاد هزار پا به هدف بزنند. این برای اولین بار در اختیار ما قرار



صحنه هایی از بمباران وحشیانه تهران - محله گیشا (کوی نصر)





گرفته که برای دشمنان باعث وحشت و تحیّر است[1]. در عین حال [جنگنده‌های دشمن] بمب‌هایشان را انداخته‌اند، البته تلفاتی نداشت. شب در مجلس ماندم.

سه شنبه ۱۴ خرداد ۱۳۶۴ — ۱۴ رمضان ۱۴۰۵ — 4 JUNE 1985

در جلسه علنی مجلس، قانون نظارت شورای نگهبان بر انتخابات [ریاست جمهوری رسمی] به تصویب رسید[2]. استفاده از موشک زمین به هوا [برای مقابله با هواپیماهای مهاجم عراقی] تأثیر زیادی در روحیه خودمان و مردم داشت و احساس آرامش می‌نمائیم. ظهر جمعی از کارکنان روابط عمومی آمدند و گزارش کار دادند. آقای [حسین]موسویان [مدیر اداری مجلس] آمد و مشکلات و نابسامانیهای کارکنان مجلس را گفت.

عصر شورای عالی انقلاب فرهنگی جلسه داشت. ترکیب شورای مرکزی جهاد [دانشگاهی] تصویب شد. شب با آقای خامنه‌ای درباره جنگ و [ترکیب] اعضای دولت در آینده و همچنین مشکل عدم تفاهم رئیس‌جمهور و نخست‌وزیر بحث کردیم. شب به خانه آمدم. حاجیه والده آمده بودند، خوشحال شدم. کمی مریض‌اند. از اینکه امشب هواپیماهای دشمن نیامدند، احتمال داده شد که موشک زمین به هوای شباهنگ دشمن را ترسانده است.

چهارشنبه ۱۵ خرداد ۱۳۶۴ — ۱۵ رمضان ۱۴۰۵ — 5 JUNE 1985

صبح زود آژیر خطر کشیده شد و بدون اینکه ضدهوایی‌ها کار کنند، چند انفجار به گوش رسید.

---

۱ ـ خبرگزاری شین هوا گزارش داد: "ایران برای اولین بار با استفاده از موشک زمین به هوا، یک هواپیمای عراقی را که به تهران حمله کرده بود، سرنگون ساخت. آقای هاشمی رفسنجانی نماینده رهبر ایران در شورای عالی دفاع چندی قبل اشاره کرده بود که ایران با استفاده از سلاحهای تدافعی جدید از حمله هواپیماهای عراق به خاک ایران جلوگیری می‌کند".

۲ ـ در این قانون آمده است: "شورای نگهبان قبل از شروع انتخابات دو نفر از اعضای خود و پنج نفر از افراد مسلمان و مطلع و مورد اعتماد دارای حسن سابقه را با اکثریت مطلق آرا اعضای شورای نگهبان به عنوان هیأت مرکزی نظارت بر انتخابات ریاست جمهوری و سه نفر به عنوان عضو علی‌البدل انتخاب و به وزارت کشور معرفی می‌نماید... هیأت مرکز نظارت برکلیه مراحل انتخابت و جریانهای انتخاباتی و اقدامات وزارت کشور و هیأتهای اجرایی که در انتخابات مؤثر است و آنچه مربوط به صحت انتخابات می‌شود، نظارت خواهد کرد.

در اثر بمباران در سعادت‌آباد، دو خانه خراب شده و دو نفر شهید داشته است. عفت از اینکه ضدهوایی‌ها کار نمی‌کنند، کلافه است. مثل اینکه سروصدای ضدهوایی‌ها برای بعضی‌ها آرامش بخش است. گرچه ما به خاطر اینکه خیلی‌ها از این صداها می‌ترسند و تأثیری هم ندارد، گفته‌ایم کمتر بزنند؛ باید آمار مثبت و مَنفی را ارزیابی کرد.

تا ساعت چهار بعداز ظهر در منزل بودم. شب سران قوا، مهمان آقای خامنه‌ای بودیم و درباره راهپیمائی روز جهانی قدس و سفر من به لیبی و جنگ و اصلاح روابط با شوروی، تأخیر تحویل نفت به سوریه تا تحویل موشک و ساختن پناهگاه در تهران مذاکره و اخذ تصمیم شد.

برای خواب به مجلس رفتم. وضعیت قرمز شد و هواپیماهای عراق به تهران حمله کردند و چند بمب انداختند اما خسارت جانی نداشت. موشک زمین به هوای ما به خاطر ناهماهنگی شلیک نشد و به همین خاطر به آنها اعتراض کردیم. وقت سحر هم وضعیت قرمز شد.

پنجشنبه ۱۶ خرداد ۱۳۶۴   ۱۶ رمضان ۱۴۰۵   6 JUNE 1985

در جلسه علنی مجلس، لایحه تأسیس شرکت مشترک کشتیرانی ایران و پاکستان تصویب شد؛ من هم دفاع کردم. ظهر آقای صیاد شیرازی آمد و گزارش پیشرفت کار در جبهه‌ها را داد؛ راضی است و بر سر عمل در سیدکان با سپاه اختلاف دارند. عصر برای پرسنل انتظامات مجلس سخنرانی کردم[1].

آقای [هادی]مدرسی آمد و راجع به مسائل عراق و نهضت‌های اسلامی صحبت کرد و از ضعف مجلس اعلای [انقلاب اسلامی] عراق گله داشت. آقای حجازی معاون [امنیت] خارجی وزارت اطلاعات آمد و گزارش واحدهای مربوطه و فعالیت‌های خود را در رابطه با بیگانگان

---

۱ ـ در این سخنرانی آمده است: "ما در مجلس امنیت این محیط را مرهون زحمات و فداکاریهای شما هستیم. در این چهار پنج سال پر حادثه و از جهتی پرخطر که بر انقلاب گذشت، برادران سپاهی انصافاً در مجلس زحمت کشیدند و علی‌رغم مشکلاتی که دارند وظیفه خود را خوب انجام دادند. حداقل ما این خوبی را در نتیجه کار می‌بینم که حادثه اسفباری در اطراف مجلس نداشته‌ایم و امیدواریم که در آینده نیز از این مسائل نداشته باشیم و امیدواریم که به موازات کم شدن فعالیت و شرارت تروریست‌های ضدخدا و مردم که درکشور ما بودند و هنوز هم ریشه دارند و به موازات بر چیده شدن بساط این مزدوران درکشور، مسئولیت شما هم کمتر شود و بتوانید نتیجه ملموس کار خود را بگیرید". رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۴، جلد پنجم، دفترنشرمعارف‌انقلاب.



جلسه سران سه قوه جمهوری اسلامی و نخست وزیر



گفت. افطار مهمان آقای فخرالدین حجازی بودم. سران قوای دیگر هم بودند. آقای حجازی شعری درباره من و صدا و سیما و... سروده بود، خواند. طنز و تلخ و شیرین است[1]. سپس با آقای خامنه‌ای به عیادت آقای ربانی [املشی] رفتیم. دوباره غده مغزی جوانه زده و باید جراحی شود. حالش خوب نیست. شب به خانه آمدم.

جمعه ۱۷ خرداد ۱۳۶۴ ۱۷ رمضان ۱۴۰۵ 7 JUNE 1985

هنگام سحری خوردن هواپیماهای عراق به تهران حمله کردند و چند بمب انداختند، اما خسارتی وارد نشد. دو موشک [زمین به هوا] شلیک شد ولی اصابت نکرد. پیش از ظهر آقای [حسن]روحانی و [محمدعلی]هادی آمدند. درباره جنگ و دفاع و تحرک سیاسی بحث شد. عصر محسن رضایی آمد و گزارش برنامه عملیات آینده و برنامه حمله فردا به بغداد با موشک و هواپیما را اطلاع داد.

افطار با کارکنان دفتر، مهمان امام بودیم. بچه‌ها را هم بردم. شب دوباره حمله هوایی شد ولی هواپیماهای مهاجم مجبور به فرار و انداختن بمب‌ها در بیابان شدند. یک موشک شباهنگ پرتاب کردیم ولی به آن نرسید. آقای [شیخ فضل‌الله]محلاتی اطلاع داد، آقای شیخ عباس شیرازی [قائم مقام سازمان تبلیغات اسلامی]که برای تنظیم تبلیغات جبهه در جنوب بود، در یک تصادف اتومبیل در دزفول شهید شده است؛ خیلی متأثر شدم.

شنبه ۱۸ خرداد ۱۳۶۴ ۱۸ رمضان ۱۴۰۵ 8 JUNE 1985

اول وقت آقای [محسن]رضایی [فرمانده سپاه پاسداران] اطلاع داد که برنامه هماهنگ نیروی هوایی و واحد موشکی سپاه برای حمله به بغداد انجام نشده و با عدم همکاری مأمور لیبیائی، [پرتاب] موشک تأخیر داشته و دو فروند هواپیمای اف ۴ رفته‌اند که یکی برگشته و دیگری سقوط کرده است و آقایان [آیت‌الله خامنه‌ای] رئیس‌جمهور و [میرحسین موسوی] نخست‌وزیر هم از این

---

۱ ـ بخشی از این شعر با مطلع "الا ای هاشمی مرد خردمند، که بر لبهای تو چون پسته لبخند" در بخش ضمایم همین کتاب چاپ شده است.

حرکت ناهماهنگ ناراضی بودند. به خاطر خستگی، جلسه شورای سرپرستی [صداوسیما] را لغو کردم.

یکشنبه ۱۹ خرداد ۱۳۶۴ ۱۹ رمضان ۱۴۰۵ 9 JUNE 1985

بنا بود این هفته مجلس تعطیل باشد ولی به خاطر احتراز از اتهام فرار نمایندگان مجلس از بمباران تهران، تعطیل نکردیم. در جلسه علنی دوسه دستور انجام شد و قبل از دستور درباره شهادت آشیخ عباس شیرازی صحبت کردم. ظهر سفیر چین آمد و به عنوان تجدید دعوت و توضیح برنامه دیدار از چین، مطالبی گفت[1]. عصر سفیر ژاپن آمد. درست همان لحظه هواپیماهای عراق به تهران حمله کرده بودند و ضدهوایی‌های مجلس و دانشکده افسری به شدت کار می‌کردند. او دو نامه از رؤسای دو مجلس ژاپن آورد و [برای سفر به این کشور] تجدید دعوت نمود[2].

قرار بود امروز بغداد را با موشک بزنیم اما با تعلل مأمور مربوطه به فردا موکول شد. اخبار ضربه زدن‌های محدود به نظامیان عراقی در جبهه‌ها پخش می‌شود[3]. جمعی از نمایندگان برای مذاکره درباره جنگ آمدند و دو ساعت صحبت کردیم. آنها بیشتر از فرماندهان انتقاد داشتند. شب در مجلس ماندم. [پسرم]مهدی مهمان داشت، به خانه نیامدم و کارهای اداری را در دفترم انجام دادم.

---

۱ ـ در این دیدار سفیر جمهوری خلق چین ضمن دعوت مجدد از آقای هاشمی برای مسافرت به آن کشور اظهار داشت: "مسئولین دولت جمهوری خلق چین بی‌صبرانه منتظر سفر جنابعالی هستند و برای این سفر ارزش فوق‌العاده‌ای قائل می‌باشند و بی‌شک سفر جنابعالی رخداد مهمی در مناسبات دوستانه دوکشور تلقی خواهد شد". آقای هاشمی هم ضمن تشکر از این دعوت گفت: "ما میان کشورهایِ جهان، کشور شما را یکی از مهمترین کشورها می‌دانیم که می‌توانیم با آن دوستی همه جانبه داشته باشیم. برای قدرتهای استکباری ارتباط نیرومند دوکشور مستقل و مخالف سلطه‌طلبی ناگوارا است، لذا ما باید براساس مصالح ملتهایمان تحت تأثیر شیطنتهای دیگران قرار نگیریم و ارتباطمان را قوی کنیم".

۲ ـ در نامه رئیس پارلمان و همچنین رئیس مجلس سنای ژاپن اظهار خوشوقتی شده بود که سفر آقای هاشمی به توکیو، نقطه عطفی در روابط تاریخی و مناسبات دوستانه ایران و ژاپن باشد. سفیر ژاپن در این دیدار درخصوص آمادگی و برنامه‌ریزی مقامات آن کشور برای انجام سفر آقای هاشمی، گزارشی ارائه کرد.

۳ ـ در این روز عملیات نفوذی رزمندگان اسلام در عمق مواضع دفاعی ارتش عراق، به جبهه‌های چنگوله و نفت شهر کشیده شد و در این دو محور تعداد زیادی از نفرات ارتش عراق کشته شدند. همچنین نفوذ رزمندگان در غرب اروندرود به متلاشی شدن یک تیپ پیاده عراقی منجر شد.

دوشنبه ۲۰ خرداد ۱۳۶۴ — ۲۰ رمضان ۱۴۰۵ — 10 JUNE 1985

در جلسه علنی مجلس چند دستور انجام شد و من هم از لایحه انتظامات دانشگاه‌ها دفاع کردم و به خاطر برخورد بد مخالفان، آنها را ملامت کردم. عصر مصاحبه‌ای با تلویزیون [ان.اچ.کی] ژاپن برای انتشار در ژاپن قبل از سفر به آن کشور انجام دادم؛ تقریباً همه حرفهای لازم زده شد[1].

رئیس دانشگاه شیراز با تعدادی از اساتید دانشگاه آمدند و عملکرد و نیازها را گفتند و پیشنهاد همکاری بیشتر دانشمندان با تحقیقات جنگ را دادند. افسر باز نشسته‌ای به نام آقای صفویان آمد و پیشنهاد تهیه اقلام مهم اسلحه را داشت که یک مورد را برای آزمایش انتخاب کردم که اگر آورد درباره بقیه اقدام شود. [آقای صدیقی] نماینده بناب آمد و برای کارهای عمرانی حوزه انتخابیه خود کمک خواست.

وزیر خارجه و معاونان آمدند و درباره مسائل مربوط به سفر و موضوعات قابل طرح و موارد امکان توسعه روابط هم درباره چین و هم درباره ژاپن مذاکره کردیم. افطار به خانه آمدم. شب مهدی و یاسر برای مراسم احیاء به مسجد جماران رفتند. چون امروز بعداز ظهر به بغداد موشک زده بودیم، انتظار هجوم دشمن به فضای تهران را داشتیم ولی پیش نیامد.

سه شنبه ۲۱ خرداد ۱۳۶۴ — ۲۱ رمضان ۱۴۰۵ — 11 JUNE 1985

ساعت هفت و نیم صبح با صدای شلیک ضدهوایی‌ها بیدار شدم. معلوم شد سه هواپیمای میگ ۲۵ آمده و سه بمب در اطراف گیشا انداخته‌اند که یک لوله آب ترکیده و یک خانه نیمه ساز خراب شده است، اما تلفات جانی نداشتند. با سرهنگ ترابی [مسئول دفتر مشاورت امام در ارتش] درباره کیفیت دفاع هوایی صحبت کردم، چون به نظرم رسید مسامحه شده است. با زده شدن

---

۱ ـ در این مصاحبه اهداف سفر به چین و ژاپن، وضعیت جنگ و پیشرفت ایران در ساخت موشک، بهبود روابط ایران با شوروی و مسایل خاورمیانه مطالبی مطرح شد. در این مصاحبه آمده است: "هدف من در پذیرش دعوت ژاپن، بیشتر تحکیم روابط با این کشور است. از نظر ما باید پروژه پتروشیمی ایران و ژاپن، به همان صورتی که قرارداد اولیه بوده، ادامه پیدا کند. اگر ژاپنی‌ها با دید دراز مدت به منافع خودشان نگاه بکنند، مصلحت آنها در این است که در پروژه پتروشیمی ایران و ژاپن به تعهداتشان عمل کنند... اعلام می‌کنیم به عنوان یک قدرت موشکی در سطح کشورهای رده دوم یا سوم جهان در منطقه حضور داریم. ایران الان تکنولوژی ساخت موشک را دارد. ما از طریق تعمیر موشکهای پیشرفته‌ای که در اختیار داشتیم، نتایج خوبی به دست آوردیم." رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، مصاحبه‌های سال ۱۳۶۴، جلد پنجم، دفترنشرمعارف‌انقلاب.

سایت‌های نخجیر و آبدانان هم این مطلب تأیید می‌شود که باید باز خواست نمائیم. با آقای خامنه‌ای در این خصوص مذاکره کردم که پیگیری نمایند.

حاج احمدآقا آمد و درباره بنیاد مستضعفان که حاضر نیست بعضی از رقبات را به سازمانهای خیریه دیگر واگذار کند و شورای عالی قضائی که اجازه داشتن زندان به وزارت اطلاعات نمی‌دهد و مسأله جنگ مذاکره کردیم.

آقای صادق طباطبائی آمد و درباره پس گرفتن حدود یازده میلیون فرانک سوئیس دیگر از وجه کلاهبرداری شده در معامله تانکها و همچنین پیشرفت کار پرونده ادعا علیه شرکت بیمه لویدز گزارشی داد. برای تحویل پولهای گرفته شده نامه‌ای به شورای عالی دفاع نوشته است. گزارشها را از مجلس آوردند. عراقیها به شهرهای آبادان، اندیمشک، سردشت، ایلام و باختران حمله کرده‌اند. به نظر می‌رسد با همکاری ابر قدرتها توطئه عمیقی به منظور به سازش کشاندن ایران و شاید هم بیشتر طراحی شده است.

چهارشنبه ۲۲ خرداد ۱۳۶۴   ۲۲ رمضان ۱۴۰۵   12 JUNE 1985

با اینکه شب زودتر از شبهای گذشته خوابیده بودم، ولی به خاطر غفلت از تنظیم زنگ ساعت بیدار نشدم و من و مهدی بی سحری روزه گرفتیم. پیش از ظهر به مجلس رفتم. سرهنگ [مصطفی] ترابی آمد و گزارش تصمیمات و امکانات برای دفاع در مقابل حملات هوایی عراق که ترکیبی از هواپیماهای اف ۱۴ و اف ۴ و موشک هاگ و شباهنگ است، ارائه داد ولی باز هم اطمینان بخش نیست.

کارپردازان مجلس آمدند و راجع به انتخابات هیأت رئیسه صحبت کردند. آقای [سیدجلیل]سیدزاده گزارش وضع شهر باختران را پس از حملات موشکی داد که خوب نیست. عصر سفیر سوئد برای خداحافظی آمد. اما حرفی نداشت. واحد موشکی سپاه آمدند و گزارش آمادگی برای انجام پرتاب موشک دادند و از ماموران لیبی به خاطر کار شکنی شکایت داشتند. برای آنها صحبت کردم[1] و توصیه به مدارا با ماموران لیبی نمودم.

---

۱ ـ در این دیدار ابتدا آقای مقدم مسئول یگان موشکی سپاه پاسداران گزارشی از وضعیت یگان مربوطه داد. آقای هاشمی در

(ادامه پاورقی در صفحه بعد)

آقای [رضا]امراللهی [رئیس سازمان انرژی اتمی] آمد و گزارشی درباره وضع پیشرفت مذاکرات با فرانسه در امور مالی داد که مجموعاً مثبت نیست. درباره اورانیوم غنی شده موجود در راکتور اتمی امیر آباد با توجه به بمباران‌های عراقیها مشورت کرد.

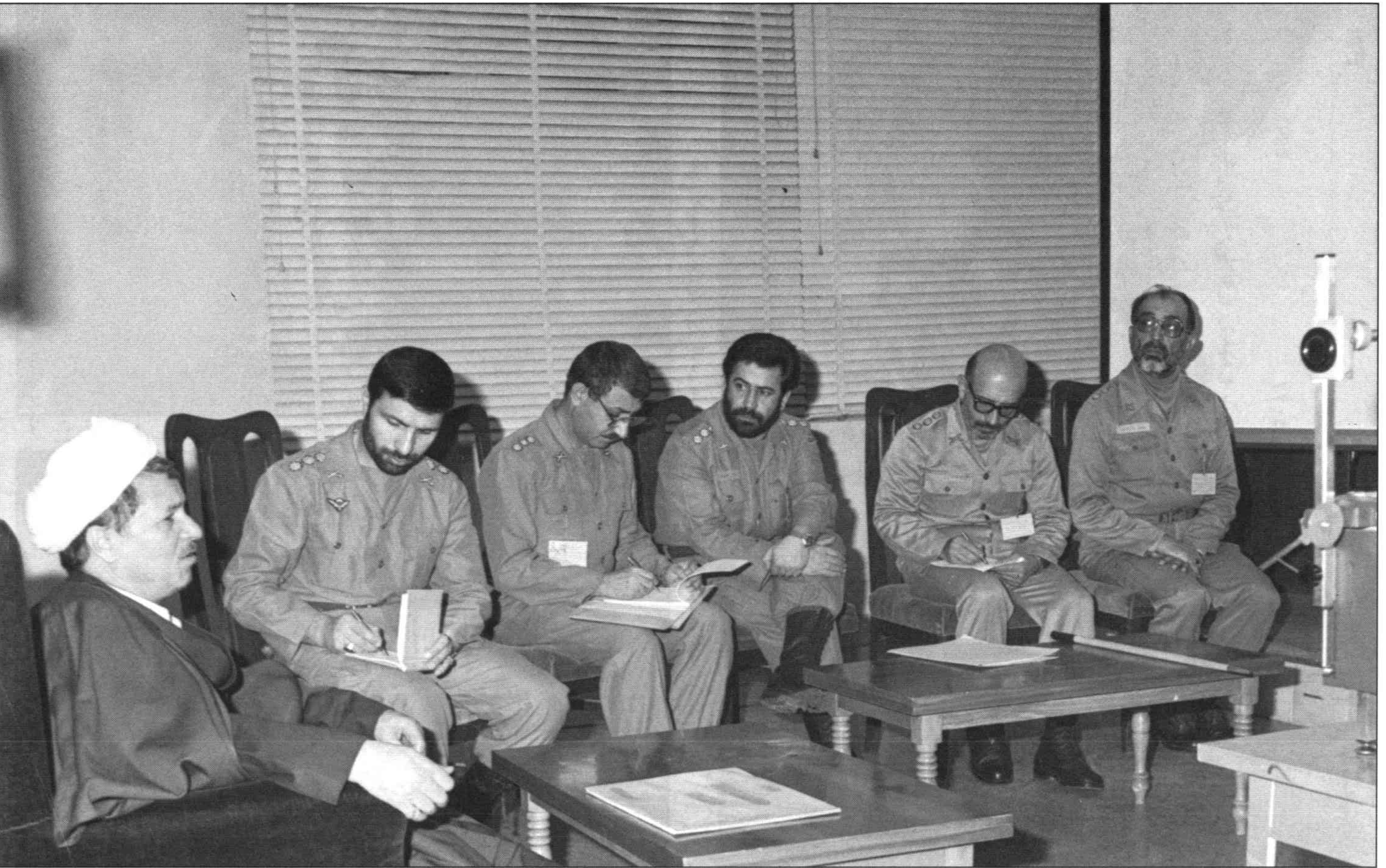
شب مهمان آقای [موسوی]اردبیلی بودیم و درباره جنگ، راهپیمائی روز جمعه، بنیاد مستضعفان و مطالب دیگر از جمله کیفیت برخورد با موذی‌گری روسها مذاکره کردیم. دیر وقت به خانه آمدم. در بین راه بودم که وضعیت قرمز اعلام شد و هواپیماهای عراقی به خیابان فرهنگ در محله امیرآباد بمب انداختند که پنج نفر شهید و جمعی مجروح داشت. احتمالاً هدفشان مرکز هسته‌ای [سازمان انرژی اتمی] بوده است.

پنجشنبه ۲۳ خرداد ۱۳۶۴ ۲۳ رمضان ۱۴۰۵ 13 JUNE 1985

آقای صیاد[شیرازی] و فرماندهان ارتشی آمدند و حدود پنج ساعت جلسه داشتیم. برنامه عملیات آینده را توضیح دادند که بد نیست ولی ضعفهائی هم دارند. احتمال دارد بعداً مثل دفعه گذشته انجام آن را عملی ندانند. عصر آقای اروج آمد وگزارشی از مذاکراتش را در چین و ژاپن با مسئولان امنیتی آنها درباره تأمین امنیت سفر من داد.

احمدآقا آمد و درباره جنگ و راهپیمائی فردا وکیفیت حفظ امنیت مردم و... مذاکره کردیم. عراق تهدید کرده است که با اسلحه جدیدی راهپیمائی [روز قدس] را مورد حمله قرار خواهد داد و از مردم خواسته که در آن شرکت نکنند. ضدانقلاب هم در پخش شایعات برای ترساندن مردم فعال است و حتی شایع کرده‌اند که بمب شیمیائی به کار می‌برند. به خاطر خستگی زود خوابیدم.

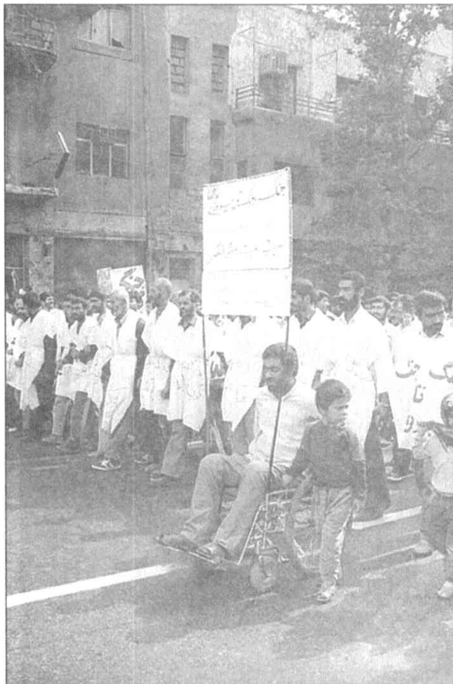
(ادامه پاورقی از صفحه قبل)
این دیدار گفت: "ما نمی‌توانیم از مساله موشک غفلت کنیم و برای کشوری مثل ما که دشمن خیلی زیاد دارد، این یک ضرورت غیر قابل اجتناب است. امیدواریم این وسیله باز دارنده و دفاعی باشد که کسی جرات تجاوز به ما را نکند و در جلوگیری از هرگونه تهاجم دشمن مفید واقع شود." رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۴، جلد پنجم، دفترنشرمعارف‌انقلاب.



دیدار با فرماندهان نیروی زمینی ارتش



در راهپیمایی بزرگ روز قدس عده ای از مردم کفن پوش شرکت کرده بودند





جمعه ۲۴ خرداد ۱۳۶۴ ۲۴ رمضان ۱۴۰۵ 14 JUNE 1985

تا ساعت ده صبح در منزل مطالعه می‌کردم و عفت و مهدی و فاطی عازم راهپیمائی بودند و یاسر کفن پوش شرکت کرد. صبح زود هواپیماهای عراقی به نشان اجرای تهدیدات به تهران تجاوز کردند ولی دفع شدند. خبر رسید که نه فروند موشک اسکاد هم به شهرهای غرب و جنوب زده‌اند. تهدیدات برای ارعاب مردم به منظور جلوگیری از شرکت در راهپیمائی زیاد است اما حضور مردم در سراسر کشور بی‌سابقه است.

احمدآقا آمد و با هم به دانشگاه [تهران] رفتیم. خبرنگاران داخلی مدعی‌اند حدود پنج میلیون نفر در تهران [در راهپیمائی روز قدس] شرکت کرده‌اند. خبرنگاران خارجی هم به مراسم استقبال امام تشبیه کرده‌اند. خطبه‌ها را ایراد کردم[1]. قبل از خطبه‌ها هم هواپیماهای عراقی آمدند ولی بی‌نتیجه فرار کردند و مردم خم به ابرو نیاوردند.

عصر آقایان شهاب و خیرّ از وزارت نفت آمدند. مدعی‌اند هر گونه وسائل و قطعات نیروی هوایی را می‌توانند تهیه کنند. به رئیس‌جمهور گفتم که از آنها استفاده کنند. شب بیشتر به اخبار گوش دادم. وسعت شرکت مردم در مراسم افتخار آمیز است و فکر می‌کنم برای دشمن مأیوس کننده باشد.

شنبه ۲۵ خرداد ۱۳۶۴ ۲۵ رمضان ۱۴۰۵ 15 JUNE 1985

امروز در منزل بودم و پیش از ظهر بیشتر وقتم را به مطالعه پرداختم. بعداز ظهر جلسه شورای سرپرستی [صداوسیما] داشتیم. بیشتر راجع به اختلافاتی که اعضای شورا با مدیر عامل دارند، بحث شد. اکثر اعضای شورا مدعی بودند که [آقای محمد هاشمی] مدیر عامل [صداوسیما]، اعتبار لازم را برای مصوبات شورا قائل نیست. قرار شد این موضوع در یک جلسه با حضور مدیر عامل بررسی شود. افطار اعضای شورا مهمان من بودند. شب فیلم‌های تظاهرات شهرستانها را تماشا کردم که جالب و روح انگیز بود.

---

۱ ـ خطبه اول نماز در مورد روز قدس و مسأله فلسطین و خطبه دوم درباره جنگ و مقاومت خوانده شد. در بخشی از خطبه دوم آمده است: "استکبار چرا این قدر کور و نادان است که این مردم در صحنه را نمی‌بیند که در زیر موشک و بمب و راکت در هر جای این کشور در مراسم قدس شرکت کرده‌اند. امیدوارم که این اجتماع و حرکت، پشت استکبار جهانی و دشمنان اسلام و قرآن و خدا را بلرزاند." رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، خطبه‌های جمعه، جلد هشتم، صفحه ۲۲۱، دفترنشرمعارف‌انقلاب.

یکشنبه ۲۶ خرداد ۱۳۶۴ ۲۶ رمضان ۱۴۰۵ 16 JUNE 1985

در مجلس جلسه علنی داشتیم. قبل از دستور درباره عظمت راهپیمائی مردم در روز جمعه گذشته صحبت کردم[1]. نمایندگان مدعی‌اند در تمام دوران انقلاب در سراسر کشور چنین راهپیمائی عظیمی نداشته‌ایم که مخصوصاً باتوجه به خطرهای موجود و با تبلیغات گمراه کننده رادیوهای بیگانه و ضدانقلاب، اغراق هم نیست. ظهر و عصر چند ملاقات داشتم.

عصر جمعی از نمایندگان آمدند[2] و راجع به جنگ بحث کردیم. اغلب از مخالفان فرماندهی سپاه بودند و بیشتر به دنبال تغییر فرماندهی سپاه بودند و می‌خواهند از وضع موجود برای تغییر فرماندهی سپاه استفاده نمایند. عیب کارشان این است که از مسائل جنگ، برای اعتراض گروهی سیاسی بهره گیری می‌کنند.

شب در مجلس ماندم. بیشتر به تماشای تلویزیون و فیلم عملیات قدس[3] در شمال هورالهویزه و تظاهرات روز جهانی قدس پرداختم که خیلی جالب و نشاط آفرین است.

دوشنبه ۲۷ خرداد ۱۳۶۴ ۲۷ رمضان ۱۴۰۵ 17 JUNE 1985

تا ساعت هشت صبح در دفترم کار کردم. گزارشها را خواندم. عراق در مورد عملیات قدس سکوت کرده. با اینکه ضربه‌ای است، دنیا هم خیلی عکس‌العمل نشان نداده است. قسمتی از جلسه علنی را اداره کردم، سپس به آقای [محمد]یزدی سپردم و به دفتر آقای خامنه‌ای رفتم.

---

۱ ـ در این نطق آمده است: "به حق باید راهپیمایی روز قدس و روز جمعه گذشته را به عنوان یکی از حوادث مهم تاریخی به حساب بیاوریم و می‌توانیم این را با توجه به حضور بی‌سابقه کمی و کیفی و در نظرگرفتن شرایطی که بر کشور حاکم بود، به عنوان یک سرفصل تاریخی و نقطه عطفی در حوادث مهم جهانی قلمداد کنیم". رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، نطق‌های پیش از دستور سال ۱۳۶۴، جلد پنجم، دفترنشرمعارف‌انقلاب.

۲ ـ در این روز انتخابات هیأت رئیسه مجلس شورای اسلامی انجام شد و در نتیجه آن آقای هاشمی رفسنجانی با ۲۰۰ رأی موافق و ۴ رأی ممتنع و ۸ رأی مخالف و ۱۵ کارت سفید و بی‌اسم مجدداً به عنوان رئیس مجلس انتخاب شد. آقایان محمد یزدی با ۱۵۳ رأی به عنوان نایب رئیس اول، مهدی کروبی با ۱۴۳ رأی نایب رئیس دوم، سید جلیل سیدزاده با ۱۳۴ رأی، اکبر پرهیزکار با ۱۲۴ رأی و سید رضا زواره‌ای با ۱۱۲ رأی به عنوان کارپردازان مجلس انتخاب شدند.

۳ ـ عملیات قدس در منطقه شرق دجله و شمال هورالهویزه به انجام رسید. در این عملیات رزمندگان اسلام دشمن را به عقب رانده و مواضع خود را در شش کیلومتری شاهراه استراتژیک بغداد ـ بصره مستحکم کردند. در این عملیات رزمندگان پست‌های ارتش عراق در ابوذاکر و ابولیلا و میدان را تحت کنترل خود در آوردند.

فرماندهان نیروی هوایی در جلسه‌ای چهار ساعته، وضع نیروی هوایی و امکانات آفندی و پدافندی راتوضیح دادند. مطابق معمول امکانات دشمن زیاد و امکانات خودی، ضعیف جلوه داده می‌شود که تا حدودی درست است. از اول چنین می‌گفتند. چون که اردوگاه‌های شرق و غرب و ارتجاع نیازهای بعث عراق را تأمین می‌کنند و امکانات ما راکه نزد آنهاست، نمی‌دهند و همیشه این نگرانی وجود داشت.

عصر واحد مجلس حزب جمهوری اسلامی جلسه داشت. نظرات امام درباره حزب و تصمیم شورای مرکزی را درباره خاموش کردن چراغ حزب و کم کردن فعالیت‌ها گفتم و درباره جنگ توضیحاتی دادم و از نمایندگان خواستم که در نوسانات جنگ از اعمال اهداف سیاسی و گروهی استفاده نکنند و فرماندهان را تضعیف نکنند. اشاره‌ام به خط اصفهان بود که علیه فرماندهان سپاه از شرایط موجود استفاده می‌کند و گویا نامه‌ای با امضای حدود صد نفر نماینده برای آقای منتظری تهیه کرده‌اند.

منیر شفیق و شیخ اسعد تمیمی امام جمعه سابق مسجدالاقصی آمدند و راجع به جنگ فلسطینی‌ها و سازمان امل در لبنان صحبت کردند. سازمان آزادیبخش فلسطین، از جریان لبنان استفاده سیاسی زیادی می‌نماید. افطار به خانه آمدم.

سه شنبه ۲۸ خرداد ۱۳۶۴ — ۲۸ رمضان ۱۴۰۵ — 18 JUNE 1985

جلسه علنی داشتیم. در نطق پیش از دستور، شهادت برادر آقای فواد کریمی [نماینده اهواز] را که توسط ضدانقلاب ترور شده، تسلیت گفتم. چند دستور عمل شد. ظهر چند ملاقات داشتم. عصر شورای عالی انقلاب فرهنگی جلسه داشت و تصمیماتی گرفتیم. افطار مهمان رئیس‌جمهور بودیم.

شب با حضور احمدآقا و آقای [موسوی]اردبیلی و آقای خامنه‌ای، درباره سفر من به لیبی مشورت کردیم و لیبیائی‌ها موفقیت سفر را در گرو اتخاذ مواضع قاطع در مورد مسائل جاری جنوب لبنان مانند محکومیت جنبش امل و در نتیجه سوریه و حمایت از مسلح ماندن فلسطینیان در جنوب لبنان می‌دانند. قرار شد سفر انجام شود ولی اتخاذ مواضع در حدود مواضع اعلام شده قبلی باشد و سعی کنیم از درگیری سوریه و لیبی جلوگیری نمائیم. سفر تریکی وزیر خارجه لیبی به عراق هم نباید مانع سفر ما باشد. در آستانه کنفرانس سران عرب هم انجام این سفر لازم است. به مناسبت

سالگرد تأسیس جهاد سازندگی پیامی منتشر کردیم[1].

چهارشنبه ۲۹ خرداد ۱۳۶۴ ۲۹ رمضان ۱۴۰۵ 19 JUNE 1985

تا ساعت شش صبح کار کردم و سپس تا ساعت هفت‌ونیم خوابیدم. آقای غرضی [وزیر نفت] آمد و راجع به موضع‌گیری ایران در کنفرانس اوپک مشورت کرد. گفتم با ارزان شدن نفت مخالفت کند. نامه‌ای در ۱۴ بند راجع به جنگ و شرایط خودمان و دادگاه [جنایات جنگی] برای دولتهای دنیا تهیه کردم که از طریق سفرا برای آنها ارسال شود.

از وزارت خارجه آمدند و راجع به محورهای مذاکرات در چین پیشنهاداتی دادند. مسئولان انتظامات مجلس آمدند و مشکلات کارشان را گفتند. آقای آقازاده معاون نخست‌وزیر آمد و راجع به پیشرفت کار خرید اسلحه گفت. نمایندگان زابل آمدند و راجع به کمبود آب هیرمند و خشک شدن هامون و عزل استاندار حرف زدند. نمایندگان باختران و ایلام و کردستان آمدند و از مشکلات مردم در رابطه با حمله صدام به شهرها گفتند و کمک خواستند. یک میلیون تومان از محل کمک‌های مردم به جبهه‌ها دادم و توضیحاتی درباره برنامه دفاع از شهرها و جنگ ارائه گردید.

[مسئولان] روابط عمومی مجلس آمدند و در مورد سفر به چین و ژاپن و مشکلاتشان با کارپردازان مطالبی گفتند. عصر دکتر ولایتی آمد و قبل از جلسه سفرا مذاکره کردیم. از همه سفرای خارجی مقیم ایران دعوت کرده بودیم که به مجلس آمدند. برای آنها مفصلاً صحبت کردم[2] و پیامی

۱ ـ در این پیام آمده است: "با تشکیل جهاد سازندگی باران رحمت الهی در جبهه‌های دور و نزدیک باریدن گرفت. جهاد با پرهیز از کاغذبازی اداری مجموعاً به صورت یک الگوی موفق جلوه گر شده است. جهاد غیر ممکن‌هایی را ممکن گردانید که در تاریخ خونبار جنگ تحمیلی به یادگار مانده است". رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، مصاحبه‌ها و پیام‌های سال ۱۳۶۴، جلد پنجم، دفترنشرمعارف‌انقلاب.

۲ ـ در این سخنرانی آمده است: "شما شاهد بودید که مردم ما چگونه برای تحقق شرایط اعلام شده آمادگی فداکاری دارند، مشکلی نداریم که اگر در این شرایط آتش‌بس برقرار شود، ریشه این عداوت و خصومت که وجود دارد، تقویت می‌شود و شاخه‌های آن که در آینده خواهد روئید، بعداً بدتر از این خواهد بود و اینجا نیز مثل وضعیتی که در اطراف فلسطین اشغالی و لبنان وجود دارد، کانون جدیدی برای باج‌گیری قدرتهای متجاوز دنیا و هدر رفتن امکانات می‌شود". رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۴، جلد پنجم، دفترنشرمعارف‌انقلاب.

کتبی به آنها داده شد[۱].

اولین جلسه هیأت رئیسه جدید مجلس تشکیل شد. تقسیم وظایف شد و عکس یادگاری گرفتیم. برای افطار به منزل آمدم. قرار است فردا به لیبی مسافرت نمایم. ابهاماتی وجود دارد که امروز درباره آنها مشاوره شد. امروز مصاحبه‌ای با تلویزیون فرانسه داشتم[۲] که در آن مسائل متنوعی مطرح شد.

پنجشنبه ۳۰ خرداد ۱۳۶۴ — ۱ شوال ۱۴۰۵ — 20 JUNE 1985

بنا بود به زیارت امام برویم. اما تأخیر کردم و امام به حسینیه آمدند. عازم لیبی هستم، وقت هم کم دارم. خاطرات عقب مانده را نوشتم. برای خداحافظی به زیارت امام در اندرون رفتم. درباره مسائل لبنان که باید روی آن با لیبی و سوریه بحث شود، مشورت کردم. امام دعای سفر در گوشم خواندند؛ لذت بردم.

برای پرواز به لیبی ساعت دو بعداز ظهر به فرودگاه رسیدیم با مقداری تأخیر هواپیما حاضر شد. مصاحبه‌ای کردم[۳] و پرواز کردیم. جمعی از نمایندگان مجلس و نظامیان و سپاهیان و اعضای

---

۱ ـ در این پیام خطاب به دولتهای کشورهای مختلف جهان آمده است: "کشورهای جهان باید عراق را به عنوان متجاوز اعلام کرده و دادگاهی برای کیفر متجاوز تشکیل دهند. شرایطی را که ما برای خاتمه جنگ مطرح می‌کنیم نه تنها عادلانه است بلکه مقداری گذشت و اغماض نیز در آن وجود دارد. اگر مردم مایل به ادامه جنگ نبودند ما به هر قیمتی جنگ را تمام می‌کردیم". رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، مصاحبه‌ها و پیام‌های سال ۱۳۶۴، جلد پنجم، دفترنشرمعارف‌انقلاب.

۲ ـ این مصاحبه در مورخه ۱۳ تیر ۶۴ از کانال یک تلویزیون فرانسه پخش شد. این تلویزیون در گزارش ۲۰ دقیقه‌ای خود بخشهایی از مناطق جنگی به ویژه هویزه و فاصله شش کیلومتری از جاده استراتژیک بصره - بغداد و شهرهای خرمشهر و آبادان را نشان داد و مصاحبه با آقای هاشمی و شهید سرهنگ صیاد شیرازی پس از آن پخش شد. آقای هاشمی در پاسخ به سئوال خبرنگار تلویزیون فرانسه در مورد روابط ایران و فرانسه، با اشاره به حمایتهای همه جانبه فرانسه از دولت عراق گفت: "فرانسه در این زمینه حتی تا جایی جلو رفته است که به رژیم عراق، هواپیما داده و موشکهای پیشرفته در اختیار او گذاشته است. به علاوه فرانسه در زمینه اقتصادی به ما خیانت کرده و هنوز مبلغی را که رژیم سابق برای ساختمان مرکز اتمی به کشور شما (فرانسه) وام داده به ما پس نداده است و این شایسته کشور بزرگی همچون فرانسه نیست. تنها کاری که فرانسه علیه ما نکرده اعلام جنگ رسمی است. در نتیجه در زمینه بهبود روابط، این فرانسه است که بایستی اولین گامها را بردارد و ما نیز به نوبه خود در این رابطه آمادگی داریم". رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، مصاحبه‌های سال ۱۳۶۴، جلد پنجم، دفترنشرمعارف‌انقلاب.

۳ ـ در این مصاحبه ایشان درباره اهداف سفر به لیبی گفت: "این سفر بنا بود مدتی پیش انجام شود و رهبری کشور برادرمان لیبی از من دعوت کرده بودند و قرار بود پیش از ماه رمضان این سفر انجام شود. ما می‌خواهیم در این سفر در زمینه جلوگیری از توطئه

(ادامه پاورقی در صفحه بعد)

وزارت خارجه همراه من بودند. به ملاحظه مسائل امنیت سفر، مسیر را طولانی‌تر کردند و از خاک شوروی و ترکیه و یونان و... گذشتیم[1].

ساعت ده‌ونیم به وقت تهران و هشت صبح به وقت لیبی وارد طرابلس شدیم. [سرگرد عبدالسلام]جلوّد [عضو شورای فرماندهی لیبی] با مراسم رسمی نظامی استقبال کرد. به هتل کبیر در ساحل دریای مدیترانه رفتیم. مذاکرات مقدماتی انجام شد. شام خوردیم و خوابیدیم. مهدی و یاسر هم با من هستند.

جمعه ۳۱ خرداد ۱۳۶۴ — ۲ شوال ۱۴۰۵ — 21 JUNE 1985

ساعت هفت صبح با همراهان جلسه‌ای برای مشاوره در موضوعات مورد مذاکره داشتیم. سپس پنج دانشجوی ایرانی که اینجا درس می‌خوانند، آمدند. خیلی راضی نیستند. ساعت نه صبح برای نثار تاج گل به مقبره [بنای سربازگمنام] شهدای اشغال ایتالیا رفتیم و سپس به پایگاه هوایی طرابلس برای پرواز به بن‌غازی جهت ملاقات با قذافی رفتیم.

همراهان با هواپیمای دیگری رفتند و ما با جت فالکن کوچکی آمدیم و در بین راه آقای جلوّد، اطلاعاتی درباره نیروی هوایی و قدرت موشکی لیبی داد. از اوضاع اقتصادی گفت و ما نیازهایمان را برای جنگ مطرح کردیم. موشکهای زمین به زمین و زمین به هوا و ضدتانک و پلهای پی. ام. پی.

نزدیک یازده صبح با تشریفات وارد فرودگاه بن‌غازی شدیم. در سالن فرودگاه در انتظار رسیدن همراهان، درباره نظام اجتماعی لیبی «جماهیر شعبیة» توضیحاتی دادند. مؤتمرهای شعبی در سراسر کشور که از همه مردم تشکیل شده، درباره مسائل مهم تصمیم می‌گیرند و تصمیم‌های

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)
علیه شیعیان و فلسطینی‌ها و نیز کشورهای مترقی و انقلاب اسلامی گفتگو و تبادل نظر کنیم". رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، مصاحبه‌های سال ۱۳۶۴، جلد پنجم، دفترنشرمعارف‌انقلاب.

۱ ـ در راه سفر به لیبی و پرواز از آسمان کشورهای شوروی و ترکیه، آقای هاشمی پیامی به روسای این دو کشور ارسال کرد. در پیام ایشان به رهبر شوروی آمده است: "جناب آقای گورباچف صدر هیأت رئیسه اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی، با اغتنام فرصت پرواز از فضای کشور همجوار و دوست اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی، خوشوقتم که درودهای گرم خود و هیأت همراه را به شما و ملت شوروی تقدیم بدارم. امیدوارم که شاهد تحکیم و مودت و حسن همجواری بین دو کشور ایران و شوروی باشیم".



استقبال رسمی در فرودگاه طرابلس





شمشیر اهدائی لیبی اکنون در مرکز اسناد، کتابخانه وموزه رئیس جمهور هاشمی رفسنجانی در رفسنجان نگهداری می شود

آنها به مؤتمر عام شعبی در مرکز جمع می‌شود و آنهایی که رای بیشتر مؤتمرها را دارند، قانون می‌شوند. به ادعای خودشان مجلس و وزارت و رئیس و مرئوس و ادارات ندارند؛ البته اسم را نفی کرده‌اند امّا مسمی‌ها را دارند.

از فرودگاه به نقطه‌ای در اطراف بن‌غازی به دیدن [آقای معمر]قذافی [رهبر جماهیری لیبی] رفتیم. او در زیر یک چادر بزرگ به سبک عشایری در صحرا مستقر بود و چند شتر و اسب هم کنار چادر بودند. هوا هم در چادر گرم بود. با حالت یک رهبر تا دم چادر به استقبال آمده بود. همراهان را معرفی کردم. چند نفری ماندند و بقیه رفتند و مذاکره شروع شد.

آقای قذافی مفصلاً صحبت کرد[1]. در هیأت یک ایدئولوگ درباره اهمیت شکل جامعه جماهیری لیبی و انتقاد از شکل معمول دموکراسی که ما هم آن را گرفته‌ایم، حرف زد. با تحلیلی عشایری درباره نفی مذاهب شیعه و سنی و پذیرش اسلام ناب حرفهائی گفت و تحلیل ناقصی از اختلاف امام‌علی(ع) و معاویه و امام‌حسین(ع) و یزید و... ارائه کرد.

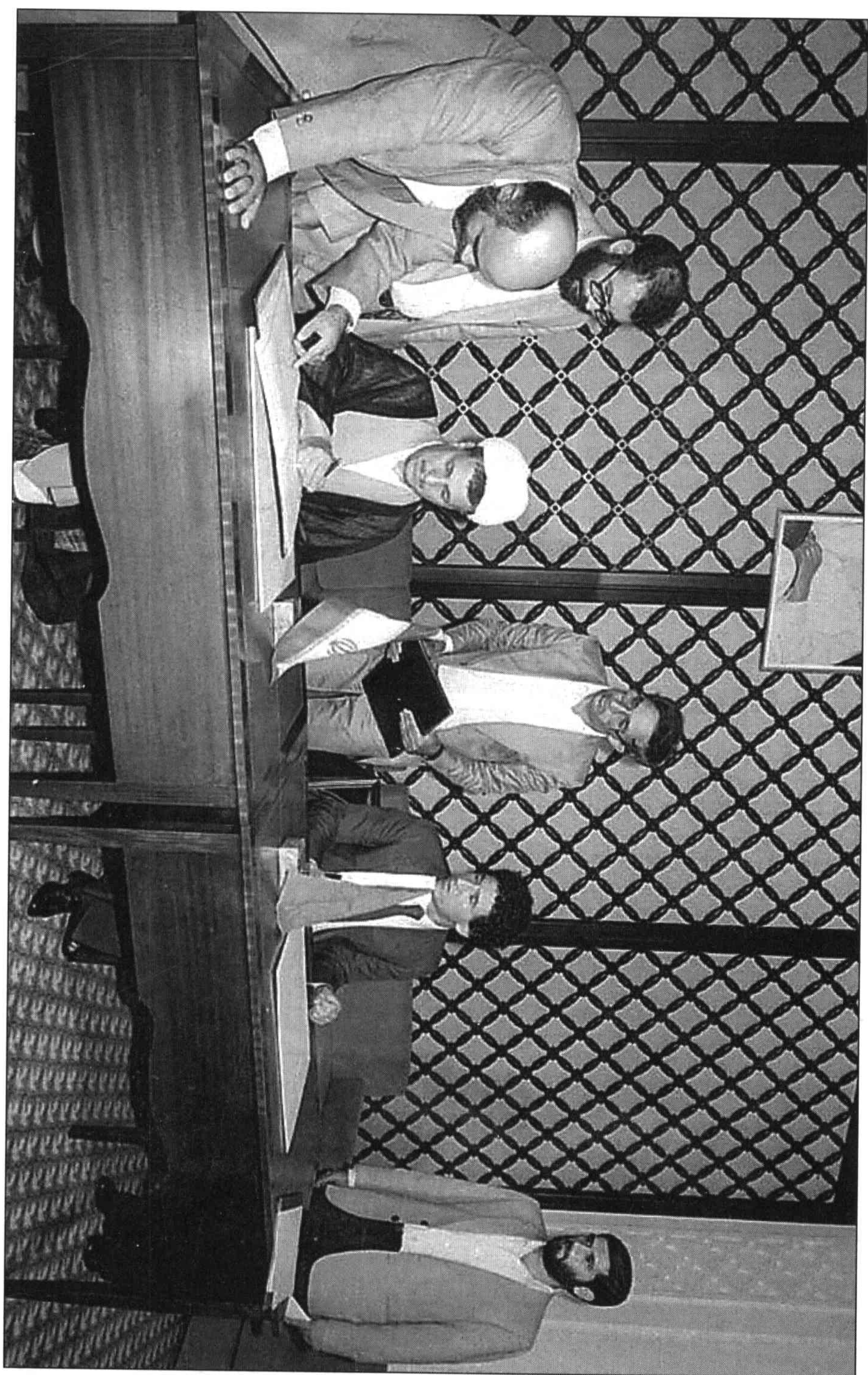
به تلخی به آقای نبیه‌برّی حمله کرد که سازمان امل لبنان را علیه فلسطینیان به جنگ واداشته است و سرانجام از ما خواست که با شیوه جنگهای مردمی و چریکی با صدام بجنگیم وگرنه جنگ را تمام کنیم و اظهار پشتیبانی کرده و تصریح کرد که آقای [دکتر علی عبدالسلام]تریکی وزیر خارجه‌اش که اخیرا به بغداد رفته، مورد بی‌توجهی صدام قرارگرفته است. و همین هم باعث شده که اینها از حرکت انحرافی اخیرشان که به سوی محور ارتجاع و علیه سوریه تظاهر می‌کردند، جا خورده‌اند.

من هم مفصلاً درباره جنگ و مسأله لبنان و اسرائیل و جبهه پایداری صحبت کردم[2] و لزوم همکاری بیشتر آنها را در حمایت از ما در جنگ خواستم. همچنین درباره لزوم بیداری کامل در

---

۱ ـ سرهنگ قذافی در این ملاقات گفت: "ما به خاطر جنگی که به شما تحمیل شده بسیار متأسفیم ولی امیدواریم شما این را به حساب صدام و رژیم او بگذارید و تصور نکنید برادران عرب با ایران می‌جنگند. البته مرتجعین تلاش می‌کنند این جنگ را در جهت اجرای یک طرح آمریکایی ـ اسرائیلی، به جنگ عربی، فارسی تبدیل کنند ولی ما با قرارگرفتن درکنار شما، علیه این طرح مبارزه کردیم و معتقدیم این جنگی بین نیروهای انقلاب و نیروهای ارتجاع است و ما علیه صدام و مرتجعین منطقه، با شما هستیم. سفر شما به لیبی این اجازه را به ما می‌دهد که هم پیمانی خود را در رویارویی با دشمنان مشترکمان یعنی امپریالیسم و صهیونیسم و ارتجاع و رژیم صدام مستحکمتر کنیم".

۲ ـ آقای هاشمی با ابراز تشکر از استقبال و پذیرایی گرم جماهیری لیبی از ایشان و هیأت ایرانی گفت: "ما برای این سفر در آینده روابط دوکشور اهمیت بسیاری قائل هستیم. ما در این جنگ خودمان را با شما در یک جبهه می‌دانیم. ما تصمیم داریم این جنگ را تا ساقط کردن رژیم بعث عراق ادامه دهیم".





دیدار با سرهنگ قذافی در چادر عشایری رهبر لیبی

مقابل توطئه از هم پاشیدن جبهه پایداری از طریق مسائل جنوب لبنان و ضرورت همکاری بیشتر لیبی با سوریه در مقابل مرتجعان عرب حرف زدم و جواب اظهارات نادرست تاریخی و فکری ایشان را به وقت دیگری محول کردم. ولی به صورت مختصر گفتم که در مورد مسائل تاریخی اسلامی و فکری و ایدئولوژیک که در تخصص ما طلبه‌ها است، بهتر است قضاوت را به ما واگذار کنید. خسته شدیم و جلسه را ختم کردیم.

برای رفع حصر به منزل آقای قذافی در جوار چادر رفتم. برای استراحت و ناهار ما را به باغی که از کاخهای زمان حکومت سابق لیبی است، آوردند و اکثر همراهان را به هتل بردند و فقط آقایان ولایتی و [محسن]رفیق‌دوست و مهدی و چند پاسدار با من بودند.

عصر هم همراه آقایان دکتر ولایتی و رفیق‌دوست برای ادامه مذاکرات به چادر قذافی رفتیم. در مسیر به جاهای مختلفی بردند. آقای قذافی از سفر سعودالفیصل وزیر خارجه عربستان بدون اطلاع لیبی به ایران گله کرد و از اینکه تاکنون یک موشک به عربستان نزده‌ایم، گله‌مند بود و گفت ما بیشتر انتظار داشتیم که به عربستان موشک بزنید. درباره همکاری با گروههای مخالف عراق تأکید داشت و پیشنهاد داد خلبانهایمان را برای آموزش هواپیماهای روسی به لیبی بفرستیم که در آینده از آنها علیه عراق استفاده شود و برنامه کلی جنگ و اهداف جنگ را خواست.

توضیحات قانع کننده‌ای دادم و قرار شد امور اجرائی اصول توافق شده را همراهان من با آقای جلوّد ترتیب بدهند. جلسه خوبی بود. به اقامتگاه برگشتیم که کاخ ولیعهد سابق لیبی، برادر زاده ملک ادریس است و گفتند او فعلاً در طرابلس به صورت فردی عادی زندگی می‌کند. شب، همراهان از هتل برای شام به نزد ما آمدند و از اینکه امروز عصر لیبیایی‌ها آنها را در هتل منتظر گذاشته‌اند، گله داشتند و حق هم دارند.

گروهی از مسلمانان سودان آمدند و اوضاع سودان راگفتند. از نظامیان حاکم که [جعفر]نمیری را برکنار کردند، راضی بودند و پیشنهاد داشتند اسرای سودانی راکه در جنگ عراق گرفته‌ایم، آزاد کنیم. گفتم دولت سودان اعلام کند که سودانی‌های نظامی را از عراق فراخوانده تا ما [برای آزادی اسرای سودانی] اقدام نمائیم. دیر وقت با دو هواپیما به طرابلس برگشتیم. ساعت یک بامداد به هتل رسیدیم و خسته خوابیدیم. یاسر و مهدی بعد از مدتی رسیدند.

تیر ۱۳۶۴



شنبه ۱ تیر ۱۳۶۴ **۳ شوال ۱۴۰۵** **22 JUNE 1985**

نزدیک طلوع آفتاب برای نماز بیدار شدم و دیگر نخوابیدم. کم خوابی دارم. منظره طلوع آفتاب در ساحل مدیترانه که از روی تختخواب مشهود است، خیلی زیباست. مواردی را که باید در بیانیه مشترک بیاوریم ـ مسائل جنگ و لبنان و فلسطین ـ یادداشت کردم که به وزارت خارجه بدهم.

گروه نظامی همراه آمدند و گزارش ملاقات‌های دیروز خود را دادند. اخبار را آوردند که مطلب مهمی نداشت. هنوز موضوع هواپیمای ربوده شده آمریکایی در بیروت مهمترین مسأله دنیا است[1]. هواپیماربایان، اسرائیل و آمریکا را مستأصل کرده‌اند و آزادی حدود ۷۰۰ زندانی فلسطینی و لبنانی در اسرائیل را می‌خواهند.

با جمعی از همراهان از پایگاه هوایی طرابلس بازدید کردیم. سالن اورهال میراژ و هواپیمای میگ ۲۵ و شکاری‌های آموزشی را دیدیم. نظامیان ماندند که توضیح بیشتری در مورد موشکهای سام و مشخصات میگ‌ها بگیرند و ما سوار بر خودرو، به صورت عبوری از بندرگاه دیدار کردیم؛ بندر عظیمی است.

قرار بود با [سرگرد عبدالسلام]جلوّد ملاقات داشته باشیم که به خاطر بی‌نظمی آنها به عصر موکول شد. عصر جلسه طولانی و پنج ساعته با جلوّد و وزرای همراهش داشتیم. درباره جنگ با عراق و آینده این کشور و قیمت نفت و مخالفان نظام عراق و مسأله لبنان و فلسطین و سوریه و [جنبش]امل و نبیه‌بری و مسأله آقای [موسی]صدر مذاکره کردیم که نتیجه بخش بود.

قرار شد کمکهای نظامی موشکی و راداری و... بکنند و بیانیه مشترک بدهیم. شام را آقای

---

۱ ـ هواپیمای بوئینگ ۷۲۷ تی ـ دبلیو ـ آ حامل ۱۴۵ مسافر و هشت خدمه در مسیر آتن ـ رم ربوده شد و در فرودگاه بیروت بر زمین نشست. در این فرودگاه ۱۹ زن و کودک آزاد شدند و ۱۲۶ تن بقیه که ۱۰۴ نفر از آنها آمریکایی بودند، به گروگان گرفته شدند. افراد وابسته به جنبش امل مسئولیت این هواپیماربایی را برعهده گرفتند. هواپیماربایان در بیروت یک تفنگدار آمریکایی را کشتند و خواستار آزادی ۷۰۰ نفر از زندانیان فلسطینی توسط دولت اسرائیل شدند. آنها سپس هِواپیما را از بیروت به الجزیره پایتخت الجزایر بردند. تعداد دیگری از مسافران به تدریج آزاد شدند و بقیهٔ گروگانها دوباره از الجزایر به فرودگاه بیروت انتقال یافتند. آمریکا و انگلیس برای نجات گروگانها اقدام مشترکی را آغاز کردند و ناو هواپیمابر هسته‌ای نیمیتز به همراه نیرویی متشکل از چهار کشتی و ۱۵۰۰ تفنگدار دریایی به سواحل لبنان رفتند. اسرائیل ۳۱ نفر از فلسطینی‌ها را از زندان آزاد کرد اما گفت که ارتباطی با خواسته‌های هواپیماربایان ندارد.

نبیه بری رهبر شبه نظامیان جنبش امل که گروگانها را به غرب بیروت منتقل کرده بود، شرایطی را برای آزادی گروگانها مطرح ساخت و پس از چند روز گروگانها به دمشق پایتخت سوریه انتقال یافتند و سرانجام پس از ۱۷ روز آزاد شدند و گروگانگیری خاتمه یافت.

جلوّد به افتخار من با دعوت سفرای خارجی مقیم لیبی داد و سرمیز شام سخنرانی مفصلی کرد و حرفهای خوبی گفت. چون دیر شده بود، من در جمع مختصر صحبت کردم[1]. جلسه خوبی بود.

یکشنبه ۲ تیر ۱۳۶۴ ۴ شوال ۱۴۰۵ 23 JUNE 1985

جمعی از همراهان برای تهیه بیانیه مشترک تا صبح نخوابیدند و بر سر موضوع محکوم کردن سازمان امل و نبیه‌بری ـ که لیبی خیلی اصرار داشت ـ به توافق نرسیدند. هنگام نماز صبح، دکتر هادی گزارش کارشان را داد. ساعت هشت صبح جلوّد هم آمد و من دخالت کردم تا تفاهم بدست آمد. بیانیه مشترک و صورت جلسه مذاکرات را امضاء کردیم[2].

برای پرواز به سوریه به فرودگاه رفتیم. مصاحبه مشترک کردیم و بدرقه رسمی کردند[3] و

---

۱ ـ در این مهمانی شام که کلیه رؤسای هیأتهای نمایندگی سیاسی در لیبی شرکت داشتند، سرگرد عبدالسلام جلوّد گفت: "ما خوشحالیم که با انقلاب اسلامی ایران هم پیمان هستیم و دیدیم که اسلام انقلابی در لیبی، لبنان، ایران و در همه کشورهای این منطقه اوج گرفت. ما از همه مبارزان در همه جای دنیا پشتیبانی و حمایت می‌کنیم و درکنار این انقلاب و انقلابیون مسلمان هستیم. ما در همه موضوعات با ایران توافق نظر داریم و با اتحاد و اتفاق لیبی و ایران تمام توطئه‌ها در لبنان را خنثی خواهیم ساخت و نخواهیم گذاشت آرمان فلسطین از بین برود و اشخاصی نظیر یاسرعرفات و صدام و حسنی مبارک بتوانند آرمان فلسطین را پایمال کنند". آقای هاشمی نیز ضمن تشکر از پذیرایی گرم و صمیمانه کشور دوست و برادر لیبی گفت: "همان طور که آقای جلوّد اشاره کردند برادران لیبیایی ما از انقلاب ایران از اول پشتیبانی کرده‌اند و آن روزهایی که ما در زندانهای رژیم شاه بودیم، از ما حمایت کرده‌اند و درکنار انقلاب اسلامی ایستاده‌اند و همیشه بهای لازم را برای همکاری پرداخته‌اند. نکته‌ای که لازم است با سفرای محترم در میان بگذارم این است که باید پذیرفت که انقلاب اسلامی عصر جدیدی را در حیات مسلمانان وکل جهان ایجاد کرده است".

۲ ـ در بند ۳ بیانیه مشترک ایران و لیبی آمده است: "طرفین کلیه توطئه‌هایی را که علیه انقلاب فلسطین و مسأله فلسطین و موجودیت فلسطین طرح‌ریزی و اجرا می‌شود، از جمله مرحله‌هایی که هم‌اکنون در لبنان در دست اجراست و طی آن به اردوگاههای فلسطینی ضربه وارد می‌شود، محکوم می‌کنند و طرفین، این عمل را اجرای توطئه امپریالیستی صهیونیستی تلقی نموده و مرتکبین آن را دست نشاندگان امپریالیسم آمریکا و صهیونیسم می‌دانند.

به علاوه این عمل توطئه‌هایی علیه انقلاب اسلامی در ایران و انقلاب اول سپتامبر لیبی و همچنین توطئه‌هایی علیه مقاومت مسلحانه فلسطینی و نیروهای انقلاب اعراب و اسلامی به‌شمار می‌رود. طرفین عقیده دارند که شیعه از این عمل مبرا بوده و از مسلمانان شیعه مذهب دعوت می‌کنند که فرصت را از دست دشمنان اسلام گرفته و فتنه را به شکست کشانده و فراهم کنندگان آن را سر جای خویش بنشانند".

۳ ـ در پایان این سفر، از طرف رهبر جماهیری لیبی یک قبضه شمشیر به‌عنوان سمبل مبارزات رهایی بخش به آقای هاشمی اهدا شد. ایشان پس از دریافت این هدیه گفت: "امیدوارم که این شمشیر هیچ‌وقت به نیام نرود تا اینکه سرزمین مقدس قدس

(ادامه پاورقی در صفحه بعد)

نزدیک ساعت یازده پروازکردیم و ساعت دو و نیم بعد از ظهر وارد دمشق شدیم. جمع زیادی از علما و ایرانیان [مقیم سوریه] در فرودگاه به استقبال آمده بودند. [عبدالحلیم]خدّام [معاون رئیس‌جمهور سوریه] و چند وزیر هم بودند.

به اقامتگاه آمدیم. محلی که در سفر گذشته هم بودیم، کمی استراحت کردیم و سپس به ملاقات آقای حافظ اسد [رئیس‌جمهور سوریه] رفتیم. قرار بود اول به مجلس برویم ولی اسد برنامه را عوض کرد. از ساعت شش تا هفت عصر با [آقای محمود الذوبی] رئیس مجلس [خلق]سوریه در اقامتگاه مذاکره کردیم[1] و از ساعت هفت تا نه شب با اسد بودیم.

من مطالب خودم را در باب لزوم کمک سوریه به ما در جنگ و اشتباه سوریه در مسأله اردوگاه‌های فلسطینی ـ که به دست شیعه خواسته تصفیه بکند ـ و لزوم همکاری با لیبی و... مطرح کردم[2]. قرار شد جواب را فردا بدهد. مطالب صریح و مهمی گفتیم[3]. شام مهمان اسد بودیم و بعد از شام به روضه آمدم.

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

شریف را آزاد کنیم". این شمشیر اکنون در موزه ایرانسرای هاشمی در شهرستان رفسنجان نگهداری می‌شود، و در معرض دید علاقمندان قرار دارد.

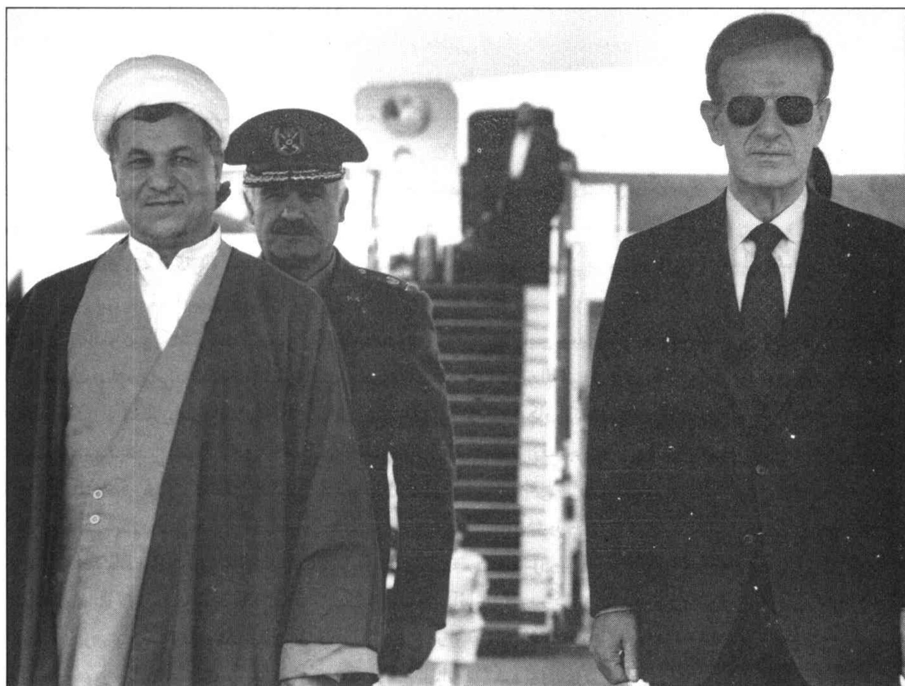
۱ ـ در این مذاکره نحوه کار دو مجلس و مسایل اجتماعی و اقتصادی به‌ویژه مسایل مربوط به بودجه در مجلس شورای اسلامی و مجلس خلق سوریه، مورد بحث قرار گرفت.

۲ ـ در این دیدار که در کاخ ریاست جمهوری انجام شد، آقای حافظ اسد رئیس‌جمهور سوریه ضمن تجلیل و قدردانی از جایگاه ویژه انقلاب اسلامی ایران در مقابله با امپریالیسم و صهیونیسم، به تأثیرات بین‌المللی پیروزی انقلاب اسلامی در ایران پرداخت و گفت: "یکی از دستاوردهای انقلاب اسلامی این است که ایران را از پایگاه ارتجاع خارج کرده و به پایگاه اسلام و حامی مستضعفان جهان تبدیل نمود". آقای حافظ اسد به نقش مؤثر آقای هاشمی رفسنجانی در پیروزی و تداوم انقلاب اسلامی اشاره کرد و گفت: "شکی نیست که آقای هاشمی رفسنجانی را بسیار دوست وگرامی می‌داریم و با توجه به‌اینکه پنج سال است با شما ملاقاتی نداشته‌ایم، به‌شما خوش آمد گفته و امیدواریم که احساس کنید در کشور خودتان هستید". آقای هاشمی هم ضمن تشکر از بیانات صمیمانه وگرم آقای حافظ اسد و اظهار خرسندی از حضور در کشور سوریه، نقطه نظرات جمهوری اسلامی ایران برای اتخاذ تمهیدات لازم جهت مقابله با دشمنان مشترک از جمله اسرائیل را تشریح کرد و اراده استوار ملت ایران برای ادامه جنگ تا کسب پیروزی نهایی را یادآور شد. آقای هاشمی پیش از این در آبان سال ۱۳۵۹ در رأس یک هیأت بلند پایه به دمشق سفرکرده و با رئیس‌جمهور و سایر مقامات سوریه دربارهٔ جنگ عراق با ایران مذاکره نموده بود.

۳ ـ بعد از دیدار رسمی، آقای هاشمی و آقای حافظ اسد به مدت یک ساعت پشت درهای بسته به مذاکرات ادامه دادند.



دیدار با حافظ اسد رئیس جمهور سوریه



دوشنبه ۳ تیر ۱۳۶۴ ۵ شوال ۱۴۰۵ 24 JUNE 1985

ساعت شش بامداد به سفارتمان در دمشق رفتم. با شورای لبنان و حزب‌الله ملاقات کردم[۱]. درباره مسائل لبنان و هواپیمای آمریکایی ربوده شده مذاکره کردیم. از من برای کارهای جاری نظر خواستند. گفتم هواپیماربائی و گروگان‌گیری به ضرر لبنان تمام می‌شود، بنابراین تلاش نمایند تا سرنخی از آنها پیدا کنند و سعی شود که مسأله به خوبی حل شود. جنبه انسانی مسأله هم مهم است، چون انسانهای بی‌گناه و خانواده‌هایشان از این مسأله رنج می‌برند.

گروهی از مسئولان سازمان امل آمدند. از کم لطفی جمهوری اسلامی به آنها گله داشتند و از جریان جنگ با فلسطینی‌ها به نوعی اظهار شرمندگی می‌کردند، ولی مسئولیت امر را متوجه فلسطینی‌ها می‌دانستند. آنها را نصیحت کردم و گفتم از جریان آقای موسی صدر در راه تفرقه بین مسلمین و اعراب و مسایل گروهی استفاده نکنند.

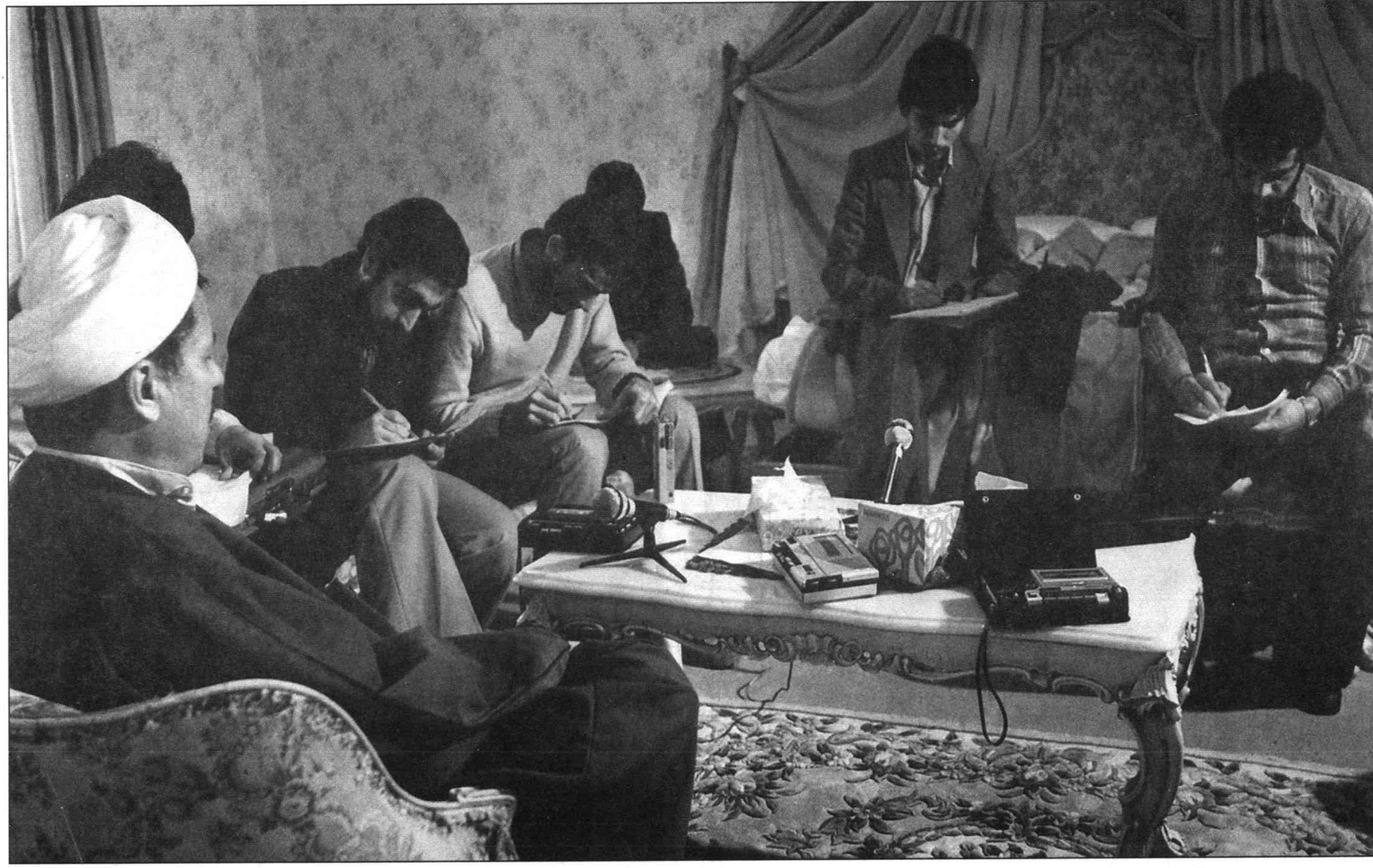
علمای لبنان اعم از شیعه و سنی آمدند. مذاکرات طولانی درباره اوضاع لبنان شد. آنها را توصیه به وحدت شیعه و سنی و تحذیر از اختلاف کردم. نوعاً آگاه و روشن هستند. آقایان سید فضل‌الله، شیخ شمس‌الدین، شیخ سعید شعبان، ماهرحمود و .... صحبت کردند.

رهبران فلسطینی «جبهه نجات فلسطین» از مخالفان [یاسر]عرفات هم آمدند و اعلام وفاداری به جمهوری اسلامی و جهاد مسلحانه [با اسرائیل] کردند. با آقای عبدالحلیم خدّام [معاون رئیس‌جمهور سوریه] ملاقات کردیم و او درباره مسائل لبنان مطالبی گفت. بیشتر می‌خواست توجیه کند که سوریه در به کارگرفتن شیعیان در جنگ علیه اردوگاه‌های فلسطینی در بیروت مقصر نیست، ولی نتوانست ما را قانع کند.

به مجلس شَعبی سوریه رفتیم و با رئیس مجلس و جمعی از نمایندگان سوریه مذاکره کردیم.

---

۱ ـ در این ملاقاتها که آقایان شیخ سعید شعبان رهبر حرکت توحید اسلامی طرابلس، شیخ شمس الدین نایب رئیس مجلس عالی اسلامی شیعه لبنان و محمد حسین فضل‌الله و جمعی از علمای شیعه و سنی لبنانی و جمعی از مسئولان حزب‌الله لبنان حضور داشتند، آقای هاشمی با ابراز تأسف از وقایع بیروت و تأکید بر این نکته که کفر جهانی از رشد اسلام به‌وحشت افتاده است، گفت: "به جای اینکه نیروهای رزمنده همگی متوجه دشمن اصلی شوند، اسلحه‌های خود را به روی یکدیگر نشانه رفته‌اند. در حال حاضر توطئه‌های جهانی علیه اسلام و مسلمین در جریان است و شما علمای اسلام چه سنی و چه شیعه و مجاهدینی که با شما رابطه دارند، مسئولیت تاریخی در این زمینه بر عهده دارند". آقای هاشمی در دیدار با مسئولان حزب‌الله لبنان ضمن تقدیر از موضع هوشیارانه آنان وکناره گیری از توطئه حوادث بیروت (حمله به اردوگاههای فلسطینی) از روحیه حساس و فداکارانه آنان تمجید کرد و از خداوند، پیروزی اسلام را خواستار شد.



گفت وگو با خبرنگاران

حرف زیادی برای مذاکره نداشتیم. مجلس سوریه قدرت کمی دارد و همه قدرت‌ها در دست رئیس‌جمهور است. آقای خدّام آمد و جواب حافظ اسد را درباره درخواست موشکهای سام و اسکاد از طرف ما آورد. مشکلات سوریه را گفت و وابستگی شدید سوریه به شوروی را توضیح داد و گفت می‌ترسد شوروی‌ها امکانات را قطع کنند. قانع نشدیم و قرار شد با خود حافظ اسد حرف بزنیم.

برای انجام مصاحبه مطبوعاتی به سفارت [ایران در دمشق] رفتم و با خبرنگاران صحبت کردم و به سوالات پاسخ دادم[1]. نزدیک غروب برای بار دوم با حافظ اسد ملاقات کردیم. بیشتر بحث ما درباره گرفتن موشکهای سام و اسکاد بود. از شوروی‌ها می‌ترسند که به ما [موشک] بدهند. ما هم دست از اصرار و مطالبه برنداشتیم و گفتیم شرکت با ما در جنگ نیاز به این مقدار مخاطره دارد؛ قرار شد بیشتر رسیدگی کنند، ولی درباره لبنان و آینده عراق و کمیته سه جانبه همکاری با سوریه و لیبی و موارد سیاسی دیگر، پیشنهادهای ما را پذیرفتند.

برای زیارت [مرقد مطهر حضرت زینب(س)] به زینبیه رفتیم اما به خاطر ازدحام و تظاهرات مردم و اظهار حمایت از جمهوری اسلامی، نتوانستیم درست زیارت کنیم و به محل اقامت برگشتیم.

عبدالحلیم خدّام آمد و اعلام کرد که آقای حافظ اسد خواسته ما را در خصوص تحویل موشکهای سام و اسکاد پذیرفته است. او همچنین درباره روابط ما با شوروی صحبت کرد و گفت تبلیغات شما علیه شوروی و مسأله [اشغال] افغانستان [توسط شوروی] مانع گرمی روابط است. گفتیم تبلیغات را ممکن است کم کنیم ولی در مورد افغانستان نمی‌توانیم کوتاه بیاییم. اشغال یک

---

۱ ـ در این مصاحبه آقای هاشمی در پاسخ به سئوال خبرنگار رادیو مونت کارلو دربارهٔ هواپیماربایی و گروگانگیری اتباع آمریکایی در لبنان و احتمال میانجیگری گفت: "اول باید بگویم جمهوری اسلامی ایران با هواپیما ربایی که جان افراد بی‌گناه را به خطر می‌اندازد، مخالف است. اما همیشه گفته‌ایم که در این زمینه نباید فقط ضعفا را محکوم کرد، بلکه باید تمام کسانی که اعمال تروریستی انجام می‌دهند، محکوم شوند. نباید میان هواپیماربایی و انفجار در جنوب لبنان به دست نیروهای صهیونیست که در آنها افراد بی‌گناه قربانی شدند یا حوادث اخیر طرابلس فاصله دید. سرنخ اکثر ترورها و انفجارها که علیه ملتها صورت می‌گیرد در آمریکا و فرانسه می‌باشد. اما دربارهٔ میانجیگری سوریه در قضیه هواپیمای ربوده شده باید بگویم این قضیه مربوط به اطراف درگیر در این ماجراست. این مسأله مربوط به هواپیماربایان از یک طرف و آمریکا و اسرائیل از طرف دیگر است. اگر این طرف اول از سوریه بخواهد در این قضیه میانجیگری کند، چرا ما مخالفت بکنیم. باید راه حل ریشه‌ای برای این‌گونه کارها اندیشید. نباید میان هواپیماربایی و حوادث تروریستی دیگر تفاوت قائل شد. اگر این مسأله از ریشه حل و فصل شود، این‌گونه حوادث کمتر اتفاق می‌افتد". رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، مصاحبه‌های سال ۱۳۶۴"، جلد پنجم، دفترنشرمعارف‌انقلاب.

کشور اسلامی توسط روسها قابل تحمل نیست و مثل اشغال فلسطین است. سپس ایشان و رئیس مجلس و چند وزیر، ما را تا فرودگاه بدرقه کردند.

او در بین راه گفت که آمریکا به حافظ اسد اطلاع داده اگر گروگانهای هواپیماربایی در بیروت آزاد شوند، زندانیهای لبنانی در اسرائیل آزاد می‌شوند. به مسئولان حزب‌الله [لبنان] اطلاع دادم و از آنها خواستم برای پیدا کردن ریشه هواپیماربایان و راهکار برای قانع کردن آنها و تکیه بر مسائل انسانی و نیز مخالفت اسلام با ترور و... تلاش کنند.

سه شنبه ۴ تیر ۱۳۶۴ — ۶ شوال ۱۴۰۵ — 25 JUNE 1985

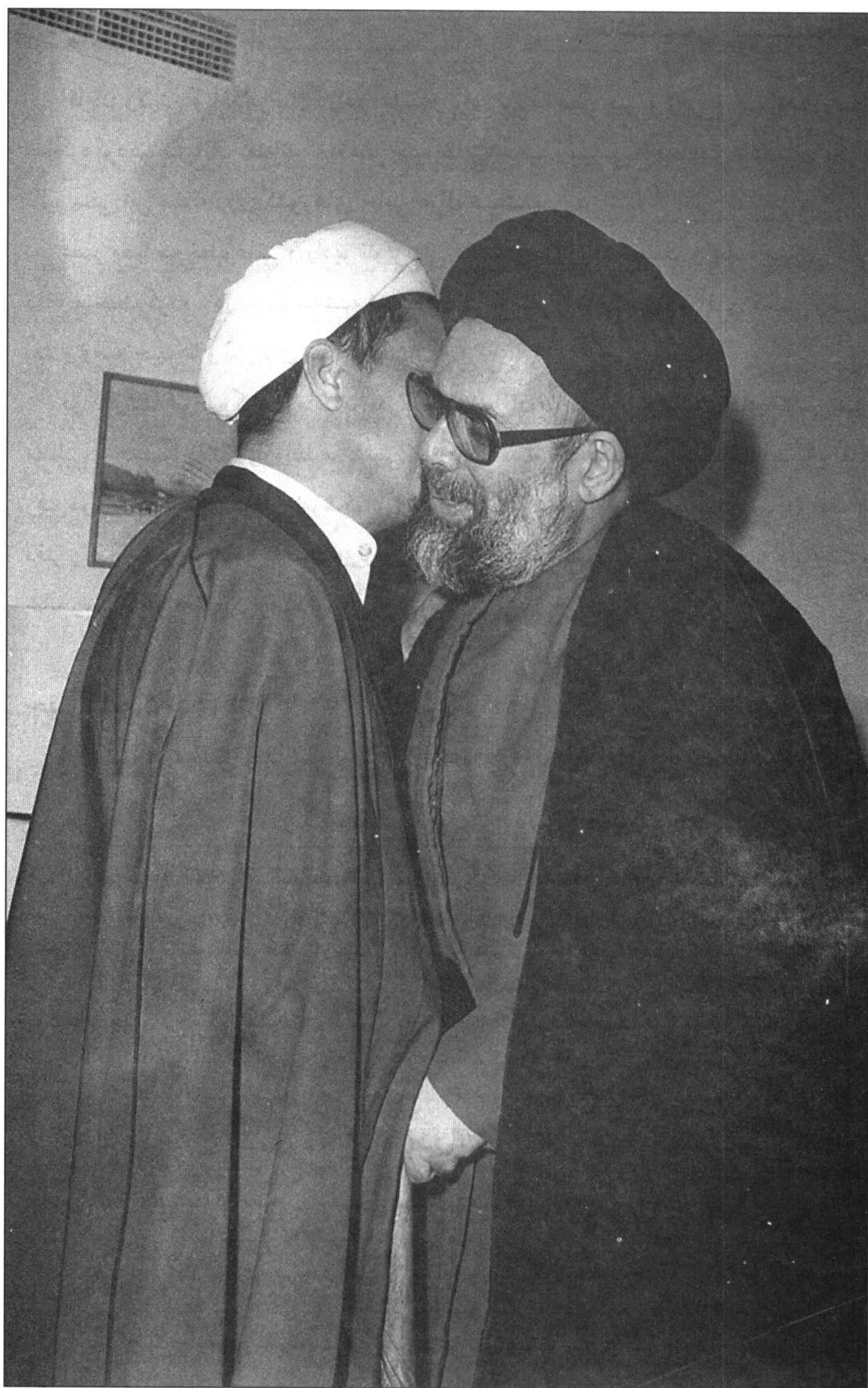
حدود ساعت چهار صبح به وقت تهران، هواپیما به فضای تهران رسید و بیدارم کردند. نماز صبح را در فرودگاه [مهرآباد] خواندیم. گفتند به تهران گفته شده دیشب ساعت یازده وارد تهران می‌شویم و مستقبلان ساعت‌ها انتظار کشیده‌اند. این بی‌نظمی هنگام ورود به لیبی و سوریه هم وجود داشت و ظاهراً مسئول آن وزارت خارجه است.

به منزل آمدیم و تا ساعت هشت صبح خوابیدیم. برای گزارش نتایج سفر به زیارت امام رفتم. امام اظهار خوشحالی کردند و فرمودند سفرهای شما خوب است ولی تا هواپیما در تهران ننشسته از نظر امنیت اضطراب دارند. به شورای عالی دفاع رفتیم. نیروی هوایی گزارشی از امکانات برای دفاع داد و مطابق معمول بیشتر روی کمبودها تکیه کردند.

ساعت آخر وقت کار مجلس رسیدم. خانواده‌های شهدای هفتم تیر مهمان مجلس بودند. بعداز دستور برای آنها صحبت کردم[1] و نماز جماعت را با آنها در کتابخانه مجلس خواندیم و برای آنها دوباره صحبت کردم. آنها ناهار مهمان مجلس بودند.

---

۱ ـ در بخشی از این سخنرانی آمده است: "من از حضور شما عزیزان در مجلس تشکر می‌کنم و از این حضور استفاده می‌کنم و شما را توصیه به صبر جمیل و تقوا می‌کنم و تذکر می‌دهم که شماها پاسدار ارزشهای بسیار والایی هستید. شخصیتهایی که در آن فاجعه از دست جمهوری اسلامی رفت، شخصیتهایی مثل شهید دکتر بهشتی و شهید محمد منتظری نمونه این انسانها و همه آنها انسانهای فوق‌العاده‌ای بودند و نمونه‌های آنها در تاریخ کم پیدا می‌شود. شما پاسدار خون ارزشهای اینها و در نتیجه پاسدار ارزشهای انقلاب هستید و غیر از وظایف معمولی که هر مسلمانی دارد، شماها وظیفه اضافی دارید و آن که منش زندگی شما و روش زندگی شما باید جوری باشد که متناسب با این ارزشها باشد". رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۴، جلد پنجم، دفترنشرمعارف‌انقلاب.



ملاقات با علمای لبنان در دمشق

آقایان ولایتی و [غلامرضا]آقازاده آمدند و برای برنامه سفر چین و ژاپن و همراهان سفر مذاکره کردیم. میزبانان گفته‌اند که به سفر جنبه نظامی ندهیم و سیاسی - اقتصادی باشد. آنها نگران تأثیر منفی این مسأله روی کشورهای حامی عراق هستند.

عصر مصاحبه مطبوعاتی و رادیو تلویزیونی داشتم و درباره نتایج سفر و جلسه شورای عالی دفاع صحبت کردم[1]. در جلسه سه‌شنبه نمایندگان نتایج سفر را توضیح دادم. آقای محسن رضایی آمد و وضع جبهه‌ها و نیازهای سپاه را گفت.

در گزارشها خواندم که سازمان امل در بیروت از زبان من درباره سرنوشت آقای موسی صدر مطالبی به هدف اخلال در روابط ما با لیبی نقل کرده است. گفتم سفارت تکذیب نماید[2]. به آقای رفیق‌دوست گفتم برای گرفتن [موشکهای] سام و اسکاد از سوریه و لیبی پیگیری نماید. شب در دفتر رئیس‌جمهور با حضور نخست‌وزیر و رئیس دیوان عالی کشور نتایج سفر را گفتم. دیر وقت به خانه رسیدم. هوا خیلی گرم است.

چهارشنبه ۵ تیر ۱۳۶۴ ۷ شوال ۱۴۰۵ 26 JUNE 1985

اول صبح به مجلس رفتم. پس از شروع جلسه، اداره آن را به آقای یزدی سپردم و برای انجام

---

۱ ـ در این مصاحبه آقای هاشمی در پاسخ به سئوالی پیرامون چگونگی محاکمه صدام و پایان جنگ ضمن تأکید مجدد بر شرایط قبلی جمهوری اسلامی ایران گفت: "ما قبلاً هم اعلام کردیم که در این مورد نخواهیم پذیرفت. دادگاهی تشکیل شود که نسبت به مقصر بودن یا نبودن صدام رسیدگی کند. این مسأله روشن است و همه از آن اطلاع دارند. کسانی که صحبت از تشکیل دادگاه می‌کنند، نخست باید اعتراف کرده و اعلام کنند که آغازگر و مسئول جنگ عراق است. وقتی این مسأله پذیرفته شد آن وقت باید بحث شود که برای کیفر و مجازات آغازگر جنگ چه کار باید کرد. ما گفتیم اگر دادگاهی مورد قبول ما باشد و اعضای آن با مشورت و قبول ما تعیین شوند، ما چیزی به‌این دادگاه دیکته نخواهیم کرد و هر کیفری که این دادگاه تعیین نماید، ما می‌پذیریم". رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، مصاحبه‌های سال ۱۳۶۴"، جلد پنجم، دفترنشرمعارف‌انقلاب.

۲ ـ در پی دیدار مفتی جعفری لبنان و هیأت جنبش امل با آقای هاشمی در دمشق، این جنبش بیانیه‌ای صادر و از نتایج این دیدار اظهار خوشوقتی کرد و مدعی شد که ایران معمرالقذافی رهبر لیبی را عامل اصلی ناپدید شدن امام موسی صدر رهبر شیعیان جنوب لبنان می‌داند و معتقد است که امام موسی صدر به دستور شخص معمرالقذافی به قتل رسیده است. آقای هاشمی در ملاقات با مسئولان جنبش امل از آنها خواست که از جریان امام موسی صدر در راه تفرقه بین مسلمین و اعراب و مسایل گروهی استفاده نکنند. از سوی دیگر آقای نبیه بری رهبر جنبش امل در پاسخ به اظهارات سرگرد عبدالسلام جلوّد در مورد توافق ایران و لیبی برای تشکیل ارتش قدس گفت: "چنین ارتشی تنها به فرماندهی امام موسی صدر که توسط حکام مزدور لیبی بازداشت شده امکان‌پذیر است و همان گونه که امام موسی صدر گفته شرافت قدس بالاتر از این است که توسط هر کسی آزاد شود و فقط مومنین می‌توانند آزاد کننده قدس باشند".

کارهای قبل از سفر به چین و ژاپن به دفترم آمد. درباره همراهان و برنامه‌ها تبادل نظرهایی شد. صیاد شیرازی آمد و گزارش برنامه‌های جنگ را داد و چون تأخیر داشت، کمی اوقات تلخی کردم و ایشان هم ناراحت شد. آقای [محسن] رضایی هم کارهایش را گفت.

بعداز ظهر به منزل رفتم. حاجیه والده هم آمده بودند؛ کمی مریض‌اند. عفت چمدان سفر را بست. محسن هم از رفسنجان آمده بود که با من به سفر بیاید. ساعت شش به فرودگاه [مهرآباد] آمدیم و مصاحبه‌ای کردم[1] و سپس با مراسم رسمی حرکت کردیم؛ با دو هواپیما و حدود ۱۰۰ نفر همراه ـ شامل ۱۲ نفر از نمایندگان مجلس و جمعی از معاونان [رئیس‌جمهور] و وزراء و وزیر امور خارجه و خبرنگاران و... ـ تمام شب در پرواز بودیم. از فضای پاکستان به آقای ضیاءالحق [رئیس‌جمهور پاکستان] پیام دوستی دادیم[2]. چون ایران با چین چهارونیم ساعت اختلاف وقت دارند، نزدیک ساعت دو بامداد آفتاب را دیدیم.

پنجشنبه ۶ تیر ۱۳۶۴   ۸ شوال ۱۴۰۵   27 JUNE 1985

ساعت هشت بامداد هواپیما در فرودگاه پکن به زمین نشست. استقبال مختصری شد و استقبال رسمی، عصر در میدان عظیم [تین آن مِن] صلح آسمانی انجام می‌شود. ما را به کاخ مهمانسرای دولتی بردند که برای رؤسای کشورها اختصاص دارد و باغ بزرگی است که از زمان امپراطوری چین مانده است، با ۱۵ ساختمان جداگانه. ما را در دو ساختمان سکونت دادند. تا عصر استراحت کردیم. ساعت سه بعداز ظهر مراسم رسمی استقبال در میدان صلح آسمانی انجام

---

۱ ـ در این مصاحبه دربارهٔ اهداف سفر آمده است: "به لحاظ روابط بین‌المللی، رفت و آمدها باید برقرار باشد و این سفر پاسخی به دعوت رسمی دو کشور چین و ژاپن است و هر دو کشور برای ما اهمیت دارند و مسایل سیاسی اقتصادی در این سفر مورد مذاکره قرار می‌گیرند. ژاپن کشوری است که از نظر تکنیک و صنعت به دلیل کوتاه شدن دست غربی‌ها، می‌تواند جای خالی آنها را در کشور ما جبران کند و چین هم با یک چهارم جمعیت دنیا یک تجربه سازندگی بعد از انقلاب را دارد و مشکلات انقلاب را تجربه کرده و می‌تواند تجارب خود را به ما انتقال دهد ضمن اینکه هر دو کشور شرقی هستند و این دو کشور، بهترین کشورهایی هستند که ما می‌توانیم با آن کار کنیم". رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، مصاحبه‌های سال ۱۳۶۴"، جلد پنجم، دفتر نشر معارف انقلاب.

۲ ـ در این پیام آمده است: "با اغتنام از فرصت پرواز بر فراز جمهوری اسلامی پاکستان، مسرت و احساسات گرم خود و همراهان را به آن جناب و ملت پاکستان تقدیم می‌دارم. ضمن آرزوی استحکام بیشتر پیوندهای برادرانه بین دو ملت و گسترش روابط حسنه و همکاریهای متقابل، توفیق جنابعالی و رفعت و نیک بختی مردم مسلمان پاکستان را از درگاه خداوند متعال مسئلت می‌نمائیم".





استقبال نخست وزیر چین از آقای هاشمی در میدان صلح آسمانی





ملاقات با زائو زیانگ نخست وزیر چین

شد. براساس نوع مراسم توپ شلیک شد و رژه خوبی انجام دادند[1]. سپس مذاکرات رسمی با نخست‌وزیر و گروهی از سران چین آغاز گردید.

در کاخ کنگره خلق که سالن‌های عظیم متعدد دارد، حدود دو ساعت درباره زمینه‌های همکاری دو کشور و نقاط اشتراک دوجانبه و بین‌المللی مذاکره کردیم و خیلی خوب برگزار شد[2].

نخست‌وزیر چین در کاخ کنگره، به هیأت ما شام داد.

سر میز شام، مذاکرات مفیدی درباره چین داشتیم. در نطقهای رسمی میز شام، من به دستاوردهای انقلاب پرداختم که برای چینی‌ها جالب افتاد و نخست‌وزیر زائوزیانگ هم حرفهای خوبی زد[3]. شام خیلی مفصل و متنوع بود. گوشتها با ذبح اسلامی تهیه شده بود. خودشان می‌گویند ۱۴ میلیون مسلمان در چین زندگی می‌کنند و ده درصد اعضای کنگره مسلمانند و معاون کنگره هم مردی مسلمان به نام "سیف‌الدین" است.

بعد از صرف شام به اقامتگاه آمدیم. مدتی هم با همراهان در سالن درباره حرفها و برنامه‌ها

۱ـ رادیو صدای آمریکا در گزارشی گفت: "دولت چین برای سفر رئیس مجلس شورای اسلامی به‌آن کشور، تشریفاتی در سطح عالی قائل شده است. این اولین مقام بلندپایه دولت آیت‌الله [امام] خمینی است که از چین دیدن می‌کند و انتظار می‌رود جنگ ایران و عراق، موضوع اصلی مذاکرات قرار گیرد. در میدان بزرگ تین آن من یا میدان صلح آسمانی پکن به احترام ورود آقای رفسنجانی ۱۹ تیر شلیک شد و آقای زائوزیانگ نخست‌وزیر چین از وی رسماً استقبال به‌عمل آورد. چین سعی داشته است در پایان بخشیدن به جنگ پنج ساله ایران و عراق نقش دیپلماتیک محدودی داشته باشد. چین نسبت به بحران ایران و عراق حالت بی طرفی گرفته اما گفته می‌شود موافقت کرده است در برابر دریافت نفت و وجه نقد به ارزش یک میلیارد و پانصد میلیون دلار اسلحه در اختیار ایران قرار دهد. بنابر گزارشها سلاحها شامل دوازده جت جنگنده و دویست تانک خواهد بود".

۲ـ در این مذاکرات آقای زائوزیانگ نخست‌وزیر چین ضمن تجلیل و استقبال از موضع دولت جمهوری اسلامی ایران، مبنی بر عدم تعهد و مبارزه علیه سلطه خارجی گفت: "چین و ایران در پیروی از سیاست خارجی مستقل و مبارزه علیه سلطه ابرقدرتها وجوه مشترک بسیار مهمی دارند که این وجوه، پایه و اساس برقراری روابط و پیشرفت مناسبات دوستی و همکاری دو کشور را تشکیل می‌دهد".

۳ـ نخست‌وزیر چین گفت: "عالیجناب نخستین مقام مسئول ایرانی هستند که بعد از انقلاب اسلامی ایران از چین بازدید می‌کنند. اجازه بفرمایید به نمایندگی از طرف کمیته دائمی کنگره ملی خلق، شورای دوستی ملت چین و همچنین از طرف خودم به شما و کلیه میهمانان عالیقدر به گرمی خیر مقدم بگویم. مردم زحمتکش و پر استعداد ایران با آفریدن تمدنی درخشان، سهم برجسته‌ای برای تمدن بشر ادا کردند. طی قرون متمادی ملت ایران برای کسب و حفظ استقلال و حیثیت ملی خویش به مبارزه شجاعانه و سرسختانه مبادرت ورزید. در فوریه سال ۱۹۷۹ (بهمن ماه ۱۳۵۷) ملت ایران تحت رهبری «امام خمینی» با سرنگون ساختن رژیم سلطنتی پهلوی، صفحه جدیدی در تاریخ ایران گشود. طی شش سال و اندی مقامات جمهوری اسلامی ایران برای توسعه اقتصاد ملی و بهبود زندگی مردم کوششهای خستگی ناپذیری را به خرج داده و قرین موفقیت‌های بارزی شده‌اند. دولت و ملت چین از موفقیتهایی که نصیب ملت ایران شده از صمیم دل مسرورند و امیدوارند که مردم ایران در راه پیشرفت خود به موفقیتهای جدید و باز هم بزرگتری نایل آید".



دومین دور مذاکرات با مقامات چین



میهمانی شام در چین



دیدار صمیمی با رهبر چین



هدیه رهبر چین به آقای هاشمی اکنون در موزه رفسنجان نگهداری می شود

مشورت کردیم. مقداری به تماشای تلویزیون پرداختم. فرهنگ غرب دارد چین را تسخیر می‌کند و گام جدید به رهبری تینگ شیائوپینگ، آزادی زیادی از لحاظ فرهنگی و اقتصادی به مردم داده است. آنها به طرف سرمایه‌داری می‌روند. درهای چین برای رفت و آمد باز شده و سرمایه‌گذاری‌های داخلی و خارجی در این کشور معمول شده است. نشانه‌هایی از تهاجم فرهنگ غرب در چین دیده می‌شود.

جمعه ۷ تیر ۱۳۶۴ ۹ شوال ۱۴۰۵ 28 JUNE 1985

هنگام اذان برای نماز صبح بیدار شدم و تا ساعت هشت خوابیدم. مقداری وقت صرف نوشتن خاطرات کردم. برای ملاقات با رئیس‌جمهور لی شیانیان آماده شدم. یک ربع ساعت دیر شد. خبرگزاری یونایتدپرس از این تأخیر سوء استفاده کرد و این خبر را روی تلکس بُرد که من به خاطر مرض سرطان معده در بیمارستانی در چین بستری شده‌ام. این خبر مثل بمب در دنیا منفجر شد. نمی‌دانم این خبرگزاری چه فکری برای اعتبار و آبروی خود کرده است؛ لابد حساب شده است[1].

ملاقات با رئیس‌جمهور بیشتر به تعارف و حرفهای معمولی گذشت. در چین، رئیس‌جمهور مقام تشریفاتی است. آقایان ولایتی و آقازاده هم با همتاهای خود ملاقات کردند و راضی بودند. سپس به ملاقات آقای پنگ‌زین رئیس کنگره رفتیم و مذاکرات گرمی درباره استراتژی ابرقدرتها در ایجاد جنگ‌های منطقه‌ای و کانونهای نزاع برای بهره‌برداری و سوء استفاده‌های فراوان و

۱ ـ خبرگزاری آمریکایی یونایتدپرس در یک خبر فوری از پکن گزارش داد: "یک دیپلمات ایرانی گفته است اکبر هاشمی رفسنجانی رئیس مجلس ایران، امروز جمعه در ارتباط با ناراحتی ناشی از سرطان معده در یک بیمارستان نظامی چین تحت مداوا قرار گرفته است. این دیپلمات ایرانی به یونایتدپرس گفت: او اکنون در یک بیمارستان نظامی به سر می‌برد و دارای سرطان معده است. وی در جواب این سئوال که آقای رفسنجانی چه موقع وارد بیمارستان شده و اینکه آیا وضع او وخیم است، گفت: "نمی‌توانم بیش از این چیزی به شما بگویم". این دیپلمات تأکید کرد که تمامی قرار ملاقاتهای وی لغو شده است. آقای رفسنجانی رئیس مجلس، رئیس دفاع و مرد شماره ۲ ایران پس از آیت‌الله روح‌الله خمینی رهبر روحانی ایران است". این خبرگزاری ساعتی بعد اعلام کرد: "علیرغم گزارش قبلی یک دیپلمات ایرانی مبنی بر اینکه آقای رفسنجانی برای مداوای سرطان معده در یک بیمارستان پکن بستری است، وی با نیم ساعت تأخیر برای ملاقات با آقای لی شیان یان رئیس‌جمهور چین حاضر شد. در این حال یک دیپلمات دیگر ایران، ضمن تکذیب خبر بیماری آقای رفسنجانی اعلام کرد که وی طبق برنامه قبلی، سفر رسمی خود را دنبال خواهد کرد".

تضعیف جهان سوم داشتیم[1]. از شوروی خیلی ناراحتند و نسبت به آن حساسیت دارند. آنها سه مسأله افغانستان، کامبوج و نیروهای شوروی در مرز چین را مانع بهبود روابط می‌دانند.

آقای پنگ‌زین به افتخار ما مهمانی ناهار داد. سر میز ناهار اطلاعات زیادی نسبت به چین کسب کردم. معمولاً در بین راه هَم وزیر بهداری چین با یک مترجم در اتومبیل من است و به سئوالاتم خوب پاسخ می‌دهد. خیلی چیزها را پرسیده‌ام. می‌گویند درآمد مردم در ماه بین چهل یوآن تا هزار یوآن متغیر است. یک کارگر ساده چهل یوآن می‌گیرد ولی یک هنرمند یا نویسنده یا مدیر کارخانه ممکن است تا هزار یوآن بگیرد. رهبران و رؤسای طراز اول، ماهیانه چهار صد یوان درآمد به علاوه مسکن و یا ماشین و... و وزرا سیصد یوآن درآمد دارند. یوآن ـ واحد پول چین ـ مساوی است با ۳۵ درصد یک دلار. آنها مدعیند در چین درآمد روستائیان از شهرنشین‌ها بیشتر است.

شنبه ۸ تیر ۱۳۶۴ ۱۰ شوال ۱۴۰۵ 29 JUNE 1985

بعد از صبحانه که معمولا ساعت هشت صبح صرف می‌شود، برای دیدن «شهر ممنوعه» مجموعه کاخهای امپراطوری سابق چین ـ که اسکلت آنها از چوب است ـ رفتیم و گفتند مجموعاً مساحت آن هفتاد هکتار و تعداد اتاقها ۹ هزار است و توضیحاتی هم دادند. در آخر از دو نفر از خانمهای کارکن کاخها، توضیحاتی درباره زندگی و وظایف و تکالیفشان گرفتیم.

سپس به دیدار آقای تنگ شیائوپینگ رهبر چین رفتیم و یک ساعت مذاکره کردیم[2]. درباره فروش اسلحه در زمان جنگ قول صریح نداد، ولی خیلی تمایل به توسعه روابط اقتصادی دارند و

---

۱ ـ در این ملاقات آقای پنگ زین رئیس مجلس ملی خلق چین گفت: "مخالفت با سلطه ابرقدرتها یکی از وجوه مشترک چین و ایران است و ما نیز عقیده داریم که کشورهای جهان سوم باید در جهت مقابله با ابرقدرتها با یکدیگر همکاری نمایند. امیدوارم همکاری میان ایران و چین در همه زمینه‌ها به‌طور شایسته‌ای گسترش یابد و چین همواره یک دوست مطمئن برای ایران خواهد بود." آقای هاشمی نیز با ارائه تحلیلی وقوع جنگ جهانی سوم با وسعت زیاد را بعید دانسته و گفت که استراتژی ابرقدرتها به جای مقابله رو در رو میان خود، بر مبنای ایجاد جنگهای محدود در میان کشورهای جهان سوم قرار دارد".

۲ ـ در این ملاقات آقای تنگ شیائوپینگ ضمن خوشامدگویی به هیأت ایرانی ابراز امیدواری کرد که در آینده این رفت و آمدها بیشتر شود تا یکدیگر را بیشتر بشناسند و دوستی‌ها با این شناسایی تقویت شود. او گفت: "کشور شما کشور کوچکی نیست و ما اطلاع داریم شما یک کشور باستانی هستید و ما در زمانهای بسیار قدیم با هم همکاری داشته‌ایم. کشور ما جمعیت زیادی دارد و شناخت آن کار ساده‌ای نیست. به همین علت از دوستان ایرانی، خواهش می‌کنیم بیشتر به کشور ما بیایند".

به ارز نیازمندند.

سپس یک مصاحبه مطبوعاتی در همان کاخ کنگره خلق برگزار شد که حدود یک ساعت و نیم طول کشید و راجع به جنگ و تروریسم و نتایج سفر به چین و روابط با آمریکا و ... به سوالات خبرنگاران جواب دادیم[1]. ناهار و نماز در اقامتگاه انجام شد و پس از آن به دیدار دیوار معروف چین رفتیم. مسیر راه که با ماشین طی شد، سر سبز و کوهستانی است و رفت و برگشت دوساعت و نیم وقت برد.

کمی استراحت کردیم و به کاخ کنگره برای ملاقات با سفرای مقیم پکن رفتیم. بعد از معارفه برای آنها درباره سیاست خارجی ایران توضیحاتی دادم و بر سیاست مستقل و آزاد از اعمال نفوذ قدرتهای بزرگ تکیه کردم. از آنجا به سفارتمان رفتیم. شام را در سفارت خوردیم و ساعتی با کارکنان سفارت و دانشجویان ایرانی و... مذاکره کردیم و به مشکلات آنها رسیدگی کردیم و شب به اقامتگاه برگشتیم.

یکشنبه ۹ تیر ۱۳۶۴ | ۱۱ شوال ۱۴۰۵ | 30 JUNE 1985

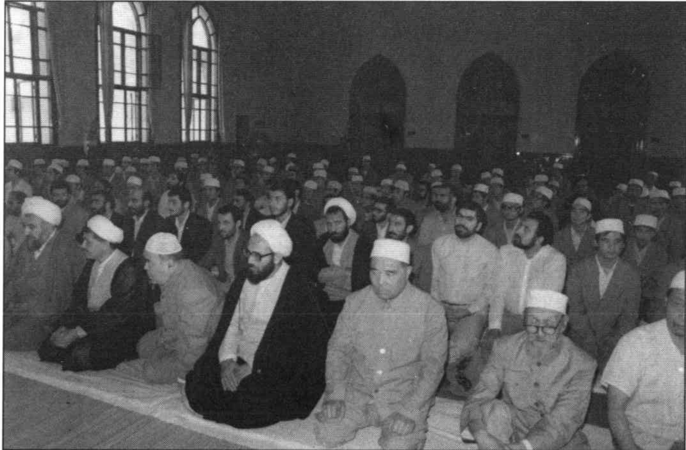
آقای [ژائوزیانگ] نخست‌وزیر چین ساعت هشت و نیم صبح برای ملاقات آخر و خداحافظی به اقامتگاه آمد. تفاهم نامه همکاری توسط [غلامرضا]آقازاده معاون نخست‌وزیر و همتای ایشان امضاء شد. مذاکرات رسمی انجام گردید و سپس با درخواست من جلسه خصوصی شد. درباره گرفتن موشکها صحبت کردیم. او موافقت کرد و فوریت تحویل را پذیرفت.

---

۱ ـ در این مصاحبه آقای هاشمی در پاسخ به سئوال خبرنگار «نیویورک تایمز» که پرسید، با توجه به اینکه فرصتهای کمی برای ملاقات با رهبران ایرانی داشته‌ایم، نظر حضرتعالی برای از بین بردن خشونت بین ایران با آمریکا چیست و آیا آمریکا تا ابد شیطان بزرگ باقی می‌ماند، گفت: "این مربوط به آمریکایی هاست. ما که با آمریکا بد رفتار نکرده بودیم. آمریکایی‌ها در زمان شاه با ما بد رفتار کردند و خیلی به مردم ما صدمه زدند. بعد از انقلاب دشمنی آمریکایی‌ها بیشتر شد. آنها مسئول شرارتهای شاه بودند. سفارت آمریکا مرکز توطئه علیه کشور ما شده بود. این همه اموال را که در آمریکا و در اعضای خانواده‌های سلطنتی است، پس نداده‌اند. به قراردادها عمل نکردند و عراق را وادار کردند که علیه ما وارد جنگ شود. ما نمی‌دانیم تا ابد رابطه ما با آمریکا بد باشد، ولی آمریکا باید پیشقدم شود و زمینه به وجود آید که البته یک کار طولانی خواهد بود". رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، مصاحبه‌های سال ۱۳۶۴، جلد پنجم، دفترنشرمعارف انقلاب.




امضای دفتر یادبود مسجد جامع شهر پکن




شرکت در مراسم نماز جمعه در موسسه علوم اسلامی‌شهر پکن



ملاقات با پنگ زین رئیس مجلس ملی خلق چین



با آقای نخست‌وزیر خداحافظی کردیم و به فرودگاه آمدیم. سپس با یک هواپیمای چینی به شهر شی‌آن[1] [واقع در ۸۰۰ کیلومتری جنوب غربی پکن] رفتیم. همراهان از موفقیت کامل سفر خوشحال هستند و چینی‌ها نیز[2].

مقامات شهر در فرودگاه به استقبال آمدند. به هتل استانداری رفتیم. کمی استراحت کردیم و پس از ناهار و نماز برای دیدن مجسمه‌های شش هزار گارد امپراطوران سابق‌شان به چهل کیلومتری شهر رفتیم. منطقه سر سبز و بسیار مستعد برای کشاورزی است. می‌گویند از زمین سالی دو بار محصول می‌گیرند. در سال هزار میلی‌متر باران دارند. این زمین‌ها از حالت کُمون در آمده و بین کشاورزان تقسیم شده و لذا بازده آن بالا رفته است. قبلاً فیلم مجسمه‌های شان را در سریال جاده ابریشم دیده بودم.

عصر از موزه [کوین تراکوتا] و مسجد [جامع] مسلمانان دیدن کردیم. مسجد جالبی است که پس از انقلاب [چین] مخروبه شده و آن را دارند بازسازی می‌کنند. با مسلمانان و امام جماعت مدتی مذاکره کردیم. مسجد خیلی وسیع و مربوط به قرن هفتم است. گفتند حدود ده مسجد در این شهر است و این دلیل حضور وسیع اسلام در گذشته است. فعلاً حدود پنجاه هزار مسلمان در شی‌آن زندگی می‌کنند.

در خیابان‌ها مردم زیادی در دوطرف خیابان برای تماشا آمده بودند. روز تعطیل است و مردم بیکار هستند. ظاهر مردم تمیز و یکنواخت است. باران می‌بارد و خیلی از مردم چتر داشتند. استاندار به افتخار ما شام داد. سر میز شام صحبت کردیم. اعلام کردند که گوشتها با ذبح اسلامی است. تلگرافی از نخست‌وزیر چین در تشکر از سفر ما و نتایج سفر دریافت کردیم[3]. شب در هتل

---

۱ ـ شهر شی‌آن در ایالت «شانک سی» قرار دارد و مبدا جادهٔ تاریخی ابریشم محسوب می‌شود و بیش از ۱۱ قرن پایتخت امپراطوری‌های چین بوده است. آقای هاشمی و هیأت همراه در این شهر از موزه جنگجویان و اسبهای تراتورا و مسجد جامع شی‌آن - قدیمی‌ترین مسجد چین - که حدود ۱۳۰۰ سال قدمت دارد، دیدن کردند.

۲ ـ سفر آقای هاشمی به چین را به نوعی می‌توان استراتژی بهره‌برداری از قدرت سوم برای کاستن از فشارهای دو ابرقدرت بر ایران تصور کرد. امضا تفاهم‌نامه توسعه همکاریهای اقتصادی، بازرگانی و فنی میان ایران و چین و ابراز علاقه به همکاریهای مشترک دراز مدت مانند سدسازی، بندرسازی، صنایع سبک و شیلات، راه را برای یک رابطه مستقل از ابر قدرتها و برمبنای منافع متقابل فراهم ساخت.

۳ ـ در این تلگرام آقای ژائوزیانگ، مذاکرات را بسیار مفید و ثمربخش و موجب تحرک در روابط حسنه میان دوکشور دانست و از آقای هاشمی خواست تا در مراجعت به‌ایران، سلام بسیار گرم آنان را به حضور حضرت امام خمینی و سایر مسئولین ایران ابلاغ کند و احساسات مودت‌آمیز ملت چین را به اطلاع ملت ایران برساند.

ماندیم. عده‌ای از همراهان برای خرید به فروشگاههای شهر رفتند.

دوشنبه ۱۰ تیر ۱۳۶۴ — ۱۲ شوال ۱۴۰۵ — 1 JULY 1985

بعد از نماز و کمی ورزش، صبحانه در اتاق صرف شد و سپس به فرودگاه رفتیم. با دو هواپیمای چینی به شانگهای رفتیم یک ساعت و چهل و پنج دقیقه در راه بودیم. در فرودگاه شانگهای شهردار به استقبال آمد و حدود یک ساعت معطل شدیم تا هواپیماهای خودمان از پکن رسیدند و آماده پرواز شدند.

با یک ساعت تأخیر به طرف ژاپن حرکت کردیم. ساعت دو بعدازظهر به وقت ژاپن در فرودگاه هاندا پیاده شدیم. آقای [شینتارو] آبه وزیر خارجه به استقبال آمده بود. به کاخ آکاساکا رفتیم. حدود بیست نفر از همراهان را اینجا پذیرفتند و بقیه در هتل پذیرائی می‌شوند. در میدان کاخ، مراسم رسمی سان و رژه به عمل آمد ودر بین راه خیابان‌های مسیر را بسته و پلیس را در دو طرف جاده مستقر کرده بودند[1].

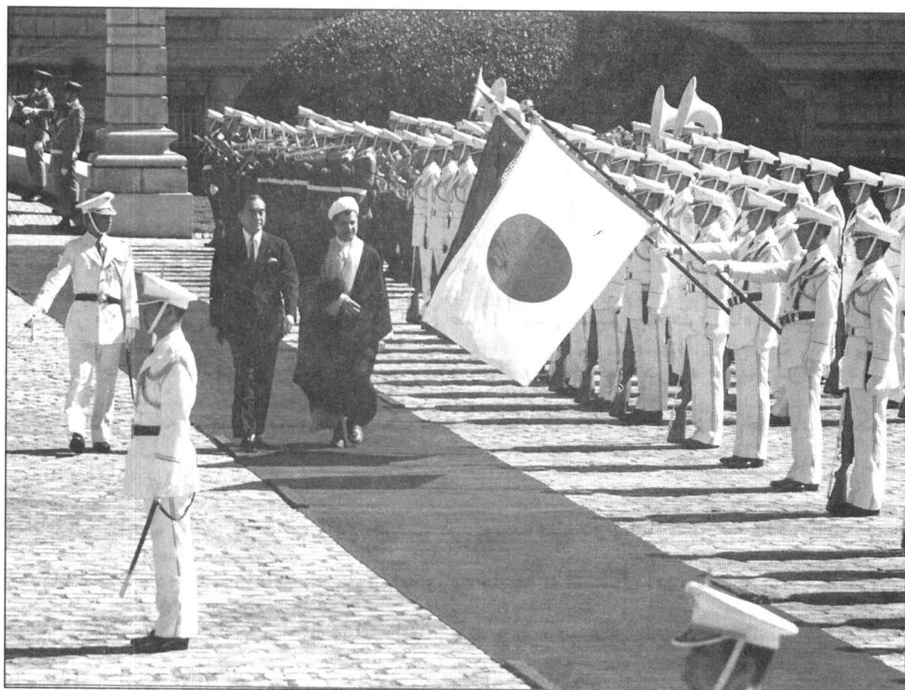
یک ساعت با نخست‌وزیر ژاپن و همراهانش با جمعی از همراهان من مذاکره کردیم و درباره روابط اقتصادی و سیاسی و جنگ و تروریسم و افغانستان و اسرائیل و آمریکا هم حرف زدیم. قرار شد وزرای مربوطه مذاکرات ما را تعقیب کنند.

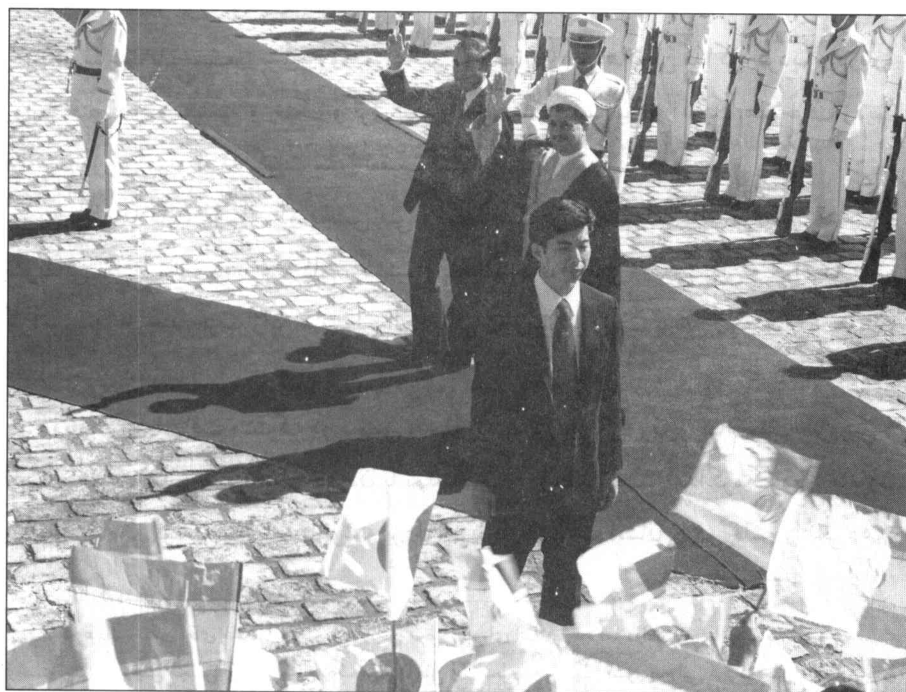
سپس به ملاقات رؤسای دو مجلس ملی و سنا رفتیم. در مراسم جداگانه حرفهای خشک و تشریفاتی مطرح شد و دوباره به کاخ برگشتیم و با نمایندگان انجمن دوستی ژاپن و ایران ملاقات کردیم. آنها از چند حزب ژاپن مانند لیبرال دموکرات و سوسیالیست بودند و گفتند ۹۶ نماینده عضو انجمن هستند.

دوباره برای ضیافت مشترک دو مجلس به سالن پذیرائی پارلمانِ رفتیم. شام سلف سرویس و ایستاده صرف شد و ضمن شام خوردن با نمایندگان و رؤسای مجلس مذاکره کردیم. معاون پارلمان خانمی بود که روزنامه‌ها نوشته بودند من اجازه شرکت ایشان را در جلسه را نمی‌دهم؛

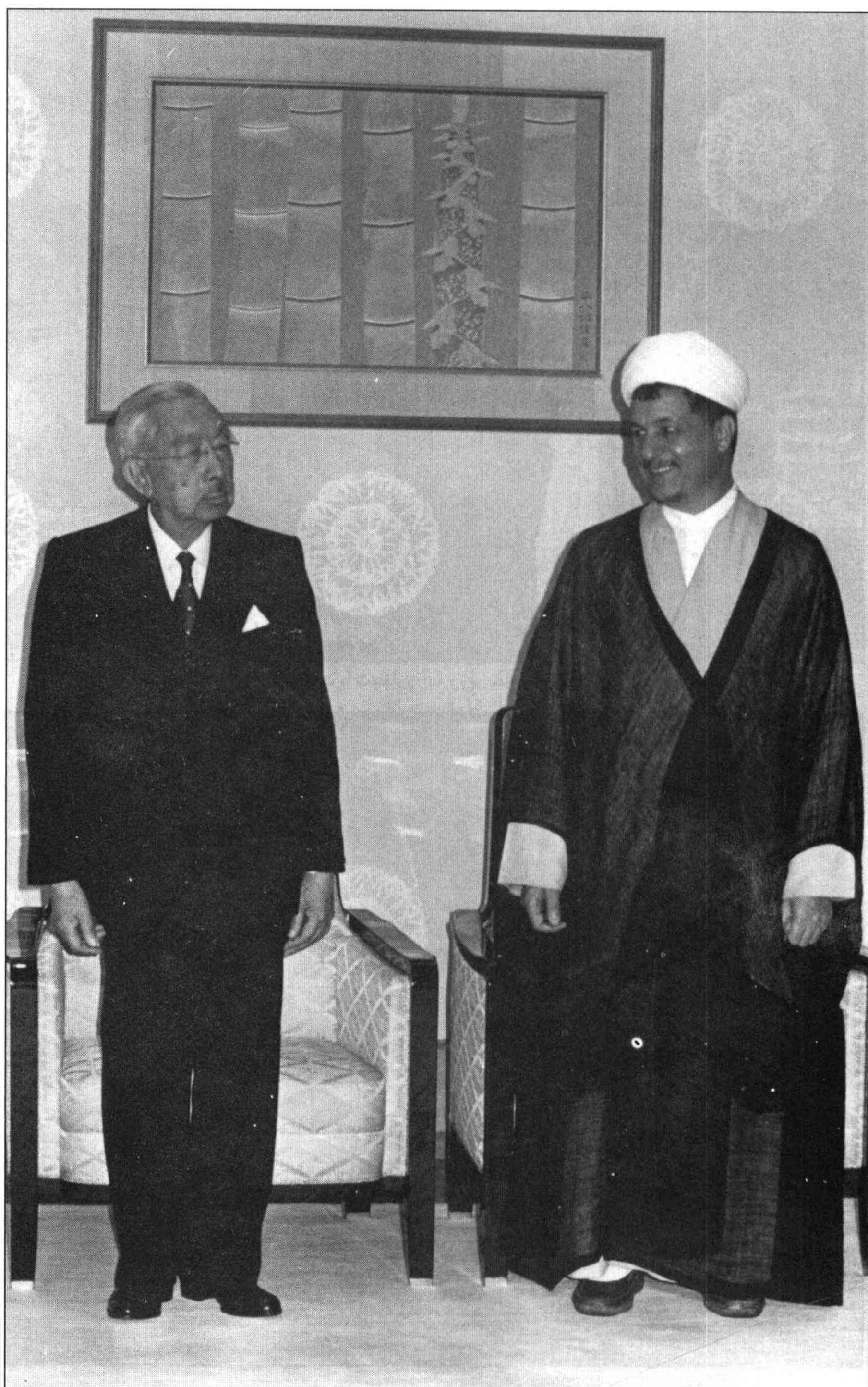
---

۱ ـ اگرچه عنوان رسمی آقای هاشمی رفسنجانی، رئیس مجلس شورای اسلامی بود اما دولت ژاپن با توجه به نفوذ و شخصیت برجسته ایشان از رئیس مجلس ایران به عنوان یک میهمان ملی و در سطح یک رئیس کشور پذیرایی کرد که چنین استقبالی برای رئیس مجلس یک کشور در ژاپن بسیار کم سابقه بوده است.





مراسم استقبال رسمی در میدان مقابل کاخ آکاسا در توکیو



ملاقات با امپراطور ژاپن



ملاقات با شینتارو آبه وزیر خارجه ژاپن



مخصوصاً با او حرف زدم که رفع شیطنت شود.

به کاخ آمدیم و با اعضای هیأت، درباره بقیه برنامه‌ها مشورت کردیم. دیدار از دو کارخانه گذاشته بودند که حذف کردیم و ضیافت ناهار در فدراسیون سازمان اقتصادی ژاپن نیز حذف شد و مصاحبه مطبوعاتی را که در کلوپ خبرنگاران گذاشته بودند، قرار شد به کاخ بیاورند. با تهران تماس گرفتیم که خبر مهمی نبود. هنوز زدن شهرها شروع نشده و لیبی و سوریه هم هنوز به قول خود [برای تحویل موشک]، وفا نکرده‌اند.

سه شنبه ۱۱ تیر ۱۳۶۴ ۱۳ شوال ۱۴۰۵ 2 JULY 1985

دیشب بعضی از برنامه‌های غیر ضرور از قبیل دیدار از کارخانه‌ها و ضیافت فدراسیون سازمانهای اقتصادی حذف شد. لذا پیش از ظهر، کار کمی داشتم و بیشتر در کاخ ماندم. تلفنی با آقای رئیس‌جمهور و رفیق‌دوست [وزیر سپاه] صحبت کردم، گفت لیبی و سوریه به وعده‌هایشان عمل نکرده‌اند. مقدمات جنگ شهرها از طرف عراق شروع شده است.

ساعت یازده به ملاقات [آقای هیروهیتو] امپراتور ژاپن رفتیم. مرد ساده و متواضعی است. پیر مرد است و ۸۶ سال دارد. بیش از شصت سال است که امپراتور است. ولیعهدش هم در انتظار پیر شده است. برادر زاده‌اش هم که شاهزاده است، حضور داشتند. ناهار مهمان ایشان بودیم. طبیعت شاهی ندارد و مثل یک آدم معمولی است.

عصر از کارخانه خودرو سازی زاما متعلق به [خودروسازی] نیسان دیدار کردیم. این کارخانه تمام اتوماتیک است و اخیراً با ایران قرار داد ساخت نیسان وانت در ایران بسته‌اند[1].

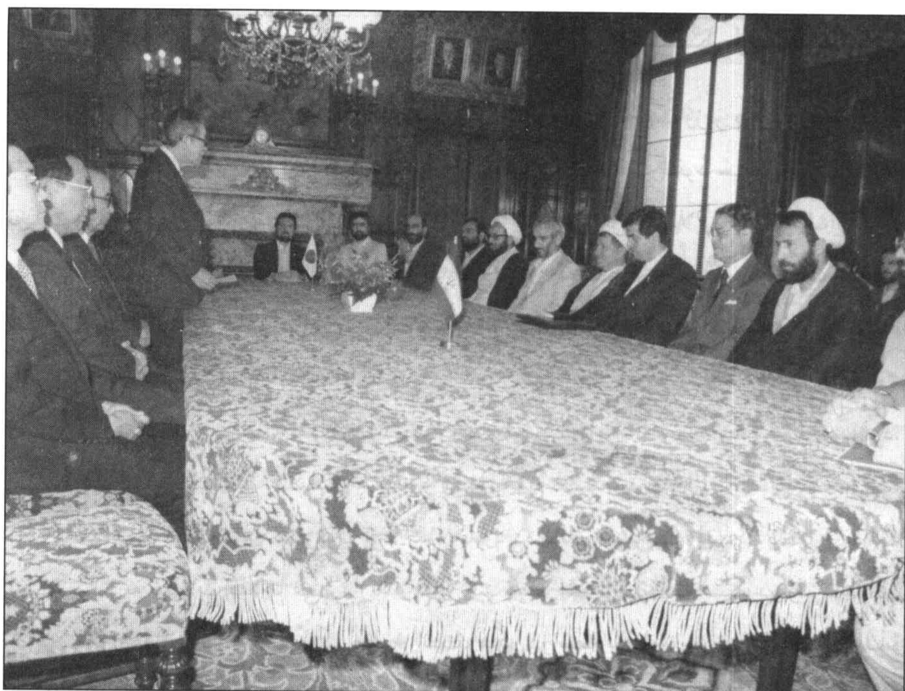
در محل اقامتم با آقای [شینتارو] آبه وزیر خارجه ژاپن ملاقات داشتیم. روابط دو جانبه،

---

۱ ـ در این دیدار آقای هاشمی در مورد وضع کارخانه، میزان سهام و سود و پرداخت مالیات و زندگی کارگران سئوالاتی کرد که در هر مورد توضیحاتی داده شد. آنگاه ایشان در سخنانی خطاب به کارگران نیسان ژاپن گفت: "من به عنوان مهمان شما می‌خواهم یک توصیه انسانی کنم. من احساسات دنیای مصرف کننده شما را خوب می‌دانم. خوب است سعی کنید به جهان، تکنیک را منتقل کنید، برای اینکه آن‌ها برای همیشه مصرف کننده و فقیر باقی نمی‌مانند. سود کمتر اما با رضایت و اعتماد مردم دنیا، اعتبار بیشتری دارد و با سود بیشتر و غارت کردن مردم، به‌خطر خواهید افتاد، چون مردم دنیا را زیاد نمی‌شود غارت کرد. اعتماد به مردم دنیا به خصوص به مردم فقیر و مستضعف، بهترین وسیله برای اداره کارخانه است و ژاپن، حتماً تجربه استعمار غرب را تکرار نخواهد کرد".



ملاقات با نخست وزیر ژاپن





دیدارهیئت پارلمانی‌ایران و ژاپن

جنگ، تروریسم، شوروی و افغانستان مذاکره شد[1]. شام مهمان نخست‌وزیر بودیم. چهره‌های سیاسی و اقتصادی ژاپن هم بودند. می‌گویند حکومت ژاپن تحت نفوذ سرمایه‌داران است. نخست‌وزیر از روی نوشته، سخنرانی معمولی و تشریفاتی کرد و من مفصلاً درباره انقلاب و ایران بعد از انقلاب و اهداف و دستاوردهای انقلاب اسلامی و جنگ و تروریسم و ... صحبت کردم و آنها را تحت تأثیر قرار دادم[2]. ژاپنیها از لغو برنامه فدراسیون سازمانهای اقتصادی ناراحتند، بنابراین تصمیم گرفتیم به برنامه عمل کنیم.

در مذاکرات با همراهان تشریفات در بین راه معلوم شد ژاپن از کمبود مسکن رنج می‌برد. کارکنان دولت در تنگنای اقتصادی هستند و وضع بخش خصوصی بهتر است. تا ساعت دوازده شب به تماشای برنامه‌های تلویزیون پرداختم. حدود ده کانال تلویزیون ژاپن که رنگی و جالب است، بیشتر به تبلیغات کالاها می‌پردازند و همه چیز تحت‌الشعاع تبلیغات است. در ژاپن اهداف خاص فکری و انسانی و مکتبی کم مطرح است، مگر در سطح رفاه و لذّت. تز اصالة اللذة [اصالت لذت] حاکم است و اینکه نمی‌توانیم از دنیا ببَریم.

در مراسم و معاشرت‌ها معمولاً مشکل داریم. حکم مصافحه [دست دادن] و غذا از مشکلات معاشرت، به خصوص در مهمانیها است. حرمت ذبح غیر اسلامی مشکل دیگر است، گرچه در چین

۱ـ در این ملاقات آقای شینتاروآبه وزیر خارجه ژاپن با اشاره به روند رو به گسترش دو کشور و مثبت دانستن ملاقاتهایی که از دو سال پیش تاکنون با آقای ولایتی داشته است، اظهار داشت: "ژاپن آماده است در احداث پروژه‌ها و طرحهای مربوط به سازندگی خصوصاً در زمینه همکاریهای فنی، نقش بزرگی داشته باشد. همچنین امیدوارم که با رفع مشکلات، کار تکمیل پروژه پتروشیمی به اتمام برسد". آقای هاشمی نیز نقش مثبت وزیر خارجه ژاپن در گسترش و تحکیم روابط دو کشور را ستود و گفت: "ما فکر می‌کنیم ایران و ژاپن می‌توانند در ابعاد زیادی مکمل اقتصاد یکدیگر باشند، به شرطی که همکاریها همه جانبه و حساب شده باشد و بتواند منافع هر دو ملت را تأمین کند".

۲ ـ در بخشی از این سخنرانی آمده است: "ملت ایران تشخیص داده که شریک آینده‌اش در سازندگی می‌توانند مردم ژاپن باشند. ملت ما از کشورهای صنعتی غرب رنجیده است و به آنها اطمینان ندارد ولی از کشور شما تا به حال جز خوبی چیزی ندیده‌ایم. در ایران زمینه‌های عظیمی برای فعالیتهای اقتصادی وجود دارد. صنعت شیلات ما هنوز بکر است، صنعت خودروسازی یک رشته بسیار قوی در ایران است. برای نوسازی و توسعه راه آهن، ژاپن در ایران خیلی کار می‌تواند بکند. معادن ایران در وسعت و تنوع در دنیا کم نظیر است. گاز ایران دومین منبع گاز دنیا بعد از شوروی است. آبهای فراوان باید مهار شوند و انرژی تولید کنند و کشاورزی را احیا نمایند. تنها در یک رودخانه ما می‌توان ۹ سد عظیم بست و برق تولید کرد. چند شهر ما احتیاج به مترو دارد و به نیروگاه‌های حرارتی بسیار نیازمندیم. کار در ایران خیلی زیاد است که در زمان شاه نشده، ما حاضریم در انجام اینها با ژاپن شریک شویم. شما به ما تکنولوژی بدهید و ما هم امکانات خودمان را به‌طور عادلانه در اختیار شما می‌گذاریم. نفت که مهمترین ماده مورد نیاز شماست، متناسب با پالایشگاه‌های شما به اندازهٔ کافی در مخازن ما وجود دارد و ما می‌دانیم مدیران ژاپنی عاقل و آینده‌نگر هستند". رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۴، جلد پنجم، دفترنشرمعارف‌انقلاب.

و ژاپن به ما می‌گویند که گوشتهای با ذبح اسلامی در مهمانیها مصرف می‌کنند. مخصوصاً با تنوع غذاها، بیشتر از گوشت ماهی که در مهمانی‌های شرقی به وفور وجود دارد، استفاده می‌کنم و بعضی از همراهان نان و کره می‌خورند.

مشکل دیگرمان اجتناب از معاشرت با خانمهاست که در زندگی امروز دنیا اجتناب ناپذیر است. برای میزبانان هم مشکلات زیادی دارد، چون باید سنن و عادات خود را در معاشرت با زنان کنار بگذارند؛ لابد خانمها هم می‌رنجند و برخورد می‌نمایند. توجیه هم نمی‌توانیم بنمائیم.

اگر خانمی در اجتماعات بیاید چون مصافحه [= دست دادن] با آنان نمی‌کنیم، لابد احساس حقارت می‌کنند. شاید هم در فکر بخشی از مسلمانان اثر مثبت داشته باشد، زیرا آنها می‌دانند که نوع معاشرت امروز زن و مرد در دنیای غرب زده منطقی نیست. ولی بی شک اکثریت آنها این وضع ما را نمی‌پسندند. در ژاپن هم به ادعای نخست‌وزیر ۷۰ درصد مردم بودائی و ۵ درصد شینتو و جمعی هم مسیحی و مسلمان هستند ولی مذهب آنها مثل اسلام، حاکم بر زندگی نیست و فقط اسمی است.

چهارشنبه ۱۲ تیر ۱۳۶۴ ۱۴ شوال ۱۴۰۵ 3 JULY 1985

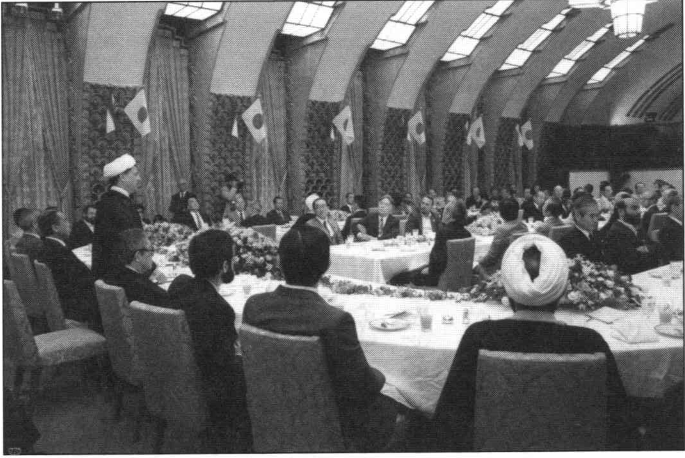
مهدی را بیدار کردم که صبحانه بخورد و با بچه‌ها دنبال کارش برود. حسن فرزند احمدآقا هم مثل بچه‌های من ـ یاسر و مهدی ـ همراه ما بود. کمی ورزش کردم و بعد از استحمام مقداری تلویزیون تماشا کردم. یک کانال تلویزیون ژاپن در اختیار آمریکایی‌ها است و برنامه‌های جالب به زبان انگلیسی دارد و این روزها درباره تروریسم به مناسبت آزاد شدن مسافران هواپیمای ربوده شده آمریکایی در لبنان، تهاجم تبلیغاتی دارند[1].

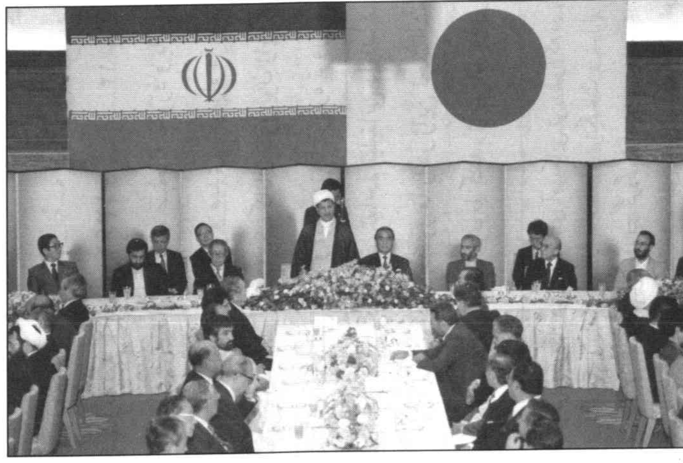
لابد می‌خواهند حضور ما را در ژاپن تحت‌الشعاع قرار دهند و به نحوی جریان را از طریق شیعه و جهاد اسلامی به ما مربوط کنند. ژاپنی‌ها برای اینکه زهر قضیه را بگیرند از ما می‌خواهند که

---

۱ ـ ماجرای گروگان‌گیری هواپیمای آمریکایی تی.دبلیو.اِ که در تاریخ ۲۴ خرداد مصادف با روز جهانی قدس شروع شد، بحرانی را در آمریکا و نظام بین‌المللی و منطقه‌ای برانگیخت و پس از هجده روز با آزادسازی گروگانها خاتمه یافت. رونالد ریگان رئیس‌جمهور آمریکا پس از آزادی گروگانها گفت: "تروریست‌ها آگاه باشید ما علیه شما در لبنان و هر جای دیگر جهان خواهیم جنگید. ما علیه حملات بزدلانه شما علیه مردم خود به مقابله بر خواهیم خاست. آمریکا به تروریست‌ها نه پاداش و نه تضمین داده و نه با آنها مصالحه می‌کند. کشورهایی که از تروریست‌ها حمایت می‌کنند، ثبات و مردم خود را به مخاطره می‌افکنند.









ضیافت رسمی شام در محل اقامت رسمی نخست وزیر ژاپن

تروریسم را صریحاً محکوم نمائیم.

وزیران صنعت و روابط صنعت با خارج و برنامه‌ریزی ژاپن به ملاقات آمدند و پس از مذاکرات کلی با من، با آقای آقازاده و مجریان دیگر مذاکره را ادامه دادند. مصاحبه‌ای با روزنامه یومیوری کردم. ملاقاتی با نمایندگان انجمن‌های اسلامی داشتم. گفتند بیست انجمن اسلامی در ژاپن فعال است و یک صد هزار مسلمان در این کشور وجود دارد و با هم اختلاف داشتند. در حضور من بگو مگو کردند و برای بنای مسجد کمک خواستند.

ناهار مهمان فدراسیون سازمان‌های اقتصادی ژاپن بودیم. گفتند که اینها خیلی می‌توانند برای ایران کار کنند و مؤثر باشند. پس از ناهار برای آنها صحبت کردم[1]. عصر در کلوپ خبرنگاران برای مصاحبه مطبوعاتی شرکت کردم. بیش از حد خبرنگار آمده بودند. درباره جنگ، آمریکا، مسأله تروریسم، خرید اسلحه و ... به سوالاتشان جواب دادم[2]. در ضیافت عصرانه انجمن دوستی ایران در

---

۱ ـ در این ضیافت که حدود ۱۵۰ نفر از صاحبان و دست اندرکاران سازمانهای اقتصادی و صنعتی و تجاری ژاپن حضور داشتند، آقای «اوتو اوتوتوکی» رئیس فدراسیون سازمانهای اقتصادی ژاپن در نطقی به نمایندگی از هیأت رئیسه سازمانهای اقتصادی خیرمقدم گفت و اظهار داشت: "جنابعالی از بدو تصدی مقام ریاست مجلس شورای اسلامی ایران، توانسته‌اید اطمینان کامل ملت خود را به‌دست آورید و ما برای تلاش شما در جهت سازندگی کشورتان، احترام زیادی قائل هستیم". آقای هاشمی نیز در این ضیافت گفت: "در ایران وقتی با پولدارهای خود صحبت می‌کنیم، مسایل اخلاقی را با آنها در میان می‌گذاریم و من می‌خواهم با شما هم در همین ارتباط صحبت کنم. ثروت و مکنت و قدرت و تکنیک از نعمت‌های خداوند است و هر انسانی که اینها را در اختیار دارد، موظف است در راه خدمت به مردم و تأمین نیازمندیهای محرومان از آنها استفاده کند. شما که امروز قدرت عظیم صنعتی و مالی را در اختیار دارید علاوه بر خدماتی که به مردم خود می‌کنید، می‌توانید در دنیا و مخصوصاً جهان سوم، قدرت خود را در خدمت مردم محروم به کار گیرید و نام نیکی از خود و ژاپن به جا بگذارید. برای اولین بار در ایران، حکومتی سر کار آمده است که از خود مردم است و می‌خواهد برای منافع مردم و کشور خود خدمت کند. برای ساختن کشورمان، برای چند کشور دنیا به‌عنوان همکار اولویت قائل هستیم که یکی از آنها و شاید بیشتر از دیگران شما هستید و برای این همکاری هم هیچ‌گونه امتیازی نمی‌خواهیم. فقط همکاری عادلانه و با برخورداری از سودهای قابل قبول در سطح بین‌المللی و روابط دوستانه".

۲ـ در این مصاحبه که بیش از ۳۰۰ خبرنگار از رسانه‌های بین‌المللی و داخلی ژاپن حضور داشتند، سئوالاتی درباره تروریسم و موضع ایران در قبال آن، شرایط پایان جنگ با عراق، خرید سلاح از چین و موضع اتحاد جماهیر شوروی، روابط با غرب، پتروشیمی بندر امام، رابطه جنگ با فروش نفت، نقش ایران در آزادی گروگانهای آمریکایی در لبنان و توان موشکی جمهوری اسلامی ایران مطرح شد و آقای هاشمی به کلیه سئوالات پاسخ داد. خبرنگاری پرسید: "شما قبل از آمدن به ژاپن از چین و سوریه نیز دیدن کردید، آیا موافقتی بین شما و چین برای خرید اسلحه و هواپیماهای جنگی و تانک به‌دست آمد یا خیر؟ همچنین آیا با آقای حافظ اسد در مورد موضع شوروی نیز مذاکراتی انجام دادید؟ آقای هاشمی در پاسخ گفت: "سیستم نظامی ما غربی است و کمی هم روسی. در مورد سئوال دوم پاسخ این است که با آقای حافظ اسد در مورد روابط با شوروی نیز صحبت شد". رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، مصاحبه‌های سال ۱۳۶۴، جلد پنجم، دفترنشرمعارف‌انقلاب.

ژاپن و انجمن پارلمانی و دوستی ایران و ژاپن شرکت کردم و سخنرانی نمودم[۱].

رئیس دو انجمن هم صحبت‌های محبت آمیز نمودند. اکثراً افرادی هستند که به نحوی با کمپانی‌های شاغل در ایران ارتباط دارند. سفرای قدیم ژاپن در ایران هم جزو آنان هستند.

ساعت شش‌ونیم نخست‌وزیرَ و وزیر خارجه ژاپن برای ملاقات خصوصی به کاخ آمدند. نتایج سفر را جمع بندی کردیم که کاملاً مثبت است. قرار شد نفت بیشتری از ما بخرند و سهم ارزی پروژه‌ها را با نفت بپردازیم و همکاری بیشتری درباره واگذاری پروژه به ژاپن داشته باشیم.

درباره رابطه با آمریکا از ما نظر خواستند. گفتم آمریکا باید گذشته بد خود را جبران نماید تا زمینه ایجاد روابط فراهم شود و این احتیاج به زمان دارد و به غربی‌ها هم پیغام دادیم ما خواهان تشنج در منطقه نیستیم. از طرف من در کاخ محل اقامت، ضیافتی برای شام بود که هیأت شخصیت‌های ژاپنی و بعضی از سفرای اسلامی شرکت داشتند و ساعت نه‌ونیم تمام شد. رئیس مجلس ملی ژاپن اهل ناکازاکی است و خودش از فاصله چهل کیلومتری، منظرهٔ انفجار بمب اتمی [در سال ۱۹۴۵] را دیده و صدای آن را شنیده است.

آقای آقازاده آمد و گزارش مذاکراتش را داد. راضی است و معتقد است روحیه خوبی در ژاپنی‌ها برای همکاری مشاهده می‌شود. امروز تمجید زیادی از سخنرانی دیشب من می‌کردند و از تاثیر آن در ژاپن می‌گفتند.

پنجشنبه ۱۳ تیر ۱۳۶۴ ۱۵ شوال ۱۴۰۵ 4 JULY 1985

روز پرکاری داشتیم. صبح زود به فرودگاه رفتیم و به شهر ناکازاکی برای دیدن موزه انفجار بمب اتمی آمریکا در ۴۱ سال پیش پرواز کردیم. استاندار و شهردار به استقبال آمدند. از فرودگاه به بندر برای دیدن کارخانه کشتی سازی میتسوبیشی رفتیم. با یک کشتی ما را در بندر سیاحت دادند

---

۱ ـ در این ضیافت آقای «شوکویو» رئیس انجمن دوستی پارلمانی ایران و ژاپن پس از خوشامدگویی، در سخنانی گفت: "سفر ریاست مجلس شورای اسلامی از نظر هر دوکشور به‌عنوان یک رویداد تاریخی و سرفصل جدیدی در روابط دوکشور محسوب می‌شود". آقای هاشمی نیز در سخنانی گفت: "ما اطمینان داریم که در ژاپن برای توسعه روابط دوکشور، دوستان خوبی داریم. اگر مردم ما آثار مفید و سازنده همکاری ژاپن در صنایع زیربنایی و صنایع مصرفی در میدان کشاورزی، ماهیگیری، شهرسازی، متروسازی، راه‌سازی، راه‌آهن سازی، هواپیما سازی و طرحهای دیگری که در کشور ما است را ملاحظه کنند و عملاً شاهد نتایج مطلوب اینگونه همکاری‌ها باشند، خود را برای توسعه بیشتر بازخواهند یافت".

و سپس رئیس شرکت و مدیر کارخانه آمار و ارقام دادند.

سپس با ماشین، کارخانه کشتی سازی و نیروگاه سازی را گشتیم. توربین‌های نیروگاه شهید رجائی در آنجا ساخته می‌شود. ظهر در هتل مهمان ژاپن بودیم و در موزه، آثار انفجار بمب اتمی را توضیح دادند و فیلمی پخش کردند؛ خیلی تلخ است.

حلقه گل نثار آرامگاه قربانیان بمب اتمی کردم و مصاحبه نمودم. با دو نفر از مجروحان انفجار صحبت کردم. یکی از آنها به نام آجیلاتا را تا فرودگاه آوردم و در مسیر توضیحات زیادی داد. خودش در ۱۲۰۰ متری محل انفجار در کارخانه مجروح شده، دویست و پنجاه نفر از هشت هزار نفر کارکنان مرده‌اند و تمامی خانواده‌اش در منزل از یکصدو بیست متری انفجار سوخته و نتوانسته است جسد آنها را بدست بیاورد. گفت دولت ژاپن هم کمک موثری به آنها نکرده است.

ساعت شش به توکیو برگشتیم. به سفارت رفتم و مصاحبه‌ای با تلویزیون و دیگری با یک روزنامه ژاپنی کردم. شام را در سفارت خوردیم و با ایرانیان مقیم توکیو آشنا شدیم. یک نفر همکارهای آقای بهلول در قضیه گوهرشاد به نام مقتدری را دیدیم که فرار کرده و در ژاپن زندگی می‌کند. شب با تلویزیون آمریکا و مجله اقتصادی ژاپن مصاحبه کردم. گزارشها را با تلکس گرفته بودند که خواندم، مطلب مهمی نداشت.

جمعه ۱۴ تیر ۱۳۶۴   ۱۶ شوال ۱۴۰۵   5 JULY 1985

ساعت هشت و نیم صبح به طرف فرودگاه هاندا حرکت کردیم و از خدمهٔ قصر خداحافظی نمودیم. در بین راه رئیس تشریفات وزارت خارجه تأکید داشت که مأموران ژاپنی تحت تأثیر اخلاق و شخصیت هیأت ما قرار گرفته‌اند و خبر داد که بخشی از مصاحبه تلویزیونی دیشب من را پخش کرده‌اند که مطالب قانع کننده‌ای از سیاست ایران در مورد جنگ و تروریسم و مسائل دیگر منطقه داشته است.

باران می‌بارید. مراسم بدرقه را کوتاه کردیم. وزیر امور خارجه و رئیس انجمن دوستی پارلمانی ژاپن و ایران به مراسم بدرقه آمده بودند. چهار ساعت بعد در فرودگاه پکن به زمین نشستیم. وزیر بهداری چین و جمعی دیگر به فرودگاه آمده بودند. در سالن فرودگاه از هیأت پذیرائی گرمی کردند و تأکید بر اثرات مهم سفر داشتند و نگران بودند که مسافرت نخست‌وزیر ترکیه به چین پس از ما، ما

را ناراحت کرده باشد که گفتیم ما با ترکیه‌ای‌ها دوستیم و روابط خوبی داریم.

حدود دو ساعت سرویس و بنزین‌گیری هواپیماها طول کشید. نماز خواندیم و درباره مسائل جدید شوروی مذاکره کردیم. آقای [محمد حسین]عادلی را در پکن گذاشتیم که به کمک هیأت خرید و تحویل اسلحه برود. چینی‌ها خیلی تأکید دارند که مسأله فروش اسلحه مخفی بماند. راه طولانی هشت ساعته تا تهران را با مذاکره و خواب و استراحت گذراندیم.

در یک مذاکره دسته‌جمعی نتایج سفر جمع بندی شد و همگی از سفر راضی بودند. از لحاظ اقتصادی پذیرش خرید نفت در مقابل انجام پروژه‌های مهم کشور، چون سدها و نیروگاهها، بندرها و دادن تکنولوژی و آموزش با قیمت P.S.G موفقیت مهمی در این مقطع است.

از لحاظ سیاسی اهمیتی که به هیأت داده شد و پذیرائی در سطح بالا و محافظت بی نظیر که می‌گفتند در ژاپن ده هزارپلیس در خدمت بودند و در چین هم به همین نحو و از لحاظ تبلیغاتی پخش نظرات ما در مورد جنگ و تروریسم و حقوق بشر و سایر چیزهائی که حربهٔ تبلیغاتی دشمنان است و همکاری ژاپنی‌ها در این قسمت و پخش نظرات ما در مورد خاور میانه، افغانستان و.... مهم است[1].

به نظر می‌رسد روی ایران و انقلاب اسلامی حساب باز کرده‌اند. خضوع رهبران دو کشور و صمیمیت آنها در مذاکرات از نمونه‌هاست. در مذاکرات به اتکاء دستور امام، پیشنهاد همکاری استراتژیک به چینی‌ها دادم و آنها استقبال کردند.

ساعت شش‌ونیم بعد از ظهر به وقت تهران در مهرآباد نشستیم. استقبال رسمی برگزار شد. نخست‌وزیر و وزراء و... آمده بودند. مصاحبه‌ای کوتاه با تلویزیون درباره نتایج سفر کردم[2] و به

۱ ـ در این روز نشریه واشنگتن پست به نقل از مقامهای آمریکایی نوشت: "رئیس مجلس ایران نقش عمده‌ای در آزادسازی ۳۹ تن آمریکایی گروگان هواپیمای ربوده شده تی.دبلیو.اِ ایفا کرده است. اکبر هاشمی رفسنجانی هنگام دیدار از دمشق در اولین مرحله از سفر حسن نیت که وجهه بین‌المللی جدیدی برای ایران بود، برای آزادی گروگانها پافشاری کرد. رفسنجانی چندین عضو گروه شیعه حزب‌الله و دیگر رهبران شیعه را فراخواند و به گفته یک مقام آمریکایی، گفت‌وگوهای دشواری را برای رهایی گروگانها با آنها انجام داد. این مقام آمریکایی گفت که من تصور نمی‌کنم آنها (دولت ایران) قبل از جریان هواپیمایی از آن اطلاع داشتند. وی ضمن ابراز این مطالب که این زمان دشواری برای هاشمی رفسنجانی بود، افزود ایران در صدد خروج از انزوای دیپلماتیک و ارائه یک وجهه "میانه" در سطح جهانی بود".

۲ ـ در این مصاحبه آمده است: "ما در این سفر لمس کردیم که جمهوری اسلامی به صورت یک واقعیت قابل احترام و دارای نقش، برای قدرتهای اساسی دنیا مطرح است. ما نمی‌توانیم نقش چین را با نزدیک یک چهارم جمعیت دنیا و سوابق انقلابی این

(ادامه پاورقی در صفحه بعد)

خانه آمدم.

شنبه ۱۵ تیر ۱۳۶۴ ۱۷ شوال ۱۴۰۵ 6 JULY 1985

ساعت هشت و نیم صبح به زیارت امام رفتم و گزارش سفر را دادم. امام خوشحال شدند. آقای [سیدمحمدموسوی]خوئینی‌ها هم آمد. امام از ایشان خواستند که سمت دادستانی کل کشور را بپذیرد و مشکل کار حج هم با نصب جانشین در سال جاری حل شود. تا ظهر در خانه گزارش‌های ده روزی را که در ایران نبودم، خواندم. با آقای خامنه‌ای درباره امور جاری و جنگ مذاکره کردیم.

عصر فرماندهان سپاه آمدند و گزارش عملیات محدود و برنامه آینده را دادند و برای حل مشکلات سپاه با نماینده امام و شورا کمک خواستند. وزیر بهداری و همراهانش آمدند و برای تصویب لایحه تشکیل وزارت درمان و آموزش پزشکی کمک خواستند و گزارشی از فرود اشتباهی هلی‌کوپترشان در خاک شوروی و معطلی چند ساعته را دادند.

آقای شهاب از وزارت نفت آمد. پیام آقای غرضی را در مورد مسائل اوپک آورد و از اینکه هیأت دولت با پائین آمدن سهم ایران مخالف است، دچار مشکل شده است. من گفتم باید اصل حفظ قیمت نفت را مقدم داشت.

یکشنبه ۱۶ تیر ۱۳۶۴ ۱۸ شوال ۱۴۰۵ 7 JULY 1985

در [نطق] قبل از دستور جلسه علنی مجلس، کمی درباره سفر به کشورهای چین و ژاپن صحبت کردم[1] بعداز تنفس در دفترم بودم[2]. نمایندگان شیراز آمدند و گزارشی از حوادث اخیر شیراز را

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

کشور و نقش ژاپن را به عنوان قدرتی که از لحاظ امکانات فنی با قدرتهای درجه اول دنیا رقابت می‌کند، ندیده بگیریم. ما در این سفر هر مسأله‌ای را که مطرح کردیم، بدون استثنا، همان‌گونه که می‌خواستیم، پیش رفت. الان آنها خواهان همکاری با ما در همه زمینه‌هایی که ما تمایل داشته باشیم، هستند".

۱ ـ در این نطق آمده است: "هیأت پارلمانی که مسافرتی را انجام دادیم، در این آغاز حرکت جدیدی که در سیاست خارجی و رقابت بین‌المللی در خارج از مرزهایمان داشتیم، آغاز موفقیت‌آمیزی بود که در دو قطب و دو بلوک (شرق و غرب)، جمهوری اسلامی حضور شایسته خودش را در دنیا اعلام کرد و با توجه به انتظار نقشی که از اسلام در دنیا می‌رود و یک میلیارد مسلمان دنیا که پایگاه خودشان را در ایران می‌بینند، این حرکت می‌تواند مبدا یک سلسله حرکت‌های دیگری باشد که ما ان‌شاءالله دنبال این باید باشیم". رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، نطق‌های پیش از دستور سال ۱۳۶۴، جلد پنجم، دفترنشرمعارف‌انقلاب.

دادند که حزب‌الله علیه آقای [محی‌الدین]حائری شیرازی امام جمعه اقداماتی کرده‌اند، به خاطر حمایت او از آقای [سیداحمد]پیشوا که علیه انقلاب مطالبی گفته و منجر به دخالت امام و اعزام آقای [احمد]جنتی به شیراز و دادن پیام به علما و مردم شده است[1].

تا ساعت شش بعداز ظهر گزارشها را خواندم. آقای رفیق‌دوست [وزیر سپاه] آمد و گزارش سفرش به بلغارستان را داد و معتقد است که آنها پس از مذاکره با روسها، موافقت آنها را برای دادن موشک جلب کرده‌اند. اگر مطلب درست باشد تحولی در سیاست روسها است و احتمالاً معلول سفر به چین و ژاپن می‌باشد.

---

۲ ـ در این روز آقای هاشمی با گروهی از خانواده شهدای شهرستان قروه کردستان ملاقات کرد و در سخنانی گفت: "مردم کردستان انصافاً امتحان خوبی دادند. آنها علیرغم ستمی که از رژیم گذشته بر آنها رفته بود و علی‌رغم کمبودهایی که در این مدت به خاطر وضع موجود تحمل کردند، این‌گونه وفادار به جمهوری اسلامی و انقلاب هستند که می‌بینید". رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۴، جلد پنجم، دفترنشرمعارف‌انقلاب.

۱ ـ آقای سید احمد پیشوا امام جماعت مسجد نو شیراز در مراسم شب قدر در خرداد ۶۴ مطالبی را عنوان کرد که موجب بروز درگیری و در نهایت برکناری از امام جماعت این مسجد و انتصاب آقای ارشادی به جای وی شد. در پی آن طرفداران آقای پیشوا با حمله به منزل مسکونی فرد جدید در ساعات نیمه شب، او را به‌شدت مورد ضرب و شتم قرار دادند. این اختلاف نظرها و درگیریها با دخالت آقای حائری شیرازی امام جمعه شیراز و آقای سید علی اصغر دستغیب و آقای محمد مهدی دستغیب و بیت شهید دستغیب به یک بحران در این شهر تبدیل شد. حضرت امام (ره) پس از اطلاع از واقعه، با صدور حکمی، آقای احمد جنتی را روانه شیراز کردند تا به حل و فصل بحران کمک نماید. آقای جنتی در رادیو و تلویزیون محلی شیراز سخن گفت و از مردم خواست ضمن حفظ وحدت، آرامش خود را حفظ کنند. آقایان سید علی اصغر، سید محمد مهدی و سید محمد هاشم دستغیب و آقای حائری شیرازی با ارسال تلگرامهای جداگانه به محضر امام خمینی (ره) مراتب استمرار اطاعت خود و مردم حزب‌الله شیراز را از امام که حافظ وحدت اسلامی است اعلام و به برقراری آرامش تأکید کردند. در حکم حضرت امام (ره) آمده است: «جناب حجت‌الاسلام آقای جنتی دامت افاضاته، از قرار معلوم نِقار و اختلافی بین بعضی علمای اعلام شیراز واقع شده است که موجب نگرانی است؛ خصوصاً در استانی چون فارس و شهری مقاوم چون شیراز، مرکز علمایی بزرگ و مردمی مبارز و مقاوم که سهمی بسزا در پیشرفت انقلاب و تحقق جمهوری اسلامی داشته و دارند و چه بسا که خدای نخواسته عواملی از مخالفین اسلام و علمای اعلام در بین صفوف متعهدین و جندالله نفوذ نموده و موجب اختلاف و مشاجره شده‌اند تا به آرمانهای شیطانی خود برسند و از حسن‌ظن آقایان سوء استفاده نموده‌اند. لهذا از جنابعالی پس از تقدیر از زحمات در طول انقلاب، تقاضا می‌کنم که سفری به شیراز نموده و تقاضاهای آقایان حجج اسلام دستغیب دامت افاضاتهم و حجت‌الاسلام آقای حائری امام جمعه محترم حساسیت موضوع را گوشزد نمایید که مبادا مخالفین ایجاد اختلاف نموده و استفاده‌های نامشروع نمایند. در ضمن از آقایان نمایندگان شیراز خواسته‌ام در این امر با جنابعالی همراهی و کمک نمایند. منجمله با علاقه‌ای که به مرحوم مجاهد عالیرتبه و شهید معظم آقای دستغیب دارم و به خانواده محترم ایشان علاقه‌مندم به حکم وظیفه از بیت ایشان تقاضا دارم همان طور که سیره مرحوم شهید دستغیب بوده، در رفع اینگونه غائله‌ها تلاش نمایند و از جناب آقای حائری نیز می‌خواهم به همراهی آقایان در رفع حادثه کوشش نمایند. ان‌شاءالله تعالی همگی با موفقیت مراجعت نمایند. والسلام علیکم و رحمة‌الله. ۱۲ شوال المکرم ۱۴۰۵ ـ روح الله الموسوی الخمینی". رجوع کنید ← "کتاب صحیفه امام، جلد نوزدهم، صفحه ۳۰۶، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره).

عصر در جلسه شورای مرکزی حزب [جمهوری اسلامی] شرکت کردم و راجع به سفرم، برای شورا توضیحاتی دادم. شب جلسه مسئولان قوا در دفتر رئیس‌جمهور بود که دستاوردهای سفر را ارزیابی کردیم و ساعت یازده شب به خانه آمدم. به خاطر شرارت عراق در زدن شهرها و کشتی‌ها، برای مقابله به مثل نیاز به موشک زیاد است*.

دوشنبه ۱۷ تیر ۱۳۶۴ ۱۹ شوال ۱۴۰۵ 8 JULY 1985

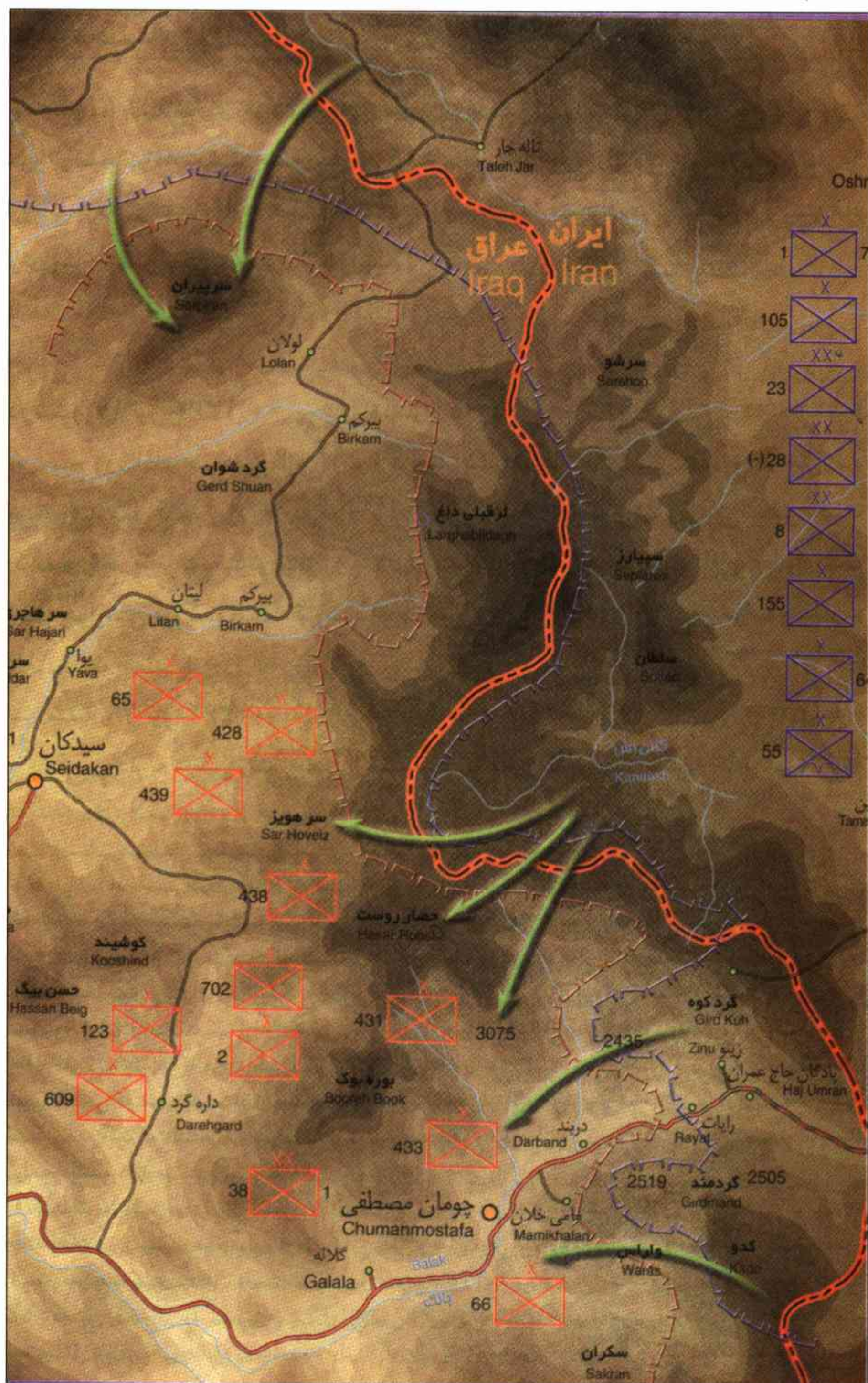
صبح زود آقای صیاد [شیرازی] آمد و گزارش پیشرفت کار عملیات را داد. به نظر می‌رسد می‌خواهند عمل کنند. تمام روز در منزل بودم. خبر رسید آقای [محمد مهدی]ربانی املشی[1] فوت کرده و راجع به مراسم تشییع جنازه و اعلان‌ها مشورت کردند. عصر عفت به تعزیه خانواده‌شان رفت. هوا خیلی گرم شده است. تفاوت ساعات چین و ژاپن با ایران، هنوز تنظیم خواب و بیداریم را مانع شده است.

سه شنبه ۱۸ تیر ۱۳۶۴ ۲۰ شوال ۱۴۰۵ 9 JULY 1985

صبح زودتر به مجلس رفتم. بعضی از نمایندگان معتقد بودند که بهتر است به خاطر فوت آقای

* ـ در این روز امام خمینی (ره) در ملاقات با مسئولان قوهٔ قضائیه، با استعفای آیت‌الله حاج شیخ یوسف صانعی از دادستانی کل کشور موافقت کردند و به‌جای ایشان، آیت‌الله سید محمد موسوی خوئینی‌ها را به‌عنوان دادستان کل کشور منصوب فرمودند. در این ملاقات حضرت امام (ره) گفتند: "از رفتن آقای صانعی متأسف و متأثرم. امیدوارم ایشان در هر کجا که باشند فرد مؤثری باشند. از زحمات و کوششهای ایشان تشکر و قدردانی می‌کنم. من ایشان را سالهای طولانی است که می‌شناسم. او مردی عالم، متعهد و فعال است. ایشان تصمیم گرفته‌اند تا از این کار کنار بروند. ایشان نباید به‌طور کلی از همه کارها کناره گیری کنند. حال که از این کار خسته شده‌اند، کارهای دیگری را که با وضع مزاجی شان مناسب‌تر است، انتخاب کنند. امروز که به شما زحمت دادم، بدین خاطر بود که تصمیم گرفتم آقای موسوی خوئینی‌ها دادستان باشند. آقای موسوی را هم می‌شناسم. او مردی عالم و بسیار متعهد است. آنچه که باید سفارش کنم این است که باید همه با هم و همراه باشند". رجوع کنید ← "کتاب صحیفه امام، جلد نوزدهم، صفحه ۳۰۹، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره).

۱ ـ آیت الله حاج شیخ مهدی ربانی املشی در سال ۱۳۱۳ در شهر قم متولد شد و در محضر آیت‌الله بروجردی، آیت‌الله منتظری، علامه طباطبایی و آیت‌الله محقق داماد به طی مدارج علمی و عملی موفق شد. او همراه با سایر روحانیان مبارز، عَلَم مخالفت با استبداد حکومت پهلوی برداشت و بخشی از عمر خود را در زندان و تبعید سپری کرد. آیت‌الله ربانی املشی از دوستان نزدیک آقای هاشمی رفسنجانی بود. وی پس از پیروزی انقلاب اسلامی در سمت‌های قضایی، اجرایی و فرهنگی به خدمت پرداخت. عضویت در شورای عالی قضایی، ریاست شعبه اول دادگاه عالی انقلاب، عضویت در اولین گروه ستاد انقلاب اسلامی، دادستانی کل کشور و نایب رئیس مجلس شورای اسلامی از جمله سمت‌های آن شخصیت بزرگوار بود.



نقشه عملیات قادر در منطقه سیدکان

ربانی املشی، امروز مجلس تعطیل باشد ولی اکثریت صلاح نمی‌دانستند، تعطیل نکردیم. قبل از دستور درباره ایشان صحبت کردم و سپس برای انجام مراسم به بیرون مجلس رفتیم. جمعیت زیادی آمده بود و تقریباً همه شخصیتها حضور داشتند. قبل از شروع تشییع جنازه، من صحبت کردم[۱].

دوباره جلسه علنی مجلس تشکیل شد ولی ساعت ده تعطیل کردیم که هر کس می‌خواهد بتواند به مراسم در قم برود. تا شب در دفترم ماندم. آقای پرهیزکار آمد و اصلاحات پیشنهادی خود را در امر ادارات مجلس گفت و آقای [عباسعلی]زالی [وزیر کشاورزی] آمد و برای کم کردن فشار کمیسیون کشاورزی در مورد مدیران کود و سم کمک خواست.

یک نماینده در مجلس، اعلامیه‌ای علیه آیت‌الله خامنه‌ای منتشر کرده که سخت مورد اعتراض نمایندگان بود. عصر آقای غرضی [وزیر نفت] آمد و گزارش کار اوپک را داد. به خاطر اختلاف نظر، نتوانسته‌اند تصمیمی [در اجلاس وزیران اوپک] بگیرند و به جلسه آینده موکول شده است.

آقای [ابوالقاسم] سرحدی زاده آمد و برای رفع توقیف از روزنامه صبح آزادگان کمک خواست[۲]. این روزنامه را به خاطر نداشتن پروانه انتشار تعطیل کرده‌اند. آقای صیاد شیرازی

---

۱ ـ آقای هاشمی در مراسم تشییع جنازه گفت: "آیت‌الله ربانی املشی که شما امروز جنازه ایشان را روی دست به طرف گورستان تشییع خواهید کرد، از چهره‌های برجسته‌ای است که شاید ملت ما شخصیت و عظمت ایشان را به درستی ندانند. ما از ۳۵ سال پیش همیشه در یک سنگر، در یک کلاس و در یک محیط با هم کار کردیم. بخصوص من و ایشان نسبت برادر خواندگی داریم. از اولین جرقه‌های نهضت اسلامی، آیت‌الله ربانی املشی، جزو شجاع‌ترین و ایثارگرترین نیروهای رزمنده در مقابله با نیروهای طاغوت و ستمگری بود. آن روز که در زندان رژیم بود، آن روز که در تبعید بود، آن روز که در حجره‌های مدارس بود تا مراکز قدرت جمهوری اسلامی تا نیابت مجلس شورا و مجلس خبرگان، حالش هیچ‌گاه فرق نکرد و همان مسلمانی بود که می‌خواست برای خدا کار کند. سمت‌هایی که امام به‌ایشان داده بودند، سمت‌هایی بود که همه آنها احتیاج به اجتهاد دارد و شما امروز دنبال جنازه یک مجتهد حرکت می‌کنید".

۲ ـ روزنامه صبح آزادگان به همراه روزنامه‌های اطلاعات، کیهان و جمهوری اسلامی یکی از چهار روزنامه بزرگ و کثیرالانتشار کشور بود. این روزنامه از طرف دادستانی عمومی تهران به دلیل نداشتن پروانه انتشار تعطیل شد. سه روزنامه دیگر نیز پروانه انتشار نداشتند، به همین دلیل شایعاتی مبنی بر اختلاف نظر سیاسی و جناحی به عنوان دلیل اصلی تعطیلی روزنامه ذکر شد. این روزنامه با انتشار مقاله‌ای درباره لایحه وصول مالیات موجب ناخرسندی بخشی از نمایندگان مجلس از جمله آقایان زواره‌ای، محمد یزدی، اسرافیلیان، سعید امانی، جلال‌الدین فارسی شده بود و نیروهای جناح چپ کشور تلاش وسیعی را برای انتشار مجدد این روزنامه به کار بستند اما در نهایت موفق نشدند و مدتی بعد روزنامه ابرار به مدیریت آقای غفور گرشاسبی جای صبح آزادگان را گرفت. نتیجه تلاشها برای رفع توقیف روزنامه مذکور به تدوین و تصویب اولین قانون مطبوعات جمهوری اسلامی در اسفند سال ۶۴ انجامید که توسط آقای سید محمد خاتمی وزیر وقت فرهنگ و ارشاد اسلامی ارائه شده بود. آقای خاتمی در چند سرمقاله پیاپی

(ادامه پاورقی در صفحه بعد)

آمادگی خود را برای شروع عملیات اعلام کرد.

چهارشنبه ۱۹ تیر ۱۳۶۴ ۲۱ شوال ۱۴۰۵ 10 JULY 1985

ساعت هفت صبح به دفتر آقای خامنه‌ای رفتم و جلسه هیأت دولت با ریاست ایشان، برای بحث و پیگیری تصمیمات سفر چین و ژاپن تشکیل شد. در این جلسه من و دکتر ولایتی و آقازاده دستاوردهای سفر را توضیح دادیم. کمیته‌ای برای پیگیری تشکیل شد که پروژه‌های مورد نظر را با آنها قرار داد ببندند و سهم ارزی را نفت بپردازند.

نزدیک ظهر به دفترم آمدم و کارها را انجام دادم و گزارشها را خواندم. عصر هیأت رئیسه مجلس جلسه داشت. کارهای زیادی داشتیم. شب مسئولان قوا مهمان من بودند. درباره گروه موشکی که باید برای موشکهای تازه خریداری شده تعلیم ببینند، بحث شد. قرار شد اعضای این گروه موشکی، ترکیبی از نیروهای سپاه و ارتش باشند. آقایان ریاضی، آقازاده و عادلی گزارش قرار داد خرید موشک‌های زمین به هوا و ساحل به دریا را دادند که باید سرّی بماند. در مجلس خوابیدم.

پنجشنبه ۲۰ تیر ۱۳۶۴ ۲۲ شوال ۱۴۰۵ 11 JULY 1985

بعد از نماز تا ساعت هفت‌ونیم صبح در دفترم کار کردم. در جلسه علنی مجلس، لایحة تأسیس وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی که دانشکده‌های پزشکی را با وزارت بهداری ادغام

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)
در روزنامه کیهان -که در آن سالها با مدیریت او منتشر می‌شد - به توقیف صبح آزادگان اعتراض کرد. آقای میرحسین موسوی نخست‌وزیر نیز خواستار رفع توقیف این روزنامه شد. آقای موسوی در مصاحبه‌ای گفت: "دولت آمادگی دارد که انتقاد را بشنود و خودش شکایت کننده علیه روزنامه‌ها نیست، بلکه سپاسگزار آنها در نقد و انتقاداتشان است. ما معتقدیم روزنامه‌ها باید آزادانه فعالیت کنند. مسائلی که منجر به توقیف روزنامه صبح آزادگان شد، ارتباطی با مسأله دولت نداشته و شاید اختلاف سلیقه‌هایی منجر به بستن روزنامه شده است." وزارت دادگستری در پاسخ به علت تعطیلی روزنامه صبح آزادگان به شکایتی اشاره کرد که توسط ۵۰ نفر از نمایندگان امضا شده بود. در این شکایت علیه مطلب مندرج در روزنامه ۲۸ آذر ۶۳ توسط یک کارشناس امور بانکی اقامه دعوی شده است. در این مطلب نوشته شده: "آنهایی که تحت هر عنوان برای تصویب لایحه تفصیلی وصول مالیات در مجلس سنگ می‌اندازند، یا جاهلند یا مغرض که در هر دو صورت شایستگی دخالت در سرنوشت مردم را ندارند".

می‌کند، مطرح بود. بحث‌ها جدی و شدید بود و مخالفان جوسازی کرده بودند اما با اکثریت قوی تصویب شد. این لایحه در دوره اول مجلس هم تصویب شده بود ولی با اشکال شورای نگهبان و استرداد وزیر بهداری که مخالف بود، بی اثر شد. یکسره تا ظهر کار کردم و خسته شدم.

ظهر آقای رئیس‌جمهور اطلاع دادند که امام دستور داده‌اند عملیات [قادر در منطقه] سیدکان تا تامین دفاع شهرها متوقف شود و به دفتر من آمدند. با هم مذاکره کردیم به آقای صیاد شیرازی اطلاع دادیم که تا دستور ثانوی، عملیات شروع نشود[1] و قرار شد با امام مذاکره کنیم.

ناهار را به همراه آقای خامنه‌ای به منزل مرحوم ربانی املشی رفتیم و جمعی از نمایندگان و بستگانشان هم بودند و سپس به دفترم برگشتم. [آقای عابدی جعفری] وزیر بازرگانی به همراه آقای صفاری ـ که ابتکاراتی در ساخت اسلحه دارد ـ آمدند. حرفها و ادعای ایشان را شنیدم؛ شلوغ می‌کنند.

عصر وزیر آموزش و پرورش و معاونانش آمدند و برنامه‌ها و نیازها را برای ساخت مدارس جدید گفتند. در این بخش احتیاجات زیادی داریم. آقای [محسن]رضایی از جبهه اطلاع داد که دیشب عملیات قدس ۳ انجام شده، تلفات زیادی به دشمن وارد کرده و پنجاه اسیر گرفته‌ایم[2]. شکست ارتش متجاوز بعث عراق جای خوشحالی دارد ولی از تلفات افراد ضعیف ارتش،

---

۱ ـ در پی بروز شواهدی در منطقه عمومی سیدکان مبنی بر هوشیار شدن دشمن از تحرکات آتی ارتش جمهوری اسلامی، آقای مصطفی ایزدی فرمانده قرارگاه حمزه در نامه‌ای با طبقه‌بندی به‌کلی سری به فرمانده کل سپاه نوشت: "دشمن حدود هشت تیپ به منطقه آورده است و مرتب مناطق حساس را بمباران می‌کند و کلیه مناطق حساس را توسط نیروهای بومی، کمین گذاشته است". رجوع کنید ← کتاب روزشمار جنگ ایران و عراق، جلد ۳۷، صفحه ۳۸۷، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه، ۱۳۸۳.

۲ ـ در چارچوب اجرای عملیات محدود نفوذی ـ انهدامی، پس از احراز آمادگی‌های قبلی عملیات قدس به همت لشگر ۱۹ فجر سپاه در این روز آغاز شد. این عملیات در محور عمومی دهلران ـ حلیب در غرب رودخانه میمه با هدف نفوذ به مواضع نیروهای دشمن و انهدام نفرات و تجهیزات آنها انجام شد. حرکت گردانهای عمل کننده به نقطه رهایی طبق زمان‌بندی پیش‌بینی شده، پیش نرفته بود، لذا نیروها با تأخیر به نقطه رهایی رسیدند. بنابراین هر گردان با تأخیر از نقطه رهایی حرکت کرده و در نزدیکی دشمن منتظر اعلام رمز مانده بود. نکته تأمل برانگیز در روند این عملیات آن است که به دو مرحله کاملاً مجزای رفت و بازگشت قابل تقسیم است: در مرحله رفت میزان موفقیت و سهولت کار بیش از حد انتظار و در مرحله بازگشت میزان تلفات و ضایعات خودی از حد انتظار بیشتر بود. در عملیات قدس ۳ از نیروهای خودی ۲۰ تن شهید، ۱۰۵ تن مجروح و ۱۵ تن مفقود شدند اما عراق بیش از ۷۰۰ کشته و مجروح داشت. در این عملیات علاوه بر تخلیه ۱۵۰ اسیر عراقی به عقب، خساراتی به گردان یکم و گردان دوم از تیپ ۸۰۵ پیاده ارتش عراق وارد آمد. همچنین غنایم بسیاری به دست نیروهای خودی افتاد از جمله ۶ قبضه تفنگ ۱۰۶ میلی‌متری، یک قبضه پدافند هوایی و تعدادی خودرو سبک و سنگین. رجوع کنید ← کتاب روزشمار جنگ ایران و عراق ـ جلد ۳۷ ـ صفحه ۳۷۷، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه، ۱۳۸۳.

نمی‌شود خوشحال شد. اکثر یتشان افراد عادی و مجبور به خدمتند.

آقای [هادی]خسروشاهی آمد. ماموریتش در واتیکان تمام شده است. گزارش موفقیت‌های انتشاراتی‌اش را داد، چهار مجله در اروپا چاپ و نشر می‌کنند و برای کار تازه‌اش استمداد کرد.

[آقای آخوندزاده] سفیرمان در بنگلادش آمد. گزارش فقر و نیاز آنها را داد و پیشنهاد کمک داشت و می‌گوید ژنرال ارشاد، مخالفانش را در این مرحله شکست داده و مسلط است.

دکتر ولایتی به همراه گروهی آمدند و گزارشی از امضای قرار داد خرید موشک از [کوبا و برزیل] و اظهارات دوستانه فیدل کاسترو و موافقت او با خروج شوروی از افغانستان بـه شـرط مبارزه با ورود آمریکا دادند، قرار شد آقای [محمد جواد]لاریجانی [مشاور وزیر امور خارجـه] همراه هیأت پارلمانی عازم نیکاراگوئه شود که همین خط را تعقیب نماید. از لیبی هم دو نفر برای تعقیب تصمیماتی که در سفر من آنجا اتخاذ شده آمده‌اند.

شب بعد از آمدن به منزل برای مذاکره درباره جنگ خدمت امام رفتم. حال امام خیلی خوب است. گفتم تأمین کامل امنیت هوایی شهرها با توجه به موشک‌های دور برد دشمن ممکن نیست. امام با انجام عملیات موافقت کردند. به صیاد شیرازی و آقای خامنه‌ای اطلاع دادم.

جمعه ۲۱ تیر ۱۳۶۴ ۲۳ شوال ۱۴۰۵ 12 JULY 1985

تا ساعت ده‌ونیم صبح برای خطبه‌ها مطالعه کردم. در دانشگاه تهران نماز جمعه را اقامه نمودم. خطبه‌ای درباره حقوق زن و شخصیت او و خطبه‌ای در خصوص اهداف و نتایج سفر ایراد شد[1].

ظهر بستگان مهمانمان بودند. عصر بچه‌ها به مهمانی رفتند و من در منزل تنها بودم.

حاج احمدآقا آمد و راجع به وضع سپاه و جنگ و آینده سپاه و ارتش و کابینه آینده بعداز انتخاب رئیس‌جمهور مذاکره کردیم. قرار شد در قسمتی از آنها با امام مشورت شود[2].

---

۱ ـ در بخشی از خطبه دوم آمده است: "نتیجه سفر ما به سوریه و لیبی باعث انسجام، حفظ و تثبیت جبهه پایداری در این دوکشور شد. دوکشور چین و ژاپن با مطالعه انقلاب و حرفهای ما به‌این نتیجه رسیده بودند که ایران مناسب‌ترین کشوری است که می‌تواند برای ثبات و امنیت جهان و سازندگی در منطقه نقش تعیین کننده‌ای داشته باشد". رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، خطبه‌های جمعه سال ۱۳۶۴، جلد هشتم، صفحه ۲۴۷، دفترنشرمعارف‌انقلاب.

۲ ـ در این روز با آتش پدافند رزمندگان اسلام، یک فروند هواپیمای عراقی از نوع بمب‌افکن سوخو ـ ۲۲ در حوالی پیرانشهر سرنگون شد و خلبان آن به اسارت درآمد. عراق با اذعان به سقوط این هواپیما، گفت که ایران مسئول سلامت این خلبان است.

شنبه ۲۲ تیر ۱۳۶۴ ۲۴ شوال ۱۴۰۵ 13 JULY 1985

بعد از نماز صبح به مجلس رفتم. هیأت رئیسه مجلس خبرگان [رهبری] در دفترم تشکیل شد و برنامه جلسات را تنظیم کردیم. باید پنج روز اجلاسیه خبرگان کار بکند. اولین جلسه ساعت هشت صبح تشکیل شد و هیأت رئیسه انتخاب گردید: آیت‌الله مشکینی رئیس و من نایب رئیس اول، آقای [ابراهیم]امینی نایب رئیس دوم - به جای آقای ربانی املشی - و آقایان [محمد]مومن و [محمد حسن] طاهری [خرم‌آبادی] منشی. دستور کار اجلاس خبرگان، گزارش کیفیت عمل به اصل ۱۰۷ قانون اساسی[1] [درخصوص تعیین رهبر] است که کمیسیون مربوطه در بیست ماده تهیه کرده. بحثها خوب، نسبتاً سنگین و متین و آرام است.

ظهر در دفترم فرستادگان لیبی، آقای مجبر و حجازی آمدند. پیام خصوصی از قذافی داشتند. اجازه زدن موشک از خاک ما به مرکز مخالفان لیبی - که به ادعای آنها اخیراً از سودان به عراق منتقل شده‌اند - می‌خواست. گفتم بررسی می‌کنم، به شرط اینکه موشک به مقدار کافی داشته باشیم که پس از زدن ما، اگر صدام شروع کرد بتوانیم دفاع کنیم. به آنها گفتم تأخیر در ارسال چیزهائی که قرار بود بفرستند، باعث تردید در صداقت لیبی و ضعف روابط خواهد شد؛ یا صریحاً بگویند نمی‌توانند بدهند و یا سریعاً بفرستند. پس از افشای قرارداد ایران و لیبی، عراق روابط خود با لیبی را قطع کرد و لیبی هم پس از آن اعلام قطع روابط و عدم مشروعیت صدام را نمود[2].

---

۱ - اصل ۱۰۷ قانون اساسی: "پس از مرجع عالیقدر تقلید و رهبر کبیر انقلاب جهانی اسلام و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران حضرت آیت‌الله العظمی امام خمینی که از طرف اکثریت قاطع مردم به مرجعیت و رهبری شناخته و پذیرفته شدند، تعیین رهبر به انتخاب خبرگان منتخب مردم است. خبرگان رهبری درباره همه فقهای واجد شرایط مذکور در اصل پنجم و یکصد و نهم بررسی و مشورت می‌کنند. هرگاه یکی از آنان را اعلم به احکام و موضوعات فقهی یا مسایل سیاسی و اجتماعی یا دارای مقبولیت عامه یا واجد برجستگی خاص در یکی از صفات مذکور در اصل یکصدو نهم تشخیص دهند، او را به رهبری انتخاب می‌کنند و در غیر این صورت یکی از آنان را به عنوان رهبر انتخاب و معرفی نمایند. رهبر منتخب خبرگان، ولایت امر و همه مسئولیتهای ناشی از آن را برعهده خواهد داشت. رهبر در برابر قوانین با سایر افراد کشور مساوی است".

۲ - در پی سفر پیروزمندانه آقای هاشمی به لیبی و ملاقات با آقای معمرقذافی روز چهارشنبه ۵ تیر، عراق به نشانه اعتراض علیه امضای یک پیمان استراتژیک که میان تهران و طرابلس منعقد گردیده بود، روابط خود را با لیبی قطع کرد. بغداد اعلام نمود که عراق تصمیم گرفته است که دیگر رژیم لیبی را به عنوان یک رژیم عربی و عضو اتحادیه عرب به رسمیت نشناسد، هیأت دیپلماتیک خود را از لیبی فراخواند و از هیأت لیبیایی در عراق بخواهد که کشور را ترک کند. بغداد با یادآوری این امر که طرابلس از پنج سال پیش تاکنون ایران را در جنگ علیه عراق مورد حمایت قرار داده است، دولتهای لیبی و جمهوری اسلامی ایران را به همدستی با صهیونیسم جهت توطئه علیه ملت عرب و اسلام متهم نمود. وزارت خارجه لیبی نیز در واکنش به قطع روابط با عراق

(ادامه پاورقی در صفحه بعد)

عصر هم مجلس خبرگان رهبری جلسه داشت. یک ماده به تصویب رسید. احساس شد که قانون اساسی در مورد مرجع تشخیص حصول اکثریت قاطع مردم در مورد رهبری بعد از امام ناقص است. شب در دفترم ماندم. از بیت امام برای [اعضای مجلس]خبرگان، وقت ملاقات گرفتم. اعلان شد یک هواپیمای سوخوی متجاوز عراق در ایران سرنگون شده و خلبانش دستگیر شده است.

یکشنبه ۲۳ تیر ۱۳۶۴ — ۲۵ شوال ۱۴۰۵ — 14 JULY 1985

با اینکه امروز تعطیل بود، اما مجلس خبرگان جلسه داشت و تا ظهر کار کردیم. در وقت تنفس، آقای [موسوی]خوئینی‌ها اطلاع داد که در آغاجاری عده‌ای از کارگران شرکت نفت به سیاست وزارت نفت معترضند و اعتصاب کرده‌اند. با خبرگان استان خوزستان در این خصوص مشورت شد، حق را به کارگران دادند و گفتند آقای غرضی وزیر نفت به حرفهای حق آنها توجه نمی‌کند.

عصر شورای مرکزی حزب [جمهوری اسلامی] جلسه داشت و درباره برنامه کنگره حزب بحث و تصمیم‌گیری شد. آقای صیاد اطلاع داد که امشب عملیات در جبهه شمال شروع می‌شود. شب با آقای خامنه‌ای و آقای [واعظ]طبسی جلسه کوتاهی داشتیم. سپس به خانه آمدم. آقای شیخ محمد [هاشمیان] مهمانمان بود.

دوشنبه ۲۴ تیر ۱۳۶۴ — ۲۶ شوال ۱۴۰۵ — 15 JULY 1985

قبل از ساعت شش صبح به طرف مجلس حرکت کردم. از جبهه سراغ گرفتم که آقای صیاد گفت مرحله اول عملیات به خوبی انجام شده و دشمن دفاع ضعیفی دارد. قرار شد از ستاد نیروی

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

بیانیه‌ای صادر کرد و گفت: "رژیم بعثی - فاشیست عراق، مشروعیت خود جهت نمایندگی مردم عراق را از دست داده است". آقای هاشمی نیز در پی این موضوع پیامی به معمرقذافی رهبر لیبی فرستاد و قطع رابطه رژیم حاکم بر بغداد با لیبی را حرکتی مذبوحانه نسبت به موضعگیریهای شجاعانه دوست و ملت انقلابی لیبی در قبال امپریالیسم، صهیونیسم و ارتجاع منطقه توصیف کرد و ابراز امیدواری نمود که با مستحکم‌تر شدن پیوندهای ایران و لیبی و دیگر کشورهای پیشرو، نیروهای انقلابی منطقه شاهد رسوایی بیشتر رژیم‌های مرتجع و بارورشدن حرکت آزادیبخش و ضدامپریالیستی مردم مسلمان منطقه باشند.

زمینی اطلاعات مفصل را بیاورند و گفت اخبار را در کنترل قرارگاه بگذاریم که در حد مصلحت پخش شود.

هیأت رئیسه مجلس خبرگان در دفترم، جلسه همراه صبحانه داشت. درباره دستور دبیرخانه تبلیغات خبرگان و... مذاکره شد. آقای انواری آمد و گفت شخصی که در زمان پهلوی با همکاری اشرف [خواهر شاه] دفینه‌های ایران را شناخته، مدعی است مقداری از آن را توسط خانواده سلطنتی بیرون برده‌اند و مقداری از آنها موجود است. او که مدتی در زندان بوده و به تازگی آزاد شده است، نقشه‌ها را در اختیار دارد و آماده است همکاری کند. گفتم پیگیری کنند و وزارت فرهنگ و یکی ازکمیسیون‌های مجلس را در جریان امر بگذارند. از زمان پیروزی انقلاب تاکنون مکرراً از این ادعاها شنیده‌ایم که به مسئول قانونی آن ارجاع می‌دهیم.

در جلسه مجلس خبرگان، بحث درباره مخالفت خبرگان با منتخب مردم ـ در صورتی که واجد شرایط رهبری نباشد ـ بود که به نتیجه‌ای نرسیدیم. ظهر سرهنگ سروری از نیروی زمینی با نقشه آمد و توضیحاتی درباره عملیات داد. در مرحله اول از شرق و شمال و جنوب به شهر سیدکان[1] عراق در شمال کردستان نزدیک شده‌اند و با مانعی برخورد نکرده‌اند، ولی به نظر می‌رسد برخورد از این به بعد است. مدیران دانشگاه آزاد اسلامی با امام ملاقات داشتند. امام مطالب دلگرم کننده‌ای مطرح کردند[2].

عصر هم مجلس خبرگان جلسه داشت و تصویب شد که در زمان حیات هر رهبر، درباره رهبر آینده تصمیم‌گیری شود که پس از فوت رهبر، خلأیی پیش نیاید. شب آقای آقازاده آمد و اطلاع داد

---

۱ ـ منطقه سیدکان در لابه‌لای کوهستان‌هایی واقع شده است که در داخل خاک عراق در نوار مرزی سه کشور ایران، عراق و ترکیه قرار دارد. اهمیت منطقه به دلیل کوهستانهای مرتفع آن است که هر یک از نیروهای درگیر، از بالای آن می‌تواند برکیلومترها اراضی مسکونی، مزروعی و تأسیسات نظامی کنترل داشته باشد. این منطقه به لحاظ موقعیت خاص خود به منظور اجرای عملیات نامنظم، همواره مورد توجه مخالفان حکومت مرکزی عراق و از قدیم الایام محل فعالیت نیروهای بارزانی بوده و اجرای عملیات چریکی در این منطقه سابقه دیرینه‌ای داشته است.

۲ ـ در این روز رئیس دانشگاه آزاد اسلامی به همراه معاونان و مشاوران این دانشگاه به حضور امام خمینی (ره) رسیدند و گزارشی از فعالیتهای این دانشگاه را به استحضار ایشان رساندند. امام خمینی (ره) در این ملاقات فرمود: "از زحمات و خدمات آقایان تشکر می‌کنم. خداوند به شما و سایر افرادی که این دانشگاه را اداره می‌کنند، توفیق دهد. ان‌شاءاللّه بتوانید ایران را دانشگاه کنید. مسلماً مردم وقتی دیدند کارهایتان خوب است و به‌آنان خدمت می‌کنید با شما همراهی و کمک می‌کنند چراکه مردم می‌خواهند فرزندانشان مهذب و عالم شوند. باید تلاش کنید جهات دینی را در دانشگاه بیشتر کنید. باید قبل از هر چیز، دانشگاه اسلامی باشد، برای اینکه کشور هر چه صدمه خورده است ازکسانی بوده که اسلام را نمی‌شناخته‌اند". رجوع کنید ← "کتاب صحیفه امام، جلد نوزدهم، صفحه ۳۱۶، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره).

که آمریکایی‌ها از طریق کره جنوبی اطلاع داده‌اند حاضرند موشک تاو را در مقابل دو دستگاه تانک تی ۷۲ [روسی] بدهند که در جبهه به غنیمت گرفته‌ایم. شب به خانه آمدم. آقای محسن رضایی اطلاع داد که در جنوب سیدکان یک واحد از سپاه [تیپ ویژه شهدا] ضربه خورده و عقب نشسته است.

سه شنبه ۲۵ تیر ۱۳۶۴ ۲۷ شوال ۱۴۰۵ 16 JULY 1985

ساعت هفت‌ونیم آقای [واعظ]طبسی به منزل آمدند و گله داشتند که دفتر امام و رسانه‌های جمعی با ایشان بد برخورد می‌نمایند. عنوان نمایندگی امام در خراسان که از ایشان است، به امام جمعه مشهد اطلاق می‌نمایند. قرار شد رسیدگی کنم.

همراه سایر اعضای مجلس خبرگان به زیارت امام رفتیم. آقای مشکینی از طرف ما صحبت کردند و ضمن صحبت، پیشنهاد اصلاح و تکمیل قانون اساسی را نمودند. همگی قبول داریم که قانون اساسی به خاطر عجله‌ای که در تدوین آن شد، نواقصی دارد و متکی به تجربه نبوده است. امام ضمن سخنان خودشان در این باره چیزی نگفتند و بیشتر درباره ساده زیستی روحانیون و لزوم اجتناب از تجمل و اسراف حرف زدند[1].

---

۱ ـ امام خمینی (ره) در این ملاقات خطاب به اعضای مجلس خبرگان رهبری فرمود: "از اهم مسایلی که باید تذکر بدهم، مسأله‌ای است که به همه روحانیت و دست‌اندرکاران کشور مربوط می‌شود و همیشه نگران آن هستم که مبادا این مردمی که همه چیزشان را فدا کردند و به اسلام خدمت نموده و به ما منت گذاشتند، به واسطه اعمال ما، از ما نگران بشوند. زیرا آن چیزی که مردم از ما توقع داشته و دارند و به واسطه آن دنبال ما و شما آمده‌اند و اسلام را ترویج نموده و جمهوری اسلامی را به پا کردند و طاغوت را از بین بردند، کیفیت زندگی اهل علم است. اگر خدای نخواسته مردم ببینند که آقایان وضع خودشان را تغییر داده‌اند، عمارت درست کرده‌اند و رفت و آمدهایشان مناسب شأن روحانیت نیست و آن چیزی را که نسبت به روحانیت در دلشان بوده است از دست بدهند، از دست دادن آن همان و از بین رفتن اسلام و جمهوری اسلامی همان... شما گمان نکنید که اگر با چندین اتومبیل بیرون بیائید، وجهه‌تان پیش مردم بزرگ می‌شود. آن چیزی که مردم به‌آن توجه دارند و موافق مذاق عامه است، این که زندگی شما ساده باشد". رجوع کنید ← "صحیفه امام، جلد نوزدهم، صفحه ۳۱۷، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره).

همچنین در این ملاقات، حضرت امام در خصوص مسأله حج فرمودند: "جهت دیگری هم که باید عرض کنم این است که الان ایام حج است و حج از امور کشور ما و همه جاست و ما به آن توجه خاصی داریم. من آقای موسوی خوئینی‌ها را می‌شناسم و ایشان خیلی فعال بودند و خوب عمل کردند، اما چون وجودشان در دادستانی لازم بود، از این جهت امسال نمی‌توانند به حج بروند. هر چه فکر کردیم دیدم که آقای [مهدی]کروبی به جای ایشان مناسب است و آقای کروبی کسی است که سالهای طولانی

(ادامه پاورقی در صفحه بعد)

ساعت نه‌ونیم به مجلس رفتم و کارهای اداری را انجام دادم و بعد از تنفس جلسه مجلس را اداره کردم. طرح لغو قانون محدودیت خرید خانه در شور اول تصویب شد.

عصر مجلس خبرگان جلسه داشت. طرح تعیین آقای منتظری به عنوان جانشین امام با حدود پنجاه امضاء تقدیم شد ولی بررسی آن به جلسه آینده موکول گردید. شب [اعضای مجلس] خبرگان مهمان رئیس‌جمهور بودند. من هم درباره سفرهای اخیر و جنگ صحبت کردم[1]. برای خواب به مجلس رفتم.

چهارشنبه ۲۶ تیر ۱۳۶۴ ۲۸ شوال ۱۴۰۵ 17 JULY 1985

مجلس خبرگان صبح و عصر جلسه داشت. رهبریت آقای منتظری در دستور بود و کسی جرأت مخالفت صریح را نداشت و یا مخالف صریح نبود. عده‌ای به عنوان اینکه اقدام با عجله است و باعث اتهام و حرف مخالفان می‌شود، می‌گفتند به عنوان تحقیق درباره بقیه افراد مورد احتمال تأخیر بیاندازیم.

این طرح را حدود پنجاه نفر [از نمایندگان مجلس خبرگان] امضاء کرده بودند و بیشتر آیت‌الله خامنه‌ای اصرار بر اتمام کار می‌کردند. بالاخره در آخر وقت چون هنوز عده‌ای برای صحبت وقت داشتند، با پیشنهاد آقای مشکینی قرار شد ظرف دو سه ماه آینده اجلاسیه‌ای داشته باشیم و پنج نفر به عنوان تحقیق معین شدند.

بعد از نماز مغرب، مهندس موسوی و همفکرانش آمدند و گفتند فردا در کنگره حزب شرکت نمی‌کنند. نصیحتشان کردم که شرکت کنند ولی نپذیرفتند. شب مسئولان قوا جلسه داشتیم. درباره جنگ، خریدهای تسلیحاتی، وضع لیبی و... صحبت کردیم. دیر وقت به خانه آمدم. آقای صیاد

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

در رژیم سابق کتک خورده است و در این راه صدمه دیده‌اند و فرد مقاوم و صالحی است، از این جهت ایشان را امسال موقتاً می‌فرستیم تا ببینیم سالهای دیگر چه باید بکنیم".

۱ ـ در این ضیافت شام که از سوی آیت‌الله خامنه‌ای رئیس‌جمهور به افتخار نمایندگان مجلس خبرگان رهبری برگزار شده بود، آقای هاشمی گفت: "وضع ما در جبهه‌ها عالی است. امروز ارتش، سپاه و بسیج در بهترین وضعیت خود قرار دارند و عملیات نفوذی اخیر که طی دو روز گذشته نیز در شمال عراق ادامه دارد، ضربات و صدمات قابل توجهی به دشمن وارد ساخته و گزارشهای رسیده حکایت از ضعف و وحشت کامل دشمن دارد".

[شیرازی] تلفنی اطلاع داد مرحله اول عملیات قادر تمام شده و برای مشورت درباره مرحله دوم به تهران می‌آیند.

پنجشنبه ۲۷ تیر ۱۳۶۴ ۲۹ شوال ۱۴۰۵ 18 JULY 1985

تا ساعت ده صبح در جلسه علنی ماندم. برای شرکت در کنگره حزب جمهوری اسلامی به مدرسه شهید مطهری رفتم. آیت‌الله خامنه‌ای صحبت کردند و گزارش دادند و از ضررهای اختلاف دو جریان در حزب که منجر به خاموشی چراغ حزب شد، انتقاد کردند[۱]. ظهر به مجلس رفتم. ساعت سه و نیم به کنگره برگشتم. تحلیلی از تاریخچه حزب و نشیب و فرازها و اختلافات ارائه دادم و علل مخالفت امام را گفتم و تأکید بر ضرورت جامعیّت حزب به همه جریان‌های خط امامی و لزوم اجتناب از تفرقه و تعدّد احزاب در خط امام نمودم و گفتم اگر این طور شود، مصلحت نیست که شخصیتهای روحانی که محور وحدت امت هستند در احزاب باشند و شاید علت تصمیم امام در مورد ممنوعیت ائمه جمعه از عضویت در حزب این باشد[۲].

برای جلوگیری از یک بعدی شدن حزب پیشنهاد کردم که همان شورای مرکزی سابق بماند. اگر انتخابات می‌شد یک جریان رای می‌آورد، چون آقای مهندس موسوی و همفکرانش در کنگره شرکت نکرده بودند[۳]. شب با رئیس‌جمهور و صیّاد در دفترم جلسه داشتیم. گزارش عملیات قادر در

---

۱ ـ مؤسسان حزب جمهوری اسلامی در کنگره دوم حزب جمهوری اسلامی به چگونگی توقف فعالیتها، انگیزه و دلایل آن پرداختند و این کنگره به فضایی برای طرح پیشنهاد برای توقف یا ادامه فعالیت حزب تبدیل شد. آیت‌الله خامنه‌ای دبیرکل حزب در سخنرانی خود این موارد را مورد توجه و تأکید قرار دادند: "۱- بستن دفاتر غیر فعال کم تعداد و اختلاف‌زای حزب ۲- کاهش یا عدم انجام مخالفتهای تبلیغی از جانب حزب ۳- عدم شرکت حزب در مسایل سیاسی حساسیت برانگیز ۴- ابقای حوزه‌ها توأم با برخورداری از واحدهای عقیدتی قوی جهت تغذیه فکری آنها".

۲ ـ رجـوع کـنید ← کـتاب "هـاشمی رفسنجانی، سـخنرانی‌های سال ۱۳۶۴، جلد پـنجم، "زیـر نـظر مـحسن هـاشمی، دفترنشرمعارف‌انقلاب.

۳ ـ دو جناح موجود در حزب جمهوری اسلامی اختلافات عمده در مسایل اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی داشتند. یک جناح که اعضای شاخص آن آقایان میرحسین موسوی، ابوالقاسم سرحدی زاده، مسیح مهاجری، محمدرضابهشتی و جواد اژه‌ای بودند به اقتصاد دولتی و متمرکز اعتقاد داشتند و به خط امامی مشهور بودند و در سوی دیگر حزب افرادی نظیر آقایان عبدالله جاسبی، اسدالله بادامچیان و مرتضی نبوی عمدتاً بازار سنتی را نمایندگی می‌کردند و به بخش خصوصی و تجارت آزاد معتقد بودند. بخشی از اختلافات دو جناح در نامه‌ای که چند تن از گروه موسوم به خط امام به آیت‌الله خامنه‌ای دبیرکل حزب نوشته‌اند و در بخش ضمایم کتاب "به سوی سرنوشت، کارنامه و خاطرات سال ۱۳۶۳" آمده، منعکس گردیده است.

منطقه سیدکان را دادند و قرار شد از سپاه برای تداوم عملیات کمک بگیرند.

جمعه ۲۸ تیر ۱۳۶۴ ۳۰ شوال ۱۴۰۵ 19 JULY 1985

در منزل ماندم و بیشتر وقتم به مطالعه و استراحت گذشت. هفته گذشته به خاطر دو مجلس خبرگان و شورای اسلامی خیلی خسته شده بودم. کمی هم ورزش شنا نمودم. آقای محسن رضایی آمد و گزارش جبهه‌ها را داد و از کمبود بودجه و ضعف شورا و دخالت‌های نماینده امام گله داشت و مخالف ادامه عملیات قادر در سیدکان توسط ارتش بود و با دادن نیروی جدید به آنها موافق نبود. گفتم دستور است. قرار شد با صیاد بحث کنند.

مشکل اصلی در نظرات دوگانه سپاه و ارتش در نحوه جنگ است هر دو طرف حسن نیت دارند و آماده جهاد و شهادت‌اند، اما آموزش‌ها و تجربه‌ها تفاوت دارد و طبعاً به تشخیص خود پای بند هستند و نمی‌توانند برخلاف تشخیص خود اقدام کنند. عصر احمدآقا آمد و در مورد اصلاح قانون اساسی، دولت آینده، جنگ و... مذاکره کردیم. او طرفدار ختم جنگ است.

شنبه ۲۹ تیر ۱۳۶۴ ۱ ذیقعده ۱۴۰۵ 20 JULY 1985

در منزل بودم. شورای سرپرستی [صداوسیما] جلسه داشت. آقای [محسن]دعاگو [عضو شورا] کسالت دارد و بستری است. مقداری درباره عدم اجرای مصوبات شورا توسط سازمان صداوسیما بحث شد. برای تبلیغات انتخابات ریاست جمهوری، قرار شد هدف تشویق مردم به شرکت در انتخابات باشد.

عصر آقای سید محمد هاشمی آمد و از ضعف‌های اجرائی صداوسیما گفت و سپس آقای [عبدالمجید] معادیخواه آمد و در مورد برنامه و مخارج بنیاد تاریخ مذاکره کرد. آقای رفیق‌دوست هم درباره بودجه سپاه برای جنگ و خریدهای نظامی مراجعه کرد و آقای امیر عراقی در خصوص برخورد ضعیف متصدیان بانک و بازرگانی و وزارت نفت در فروش نفت به ژاپن گفت.

آقای ری‌شهری [وزیر اطلاعات] می‌گوید تسلط کامل به فعالیت‌های مخرّب منافقین دارند و گفت این روزها مواد منفجره زیادی کشف کرده‌اند که بیشتر آن از سلطنت طلبها بوده است. او

اطلاع داد که آقای شریعتمداری تقاضا دارد که اجازه رفت و آمد به منزل عده‌ای از افرادی که اسامی آنها را داده بدهند.

شب گزارش‌ها را خواندم که مطلب مهمی ندارد. به نظر می‌رسد دشمنان ما روی حامی تروریست معرفی کردن ایران در منطقه کار می‌کنند و می‌خواهند اغتشاشات کویت، پاکستان و انفجارهای پاکستان و کویت را به ایران نسبت بدهند[1].

یکشنبه ۳۰ تیر ۱۳۶۴ — ۲ ذیقعده ۱۴۰۵ — 21 JULY 1985

بعد از نماز صبح به مجلس رفتم. در جلسه علنی، لایحه اخذ عوارض بیشتر از گذرنامه تصویب شد. بعد از تنفس به دفترم برگشتم. آقایان انواری و [احمد]ناطق نوری آمدند. آنها معتقد به صحت ادعای شناخت گنج‌ها از طرف افرادی هستند. به مهندس حجت معاون وزارت فرهنگ گفتم برای کشف صحت ادعا با سیر ضوابط پیگیری نماید. گفت قبلاً در قم این کار را کرده‌ایم اما به نتیجه نرسیده ولی آقای ناطق نوری قبول ندارد.

عده‌ای از فرماندهان سپاه قرارگاه حمزه سید شهدا آمدند و مدعی بودند که عملکرد آقای صیاد در عملیات قادر خوب نبوده و عملیات را ضعیف اداره کرده است. به طرح آینده هم ایراداتی داشتند. بالاخره قرار شد همکاری کنند.

عصر آقای امام جمارانی و [محمد حسین]رضایی و رضوی از سازمان حج آمدند و گفتند سعودی‌ها در مورد پذیرفتن ۱۵۰ هزار نفر حاجی تردید دارند. قرار شد خبر ملاقات را به نحوی پخش کنند که آنهارا متوجه ضرر تردید نماید.

آقای ناخداملک‌زاده فرمانده نیروی دریایی با سرهنگ ترابی آمدند و گزارشی از وضع نیرو و بی فایده ماندن هلی‌کوپترهای نیروی دریایی و موشک‌های آنها دادند. درباره اعزام افراد برای آموزش سلاح‌های جدید به چین مذاکره شد. کارشکنی می‌شود.

---

۱ ـ دو بمب در ۲۰ تیر ۱۳۶۴ در دو رستوران ساحلی کویت منفجر شد و موجب خساراتی گردید. در پاکستان نیز انفجار بسیار شدیدی در روز ۲۳ تیر ۱۳۶۴، دفتر شرکت هواپیمایی پان‌آمریکن در شهر کراچی را با خاک یکسان کرد و روز بعد نیز یک بمب در برابر کانون فرهنگی ایالات متحده در شهر لاهور منفجر گردید. رسانه‌های خبری کشورهای غربی بدون هیچ مستندی، این انفجارها را به نیروهای انقلابی طرفدار جمهوری اسلامی در منطقه نسبت می‌دادند. وزارت خارجه پاکستان در پی این بمب‌گذاری، آقای حسین شیخ‌الاسلام سفیر ایران در اسلام آباد را فراخواند و مراتب اعتراض دولت خود را ابلاغ کرد.

و امرهم شوری بینهم

شورای انقلاب اسلامی

بسمه تعالی

تاریخ ۶۴/۸/۱

شماره ۲۳۰/۶۷/۱۱/د/م

پیوست ———

دفتر مشاورت(؟) امام

لازم است سریعاً به علل فرار خلبانان با هواپیماها و هلیکوپترها و علل ضعف شناسایی مسئولان در فرماندهی‌ها و ضعف کار حراست رسیدگی کند و گزارش کاملی با طرح پیشنهاد و راه حل ارائه نماید(؟)

اکبر

دستخط درخواست رسیدگی به فرار خلبانان

آقای فومنی حائری، سفیرمان در امارات آمد و گزارشی مبنی بر احترام و همراه با نگرانی آنها داد. آقای آقازاده آمد و خبر خرید گلوله‌های ۱۷۵ و ۲۰۳ از اسپانیا را داد که اگر به نتیجه برسد، خوب است. از این مهمات استراتژیک کم داریم. شب به خانه آمدم. هوا خیلی گرم است.

دوشنبه ۳۱ تیر ۱۳۶۴ — ۳ ذیقعده ۱۴۰۵ — 22 JULY 1985

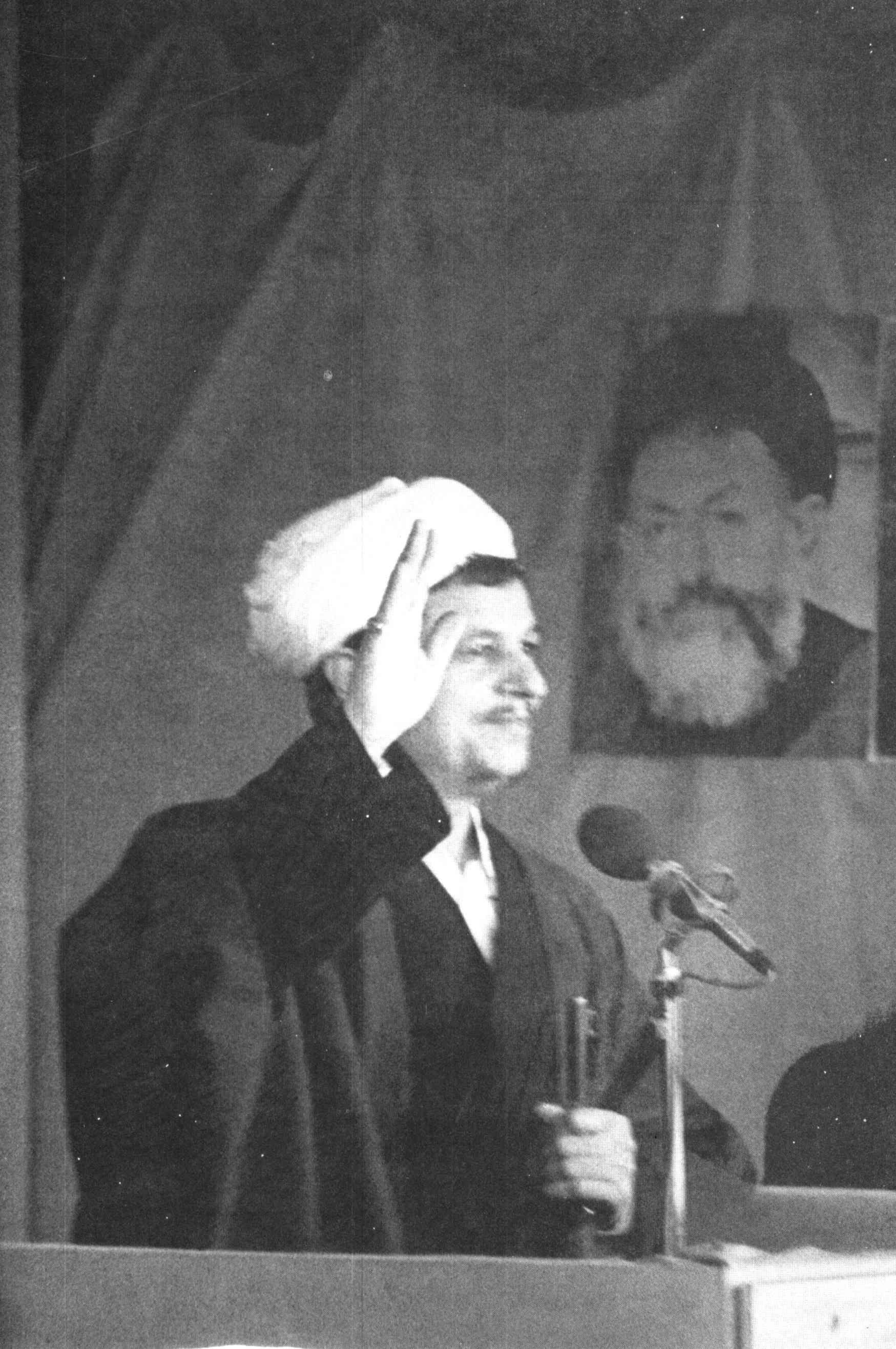
بچه‌ها به رفسنجان رفتند. با فرمانده و وزیر سپاه و نخست‌وزیر درباره بودجه جنگ و سپاه و با آقازاده درباره خرید سلاح صحبت کردم. پسر آقای مطهری آمد و برای نشر آثار پدرش کمک خواست. آنها در تهیه کاغذ مناسب مشکل دارند و از اینکه آموزش و پرورش مزاحم مدارس مستقلی چون نیکان می‌شود، گله داشت. معمولاً جریانی مزاحم اینها هستند. حرف حسابی هم ندارند.

آقای اقبالی آمد و راجع به درگیری‌هائی که با پاسداران دارند، صحبت کرد. آقای سالاری سفیرمان در آرژانتین آمد و برای بیشتر ماندن در آنجا و خریدن [ساختمان برای] سفارتخانه کمک خواست. گزارشها را آوردند. عراق مدعی است یک هلی‌کوپتر شنوک ما با سه خلبان به عراق رفته و پناهنده شده‌اند[1]. شب فیلم طبل توخالی را تماشا کردم[2]. فیلم جالبی است. از منزل فاطی شام برای من آوردند.

۱ ـ این هلی‌کوپتر پس از پرواز از مراغه در استان آذربایجان شرقی، از طریق منطقه پیرانشهر و حاج‌عمران به عراق رفته است. سه افسر نیروی هوایی که با این هلی‌کوپتر به عراق پناهنده شدند، در یک مصاحبه تلویزیونی دلیل فرار خود را وخیم بودن اوضاع اقتصادی، گرانی و... اعلام کرده و به تبلیغ علیه نظام جمهوری اسلامی پرداختند و گفتند که مردم خواستار پایان یافتن جنگ هستند. پیش از این در اواخر خرداد ۶۴ یک زن عراقی به نام "خالده عبدالقهار عبدالرحمن" دبیر ویژه امنیت ملی دولت عراق به اتفاق شوهر و چهار فرزندش به جمهوری اسلامی پناهنده شده بود.

۲ ـ سریال طبل توخالی به نمایش کمدی تلاش طرفداران سلطنت برای بازگرداندن محمد رضا شاه پهلوی بعد از پیروزی انقلاب پرداخته بود. این سریال با استقبال بینندگان تلویزیون مواجه شد.

مـرداد ۱۳۶۴



سه شنبه ۱ مرداد ۱۳۶۴ ۴ ذیقعده ۱۴۰۵ 23 JULY 1985

نیمی از جلسه علنی مجلس را اداره کردم و بقیه را به عهده آقای یزدی گذاشتم. در دفترم چند ملاقات انجام دادم. آقای محسن رضایی اطلاع داد [آقای احمد کاظمی] فرمانده لشکر یک نجف که قرار بود در [عملیات منطقه] سیدکان با آقای صیاد [شیرازی] همکاری کند، قانع نیست. تأکید کردم که خودشان مذاکره و حل کنند.

عصر در جلسه سه شنبه نمایندگان، شرحی از اهداف و نتایج سفر به کشورهای ژاپن و چین دادم. این گزارش برای نمایندگان خوشحال کننده بود. در شورای [عالی] انقلاب فرهنگی شرکت کردم. آئین نامه انضباطی دانشگاهها را تصویب کردیم.

شب با آقای خامنه‌ای جلسه داشتیم و درباره جنگ و دولت آینده و سپاه و ارتش مذاکره کردیم. کابینه موجود، مقبول ایشان نیست و موافق نیستند که سپاه، نیروی هوایی و نیروی دریایی [مستقل از ارتش] داشته باشد.

چهارشنبه ۲ مرداد ۱۳۶۴ ۵ ذیقعده ۱۴۰۵ 24 JULY 1985

تا ساعت هشت صبح مطالعه کردم. آقای [محمدرضا]شمس [= نقدی] مسئول قرارگاه رمضان آمد و از امکانات فراوان در شمال عراق، برای انجام جنگ چریکی گفت و بودجه و رادیو و تأیید خواست. کاردارمان در انگلستان آمد و گزارشی داد؛ منجمله از سمیناری که اخیراً برای بررسی انقلاب اسلامی از طرف غربیها در لندن بوده است.

[آقای فرهادنیا] سفیرمان در رومانی آمد و گزارشی از وضع کشور رومانی داد و خط رفتار سیاسی با بلوک شرق را خواست. گفتم باید روابط [با این بلوک] حسنه و بهتر شود. خانمهای نماینده آمدند و خواستار بحث در [خطبه‌های]نماز جمعه در مورد شرکت خانمها در مسائل اجتماعی شدند. نمایندگان آذربایجان غربی آمدند و از استاندار شاکی بودند.

عصر هیأت رئیسه مجلس جلسه داشت. درباره امور مجلس و نیازهای نمایندگان بحث شد. شب با سران قوا، مهمان نخست‌وزیر بودیم. درباره نامزدی مهندس [مهدی]بازرگان [در انتخابات ریاست جمهوری] بحث شد. گویا شورای نگهبان او را صالح نمی‌داند. درباره جنگ هم بحث شد.



میر حسین موسوی در جلسه کابینه دولت

آقای رضایی اطلاع داد که عملیات قدس چهار[1] در هورالهویزه موفق بوده و در جبهه شمال، آقای صیاد [شیرازی] هنوز در مورد اجرای مرحله دوم عملیات قادر مرّدد است.

شب برای خواب به مجلس رفتم. در جلسه سران قوا تصمیم گرفتیم برای تشکیل سمینار روحانیون اهل کتاب در دنیا اقدام نمائیم. در مورد افغانستان، براساس مذاکرات آقای موسوی نخست‌وزیر با فیدل کاسترو [رهبر کوبا] تصمیم‌گیری شد اگر شوروی بپذیرد که از افغانستان خارج شود، می‌توانیم برای جلوگیری از نفوذ آمریکا و غرب [در این کشور] همکاری نمائیم.

پنجشنبه ۳ مرداد ۱۳۶۴ ۶ ذیقعده ۱۴۰۵ 25 JULY 1985

در جلسه علنی مجلس، طرح تأسیس رشته دین و دانش در دبیرستانها رد شد. مراجعات زیادی از طرف نمایندگان داشتم. عصر بعضی از نمایندگان آقای منتظری در دانشگاه‌ها آمدند و از دفتر تحکیم وحدت گله داشتند و تأیید می‌خواستند. خانواده‌های پزشکان اسیر در عراق آمدند و برای آزادی آنها کمک خواستند. آقای [احمد]سالک [فرمانده کمیته‌های انقلاب اسلامی] آمد و برای بودجه و محل کمیته انقلاب، کمک خواست. با رئیس هیأت غنا ملاقات داشتم. او مواضع خوبی ارائه داد و کمک نفتی خواست. آقای صفاتی [دزفولی] رئیس دیوان محاسبات آمد و از آقای [سیدهاشم]حمیدی رئیس کمیسیون [دیوان] محاسبات [و بودجه و امور مالی مجلس] گله داشت.

آقای محسن رضایی اطلاع داد که مرحله دوم عملیات قدس چهار هم موفق بوده و مجموعاً پنجاه اسیر گرفته‌اند. شب به خانه آمدم. آقای [محمد]خاتمی [وزیر ارشاد اسلامی] تلفنی خواست که به خاطر اینکه خبرهای جنگ شهرها تلخ است، در خطبه‌های نماز جمعه شرح بیشتری از عملیات در جبهه‌ها منجمله عملیاتهای قدس چهار و قادر و... داده شود. او همچنین گفت که اگر سعودیها با ۱۵۰ هزار زائر ایرانی موافقت نکنند، امسال اصلاً زائر [به حج] نمی‌فرستیم[2].

---

۱ ـ در این روز سپاه عملیات محدود قدس ۴ را در دریاچه ام‌النعاج واقع در هور آغاز کرد که به جز در بخش کوچکی از اهداف تعیین شده، با موفقیت توسط تیپ بدر (عراقیهای مخالف صدام) به انجام رسید. در این عملیات نیمی از دریاچه مذکور آزاد شد و تعداد ۸۰ نفر از نیروهای دشمن کشته و بیش از ۱۰۰ نفر مجروح و ۵۳ نفر اسیر شدند و مقداری غنیمت به دست آمد.

۲ ـ عربستان سعودی با استناد به‌این موضوع که تسهیلات و امکانات کافی برای پذیرایی از ۱۵۰ هزار زایر ایرانی ندارد، اصرار می‌ورزید که جمهوری اسلامی به ۱۰۰ هزار نفر زایر اکتفا کند. البته جوسازی رسانه‌های ضدانقلاب نیز در این اقدام عربستان مؤثر

(ادامه پاورقی در صفحه بعد)

جمعه ۴ مرداد ۱۳۶۴ ۷ ذیقعده ۱۴۰۵ 26 JULY 1985

اعضای خانواده در رفسنجان هستند. تلفنی احوالپرسی کردم. مهدی به کوه پیمائی رفته است. او صبح زود رفت و ساعت چهار بعداز ظهر آمد. امروز بیشتر وقتم به خواندن گزارش‌ها گذشت.

آقایان بهزاد نبوی، [حسین]نمازی و [محسن]نوربخش آمدند و از بحران اقتصادی احتمالی به خاطر فروش نرفتن نفت ابراز نگرانی کردند. راهکار مقابله با این بحران یا فروش بیشتر [نفت] است و یا کاهش هزینه‌ها که اولی را انتخاب کردیم و قرار شد معاونانی برای وزیر نفت تعیین کنیم که تلاش بیشتری کنند.

عصر احمدآقا آمد و راجع به جنگ، دولت آینده. فروش نفت، سپاه و ارتش مذاکره کردیم. قرار شد فردا در همین ارتباط به زیارت امام بروم.

شنبه ۵ مرداد ۱۳۶۴ ۸ ذیقعده ۱۴۰۵ 27 JULY 1985

تا ساعت هشت صبح در خانه کار کردم. سپس به زیارت امام رفتم. امام حالشان خوب است. درباره کابینه آینده، فروش نفت و اصلاح قانون اساسی و آینده سپاه و ارتش با امام مذاکره کردم و به نظرم می‌رسد که در هر چهار مورد، نتایج مطلوبی به دست آمد که در سرنوشت انقلاب تأثیر اساسی دارد.

در شورای سرپرستی [صداوسیما] کار مهمی نداشتیم. به خاطر بحث‌های اختلافی، جلسات شورا صفایی هم ندارد. عصر و شب، وقتم بیشتر به مطالعه گذشت و کمی هم شنا و ورزش کردم.

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

بود. بعنوان مثال یکی از عناصر ضدانقلاب در مقاله تحریک‌آمیزی در مجله «الدستور» چاپ لندن با انتشار اسناد جعلی چنین القا می‌کرد که ایران قصد ایجاد آشوب و اغتشاش در مراسم حج دارد. در این مقاله آمده است: "آیت الله منتظری در دیدار خود با مسئولان اداره حج و اوقاف گفته است که شما تنها برای طواف کعبه به حج نمی‌روید، بلکه یکی از وظایف اصلی شما صدور انقلاب است. اگر هر یک از حجاج در جریان حج، اخبار ولایت و افکار ولایت‌فقیه را تبلیغ نکند، حج او مورد قبول واقع نخواهد شد و حکومت اسلامی میلیونها دلار ارز خارجی صرف نمی‌کند که زایرین بروند و بر روی شیطان رجیم سنگ پرتاب کنند بلکه هدف ما صدور انقلاب است. "از جمله اسناد جعلی منتشر شده توسط مجله الدستور" نامه‌ای است که آقای سید محمد خاتمی وزیر ارشاد اسلامی به سپاه پاسداران نوشته و خواسته است که ۱۵ هزار نفر نیروی زبده و کارآمد و حزب‌اللهی را با شرایط سنی ۲۴ تا ۳۲ ساله برای شرکت در مراسم حج معرفی کنند".

جمهوری اسلامی ایران

مجلس شورای اسلامی



دفتر رئیس

شماره: ۱۷۰۹۴۳/۲۵/۵۰

تاریخ: ۶۳/۵/۵

پیوست:

بسمه تعالی

جناب آقای صفایی دزفولی

ریاست محترم دیوان محاسبات

پیرو نامه شماره ... بنظر می‌رسد احکام مستشاران باید توسط شخص جنابعالی صادر شود. احکام صادره قبلی را ~~[illegible]~~ برگردانید.

پیش نویس نامه به رئیس دیوان محاسبات

یکشنبه ۶ مرداد ۱۳۶۴ ۹ ذیقعده ۱۴۰۵ 28 JULY 1985

تا ساعت ده صبح در جلسه علنی مجلس ماندم. ظهر سفرا و کاردارانمان از اروپا و آمریکا آمدند، برای آنها درباره اهمیّت اسلامی بودن ماهیت انقلاب صحبت کردم[1]. عصر اولین جلسه شورای مرکزی حزب جمهوری اسلامی بعد از کنگره تشکیل و دبیرکل حزب انتخاب شد. آیت‌الله خامنه‌ای اصرار داشتند که من بپذیرم، قبول نکردم. ایشان به طور موقت دبیرکلی را پذیرفتند و قرار شد از اعضای علی‌البدل شورای مرکزی برای پرکردن جای آقایان [محمدمهدی]ربانی [املشی] و [عباس واعظ]طبسی و [محسن]دعاگو استفاده شود. شب برای شام و خواب به مجلس رفتم. بخشی از فیلم کمال الملک را دیدم؛ بد نیست. امروز آقای غرضی هم آمد و گزارش جلسه اوپک را داد. عربستان سعودی و همفکرانش بی‌جهت قیمت نفت را پائین آوردند[2].

دوشنبه ۷ مرداد ۱۳۶۴ ۱۰ ذیقعده ۱۴۰۵ 29 JULY 1985

تا ساعت هشت صبح کار کردم. آقای دکتر [عباس] شیبانی آمد و از مخالفت دکتر

---

۱ ـ در این سخنرانی آقای هاشمی از سفیران و کارداران خواست که انقلاب ایران باید در جهان یک انقلاب اسلامی معرفی و مطرح شود نه یک انقلاب شیعی. در بخشی از این سخنرانی آمده است: "یکی از مواردی که شما در خارج از کشور باید بر روی آن تأکید داشته باشید، این است که نظام ما نظام اسلامی است و ما به اسلامی بودن آن افتخار می‌کنیم، زیرا اسلام قدرت و صلاحیت اداره یک جامعه را با بدترین و مشکل‌ترین شرایط دارد. جمهوری اسلامی ایران تنها با اتکای به اندیشه اسلامی توانسته است شرایط حاد هفت سال گذشته را با موفقیت پشت سر بگذارد. اگر مستحکم‌ترین نظام‌های دنیا نیز با چنین شرایطی مواجه می‌شدند، قطعاً آسیب می‌دیدند. ما این را می‌دانیم و دشمنان ما هم می‌فهمند که آنچه نظام جمهوری اسلامی را در ایران نگه داشته، اسلامی بودن نظام است و این در حالی است که هنوز اسلام در دنیا تجربه نشده و ما الگویی نداریم که براساس آن کار کنیم. از کارهای مشکل ما این است که با فقه خودمان که در مدرسه‌ها تدریس می‌شود و در کتابها و دور از واقعیت عملی زندگی است، کار کنیم و چنین فقهی بی نقص نیست. فقهی که در حال حاضر همراه با حکومت نوشته شود، این فقه می‌تواند فقه بسیار محکمی باشد، زیرا یک مقدار آن از متون قرآن و احادیث استفاده می‌شود و بخش زیادی از آن اجتهادی است و با بحث و استدلال به‌دست می‌آید". رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۴، جلد پنجم، دفترنشرمعارف‌انقلاب.

۲ ـ آقای محمد غرضی وزیر نفت در این ملاقات گفت: "در جلسه اخیر اعضای اوپک عراق پیشنهاد کرد که سهمیه تولید نفت آن کشور افزایش یابد و از طرف عربستان سعودی پیشنهاد پایین آمدن قیمت نفت سنگین مطرح شد که ایران اعلام کرد اگر سازمان اوپک می‌کوشد سقف تولید خود را کاهش دهد تا قیمت ثابت بماند، چگونه از ناحیه یکی از اعضا، تقاضای بالارفتن سهمیه مطرح می‌شود، بنابراین ایران مخالفت خود را با این پیشنهاد اعلام نمود". آقای هاشمی هم گفت: "ایران باید برای تثبیت قیمت نفت کوشش کند. البته سهمیه تولید ایران به هیچ وجه عادلانه نیست ولی به‌خاطر اینکه همبستگی اوپک حفظ شود، آن را پذیرفته و امیدواریم دیگر اعضا نیز با تصمیمات معقول، انسجام اوپک را حفظ کنند".

[محمدرضا]راه چمنی [نایب رئیس کمیسیون بهداری مجلس] با لایحه تشکیل وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی شکایت کرد. آقایان بهزاد نبوی، [محسن]نوربخش، [اسدالله]بیات، [محمد]اصغری، [محمد]سلامتی و [محمدعلی]نجفی آمدند و برای انتشار روزنامه صبح آزادگان و دادن امتیاز به آقای [ابوالقاسم]سرحدی زاده استمداد کردند.

گروهی از نمایندگان آمدند و از شایعات مربوط به عدم معرفی آقای موسوی به عنوان نخست‌وزیر در آینده و احتمال معرفی افرادی از خط دیگر اظهار نگرانی کردند. [آقایان صمدی مصطفوی، تاج‌گردون و کنعانی] سفرایمان در اتریش، هلند، اسپانیا و برزیل آمدند و گزارشهایی از وضع کشورهای محل ماموریتشان و سطح ارتباطات ما با آنها دادند. مجموعاً به نظر می‌رسد اوضاع روابط بین‌المللی کشور رو به بهبودی است.

آقای [مصطفی]قادری آمد و گزارشی از وضع جبهه در کردستان و کردهای داخل عراق داد و کمک خواست. آقای [سیدرضا]زواره‌ای آمد و از طرف دوستان خودشان به من پیشنهاد پذیرش سمت نخست‌وزیری را کرد و من قاطعانه رد کردم. قبلاً هم آقای [حبیب‌الله]عسگراولادی پیشنهاد را مطرح کرده بودند[1].

عصر در جلسه شورای مرکزی روحانیت مبارز تهران شرکت کردم. تبلیغات انتخابات ریاست جمهوری مطرح بود. قرار شد بیشتر روی اصل شرکت مردم در انتخابات صحبت کنیم. چون که آقای خامنه‌ای شخصاً احتیاج به تبلیغ ندارند و رقیبی هم نیست. شورای نگهبان همه نامزدها به جز سه نفر-آقایان خامنه‌ای، [حبیب‌الله] عسگراولادی و محمودکاشانی را رد [صلاحیت] کرده است. حذف مهندس [مهدی] بازرگان بی مسأله نخواهد بود[2].

---

۱ - روزنامه فاینشنال تایمز در مقاله‌ای نوشت: "ناظران آگاه در تهران می‌گویند اکنون به نظر می‌رسد حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی رئیس پارلمان ایران، در مقام نخست‌وزیر آینده ایران قرارگیرد. در پی چاپ مقاله‌ای در روزنامه تهران تایمز که در آن از آقای رفسنجانی خواسته شد که از برخی از مسئولیت‌های کنونی خود کناره گیری کرده و پستی را بپذیرد که در مقام آن بتواند کنترل کامل کشور را در اختیار داشته باشد، این شایعات قوت گرفت. رفسنجانی در حال حاضر دومین مرد قدرتمند ایران بعد از امام خمینی محسوب می‌شود و دیدار اخیر وی از پایتخت‌های عربی و همچنین دوکشور شرق دور نیز بدون شک مقام و قدرت کنونی وی را فزونی بخشیده است".

۲ - تعداد پنجاه نفر برای چهارمین دوره انتخابات ریاست جمهوری نامزد شده بودند که شورای نگهبان صلاحیت ۴۷ نفر از جمله مهندس مهدی بازرگان، دکتر ابراهیم یزدی و احمد صدر حاج سید جوادی را رد کرد. در پی رد صلاحیت مهندس بازرگان رسانه‌های خارجی به تبلیغات وسیع و دامنه‌دار دربارهٔ ادعای عدم وجود آزادی انتخابات در ایران پرداختند. البته مفسران سیاسی

(ادامه پاورقی در صفحه بعد)

سه شنبه ۸ مرداد ۱۳۶۴ ۱۱ ذیقعده ۱۴۰۵ 30 JULY 1985

آقای [غلامرضا]آقازاده [معاون نخست‌وزیر در امور اجرایی] آمد و گزارشی از پیشرفت در کار خرید اسلحه داد. او گفت که چینی‌ها خوب برخورد می‌کنند و اطلاع داد یک شرکت از عربستان سعودی پیشنهاد فروش موشک تاو را داده که این عجیب است. بعید است چنین شرکتی بدون موافقت حکام عربستان به این کار اقدام نماید؛ یا فریب است و یا تغییری در سیاست عربستان سعودی پیش آمده است.

آقای دکتر [حسن]روحانی [رئیس کمیسیون امور دفاعی مجلس] آمد و گزارشی از عملیات قادر در منطقه سیدکان داد. او گفت ارتش و سپاه هماهنگ نیستند. دکتر ولایتی و [محمد علی]هادی آمدند و گزارش سفر به لیبی را دادند در این سفر قرار شده لیبی موشک اسکاد و سام بفرستد و ما هم سلاحی به آنها بدهیم. از نتایج سفر راضی بودند.

چهارشنبه ۹ مرداد ۱۳۶۴ ۱۲ ذیقعده ۱۴۰۵ 31 JULY 1985

آقای صیاد [شیرازی] آمد و گزارش عملیات قادر را داد[1]. او متوجه شده است که بدون کمک

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

در رسانه‌های بین‌المللی بر عدم وجود احتمال پیروزی مهندس بازرگان، حتی در صورت تأیید صلاحیت، اذعان داشتند. نهضت آزادی نیز با صدور بیانیه‌ای شرکت در انتخابات ریاست جمهوری را تحریم کرد.

۱ ـ با پایان گرفتن عملیات "قادر ۲" در منطقه سیدکان و عدم توفیق قوای خودی در تصرف ارتفاعات سرهویز و سربله، جلسه‌ای برای ارزیابی عملیات برگزار شد و در آن مسائلی از جمله "ضعف آتش خودی" مورد بررسی قرار گرفت و مشخص گردید که سرهنگ صیاد شیرازی نسبت به اجرای آتش توپخانه روی سرهویز اشکال اساسی گرفته و هیأتی را به سرپرستی مسئول کل آتش منطقه، جهت بازرسی و تهیه گزارش، مأمور نموده است.

درباره نتایج کلی عملیات اخیر منطقه سیدکان (قادر ۲) می‌توان گفت که به دو مرحله "هجوم و تصرف" (مأموریت نیروهای سپاهی) و "تحکیم و تثبیت" (مأموریت نیروهای ارتشی) قابل تقسیم است. مرحله هجوم و تصرف که به عهده تیپ "قدس" سپاه قرار داده شده بود، اهداف واگذار شده هر چند ناقص، تصرف شد اما نیروی خودی به تحکیم و تثبیت همان مقدار تصرف شده نیز موفق نگردید تا امکان ادامه عملیات و تصرف سایر اهداف نیز میسر شود. در مورد انهدام نیروهای خودی و دشمن نیز می‌توان گفت در مراحل اولیه، نیروهای سپاه توانستند انهدام سنگینی به دشمن وارد کنند که یک نمونه آن، چگونگی تصرف قله سنگی و مهم ۱۹۳۱ است. در اینجا حدود یک گردان از نیروهای دشمن منهدم شد، یعنی سازمان یک تیپ از هم پاشید، مقر فرماندهی دشمن در سربله تصرف شد و بی‌سیم مادر و همه بی‌سیم‌ها و دوربین‌های برد ۱۲ و ۳۰ کیلومتر مستقر در پایگاه‌های دشمن منهدم گردید. در سایر مناطق و اهداف مورد هجوم قرار گرفته نیز تقریباً چنین وضعی حاکم بوده است، اما آتش برتر و نیروی احتیاط مؤثر

(ادامه پاورقی در صفحه بعد)

سپاه، نمی‌تواند کار مهمی انجام بدهد. عملیات اصلی را هم به تأخیر انداخته است. در مجموع از عملکرد چند ماهه اخیر آقای صیاد و ارتش به این نتیجه رسیده‌ام که ارتش بدون حضور سپاه در آفند کارهای بزرگ را نمی‌تواند انجام دهد و سپاه هم می‌داند که بدون ارتش، نمی‌تواند عملیات بزرگ انجام دهد. نیروهای صف شکن در سپاهند و امکانات زمینی و هوایی و بسیاری از پشتیبانی‌ها در اختیار ارتش است.

شب مسئولان قوا مهمان من در منزل بودند. درباره تبلیغات علیه آمریکا به خاطر مزاحمت نسبت به هواپیماهای ما در خلیج‌فارس بحث و تصمیم‌گیری شد. قرار شد بعد از انتخابات باشد. همچنین قرار شد سلاحهائی به لیبیایی‌ها در مقابل دو رصد [موشک] سام بدهیم، ولی در مورد فرستادن هواپیمای اف۱۴ و هواپیمای سوخت رسانی در مقابل گرفتن هواپیمای میگ ۲۵ تصمیم‌گیری نشد.

احمدآقا اطلاع داد که امام به آقای [محمد]غرضی [وزیر نفت]گفته‌اند که اگر نمی‌تواند نفت به اندازه لازم بفروشد، کسی را برای فروش نصب خواهند کرد.

پنجشنبه ۱۰ مرداد ۱۳۶۴ ۱۳ ذیقعده ۱۴۰۵ 1 AUGUST 1985

صبح زود به مجلس رفتم. قبل از جلسه علنی آقای [علی]شمخانی [قائم مقام فرمانده سپاه] آمد و گزارشی از وضع جبهه‌ها و سپاه داد. معلوم شد انجام عملیات مورد نظر را دوماه به تأخیر می‌اندازند؛ همان آفت معمولی جنگهای گذشته. تأکید کردم که در جبهه شمال با آقای صیاد [شیرازی] همکاری کنند. در جلسه علنی تا ساعت ده صبح ماندم. در این جلسه لایحه نحوه

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

و آماده به کار دشمن، در ادامه، اوضاع را عوض کرد. تیپ قدس متحمل ۸۶ شهید و مفقود گردید. در ارزیابی نهایی عملیات، به "خالی بودن جناح راست سربله" و "فقدان روحیه" به عنوان ضعف‌های دشمن می‌توان اشاره کرد و به عنوان قوت‌های دشمن، شناخت سریع و دقیق محورهای حمله و وضعیت منطقه، تمرکز سریع آتش و تحرک نیروهای احتیاط را، می‌توان یاد کرد. مهمترین مواردی که می‌توان به عنوان ضعف خودی برشمرد عبارت است از: تغییر طرح عملیات ارتش در سراسپندار از تهاجمی به ایذایی و اهمیت ندادن به تقسیم توانایی‌های دشمن، ضعف توپخانه و فقدان پدافند هوایی. به این ترتیب، دشمن با پی بردن سریع به حذف سراسپندار، تمامی توان فرماندهی و آتش توپخانه و هلی‌کوپترها و هواپیماهای خود را متوجه ارتفاعات سرهویز و سربله (سپس منحصراً سربله) کرد. در این اوضاع، با ضعف آتش متقابل توپخانه و ضدهوایی، مقاومت پیاده‌های خودی نیز امکان تداوم نیافت و عقب‌نشینی، ضرورتی حتمی شد.

وصول مالیات تصویب شد.

ظهر در دفترم چند ملاقات داشتم. عصر مسئولان جهاد سازندگی آمدند، برای آنها صحبت کردم[1]. آقای مروی مدیر عامل طرح نیروگاه شهید رجائی آمد و گزارشی از وضع وزارت نیرو و ضعف وزیر وکجی‌های مشاوران داد. او آدم واردی است. آقای مرعشی اهوازی آمد و برای چاپ نوشته‌هایش کمک خواست.

یکی از افراد مسئول در خارج کشور آمد و از نابسامانی‌های برنامه خارج و ماندن امکانات در خارج گله کرد. آقای پیری استاندار استان مرکزی هم آمد و راجع به برگزاری سمینار امیرکبیر در اراک مشورت کرد و از آقای [محمد علی]موحدی ساوجی [نماینده ساوه]گله داشت.

جمعه ۱۱ مرداد ۱۳۶۴ ۱۴ ذیقعده ۱۴۰۵ 2 AUGUST 1985

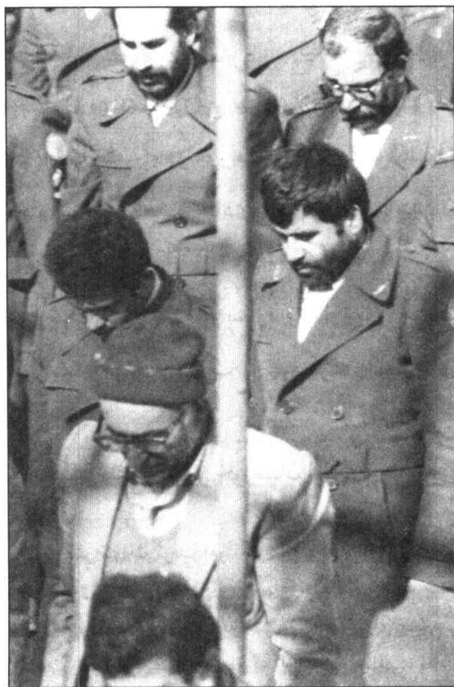
تا ساعت ده و نیم در منزل مطالعه می‌کردم. نماز جمعه را در دانشگاه تهران اقامه نمودم[2]. عفت و مهدی هم با من به نماز جمعه آمدند. پسته تازه نوبار امسال، امروز توسط آقای محمد هاشمی برایمان رسید.

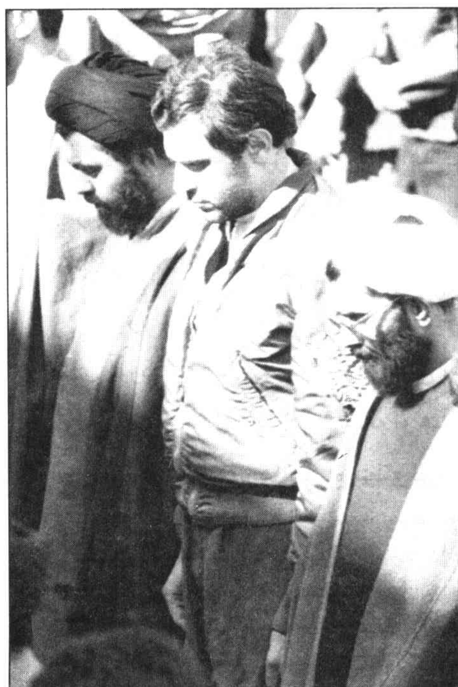
---

۱ ـ در این ملاقات که آقای عبدالله نوری نماینده امام خمینی (ره) در جهاد سازندگی، اعضای شوراهای روستایی و آقای بیژن نامدار زنگنه وزیر جهاد سازندگی حضور داشتند، آقای هاشمی گفت: "در سفر اخیر به چین، مقامات این کشور که سابقه ۴۰ ساله حرکت مردمی دارند، می‌خواستند بدانند که جهاد چگونه بدون اجبار برای آبادانی نقاط محروم، داوطلب می‌فرستد. شما سال آینده می‌خواهید یک میلیون هکتار زمین را زراعی کنید و این تحولی است به سوی خودکفایی و این کارها در تاریخ خواهد ماند". رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۴، جلد پنجم، دفترنشرمعارف‌انقلاب.

۲ ـ در خطبه اول ادامه موضوع عدالت اجتماعی اسلام در مورد حقوق زن در مقایسه با غرب و اقدامات به عمل آمده برای احقاق حقوق زنان و اشکالات اساسی در این اقدامات، تفاوت اصولی اسلام با سایر مکاتب و خانواده نمونه در صدر اسلام دنبال شد. در خطبه دوم نیز درباره زندگانی امام رضا (ع)، مسأله انتخابات ریاست جمهوری، مسأله حج و وظایف حجاج، ظهور حرکتهای جدید اسلامی و ضداستکباری در جهان، تحولات در جبهه‌های جنگ، مسأله بدهی کشورهای جهان سوم و اثرات ارزان قیمت نفت از سوی سازمان اوپک مورد بحث و بررسی قرار گرفت. در بخشی از خطبه دوم دربارهٔ مسأله حج آمده است: "امیدواریم که در مکه معظمه و مدینه منوره آن متانت و عظمت اسلام را آن طوری که شایسته یک ملت انقلابی است، به نمایش بگذارند و ضمن حفظ آرامش و نظمی که باید در آنجا باشد ـ که از وظایف ماست که نظم دوران حج را مراعات کنیم ـ آن افکار اسلامی و شعارهای اسلامی را برای جمعیت عظیم مسلمانها که از اطراف دنیا می‌آیند و مایلند سوغاتی از مکه ببرند، به نمایش بگذارند که البته خواهند گذاشت". رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، خطبه‌های جمعه سال ۱۳۶۴، جلد هشتم، صفحه ۲۸۶، دفترنشرمعارف‌انقلاب.







حضور پر شور در نماز جمعه

شب اخوی زاده فرزانه و شوهرش توکلی [بینا] که در آمریکا تحصیل می‌کند، آمدند و مقداری از وضع دانشجویان ایرانی در آمریکا تعریف کردند و هدیه‌ای برای [جبهه‌های] جنگ آوردند.
آقای [مصطفی] ترابی [مسئول دفتر مشاورت امام در ارتش] تلفنی اطلاع داد که یک کشتی حامل نفت که از بندرهای کویت یا عربستان بارگیری کرده بوده، موشک خورده است[۱].

شنبه ۱۲ مرداد ۱۳۶۴ ۱۵ ذیقعده ۱۴۰۵ 3 AUGUST 1985

به خاطر مسافرت اعضای شورای سرپرستی [صداوسیما]، جلسه نداشتیم. آقای [محسن] دعاگو که مریض بود، بهتر شده و آمد. با ایشان راجع به مواردی که در صدا و سیما اختلاف نظر وجود دارد، مذاکره شد. به کارگیری افراد و توجه به خواست شورا مورد اختلاف است. قرار شد جلسه داشته باشیم. شب گزارشها را آوردند که مطلب مهمی نداشتند.

یکشنبه ۱۳ مرداد ۱۳۶۴ ۱۶ ذیقعده ۱۴۰۵ 4 AUGUST 1985

صبح زود در دفترم با آقای [محمد] فروزنده مسئول مهندسی رزمی سپاه ملاقات داشتم. او درباره کشیدن لوله تا مرز دشمن برای اهداف جنگی و ساختن راه در هور مشورت کرد. بنا شد بعداً نظر بدهیم. در جلسه علنی مجلس چند دستور انجام شد. مراجعات زیادی از طرف نمایندگان داشتم.
عصر آقای سیاح آمد. او مدعی است می‌تواند موشک زمین به زمین بسازد و به اروپا و آمریکا برای آوردن وسائل لازم رفته بود. مدعی است سوخت و موتور موشک را تهیه کرده و به زودی اولین موشک را آزمایش می‌کند. به او هدیه دادم.
گروهی از فرماندهان سپاه منطقه تهران[۲] و نمایندگان بسیج عشایر خوزستان آمدند و من برای

---

۱ ـ شرکت بیمه لویدز لندن اعلام کرد این حمله در ۱۰ مایلی سواحل قطر صورت گرفت. موشک شلیک شده از هلی‌کوپتر به سوی نفتکش بزرگ یونانی به نام "استلیوس" حامل نفت ایران، در فاصله‌ای دورتر از نفتکش و در آبهای خلیج‌فارس منفجر شد.
۲ ـ فرماندهان پایگاهها و نواحی حفاظتی منطقه یک ثارالله سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به همراه اعضای شورای منطقه در این ملاقات حضور داشتند و آقای هاشمی با ابراز خرسندی از ملاقات با برادران مسئول و متعهد که بار سنگین حفاظت، دفاع و

(ادامه پاورقی در صفحه بعد)

آنها صحبت کردم[1]. آقای [محمد]هویدا سفیرمان در بلژیک آمد و از وزارت خارجه به خاطر خاتمه دادن به خدمت ایشان گله‌مند است. آقای [ابوالفضل]توکلی‌بینا آمد و ازکنار گذاشته شدن نیروهای بازاری گله‌مند بود و به دولت انتقاد می‌کرد.

دوشنبه ۱۴ مرداد ۱۳۶۴ ۱۷ ذیقعده ۱۴۰۵ 5 AUGUST 1985

تمام روز در منزل بودم و بیشتر وقتم به مطالعه گذشت. گزارش شکست تلاش ضدانقلاب در ربودن هواپیمایمان در مسیر تهران ـ بندرعباس رسید که مهم است[2].

سه شنبه ۱۵ مرداد ۱۳۶۴ ۱۸ ذیقعده ۱۴۰۵ 6 AUGUST 1985

ساعت شش و نیم صبح به مجلس رفتم. در جلسه علنی چند دستور انجام شد. عده‌ای از نمایندگان به مکه رفته‌اند و اداره جلسه مشکل است، چون که موقع رأی‌گیری، نصاب حضور نمایندگان حاصل نمی‌شود. در مجلس زمزمه‌ای پیچیده که امام به آقای فخرالدین حجازی [نماینده تهران]گفته‌اند، مصلحت نمی‌دانند که [آقای میرحسین موسوی] نخست‌وزیر عوض شود و

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

تأمین امنیت را بر عهده دارند، گفت: "معمولاً جزء جلسات مأنوس و خوب ما، جلساتی است که با برادران سپاهی داریم که از ابتدا خودشان پیشقدم شدند و مشکلات انقلاب را در ابعادی که به آنها مربوط می‌شد، درک کردند و داوطلبانه و با توانایی این مسئولیتهای سنگین را پذیرفتند". رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۴، جلد پنجم، دفترنشرمعارف‌انقلاب.

۱ ـ در این ملاقات که مسئولین لشگر جوانان قدس خوزستان و مسئولین بسیج شهری و عشایری این استان حضور داشتند، ابتدا آقای سید رضا موسوی نماینده مردم اهواز در مجلس شورای اسلامی گزارشی از چگونگی شکل‌گیری بسیج عشایری و لشگر جوانان قدس ارائه داد. سپس آقای هاشمی در سخنانی به اهمیت بسیج اقشار مختلف مردم و حفظ روحیه انقلابی پرداخت. در بخشی از این سخنرانی آمده است: "روحیه والای شما جوانان و مردم مظلومی که نسل‌ها گرفتار ستم‌ها و تبعیض‌ها بودند، مایه ناراحتی دشمنان انقلاب شد. اگر این روحیه محکم و استوار طی یک نسل در جوانان کشورمان حفظ شود و آنان در اصول اسلام جا بیفتند، ما دارای جامعه سالمی خواهیم شد که در آن زمینه‌های فشار نیز از بین رفته است". رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۴، جلد پنجم، دفترنشرمعارف‌انقلاب.

۲ ـ در این روز دو تن که قصد داشتند یک فروند هواپیمای مسافربری را در مسیر تهران به بندرعباس بربایند، با واکنش نیروهای گارد پرواز سپاه روبه‌رو شدند و در یک درگیری در داخل هواپیما، یکی از آنها کشته و دیگری دستگیر شد.

اختلاف شدیدی از این جهت در مجلس است.

در تنفس برای جمعی از تماشا چیان که اصرار به ملاقات داشتند، صحبت کوتاهی کردم[1]. عصر ملاقاتی با گروهی از حزب‌اللهی‌ها و خانواده‌های شهدای ایلام داشتم و برای آنها صحبت کردم[2]. شورای عالی انقلاب فرهنگی جَلسه داشت. بخشی از آئین نامه و شرایط دانشگاه‌های غیر دولتی را تصویب کردیم.

شب با آقای خامنه‌ای جلسه‌ای طولانی داشتیم. درباره کابینه آینده، ایشان مایل نیست که مهندس موسوی [مجدداً] نخست‌وزیر شود. خط اقتصادی ایشان را قبول ندارند. از من توقع دارند که همراهی کنم. قرار شد ایشان این مسأله را با امام در میان بگذارند. مشکل را جدی می‌بینم؛ دو سلیقه در مورد وزرا و برنامه‌ها. [رئیس‌جمهور و نخست‌وزیر] در طول چند ماه گذشته، نتوانسته‌اند در مورد سه وزیر دفاع، برنامه و بودجه و راه و ترابری توافق نمایند. بعد از صرف شام به منزل آمدم.

چهارشنبه ۱۶ مرداد ۱۳۶۴ ۱۹ ذیقعده ۱۴۰۵ 7 AUGUST 1985

تا ساعت هشت صبح در منزل کارکردم و مقداری از نوار مصاحبه با مجله جوانان [امروز] را پر نمودم[3]. سپس به مجلس رفتم. دو نفر از مسئولان سپاه در لبنان آمدند. راجع به گروگانهای

---

۱ ـ در این ملاقات گروه کثیری از خواهران امور پرورشی سراسر کشور حضور داشتند و آقای هاشمی در سخنان کوتاهی ضمن تشکر از احساسات گرم آنها، توجه این خواهران را به کار حساسی که انتخاب کرده‌اند جلب کرد و با یادآوری اینکه مسئولیتی که آنان پذیرفته‌اند، با جان و سعادت فرزندان انقلاب سروکار دارد، خطاب به آنان گفت: "نسل جدید را شما باید بسازید و اگر در این راه مشکلی برای شما پیش می‌آید، باید تحمل کنید، مسئولیت سنگین مربیان امور پرورشی اقتضا می‌کند که از هرگونه مسامحه، کم کاری و عدم دقت پرهیز شود". رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۴، جلد پنجم، دفترنشرمعارف‌انقلاب.

۲ ـ آقای هاشمی در این دیدار به رشادت و پایداری عشایر، روستائیان و شهرنشینان ایلام در طول جنگ تحمیلی اشاره کرد و گفت: "با آنکه ایلام همیشه در معرض خطر بوده و هواپیماهای دشمن هرگونه شرارتی را که از دستشان بر می‌آمده در این منطقه انجام داده‌اند، به خاطر غیرت، شهامت و ایمان و شایستگی و پایداری انقلابی مردم این منطقه محروم، مسئولان جمهوری اسلامی از این منطقه خاطر جمع بوده‌اند و افرادی که از سوی مسئولان به منطقه اعزام می‌شوند، گزارشهای اعجاب انگیزی از وضع روحیه مردم و خانواده‌های شهدا می‌آورند و ما به وجود چنین مردمی که در دفاع از ایمان و عقیده و حقوق خود مقاوم هستند، افتخار می‌کنیم". رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۴، جلد پنجم، دفترنشرمعارف‌انقلاب.

۳ ـ در این مصاحبه که در مورخه ۲۱ مرداد ۶۴ در مجله جوانان امروز به چاپ رسیده آمده است: "با پیشنهاد مجله شما که جوان

آمریکایی در لبنان با آنها صحبت کردم.

آنها اطلاعی از گروگان‌گیرها ندارند اما حدسهائی زده می‌شود. گفتم از مسأله گروگانگیری در جهت خراب کردن چهره لبنان و نیروهای انقلابی استفاده می‌شود و وسعت امکانات تبلیغاتی امپریالیسم خبری، مجالی برای انقلابیون برای دفاع از خود نمی‌دهد. گرچه کمک کردن به استکبار هم هزینه دارد ولی باید فکری کرد که این حربه از آنها گرفته شود.

آقای [محمد]غرضی وزیر نفت آمد و در مورد مقدار فروش نفت و تأکید امام و ماها بر ضرورت فروش بیشتر نگران بود و استمداد می‌کرد. گفتم راهی نیست جز اینکه یا خودش بفروشد و یا اینکه با آمدن نماینده آقای [میرحسین موسوی]نخست‌وزیر برای فروش بیشتر در وزارت [نفت] موافقت کند؛ مهلتی خواست که خودش تلاش بیشتر نماید.

آقای [حسین] کاظم‌پور اردبیلی [معاون وزیر امور خارجه] برای دادن تذکراتی قبل از ملاقات با نماینده ویژه نخست‌وزیر ژاپن آمد. آقای یوشی هیرو ناکامایاها فرستاده ویژه نخست‌وزیر ژاپن با نامه‌ای از ایشان برای ملاقات سرّی آمد. مطلب عمده‌اش درخواست کمک ما برای آزادی گروگانهای آمریکایی از لبنان بود. گفتم اولاً نمی‌دانیم که آیا واقعاً گروگانی هست یا خیر؟ و ثانیاً اگر باشد، نمی‌دانیم که صحنه سازی از خود آمریکا یا اسرائیل برای ایجاد بهانه دخالت در کشورهای منطقه نباشد، ثالثاً نمی‌دانیم آمریکا خواستار آزادی آنها هست یا خیر؟ عمل نکردن آمریکا به وعده قبلی در مورد آزادی زندانیهای لبنانی از اسرائیل در مقابل حل مشکل هواپیمای ربوده شده آمریکایی تی.دبلیو. اِکه با همکاری ما و سوریه حل شد، دلیل اهداف ماجراجویانه آمریکا است. اگر آمریکا حسن نیت دارد به وعده قبلی عمل کند تا ما بتوانیم در این مسأله جدید اقدام نمائیم. او مایل بود از طرف من برای آمریکایی‌ها پیغامی ببرد. نپذیرفتم و گفتم من با ژاپنی‌ها حرف می‌زنم.

عصر هیأت رئیسه جلسه داشت و شب به همراه مسئولان قواِ مهمان آقای موسوی اردبیلی [رئیس قوه قضائیه] بودیم. جلسات ما به خاطر بعضی اختلاف نظرها کم بار است. درباره جنگ،

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

نمونه سال انتخاب شود، من موافقم و فکر می‌کنم که پیشنهاد خوبی است. اینگونه کارها را باید کرد. اتفاقاً یکی از چیزهایی که در سنین جوانی جاذبه دارد برای جوانها، همین انتخابهاست، همین مسابقه‌هاست". رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، مصاحبه‌های سال ۱۳۶۴، جلد پنجم، دفترنشرمعارف‌انقلاب.

اسلحه، زندانی‌ها، اردوگاه بازسازی، خانمهای متهتک و ... صحبت کردیم. برای خواب به مجلس رفتم.

پنجشنبه ۱۷ مرداد ۱۳۶۴ — ۲۰ ذیقعده ۱۴۰۵ — 8 AUGUST 1985

بعد از نماز صبح، متن خطبه عربی را نوشتم و برای ترجمه فرستادم. جواب نامه آقای یوشی هیرو ناکاسونه نخست‌وزیر ژاپن را نوشتم. در جلسه علنی تا ظهر یکسره کار کردیم. دو لایحه فوریت دار با حضور اعضای شورای نگهبان به تصویب رسید. خسته شدم.

آقایان [عباسعلی]بهاری و [علی]معرفی‌زاده نمایندگان ساری و خرمشهر آمدند. آقای بهاری از نماینده دیگر مازندران گله داشت که با مسئولان خطی برخورد می‌کند و آقای معرفی زاده برای امور جنگ زدگان کمک می‌خواست. می‌گوید طاقت آنها دارد تمام می‌شود.

عصر برای اعضای خانواده‌های شهدای جهاد سازندگی در مجلس صحبت کردم[1]. آقای [غلامرضا]آقازاده آمد و درباره خرید موشک تاو ـ که ۳۰درصد گران‌تر از قیمت اصلی می‌دهند ـ کسب تکلیف کرد. با رفیق‌دوست مشورت کردیم. او معتقد است، مقداری بخریم بهتر است.

عصر شورای عالی دفاع جلسه داشت. در این جلسه درباره تقسیم مشمولان سرباز بین ارتش و سپاه و ... بحث داشتیم که ناتمام ماند. درباره اقلام عمده دفاعی هم تصمیم‌گیری شد و گزارش عملیات قدس پنج را شنیدیم که سپاه در منطقه هور انجام می‌دهد. بعداز جلسه مصاحبه تلویزیونی کردم[2].

---

۱ ـ در بخشی از این سخنرانی آمده است: "شما خانواده‌های شهدا پیش خداوند مدال افتخار دارید و در قیامت عزت و ارزش و اهل شفاعت دارید و هدف شما در جامعه پیاده شده است و اکثر مردم با شما همراه هستند. روحانیت، دستگاه‌های اجرایی، ارتش، سپاه، کمیته‌ها و دیگران از شما حمایت می‌کنند. من به شما تبریک مضاعف می‌گویم که افتخار عضویت خانواده جهادگر و افتخار انتساب به یک شهید راه خدا را دارید و ان‌شاءالله خداوند این توفیق را به شما می‌دهد که بتوانید مقام جهادگری و مقام شهادت را ارج بگذارید و از این نعمتی که خداوند به شما داده است، پاسداری کنید". رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۴، جلد پنجم، دفترنشرمعارف‌انقلاب.

۲ ـ در این مصاحبه آمده است: "باید به اطلاع برسانم که منطقه عملیاتی قدس ۵ از نقطه نظر استراتژیک بسیار حائز اهمیت است. این منطقه در شرق و جنوب شرقی البیضه قرار دارد و نقطه‌ای است در شمال جاده خندق که نقطه بسیار حساس و پراهمیتی است. به طورکلی در سلسله عملیات قدس یعنی تا قدس ۵که حدود پنجاه روز انجام شده، مضمون گزارش ارائه شده این بود که

(ادامه پاورقی در صفحه بعد)

بعداز نماز با آقای خامنه‌ای جلسه داشتیم. ایشان به خاطر مخالفت [سرهنگ هوشنگ صدیق] فرمانده نیروی هوایی در دادن سلاح به لیبی در مقابل موشک سام، مردد شده بودند. ایشان را قانع کردم که باید بدهیم و موشک سام برای ما خیلی اهمیت دارد. این موشک در زدن اهداف خیلی مرتفع که این روزها در جنگ شهرها مزاحم هستند، به درد می‌خورد. آیت‌الله خامنه‌ای شرح مذاکرات امروزشان را با امام دادند. امام گفته‌اند مصلحت نیست که آقای مهندس [میرحسین]موسوی از نخست‌وزیری کنار بروند.

جمعه ۱۸ مرداد ۱۳۶۴ — ۲۱ ذیقعده ۱۴۰۵ — 9 AUGUST 1985

عذرا خانم همشیره عفت از رفسنجان آمد. از دیشب تب کرده‌ام و صبح تب و لرز گرفتم. با استفاده از مسکن‌های زیاد توانستم برای خطبه‌های جمعه کار کنم و نماز جمعه را در دانشگاه تهران اقامه نمایم. در حال تب تقریبا یک ساعت ونیم حرف زدم[1]. عصر خیلی خسته بودم. چند روز خاطرات عقب مانده را نوشتم.

شنبه ۱۹ مرداد ۱۳۶۴ — ۲۲ ذیقعده ۱۴۰۵ — 10 AUGUST 1985

تا ساعت ده صبح در منزل کار کردم به [اردوگاه] منظریه برای شرکت در سمینار رؤسای آموزش و پرورش سراسر کشور رفتم و درباره اهمیت عامل فرهنگی در سرنوشت جامعه مفصلاً

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

مجموعاً ۲۳۳ نفر اسیر گرفته شد و حدود ۳۰۰۰ نفر از نیروهای دشمن کشته و یا مجروح شده‌اند و ۳۵۰ کیلومتر از اراضی تحت اشغال دشمن که اهمیت سوق‌الجیشی بسیار مهم دارد، آزاد گردید و مقادیر قابل توجهی تجهیزات جنگی هم به غنیمت گرفته شد". رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، مصاحبه‌های سال ۱۳۶۴، جلد پنجم، دفترنشرمعارف‌انقلاب.

۱ ـ در خطبه اول مباحث روابط بین زن و مرد، مقایسه اسلام و غرب درباره حقوق زن، امتیازات زن در جهان‌بینی اسلامی و تبیین آزادی جنسی در غرب مطرح شد. در خطبه دوم درخصوص سالگرد انقلاب مشروطه، انتخابات ریاست جمهوری، آخرین وضعیت جبهه‌های جنگ، جنگ شهرها، سالگرد انفجار اتمی در هیروشیما، وضعیت آفریقای جنوبی و کنفرانس فوق‌العاده سران عرب مطالبی به نمازگزاران جمعه ارائه گردید. رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، خطبه‌های جمعه سال ۱۳۶۴، جلد هشتم، صفحه ۳۲۳، دفترنشرمعارف‌انقلاب.

صحبت کردم[1] و به خانه برگشتم. عفت همراه خواهرش عذرا خانم و فرشته طباطبائی به فرودگاه برای سفر حج رفتند.

عصر آقای دکتر ولایتی برای مشورت درباره مسئولیت نخست‌وزیری آینده آمد. ایشان به جای آقای موسوی مطرح است. مشکلات کار را گفتم و مشکلات ابقاء آقای موسوی را هم گفتم. او از خبری که آقای [فخرالدین]حجازی نقل کرده که امام گفته‌اند مصلحت نیست آقای میرحسین موسوی عوض شود، نگران بود. خبر صحت دارد و با این نظر، تعویض نخست‌وزیر مشکل است.

یکشنبه ۲۰ مرداد ۱۳۶۴ — ۲۳ ذیقعده ۱۴۰۵ — 11 AUGUST 1985

در بین راه مجلس به بیمارستان قلب برای عیادت آقای [جلال‌الدین]طاهری [امام جمعه اصفهان] رفتم. ایشان به بیمارستان لبافی نژاد برای عمل جراحی پروستات رفته بود. در دفترم تا عصر برای ملاقات‌ها و کارهای اداری ماندم. امروز مجلس تعطیل است.

آقای [رضا]امراللهی [رئیس سازمان انرژی اتمی] آمد و اطلاع داد که اتاق تجارت فرانسه، رای ظالمانه درباره مسأله ما و شرکت ارودیوف داده است. در زمان رژیم گذشته ما در آنجا برای غنی کردن اورانیوم شریک شده‌ایم و بعد از انقلاب چون ساختن نیروگاه‌های اتمی متوقف شده، عملاً شرکت نداشته‌ایم و حالا خسارت معطل ماندن کارخانه را می‌خواهند. چند کشور دیگر هم وضع ما را دارند ولی در مورد ما به خاطر طلبی که از فرانسه داریم سخت‌گیری بیشتر شده، به منظور نپرداختن پول ما. آقای [غفور]گرشاسبی آمد و برای انتشار روزنامه ابرار به جای صبح آزادگان مشورت کرد و نظرش این است که اگر صبح آزادگان منتشر شود، ابرار برای عصر باشد.

---

۱ ـ در این سخنرانی آمده است: "پرداختن به جنبه‌ای فرهنگی و تربیتی، از کارهای بسیار مهمی است که می‌تواند اساس و بنیاد جامعه را در مسیر افکار انبیا و تعالیم آسمانی قرار دهد. آنها که به فکر سلطه برجهان بودند و راهها را از پیش مطالعه کردند و شاید اساسی‌ترین راهی که انتخاب کردند، همین تعلیمات فرهنگی و نفوذ در روحیه مردم بوده است. ایران با سوابق طولانی تمدن و برخورداری از معارف غنی اسلام و حضور قوی روحانیت شیعه از پایه‌های محکم حفاظت برخوردار بوده و کشورهایی که ضعف و خلا فرهنگی دارند، در برابر تهاجم فرهنگی از پا درمی آیند. برای غربیها که با برنامه‌ریزی دقیق و شناخت اطلاعاتی از سراسر دنیا جمع‌آوری کرده‌اند، پیشروی آسان بوده است و کمتر فرهنگی است که تحت تأثیر آنها نباشد و بدترین زنجیری که به پای مردم بسته شده همین است و باید به دنبال وسیله‌ای بود که مردم را از این زنجیر آزاد کند. بنابراین اگر یک انقلاب و حرکتی، داعیه مبارزه با این حرکت تخریبی را داشته باشد، باید کار زیادی را انجام دهد". رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۴، جلد پنجم، دفترنشرمعارف‌انقلاب.

هیأت عراقی‌ها که به لیبی و سوریه رفته بودند، آمدند و گزارش مذاکرات خود را دادند؛ راضی هستند[۱]. گفتم از گرفتن کمک آنها خودداری نکنند و حضور بیشتری در عملیات داشته باشند و گروههای دیگر را به کار بگیرند. آقای محمد جواد حجتی [کرمانی] آمد. عازم مکه بود. چهل پوند به ایشان سر راهی دادم. درباره کتابخانه و منزلش و اخوی‌اش علی آقا صحبت کرد.

آقای [مرتضی]الویری آمد و برای توجیه تغییراتی که در عبارات لایحه بودجه پیش آمده نگران است که مورد تعقیب قرار گیرند. اتفاقاً نامه‌ای از دفتر رئیس‌جمهور در مواخذه آن رسید. آقایان خاموشی، موید، میرمحمد صادقی آمدند و گزارش سفر به روسیه و مجارستان را دادند. معتقدند روسها تمایل زیادی به توسعه روابط دارند و از پذیرائی‌ها راضی بودند و می‌گفتند زمینه صدور کالای غیرنفتی به روسیه زیاد است.

عصر آقای تاتلی نماینده مریوان آمد و مثل همیشه از شهردار و استاندار و فرماندار گله داشت. در جلسه شورای مرکزی حزب [جمهوری اسلامی] شرکت کردم؛ بی رونق است. تصمیم گرفتیم هیأت اجرائی را با ادغام مسئولیت‌ها و واحدها کوچک کنیم. آقای [عبدالله]جاسبی برای معافیت دانشگاه آزاد اسلامی از مالیات و همچنین گرفتن وام برای ساخت مکان موجود در محله زرگنده کمک خواست.

شب با آقای خامنه‌ای درباره نخست‌وزیری مذاکره کردیم. ایشان توقع دارند من در جهت تسهیل نظر ایشان در مورد تعویض کابینه کار کنم. پیشنهاد دادند که امام به نحوی گفته خودشان را که ابقاء آقای میرحسین موسوی را به مصلحت دانسته‌اند، جبران نمایند و بعید می‌دانم که امام بپذیرند.

دوشنبه ۲۱ مرداد ۱۳۶۴   ۲۴ ذیقعده ۱۴۰۵   12 AUGUST 1985

در منزل ماندم. سرماخوردگی دارم و کمی هم تب. فاطی، مهدی، سعید و سارا به جواهرده[۲] در

---

۱ ـ هیأت مجلس اعلای انقلاب اسلامی عراق در سفر به لیبی با معمر قذافی رهبر این کشور و سرگرد جلّود ملاقات کردند و در خصوص تشکیل جبهه مخالفان صدام توافقاتی داشتند. در ملاقات اعضای هیأت اعزامی مجلس اعلا به کشورهای لیبی و سوریه، آقای هاشمی گفت: "مجلس اعلا به عنوان یک نیروی عمده متشکل از نیروها و گروههای مسلمان عراقی، باید توان خود را همچنان که در عملیات قدس ۴ نشان داد، به نمایش بگذارد و در جبهه‌ها در کنار دیگر برادران خود، مسئولیت‌های خطیر آزاد کردن کشور خود را برعهده گیرد".

۲ ـ جواهرده منطقه‌ای است ییلاقی در ارتفاعات البرز که برخی ساکنین شهر رامسر فصل گرم تابستان را در آنجا می‌گذرانند.

شمال رفتند که از آقای [شیخ حسن]لاهوتی منزلی مانده است. من تنها ماندم. غذایم را از آشپزخانه بیت [امام] می‌آورند. کارگران لوله کشی گاز، در خانه کار می‌کنند.

پیش از ظهر آقای [محسن]رفیق‌دوست آمد. درباره پیشنهاد [فروش] اسلحه تاو، هارپون و اگزوست که از طرف گروهی مرموز ـ که به نظر می‌رسد آمریکایی باشند ـ مشورت کرد. گفتم مانعی ندارد، وارد مذاکره شود ولی به احتمال قوی قصد فروش ندارند. باید مواظب بود که کلاه گذاری نکنند.

قبلاً هم از طریق آقای سلحشور چنین صحنه‌ای داشتیم و به نتیجه نرسید. هنوز هم دست برنداشته‌اند. به طور کلی آمریکایی‌ها از طریق واسطه‌ها مکرراً چنین اقداماتی کرده‌اند. شاید برای مشغول کردن ما و شاید برای جلوگیری از رفتن به سوی اسلحه شرق و شاید برای شناختن نیاز ما و شاید برای حفظ روابط برای آینده و شاید برای ادامه جنگ که خواسته واقعی آنان است ولی در حد پیروز نشدن ما.

احمدآقا هم آمد و به طور مفصل مذاکرات آقای خامنه‌ای و امام را درباره نخست‌وزیر آینده گفت و گفت نظر امام این است که تعویض مهندس [میرحسین]موسوی مصلحت نیست و مایلند که این نظرشان گفته شود؛ درست برخلاف نظر آیت‌الله خامنه‌ای.

پس از مشاوره به این نتیجه رسیدیم که اگر نظر امام این باشد، باید بر همین روال عمل شود ولی آقای خامنه‌ای اگر اختیار داشته باشند، به هیچ وجه حاضر نیستند که نخست‌وزیری ایشان را بپذیرند و می‌گویند فقط در صورت حکم امام حاضرند ایشان را معرفی نمایند و در این صورت در کارها دخالت نخواهند کرد و وزرا را هم به میل آقای موسوی تصویب می‌کنند. به هر حال مشکل بزرگی در پیش داریم.

بعضی پیشنهاد می‌کنند که شورای نگهبان تفسیر اصل ۱۲ قانون اساسی در مورد نیاز به معرفی

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

منطقه جواهرده در دوران مبارزه بر علیه رژیم ستم‌شاهی، پذیرای تعدادی از مبارزین انقلابی بود که توسط مرحوم حاج شیخ حسن لاهوتی، دور از چشم رژیم به فعالیت می‌پرداختند. پیش از انقلاب اسلامی، این منطقه راه صعب‌العبور و خطرناکی داشت اما بعد از انقلاب اسلامی از جاده مناسب آسفالت برخوردار شد. آقای هاشمی پس از حادثه ترور سال ۵۸ توسط گروه تروریستی فرقان، بخشی از دوره نقاهت خود را در این ناحیه خوش آب و هوا سپری کرد. جواهرده دارای چند مسجد و زیارتگاه قدیمی است که نشان دهنده حضور پر قدمت شیعیان و برخی عرفا در این منطقه است. عمارت چوبی بسیار زیبا و دیدنی مسجد آدینه در جواهرده، چند سال پیش دچار حریق شد و به جای آن مسجد دیگری ساخته شد.

مجدد نخست‌وزیر پس از انتخابات مجدد رئیس‌جمهور را پس بگیرد.

عصر بیشتر به مطالعه پرداختم. شب آقای صیاد [شیرازی] آمد و برنامه جدید عملیات سیدکان را گفت. او بیشتر کار را بر دوش سپاه گذاشته است.

سه شنبه ۲۲ مرداد ۱۳۶۴ ۲۵ ذیقعده ۱۴۰۵ 13 AUGUST 1985

در منزل تنها بودم. کارگران لوله کشی گاز و تعمیر بنا کار می‌کردند، به خاطر سرماخوردگی، کسالت هم داشتم و به جلسه شورای عالی انقلاب فرهنگی نرفتم. آقای [علی]شمخانی اطلاع داد که برای عملیات سپاه چهار هلی‌کوپتر نیاز دارند، به آقای صیاد [شیرازی] گفتم که بدهند. آقای صیاد گفت بودجه مهندسی راه عقب افتاده است؛ بنا شد تأکید نمائیم. این تأخیر بودجه در اکثر موارد وجود دارد؛ پول کم است؛ نفت کم فروخته شده و همه چیز عقب است.

چهارشنبه ۲۳ مرداد ۱۳۶۴ ۲۶ ذیقعده ۱۴۰۵ 14 AUGUST 1985

در منزل ماندم. آثار سرماخوردگی هنوز باقی است. چند روز خاطرات عقب مانده را نوشتم ولی مختصر گزارش‌ها را خواندم. به آقای [محسن]رضایی گفتم خوب است سپاه در لبنان تلاش کنند تا سرنخی از عوامل گروگان‌گیری آمریکایی‌ها پیدا کنند که در مقابل آزادی اسرای لبنانی در اسرائیل و نجات گروگان‌ها کمک کنیم.

عصر آقای ری‌شهری وزیر اطلاعات آمد و گزارشی از دستگیری عناصر منافق که قصد خرابکاری در انتخابات داشتند، من جمله بازداشت سه تیم عملیاتی آر. پی. جی را داد. آقای محسن رضایی تلفنی خواست که به اخبار عملیات قرارگاه حمزه که اخیراً علیه ضدانقلاب کردستان با موفقیت انجام شده، توجه شود.

محمد کارگرمان از نوق [رفسنجان] آمد و مقداری پسته تازه آورد و از اوضاع آنجا راضی است. شب مهمان احمدآقا بودیم. امام هم در جلسه شرکت کردند. آقای خامنه‌ای به خاطر آمدن والدینشان نیامدند. بیشتر بحث‌ها بر سر نخست‌وزیر آینده و اختلاف نظر بین آقایان خامنه‌ای و مهندس موسوی بود ولی به نتیجه‌ای نرسیدیم. آیت‌الله خامنه‌ای تمایلی به نامزد شدن در انتخابات

[ریاست جمهوری] هم نداشتند و با اصرار من و دوستان دیگر پذیرفتند و طبعاً توقع دارند در این شرایط کمک کنیم. دیر وقت برای خواب به خانه آمدم.

پنجشنبه ۲۴ مرداد ۱۳۶۴ ۲۷ ذیقعده ۱۴۰۵ 15 AUGUST 1985

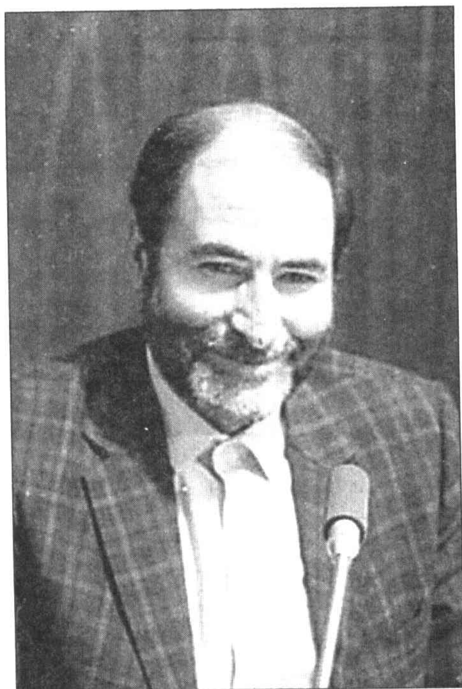
دکتر گرجی آمد و برای مشکل ارز پسرش که در آمریکا درس می‌خواند، کمک خواست. جلسه شورای سرپرستی صداوسیما داشتیم. موضوع جلسه، اختلافات [آقای محمد هاشمی] مدیر عامل با [آقای محسن دعاگو] دبیر شورای سرپرستی بود. مطلب مهمی در میان نبود.

مدعی بودند مدیر عامل خود محور است و توجهی به مصوبات شورا ندارد. ادعا را نتوانستند ثابت کنند و بالاخره به خیر گذشت و آخرین جلسه شورا در زمان عضویت من، به خوبی ختم شد. قرار شد رفاقت و همکاری نمایند. با یک تفسیر، فردا آخرین روز عضویت نمایندگان قوه مقننه و شاید نمایندگان همه قوا در این شورا است. باید قانون تفسیر شود. عصر مطلع شدیم که عراق به جزیره خارک حمله کرده و اسکله تی(T) و یک کشتی در اسکله آذرپاد صدمه دیده است[۱].

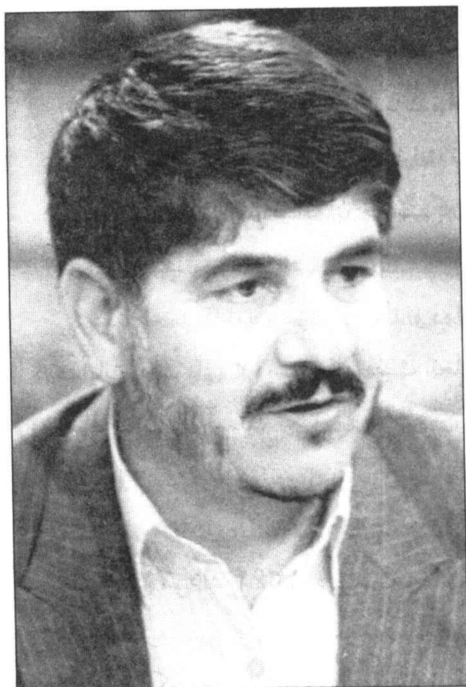
جمعه ۲۵ مرداد ۱۳۶۴ ۲۸ ذیقعده ۱۴۰۵ 16 AUGUST 1985

اول وقت، به حسینیه جماران رفتم و برای انتخابات ریاست جمهوری رأی دادم. بیشتر اوقات روز ضمن تماشای تلویزیون، گزارش‌ها را می‌خواندم. تلویزیون برنامه‌های زنده خوبی از جریان انتخابات پخش کرد. شرکت مردم خیلی خوب و دشمن شکن است.

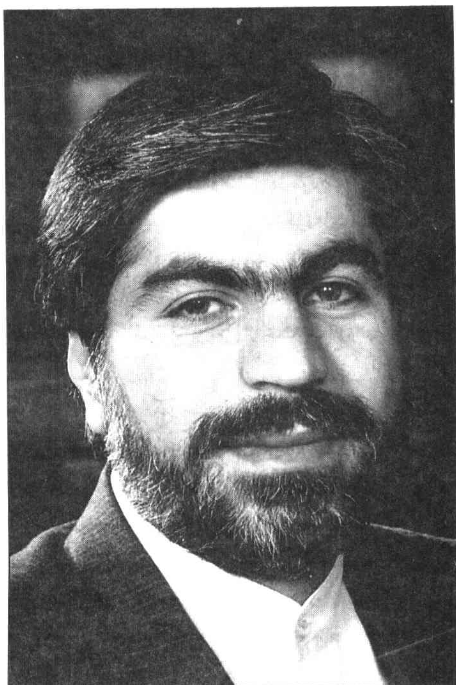
۱ـ در این حمله هوایی یک نفتکش که در حال بارگیری بود، دچار آتش سوزی شد و یک فروند از هواپیماهای مهاجم عراقی در جریان این حمله سرنگون گردید. رادیو بغداد با بزرگنمایی اعلام کرد که نیروی هوایی عراق ضربه مهلک و نابودکننده خود را بر شریان حیاتی ایران وارد ساخته و جزیره خارک را با خاک یکسان کرده است! عراق به خاطر این حمله هوایی، یک جشن تبلیغاتی بر پا کرد. این حمله تلفات جانی نداشت و تنها شش نفر مجروح به جای گذاشت اما همزمانی حمله با تغییر شیفت کاری پرسنل پدافند، نشانه‌ای از حمایت اطلاعاتی از عراق توسط قدرتهای بزرگ تعبیر شد. در آن سال بیش از ۹۰ درصد صادرات نفت ایران از ترمینالهای نفتی جزیره خارک بارگیری و صادر می‌شد و در سالهای مختلف جنگ، ارتش عراق تلاش می‌کرد با تمرکز بر ضربه وارد کردن به ترمینالهای نفت خارک مانع از صدور نفت ایران شود. محدودیت‌های دفاع هوایی و حمایت و پشتیبانی و لجستیکی وسیع کشورهای غربی از ارتش عراق باعث آسیب پذیری خارک شده بود که با تمهیدات مختلف از جمله تجهیز و تقویت دفاع هوایی و حضور قدرتمند در خلیج‌فارس، نقشه‌های ارتش بعثی صدام حسین عقیم ماند.



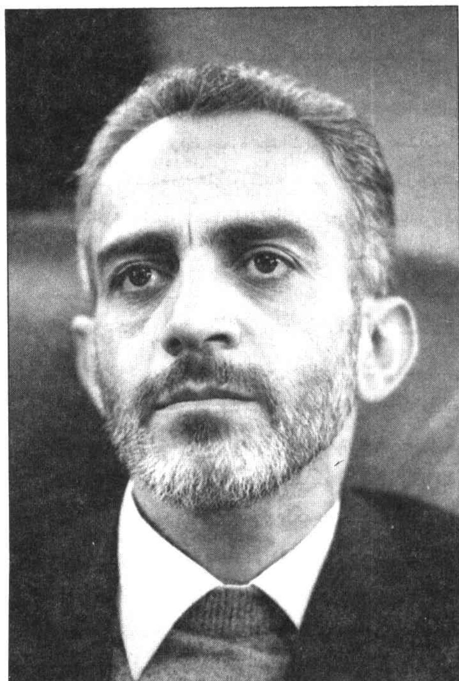
بهزاد نبوی



محمد هاشمی



محمد حسین عادلی



سید کاظم اکرمی

آقای [شیخ فضل‌الله]محلاتی [نماینده امام در سپاه پاسداران] آمد و نابسامانی‌های سپاه را گفت. معتقد است که سپاه اختیارات نماینده امام و شورا را محدود کرده است. آقای [سیدحمید]زیارتی آمد. از ایشان خواستم که در تدوین تاریخ انقلاب اسلامی با بنیاد تدوین تاریخ همکاری کند.

عصر احمدآقا آمد و درباره جنگ و دولت صحبت کردیم. آقای [علی]شمخانی اطلاع داد که عملیات عاشورای ۳ دیشب با موفقیت انجام شده است[۱]. آخر شب بچه‌ها به خاطر رأی دادن از مسافرت شمال آمدند.

شنبه ۲۶ مرداد ۱۳۶۴ — ۲۹ ذیقعده ۱۴۰۵ — 17 AUGUST 1985

تمام روز در منزل بودم. سرهنگ [مصطفی]ترابی گزارش داد که هیأت اعزامی به خارک نظر داده است که نقص در نحوه دفاع بوده و اسکله تی صدمه دیده است. آقای غرضی [وزیر نفت] هم گزارش مقدار آسیب را داد. مجموعاً عراق توفیق نسبی در زدن خارک به دست آورده است[۲]. باید در آینده در دفاع جدی‌تر برخورد کرد.

---

۱ - به گزارش قرارگاه حمزهٔ سیدالشهدا(ع)، در عملیات "عاشورای۵" که از تاریخ ۱۳۶۴/۵/۲۱ در کردستان و علیه ضدانقلابیون منطقه شروع شد، نیروهای رزمنده تکاب و صائین دژ و پیشمرگان مسلمان کرد در منطقه تکاب و صائین دژ موفق به پاکسازی همه ارتفاعات منطقه از جمله ارتفاعات "آق‌دره"، "عبدالرزاق" و چند ارتفاع دیگر شدند. در این عملیات، نیروهای خودی موفق شده‌اند بیش از ۵۰ تن از عناصر احزاب منحله و ضدانقلاب را به هلاکت برسانند که جنازه ۳۱ تن از آنان به دست رزمندگان خودی افتاده است. در این عملیات، نیروهای خودی همچنین موفق شده‌اند تشکیلات سیاسی - نظامی - تدارکاتی "هیز افشار" را - که یکی از هیزهای (یگان‌های نظامی) فعال حزب دمکرات بود - نابود کنند و غنایم قابل توجهی از جمله خمپاره‌انداز ۸۱ و ۶۰ میلی‌متری و بازوکا و... به دست آورند.

۲ - در یک گزارش کارشناسی درخصوص صدمات وارده به اسکله نفتی جزیره خارک چنین آمده است: "دو اسکله شناور در خارک به کار مشغول‌اند: یکی از آنها که در غرب جزیره قرار دارد، می‌تواند هم زمان چهار نفت‌کش غول‌آسا را با ظرفیت بیش از ۲۵۰۰۰۰ تن پذیرا شود. اسکله دیگر که در شرق واقع شده است، قادر است ده تانکر کوچک‌تر را بارگیری نماید. ایستگاه‌های پمپاژ در روی جزیره قرار ندارند بلکه در خاک ایران واقع شده‌اند. بارگیری نفت‌کش‌ها به دلیل حاد بودن اوضاع، از پنجاه مخزن واقع در روی یک تپه انجام می‌گیرد. بنا به اظهار کارشناسان نفتی، برخی از این مخازن در جریان حمله نابود شده لیکن تمامی آنها به دلایل تدابیر امنیتی، به کار گرفته نشده‌اند. قطع فعالیت‌های خارک می‌تواند یک ضربه سخت به اقتصاد ایران وارد نماید، زیرا امکان برای رفع این اشکال وجود ندارد. دیگر ترمینال‌های ایرانی از ظرفیت بسیار محدودی - به ویژه ترمینال جزیره "لاوان" در جنوب خارک - برخوردارند. محافل نفتی در خلیج‌فارس عقیده دارند در صورت بسته شدن جزیره خارک، ظرفیت صادرات ایران به کمتر از پانصد هزار بشکه در روز به جای ۱/۵ میلیون در حال حاضر، سقوط خواهد کرد".

یکشنبه ۲۷ مرداد ۱۳۶۴ ۱ ذیحجه ۱۴۰۵ 18 AUGUST 1985

برای انجام ملاقات‌ها و کارهای اداری به مجلس رفتم. سفیرمان در شوروی آمد و از تغییر سیاست شوروی پس ازانتخاب گورباچف در جهت سازندگی اقتصادی و پرهیز از درگیری‌های بین‌المللی گفت و از سیاست ما درباره روابط با شوروی پرسید. گفتم در صدد بهبود روابط هستیم.

آقای [سیدرضا]زواره‌ای آمد و درباره کارهای مجلس مذاکره شد. تعدادی از کارمندان مجلس برای مشکلات خودشان مراجعه کردند. [آقای غلامرضا]آقازاده [معاون نخست‌وزیر در امور اجرایی] آمد و از پیشنهاد کره شمالی برای دادن موشک دوربرد گفت.

[آقای عابدی جعفری] وزیر بازرگانی و رؤسای دفاتر خرید در خارج از کشور [وزارت بازرگانی] آمدند و گزارشی از جلسه‌های تجار و خریداران دولتی در سوء استفاده از تفاوت قیمت ارزها در خریدها و فعال شدن ضدانقلاب در این راه دادند و راههای مقابله را گفتند و سرانجام شناور شدن قیمت ارز به عنوان راه چاره مطرح شد. آقای محمدزاده آمد و برای پرداخت قروض خارجی‌اش از طریق صدور کالاها کمک خواست.

بعد از ظهر تیپ‌الغدیر سپاه که از مردم یزد و کردستان تشکیل شده آمدند. برای آنها صحبت کردم[1] و گزارشی درباره عملیات قدس ۵ دادند. آقای صدقیانی نماینده سلماس آمد و گزارشی از مشاهدات خود در سفر لندن داد و پیشنهادهایی داشت. گروهی از اعضای حفاظت اطلاعات آمدند. گروهی از اساتید دانشکده حقوق آمدند و از حاکمیت حزب‌الله در دانشگاه‌ها و مدرسه تربیت مدرس گله داشتند. توضیحاتی برای ضرورت به آنها دادم. این اساتید مخصوصاً مخالف دکتر [محمد]فرهادی رئیس جدید دانشگاه تهران بودند.

آقای [طهماسب] مظاهری [معاون نخست‌وزیر و سرپرست بنیاد مستضعفان] آمد و گزارشی از

---

۱ ـ در این دیدار رزمندگان تیپ الغدیر یزد که در عملیات قدس ۵ با موفقیت عمل کرده بودند حضور داشتند. آقای هاشمی پس از استماع گزارش یکی از فرماندهان تیپ الغدیر از شجاعت رزمندگان مجاهد و ایثارگر تیپ مذکور قدردانی کرد و با اشاره به نقش آیت‌الله شهید صدوقی در تحکیم انقلاب و دستاوردهای آن گفت: "یکی از دلایلی که مردم یزد اینگونه یکپارچه در خدمت انقلاب هستند غیر از اصل پاکی و خوبی و تدین مردم این منطقه که همیشه در دینداری زبانزد بوده‌اند، وجود مرحوم شهید صدوقی و انفاس گرم و خلوص ایشان بوده است که این اثر را هنوز هم در یزد دارد که مردم تحت تأثیر آن انفاس هستند. من پیش از این بخصوص پس از عملیات ظفرمند بدر از مقاومت‌های شما رزمندگان تیپ الغدیر خیلی چیزها شنیده‌ام و می‌دانم که شما چقدر مردانه در آن منطقه ایستادید و مقاومت کردید و گزارشهایی را نیز که از داخل عراق داشتیم حاکی از این بود که مقاومت تیپ الغدیر، بعثیون را دچار سرگیجه کرده و نقش شما همه جا زبانزد بوده و هست". رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۴، جلد پنجم، دفترنشرمعارف‌انقلاب.

اقدامات جدید در مدیریت بنیاد مستضعفان و فروش اموال منقول و آینده بنیاد داد. قرار بود با آقای خامنه‌ای ملاقات داشته باشیم، اما به خاطر دیر شدن لغو کردیم و تلفنی درباره دفاع از جزیره خارک و تنبیه قصور گذشته حرف زدیم. شب به خانه آمدم.

دوشنبه ۲۸ مرداد ۱۳۶۴ — ۲ ذیحجه ۱۴۰۵ — 19 AUGUST 1985

تمام روز در منزل بودم. پیش از ظهر آقای [حسن] روحانی آمد و راجع به جنگ و سپاه و ارتش مذاکره کردیم. عازم کنگره بین المجالس در کانادا است. عصر آقای [عبدالمجید] معادیخواه آمد و راجع به بنیاد تاریخ انقلاب مذاکره کردیم. گزارشها را آوردند و خواندم. مطلب مهمی نداشت. دنیا و منطقه از مسأله [حمله هوایی عراق به جزیره] خارک نگرانند[1]. آنها احتمال می‌دهند ما عکس‌العمل شدیدی را در خلیج‌فارس نشان بدهیم. ارتش‌های کویت و عربستان سعودی وضعیت آماده باش داده‌اند.

سه شنبه ۲۹ مرداد ۱۳۶۴ — ۳ ذیحجه ۱۴۰۵ — 20 AUGUST 1985

تا ساعت هشت صبح در منزل کار کردم. ساعت نه در مجلس، اعضای شورای حزب‌الله لبنان به ملاقات من آمدند. آنها نگران ایجاد ارتباط ایران با حزب امل لبنان بودند و درباره لزوم همکاری شیعه و کلّ مسلمانان لبنان و فلسطینی‌ها تأکید کردم و اختلاف حزب‌الله و امل را مضر خواندم و لزوم همکاری بیشتر با سوریه را مورد تأکید قرار دادم و گفتم مایل نیستیم که در لبنان دخالت کنیم. خود لبنانیها مردم رشید و با حکمت‌اند؛ البته کمک می‌کنیم. در بودجه امسال مبلغ دویست میلیون تومان برای [کمک به] لبنان منظور شده است.

آقای بنکدار از وزارت اطلاعات آمد. راجع به نکات تردیدآور در حادثه طبس و شکست

۱ـ بازتاب حمله عراق به خارک در آستانه برگزاری انتخابات ریاست جمهوری ایران، بسیار وسیع بود و تحلیل‌گران و مفسران به تحلیل پی‌آمدهای این واقعه پرداخته‌اند، از جمله: افزایش نرخ بیمه و متعاقباً گران شدن هزینه نفت برای جمهوری اسلامی ایران، میزان خسارات وارده بر خارک، تأثیر آن بر صدور نفت ایران و.... ولی آن چیزی که در گفته مفسران بیشتر حائز اهمیت است، احتمال عملیات تلافی جویانه ایران علیه کشورهای حامی عراق و کمک کنندگان مالی به این کشور است.

آمریکایی‌ها صحبت کرد. او گفت هدف آمریکایی‌ها مبهم است، یا آزادی گروگانها بوده یا کودتا بوده یا برداشتن یا گذاشتن چیزی در کویر طبس بوده یا چیزهای دیگر. درباره این موضوع فیلم می‌سازند و این تردیدها مانع است. توضیحاتی دادم و راه‌هائی برای تحقیق بیشتر ارائه نمودم.

آقای غرضی [وزیر نفت] تلفنی گفت کشتی بلژیکی که پریروز در خلیج‌فارس مورد حمله قرار گرفته حامل نفت ایران بوده است[1]. به دفتر مشاورت امام گفتم رسیدگی کند. آقای [عبدالله]جاسبی آمد و راجع به توسعه دانشگاه آزاد اسلامی حرف زد و از مصوبه شورای انقلاب فرهنگی که بخشی از واحدهای دانشگاه را از مدرک و صلاحیت استخدامی محروم می‌کند و همچنین معافیت دانشجویان از خدمت سربازی صحبت کرد[2]. برای ساختمان واحد زرگنده کمک خواست و گفت دویست و بیست هزار نفر در کنکور ثبت نام کرده‌اند که هشتاد هزار نفر آن مربوط به آزمون پزشکی است.

عصر در شورای عالی انقلاب فرهنگی شرکت کردم و درباره شرایط گزینش ورود به دوره تخصص پزشکی و کاردانی بحث شد. قرار شد در مورد اول به واجدین شرایط اخلاقی اولویت بدهیم. شب با آقای خامنه‌ای جلسه داشتیم و درباره دولت آینده صحبت کردیم، درباره جنگ هم بحث کردیم.

آقای رفیق‌دوست تلفنی اطلاع داد که بخشی از نیروهای لیبی برای راه‌اندازی ضدهوایی‌های سام و دو گروه هم از سوریه و لیبی برای همکاری در ساخت موشک وارد شده‌اند. شب به خانه آمد. [پسرم] یاسر از خوزستان برگشته، در جبهه و جنوب جزیره مجنون هم بوده و شب در سنگر خط مقدم، [گلوله] خمپاره در نزدیکی او به زمین خورده است.

---

۱ ـ خبرگزاری آسوشیتدپرس در روز ۲۷ مرداد ۶۴ گزارش داد: "جنگنده‌های ایرانی یک نفتکش بلژیکی را در ناحیه جنوب آبهای خلیج‌فارس هدف راکت قرار دادند. در این حمله نفتکش مذکور از ناحیه دودکش آسیب وارد شد. دولت بلژیک در پی این حمله، رسماً به دولت ایران اعتراض کرد اما ایران هرگونه دخالت در این حمله را رد نمود."

۲ ـ در این ملاقات آقای دکتر جاسبی برنامه‌های دانشگاه آزاد اسلامی برای گسترش فعالیتهای آموزشی، تأسیس رشته‌های پزشکی و پیراپزشکی و آمادگی دانشگاه برای برگزاری سه نوبت کنکور در شهریور ماه با حضور ۲۲۰ هزار نفر داوطلب و همچنین پذیرش دانشجو برای دوره‌های کارشناسی ارشد و برنامه‌ریزی برای اعلام دوره دکترا (PHD) در رشته‌های علوم انسانی، علوم فنی و مهندسی و علوم پایه را به اطلاع آقای هاشمی رساند. او گفت که مقدمات تشکیل صندوق قرض الحسنه برای پرداخت وام به‌دانشجویان بی‌بضاعت در شرف انجام است.

چهارشنبه ۳۰ مرداد ۱۳۶۴ ۴ ذیحجه ۱۴۰۵ 21 AUGUST 1985

در منزل ماندم. خطبه عربی را نوشتم. گزارشها را خواندم و برای خطبه‌های جمعه مطالعه نمودم. حاج احمدآقا آمد و پیشنهاد داشت که من برای اقامه نماز جمعه بیشتر بروم. گفتم مسئولیت اصلی از آیت‌الله خامنه‌ای است. درباره مشکل نخست‌وزیری آینده و دولت آینده و همچنین وضع سپاه مذاکره شد. جلسه هفتگی با سران قوا امشب تشکیل نشد؛ به خاطر بی رونقی و عدم تفاهم، جلسات کم اثر است، اصراری بر تشکیل آن نکردیم.

پنجشنبه ۳۱ مرداد ۱۳۶۴ ۵ ذیحجه ۱۴۰۵ 22 AUGUST 1985

تمام روز در منزل بودم. آقای علیزاده از دامداران گیلان که بعداز انقلاب، توسط عناصر افراطی تحت فشار قرارگرفته است، برای تظلّم آمد. حاج احمدآقا آمد و با او درباره دولت و جنگ و... مذاکره کردیم.

آقای [غلامرضا] آقازاده آمد و گزارشی از رسیدن تعدادی موشک تاو و پیغامی از آمریکا در مورد آمادگی تحویل بعضی از نیازهای مهم جنگی در مقابل کم کردن فشار انقلابیون لبنان بر آمریکا و آزادی گروگانهای آمریکا ارائه داد. سرهنگ صیاد شیرازی آمد و گزارشی از برنامه مرحله دوم عملیات قادر داد. عصر هم وقتم به مطالعه و استراحت گذشت.

شهریور ۱۳۶۴



جمعه ۱ شهریور ۱۳۶۴ — ۶ ذیحجه ۱۴۰۵ — 23 AUGUST 1985

تا ساعت ده‌و نیم صبح در خانه مطالعه می‌کردم. برای اقامه نماز جمعه به دانشگاه تهران رفتم[۱]؛ مطابق معمول بایستی آقای خامنه‌ای اقامه می‌کردند، اما ایشان آماده نبودند.

عصر آقای [محسن] کنگرلو مشاور نخست‌وزیر آمد و راجع به آوردن موشک تاو توسط [منوچهر] قربانی‌فر ـ که در [ماجرای] کودتای نوژه، غیاباً به اعدام محکوم شده بوده ـ و آوردن پیام از طرف [جرج] بوش [پدر] و معاون [ریگان] رئیس‌جمهور آمریکا گزارش داد[۲].

بچه‌ها ظهر به پارک ارم رفتند و شب آمدند. تلفنی به آقای دکتر ولایتی که عازم سوریه بود، گفتم به آقای حافظ اسد بگوید، انتظار داریم به وعده خودشان در مورد دادن [موشک‌های] سام و اسکاد بی عمل کنند.

شنبه ۲ شهریور ۱۳۶۴ — ۷ ذیحجه ۱۴۰۵ — 24 AUGUST 1985

تا ساعت یازده صبح در منزل مطالعه می‌کردم. کمی کسالت، احساس خستگی و درد مفاصل و استخوانها مثل سرماخوردگی دارم. خدمت امام رفتم و راجع به مشکل کابینه آینده، با توجه به عدم موافقت آقای خامنه‌ای با آقای [میرحسین] موسوی مذاکره کردم، اما نتیجه‌ای بدست نیامد. امام

---

۱ ـ در خطبه اول بحث عدالت اجتماعی در اسلام درخصوص تنظیم روابط زن و مرد، مظلومیت زن در تاریخ و نظر اسلام در مورد حقوق زن و مرد مطرح شد. در خطبه دوم درباره انتخابات ریاست جمهوری، دستاوردهای دولت جمهوری اسلامی، تقسیم عادلانه امکانات توسط دولت در سطح کشور، مشکل مسکن و گرانی، موضوع حج و پیام حضرت امام(ره) و همچنین زندگی حضرت امام محمد باقر(ع) مطالبی عنوان گردید. در بخشی از خطبه دوم آمده است: "ما از ملتمان تشکر می‌کنیم و تشکر دیگری که از این ملت داریم برای تشخیص خوبشان است. برای اینکه رأی بالایی به رئیس‌جمهور صالح ما، امام جمعه تهران جناب آقای خامنه‌ای دادند. این شخصیتی که ما مثل ایشان درکشورمان یا نداریم، یا بسیار بسیارکم داریم. کسی که تقریباً تمام عمرش را از آن وقتی که به سن تکلیف رسیده تا امروز همیشه در صحنه مبارزه بوده و در زمان طاغوت دائماً در زندانها و تبعیدها به سر برده و قلم و بیان و نوشته‌ها و عمل و فکرش، همیشه چراغ راه بوده و عملکردش در دوران چهار ساله ریاست جمهوری برای ملت ما، بهترین سند بود که باز هم آن نقطه مطلوب را بشناسند. الحمدلله مردم با قدرشناسی از این عملی که در این چهار سال از ریاست جمهوری خودشان دیده بودند ـ که ما انتظاری هم غیر از این نداشتیم ـ این شخصیت را برگزیدند و همین هم باعث خشم دشمنان ما شده است". رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، خطبه‌های جمعه سال ۱۳۶۴، جلد هشتم، صفحه ۳۷۴، دفترنشرمعارف‌انقلاب.

۲ ـ ماجرای معامله اسلحه با ایالات متحده معروف به ماجرای مک‌فارلین، از تابستان سال ۶۴ آغاز شد. درباره این موضوع، نامه قربانی‌فر در بخش ضمایم همین کتاب چاپ شده است.

همان حرف قبلی خودشان را تکرار فرمودند که تغییر دولت را صلاح نمی‌دانند و حاضر هم نیستند در این خصوص امر صادر کنند و اظهار نظر را کافی می‌دانند.

در مورد اینکه به شورای نگهبان توصیه کنند در تفسیر قانون اساسی که معرفی نخست‌وزیر را بعد از انتخاب مجدّد رئیس‌جمهور لازم می‌دانند، تجدید نظر کنند که خود به خود دولت بماند، امام فرمودند نمی‌خواهیم این بدعت باب شود که موجب تضعیف شورای نگهبان شود. گفتم فتنه پیش خواهد آمد. فرمودند با آقای خامنه‌ای صحبت کنیم و ایشان را قانع کنیم و ضمناً گفتند برای خود آقای خامنه‌ای ضرر دارد و خبر از رسیدن نامه آقای خامنه‌ای وجواب خودشان به همین مضامین دادند.

آیت‌الله خامنه‌ای تمایلی به نامزد شدن مجدد نداشتند و با اصرار ماها و نیز خواست امام پذیرفتند و همان موقع گفتند که نظرشان را راجع به کابینه گفته‌اند و اکنون حجت دارند ولی نمی‌خواهند از نظر امام تخلف کنند.

عصر آقایان شمخانی و رحیم صفوی آمدند و درباره عملیات آینده و نیازهای سپاه صحبت کردند. یکی از همافران به نام آقای نوروزی آمد و از [سرهنگ هوشنگ صدیق] فرمانده نیروی هوایی شاکی بود. کمی تب دارم و با مصرف قرص مسکن خوابیدم.

یکشنبه ۳ شهریور ۱۳۶۴   ۸ ذیحجه ۱۴۰۵   25 AUGUST 1985

ساعت هشت صبح به مجلس رفتم. درگزارشها مسأله مهمی نبود. آقای جهان آراء پدر دو شهید آمد و برای آزادی فرزند دیگرش که در ارتباط با منافقین زندانی است، کمک خواست. آقای [کمال]خرازی با رؤسای کمیته‌های تبلیغات هفته جنگ آمدند. برای آنها صحبت کردم و خط تبلیغاتی دادم[1]. روحانیون قزوین آمدند و از رئیس کمیته انقلاب شاکی بودند.

آقای شفتی مسئول شرکت هواپیمایی جمهوری اسلامی ایران آمد و از موفقیت‌های شرکت

---

۱ ـ در این سخنرانی آمده است: "ماهیت دفاعی ما در نظر دنیا تهاجمی نشان داده شده، آنها دروغ می‌گویند و می‌خواهند جنگ باشد و به نفع عراق تمام شود، اگر می‌توانستیم مردم دنیا را متقاعد کنیم که حالت ما حالتی دفاعی است و می‌خواهیم انقلابمان را حفظ کنیم و زندگی سازنده‌ای داشته باشیم و چاره‌ای جز مجازات جنگ افروز نداریم و این را تثبیت کنیم که دفاع مقدس داریم، بسیاری از مسایل ما حل می‌شد". رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۴، جلد پنجم، دفترنشرمعارف‌انقلاب.

گفت و از دستور تحویل آشیانه تعمیرات به نیروی هوایی شکایت داشت. قانعش کردم که به خاطر اولویت جنگ تحویل بدهد و گفتم موفقیتها را در هفته دولت [از طریق رسانه‌ها] به مردم بگوید.

دکتر طباطبائی آمد و برای رفتن به دوره تخصص قبل از سربازی استمداد کرد. آقای دهقان مسئول سپاه منطقه تهران آمد و راجع به برنامه حفاظت که به سپاه محول شده نظر خواهی کرد. من هم نظراتی دادم.

عصر آقایان [محمد]یزدی و سیدجعفر کریمی از طرف جامعه مدرسین [حوزه علمیه قم] آمدند و برای تغییر دولت آقای [میرحسین] موسوی از من استمداد کردند. مشکلات را گفتم و گفتم نظر امام با آقای موسوی است و نمی‌شود با آن مخالفت کرد. آقای [حسین] مهدیان آمد و برای عوض کردن آقای بُرقعی از شرکت نشر کتاب استمداد کرد.

آقای کشوری از بخش تبلیغات سازمان صنایع ملی آمد و راجع به کیفیت چاپ [کتاب] خطبه‌های [نماز جمعه] من مشورت کرد و از وزیر و مدیریت صنایع انتقاد داشت. پانصد نفر از مدیران صنایع و کارخانه‌های ملی شده آمدند و گزارشی از موفقیتهای خود دادند.

بعد از نماز مغرب، آقای سرهنگ [عباس] بابائی آمد و از فرماندهی نیروی هوایی شکایت داشت و گزارشی از کیفیت حمله به [جزیره] خارک داد. در جلسه شورای مرکزی حزب [جمهوری اسلامی] شرکت نکردم.

دوشنبه ۴ شهریور ۱۳۶۴ ۹ ذیحجه ۱۴۰۵ 26 AUGUST 1985

در منزل بودم. به آقای خامنه‌ای که عازم مشهدند، گفتم بچه‌های ما را با خودشان ببرند. قرار شد نماز عید اضحی [= قربان] را آقای خامنه‌ای اقامه کنند. کسالت دارم، به همین خاطر بیشتر وقتم به استراحت و مطالعه گذشت.

بعد از ظهر آقای [سیدکاظم] اکرمی [وزیر آموزش و پرورش] آمد. ایشان را قانع کردم که مزاحم مدارس علوی، نیکان و... نشوند به شرط اینکه آنها هم مقررات را مراعات کنند. برای تهیه خانه برای معلمان و رفع تبعیض در حقوق استمداد کرد.

آقایان مصلح و محمدزاده از سپاه آمدند و راجع به گروگانهای آمریکایی در لبنان مذاکره کردیم. گفتند با تلاش بسیار، سرنخی از گروگان‌گیرها بدست آمده و گویا امکان دارد، یک نفر از



بازدید از پادگان نیروی زمینی ارتش - قزوین

آنها در ارتباط با آزادی زندانیهای لبنانی در اسرائیل آزاد شوند. شب وقتم به مطالعه و تماشای تلویزیون گذشت.

سه شنبه ۵ شهریور ۱۳۶۴ ۱۰ ذیحجه ۱۴۰۵ 27 AUGUST 1985

از آیت‌الله [موسوی]اردبیلی خواستم که نماز جمعه آینده را اقامه کنند. ایشان مدتی است نمی‌پذیرفتند و از حرکات [مسئولان] ستاد [برگزاری] نمازجمعه [تهران] ناراضی‌اند و پیشنهاد اصلاح دارند، ولی به خاطر حساسیت زمان و مطرح بودن مسأله دولت، قبول کردند که بروند.

آقای صیاد [شیرازی] اطلاع داد کار تهیه قطعات هلی‌کوپتر از طریق وزارت [دفاع] خوب پیش می‌رود و برنامه عملیات قادر ۴ خوب است[1]. به زیارت امام رفتیم. رئیس‌جمهور به خاطر اقامه نماز عید نیامدند و ناچار من به جای ایشان [عید قربان را] تبریک گفتم. سفرا، اساتید دانشگاه‌ها و روحانیون حضور داشتند[2].

چهارشنبه ۶ شهریور ۱۳۶۴ ۱۱ ذیحجه ۱۴۰۵ 28 AUGUST 1985

صبح زود به آمادگاه نیروی زمینی آبیک رفتیم و در مراسم صبحگاه شرکت کردیم و از چند انبار قطعات اسلحه‌ها و پارک ماشین‌ها دیدن نمودیم و مسئولان گزارشهایی دادند؛ مجموعاً وضع منظمی دارند.

---

۱ - پس از عملیات بدر سپاه و ارتش هرکدام به طور مستقل طرح‌ریزی و اجرای عملیات کردند. البته این تدبیر مانع از آن نبود که هرکدام از این دو سازمان در اجرا از یکدیگر کمک بگیرند. همچنان که سپاه از توپخانه، هوانیروز و نیروی هوایی ارتش کمک می‌گرفت، ارتش نیز از یگانهای مانوری سپاه بهره می‌جست. اولین عملیات مستقل ارتش بعد از عملیات بدر، عملیات قادر بود. این عملیات در دو ماه و سه مرحله انجام شد. اگر چه قوای خودی موفق شدند در هر یک از مراحل این عملیات، هدفهایی را تأمین کنند، لیکن عواملی از جمله پاتک‌های دشمن موجب شد تا عملیات با عدم موفقیت مواجه شود و به انهدام دشمن اکتفا گردد.

۲ - در این ملاقات بعد از تبریک عید سعید قربان توسط آقای هاشمی، امام خمینی (ره) در خصوص تبلیغات رژیم سابق در ایجاد اختلاف بین اقشار مردم، لزوم اتحاد و همبستگی و عمل به تکالیف، مقایسه بین حال و گذشته در تحول درونی ملت، آمیخته بودن عرفان اسلام با عبادات آن، لزوم آشنایی مردم با معارف الهی و حفظ جهات معنوی در حوزه و دانشگاه صحبت کردند. رجوع کنید ← "کتاب صحیفه امام، جلد نوزدهم، صفحه ۳۱۶، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره).



ملاقات با وزیر امور خارجه چکسلواکی

از آنجا به محل [احداث] نیروگاه شهید رجائی رفتیم. بتون ریزی اولین واحد از هشت واحد شروع شد. مدیران آنجا از سخت‌گیری‌های پاسداران [محافظ] من ناراحت بودند. گزارشی از موفقیت‌های خودشان دادند و گفتند بسیاری از کارهائی که معمولاً خارجی‌ها در این‌گونه نیروگاه‌ها می‌کردند، خودشان انجام می‌دهند، در نتیجه سهم ارزی طرح را از ۸۵ درصد به ۴۸ درصد رسانده‌اند و گامهائی در جهت خودکفائی در ساخت نیروگاه‌ها برداشته‌اند.

ساعت سه بعد از ظهر به مجلس رسیدیم و یک ساعت استراحت کردم. آقای ولایتی آمد و گزارش سفر سوریه را داد. راضی است و قرار شده موشک‌های وعده داده شده را بفرستند. [آقای بوهسلاو اسنوفک] وزیر امور خارجه چکسلواکی آمد و مفصل صحبت کرد. در اکثر مسائل نظری شبیه ما ابراز می‌کرد. من در مورد افغانستان و اسرائیل و انهدام سلاح هسته‌ای نظر دادم و از بلوک شرق به خاطر عدم همکاری با انقلاب اسلامی ایران گله کردم[1].

۱ ـ در این دیدار روابط دو کشور و راههای گسترش آن از جمله در زمینه مناسبات بازرگانی و ایجاد تفاهم بیشتر سیاسی مذاکراتی انجام شد. آقای هاشمی بازدید وزیر خارجه چکسلواکی از ایران را گامی مهم در جهت همکاری این کشور در طرحهای صنعتی

(ادامه پاورقی در صفحه بعد)

آقای [حسین]نیلی وزیر معادن و فلزات آمد و گزارشی از وضع ذوب آهن و فولاد مبارکه و فولاد اهواز و مس سرچشمه داد. با مدیر عامل شرکت مس سرچشمه مخالف است. شب آقایان موسوی اردبیلی و [میرحسین موسوی] نخست‌وزیر در مجلس مهمان من بودند. قرار شد در جهت آزاد کردن بیشتر اسرا گام برداریم و تصمیم برآن شد که با سفر مهندس [مهدی] بازرگان به آلمان موافقت شود. در مورد مسائل مملکت هم مشاوره شد. آقای صیاد [شیرازی] اطلاع داد عملیات اصلی قادر ۴ که بنا بود امشب انجام شود، لغو شده و طرح جایگزین عمل می‌شود. دیر وقت به خانه آمدم.

پنجشنبه ۷ شهریور ۱۳۶۴ — ۱۲ ذیحجه ۱۴۰۵ — 29 AUGUST 1985

در منزل بودم و بیشتر وقتم به مطالعه گذشت. عصر آقای [محسن] رفیق‌دوست درباره پیشنهادی که یک شرکت دیگر چینی برای فروش اجناس داده، صحبت کرد. چینی‌ها این اجناس را از طریق دیگر دارند به ما می‌فروشند. به نظر عجیب می‌آید که دو شرکت از یک کشور کمونیستی، شبیه به رقبای کشورهای سرمایه‌داری عمل می‌کنند؛ بنا شد تحقیق شود.

آقایان سرهنگ [مصطفی]ترابی و ریاضی هم آمدند. از [آقایان غلامرضا]آقازاده، [حسین] کاظم‌پور [اردبیلی] و [محمد حسین] عادلی در مورد کار معامله با چین گله داشتند.

جمعه ۸ شهریور ۱۳۶۴ — ۱۳ ذیحجه ۱۴۰۵ — 30 AUGUST 1985

در منزل ماندم. صبح زود مهدی به مدرسه رفت که با شاگردان مدرسه با قطار به مشهد بروند. وزارت نفت اطلاع داد که صبح امروز به جزیره خارک بمب انداخته‌اند ولی [به تجهیزات صدور نفت] آسیبی نرسیده است. از فرمانده نیروی هوایی استفسار کردم که گفت صدای انفجار شنیده شده و هواپیمائی در آسمان مشاهده نشده است. احتمال دارد موشک بوده است.

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

کشور دانست و بر آن تأکید کرد. دیدار وزیر خارجه چکسلواکی از ایران با گزارشهایی مربوط به بهبود روابط ایران با اتحاد جماهیر شوروی همزمان شد و رسانه‌های خبری از نقش رابط چکسلواکی در این زمینه خبر دادند.

عصر احمدآقا آمد و در مورد شایعه عدم شرکت آیت‌الله [سید شهاب‌الدین مرعشی] نجفی [یکی از مراجع تقلید] در انتخابات [ریاست جمهوری] مطالبی داشت[1].

شنبه ۹ شهریور ۱۳۶۴ ۱۴ ذیحجه ۱۴۰۵ 31 AUGUST 1985

آقای حسین سالاری آمد و از عدم همکاری وزارت نفت برای تربیت کادر دریانوردی گله داشت. عمده نیروهای ناوگان دریایی کشور، خارجی هستند و این وابستگی مضر است. بنا شد پیگیری کنم.

آقای غرضی [وزیر نفت] خواست که برای بازدید به [جزیره]خارک بروم. آقای صیاد [شیرازی فرمانده نیروی زمینی] خواست روز چهارشنبه در مراسم اعطای نشان‌ها و در جلسه ارتشی‌ها شرکت کنم. کارها را از مجلس به منزل آوردند، انجام دادم. در گزارشها مطلب مهمی نبود.

یکشنبه ۱۰ شهریور ۱۳۶۴ ۱۵ ذیحجه ۱۴۰۵ 1 SEPTEMBER 1985

در بین راه مجلس به بیمارستان قلب رفتم و از آقایان [سیدجلال‌الدین] طاهری اصفهانی، حسن سعید و خراسانی ـ از علمای آواره عراق که سه فرزندش [در آن کشور] زندانی هستند ـ عیادت کردم. در مجلس، عمده وقتم به ملاقات‌ها گذشت.

آقای میرزا طاهری آمد و از عزل خودش از ریاست سازمان محیط‌زیست گله داشت و برای گرفتن ماموریت کمک خواست و من کمک کردم. آقای [محمود]واعظی معاون وزیر پست و تلگراف و تلفن آمد. گزارشی از طرح ماهواره مخابراتی داد که قرار است با ژاپن قرار داد ببندیم و در خصوص مشارکت با ترکیه و پاکستان در این طرح، مشورت کرد. گفتم اگر از خودمان باشد و به

---

۱ ـ صندوق رأی سیار جهت اخذ رأی از آیت‌الله سید کاظم شریعتمداری به درب منزل ایشان در قم برده می‌شود لیکن ایشان از دادن رأی خودداری می‌نماید. در زمان مراجعه صندوق سیار به بیت آیت‌الله مرعشی نجفی و آیت‌الله سید صادق روحانی، از سوی اهالی منزل اظهار می‌شود که مراجع مذکور به خارج از شهر رفته‌اند. رسانه‌های خارجی دلیل امتناع آیت‌الله مرعشی نجفی از شرکت در انتخابات را ناخشنودی از رد صلاحیت مهندس بازرگان اعلام کردند. مهندس مهدی بازرگان رهبر نهضت آزادی ایران نامزد انتخابات ریاست جمهوی به دلیل حمایت از عباس امیر انتظام که به اتهام جاسوسی برای بیگانگان در زندان به سر می‌برد، از سوی شورای نگهبان رد صلاحیت شده بود.

آنها، کانال اجاره بدهیم بهتر است ولی کارشناسان باید نظر بدهند. همچنین او از [آقای حسن عابدینی] استاندار آذربایجان شرقی به خاطر مخالفت با تعویض [آقای صوفی] مدیرکل مخابرات استان شکایت داشت[1].

وزارت نفت اطلاع داد که عراق از ارتفاع بالا چند بمب به خارک انداخته که خسارتی نداشته است. به نیروی هوایی اعتراض کردم. آقای مهرآئین مدیر کل خدمات مجلس آمد. از تداخل وظایف شاکی است و می‌خواهد استعفاء بدهد. گفتم مشکلات و راه حل‌ها را بنویسد.

آقای محسن مرعشی آمد و پیشنهادهایی برای فروش اسلحه داشت. همسر شهید شیرودی آمد و برای انتقال منزل به تهران و گرفتن کار کمک خواست. آقای [مهدی] موحدی کرمانی [نماینده امام در شهربانی کل کشور] آمد و از کمبود بودجه شهربانی و زندانی‌ها و تبعیض‌ها گفت.

دو نفر از ستاد امداد و درمان جبهه آمدند و از نابسامانی‌های درمان در جبهه‌ها و عدم قدرت ستاد امداد و درمان گفتند. آقای [محسن]رضایی هم تلفنی از همین موضوع گله کرد. با آقای [جواد] اژه‌ای [رئیس سازمان بهزیستی] صحبت کردم که گفت وضع رو به بهبود است.

نخست‌وزیر تلفنی خواست که خدمت امام برویم و اجازه بگیریم که از بانکها ده میلیارد تومان برای مخارج جنگ اضافه بر بودجه قرض کنیم[2]. آقای [جلیل] بشارتی مسئول پیگیری شکایات مردم از نخست‌وزیری آمد و گزارشی از کارهایش را داد. سرهنگ [مصطفی]ترابی آمد و گزارشی از وضع دفاع هوایی در جزیره خارک داد. گفتم بررسی شود و در صورت لزوم یکی از موشک‌های سام ـ که از لیبی می‌گیریم ـ در خارک مستقر شود. شب به خانه آمدم و تنها خوابیدم.

---

۱ ـ در پی عزل آقای صوفی مدیر کل مخابرات استان آذربایجان شرقی، استاندار وی را به عنوان مشاور عالی استانداری منصوب کرد و از سوی دیگر انجمن اسلامی و جمعی از خانواده‌های شهدا با مدیر کل جدید مخالفت کردند. آقای همدانلو مدیر کل جدید دستور داده بود که تمام عکسها به جز عکس حضرت امام (ره) از دیوارهای اداره برداشته شود. این دستور باعث شده بود که کارکنان حزب‌اللهی با امضای طوماری به آقای هاشمی رفسنجانی ریاست مجلس شورای اسلامی، خواستار عزل مدیر کل جدید و بازگشت مدیر کل قبلی شوند.

۲ ـ آقای میر حسین موسوی نخست‌وزیر، طی گزارشی به تاریخ ۱۳۶۴/۶/۱۹ به محضر امام خمینی (ره) با تشریح وضعیت اعتبارات سالانهٔ دولت و هزینه‌های مربوط به دفاع مقدس و کمبود اعتبار برای برخی از هزینه‌های ضروری جبهه‌ها، درخواست خود و نمایندگان امام در شورای عالی دفاع (مسئولین قوا) را مبنی بر اجازه مساعدت سیستم بانکی کشور و تأمین آن از طریق متمم بودجه، تقدیم کرد. امام خمینی در پاسخ مرقوم فرمودند: "بسمه‌تعالی نظر به آنکه رؤسای محترم قوای سه گانه، ضرورت آنچه را ذکر شده تشخیص داده‌اند برطبق درخواست فوق، اقدام و عمل شود. ۲۳ شهریور ۱۳۶۴ روح‌الله‌الموسوی الخمینی"

دوشنبه ۱۱ شهریور ۱۳۶۴ ۱۶ ذیحجه ۱۴۰۵ 2 SEPTEMBER 1985

در منزل بودم. پیش از ظهر وزیر امور خارجه آمد و در مورد برنامه کنفرانس غیرمتعهدها در آنگولا مشورت کرد. گفتم میزبان شدن یوگسلاوی [در اجلاس بعدی] به نفع ما نیست، چون آنها با عراقند و بهتر است که میزبان همَان هند بماند. درباره دولت آینده بحث شد. با توجه به اظهار امام که مصلحت نمی‌دانند آقای [میرحسین]موسوی عوض شود، گفت به آیت‌الله خامنه‌ای بگویم که اسم آقای ولایتی را به عنوان نخست‌وزیر مطرح نکنند و حاضر نیست در این شرایط مسئولیت را بپذیرد.

عصر آقای ناطق [نوری]آمد. ایشان هم درباره همین موضوع صحبت کرد و اصرار داشت که امام را باید راضی کرد. طرفدار نخست‌وزیر شدن آقای [علی‌اکبر] ولایتی است و گفت که خودش در کابینه آینده، سمت وزارت کشور را نمی‌پذیرد.

سه شنبه ۱۲ شهریور ۱۳۶۴ ۱۷ ذیحجه ۱۴۰۵ 3 SEPTEMBER 1985

پاسداران به فرودگاه رفتند که بچه‌ها را که از مشهد برگشته‌اند، بیاورند. به مجلس رفتم. ساعت ده صبح هیأت پاکستانی به ریاست وزیر بازرگانی به ملاقاتم آمدند و بحث درباره توسعه روابط دو کشور بود. بناست روزانه بیست هزار بشکه نفت از ما بخرند ولی در مقابل جنس مناسبی ندارند که به اندازه این خرید باشد.

[ناخدا ملک‌زادگان] فرمانده نیروی دریایی آمد و برنامه‌های جدید خود را برای فعال کردن نیروی دریایی اعلام کرد. در تنگه هرمز کنترل بیشتری اعمال می‌شود و کشتی‌ها بازرسی می‌شوند. در این راه آبی به عراق، بنا دارند در جواب زدن خارک ایجاد موانع کنند، و برای شرکت در عملیات آینده آماده می‌شوند.

عصر آقای [غلامرضا] آقازاده آمد و گزارشی از موفقیت‌ها در تامین اسلحه من‌جمله قول تهیه موشک دوربرد داد. آقای ریاضی هم از پیشرفت کار قرارداد با چین گزارش آورد. شورای عالی انقلاب فرهنگی جلسه داشت و در مورد شرایط دوره تخصصی پزشکی تصمیم‌گیری شد. شب با آیت‌الله خامنه‌ای درباره جنگ و دولت آینده مذاکره کردیم.



مراسم تنفیذ حکم رئیس جمهور

چهارشنبه ۱۳ شهریور ۱۳۶۴ ۱۸ ذیحجه ۱۴۰۵ 4 SEPTEMBER 1985

ساعت نه صبح به زیارت امام در حسینیه جماران رفتم. مراسم تنفیذ ریاست جمهوری آقای خامنه‌ای بود. امام در متن نوشته‌شان بر ضرورت تکیه بر محرومان و مستضعفان تأکید نمودند[۱]. آیت‌الله خامنه‌ای در اظهاراتشان از نقاط ضعف عملکرد دولت با کنایه یاد کردند[۲].

پیش از ظهر آقای صیاد شیرازی آمد و گزارشی از برنامه عملیات آینده داد که مشکل دارد. در همان لحظه که با من بود، سرهنگ سخائی از جبهه اطلاع داد که عراقی‌ها حمله کرده‌اند. سرهنگ ترابی اطلاع داد که امروز هم عراق ۱۶ بمب به خارک انداخته که در آب یا بیابان افتاده و خسارتی نداشته است.

عصر احمدآقا آمد و راجع به دولت آینده و مشکل آینده بحث کردیم. آقای محسن رضایی آمد و راجع به جنگ و سپاه بحث کردیم. آنها برنامه عملیات محدودی در جبهه شمال دارند و مایل نیستند لشکر ۸ نجف در برنامه [عملیات] آقای صیاد شیرازی بجنگند و اختیارات فرماندهی کل - شبیه آنچه به آقایان خامنه‌ای و ظهیرنژاد در ارتش داده‌اند - می‌خواهد.

---

۱ - در بخشی از حکم تنفیذ ریاست جمهوری آیت‌الله خامنه‌ای آمده است: "رئیس‌جمهور محترم باید توجه داشته باشند که در پیشگاه مقدس حق - جل و علا - واقع است و آنچه بر او از خطرات قلبی و تمایلات سری تا اعمال مُعلن و مخفی می‌گذرد، در حضور حق است و چیزی را نتوان از او - جل و علا - پنهان کرد، هر چند از خلق خدا پنهان باشد. و باید توجه نمایند که در مقامی هستند که یک جمله او گاهی مؤمنی را ساقط کرده و متعهدی را از بین می‌برد، و یا غیر صالحی را به مقامی که شایسته آن نیست می‌رساند؛ گاهی یک سخنرانی او، جمهوری اسلامی و کشور را نور می‌بخشد و گاهی به عکس. مقام خطیر است و خطر بزرگ، به خدا باید پناه برد و از او استمداد کرد. همه دست‌اندرکاران - به ویژه رئیس‌جمهور - باید از چاپلوسان دغل باز و زبان‌بازان حیله گر بر حذر باشند و مشاوران خود را از اشخاص سابقه‌دار که تعهدشان قبل از انقلاب مشهود بوده است، انتخاب کنند. بسا که منحرفان و منافقان، خود را با ظاهری آراسته به تقوا جا بزنند و با دست ما به اسلام و کشور اسلامی صدمه زنند. شما ای رئیس جمهور محترم و دیگر متصدیان امور کشور! می‌دانید که قدرتمندان شرق و غرب خصوصاً آمریکای بازیگر، مارهای زخم برداشته از جمهوری اسلامی هستند که از اول انقلاب به هر حیله ممکن دست زدند؛ از حمله نظامی گرفته تا طرح کودتا، و از ترور شخصیتها تا به آتش کشیدن مزرعه‌ها و مغازه‌ها، و از انفجارات کور در کوچه‌ها و خیابانها تا دزدی و تجاوز و از همه بدتر و بالاتر تبلیغات دامنه‌دار از اول انقلاب تا امروز است، که برای تضعیف روحیه ملت مقاوم و رزمندگان عزیز به هر نوع دروغ و تهمتی متشبث شدند، ولی بحمدالله نه تنها هیچ یک از تیرهای آنان به هدف نرسید، که نتیجه معکوس داد. اکنون از چنین مارهای زخم خورده‌ای نباید غافل بود". رجوع کنید ← "کتاب صحیفه امام، جلد نوزدهم، صفحه ۳۷۰، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره).

۲ - آیت‌الله خامنه‌ای در بخشی از بیانات خود گفتند: "ریشه مشکلات امروز ما وابستگی اقتصادی به خارج از این مرزها و منحصر بودن درآمد ما به درآمد حاصل از نفت است. فقدان یک برنامه همه جانبه اقتصادی و گرایش به دولت سالاری یکی دیگر از مشکلات ماست که نتایج این مشکلات را در کاهش رشد اقتصادی و گاهی در رشد منفی اقتصادی مشاهده می‌کنیم. باید در زمینه اقتصادی برنامه‌ریزی مستقل از نفت انجام بگیرد. گرایش به افزایش تولید داخلی به وجود آید و شدت پیدا کند و استفاده از سرمایه ابتکار و مدیریت و همکاری مردم جدی گرفته شود".

پنجشنبه ۱۴ شهریور ۱۳۶۴ ۱۹ ذیحجه ۱۴۰۵ 5 SEPTEMBER 1985

با آقای خامنه‌ای تلفنی قرار گذاشتیم که یک واحد از نیروهای سپاه برای تقویت دفاع به خارک برود. به آقای محسن رضایی گفتم که جبهه‌ها را به خاطر مسائل خارک فعال کنند. او گفت واحدی برای عمل درتنگه هرمز آماده کرده‌اند. گفتم با نیروی دریایی هماهنگ کنند.

آقای ترابی اطلاع داد که یک کشتی کویتی را که حامل اجناس عراقی هم بوده، در تنگه هرمز توقیف کرده‌اند. این کار سرو صدا خواهد داشت. آقای غرضی اطلاع داد که جزیره خارک امروز هم بمباران شده و صدماتی به آتش نشانی و فرودگاه و یک هواپیما وارد آمده است. چند شهید و مجروح هم داشته‌ایم. به نیروی هوایی گفتیم عملیات برون مرزی در جواب [حمله به خارک] اجرا کنند. آقای [دکتر عبدالله]جاسبی خواست که صندوق وام دانشجو برای دانشگاه آزاد اسلامی را در نماز جمعه [تهران] مطرح کنم[1]. به آقای رفیق‌دوست گفتم در آوردن موشک‌های سام از لیبی و سوریه تعجیل نماید. آقای رحیمیان که از جزیره خارک آمده بود، گفت که روحیه افراد در آنجا ضعیف است.

جمعه ۱۵ شهریور ۱۳۶۴ ۲۰ ذیحجه ۱۴۰۵ 6 SEPTEMBER 1985

نیروی هوایی اطلاع داد که یک مرکز نفتی و یک مرکز رادار را به تلافی حمله به خارک در عراق زده است. نیروی دریایی هم اطلاع داد که یک کشتی ایتالیائی را در مسیر سواحل عربستان توقیف کرده و برای بازرسی به جزیره فارسی آورده است. سپاه هم اطلاع داد [سرنشینان] دو قایق کویتی را بازداشت کرده است؛ همه اینها در جهت مقابله با شرارت عراق در جزیره خارک عمل می‌شود که با هدف قطع درآمد نفت ایران انجام می‌شود[2].

---

۱ ـ مسأله ایجاد صندوق کمک به دانشجویان بی‌بضاعت دانشگاه آزاد اسلامی، در خطبه‌های نماز جمعه مورخه ۲۲ شهریور ۱۳۶۴ توسط آقای هاشمی مطرح شد. رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، خطبه‌های جمعه سال ۱۳۶۴"، جلد هشتم، صفحه ۴۱۷، دفترنشرمعارف‌انقلاب.

۲ ـ موضوع حمله عراق به مهمترین مراکز و جزایر نفتی ایران یعنی جزیره خارک، از نیمه شب ۱۳۶۴/۴/۲۸ آغاز شد که عراق به جزیره خارک و میدان نفتی سروش حمله کرد اما هیچگونه خسارات و تلفاتی به بار نیامد و راکت‌های پرتاب شده از جنگنده‌های دشمن، به میان آب فرود آمد. در ۱۳۶۴/۵/۵ وزیر اطلاعات و فرهنگ عراق "لطیف نصیف جاسم" ادعا کرد: "علی‌رغم اینکه

(ادامه پاورقی در صفحه بعد)

شنبه ۱۶ شهریور ۱۳۶۴ ۲۱ ذیحجه ۱۴۰۵ 7 SEPTEMBER 1985

در منزل بودم و بیشتر وقتم به مطالعه گذشت. پیش از ظهر آقای رئیس‌جمهور آمدند و ناهار مهمان من بودند. درباره جنگ، لبنان، گروگانهای آمریکایی و مسائل دیگر و بیشتر درباره دولت آینده مشاوره کردیم. نظر آقای خامنه‌ای این است که اینها خوب کار نکرده‌اند و جایز نیست دوباره مامور تشکیل کابینه شوند. زمان طولانی بحث کردیم، ولی به نتیجه نرسیدیم. مشکل عمده ایشان، اظهار نظر امام است.

آقای سرهنگ ترابی اطلاع داد که عراق امروز به خارک حمله کرده ولی بمبها در آب افتاده است. آقای محسن رضایی گفت بین آقای صیاد شیرازی و آقای احمد کاظمی [فرمانده لشگر ۸ نجف] ـ که تحت فرمان صیاد است ـ در اجرای عملیات اختلاف افتاده و برای تصمیم نهائی از من

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

عراق قادر است جزیره خارک را منهدم کند، اما رهبری سیاسی آن بنا به دلایل متعددی از این اقدام خودداری می‌کنند". وی افزود: "هنوز وقت آن نرسیده است که جزیره خارک را منهدم کنیم". جاسم سپس گفت: "تاکنون علائمی دال بر موفقیت میانجی‌گیریها و متقاعد ساختن ایران به توقف جنگ، دیده نشده است". در ۱۳۶۴/۵/۲۱ عراق اعلام کرد که نیروی دریایی این کشور همان روز دوبار به حوزه نفتی "نوروز" در رأس شمالی خلیج‌فارس حمله کرده و به طور دقیق دو چاه و یک پمپاژ نفت را مورد اصابت قرار داده است. وقوع انفجار در حوزه نفتی نوروز تأیید شد، اما مشخص گردید این حمله خسارت چندانی نداشته است. سرانجام در ۱۳۶۴/۵/۲۴ در ساعت ۱۵:۱۵ جزیره خارک هدف حمله هوایی عراق قرار گرفت و این در حالی بود که ایران آماده می‌شد تا روز بعد (جمعه) انتخابات ریاست جمهوری دوره چهارم را برگزار کند. در جریان این حمله، پنج تن از کارکنان وزارت نفت مجروح شدند، اسکله بارگیری "تی" خسارات سنگینی دید و یک نفت‌کش که در حال بارگیری بود دچار آتش سوزی گردید. در ۱۳۶۴/۵/۲۶ صدام به ۹ خلبانی که در حمله به خارک شرکت داشتند نشان "رافدین" (مدال شجاعت) اعطا کرد و این حمله را "یک پیروزی بزرگ تاریخی" خواند. در این مراسم، صدام حمله به خارک را به مثابه یک پیروزی ملی، در مرکز مهم سخنرانی خویش قرار داد و به تفصیل درباره اوضاع آن زمان جنگ، به خصوص درباره "عملیات محدود" ـ که ایران به عنوان برنامه بین دو عملیات بزرگ آن را با جدیت پیگیری می‌کرد و نتایج آموزشی، سیاسی و نظامی و... عدیده‌ای از آن می‌گرفت ـ سخن گفت و وانمود کرد که این یک سیاست و تدبیر شکست خورده است. در نهایت، تبلیغات وسیع عراق و حامیانش در بزرگ نمایی افراطی حمله به خارک با تأکید بر قطع صدور نفت ایران ـ که تقریباً به وسیله همه رسانه‌های جهانی به آن دامن زده می‌شد ـ در عمل به ضرر عراق تمام شد: قطع نشدن صدور نفت ایران، آثار تبلیغی خسارات خارک را نیز زدود.

در ۱۳۶۴/۵/۳۰ خبرگزاری فرانسه خبرهای مربوط به جزیره خارک را چنین گزارش کرد: "طبق اطلاعات دریافت شده به وسیله شرکت بیمه لویدز لندن، ترمینال خارک که عراق روز پنجشنبه مدعی انهدام آن شده بود، هنوز فعال است. از سوی دیگر، منابع مربوط به اجاره نفت کش‌ها در لندن اعلام داشتند بارگیری از ترمینال شناور "سیری" واقع در خلیج‌فارس که به وسیله خارک تغذیه می‌شود، همچنان ادامه داد". عراق که در این نبرد نیز خود را بازنده می‌دید، همین روز مجدداً حملاتی را به خارک تدارک دید که بر خلاف حمله پیش، ایران غافلگیر نشد و حملات عراق ـ که یک بار در ساعت ۱۳:۱۵ و یک بار شب هنگام انجام گرفت ـ شکست خورد و براثر اقدامات نیروهای پدافند جزیره، جنگنده‌های مهاجم گریختند. رجوع کنید ← کتاب روزشمار جنگ ایران و عراق، جلد ۳۷، صفحه ۳۱، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه.

نظر خواست. گفتم به دقت رسیدگی کند؛ اگر مصلحت دانست دستور قاطع صادر کند و یا پیشنهاد بدهد.

یکشنبه ۱۷ شهریور ۱۳۶۴ ۲۲ ذیحجه ۱۴۰۵ 8 SEPTEMBER 1985

آقای [علی] شمخانی [قائم مقام فرمانده کل سپاه پاسداران] صبح زود به منزل آمد و طرح عملیات محدود در هور را توضیح داد. طرح خوبی است. او درخواست‌هایی از امکانات ارتش داشت و نامه‌هائی برای اقدام آورد که از امام اجازه تاسیس نیروی هوایی و دریایی برای سپاه و تفویض اختیارات فرماندهی خواسته بودند. او توصیه کرد به آقای محسن رضایی بگویم که خودش به منطقه عملیات قادر برود و نیروهای سپاه را ـ که برای عملیات دیگری تجهیز شده‌اند ـ در احتیاط همین عملیات قرار دهد.

به مجلس رفتم. همسر شهید [جواد]فکوری آمد و برای ارز فرزندشان و سند منزلی که زمین آن را از بنیاد مسکن گرفته‌اند، کمک خواست. آقای مردی مسئول [ساخت] نیروگاه شهید رجائی آمد و از عدم همکاری وزارت نیرو گله کرد. آقای [مصطفی]ایزدی مسئول قرارگاه حمزه آمد و نظر داد که ترجیح دارد عملیات قادر را تقویت کنیم؛ شبیه همان نظر صبح آقای شمخانی.

آقای دکتر یاریگرروش مسئول [سازمان] بهزیستی آمد. گزارشی از کار سازمان در خصوص بچه‌های بی سر پرست، معتادان، روسپیان، ولگردان و ناتوان‌ها داد. گفتم به فکر ساختن اردوگاه با کار خود معتادان و... باشند. عصر آقای [مصطفی] ترابی‌پور آمد و از عدم پیشرفت در قرار داد [خرید سلاح] با چین گفت و گزارش جلسه سپاه و نیروهای دریایی و هوایی برای عملیات در خلیج‌فارس را داد.

خانواده شهدای کمیته‌های انقلاب آمدند. برای آنها مفصلا صحبت کردم[1]. در جلسه شورای

---

۱ ـ در این سخنرانی آمده است: "دشمنان اسلام از همان ابتدای تشکیل کمیته‌های انقلاب با آن دشمن بودند. تنها نهادی که از اول پیروزی انقلاب شروع به دفاع از انقلاب اسلامی کرد، کمیته‌ها بودند. بچه‌ها آن روزها به پادگانها ریخته و اسلحه‌ها را برداشتند و از انقلاب دفاع کردند. به همین دلیل از همان اول طاغوتی‌ها و ضدانقلاب آنها را هدف قرار می‌دادند. همین بچه‌ها بودند که بعد از پیروزی انقلاب خیابانها را امن کردند. آنها شبها تا صبح در پشت سنگرها و درکنار کپه‌های آتش پاسداری می‌دادند و از انقلاب و مملکت محافظت می‌کردند. امروز ما وارث نتایج این همه فداکاریها هستیم". رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۴، جلد پنجم، دفترنشرمعارف‌انقلاب.

مرکزی حزب [جمهوری اسلامی] شرکت کردم. در این جلسه ضوابطی برای ابقاء یا تعطیل دفاتر حزب تصویب شد. شب با آقای خامنه‌ای درباره جنگ و دادن سلاح به لیبی در مقابل سه رصد موشک سام مذاکره کردیم. محسن رضایی خبر داد که امشب، عملیات آغاز می‌شود. آخر شب نامه‌ای از صیاد رسید که احتمالَ شروع عملیات قادر را ساعت دوازده شب گفته بود.

دوشنبه ۱۸ شهریور ۱۳۶۴ ۲۳ ذیحجه ۱۴۰۵ 9 SEPTEMBER 1985

اول وقت آقای محسن رضایی اطلاع داد که عملیات قادر در منطقه دربند شروع شده و نیروهای ما از ارتفاعات حصارروست [در منطقه مرزی اشنویه در شمال غرب]، خودشان را به جاده آسفالت دربند رسانده‌اند. تاکنون پیشرفت خوب بوده و امکان دارد اسیر زیادی از عراق بگیریم. آقای شمخانی هم همین خبر را تأیید کرد.

آقازاده [معاون نخست‌وزیر در امور اجرایی] به منزل آمد و اطلاع داد که آلمانی‌ها چند عدد لامپ رادار "ها گ" به ما فروخته‌اند که فوق‌العاده مورد نیاز است و قیمت آن حتی از قیمت فروش قبل از انقلاب ارزانتر است. هر عدد این لامپها بیست و چهار هزار دلار است که قبلا سی هزار دلار بوده و قرار است موشک "رولاند" هم بفروشند. قرار است شرکتی برای خرید نفت در مقابل نیازهای نظامی ما از آلمان بیایند و فردا شب هواپیمای حامل ۵۰۰ موشک "تاو" وارد می‌شود، اگر این اخبار درست در بیاید، دلیل تغییر در سیاست غرب در مقابل انقلاب اسلامی است.

سه شنبه ۱۹ شهریور ۱۳۶۴ ۲۴ ذیحجه ۱۴۰۵ 10 SEPTEMBER 1985

ساعت هشت صبح به مجلس رسیدم. جمعی از کارکنان مجلس برای گرفتن یک حق ادعائی آمدند که گفتم رسیدگی می‌کنم. در روزهای آخر عمر مجلس رژیم گذشته، هیأت رئیسه وقت مبلغی اضافه برای آنها تصویب کرده بود.

[آقای مرتضی نبوی] وزیر پست و تلگراف و تلفن و مدیران [کل] مخابرات آمدند. برای آنها

صحبت کردم و به گزارش آنها گوش دادم[۱]. آقای [محسن] کنگرلو مشاور نخست‌وزیر آمد و گفت امروز هواپیمای حامل موشک‌های تاو آمریکایی در تبریز می‌نشیند و همچنین یک گروگان آمریکایی از لبنان آزاد خواهد شد.

آقای سرفرازی آمد و برای مجموعه ساختمانی که برای حزب‌الله در کوی گیشا می‌سازند، کمک خواست. باید خانواده‌های مذهبی در آنجا تقویت شوند. آقای خرم سفیرمان در چین آمد. از روابط خوبی که بعد از سفر من به چین پیش آمده، راضی بود. به او گفتم قرارداد فروش کالای ویژه را تعقیب کند.

عصر آقای [حسن] شاهچراغی سرپرست مؤسسه کیهان آمد و از مشکلی که بعد از درخواست آقای خامنه‌ای از رسانه‌های جمعی، مبنی بر عدم جوسازی در مورد دولت آینده، برایشان پیش آمده مطالبی گفت. در جلسه شورای عالی انقلاب فرهنگی شرکت کردم. در این جلسه معافیت دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی ـ به شرط اینکه با ضوابط وزارت علوم سازگار باشد ـ تصویب شد. مسأله اعزام دانشجویان دوره دکترا به خارج از کشور مطرح شد که این دانشجویان با توجه به اینکه بیشتر آنها ناچارند تزهای خود را در جهت نیاز خارجی‌ها تنظیم کنند، قرار شد در این خصوص بررسی شود.

شب با حضور آقایان صیاد شیرازی، محسن رضایی و رئیس‌جمهور جلسه داشتیم. گزارش عملیات قادر را دادند. صدها نفر از نیروهای لشگر ۸ نجف برنگشته‌اند. آقای رضایی عصبانی و آقای صیاد که فرمانده عملیات بوده، ناراحت بود ولی از انهدام وسیع نیروهای دشمن گفت. همکاری خوب نبوده است. دیر وقت به خانه آمدم.

چهار شنبه ۲۰ شهریور ۱۳۶۴ ۲۵ ذیحجه ۱۴۰۵ 11 SEPTEMBER 1985

آقای [مصطفی] ترابی اطلاع داد که یک کشتی چینی حامل ذرّت به مقصد کویت برای عراق را

---

۱ ـ در این ملاقات ابتدا آقای مرتضی نبوی وزیر پست و تلگراف و تلفن، گزارشی از پروژه‌های در دست اقدام، پیشرفتها، ابداعات و ابتکارات دست‌اندرکاران بخش مخابرات کشور ارائه داد. سپس آقای هاشمی به نقش ارزشمند ارتباطات در اجتماع پرداخت و گفت: "برای پیشرفت مخابرات ناگزیر هستیم از تجربیات دیگران استفاده کنیم و اگر این بهره‌گیری عمل نشود، زمینه خودکفایی هم مهیا نمی‌شود". رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۴، جلد پنجم، دفتر نشر معارف انقلاب.

در تنگه هرمز توقیف کرده‌اند و رئیس‌جمهور در این خصوص از جهت تاثیر بر روابط با چین مشورت کردند. گفتیم با کارکنان کشتی خوش رفتاری کنند.

به آقای [کمال]خرازی [رئیس کمیته تبلیغات جنگ]گفتم برای مقابله با تبلیغات احتمالی عراق به خاطر تلفات در عملیات قادر، خبرنگاران خارجی را به منطقه عملیات قادر درکردستان عراق ببرند. به صیاد و رضایی هم گفتیم که منطقه عملیاتی را از نیرو خالی نکنند که دشمن اقدام به تک نماید.

احمدآقا آمد و نامه‌های سپاه را که درخواست نیروی هوایی و دریایی و اختیارات فرماندهی کرده بودند، به خدمت امام فرستادم[1]. آقای رحمانی مسئول بسیج آمد و از اینکه سپاه بودجه بسیج را نمی‌دهند و اهمیتی به آموزش عمومی بسیج قائل نمی‌شوند و مشکلات دیگر گله کرد؛ به آقای رفیق‌دوست [وزیر سپاه]گفتم رسیدگی نماید. آقا جلال که دو سه روز است قهر کرده و در صدد استعفاء بوده، با شفاعت آقای رحمانی آمد و با اکبر آقا اعرابی آشتی کردند.

پنجشنبه ۲۱ شهریور ۱۳۶۴ — ۲۶ ذیحجه ۱۴۰۵ — 12 SEPTEMBER 1985

در منزل بودم. قرار بود امروز صبح زود، عفت از مکه بازگردد اما معلوم شد که هواپیما تأخیر دارد. بچه‌ها به فرودگاه رفتند و دست خالی برگشتند. بیشتر وقتم به مطالعه و استراحت گذشت. آقای محسن رضایی، از اینکه آیت‌الله خامنه‌ای با بعضی از فرماندهان سپاه در مورد تعویض فرمانده سپاه صحبت کرده‌اند، تلفنی گله کرد. عصر بچه‌ها به استقبال عفت رفتند. [زائران] ساعت چهارونیم وارد فرودگاه شدند و ساعت هشت‌ونیم شب به منزل رسیدند. گزارشها را آوردند، خواندم.

---

۱ ـ حضرت امام خمینی(ره) در پاسخ به نامه سپاه چنین مرقوم کردند: "بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم، جناب آقای محسن رضایی، فرمانده سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، با توجه به اینکه در اصل ۱۵۰ قانون اساسی ادامه نقش سپاه در نگهبانی از انقلاب و دستاوردهای آن تصریح شده است، و نظر به آنکه انجام این نقش بدون آمادگی کامل سپاه از جهت تجهیزات و آرایش جنگی و فنون دریایی، زمینی، هوایی امکان‌پذیر نیست، شما مأموریت دارید هر چه سریعتر سپاه پاسداران را مجهز به نیروهای زمینی، هوایی، دریایی قوی نمایید، تا در موارد لازم با همکاری و هماهنگی با ارتش جمهوری اسلامی ایران از مرزهای زمینی، دریایی، هوایی کشور حفاظت نمایند. ۲۶ شهریور ۱۳۶۴ روح‌الله‌الموسوی الخمینی".



جمهوری اسلامی ایران

مجلس شورای اسلامی

دفتر رئیس

شماره

۲۵۰/[illegible] ـ هـ / د

۱۳۶۲/۶/۲۱

....

بسمه تعالی

برادر سرگرد ستاد عبدالسلام جلّود

فرا رسیدن اول سپتامبر سالگرد انقلاب عظیم فاتح را از طرف خود و ملّت مسلمان ایران به جنابعالی و ملّت برادر لیبی تبریک و تهنیت می‌گویم. انقلاب لیبی که این کشور اسلامی را از لوث وجود پایگاههای امپریالیسم و حکومت دست نشانده آنها پاک نمود صفحه درخشانی در تاریخ مبارزات امّت اسلامی گشود و مبارزات مستمّر آن با آمریکا و ایادیش در جهان منبع الهام بخش توده‌های مسلمان و مستضعف در اکناف جهان بوده است از این رو طبیعیست که انقلاب اسلامی ایران، جماهیری لیبی را بعنوان متحّد استراتژیک خود در مبارزه علیه استکبار و صهیونیسم تلّقی نماید.

اینجانب با یادآوری مذاکرات و توافقهای ثمربخش را که در دیدار اخیر خود از جماهیری لیبی با جنابعالی داشتم اطمینان دارم که همکاری و هماهنگی بین ایران و لیبی پیروزیهای درخشانی نصیب اُمّت اسلامی خواهد ساخت و راهگشای توده‌های مسلمان در مبارزات آنها علیه صهیونیسم و امپریالیسم و ایادی آنها در منطقه خواهد گردید.

سلامتی و توفیق جنابعالی و پیشرفت و سعادت ملّت برادر لیبی را از خداوند متعال مسئلت می نمایم.

اکبر هاشمی رفسنجانی

رئیس مجلس شورای اسلامی ایران

نامه به نخست وزیر لیبی

جمعه ۲۲ شهریور ۱۳۶۴ — ۲۷ ذیحجه ۱۴۰۵ — 13 SEPTEMBER 1985

تا ساعت ده‌ونیم صبح در منزل بودم. چون مجلس تعطیلات تابستانی دارد، این روزها زیادتر در منزل می‌مانم. یکی دیگر از دخترهای خانم نقاش، خانواده پر دختر آواره عراقی را عقد بستم و هدیه‌ای به او دادم.

نماز جمعه را در دانشگاه تهران اقامه کردم[1]. در گزارش‌ها مطلب مهمی نبود. عصر آقای [عبدالمجید]معادیخواه آمد و از مشکلات کار بنیاد تدوین تاریخ گله داشت. ایشان را دلداری دادم.

شنبه ۲۳ شهریور ۱۳۶۴ — ۲۸ ذیحجه ۱۴۰۵ — 14 SEPTEMBER 1985

در منزل بودم و کار زیادی نداشتم. آقای [محمد حسن] رحیمیان آمد و برای مجله پاسدار اسلام درباره جنگ، مصاحبه طولانی نمودم[2]. خانم علم‌الهدی آمد و برای کاروان زینب، اتوبوس و محل برای برگزاری جلسات خواست.

با آقای ریاضی و آقازاده درباره انجام کارهای معامله تسلیحاتی با چین صحبت کردم. به نظر

---

۱ ـ در خطبه اول ادامه موضوع عدالت اجتماعی در اسلام با مباحث استقلال زن و نظر فقها در مورد ازدواج و نظر پیامبر(ص) در مورد اجازه پدر در امر ازدواج دختر مطرح شد. در خطبه دوم نیز درباره دانشگاه آزاد اسلامی، تحولات انقلابی در آفریقای جنوبی و سیاست جمهوری اسلامی در قبال امنیت خلیج‌فارس مطالبی ارائه گردید. در بخشی از خطبه‌ها آمده است: "ما خواهان بحران در منطقه نیستیم. خواهان تشنج نیستیم ولی با بحران و تشنج آفرینی دیگران مقابله خواهیم کرد و مسئولیت این گونه مسائلی که دارد در خلیج‌فارس در مورد کشتی‌ها پیش می‌آید، به عهده شماست و شما فهمیدید که ما در نزدیک سواحل شما می‌توانیم با هلی‌کوپتر روی کشتی‌هایتان پیاده شویم و می‌توانیم در اقیانوس هند هم، آنجایی که به مرز ما نزدیک می‌شوید، کشتی‌هایتان را به بندر بیاوریم و خیلی کارهای دیگری هم می‌دانید که می‌توانیم انجام دهیم و تا به حال نکرده‌ایم و ان‌شاءالله شما ما را وادار نخواهید کرد که این کارها را بکنیم". رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، خطبه‌های جمعه سال ۱۳۶۴، جلد هشتم، صفحه ۳۹۸، دفترنشرمعارف‌انقلاب.

۲ ـ این مصاحبه که در ۱۰ مهر ۱۳۶۴ در مجله پاسدار اسلام به چاپ رسید مطالبی در خصوص وضعیت نظامی، وضعیت اقتصادی، وضعیت نیروی انسانی و وابستگی به خارج کشور عراق و مقایسه آن با وضعیت جمهوری اسلامی ایران بیان شده است. در بخشی از این مصاحبه آمده است: "امروز گرچه می‌بینیم که عراق پشتش به کوه است و قدرتهای بزرگ او را حمایت می‌کنند و کشورهای عمده قدرتمند مایل نیستند عراق شکست بخورد و تا مأیوس نشده‌اند، به حمایتشان ادامه می‌دهند ولی ما باید عملاً آنها را مأیوس و ناامید کنیم و هیچ چیز غیر از استقامت، دشمن ما را مأیوس نمی‌کند. من وقتی تاریخ جنگهای ویتنام را می‌خواندم، به مذاکره سران آمریکا که برخورد می‌کردم، می‌دیدم تنها نقطه‌ای که روحیه آنها را تضعیف می‌کرد و مورد محاسبه آنان قرار می‌گرفت، مقاومت ویتنامی‌ها بود و وقتی به این نتیجه می‌رسیدند که ویتنامی‌ها تا آخر می‌جنگند، برای آمریکایی‌ها بن‌بست تلقی می‌شد". رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، مصاحبه‌های سال ۱۳۶۴، جلد پنجم، دفترنشرمعارف‌انقلاب.

می‌رسد عوامل کندکننده‌ای در بانک مرکزی و نیروهای نظامی وجود دارند. با آقای رفیق‌دوست درباره موشک‌های سام صحبت کردم. هنوز یک سایت تکمیل نشده است.

درگزارشها یک تلفنگرام از [آقای صلاح زواوی] سفیر فلسطین در ایران بود که محرمانه خبر می‌داد درکمیته صلح سازمان کشورهای اسلامی ـکه در جده مشغول فعالیت است ـ تهدید خطوط هوایی، استعمال سلاح شیمیائی و زدن شهرها در جنگ [ایران و عراق] محکوم شده و خواستار تشکیل کمیسیونی برای تشخیص متجاوز و محاکمه آن و تشکیل صندوق اسلامی برای جبران خسارت‌های جنگ شده‌اند؛ اگر این خبر درست باشد در جهت ارضای ما گامی به پیش است ضمناً می‌گوید که عراق به این مصوبه اعتراض کرده است.

یکشنبه ۲۴ شهریور ۱۳۶۴ ۲۹ ذیحجه ۱۴۰۵ 15 SEPTEMBER 1985

صبح زود به مجلس رفتم. درگزارشها مسأله مهمی نبود. پس از ۳۸ روز تعطیل، مجلس جلسه علنی داشت. چند دستور انجام گردید. مسأله مهم مجلس و نمایندگان، موضوع کابینه آینده است. آتش زیر خاکستر است و صف‌بندی در مجلس وجود دارد. مراجعات به من، بیشتر در این باره است. عصر آقای [اسدالله]بادامچیان آمد و در همین باره صحبت کرد. مدعی است که می‌شود به آسانی کابینه را عوض کرد. عده زیادی از مسئولان انجمن‌های اسلامی دانش آموزان و واحد بسیج خواهران آمدند و گزارشی دادند. من هم برای آنها مفصلاً صحبت کردم[1]. آقایان طبیبیان و عمید آمدند و از ابتکاری گفتند که در ساخت سیمان سبک برای ساختمان کرده‌اند و برای به ثمر رسیدن آن کمک خواستند.

سرهنگ وحیدی آمد و برای رفع موانع احداث ساختمانهای پرسنل لجستیک نیروی زمینی کمک خواست. شهرداری اشکالاتی درکارشان می‌گیرد. آنها پانصد هزار متر زمین در غرب تهران

---

۱ ـ در این دیدار که جمعی از خواهران مسئول بسیج سراسرکشور به همراه عده‌ای از اعضای اتحادیه‌های انجمن‌های اسلامی دانش‌آموزان حضور داشتند آقای هاشمی گفت: "وحشتی که صدای زنان مسلمان در دل دشمنان ایجاد کرده، از صدای توپها و هواپیماها بیشتر است. به علاوه بدون اغراق پیروزی و تداوم انقلاب اسلامی به میزان بالایی مرهون حضور رسمی زنان در پشت جبهه‌ها و میادین مختلف انقلاب و خدمات واحد بسیج خواهران است. شما الگوی جدیدی را در مبارزات زنان به دنیا دادید. روزی خواهد رسید که صدای زنان ایران از طریق زنان مسلمان دنیا به گوش همه در میدانهای تلاش اجتماعی برسد". رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۴، جلد پنجم، دفترنشرمعارف‌انقلاب.



حضور خواهران بسیجی در مقابل مجلس شورای اسلامی

برای تعاونی مسکن خودشان گرفته‌اند.

آیت‌الله خامنه‌ای تلفنی گفتند که بنا دارند روز سه‌شنبه در جلسه خصوصی با نمایندگان برای بحث درباره کابینه آینده شرکت کنند ولی نظر ایشان این بود که قبل از بحثها بهتر است که ایشان حرف بزنند؛ قرار شد بیشتر مشورت شود. امروز عراق، پیرانشهر در کردستان را با توپ زده است و نیروی زمینی شهر دیانای عراق را زده است[1]. خطر تجدید جنگ شهرها وجود دارد. معمولاً وقتی ارتش عراق در جبهه عاجز می‌شود، به شرارت زدن شهرها می‌پردازد. شب به خانه آمدم.

دوشنبه ۲۵ شهریور ۱۳۶۴ ۳۰ ذیحجه ۱۴۰۵ 16 SEPTEMBER 1985

پیش از ظهر [آقای مصطفی ایزدی] فرمانده قرارگاه حمزه و آقای [احمد] کاظمی فرمانده لشکر ۸ نجف آمدند. گزارش عملیات قادر را دادند. گفتند حدود چهارصد نفر شهید و مفقود و اسیر در لشکر ۸ نجف داریم. من هم سئوالاتی کردم و مذاکرات ضبط شد[2].

با آیت‌الله خامنه‌ای درباره جلسه فردای نمایندگان، تلفنی مذاکره کردیم. معلوم شد ایشان مصمم‌اند که در این جلسه شرکت کنند. نامه‌ای به ایشان نوشتم و نکاتی را ذکر کردم. احمدآقا آمد و اطلاع داد که امروز آقایان مهدوی کنی، ناطق نوری، یزدی و جنتی خدمت امام آمدند و از امام خواستند اظهار نظری که مبتنی بر عدم مصلحت بودن تغییر آقای [میرحسین موسوی] نخست‌وزیر فرموده‌اند، پس بگیرند یا جبران کنند که آقای خامنه‌ای بتوانند فرد دیگری را معرفی نمایند. ولی امام نپذیرفته‌اند و محکم گفته‌اند که مصلحت نیست دولت عوض شود.

شب آقایان بهزاد نبوی و [محسن] نوربخش آمدند و از تصمیم آقای خامنه‌ای مبنی بر تعویض دولت اظهار نگرانی کردند و از من خواستند دخالت کنم و مانع شوم.

---

۱ ـ شهر دیانا با جمعیت ۵۰ هزار نفر در منتهی‌الیه شمال شرقی خاک عراق قرار دارد که به شهر اشنویه در شمال پیرانشهر نزدیک است.

۲ ـ این مذاکرات در آرشیو مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه موجود است و بخشهایی از آن تحت عنوان "گزارش عملیات قادر" در بهمن ۱۳۸۰ منتشر شده است.

سه شنبه ۲۶ شهریور ۱۳۶۴ ۱ محرم ۱۴۰۶ 17 SEPTEMBER 1985

جلسه علنی داشتیم و تمام وقت آن صرف بررسی طرح دوفوریتی منع صدور احکام تخلیه مدارس استیجاری براساس عُسر و حَرَج شد. به دکتر [حسن]روحانی گفتم که ستادی برای قرارگاه خاتم‌الانبیاء تنظیم کند. ظهر آقای [سیدجلال‌الدین] طاهری [امام جمعه اصفهان] برای خداحافظی آمدند. هنوز بعداز عمل مثانه مشکل دارند.

آقازاده آمد و گفت بعداز آزادی یک گروگان آمریکایی در لبنان، آمریکایی‌ها حاضر شده‌اند تعدادی موشک‌های هارپون و فونیکس و تاو بدهند. آقای محسن رضایی آمد و خواستار سروصدا روی اجازه امام در خصوص تاسیس نیروی دریایی و هوایی برای سپاه بود. نظر من این بود که مصلحت نیست، چون ارتش را حساس می‌کند. ظهر در اخبار اعلان شد.

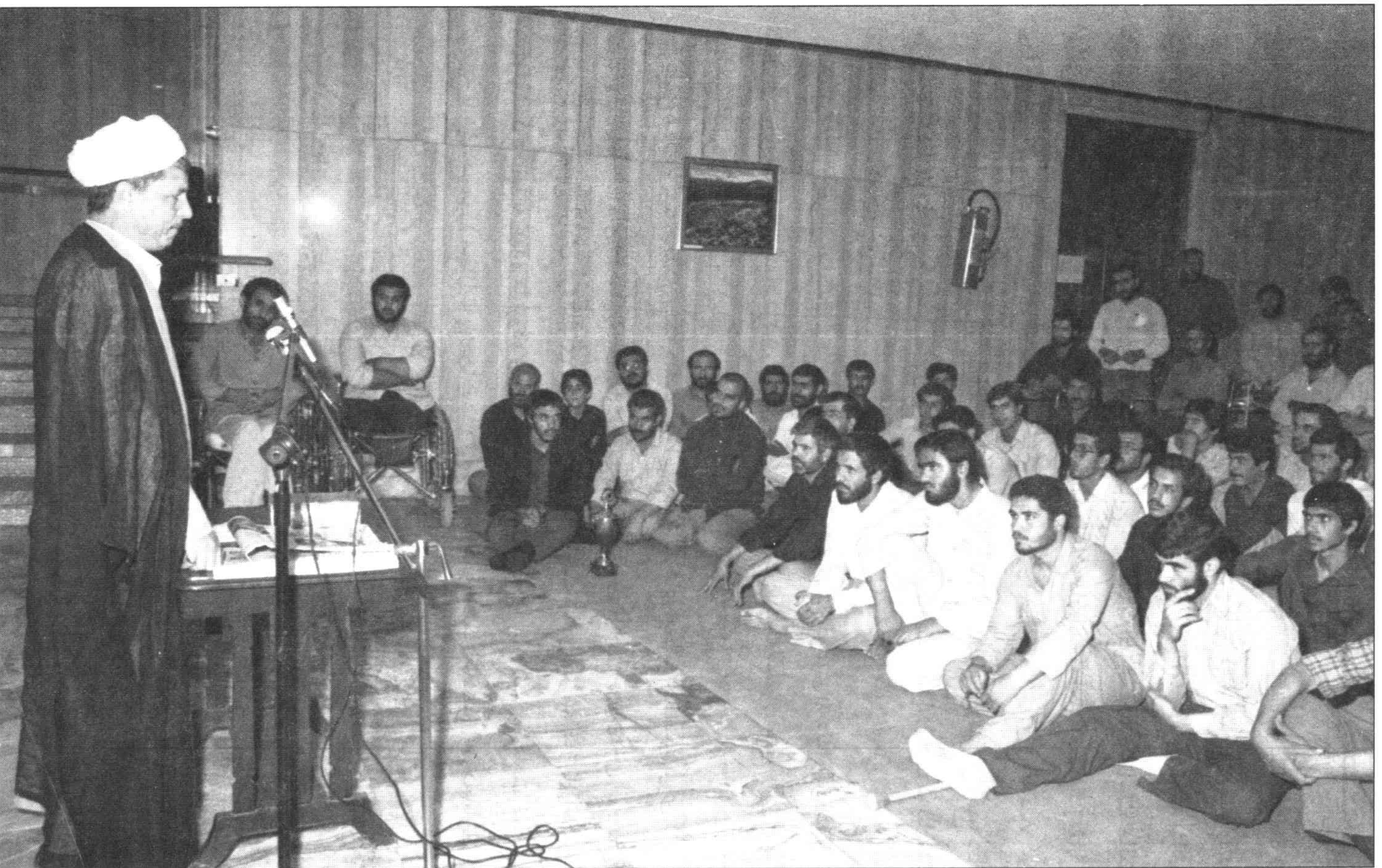
عصر برای دانشجویان انجمن‌های اسلامی و جهاد دانشگاهی ـ که تابستان به اردوئی در کردستان رفته بودند ـ سخنرانی کردم[1]. آقای [عبدالحلیم] خدّام معاون رئیس‌جمهور سوریه به ملاقات آمد[2]. پیام حافظ اسد را آورده بود و جریان مذاکرات باکمیته عربی آشتی سوریه با عراق را گفت و به ما اطمینان داد که با عراق آشتی نمی‌کنند و تا اردن با مصر قطع رابطه نکند و دست از سازش با اسرائیل برندارد، روابط عادی نمی‌شود.

آقای خامنه‌ای در جلسه سه‌شنبه نمایندگان شرکت کردند و انتقاداتی علیه دولت داشتند اما نگفتند که می‌خواهند دولت را عوض کنند، ولی مخالفت خود را به نحوی گفتند. موافقان دولت ناراحت و مخالفان دولت خوشحال شدند. سپس به دفتر من آمدند. محمدعلی هادی آمد و به ایشان انتقاد کرد.

---

۱ ـ آقای هاشمی خطاب به این گروه از دانشجویان که در یک اردوی ابتکاری برای نمایش امنیت منطقه غرب کشور پنج شبانه روز مسیر کرمانشاه تا سنندج را همراه با خواهران مسلمان دانشجو پیاده طی کرده بودند، اظهار داشت: "ابتکاری که امسال از سوی جهاد دانشگاهی در ترتیب اردو در کردستان صورت گرفت، یک نوآوری در برنامه‌های اردوها است که باید آغاز یک حرکت همه جانبه در دانشگاههای سراسر کشور شود و اگر دانشگاهها برای دانشجویان برنامه‌ریزی کنند که به عناوین مختلف و در مقاطع تحصیلی و به تناسب موضوع تحصیلی دانشجویان با جامعه ارتباط برقرار کنند و به میان مردم بروند، می‌تواند راهگشای بسیاری از مسایل جامعه باشد". رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۴، جلد پنجم، دفترنشرمعارف‌انقلاب.

۲ ـ در این ملاقات آقای هاشمی گفت: "با شناختی که از شما و سیاست سوریه داریم، تردیدی نداریم که سیاست شما در جبهه پایداری قابل تغییر نیست. امیدواریم روزی مسایل اصولی دنیای عرب و اسلام حل شود و در آن شرایط هم ما از هرگونه همکاری و وحدت با دنیای اسلام کوتاهی نخواهیم کرد".



دیدار با جانبازان و آزادگان

چهارشنبه ۲۷ شهریور ۱۳۶۴ **۲ محرم ۱۴۰۶** 18 SEPTEMBER 1985

صبح زود به مجلس رفتم. در گزارشها مسأله هواپیمای آمریکایی که موشکهای تاو را در [فرودگاه] تبریز تخلیه کرده و در راه برگشت به اسپانیا در اسرائیل فرود آمده، مورد توجه مراجع سیاسی است. همچنین موضوع آزادی کشیش آمریکایی در لبنان که در همین رابطه است حالت ابهامی دارد. حرکت تبلیغاتی آمریکایی‌ها بد نیست. به ما اطلاع داده‌اند، که آماده هستند در مقابل، تعدادی فونیکس و هارپون و تاو بفرستند.

آقایان حسین‌تاش و احمدی از پدافند و واحد موشکی سپاه آمدند و گزارشی از وضع دفاع جزیره خارک و ورود موشک‌های سام و اسکاد دادند و برای امکانات ماموران لیبی ـ که بنا است به ایران بیایند ـ کمک خواستند.

حدود هشتاد نفر از نمایندگان طرفدار دولت آقای [میرحسین]موسوی آمدند و از اظهارات دیروز آیت‌الله خامنه‌ای انتقاد کردند. نامه‌ای برای امام تهیه کرده‌اند که مشغول جمع‌آوری امضاء هستند.

عصر هیأت رئیسه مجلس جلسه داشت. در این جلسه کارهای مجلس را تصمیم‌گیری کردیم. شب مهمان آیت‌الله [موسوی] اردبیلی بودیم. درباره موضع آمریکا در تحویل بخشی از نیازهای نظامی ما در مقابل آزادی گروگانهای آمریکایی در لبنان بحث شد و قرار شد نیازها را بگیریم. مسئولیت گروگانها به عهده ما نبوده و ما فقط توانسته‌ایم سرنخ را پیدا کنیم و شفاعت نمائیم و توضیح بدهیم. در مورد مجازات بدحجاب‌ها و بی بند و بارها و احتمالا تأسیس اردوگاه بازسازی صحبت شد. به نتیجه نرسید.

عصر آقای صیاد شیرازی اطلاع داد که عراق در منطقه سیدکان ارتفاع سراسپندار را پس گرفته و تلفاتی داشته‌ایم. ناراحتیم بیشتر شد و برای خواب به مجلس رفتم.

پنجشنبه ۲۸ شهریور ۱۳۶۴ **۳ محرم ۱۴۰۶** 19 SEPTEMBER 1985

تا ساعت هشت صبح در دفترم کار کردم. در جلسه علنی مجلس، ناطقان قبل از دستور آقایان [محمد]معزّی و [محمد حسینی] علوی نمایندگان اصفهان و گرگان، درباره دولت با تندی صحبت

کردند[1] که منجر به درگیری دو طرف در مجلس شد و من نصیحت کردم که خودشان را کنترل کنند؛ آنها آرام گرفتند. به نظر می‌رسد فتنه و درگیری داشته باشیم.

گزارش لایحه تشدید مجازات رشوه به تصویب رسید. در تنفس آقای [محمد]یزدی در مورد ارائه گزارش مذاکراتشان با امام در خصوص دولت آینده با نمایندگان مشورت کرد. قرار شد هفته آینده نتیجه را بگویند.

عصر برای جمعی از اعضای سپاه سخنرانی کردم[2]. جمعی از اعضای انجمن‌های اسلامی دانشجویان آمدند و درباره دانشگاه‌ها پیشنهاداتی داشتند و از برخوردهای جریان دفتر تحکیم وحدت شاکی بودند. آقای حداد عادل آمد، هم از مدیران مدارس ملی نیکان و علوی و هم از برخورد مسئولان وزارت آموزش وپرورش گله و اتنقاد داشت.

جمعی از حزب‌اللهی‌ها که دو سه روز است علیه بد حجابی تظاهرات می‌کنند، مقابل مجلس آمدند[3]. [آقای میرعماد] دادستان [عمومی] تهران با جمعی از قضات آمدند و مشکلات خود را گفتند. من هم برای آنها صحبت کردم و وعده کمک دادم[4]. خبر رسید که عراق در زدن اسکله

---

۱ ـ آقای محمد معزالدین (معزی) نماینده اصفهان در نطق پیش از دستور با انتقاد شدید از دولت مهندس میرحسین موسوی گفت: "باید مشخص شود که دولت مردمی به چه معناست؟ به معنای واردات بیشتر و وسعت بخشیدن به رفاه کاذب؟ برای رسیدن به قدرت؟ چگونه می‌توانیم با نظام ضد تولید، با نظام خرید و فروش به سمت خودکفایی گام برداریم؟". آقای محمد حسینی علوی نماینده گرگان نیز گفت: "ضعفها به خاطر عدم برنامه‌ریزی صحیح دولت بوده که خود هم معترف می‌باشند ولی گناه را متأسفانه به گردن مجلس انداخته و موضوع خلا قانونی را عنوان می‌نمایند. بگذاریم رئیس‌جمهور از حق قانونی خود استفاده کند. آیا ما هستیم که باید به رئیس‌جمهور خط بدهیم که چه فردی را به عنوان نخست‌وزیر به ما معرفی کند؟"

۲ ـ در این ملاقات که جمعی از اعضای بسیج و سپاه پاسداران منطقه یک ثارالله حضور داشتند، آقای هاشمی تحلیلی از روند جنگ و موقعیت سیاسی، نظامی و اقتصادی و وضع داخلی عراق ارائه داد. در بخشی از این سخنرانی آمده است: "موقعیت سیاسی، نظامی، اجتماعی و اقتصادی رژیم عراق در این مقطع از روند جنگ تحمیلی گویای این واقعیت است که رژیم عراق دیگر قادر به ادامه جنگ علیه جمهوری اسلامی ایران نیست و رزمندگان اسلام و ملت همیشه در صحنه ایران نیز در این موقعیت حساس، علی‌رغم تمام تلاشهای مذبوحانه‌ای که برای استقرار یک صلح شکننده صورت می‌گیرد، فرصتی به رژیم عراق نخواهد داد تا با بقای خود همچنان خطری تهدید کننده برای انقلاب اسلامی ایران و دیگر کشورها و ملل مسلمان منطقه باقی بماند". رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی های سال ۱۳۶۴، جلد پنجم، دفترنشرمعارف‌انقلاب.

۳ ـ آقای هاشمی در اجتماع گروهی از موتور سوران که معترض به عدم رعایت درست حجاب و شئونات اسلامی بودند، ضمن تقدیر از نیروهای مسلمان و پرشوری که همواره برای حفظ عفت و احترام جامعه کوشیده‌اند، از آنان خواست تا با توجه به این نکته که شورای عالی قضایی و نیز نمایندگان مجلس هم اکنون در صدد تدوین لایحه‌ای برای مشخص کردن نحوه برخورد ضابطین قوه قضائیه با اشاعه دهندگان فساد و بی‌عفتی در جامعه هستند، به این نوع تظاهرات خود پایان دهند.

۴ ـ در بخشی از این سخنرانی آمده است: "بسیاری از مشکلات دستگاه قضایی را می‌دانم، به اضافه آنکه مردم نیز توقعاتی از

(ادامه پاورقی در صفحه بعد)

آذرپاد خارک و دو نیروگاه دز و کارون، خسارات سنگینی وارد کرده است. خیلی ناراحت شدم.

جمعه ۲۹ شهریور ۱۳۶۴ ۴ محرم ۱۴۰۶ 20 SEPTEMBER 1985

رادیو [صدای] آمریکا در برنامه صبح خود، مواضع خوبی در مورد آزادی یک گروگان آمریکایی در لبنان گرفته است. آقای ریاضی که از چین برگشته، آمد و گزارش مذاکرات را داد. هنوز در شرایط قرارداد و حفظ محرمانه ماندن و مسائل مالی به وحدت نظر نرسیده‌اند و هیأتی مشغول بازدید از هواپیماهای آموزشی و رادارهای سه بعدی هستند. به سرهنگ صدیق [فرمانده نیروی هوایی] گفتم که درباره حفاظت خارک و ضربه‌زدن متقابل جدی‌تر عمل کنند. با نخست‌وزیر هم درجهت انتقال مرکز صدور نفت به نقاط امن‌تر صحبت شد.

با آقای محسن رضایی در مورد آماده کردن طرح بستن تنگه هرمز در صورت طغیان بیشتر شرارت‌های عراق و با اخوی محمد در خصوص جلوگیری از تبلیغات زیاد روی نیروی هوایی و دریایی سپاه ـ که ممکن است ارتشی‌ها را ناراحت کند ـ صحبت کردم. عصر آقایان دکتر [محمدعلی]هادی [نجف‌آبادی] و عبدالله نوری آمدند. کمک می‌خواستند که آیت‌الله منتظری، نظر امام درباره دولت را تایید نمایند.

شنبه ۳۰ شهریور ۱۳۶۴ ۵ محرم ۱۴۰۶ 21 SEPTEMBER 1985

آقای صیاد شیرازی به منزل آمد و گزارشی از وضع جبهه عملیات قادر داد. انفعالی عمل می‌کنند و برای عقب‌نشینی از مواضع متصّرفی در خاک عراق زمینه‌سازی می‌کنند. عصر آقای ناطق [نوری] برای چاره‌جوئی در موضوع کابینه آمد؛ به نظر می‌رسد فهمیده‌اند که نمی‌شود آقای

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

دستگاه قضایی بعد از انقلاب پیدا کرده‌اند و انتظار دارند که تفاوت کیفی در دستگاه قضاوت ایجاد شود. ما همیشه مدعی بوده‌ایم که قضاوت اسلامی باید مشکلات را حل کند و سرعت و قاطعیت را از ویژگی‌های قضاوت اسلامی می‌دانستیم. تا آنجا که من شخصاً در جریان هستم و پیشرفتهای امور قضایی را می‌بینم و به هر حال مقدار زیادی پیشرفت کرده است و رو به خوب شدن است اما جزو مسایلی است که مردم حرف دارند. باید تلاش کنیم تا اعتماد مردم را به دستگاه قضایی جلب کنیم. اگر ما یک روزی دستگاه قضایی رضایت بخشی داشته باشیم، خیلی از کارها سهل می‌شود". رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۴، جلد پنجم، دفترنشرمعارف‌انقلاب.

[میرحسین]موسوی را عوض کرد و گفت آقای خامنه‌ای هم تا حدودی به همین نتیجه رسیده‌اند و دیگر آن احساس تکلیف را ندارند. در عین حال می‌خواست که برای پذیرفته شدن آقای مهدوی‌کنی اقدام کنم و گفت بیت امام به ائمه جمعه پیغام داده‌اند که نظر امام را [درباره لزوم ابقای مهندس موسوی در پست نخست‌وزیری] بگویند.

آقای مهندس [محمد]مروّت مسئول بنیاد مسکن آمد و گزارشی از خدمات بنیاد در روستاها و شهرستانها داد و برای توسعه کار، بودجه و وام می‌خواست. غلامرضا پسر مهدی هاشمی آمدند و نامه‌ای از علی هاشمی ـ که در عراق اسیر است ـ آوردند و جواب نوشتم. نوشته است که روحیه اسرا خوب است.

شب آقایان [هوشنگ]صدیق [فرمانده نیروی هوایی] و [محسن]رضایی نیازهای تکمیل دفاع جزیره خارک را گفتند. به نیروی زمینی و دریایی و وزارت نفت گفتم که امکانات لازم را در اختیارشان بگذارند. آقای صیاد شیرازی اطلاع داد در ارتفاع یاشکین حمله دشمن را دفع کرده‌اند. آقای نخست‌وزیر و وزیر نفت اطلاع دادند که تصویب شده مراکز شناور برای بارگیری نفت در اطراف خارک ساخته شود که صدور نفت قطع نشود.

آقای [محمد علی]انصاری از بیت امام آمد و گفت امام به آقای خامنه‌ای پیغام داده‌اند که در دفاع از جزیره خارک، فشار بیشتری به مسئولان وارد کنند. کارهای مجلس را آوردند. رسانه‌های جمعی [خارجی] ضربه پریروز عراق به خارک را موثر معرفی می‌کنند[1].

---

۱ ـ نشریه ژون آفریک چاپ پاریس در تحلیلی در این باره نوشت: "عراق که پیوسته تلاش کرده است جمهوری اسلامی را با خنثی کردن فعالیت پایانه نفتی خارک از نظر اقتصادی خفه سازد، در ۱۵ اوت [۲۴ مرداد]گذشته مرحله جدیدی را در جنگ آغاز کرد. نیروی هوایی عراق طی ۵ هفته ۱۱ مرتبه به این مرکز حیاتی که تقریباً ۹۰ درصد نفت ایران از طریق آن صادر می‌شود حمله کرد. اگر نتایج اولین بمبارانها چندان مثبت نبود، لکن حمله ۱۹ سپتامبر [۲۸ شهریور] به یکی از دو اسکله بسیار مهم این جزیره آسیب جدی رسانید. درکنار این اسکله‌ها نفتکش‌های عظیم ۲۵۰ هزار تنی و حتی با ظرفیت بیشتر پهلو می‌گیرند. البته ایران از این نفتکش‌ها برای انتقال نفت خام خود به جزیره "سیری" استفاده می‌کند. در جزیره "سیری" نفتکش‌های خریدار نفت از جمهوری اسلامی پهلو گرفته و در امان از خطر بمب‌افکن‌های عراقی بارگیری می‌کنند. در حال حاضر ایران با اجاره کردن حدود شش نفتکش ۱۰۰ هزار تا ۱۵۰ هزار تنی این مشکل را مرتفع نموده است و تکنسین‌های ایران بدون مشکل چندانی موفق خواهند شد تاسیسات آسیب دیده را طی دو هفته مرمت کنند، البته به شرط آنکه نیروی هوایی عراق فرصت این کار را به آنها بدهد و خرابی‌های جدیدی به بار نیاورد. فعلاً ظرفیت صادراتی نفت ایران به اندازه $\frac{1}{2}$ تقلیل پیدا کرده و از ۱/۶ میلیون تن به یک میلیون تن رسیده است. در بدو امر یک سوال مطرح می‌شود. چگونه نیروی هوایی بغداد، که تا اوت گذشته هیچگاه نتوانسته بود به اندازه کافی به این دژ نفوذناپذیر نزدیک شود، موفق شد به خطوط دفاعی ایران نفوذ کرده و ضربات جدی بر خارک وارد آورد؟ با توجه

(ادامه پاورقی در صفحه بعد)

یکشنبه ۳۱ شهریور ۱۳۶۴ ۶ محرم ۱۴۰۶ 22 SEPTEMBER 1985

اول وقت به مجلس رفتم. در گزارشها مطلب مهمی نداشتیم. هنوز هواپیمای حامل تاو آمریکایی برخاسته از تبریز، مورد بحث[۱] مراجع خبری است. قبل از جلسه آقای [غلامرضا]رحیمی نماینده ماهشهر آمد و گزارشی از سوء عملکرد پرسنل پدافند جزیره خارک داد. نطق‌های پیش از دستور را کنترل کردم که حمله به رئیس‌جمهور و دولت نداشته باشد؛ خوب برگزار شد.

دستور مجلس، طرح اصلاح قانون حفاظت صنایع بود که به اسم رفع عیب، خلاف شرع و قانون مطرح شده بود و تمام وقت مجلس را گرفت. چون نتیجه آن ممکن بود پس دادن بخشی از کارخانه‌های مصادره شده باشد، طرفدار نداشت. دوسه نفری هم که حمایت کردند متهّم به حمایت از سرمایه داران طاغوتی شدند و پنج شش رأی بیشتر نداشت و رد شد.

در تنفس، جمعی از نمایندگان از خطر قطع صادرات نفت از خارک اظهار نگرانی کردند و قرار شد جلسه‌ای برای تصمیم‌گیری عواقب کار و رسیدگی به شرایط اضطراری، در صورت قطع نفت و بررسی موضوع بستن خلیج‌فارس بر روی نفتکش‌ها از طریق کنترل تنگه هرمز، داشته باشند و در ساختن مراکز بارگیری نفت دور از خطر تسریع شود.

ظهر آقایان انواری، بادامچیان، موحدی کرمانی، یزدی، وافی، عبدخدائی و فارسی آمدند و برای باز بودن دست آقای خامنه‌ای در معرفی نخست‌وزیر چاره‌جوئی می‌کردند. گفتم با توجه به محکم بودن امام در حمایت از آقای موسوی، کاری نمی‌توانید بکنید.

عصر آقایان ریاضی و معنوی‌راد از بانک مرکزی آمدند و شرایط نادرست چین در معامله را توضیح دادند که شبیه به بهانه‌جوئی است. آقای واقفی نماینده اصفهان آمد و برای اعلان وضع اضطراری تأکید داشت. این سیاست، خط تندروها است. شب به منزل آمدم و در جلسه حزب [جمهوری اسلامی] شرکت نکردم.

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

به اینکه فعلاً اطلاعاتی در این باره وجود ندارد، سه فرضیه متفاوت می‌تواند مطرح شود. ۱- ممکن است عراق از تسلیحات پیچیده‌تری که تاکنون استفاده نکرده بود بهره گرفته باشد، مثلاً ممکن است از موشکهای هوا ـ دریا با برد طولانی‌تر و به ویژه با دقت بیشتر استفاده کرده باشد. ۲- ممکن است عراق اطلاعاتی بدست آورده که توانسته است توسط آنها سلاحهای مورد استفاده خود را بهتر هدایت کند و احتمالاً خطوط دفاعی ایران را دچار سردرگمی سازد. ۳- ممکن است عراق موفق شده باشد با بهره گیری از خدمات خلبانان مجرب‌تر عراقی یا خارجی (مصری) بر بی کفایتی کاملاً مشهود خلبانان خود فائق آمده باشد. همچنین ممکن است عراقی‌ها پیروزی‌های اخیراً خود را مدیون مجموع این سه عامل باشند.»

مهر ۱۳۶۴



دوشنبه ۱ مهر ۱۳۶۴ ۷ محرم ۱۴۰۶ 23 SEPTEMBER 1985

ساعت هشت صبح به زیارت امام رفتیم. پیشنهاد دادم که امام بیانیه‌ای صادر کنند و به خاطر احتمال درگیری در خلیج‌فارس و توسعه جنگ، مردم را بسیج نمایند که هم دشمنان بفهمند ما در بستن تنگه هرمز جدی هستیم و هم نیرو برای عملیات مورد نظر آماده شود. درباره سیاست بستن تنگه هرمز هم مشورت کردم[1].

امام احتمال دخالت عملی آمریکا در باز کردن تنگه را مطرح کردند و با توجه به اعلان ریگان که آمریکا متعهد به باز نگه داشتن تنگه هرمز است و اعلان شوروی مبنی بر مخالفت با دخالت آمریکا در مسایل منطقه، فرمودند اگر شوروی‌ها جدی باشند، بعید است آمریکا دخالت کند. [ایشان] بر دفاع از خارک تأکید فرمودند.

در بیرونی [بیت] امام با آقای امام جمارانی در خصوص لزوم کم کردن کارکنان حج در سال آینده که به نظر خیلی‌ها بیش از نصف آنها زیادی بوده‌اند، صحبت کردیم. به دفتر مشاورت امام [در ارتش] گفتم که موضوع پدافند جزیره خارک را تعقیب کنند.

سه شنبه ۲ مهر ۱۳۶۴ ۸ محرم ۱۴۰۶ 24 SEPTEMBER 1985

به مجلس رفتم. ساعت هشت و نیم صبح آقایان دکتر [حسن] روحانی و [محمد علی] هادی، به مجلس آمدند و گزارشی از جلسات تدبیر برای [تقویت] دفاع جزیره خارک دادند. در خصوص بحث درباره بستن تنگه هرمز در صورت قطع صادرات نفت، گفتند که نیروهای دریایی و هوایی و سپاه مخالف بوده‌اند. قرار شد بیشتر بحث شود.

در جلسه علنی مجلس، ناطقان پیش از دستور به نفع [آقای میرحسین موسوی] نخست‌وزیر و با

---

۱ ـ در این خصوص خبرگزاری فرانسه چنین گزارش داد: "آقای هاشمی رفسنجانی رئیس پارلمان ایران روز سه شنبه (۲ مهر ۶۴) تهدید کرد که در پاسخ به حملات عراق به تأسیسات نفتی ایران، علیه خطوط انتقال نفت عراق، عملیات تلافی‌جویانه صورت خواهد گرفت. هاشمی رفسنجانی که نمایندگی آیت‌الله خمینی در شورای عالی دفاع را نیز بر عهده دارد، در یک مقاله بلند در روزنامه اطلاعات به حملات هوایی عراق علیه ترمینال نفتی خارک اشاره کرده است. وی تأیید کرد که عراق هرگز حملاتی متمرکز انجام نداده است. این اظهارات به منزلهٔ اولین اشاره رسمی مشخص به حملات هوایی اخیر عراق به ترمینال نفتی خارک است. به گفته منابع مختلف در منامه و لندن، این حملات موجب خسارات فراوانی به تأسیسات نفتی ایران شده است." این مقاله قبلاً برای مجله پاسدار اسلام نوشته شده بود که قبل از آن روزنامه اطلاعات آن را چاپ کرد.

کنایه علیه نظر رئیس‌جمهور در مخالفت با نخست‌وزیر جدید حرف زدند. دستور عمده مجلس، تشکیل وزارت درمان وبهداشت بود. هنگام تنفس بیشتر مراجعات درباره جزیره خارک و جنگ بود. بعد از جلسه رسمی با نمایندگان درباره وضع خارک و جنگ و صادرات نفت صحبت کردم و سیاست جنگ را گفتم. آقای [محمد غرضی] وزیر نفت هم صحبت کرد.

ظهر آقای خیّر به دفترم آمد و از عدم کارایی نیروی هوایی در استفاده از امکانات خرید وزارت نفت، تجهیز رادارها و هاگ‌ها و.... گفت و در دفاع از آقای مکری صحبت کرد و پرونده‌ای را که توسط اداره هشتم علیه او تنظیم شده، مغرضانه معرفی کرد.

عصر جمع زیادی از رزمندگان که از جبهه‌ها آمده بودند به ملاقات آمدند و من برای آنها درباره جنگ مفصلاً صحبت کردم[1]. اطلاع دادند که امروز هم به جزیره خارک حمله شده و به یک مخزن نفت، بمب اصابت کرده و می‌سوزد[2]. قرار گذاشتیم که سفری به خارک بروم. بعضی‌ها به خاطر خطرها با این سفر مخالفند.

شورای عالی انقلاب فرهنگی جلسه داشت. آئین نامه بازرسی شورا تصویب شد و وضع سازمان نشر دانشگاهی مشخص گردید.

بعد از نماز با آقای خامنه‌ای جلسه خصوصی داشتیم. آماده شده‌اند که آقای [میرحسین] موسوی را به مجلس معرفی کنند، ولی بنا دارند در مورد وزرا سخت‌گیری نمایند. احتمالاً در این مورد هم مثل مورد قبل با مشکل برخورد کنند. درباره جنگ و سپاه و ارتش بحث کردیم. در جلسه روضه ایشان شرکت کردم؛ سینه‌زنی و نوحه‌خوانی و سخنرانی طولانی آقای اکرمی ـ نماینده سمنان ـ برگزار شد. بعد از جلسه با حضور آقای [موسوی] اردبیلی درباره [تقویت دفاع هوایی جزیره] خارک صحبت کردیم. دیر وقت به خانه آمدم.

---

۱ ـ در بخشی از این سخنرانی آمده است: "با پیروزی نیروهای اسلام در این جهاد مقدس و شکست حزب بعث، دوکشور ایران و عراق با امکانات فراوانی که دارند در خدمت اسلام قرار می‌گیرند و دیگر اسرائیل نمی‌تواند عرض اندام کند و با پیروزی و همکاری دو ملت، نخواهد توانست ابراز وجود کند و پیروزی اسلام و حاکمیت اسلام و توفیق قرآن ایجاد خواهد شد". رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۴، جلد پنجم، دفترنشرمعارف‌انقلاب.

۲ ـ در جریان این حمله هوایی که بامداد این روز توسط دو جنگنده نیروی هوایی عراق انجام شد، یک مخزن بزرگ نفت محتوی ۲۰۰ هزار بشکه نفت دچار حریق شد. منبع نفت آسیب دیده گنجایش یک میلیون بشکه نفت را داشته اما به هنگام حمله تنها یک پنجم ظرفیت، نفت داشته‌است و تلاش گروههای اطفای حریق باعث شد بخشی از ۲۰۰ هزار بشکه نفت موجود در منبع نیز تخلیه شود. نفت از این منبع ذخیره به اسکله‌ای منتقل می‌شد تا جهت صادرات به کشتی‌ها انتقال یابد.

چهارشنبه ۳ مهر ۱۳۶۴ ۹ محرم ۱۴۰۶ 25 SEPTEMBER 1985

گزارش‌های وزارت امور خارجه درباره استعفای شورای لبنان و سفر آقای [معمر] قذافی [رهبر لیبی] به شوروی و احتمال آمدن او به ایران و کشف مواد منفجره در امارات و شارجه از دست افراد منسوب به ایران را خواندم. نامه نخست‌وزیر درباره مشکلات کابینه آینده با توجه به اختلاف نظر رئیس‌جمهور و ایشان را خواندم؛ مشکل جدی است ولی باید رفع شود.

پیش از ظهر احمدآقا آمد و درباره جنگ، دولت، نیروی هوایی، جزیره خارک وتنگه هرمز مذاکره کردیم و مطالبی را در این موارد برای امام پیغام دادم. سپس نامه‌ای مبنی بر لزوم دعوت امام از جوانان برای شرکت در جبهه‌ها و بسیج نوشتم.

آقای [غلامرضا] آقازاده تلفنی اطلاع داد که سه روز دیگر هواپیمای حامل موشک‌های فونیکس و هارپون و ساید وایندر می‌رسد و هفته دیگر هواپیمای دیگر. اینها را آمریکایی‌ها به امید گرفتن گروگانهایشان در لبنان و جلب رضایت ما می‌دهند. اگر این وعده‌ها تحقق پیدا کند، از چرخش در سیاست آمریکا نسبت به ما حکایت دارد.

عصر آقای [محسن] دعاگو آمد و درباره دولت آینده، جزیره خارک، صدا وسیما و جنگ سئوالاتی داشت و برای ساختن منزل وام خواست. شب حاج عبدالله داودی آمد و برای گرفتن مهلت از اجرای حکم دادگاه، مبنی بر تخریب ساختمانی که اشتباهاً قسمتی از آن در ملک مجاور قرارگرفته، کمک می‌خواست. به [سرهنگ صدیق] فرمانده نیروی هوایی گفتم که از محل عملیات آینده، عکس هوایی بگیرند. مهدی برای شرکت در سینه زنی‌ها [در مراسم تاسوعا] رفت و عصر آمد.

پنجشنبه ۴ مهر ۱۳۶۴ ۱۰ محرم ۱۴۰۶ 26 SEPTEMBER 1985

در منزل بودم. آقای کوثری بعد از مراسم عاشورا در حسینیه جماران آمد و برای ما روضه خواند. بسیار خوب روضه می‌خوانند. تلفنی با آیت‌الله خامنه‌ای و آقای صدیق [فرمانده نیروی هوایی] درباره مقابله به مثل حملات هوایی عراق به خارک تأکید کردم.

عصر آقای دکتر ولایتی آمد. و درباره برنامه‌های مجمع عمومی سازمان ملل که فردا عازم است، مشورت کرد. با ملاقات وزرای خارجه [عربستان] سعودی و کویت موافقت کردم و قرار شد

در آنجا پیشنهاد کند که انجام عملیات جاسوسی ماهواره‌ای بر فراز کشورهای دیگر ممنوع شود و حتی‌الامکان در قطعنامه‌ها گنجانده شود. درباره دولت آینده هم صحبت شد.

آقای نخست‌وزیر تلفنی از من خواست که به خاطر خطرها فردا به جزیره خارک نروم و خود ایشان به جای من برود، نپذیرفتم. بیشتر وقت تا آخر شب به استماع عزاداری از صدا و سیما صرف شد. امسال عزاداری‌ها خوب برگزار شد.

جمعه ۵ مهر ۱۳۶۴ ۱۱ محرم ۱۴۰۶ 27 SEPTEMBER 1985

ساعت هفت و نیم صبح به فرودگاه مهرآباد رفتیم. با جمعی از نمایندگان و وزرا با دو فروند جت فالکن به طرف جزیره خارک حرکت کردیم. کمی پس از پرواز، هواپیمای حامل ما دچار عیبی شد. برگشتیم و هواپیما را عوض کردیم. ساعت نه و نیم با نیم ساعت تأخیر رسیدیم. از تانک فارم و اسکله‌های تی، گوگرد و آذرپاد بازدید کردیم. در اسکله‌های تی و آذرپاد به دو هدف با دقت توسط عراقی‌ها بمب اصابت کرده است. دلیل بر دقت هدف‌گیری، اطلاع کامل قبلی و ضعف مفرط دفاع ماست و خسارات زیاد است. مسئولان [ترمینال‌های] نفتی جزیره خارک گفتند اگر درست دفاع شود، با وضع موجود می‌توانیم روزانه تا چهار میلیون بشکه نفت صادر کنیم ولی اعتمادی به دفاع نیست.

جلسه طولانی با مسئولان نظامی داشتیم. تمام نیازهای آنها را تأمین کردیم. یکی دوبار هم وضعیت قرمز اعلام شد. آقای [رسول] منتجب‌نیا را به عنوان نماینده خودم آنجا گذاشتم و قرار شد نیروهای سپاه همکاری کنند. در نماز جمعه شرکت کردیم و برای حضار صحبت کردم. غیر از نظامی‌ها و مسئولان نفتی و دولتی کسی در خارک نمانده است. خانواده‌ها را بیرون برده‌اند و همین هم مشکلی آفریده؛ چون عده زیادی از آنها مأوا و مسکن درستی ندارند و این مسأله باعث اضطراب کارکنان است.

در بین راه رفت و برگشت آقایان [محمد] غرضی و تولایی درباره برنامه تأسیس اسکله‌های اس.بی.ام برای صدور نفت ـ که از پیشرفته‌ترین و ساده‌ترین شیوه‌های بارگیری است ـ توضیح دادند. قرار است تعداد هفت اسکله اس.بی.ام در اطراف جزیره خارک و بندرگناوه احداث شود. قرار شد خط لوله گوره کنگان هم احداث شود. این کارها بایستی زودتر انجام می‌شد. مغرب به

بسم الله الرحمن الرحیم

با تشکر از حضرات آقایان اینجانب حق خود را

موظف به اظهار نظر می‌دانم با آقایانی که نظر خود را نوشته‌اند

از ارگانهای [illegible] و معظم آقایان دیگر

هر چند گمان ما در مهندس موسوی را شخصی متدین و متعهد

و در وضع بسیار حساس کشور دولت ایشان را موفق می‌دانم

و در حال حاضر تغییر آن را صلاح نمی‌دانم والسلام علیکم

با غیبت رئیس جمهور و مجلس شورای اسلامی محترم تشکر

[illegible]

پاسخ حضرت امام خمینی

تهران رسیدیم.

شب عراق به خارک حمله کرد. لابد در طول روز به خاطر حفاظت شدید ـ به دلیل حضور ما ـ نتوانسته‌اند حمله کنند و به این دلیل است که اگر درست حفاظت شود، حمله نمی‌شود.

شنبه ۶ مهر ۱۳۶۴ ۱۲ محرم ۱۴۰۶ 28 SEPTEMBER 1985

عفت، اعظم و عماد برای سفر به فرودگاه مهرآباد رفتند. مطابق معمول دیر رسیدند وتحویل بارشان دچار اشکال شد. به دفترم گفتم مشکل را رفع کند. به عفت که اظهار ناراحتی می‌کرد گفتم یا از اول با شناسایی بروید و اگر مثل مردم می‌روید، مثل همه سر وقت بروید.

پیش از ظهر احمدآقا آمد و نتیجه مسافرت به خارک را به ایشان گفتم که خدمت امام بگویند. خبر داد که امام جواب نامه ۱۳۵ نماینده مجلس در حمایت از آقای [میرحسین] موسوی را داده‌اند و نوشته‌اند که نظرشان ابقای آقای موسوی است[1]. این تأیید کتبی مجدد، لابد آقای رئیس‌جمهور و جناح مقابل آقای موسوی را عصبانی‌تر می‌کند.

عصر آقای محسن رضایی آمد وگزارشی از برنامه عملیات آینده قدس گفت که معلوم است از استحکام هفته قبل برخوردار نیستند و تردیدهایی دارند. توضیحاتی برای عملیات اصلی داد و امکاناتی خواست.

گزارش مسافرت خارک و نظراتم را به آقایان نخست‌وزیر و رئیس‌جمهور، تلفنی دادم. دیشب و امروز هم عراق در جزیره خارک بمب انداخته ولی در آب افتاده است. به نظر می‌رسد قسمت سالم اسکله تی [T] را هدف گرفته است؛ لابد کشتی پهلوگرفته را دیده‌اند. شب کارهای مجلس را آوردند انجام دادم.

آقای [محسن] رفیق‌دوست ازکره شمالی برگشته ولی نتوانسته است راه‌اندازی اندیوزر (آخرین

---

۱ ـ متن کامل نامه ۱۳۵ نفر از نمایندگان مجلس شورای اسلامی به‌امام خمینی (ره) در ضمیمه همین کتاب چاپ شده است. حضرت امام در پاسخ به نامه نمایندگان چنین مرقوم‌کردند: بسم‌اللّه‌الرحمن‌الرحیم با تشکر از حضرات آقایان، اینجانب چون خود را موظف را به اظهارنظر می‌دانم، به آقایانی که نظر خواسته‌اند، از آن جمله جناب حجت‌الاسلام آقای مهدوی و بعضی آقایان دیگر، عرض‌کردم آقای مهندس موسوی را شخص متدین و متعهد، و در وضع بسیار پیچیدهٔ کشور، دولت ایشان را موفق می‌دانم؛ و در حال حاضر تغییر آن را صلاح نمی‌دانم. ولی حق انتخاب با جناب آقای رئیس‌جمهور و مجلس شورای اسلامی محترم است. ۵ مهر ۶۴ - روح‌اللّه‌الموسوی‌الخمینی

مصرف کننده) را برای موشک‌های چینی بگیرد. پیغام رهبر کره را برای من آورده که یک کشتی نفت خواسته است.

یکشنبه ۷ مهر ۱۳۶۴ ۱۳ محرم ۱۴۰۶ 29 SEPTEMBER 1985

ساعت هفت صبح به مجلس رسیدم و تا ساعت هشت در دفترم کار کردم. در جلسه علنی، لایحه تشکیل وزارتخانه درمان و بهداشت مطرح بود که تمام نشد. عصر آقای میرمحمدی رئیس جدید دانشکده الهیات آمد. دوباره در شورای عالی قضایی انتخاب نشده و شورا با کارشان به عنوان رئیس شعبه دیوان عالی کشور موافقت نکرده است. از من خواست که برای بازدید به دانشکده بروم.

آقا رحیمی [نماینده سابق شهر بابک و] مشاور وزیر کشاورزی آمد و از عیوب ادارات گفت و از وزیر حمایت کرد و برای شهر بابک امام جمعه خواست. گروهی از استادان و دانشجویان دانشگاه الزهرا(س) آمدند و از عملکرد رئیس سابق، شاکی بودند و توصیه به انتخاب رئیس حزب‌اللهی داشتند. چند نفر از جمله آقای بی‌آزار شیرازی را پیشنهاد دادند.

یکی از دو هواپیمای ما که به نیروگاه الحارسیه عراق حمله کرده‌اند، سقوط کرده است. عراق بدون اخذ نتیجه به جزیره خارک حمله هوایی نمود. شب محافظانم آمدند و اختلافاتشان را مطرح کردند. که دوسه ساعت طول کشید. نصیحتشان کردم.

آقای سرهنگ دادبین آمد و به عنوان مخالفت با حمله‌ای که قرار است ارتش به دستور آقای صیاد [شیرازی] در ارتفاع سراسپندار در منطقه شمال غرب بکند، صحبت کرد و گفت ارتش با همراهی سپاه موفق‌تر عمل می‌کند. دیر وقت خوابیدم.

دوشنبه ۸ مهر ۱۳۶۴ ۱۴ محرم ۱۴۰۶ 30 SEPTEMBER 1985

بعداز نماز تا ساعت هشت و نیم صبح در دفترم کار کردم. به خاطر تقاضاهای زیاد برای ملاقات، امروز در مجلس ماندم. آقای [عبدالرحیم] گواهی [سفیر ایران در ژاپن] آمد واز گرمی روابط با ژاپن بعداز سفر من گفت و برای انجام قرار دادهای بزرگ کمک خواست.

آقایان [علی]معرفی‌زاده و یونس محمدی آمدند. از نمایندگان آبادان در اعمال نفوذ بر وزیرکار در مورد مسئولان بنیاد امور جنگ زدگان شکایت دارند. نمایندگان مناطق جنگ زده به خاطر مخالفت با وزیر کشور، بنیاد را به وزارت کار دادند وحالا بین خودشان اختلاف افتاده است.

آقای مهندس [مهدی] چمران آمد و گزارشی از آزمایش زیر دریایی اختراعی‌اش در خلیج‌فارس داد و از نیروی دریایی به خاطر عدم موافقت با تولید آن گله داشت. سپاه هم خودش دست‌اندرکار ساخت نوعی دیگر زیر دریایی است. وعده حمایت دادم. نماینده بروجرد آمد. از وجود وحدت و یکپارچگی در مسئولان بروجرد راضی است.

عصر [آقای خضر صالح حمزه] سفیر یمن جنوبی آمد؛ کاری نداشت. آقای دکتر [هادی] منافی آمد و راجع به محیط زیست صحبت کرد و درباره دادن پرنده باز شکاری به شیوخ خلیج‌فارس ـ که تقاضا کرده‌اند ـ مشورت کرد. آقای فومنی سفیرمان از امارات آمد و برای نحوه برخورد با موضوع کشف گروهی مسلح در امارات که اماراتی‌ها مدعی‌اند آنها با سپاه ارتباط دارند، مشورت کرد. جمعی از ایرانیان و بومیان دستگیر شده‌اند و جهت جلب موافقت برای دادن بازها کمک خواست.

[آقای ویکتور آلدره] سفیر بلژیک آمد و برای توسعه روابط و تهیه ساختمان وسیع‌تر کمک خواست و درباره نفت و معاملات دیگر صحبت کرد[1]. به آقایان محسن رضایی، [هوشنگ] صدیق، [غلامرضا] آقازاده، [محمد] غرضی و [حسن] روحانی درباره اجرای تصمیمات درباره خارک تأکید کردم. آقایان ناطق [نوری] و [محسن] رضایی اطلاع دادند عملیات امروز ارتش ناموفق بوده است.

---

۱ ـ در این ملاقات، سفیر بلژیک گفت که دفاع حق مسلم کشوری است که مورد تجاوز و حمله قرارگرفته است. آقای هاشمی نیز در پاسخ به اعلام آمادگی بلژیک برای خرید نفت از ایران گفت: "ما برای صدور نفت نگرانی نداریم و برنامه‌ریزی دقیقی کرده‌ایم و مطمئن هستیم که عراق نمی‌تواند مانعی برای ما ایجاد کند و صدور نفت در آن حد که اوپک به ما اجازه داده است، همیشه برایمان مقدور است. اگر در یک فرض بسیار بعید، عراق موفق به قطع صدور نفت ما شود، ما صدور نفت دیگران را قطع خواهیم کرد. جمهوری اسلامی ایران در این تهدید جدی و مصمم است، گرچه با توجه به ناتوانی رژیم عراق و قدرت دفاعی جمهوری اسلامی ایران، احتمال بروز چنین مسأله‌ای نخواهد بود".

سه شنبه ۹ مهر ۱۳۶۴ ۱۵ محرم ۱۴۰۶ 1 OCTOBER 1985

صبح به مجلس رفتم. درگزارش‌ها وضع طرابلس لبنان نگرانی آور است[۱]. درگیری سوریه با مسلمانان جنبش توحید اسلامی برای ما هم مشکل درست کرده؛ نمایندگان هم معترض‌اند و برای چاره‌جویی به من مراجعه می‌کنند. لایحه وزارت بهداشت ودرمان تمام شد. هنگام سئوال [اسدالله]بادامچیان از آقای [سیدکاظم] اکرمی [وزیر آموزش و پرورش] کمی جلسه متشنج شد. آقای [حسن] روحانی خبر داد فرمانده [پدافند هوایی] خارک را عوض کرده‌اند و سرگرد غلامی را به جای او گذاشته‌اند.

ظهر آقایان نمایندگان استان فارس آمدند و برای نیروهای فارس در جبهه کمک خواستند. آنها از تبعیض ستاد پشتیبانی جنگ استان فارس ـ که تحت نظر امام جمعه شیراز است ـ شاکی بودند. پانصد هزار تومان از پول جنگ به آنها دادم. آقای [علی‌محمد] بشارتی [قائم مقام وزارت امور خارجه] آمد و راجع به کیفیت رفتار با شیخ زائد مشورت کرد. او عازم جنوب خلیج‌فارس است.

عصر آقای [مصطفی] ایزدی فرمانده قرارگاه حمزه تلفنی خواست که به سرهنگ صیاد [شیرازی] بگویم عملیات را متوقف کند و خبر شهادت سرهنگ آبشناسان و چند نفر دیگر را داد[۲]. با صیاد صحبت کردم. گفت عملیات نیمه کاره است و باید ادامه داد.

در جلسه شورای عالی انقلاب فرهنگی شرکت کردم. درباره زمان شروع کار دانشگاه‌ها و تأخیر یک ترم در مورد شش هزار نفر که گزینش آنها تمام نشده، تصمیم گرفتیم. درباره یک سال فرصت مطالعاتی استادان هم بحث شد. قرار شد بیشتر رسیدگی شود. بعد از نماز با آقای خامنه‌ای درباره جنگ صحبت کردم. قرار شد ایشان تلفنی با حافظ اسد [رئیس‌جمهور سوریه] درباره [بحران] طرابلس صحبت کنند. شب به خانه آمدم.

---

۱ ـ طبق اعلام خبرگزاریهای بین‌المللی در جنگ داخلی لبنان میان شبه نظامیان مورد حمایت سوریه با شبه نظامیان جنبش توحید اسلامی در شهر طرابلس تا این تاریخ (۹ مهر ۶۴) ۳۰۷ نفر کشته و ۸۰۰ نفر مجروح شده‌اند. جمهوری اسلامی به جهت همکاری سوریه در مسایل منطقه‌ای و بین‌المللی و همراهی با سیاستهای ایران و از سوی دیگر سیاست حمایت از مبارزان شیعه و همچنین مسلمانان مبارز اهل سنت در راه آزادی فلسطین، در اتخاذ سیاست مناسب میان دو طرف متخاصم، دچار مشکل بود.

۲ ـ شهید سرهنگ حسن آبشناسان فرمانده تیپ ۲۳ نوهد ارتش بود که در عملیات قادر به همراه سرهنگ عزیز کاظمی، سرهنگ جواد عبدحق و چهارده تن دیگر به درجه رفیع شهادت نایل آمد.

چهارشنبه ۱۰ مهر ۱۳۶۴ ۱۶ محرم ۱۴۰۶ 2 OCTOBER 1985

صبح زود به مجلس رفتم و گزارش‌ها را خواندم. مصاحبه‌ای درباره شهادت شهید اشرفی [اصفهانی] کردم. اعضای شورای حزب‌الله لبنان آمدند و از مراجعت آقای [علی اکبر] محتشمی[پور] به ایران و عدم همکاری سپاه در لبنان و نداشتن بودجه شکایت داشتند و استعفا کردند. در هر موردی توضیح دادم و آنها را راضی برگرداندم. مبلغ ده هزار دلار از کویت برای کمک به مبارزات لبنان رسیده بود که به آنها دادم.

جلسه نمایندگان تهران برای استماع گزارش پیشرفت کار مترو داشتیم که معلوم شد پیشرفتی نکرده است. عصر آقای [محسن] کنگرلو [مشاور نخست‌وزیر] آمد و گفت واسطه نقل کرده که آمریکایی‌ها فرستادن سلاح را مشروط به تماس تلفنی "ویلیام باکلی" گروگان در لبنان با [جرج] بوش [معاون رئیس‌جمهور آمریکا] کرده‌اند. گفتم بگوید که ما چنین رابطه‌ای با ربایندگان نداریم و در صورتی که آمریکا حسن نیت خودش را ثابت کند، وارد مذاکره برای حل مشکل گروگانها می‌شویم. شب خبر رسید که همان فردی که آمریکا می‌خواهد [با او] تماس بگیرد از طرف سازمان جهاد اسلامی، به تلافی حمله اسرائیل به تونس اعدام شده است[1].

هیأت رئیسه مجلس تا مغرب جلسه داشت. شام، رؤسای قوا در مجلس مهمان من بودند. به خاطر برخی از اختلافات، جلسه [سران قوا] پربار نیست. درباره جنگ، لبنان و خلیج‌فارس مذاکره شد. شب در مجلس خوابیدم. امروز هم به جزیره خارک حمله شده، اما خسارت کم بوده است. تقریباً هر روز حمله می‌شود.

پنجشنبه ۱۱ مهر ۱۳۶۴ ۱۷ محرم ۱۴۰۶ 3 OCTOBER 1985

بعد از نماز نامه‌ای به آقای [عبدالسلام] جلّود [معاون معمر قذافی] نوشتم و از تأخیر در ارسال وسایل دفاعی وعده داده شده گله کردم. متن فارسی خطبه عربی نمازجمعه را نوشتم و برای ترجمه فرستادم.

---

۱ ـ هواپیماهای جنگی اسرائیل روز ۹ مهر ۶۴ مراکز سازمان آزادیبخش فلسطین (ساف) را در تونس بمباران کردند. شش هواپیمای اف ـ ۱۶ ارتش اسرائیل با طی مسافت ۲۵۰۰ کیلومتر به بمباران مراکز فرماندهی ساف دست زدند. در این حمله هوایی ۱۵۶ نفر کشته و مجروح شدند. اغلب کشورهای اروپایی حمله اسرائیل را محکوم کردند.

قبل از رسمی شدن جلسه به نمایندگان تذکر دادم چون آیت‌الله خامنه‌ای تصمیم گرفته‌اند آقای [میرحسین] موسوی را برای نخست‌وزیری معرفی نمایند، خوب است در نطق‌های قبل از دستور در این باره صحبتی نشود. قبل از دستور درباره حوادث طرابلس لبنان و حمله اسرائیل به تونس علیه مقر فلسطینی‌ها صحبت کردم[1]. بعد از مقداری کار، جلسه را به آقای یزدی سپردم و برای انجام کارهای عقب افتاده به دفترم رفتم.

آقای [رسول] منتجب‌نیا که از طرف من در جزیره خارک مانده بود، آمد و گزارش کارها را داد. پیشرفت در حد مطلوب نیست؛ قرار شد پیگیری شود. ظهر نمایندگان برای کارهای خود مراجعه کردند. عصر مسئول اداره همسر یابی بنیاد شهید آمد و گزارش کار داد و من نظراتی ارائه کردم؛ گفت حدود سه هزار همسر شهید در تهران داریم.

در جلسه شورای عالی دفاع شرکت و سپس مصاحبه‌ای کردم[2]. شب با آقای خامنه‌ای مذاکره داشتیم. ایشان گفت که در ملاقات امروز با امام، دستور داده‌اند در صورتی که بر سر وزرا با آقای [میرحسین] موسوی به توافق نرسند، رأی دو نفر از سه نفر، من و احمدآقا و آقای [موسوی] اردبیلی حاکم باشد. الحمدلله مشکل هیأت دولت حل شد، ولی این داوری برای من مشکل است.

جمعه ۱۲ مهر ۱۳۶۴ — ۱۸ محرم ۱۴۰۶ — 4 OCTOBER 1985

تا ساعت ده و نیم در خانه مطالعه می‌کردم. با آقای [غلامرضا] آقازاده درباره پیگیری

---

۱ ـ در این نطق آمده است: "حوادث خونبار و تلخ طرابلس در لبنان، مایه اندوه دنیای اسلام و باعث خوشحالی دشمنان اسلام و کفار است. ما انتظار داریم از کسانی که در لبنان مؤثرند مخصوصاً دولت سوریه، تلاش کنند این حادثه تلخ تداوم نداشته باشد و آرامشی که از دیروز در طرابلس پیش آمده ادامه پیدا کند و به کسانی که آتش افروز این جنایت هستند، تذکر می‌دهیم که آنهایی که خیر لبنان و دنیای اسلام و مستضعفان را می‌خواهند، اینگونه حوادث به ضرر همه تمام می‌شود.

مسأله دیگری که در این هفته اتفاق افتاد و خیلی چیزها را نشان داد، تجاوز زشت و عنیف اسرائیل به تونس است. همه دنیا می‌دانند که شریک اسرائیل در این جنایات، خود آمریکا بوده برای اینکه ما می‌دانیم که هواپیماهای اسرائیل این فاصله طولانی را از اسرائیل پرواز نکرده‌اند. این کمک ناوگانهای آمریکایی است که لیبی هم رسماً اعلام کرده و اهل نظر هم این نظر را داده‌اند". رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، نطق‌های پیش از دستور سال ۱۳۶۴، جلد پنجم، "زیر نظر محسن هاشمی، دفترنشرمعارف‌انقلاب.

۲ ـ در این مصاحبه آقای هاشمی گفت: "عملیات گسترده را که ضربه نهایی خوانده می‌شود، منوط به تحقق شرایط سیاسی منطقه می‌دانیم و در موقع مناسب انجام خواهد شد و زمانی که بدانیم اهداف دفاعی خود را می‌خواهیم تأمین کنیم، دست به این عملیات می‌زنیم". رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، مصاحبه‌های سال ۱۳۶۴، جلد پنجم، دفترنشرمعارف‌انقلاب.



مصاحبه مطبوعاتی

تصمیمات مربوط به خارک و کیفیت برخورد با آمریکایی‌ها با توجه به اعلام اعدام ویلیام باکلی از گروگانهای سازمان جهاد اسلامی در لبنان صحبت کردم. با آقای [میرحسین موسوی] نخست‌وزیر هم در مورد مشورت درباره وزرا با توجه به دستور جدید امام مذاکره نمودم.

برای اقامه نماز جمعه به دانشگاه تهران رفتم و درباره لزوم رفتن داوطلبان برای جنگ - در اصل برای عملیات سرنوشت ساز آینده و در صورت ظاهر به خاطر شرایط خاص منطقه خلیج‌فارس - صحبت کردم[1]. عصر آقای [حسین] مهدیان آمد. درباره مشکلات دفتر نشر [فرهنگ اسلامی] علیه آقای بُرقعی استمداد کرد. قبل از پیروزی انقلاب پاساژ کوچکی در خیابان گرگان نبش کوچه سعدی با شراکت مرحوم اخوان فرشچی ساخته شد که در اختیار آقای اخوان بود و نیمی از آن متعلق به من بود. آقای مهدیان وجه اجاره آن را آورد.

شب اخوی زاده‌ها و بستگان آمدند. محسن هاشمیان از کشف مقادیر زیادی - چهار برابر گذشته - سنگ مس در معدن سرچشمه و خودکفا شدن آن با فروش مس به خارج خبر داد و از وزیر معادن [و فلزات] گله داشت.

شنبه ۱۳ مهر ۱۳۶۴ — ۱۹ محرم ۱۴۰۶ — 5 OCTOBER 1985

در منزل بودم. اطلاع دادند اعضای شورای مصلای تهران به خاطر تصرف یک مسجد در جوار مصلاّ بازداشت شده‌اند. با آقایان [موسوی] اردبیلی [رئیس دیوان عالی کشور] و میرعمادی

---

۱ - در این خطبه‌ها همانند هفته‌های قبل بحث عدالت اجتماعی در اسلام دنبال شد. مباحث این هفته در خصوص آداب و رسوم غیراسلامی در مسأله ازدواج دختران و پسران و نظر قرآن درباره ازدواج بود و با ذکر داستان‌هایی از ازدواج در صدر اسلام به پایان رسید. در خطبه دوم توطئه‌های جهانی در منطقه خلیج‌فارس، جنگ داخلی در طرابلس لبنان و مسأله بمباران مقر ساف در کشور تونس توسط جنگنده‌های ارتش اسرائیل مورد تحلیل و بررسی قرار گرفت. در بخشی از خطبه دوم آمده است: "شرایط جنگ طوری است که ما باید بیش از گذشته آماده باشیم. این شبهه که ممکن است آمریکا و یا کس دیگری دخالت کند، آن هم مثل بستن تنگه هرمز احتمال دارد و این خودش بعید است. تازه وقتی که ما ببندیم دوباره یک بعد دیگری دارد که آنها جرأت کنند وارد میدان شوند و بخواهند مستقیماً با ما طرف شوند ولی بهرحال این امکان وجود دارد و ما نباید فکر کنیم که نمی‌شود. باید بگوییم شاید شد و اگر این احتمال را ندهیم و خدای نخواسته یک روز حادثه‌ای پیش بیاید و ما آماده نباشیم، آن موقع خسارت می‌بینیم و آن موقع تا آماده شویم، طول می‌کشد. لذا من از جوانانی که قدرت حمل سلاح دارند و دوره دیده‌اند و آمادگی دارند و مشکل جدی در کار و زندگی‌شان وجود ندارد، تقاضا می‌کنم که سریعاً خودشان را به مراکز بسیج معرفی کنند و آماده باشند که تنظیم شوند و از مراکز بسیج و سپاه پاسداران و نیروهای نظامی هم تقاضا می‌کنیم که سریعاً اینها را تجهیز و آماده کنند". رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، خطبه‌های جمعه سال ۱۳۶۴، جلد نهم، صفحه ۲۴، دفترنشرمعارف‌انقلاب.

[دادستان عمومی تهران] مکرراً صحبت کردم. دلیل اقدام آنها ادعای غیر واقعی بودن مسجد و اینکه آنجا دکّه‌ای برای سوء استفاده بوده و ملک آن از شهرداری است که قابل وقف نبوده. بالاخره قرار شد شب با سپردن وثیقه آزاد شوند، به جز یک نفر.

ظهر آقای شیخ محمد هاشمیان آمد. در مکه و اسپانیا بوده. عصر احمدآقا آمد و راجع به دستور امام در کیفیت انتخاب وزرا مذاکره کردیم. آقای [محمدی] ری‌شهری [وزیر اطلاعات] آمد و درباره پیدا کردن عاملان پخش اعلامیه‌ای با امضای مجهول «جمعی از نمایندگان مجلس» علیه آیت‌الله خامنه‌ای[1] و همچنین درباره اقدامی به تلافی [حملات هوایی عراق به جزیره خارک] مذاکره شد.

آقای سادات و همسران گروهی از اسرای همراه [محمد جواد] تندگویان وزیر نفت آمدند و برای اقدام در راه نجات اسرا استمداد کردند. گزارش‌ها را آوردند و خواندم. وزارت امور خارجه درباره توصیه‌هایی که ممکن است به آقای قذافی در سفر آینده او به شوروی بشود، مذاکره کرد. دیر وقت خوابیدم. کار عقب مانده خیلی داشتم.

یکشنبه ۱۴ مهر ۱۳۶۴ — ۲۰ محرم ۱۴۰۶ — 6 OCTOBER 1985

بعد از نماز صبح به مجلس رفتم. قبل از جلسه آقایان [عباس] شیبانی و [محمد] کیاوش به دفترم آمدند و درباره مهاجران جنگ و حزب [جمهوری اسلامی] و... تذکراتی دادند. پس از تنفس به دفترم برگشتم. آقای آقازاده آمد و گفت آمریکایی‌ها واسطه [خرید سلاح] را برای مذاکره به آمریکا احضار کرده‌اند و گفته‌اند ما به ملاحظه ایران، در شورای امنیت در خصوص محکومیت اسرائیل به تونس رأی ممتنع دادیم و وتو نکردیم. گفتم بیشتر به خاطر کشورهای عربی بوده و این را نباید به حساب ما بگذارند و امتیاز بخواهند.

ظهر آقای سید زکی که یک روحانی عراقی است و در تایلند تبلیغ می‌کند، آمد. از توجه عمیق مسلمانان تایلند به انقلاب اسلامی ایران و توجه به شیعه گفت و کمک خواست. عصر آقای [محمد]

---

۱ ـ بیش از ۲۰۰ تن از نمایندگان مجلس در نامه‌ای به محضر امام خمینی(ره) ضمن اعلام حمایت از رئیس‌جمهور، آن نامه را که با امضای محفوظ و با نام جمعی از نمایندگان مجلس منتشر شده بود، نمونه‌ای از حرکتهای ضدانقلابی خواندند و آن را محکوم کردند. متن کامل این نامه در ضمیمه این کتاب آمده است.

غرضی [وزیر نفت] آمد و گزارش [اجلاس وزیران] اوپک را داد که عراق در طلب افزایش سهمیه شکست خورده است. مدیران پست آمدند. برای آنها صحبت کردم[1].

دبیران اتحادیه انجمن‌های اسلامی سراسر کشور از وزارت نفت آمدند و از عملکرد آقای غرضی شکایت داشتند. در جلسه شورای مرکزی حزب [جمهوری اسلامی] شرکت نکردم. تا ساعت هشت در دفترم کار کردم.

گروه جدیدی از مردم اطراف قزوین، برای مقابله با گروه دیگری آمدند که چند روز پیش به عنوان شکایت از آقای [قدرت‌الله] علیخانی ـ رئیس کمیته قزوین ـ برای اعتصاب مقابل مجلس آمده بودند. به هر دو پیغام دادم که بروند و من هیأتی برای رسیدگی اعزام می‌کنم. شب به خانه آمدم. امروز هم جزیره خارک بمباران شده. تقریباً هر روز [بمباران] می‌شود ولی آسیب کم است، چون هواپیماهای مهاجم از ارتفاع بالا بمب می‌اندازند.

دوشنبه ۱۵ مهر ۱۳۶۴ — ۲۱ محرم ۱۴۰۶ — 7 OCTOBER 1985

دوشنبه‌ها مجلس جلسه ندارد. تا ساعت سه بعد از ظهر در منزل بودم. گزارش‌ها را خواندم. دو مصاحبه با مجلات "العالم" و "آینده سازان" کردم[2]. همشیره فاطمه و آمیرزا احمد ناهار مهمان ما بودند. عصر به مجلس رفتم. گزارش‌ها را خواندم و سپس برای شرکت در جلسه شورای عالی دفاع به دفتر آقای خامنه‌ای رفتم. موضوع در دستور، بستن تنگه هرمز در صورت قطع نفت ما بود. اکثر حضار مخالف بستن تنگه بودند. قبلاً کمیسیونی در مجلس تشکیل شد که عموماً مخالف بودند. قرار شد کمیسیونی برای بررسی جوانب کار تشکیل گردد. بعد از جلسه با آقای میرحسین موسوی

---

۱ ـ در بخشی از این سخنرانی آمده است: "ما براساس تعلیمات دینی خود هرگز اصلاح ادارات را بر قلع و قمع کارمندان قرار نداده‌ایم و مایل هستیم حتی افرادی که با روحیه زمان طاغوت رشد کرده‌اند، خود را اصلاح نمایند. عملکرد اداره پست، رضایت مردم را جلب کرده و سعی کنید این افتخار همیشه برای شما باقی بماند". رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۴، جلد پنجم، دفترنشرمعارف‌انقلاب.

۲ ـ در این مصاحبه درباره بمباران جزیره خارک توسط عراق، روابط ایران با کشورهای حاشیه خلیج‌فارس، سیاست جمهوری اسلامی در قضیه فلسطین، مواضع اقتصادی جمهوری اسلامی، اختلاف میان مسئولان جمهوری اسلامی، معادلات سیاسی منطقه‌ای و بین‌المللی و بحران جنگ داخلی در لبنان مطالبی مطرح شده است. رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، مصاحبه‌های سال ۱۳۶۴، جلد پنجم، دفترنشرمعارف‌انقلاب.

نخست‌وزیر، درباره ترکیب اعضای کابینه آینده، مقداری بحث شد. شب به خانه آمدم.

سه شنبه ۱۶ مهر ۱۳۶۴ ۲۲ محرم ۱۴۰۶ 8 OCTOBER 1985

اول وقت به مجلس رفتم و در جلسه علنی تا هنگام تنفس ماندم و سپس به دفترم آمدم. کارهای عقب مانده را انجام دادم. عصر هم در دفترم کار کردم. قرار بود به جلسه سه‌شنبه نمایندگان ـ که درباره مسائل صدا و سیما بود ـ بروم، نرفتم. به جلسه شورای عالی انقلاب فرهنگی هم نرفتم.

پیش از ظهر آقای نادی به دفترم آمد و گزارش وضع خارک را داد. امام جمعه مشکان از اطراف کاشان آمد و کمکی برای جبهه آورد و از آقای فخرالدین حجازی گله کرد که در یک سخنرانی در کاشان به ایشان اهانت کرده است. از ساعت یازده تا یک و نیم ظهر در دفتر آقای خامنه‌ای با [سرهنگ] صیاد شیرازی جلسه داشتیم. صیاد درباره عملیات مطالب مفصلی گفت که به نتیجه گیری نرسیدیم و قرار شد جلسه دیگری داشته باشیم.

اول شب اخوی محمد آمد و گزارش جلسه حزب‌الله مجلس را داد. آقای دکتر ولایتی آمد و گزارش سفر به [نیویورک] مقر سازمان ملل را داد و درباره دولت آینده مذاکره کردیم. شب در مجلس ماندم و کارهای جاری را انجام دادم و گزارش‌ها را خواندم.

چهارشنبه ۱۷ مهر ۱۳۶۴ ۲۳ محرم ۱۴۰۶ 9 OCTOBER 1985

بعد از نماز صبح تا ساعت هفت و نیم کار کردم. دکتر روحانی آمد. درباره جنگ و احاله مسئولیت ارتش از طرف امام به آقای خامنه‌ای و راجع به وزارت دفاع و نیروی زمینی و هوایی و عملیات آینده و تشکیل ستاد مشاور فرماندهی و پشتیبانی جنگ مذاکره کردیم. آقای [رحمت‌الله] رحمتی نماینده شهرضا آمد و از نیازهای خارک، بوشهر و اهواز گفت.

اعضای کمیسیون ارشاد آمدند[1] و راجع به پیگیری نامه اهانت آمیزی که به اسم جمعی از

۱ ـ اعضای کمیسیون ارشاد و هنر اسلامی و وسائل ارتباط جمعی عبارت بودند از: آقای زین‌العابدین قربانی (رئیس)، آقای علی ملکوتی، آقای سید ابوالحسن حسینی، آقای عزیز حجتی، خانم مریم بهروزی، آقای علی نظری منفرد، آقای انزابی، آقای کریمی، آقای حسینی، آقای حسینی‌نژاد، آقای موسوی ابرکوه، آقای اسماعیل فدایی، آقای امیرزاده ایرانی.

بسم الله الرحمن الرحیم

من: به عنوان رئیس جمهور در پیشگاه قرآن کریم و در برابر ملت ایران به خداوند قادر متعال
سوگند یاد می‌کنم که پاسدار مذهب رسمی و نظام جمهوری اسلامی و قانون اساسی کشور باشم
و همه استعداد و صلاحیت خویش را در ایفای مسئولیت‌هایی که بر عهده گرفته‌ام بکار گیرم
و خود را وقف خدمت به مردم و اعتلای کشور، ترویج دین و اخلاق، پشتیبانی
از حق و گسترش عدالت سازم و از هرگونه خودکامگی بپرهیزم و از آزادی و حرمت اشخاص
و حقوقی که قانون اساسی برای ملت شناخته است حمایت کنم. در حراست از مرزها و
استقلال سیاسی و اقتصادی و فرهنگی کشور از هیچ اقدامی دریغ نورزم و با استعانت
از خداوند و پیروی از پیامبر اسلام و ائمه اطهار علیهم السلام قدرتی را که ملت به عنوان
امانتی مقدس به من سپرده است همچون امینی پارسا و فداکار نگاهدار باشم و آن را
به منتخب ملت پس از خود بسپارم.

سید علی خامنه‌ای

سوگند نامه رئیس جمهور

نمایندگان منتشر شده صحبت کردند. آنها مخصوصاً از خبرگزاری جمهوری اسلامی [ایرنا] که آن را در بولتن [ویژه محرمانه] درج کرده گله داشتند. آقای غرضی [وزیر نفت] گروهی را که چاه مشتعل خلیج‌فارس را بسته‌اند، آورد و گزارش دادند. از آنها تقدیر کردم.

جمعی از همافران و کارکنان حزب‌اللهی رادارها آمدند و از فرمانده نیروی هوایی شاکی بودند و مدعیند حزب‌الله را منزوی کرده‌اند. جمعی از نمایندگان مراجعه و برای حفظ موقعیت آیت‌الله خامنه‌ای که در جریانات اخیر مخدوش شده و دشمنان می‌خواهند ایشان را در مقابل امام معرفی کنند، استمداد کردند.

آقای [محمد] فروزنده مسئول مهندسی رزمی جبهه‌ها آمد و گزارش کار در جزیره خارک و جبهه‌ها را داد و درباره خرید ماشین سنگین برای جبهه مذاکره شد. عصر هیأت رئیسه مجلس جلسه داشت. اول شب شورای عالی دفاع جلسه داشت. تصمیم گرفتیم مواضع به دست آمده در خاک عراق را در شمال سیدکان، با مشکلاتی که در زمستان دارد، حفظ کنیم و قرار شد اسرای بیشتری را آزاد کنیم. جلسه سران قوا در دفتر آقای رئیس‌جمهور، به خاطر عدم توافق آقایان خامنه‌ای و موسوی نخست‌وزیر، خیلی کم رونق بود. دیر وقت به خانه آمدم.

پنجشنبه ۱۸ مهر ۱۳۶۴ — ۲۴ محرم ۱۴۰۶ — 10 OCTOBER 1985

صبح زود به مجلس رفتم. عفت و خانواده امام هم، برای شرکت در مراسم تحلیف رئیس‌جمهور به مجلس آمدند. به انتظامات گفتم خانواده امام را تفتیش نکنند. معمولاً هنگام ورود غیر از افراد استثنا شده را به خاطر مسائل امنیتی تفتیش می‌کنند. جلسه خوبی شد و منظم برگزار گردید[1]. من و آقای [موسوی] اردبیلی و آقای خامنه‌ای صحبت کردیم. من به خاطر اقداماتی که

---

۱ - رادیو بی‌بی‌سی دربارهٔ مراسم تحلیف آیت‌الله خامنه‌ای چنین گفت: رئیس‌جمهور ایران امروز در مجلس سوگند وفاداری یاد کرده است. رئیس مجلس اسلامی علی اکبر هاشمی رفسنجانی او را ستود و گفت که او بعد از آیت‌الله خمینی، مهمترین شخصیت جمهوری اسلامی است. مراسم ادای سوگند آغاز دوره دوم ریاست جمهوری سید علی خامنه‌ای، صبح امروز در مجلس شورا انجام گرفت. این مراسم در خضور اعضای شورای نگهبان، نمایندگان مجلس، هیأت وزیران، اعضای شورای عالی قضایی و بازماندگان شهدا، که به‌عنوان مدعوین ویژه حضور یافته بودند، انجام گرفت و طی آن رئیس‌جمهور در مقابل آیت‌الله موسوی اردبیلی رئیس دیوان عالی کشور و در برابر قرآن‌کریم سوگند یاد کردند. پیش از این مراسم، رئیس مجلس به حدی بی سابقه آقای

(ادامه پاورقی در صفحه بعد)

هفته‌های اخیر در تضعیف آقای خامنه‌ای شده از ایشان تمجید و تجلیل زیاد کردم[1]. در تنفس از

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)
خامنه‌ای را مورد ستایش قرار داد و احتمالاً بدین‌وسیله خواست که به کلیه شایعات مربوط به اختلافات خود با رئیس‌جمهور پایان دهد. آقای هاشمی رفسنجانی گفت: سابقه دوستی و همکاری بیست و پنج ساله‌اش با سید علی خامنه‌ای وی را بهتر از هر کس دیگر در موقعیت اظهارنظر درباره او قرار می‌دهد. رئیس مجلس شورای اسلامی سپس گفت: ذکر ویژگیهای سید علی خامنه‌ای در دوران حیات او مقدور نیست و پس از شهادت اوست که ارج و منزلتش عیان خواهد شد. هاشمی رفسنجانی در پایان قدردانیهای مکرر خود از آقای خامنه‌ای گفت ریاست جمهوری او مایه مباهات ملت ایران است. پس از پایان مراسم ادای سوگند مجلس نیم ساعت تنفس اعلام کرد و انتظار می‌رفت پس از تشکیل مجدد جلسه نخست‌وزیر تازه براساس اصل ۱۲۴ قانون اساسی به مجلس معرفی گردد ولی تنفس مجلس یک ساعت و نیم به درازا کشید و پس از آن تشکیل جلسه اعلام شد. معرفی نخست‌وزیر تازه به روز یکشنبه موکول شده است. بعداً گزارش شد رئیس‌جمهور در نامه‌ای برای رئیس مجلس کتباً آقای میرحسین موسوی نخست‌وزیر را برای یک دوره دیگر صدارت نامزد کرده است. آقای موسوی دیشب آخرین جلسه کابینه خود را تشکیل داد و بعد، از کلیه وزرا خداحافظی کرد. هنوز معلوم نیست از کدامیک از وزیران فعلی برای شرکت در کابینه آینده دعوت خواهد شد.

۱ ـ در این سخنرانی آمده است: "من فکر می‌کنم بهترین کسی که می‌تواند امروز در مورد جناب آقای خامنه‌ای حرف بزند من هستم، نه مناسب‌تر ولی جزو مناسب‌ترین افرادی که ایشان را می‌شناسند. بیش از ۲۵ سال است که بنده افتخار آشنایی با ایشان را دارم و خدا می‌داند که در تمام این ۲۵ سال هیچ روزی بر من نگذشته است که ارادتم نسبت به‌ایشان از روز قبل کمتر باشد. همیشه مراحل شناسایی و آشنایی‌ام هر قدر بیشتر می‌شود، ارادتم و مراتب اخلاصم را نسبت به ایشان در وجودم بیشتر احساس می‌کنم؛ به خاطر اینکه می‌بینم در وجود ایشان جز از حق خواهی و حقیقت چیزی نیست و این افتخاری که خداوند به این ملت داده که ریاست جمهوری از سلاله پیغمبر، مجتهد، عابد، کاردان، مبارز و فداکار و بدون کوچکترین سابقه سوء در تمام دوران زندگی داشته باشد. اگر ما توجه بکنیم چنین افتخاری نصیب هیچ کشوری نشده است یا لااقل ما نمی‌دانیم. ما امروز در پشت کره زمین، رئیس‌جمهوری با مشخصات رئیس‌جمهور خودمان که ملتمان انتخاب کردند، سراغ نداریم. من در دوران مبارزات، شخصاً به چند نفر ارادت زیادی داشتم و بارانداز روحی من آنها بودند که بعضیهایشان در حال حاضر نیستند، نام می‌برم شهید بهشتی، شهید باهنر و بعضی دوستان دیگر. در میان همه آنها جناب آقای خامنه‌ای برای من و برای کسانی که با هم کار می‌کردیم از محبوب‌ترین و جدی‌ترین افراد در صحنه بودند و وقتی که ایشان در زندان و یا در تبعید بودند و بین ما نبودند، همه ما احساس خلا می‌کردیم. یعنی عدم حضور ایشان برای ما واقعاً خلا جدی در کار مبارزه ایجاد می‌کرد.

از لحاظ اطاعت از امام، خوب همه ما ارادت داشتیم ولی آقای خامنه‌ای در میان ما از این جهت هم یک ویژگی‌هایی داشت. ما در شخص امام امت که مرجع همه ما بود و ماها در سایه افاضات ایشان روحیه داشتیم و کار می‌کردیم و شخص حضرت آیت‌الله العظمی منتظری که استاد همه ما بود و هنوز مثل گذشته ایشان مراد ما هستند، بنده در دنیا، در محیط کار خودم، در حوزهٔ علمیه و در کل نظام مبارزه‌مان، بدون اغراق عرض می‌کنم به هیچ کسی به‌اندازه آقای خامنه‌ای ارادت و اعتماد نداشتم و این برداشت شخص من است که همان طور مانده و ان‌شاءالله تا ابد هم خواهد ماند... سمبل جریان حمایت از مستضعف در بین ما آقای خامنه‌ای بود و توجه خاص ایشان به مسایل طبقه جوان و مبارزات جوانان بخصوص در میان ما ایشان ویژگی خاصی داشت و روی این مسأله بیشتر از همه ما تأکید می‌کردند. ما یک مدتی هر دومان فراری بودیم و از قم به تهران آمده بودیم و در یک خانه دو طبقه زندگی می‌کردیم، من زندگی داخلی ایشان را هم با همسایگی که داشتیم و با فقری که بر زندگی ایشان حاکم بود می‌دیدم و امروز هم که ایشان رئیس‌جمهور هستند و بعد از امام شخص اول مملکت هستند، من می‌بینم نه روحیه تفاوت دارد و نه زندگی و خداوند چنین نعمتی را به انسانهای معدودی در تاریخ بشریت می‌دهد. بسیاری از همدرسان و دوستان ایشان که امروز

(ادامه پاورقی در صفحه بعد)

مهمانها پذیرایی کردیم.

بعد از تنفس به دفترم آمدم. آیت‌الله خامنه‌ای با سرهنگ صیاد [شیرازی] آمدند و راجع به جنگ و ارتش و همکاری سپاه و ارتش مذاکره کردیم و تکلیف فرماندهی میدان جنگ تعیین شد. ظهر جمعی از استانداران آمدند و از من برای ابقای آقای ناطق [نوری] در سمت وزارت کشور کمک خواستند.

آقای [میراکبر غفاری] قره‌باغ نماینده سابق ارومیه هم آمد و از امام جمعه ارومیه و استاندار [آذربایجان غربی] شاکی بود. عفت و دوستانش ناهار مهمان مجلس بودند. عصر گروهی از مردم بشاگرد [از توابع] بندرعباس آمدند و از نیازهای آنجا گفتند که وعده کمک دادم[1]. جلسه هیأت رئیسه [مجلس] خبرگان داشتیم. برنامه اجلاسیه بعد را تعیین کردیم و قرار شد کمیسیون، گزارشی در تایید رهبری آقای منتظری تهیه کنند. شب به خانه آمدم.

جمعه ۱۹ مهر ۱۳۶۴ — ۲۵ محرم ۱۴۰۶ — 11 OCTOBER 1985

بعد از نماز صبح تا ساعت ده و نیم مطالعه کردم و برای اقامه نماز جمعه به دانشگاه تهران رفتم.

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

همه شان به حق لقب آیت‌الله دارند، آقای خامنه‌ای در زمان تحصیل و امروز می‌دانیم که سطح سوادشان از آنها یا بالاتر بوده و یا مساوی بوده، خاضعانه حاضر نیستند حتی در مسایل علمی از اینگونه القاب استفاده کنند". رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۴، جلد پنجم، دفترنشرمعارف‌انقلاب.

۱ ـ آقای هاشمی نامه درخواست نماینده میناب را خدمت امام خمینی (ره) ارسال کرد و امام نیز با آن موافقت کردند. متن نامه به این شرح است: ریاست محترم مجلس شورای اسلامی، جناب آقای هاشمی رفسنجانی، پس از سلام، همان طوری که حضوراً عرض شد مردم محروم بشاگرد و حومه در محرومیت بخصوص از جهت راه و جاده در مضیقه‌اند. در این مسافرت اخیر که با بعضی از برادران کویتی به‌آنجا رفتیم وضع را خیلی اسف‌انگیز دیدیم که به جهاد سازندگی تذکر دادیم. گفتند اگر بولدوزر و گریدر داشتیم تمام مشکلات در اسرع وقت حل می‌گردید. و یکی از همراهان اینجانب به‌نام حاج عباس بن نخی اظهار داشتند اگر امام اجازه فرمایند آماده هستیم از سهم امام یک دستگاه بولدوزر و گریدر بخریم. خواهشمند است اجازه را شما از امام بگیرید تا این دو دستگاه ماشین را بخریم. توضیح اینکه جهاد هیچ‌گونه امکانی برای خرید ماشینهای مذکور ندارد. ۶۴/۷/۲ - نماینده میناب - ذوالقدر

پاسخ آقای هاشمی: حاج احمدآقا، با توجه به فقر و محرومیت منطقه اگر امام موافقت بفرمایند خیلی خوب است. ۶۴/۷/۷ - اکبر هاشمی رفسنجانی

پاسخ حضرت امام (ره): بسمه‌تعالی - در صورتی که از طریق دیگر میسر نباشد مجازند. ان شاءالله موفق باشند. روح الله‌الموسوی‌الخمینی



رئیس جمهور

۱/۵۳۷۶

۱۳۶۴/۷/۱۸

" بسمه تعالی "

جناب آقای هاشمی رفسنجانی

رئیس محترم مجلس شورای اسلامی

آقای میرحسین موسوی را به عنوان نخست وزیر به مجلس محترم شورای اسلامی معرفی میکنم .

سیدعلی خامنه‌ای

رئیس جمهور

معرفی نخست وزیر به مجلس شورای اسلامی برای اخذ رای اعتماد

خطبه‌ها خیلی طولانی شد و خسته شدم. ازدواج و حل مشکل جوانان را مورد بحث قرار دادم و مسأله ازدواج موقت را به عنوان راه حل مشکل مطرح کردم[1]. چون مسأله مهم و جدی است، حتماً در جامعه مورد بحث و مجادله واقع می‌شود و اگر تعقیب شود، ممکن است به اقدام مفیدی منجر شود.

شنبه ۲۰ مهر ۱۳۶۴ ۲۶ محرم ۱۴۰۶ 12 OCTOBER 1985

اول وقت [اعضای] شورای مصلای بزرگ تهران آمدند و گزارشی از وضع مصلا دادند و راجع به مسأله اشغال محل نماز مسجد ولی عصر که منجر به بازداشت و تعقیب آنها شده بود، استمداد کردند. شهرداری آنجا را به مصلا داده و آنها حاضر نیستند تحویل مصلا دهند.

آقای [محمدرضا] توسلی [مسئول دفتر امام] از اظهارات روز پنجشنبه آقای خامنه‌ای در مراسم تحلیف گله داشت که به نحوی اعلان تحمیل دولت بود. حاج احمدآقا آمد و گفت امام از اظهارات پریروز آقای خامنه‌ای ناراحت شده‌اند و معلول شیطنت اطرافیان ایشان می‌دانند و می‌خواهند به ایشان در این خصوص پیغام بدهند[2]. راجع به اعضای دولت آینده بحث شد و ترجیح

---

۱ ـ در خطبه اول مسأله ازدواج و استقلال زن در انتخاب همسر، ازدواج در اسلام و مسایل مربوط به آن، وجود ریشه‌های فرهنگ غربی در امر نکاح، ضرورت شکستن سنتهای غلط در امر ازدواج، عوارض سرکوب نیازهای طبیعی در وجود انسان و ازدواج موقت و لزوم تصویب قانون دربارهٔ آن مطرح شد. در خطبه دوم نیز دربارهٔ مانور نیروی دریایی ارتش در خلیج‌فارس، تجلیل از ارتش، مراسم تحلیف رئیس‌جمهور، مسأله فلسطین و مسایل منطقه‌ای و بین‌المللی تحلیل‌هایی ارائه گردید. در بخشی از خطبه اول آمده است: مسأله ازدواج در جامعه ما و هم جوامعی که مایل به رعایت عفت می‌باشند یک مساله زیربنایی است که اگر حل نشود ما را با مشکل مواجه خواهد کرد. "در مکتب شیعه این مسأله حل شده است. دو جور ازدواج داریم: ازدواج موقت و ازدواج دایم. مراحلی هست که شاید نشود ازدواج دایم کرد. کسی که هنوز سربازی را نرفته، خیلی هم منطقی نیست الان زن بگیرد". رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، خطبه‌های جمعه سال ۱۳۶۴، جلد نهم، صفحه ۵۶، دفترنشرمعارف‌انقلاب.

۲ ـ آقای خامنه‌ای در سخنرانی مراسم تحلیف گفتند: "مرکز و سرچشمه مسئولیت‌های اجرایی در جمهوری اسلامی ریاست جمهوری است و از آن مرکز به مسئولین دیگر و به منابع قدرت دیگر، این مسئولیت‌ها منتقل می‌شود. قدرتی که در سوگندنامه از آن یاد شده و رئیس‌جمهور سوگند یاد می‌کند که آن قدرت را پاسدار و نگاهبان باشد و به مسئول بعد از خودش آن را تحویل بدهد، مجموعه این قدرتی است که در کل نظام اجرایی جمهوری اسلامی است. این سوگند، شرعی است و یک سوگند جدی است و صرف تشریفات نیست. خود قانون اساسی ابزارهای لازم برای عمل به این سوگند را مشخص کرده که اگر آن ابزارها باشند، عمل به این سوگند امکان‌پذیر است و الانه، و مهمترین آن ابزارها آن چیزی است که در اصل ۱۲۴ [در خصوص انتخاب نخست‌وزیر توسط رئیس‌جمهور] و اصل ۱۳۳ [درخصوص معرفی وزرا، به رئیس‌جمهور جهت تصویب] ذکر شده است. در صورتی

(ادامه پاورقی در صفحه بعد)

دادیم آقای منتظری هم به نحوی در شورای حکمیت [در انتخاب وزراء] باشند و امام هم موافقت فرمودند.

یکشنبه ۲۱ مهر ۱۳۶۴ ۲۷ محرم ۱۴۰۶ 13 OCTOBER 1985

به مجلس رفتم. قبل از رسمی شدن مجلس به نمایندگان تذکر داده شد که با قلت آرای موافق نخست‌وزیر، باعث رنجش امام از مجلس و خوشحالی دشمنان از عدم نفوذ امام نشوند. آقـای منتظری هم خواسته‌اند که تعداد آرای موافق به خاطر امام کم نباشد. مخالفان آقای [میرحسین] موسوی از این تذکر رنجیدند و آقایان محمد خامنه‌ای و [مرتضی]فهیم و [حسین]موسویانی و... اعتراض کردند.

اولین دستورمان رأی‌گیری برای دولت بود. شرکت نمایندگان در جلسه کم سابقه بود. ۲۶۱ نفر از مجموع ۲۶۷ نفر نماینده آمده بودند. ۱۶۲ موافق، ۷۳ مخالف و ۲۶ نفر ممتنع بودند. ۹۹ رأی مخالف و ممتنع که [علیرغم تذکر قبلی] برخلاف نظریه امام بود، باعث ناراحتی شدید اکثریت نماینده‌ها شد و وسیله‌ای برای بد نام شدن و ضد ولایت فقیه معرفی شدن جریان محافظه کـار گردید. بعضی این را از اشتباهات بزرگ سیاسی آنها می‌خوانند. نقطه مثبت آنها تعبّد آنها بود که با این رأی از دستشان ممکن است گرفته شد و خود آنها این را وظیفه شناسی نمایندگی می‌دانند و فکر می‌کنند امام هم راضی نیستند نماینده برخلاف نظرش رأی بدهد.

عصر آقای [فضل‌الله] محلاتی آمد. درباره جنگ و سپاه و ارتش صحبت کرد و از اینکه این خط، انگ مخالفت با امام خورده سخت ناراحت بود؛ می‌گفت اکثریت اعضای سپاه سـخت عصبانی‌اند و ممکن است حاضر به محافظت از آنها نباشند. از جاهای دیگر هم خبر می‌رسد که

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

که رئیس‌جمهور این ابزارها را در اختیار داشته باشد، خواهد توانست به این سوگند عمل کند و اگر نه این سوگند حکم فقهی‌اش روشن است. در حالی که سوگند با قصد انشاء و با جدیت اجرا شود و صادر می‌شود. من از خدای بزرگ، عزیز و قادر مسئلت می‌کنم که این ایده همیشگی من بوده و هست و خواهد بود که به من کمک کند تا بتوانم این بار سنگین را با کمک همان عناصری که قانون اساسی برای کمک به رئیس‌جمهور پیش بینی کرده که مهمترین آن همان دو اصلی است که گفتم، بردارم. من یک طلبه کوچک و یکی از شاگردان در میان صدها شاگرد امام عزیز و بزرگوارم و هیچ ادعایی ندارم، اما با این ابزارها می‌توانم و این قدرت را دارم که این مسئولیت را انجام دهم".



نخست وزیر در مجلس شورای اسلامی

نهادهای انقلاب درصدد اظهار انزجارند؛ وضع نمایندگان هم هیجانی است.

رئیس ستاد [مشترک] ارتش آمد. نظراتی درباره جنگ داد و از اظهارات من در نماز جمعه تشکر کرد[1]. آقای احمد عطاری سفیر جدیدمان در استرالیا آمد و مذاکره کردیم. شب در مجلس ماندم.

دوشنبه ۲۲ مهر ۱۳۶۴ ۲۸ محرم ۱۴۰۶ 14 OCTOBER 1985

بعد از نماز تا ساعت هشت صبح کار کردم. نخست‌وزیر آمد و راجع به وزرای کابینه آینده مشاوره کردیم. حدس می‌زنم بیشتر افراد پیشنهادی ایشان را آقای خامنه‌ای رد نمایند و به داوری هیأت حَکَم برسد. [ناخدا ملک‌زاده] فرمانده نیروی دریایی آمد و گزارش مانور دریایی را داد. درباره حفاظت از شمال خلیج‌فارس برای همکاری در عملیات آینده تأکید کرد.

آقای [رضا]امراللهی [رئیس سازمان انرژی اتمی] آمد و پیشرفت کار ساخت سانتریفیوژها را برای غنی سازی اورانیوم توضیح داد. آقای غرضی آمد و از اینکه آقای [میرحسین] موسوی مایل نیست ایشان را در سمت وزارت نفت نگه دارد گله داشت.

آقایان بهزاد نبوی، [حسن] فیروز آبادی و [غلامرضا] فروزش آمدند و درباره وارد کردن ماشین آلات سنگین برای جبهه‌ها از من نظر خواهی کردند. صنایع سنگین، لیبهر تولید می‌کند اما آنها کوماتسو را ترجیح می دهند. قرار شد به اندازه ضرورت وارد کنند.

---

۱ - رادیو بی بی سی در این باره گفت: "در تهران دیروز رئیس مجلس شورای اسلامی و نماینده آیت‌الله خمینی در شورای عالی دفاع از ارتش کشور به نحو بی‌سابقه‌ای ستایش کرده و آن را وفادارترین و فداکارترین ارتشها خوانده که می‌تواند در آینده هم مورد اعتماد قرار گیرد. هاشمی رفسنجانی از نیروهای هوایی و زمینی نام برد و گفت نیروی زمینی ایران نیرومندترین نیروی زمینی در منطقه خاورمیانه است و بخش هوانیروز آن با یک هزار هلی‌کوپتر احتمالاً از نظر عظمت سومین یگان نوع خود در جهان است. ناظران عقیده دارند که هدف از اظهارنظر هاشمی رفسنجانی تقویت روحیه فرماندهان ارتش است که در این اواخر به علت فرار عده‌ای از افسران ضعیف بوده است. هاشمی رفسنجانی به‌وضوح به‌این موضوع اشاره کرد و گفت فرار چند درجه‌دار نباید به عدم وفاداری ارتش تعبیر شود زیرا نسبت فراریان در نفرات ارتش ناچیز است. این فقط افراد ارتش نیستند که از خدمت می‌گریزند بلکه این کار از استادان دانشگاه هم سر می‌زند. هاشمی رفسنجانی موکداً گفت که اعتماد به ارتش روز بروز تقویت می‌شود و خود وی در مقام نمایندگی آیت‌الله خمینی در شورای عالی دفاع در جریان بوده است مبنی بر آنکه دستور آیت‌الله خمینی دایر بر ایجاد سه نیروی مستقل بوسیله سپاه پاسداران انقلاب بعضی از افراد ارتش را ناخرسند و به این اندیشه واداشته است که شاید سپاه پاسداران به تدریج جای ارتش را بگیرد، ولی اظهارات دیروز هاشمی رفسنجانی ناقض این شایعات بود".

عصر در جلسه شورای مرکزی جامعه روحانیت مبارز شرکت کردم. بیشتر بحث در مورد اشتباه مخالفان آقای میرحسین موسوی بود که برخلاف نظر امام عمل کردند و در مجلس رأی مخالف دادند و این باعث تضعیف جریان خودشان و تقویت رقبای آنها می‌شود. شب به منزل آمدم.

احمدآقا آمد و گفت امام آماده‌اند برای ختم غائله‌ای که در اثر مخالفت ۹۹ نماینده مجلس با نظر امام در خصوص نخست‌وزیر ایجاد شده، با نمایندگان ملاقات نمایند. قرار شد روز چهارشنبه به ملاقات برویم و مطالبی که امام به آقای خامنه‌ای درباره عدم مخالفت با دولت و طرد افراد ناباب گفته‌اند، نقل کرد و گفت آقای رئیس‌جمهور پذیرفته‌اند. درباره وزرای پیشنهادی آقای میرحسین موسوی هم مذاکره کردیم.

سه شنبه ۲۳ مهر ۱۳۶۴ — ۲۹ محرم ۱۴۰۶ — 15 OCTOBER 1985

بعد از نماز همراه [پسرم] یاسر و [برادر زاده‌ام] ناصر به مجلس رفتیم. آنها برای دوره طرح کاد به صحافی مجلس می‌آیند. در دفترم کارهای عقب مانده را انجام دادم. قبل از جلسه رسمی به نمایندگان اطلاع دادم که فردا به ملاقات امام می‌رویم؛ خوشحال شدند. بعداز تنفس به دفترم آمدم. مراجعات نمایندگان بیشتر در مورد وزرای کابینه آینده است. دندانپزشک برای قالب‌گیری یک دندانم برای گذاشتن روپوش آمد.

ظهر کارمندان مجلس مراجعه داشتند. آقای رنجبر نماینده صومعه سرا در خصوص علت اختلاف با مسئولان اجرایی توضیح داد. عصر بعد از انجام کارهای اداری به شورای عالی انقلاب فرهنگی رفتم. در این جلسه آئین نامه دانشگاه‌های غیر دولتی تصویب شد. شب به منزل آمدم.

چهارشنبه ۲۴ مهر ۱۳۶۴ — ۱ صفر ۱۴۰۶ — 16 OCTOBER 1985

تا ساعت هشت و نیم صبح در منزل کار کردم. برای ملاقات امام به منزل امام رفتم و همراه امام به حسینیه جماران رفتیم. قبل از سخنان امام، من چند جمله‌ای حرف زدم. نمایندگان و

خانواده‌هایشان و عده‌ای از پاسداران بودند. امام هم صحبت فرمودند[۱]. برای اولین بار این ملاقات به خواست امام انجام گرفت. امام در مورد عدم تعرض به نمایندگان مخالف دولت اشاراتی داشتند. ولی بیشتر مطالبشان متوجه آینده بود و به شدّت از کار شکنی در کار دولت، برحذر داشتند و خواستار همکاری برای تسریع در تشکیل کابینه جدید شدند.

بعد از ملاقات در دفتر امام با آقایان محتشمی، فومنی،... ملاقات کردم و درباره مسائل سوریه، امارات و خلیج‌فارس مذاکره کردیم. ظهر در منزل ماندم. آقای [پرویز] افسری، پاسداری که ۳۲ ماه به اتهام قصد ترور بنی‌صدر در فرانسه زندانی بوده همراه محسن صانعی آمد و گزارشی از بازجویی‌ها و وضع زندانهای فرانسه و شکنجه و آزار و رذالت‌های فرانسوی‌ها داد[۲]. گفتم مطالبش را به رسانه‌های جمعی بدهد.

آقای [حسین] هاشمیان نماینده رفسنجان آمد و گزارشی از وضع جزیره خارک داد. چند نفر از همسران نماینده به دیدن عفت آمدند. عصر عفت به خانه خانم نقاش ـ آواره عراقی که صدام خانواده‌اش را منهدم کرده ـ رفت.

عصر برای افتتاح [اولین] نمایشگاه بین‌المللی کتاب[های فنی و مهندسی] رفتم. دفتر نشر دانشگاهی با عرضه ۵۲۰۰ عنوان جدید کتب علمی [از ۷۵ ناشر] خارجی اقدام کرده است.

جلسه هیأت رئیسه مجلس داشتیم و سپس به جلسه سران قوا در منزل آقای موسوی اردبیلی

---

۱ ـ امام فرمودند: "من قبلاً از آقایانی که زحمت دادم معذرت می‌خواهم، لکن بعض مسائل هست که موجب شد من به خدمت آقایان برسم و آن چیزی که تکلیفم هست، عرض کنم. اولاً که هیچ نگرانی‌ای در این مسائل نیست و من تأیید می‌کنم مجلس را و همیشه سفارش می‌کنم به ملت که مجلس را باید تأیید کنند. و مجلس از ارگانهایی است که لازم است بر همهٔ ما که او را تأیید کنیم. و هیچ‌کس حق ندارد که راجع به مجلس جسارتی بکند، و مجلس حقش است که موافق و مخالف داشته باشد و ممتنع، و یک مسأله‌ای است که همیشه باید در مجلس باشد و این امری است که گذشت و در او هیچ صحبتی نیست. آن چیزی که موجب زحمت آقایان است، این است که ما راجع به آتیه صحبت کنیم، گذشته گذشته است. الان یک واقعیتی است و آن اینکه مجلس رأی اعتماد داده است به نخست‌وزیر. این یک واقعیتی است که در قبال همهٔ ما واقع شدَه است، و این سه وضعی که در مجلس آمده است که رأی ممتنع و رأی مخالف و رأی موافق، اینها همه برای این بوده است که تشخیص دادند این مطلب را، در آن هم صحبتی نیست. صحبت این است که آیا از این به بعد مخالف می‌خواهد کارشکنی بکند برای دولت، به ترتیب غربی‌اش می‌خواهد عمل کند"؟ رجوع کنید ← "کتاب صحیفه امام، جلد نوزدهم، صفحه ۳۹۷، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره).

۲ ـ آقای پرویز افسری به حکم یک دادگاه فرانسوی به اتهام شرکت در عملیات تروریستی به ۳۲ ماه زندان محکوم شده و پس از گذراندن دوران محکومیت به ایران بازگشته بود. او در این دیدار گزارشی از شکنجه‌هایی که در دوره بازجویی در بازداشتگاه فرانسه و رفتار نامناسب زندانبانان فرانسوی و کار اجباری برای پرداخت جریمه ارائه داد. آقای هاشمی نیز روحیه قوی و مقاومت وی را تحسین کرد.

رفتم. در جلسه خبر پیغام آمریکایی‌ها مبنی بر ارسال لوازم موشک هاگ و هواپیماها و موشک‌ها و... به شرط آزادی تدریجی گروگانهای آمریکایی در لبنان مطرح گردید و قرار شد گفته شود که قدم اول را آنها بردارند، سپس ما وارد مذاکره می‌شویم. اگر توانستیم مسلمانهای لبنان را وادار به آزادی یکی از آنها کنیم، هواپیمای دوم حامل لوازم به زمین بنشیند و هکذا. در مورد اسرای عراق هم بحث و قرار شد که به تدریج معلول‌ها و آنها که به عراق باز نمی‌گردند، آزاد شوند. دیر وقت به منزل آمدم.

پنجشنبه ۲۵ مهر ۱۳۶۴ — ۲ صفر ۱۴۰۶ — 17 OCTOBER 1985

ساعت هفت صبح به مجلس رسیدم. در گزارش‌ها خبر مهمی نداشتیم. قبل از دستور درباره صحبتهای دیروز امام صحبت کردم[1] و در نطقهای پیش از دستور آقای [مرتضی]رضوی نماینده تبریز به جریان محافظه کار و نظرات فقهی آنها حمله کرد. جلسه کمی متشنج شد ولی به خیر گذشت. تعبیر او تند و زننده بود.

ساعت نه و نیم به دفترم آمدم. آقای [محسن] رهامی آمد. نظرات نمایندگان طرفدار آقای میرحسین موسوی را در مورد اعضای کابینه جدید آورد. آقای [محسن] کنگرلو آمد و گفت آقای شفیعی راکه در جریان تعقیب باند رشوه همکاری نموده بود، دادستانی کمیته امور صنفی بازداشت کرده است. آقای [موسوی] اردبیلی در قم بودند. آقای [موسوی] خوئینی‌ها [دادستان کل کشور] را در جریان گذاشتم. اما نتوانست آزادش نماید.

ظهر آقای سید مرتضی برقعی قمی واعظ معروف قدیم قم آمد. منزوی و فقیر شده است. پسرش را هم در آموزش وپرورش تنزّل رتبه داده‌اند. دلجویی و کمک کردم و برای رفع مشکل،

---

۱ ـ در این نطق آمده است: "متشکریم از امام امت و رهبر بزرگوار و عظیم‌الشأن و هوشیار و بیدارمان که در مواقع لازم، با تشخیص عمیقی که دارند، راهنمایی‌های لازم را برای مسئولان کشور و مردم ارائه می‌فرمایند. یکی از اقدامات بسیار مفید ایشان همین ملاقاتی بود که دیروز با نمایندگان مجلس، با امر خودشان، صورت گرفت و در یک مقطعی که ما نیاز داریم به نصیحت، ایشان نصایحی را فرمودند که وظیفهٔ ماست روی این نصایح درنگ کنیم و همه دوستان در مجلس وکسانی که خارج از مجلس به نحوی زبان دارند و با مردم حرف می‌زنند، اگر بنا دارند که در خط امام حرکت کنند و واقعاً به دور از هواهای نفسانی و سوء استفاده از اظهارات امام می‌خواهند نظرات امام را تأمین بفرمایند، بین خودشان و خداوند، وجدان خودشان را قاضی کنند و درست عمل کنند. رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، نطق‌های پیش از دستور سال ۱۳۶۴، جلد پنجم، دفترنشرمعارف‌انقلاب.



سخنرانی در سمینار اسلام و مستضعفان در قم

قول مساعدت به ایشان دادم.

جمعی از پاسداران استان زنجان آمدند و من برای آنها صحبت کردم. عصر مسئولان انجمن‌های اولیاء و مربیان مدارس آمدند. گزارشی دادند و من برایشان صحبت کردم[1]. گروهی از واحد دانش آموزان حزب [جمهوری اسلامی] آمدند. سئوالاتی درباره حزب و مسائل جاری مجلس و حزب و دولت داشتند. بیشتر متمایل به جناح محافظه‌کار به نظر می‌آیند. آقای سید محمد باقر حکیم آمد. از ضعف کمیته پشتیبانی عراق و ضعف مجلس اعلا و بدی تدارک گله داشتند و پیشنهادی درباره اصلاح و تقویت دادند؛ قرار شد تعقیب نمایم. تا ساعت هشت شب کارها را انجام دادم و سپس به منزل آمدم.

جمعه ۲۶ مهر ۱۳۶۴ — ۳ صفر ۱۴۰۶ — 18 OCTOBER 1985

ساعت نه صبح تا دوازده ظهر در دفتر امام با احمدآقا و آقایان [موسوی] اردبیلی و [میرحسین موسوی] نخست‌وزیر برای مشورت در خصوص اعضای کابینه و تسهیل امر حکمیت مذاکره نمودیم. نظرات نخست‌وزیر را تا حدودی با نظرات آیت‌الله خامنه‌ای نزدیک کردیم و در مورد وزارت بهداشت و درمان و وزارت معادن و فلزات قرار شد [افراد مورد نظر را] فردا به رئیس‌جمهور معرفی نماید. ظهر عفت منزل نبود، با مهدی و یاسر غذاهای مانده دیشب را خوردیم؛ بد هم نبود.

عصر آقای خامنه‌ای تلفنی گفتند آقای رجایی خراسانی [نماینده دائم ایران در سازمان ملل] از نیویورک خبر داده که رئیس‌جمهور گامبیا و رئیس کمیته صلح سازمان کشورهای اسلامی از آخرین شرایط ما برای آتش‌بس جویا شده و منتظر جواب هستند. توسط احمدآقا از امام پرسیدیم. امام فرمودند اگر براساس قبول متجاوز بودن عراق، دادگاهی برای کیفر صدام تشکیل شود، به اضافه [جبران] خسارات و عودت مهاجران، می‌پذیریم. در گزارش‌ها مطلب مهمی نداشتیم.

---

۱ ـ در این دیدار که اعضای شورای عالی انجمن اولیا و مربیان و کارشناسان و مسئولان این انجمن به همراه عده‌ای از مسئولان وزارت آموزش و پرورش حضور داشتند، آقای هاشمی گفت: "یکی از کارهای زیربنایی که وظیفه نسل موجود و مسئولان و مربیان را از هر جهت تشکیل می‌دهد، این است که نوباوگان، جوانان و نوجوانان این مملکت مورد توجه ویژه قرار گیرند تا به سوی صراط مستقیم هدایت شده و روزنه‌های انحراف در مقابل آنان حتی‌الامکان بسته شود". رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۴، جلد پنجم، دفترنشرمعارف‌انقلاب.

شنبه ۲۷ مهر ۱۳۶۴ ۴ صفر ۱۴۰۶ 19 OCTOBER 1985

در منزل بودم و بیشتر وقتم به مطالعه گذشت. تلفنهای زیادی درباره وزرای جدید می شد. آقایان دکتر ولایتی، [محسن] رفیق‌دوست، [محمدرضا] باهنر و مهدوی کنی اطلاع دادند که آقای ناطق نوری آماده شده وزارت کشور را بپذیرد. قبلاً آقای ناطق گفته بود که نمی‌پذیرد. نخست‌وزیر هم مایل نیست او را معرفی نماید.

جمعی دیگر از نمایندگان اصرار داشتند که آقای مهندس [حسین]نیلی و دکتر [علیرضا]مرندی از لیست پیشنهادی نخست‌وزیر حذف شوند. نخست‌وزیر برای اینکه به فشارها خاتمه بدهد، زودتر لیست را ارسال کرد. احتمالاً نصف وزرای پیشنهادی، مورد قبول رئیس‌جمهور واقع می‌شود و نصف دیگر به حکمیت می‌کشد.

عصر آقای [محمد]هاشمی عضو شورای سرپرستی صدا و سیما آمد و گزارش جلسه امروز شورا را داد و یک قواره پارچه قبا و یک شیشه ادوکلن سوغاتی مکه آورد. عصر کارها را از مجلس آوردند و تا آخر شب مشغول بودم. عراق اشتباهاً یک کشتی پانامایی را بین کویت و بحرین زده است.

یکشنبه ۲۸ مهر ۱۳۶۴ ۵ صفر ۱۴۰۶ 20 OCTOBER 1985

ساعت هفت صبح به مجلس رسیدم و تا ساعت هشت کار کردم. در جلسه مجلس مراجعات نمایندگان بیشتر درباره اعضای کابینه بود. هر گروهی بر اعضای مورد نظر خط خودشان اصرار می‌کردند. فوت پدر آقای یزدی [نایب رئیس مجلس] و مادر آقای [محمد علی]موحدی کرمانی را تسلیت گفتم.

[آقای عابد جعفری] وزیر بازرگانی لایحه تأمین و توزیع کالا را که با نظرات شورای نگهبان از خاصیت افتاده بود، در لحظات آخر پس گرفت. این لایحه خیلی وقت مجلس را بی‌نتیجه گرفت. یک ماده از لایحه مطبوعات تصویب شد. ظهر آقای تولائی آمد و گزارش وضع صدور نفت و کارهای جدید برای نصب اسکله‌های اس.بی.ام را داد و از احتمال حذف آقای [محمد]غرضی از وزارت نفت اظهار نگرانی کرد.

آقای ناظم‌زاده رئیس اداره قوانین مجلس ـ که بازنشسته شده ـ برای خداحافظی آمد. عصر گروهی از نمایندگان برای مخالفت با آقای نیلی و مرندی آمدند. نخست‌وزیر اطلاع داد که

رئیس‌جمهور فقط ۱۲ نفر از وزرای پیشنهادی را پذیرفته است.

اعضای شورای مدیریت روزنامه جدید التأسیس ابرار آمدند و درباره خط مشی و نیازهای روزنامه مذاکره کردیم. جمعی از اعضای کمیسیون برنامه پنج ساله آمدند و گزارشی از وضع درآمدها و هزینه‌ها دادند. قرار شد فردا جلسه داشته باشیم. اعضای ستادهای برگزاری نمازجمعه استان تهران آمدند. برای آنها صحبت کردم[1]. شب به خانه آمدم.

دوشنبه ۲۹ مهر ۱۳۶۴ — ۶ صفر ۱۴۰۶ — 21 OCTOBER 1985

ساعت نه صبح برای مراسم تحلیف ۵۰۰ قاضی جدیدالاستخدام به کاخ دادگستری رفتیم. آقای [موسوی]اردبیلی و آقای خامنه‌ای و من مختصراً صحبت کردیم[2]. ساعت ده برای گذاشتن روپوش دندان به دندانپزشکی مجلس رفتم. وقت زیادی گرفت و تنظیم نیست. آقای [اکبر]ترکان مدیر عامل جدید صنایع نظامی آمد و گزارشی از وضع صنایع داد و درباره سیاست کار خود و مسائل مهم صنایع مشورت کرد.

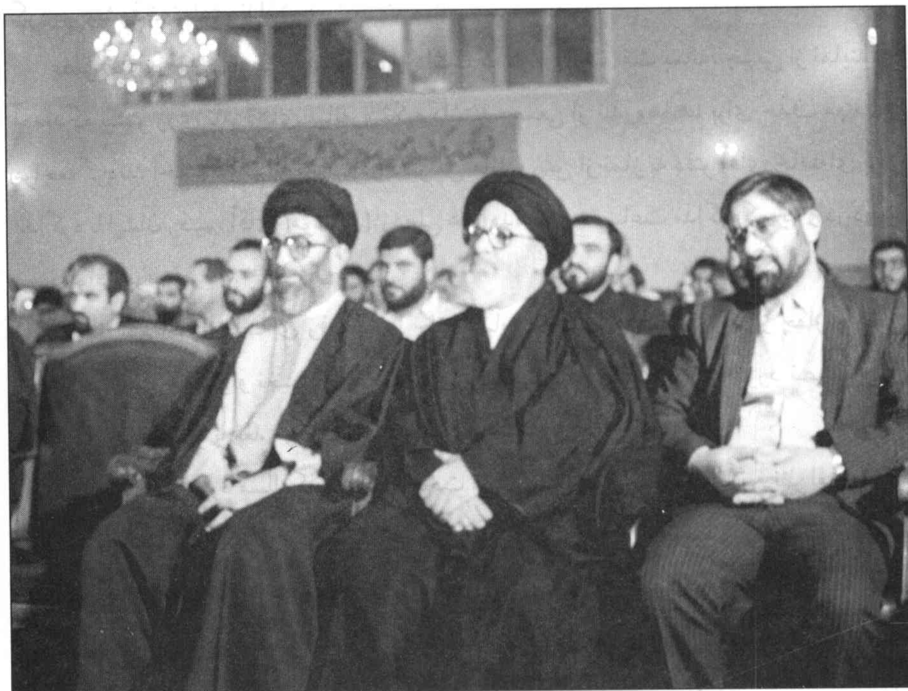
ظهر آقای [عباس]دوزدوزانی همراه جوان نابغه‌ای آمد که مدعی است در ۱۶ سالگی و کلاس دوم ریاضی، در سطح فوق لیسانس می‌داند و اکنون هم در دانشگاه شیراز تدریس می‌کند. به او

---

۱ ـ شرکت کنندگان در سومین سمینار ستادهای نماز جمعه استان تهران با آقای هاشمی دیدار کردند. در این دیدار ابتدا از چگونگی برگزاری این سمینار گزارشی ارائه شد. سپس آقای هاشمی ضمن سخنانی در رابطه با اهمیت جمعه و نمازهای جمعه گفت: "آیاتی در سورهٔ جمعه وجود دارد که تأکید فراوان بر حضور همگی مردم در نمازهای جمعه دارند. بنابراین روشن است که همین امر خود طرحی از جانب خداوند برای تضمین حضور مردم در مسائل کشور است. فقها نیز معتقدند که در نمازجمعه‌ها باید مسائل کشور درکنار مسائل اساسی جامعه مطرح گردند. ما عملاً تجربه کرده‌ایم که هیچکدام از مراسم عبادی و مردمی ما طی چند سال اخیر در تحکیم موفقیت انقلاب به اندازه نمازجمعه‌ها نقش اساسی نداشته‌اند و این را دشمنان ما با زیر نظرگرفتن تعداد شرکت کنندگان در نمازجمعه‌ها وکم و زیاد شدن آنها و مطالعه روی نماز جمعه‌ها به ضعف و قوت انقلاب ربط می‌دهند. بنابراین اگر از قوت نماز جمعه‌ها در درازمدت کاسته شود، علامت نارضایتی قشر متدین خواهد بود". رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۴، جلد پنجم، دفترنشرمعارف‌انقلاب.

۲ ـ در این مراسم آیت‌الله خامنه‌ای رئیس‌جمهور گفتند: "دستگاه قضایی نبض یک جامعه و نشان دهنده سلامت آن جامعه است. شاید بشود ادعا کرد که قضا و دستگاه قضایی حساس‌ترین دستگاه یک نظام است. به خصوص اگر آن نظام برمبنای مدل و حفظ حیثیت انسانی بنا شده باشد". آیت‌الله هاشمی رفسنجانی نیز ضمن اشاره به اینکه صبر کردن در رفع مشکلات، ظلم کردن به انقلاب است، اظهار داشت: "باید هر کسی که دست اندرکار حل این گره هست با سرعت عمل کند و قضات ما با شجاعت و شهامت، عدالت و صلاحیتی که دارند، دردهای اصلی جامعه را درک کرده و با اقدامات شجاعانه، مشکلاتی را که پیش پای انقلاب هست، بردارند". رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۴، جلد پنجم، دفترنشرمعارف‌انقلاب.





وزارت دادگستری - مراسم تحلیف قضات جدید الاستخدام

پیشنهاد شده برای تحقیقات به خارج برود. مسئولان احتمال خطر ربودن او را در خارج می‌دهند. آمده بود با من مشورت کند. قرار شد در داخل وسیله تحقیق او را فراهم کنیم.

عصر اعضای کمیسیون برنامه پنج ساله و کارشناسان وزارت برنامه و بودجه آمدند. درباره برنامه دوساله آینده ـ که بقیه پنج ساله است ـ به توافق رسیدیم. آقای خامنه‌ای گفتند بعد از عدم توافق با نخست‌وزیر درباره وزرا، ایشان اقدام به ارجاع به هیأت حَکَم نمی‌کنند، بلکه نخست‌وزیر بکند. احمدآقا اطلاع داد که امام خواسته‌اند در معرفی کابینه تسریع شود. به نخست‌وزیر گفتیم که ایشان ارجاع نمایند.

سه شنبه ۳۰ مهر ۱۳۶۴ ۷ صفر ۱۴۰۶ 22 OCTOBER 1985

کمی از جلسه را اداره کردم و به آقای [مهدی] کروبی نایب رئیس دوم سپردم. برای پیگیری مسأله کابینه جدید به دفترم آمدم. آقای رئیس‌جمهور ضمن نامه‌ای به دستور امام از هیأت منصوب امام، داوری خواسته‌اند. ظهر در دفترم با احمدآقا، آیت‌الله [موسوی] اردبیلی و نخست‌وزیر مذاکره کردیم. پیشرفت زیادی نداشتیم.

عصر آقای [محمد] غرضی آمد و اصرار داشت که در [وزارت] نفت بماند. جمعی از نمایندگان آمدند که بیشتر روی نامزدهای میانه‌رو تکیه داشتند. جمعی از تندروها هم برای حذف معتدل‌ها مراجعه کردند. احمدآقا هم تا مغرب در دفتر من ماند و پس از نماز به دفتر آقای خامنه‌ای برای مذاکره با ایشان رفتیم. آقای [موسوی] اردبیلی هم آمدند. دو سه ساعت مذاکره کردیم و در دو سه مورد توافق بود.

بعد از شام آقای خامنه‌ای رفتند و ما جلسه هیأت حَکَم را تشکیل دادیم. از چهارده مورد اختلاف [رئیس‌جمهور و نخست‌وزیر درباره وزیران پیشنهادی کابینه] در ده مورد تصمیم‌گیری کردیم و چهار مورد به بعد موکول شد. دیر وقت به دفترم رفتم و خوابیدم.

این روزها در مورد مسأله کابینه به من سخت می‌گذرد. از طرفی ملاحظه تأمین نظر امام را دارم و از سویی تصویب کابینه را حق رئیس‌جمهور می‌دانم. ایشان قبل از نامزد شدن هم به صراحت گفته بودند درخصوص کابینه کوتاه نمی‌آیند، و گزارش‌هایی از جبهه می‌دهند که بسیاری از رزمندگان در این مورد حساس شده‌اند. در مجلس هم هر دو جناح، از من توقعاتی دارند که جمع بین آنها سخت است.

آبـان ۱۳۶۴



چهارشنبه ۱ آبان ۱۳۶۴ ۸ صفر ۱۴۰۶ 23 OCTOBER 1985

بعداز نماز صبح تا ساعت ده و نیم در دفترم کار کردم و گزارش‌ها را خواندم. احکام جدید کارکنان مجلس را امضاء کردم. تلفنی با آقایان رئیس‌جمهور و نخست‌وزیر و احمدآقا درباره چهار وزیر باقیمانده مذاکره کردیم. قرار شد هیأت [حکمیت]، ظهر جلسه داشته باشد.

هیأت اعزامی از سوی [سران] سه قوه به قزوین برای بررسی اختلافات آقای [قدرت‌الله] علیخانی و مردم شال [از توابع قزوین] آمدند. گزارشی که آوردند، بیشتر به نفع آقای علیخانی بود؛ گرچه پیشنهاد تعویض ایشان را هم به خاطر تندی‌ها دادند. جمعی از پاسداران محافظ آمدند و من برای آنها صحبت کردم[1]. آقای [اسدالله]بادامچیان آمد؛ از ترکیب احتمالی کابینه خیلی ناراحت است.

ظهر برای جلسه هیأت حکم به منزل آقای [موسوی] اردبیلی رفتم. احمدآقا هم آمده بود. بالاخره در مورد بقیه وزرا هم تصمیم گرفتیم و صورتجلسه‌ای تهیه کردیم و برای رئیس‌جمهور و نخست‌وزیر فرستادیم. ترکیب جوری است که هر دو طرف را ناراضی نگه می‌دارد. نه خواسته‌های نخست‌وزیر و طرفدارانش به طور کامل تأمین است و نه خواسته‌های رئیس‌جمهور و همفکرانش؛ گرچه بیشتر در جهت خواست نخست‌وزیر است.

عصر هیأت رئیسه مجلس جلسه داشت و اول شب، جمعی از نمایندگان تندرو آمدند و از خبر حضور آقایان [حسین]نیلی، [علیرضا]مرندی و [محمد]غرضی در کابینه اظهار نارضایتی کردند. آنها را نصیحت کردم. شب بعد از انجام کارهای دفتر به خانه آمدم. آقای شمخانی اطلاع داد که امروز صبح در غرب دریاچه ام‌النعاج، تیپ بدر ـ که متشکل از بسیجی‌های عراقی پناهنده به ایران است ـ عمل کرده و بیش از پنجاه اسیر از عراقی‌ها گرفته و پنجاه کیلومتر از عراق و هشت پاسگاه را آزاد کرده‌اند[2].

---

۱ ـ در این دیدار که جمعی از اعضای حفاظت منطقه یک ثارالله حضور داشتند، آقای هاشمی گفت: "پایه‌های حفاظت بنابر اصول انقلاب، روی ایمان محکم بنا شد و باعث شد که یک شبکه حساس و نیرومند حفاظتی در کشور جمهوری اسلامی داشته باشیم. شما به خاطر درک ارزش کارتان در این کار مانده‌اید و کارتان هم انصافاً مهم و خطیر است. ورود شما به این کار زمانی صورت گرفت که دشمنان اسلام برای گرفتن ذخائر اسلام، برنامه‌های وسیعی داشتند. گرچه ملت آن قدر ذخائر فراوان دارد که هر کس را از پای در آورند، جای او پر می‌شود. جایگاه شما مهم است اگر چه بازده آن زیاد به چشم نمی‌خورد". رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۴"، جلد پنجم، دفترنشرمعارف‌انقلاب.

۲ ـ به دنبال عملیات قدس ۴ که توسط مجاهدین عراقی در دریاچه ام‌النعاج صورت گرفت و منجر به آزادسازی قسمتی از آن

پنجشنبه ۲ آبان ۱۳۶۴ — ۹ صفر ۱۴۰۶ — 24 OCTOBER 1985

زود به مجلس رفتم. به [آقای میرحسین موسوی] نخست‌وزیر گفتم در ارسال نامه معرفی وزرا به مجلس تسریع نماید. پیامی کتبی از امام برای نمایندگان رسیده بود[1] در خصوص خودداری از تطبیق روایات مخصوص ائمه معصومین بر ایشان، که قرائت کردم[2]. قانون مطبوعات در دستور بود. نامه معرفی وزرا رسید، اعلان کردم[3]. با اینکه توسط هیأت حکم تا حدودی تعدیل شده ولی

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)
شد، عملیات عاشورای ۴ به منظور آزادسازی کامل دریاچه، با همان ترکیب نیروی سابق (مجاهدین عراقی) تحت عنوان تیپ بدر در دستور کار قرارگرفت. پس از تعیین حدود منطقه عملیاتی و واگذاری آن به تیپ بدر، کار شناسایی و آماده سازی منطقه آغاز شد. در این اثنا پناهندگی دو تن از قوای ارتش عراق به نیروهای خودی، به لحاظ داشتن اطلاعات مناسب، توانست نقش مؤثری در عملیات ایفا کند. در عملیات عاشورای ۴ تمامی اهداف مورد نظر تأمین شد و ۱۱۰ کیلومتر مربع از زمین‌های منطقه آزاد گردید. تصرف ۳ پاسگاه وکمین دشمن، اسارت ۷۶ تن از نیروهای دشمن، به غنیمت گرفتن ۲۷ قایق و بلم، ۹۹ قبضه سلاح نیمه سنگین، ۲ قبضه ضدهوایی تک لول ۱۴/۵ و ۴ قبضه خمپاره انداز ۸۲ و ۶۰ میلی‌متری از دیگر نتایج این عملیات بود. در عملیات عاشورای ۴ بیش از ۳۰۰ نفر از قوای دشمن کشته و زخمی شدند، ۲۵ پاسگاه منهدم شد، یک فروند هواپیمای پی. سی ۷۰ سقوط کرد و بیش از ۱۰۰ فروند قایق و بلم دشمن منهدم و نابود گردید. رجوع کنید ← کتاب سیری در جنگ ایران و عراق - ۲ (خرمشهر تا فاو)، محمد درودیان، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، صفحه ۱۴۴، چاپ هفتم، ۱۳۸۱

۱ـ در این نامه آمده است: "بسم‌اللّه‌الرحمن‌الرحیم، با تشکر وافر از نمایندگان محترم مجلس شورای اسلامی، چون گفتار آقایان پخش می‌شود و ممکن است سوء تفاهمی بین مردم حاصل شود، لازم است عرض کنم آیات و روایاتی وارد شده است که مخصوص به معصومین - علیهم السلام - است، و فقها و علمای بزرگ اسلام هم در آنها شرکت ندارند، تا چه رسد به مثل اینجانب. هر چند فقهای جامع الشرایط از طرف معصومین نیابت در تمام امور شرعی و سیاسی و اجتماعی دارند و تولی امور در غیبت کبرا موکول به آنان است، لکن این امر غیرولایت کبرا است که مخصوص به معصوم است. تقاضای اینجانب آن است که در صحبتهایی که می‌شود و پخش می‌گردد ابهامی نباشد، و مرزها از هم جدا باشد. والسلام علیکم. ۶۴/۸/۱ روح اللّه‌الموسوی‌الخمینی". رجوع کنید ← کتاب صحیفه امام، جلد نوزدهم، صفحه ۴۰۳، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره).

۲ـ آقای هاشمی پس از قرائت نامه حضرت امام (ره) گفت: "ظاهراً این پیام ایشان ناظر به روایاتی است که در یکی از جلسات گذشته اینجا خوانده شده که در مورد ائمه معصومین بوده و به‌طورکلی امام حساسیت دارند روی مسائلی که بوی غلو بدهد و مرزها را بشکند، از مجلس شورای اسلامی که پخش می‌شود توقع دارند که مراعات بکنیم، چیزهایی که بوی غلو دارد، اینجا مطرح نشود. به اضافه اینکه مسایلی هم که ممکن است در میان جامعه همان طور که اشاره فرمودند حرف درست بکند و بیخود بحثهای ناجوری را درست بکند، آنها هم مطرح نشود".

۳ـ در این نامه چنین آمده است: "برادر حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی ریاست محترم مجلس شورای اسلامی، با سلام و درود، بنا به اصل ۱۳۳ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به پیوست صورت اسامی برادرانی که برای عضویت در هیأت وزیران در نظر گرفته شده‌اند با توجه تصویب مقام محترم ریاست جمهوری جهت اخذ رأی اعتماد از مجلس شورای اسلامی تقدیم می‌گردد. میرحسین موسوی نخست‌وزیر" نامه پیوست نیز به‌این شرح است: "برادر حجت‌الاسلام والمسلمین سید علی خامنه‌ای ریاست محترم جمهوری اسلامی ایران، بعد از سلام و درود، بازگشت به نامه شماره ۱/۵۶۱۸ مورخ ۶۴/۷/۲۸ حضرتعالی و با توجه به اصل ۱۳۳ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، پس از مشاهده و مذاکره لازم لیست ۲۴ نفر از برادرانی که برای عضویت
(ادامه پاورقی در صفحه بعد)

هنوز هردو جریان به برخی از وزرا اعتراض دارند.

بعد از تنفس به دفترم آمدم. آقایان [محسن]رفیق‌دوست و [علی]شمخانی آمدند. گزارش عملیات عاشورای ۴ را دادند و برنامه عملیات آینده را گفتند. [عملیات را] مدتی به تأخیر انداخته‌اند. عصر کشاورزان نمونه آمدند و من برای آنها مفصلاً صحبت کردم[1].

در جلسه شورای عالی دفاع شرکت کردم. درباره تجاوزهای افغانستان در مرز بحث شد و هم درباره جزیره خارک و... بعداز جلسه مصاحبه کردم[2]. درباره گروگان‌های روسی ـ که خبر رسیده در

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

در هیأت وزیران انتخاب شده‌اند، ارسال می‌گردد تا در صورت تصویب حضرتعالی جهت اخذ رأی اعتماد به مجلس شورای اسلامی معرفی گردند: "۱ - وزیر آموزش و پرورش برادر سید کاظم اکرمی ۲ - وزارت امور خارجه برادر دکتر علی اکبر ولایتی ۳ - وزارت ارشاد اسلامی برادر حجت الاسلام دکتر سید محمد خاتمی ۴ - وزارت اقتصاد و دارایی برادر دکتر حسین نمازی ۵ - وزارت اطلاعات برادر حجت‌الاسلام محمد محمدی ری‌شهری ۶ - وزارت بازرگانی برادر حسن عابدی جعفری ۷ - وزارت برنامه و بودجه برادر مسعود روغنی زنجانی ۸ - وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی برادر دکتر علیرضا مرندی ۹ - وزارت پست و تلگراف و تلفن برادر مهندس محمد غرضی ۱۰ - وزارت جهاد سازندگی برادر مهندس بیژن نامدار زنگنه ۱۱ - وزارت دادگستری برادر حسن حبیبی ۱۲ - وزارت دفاع برادر سرهنگ محمد حسین جلالی ۱۳ - وزارت راه و ترابری برادر محمد سعیدی‌کیا ۱۴ - وزارت سپاه پاسداران انقلاب اسلامی برادر محسن رفیق‌دوست ۱۵ - وزارت صنایع برادر مهندس غلامرضا شافعی ۱۶ - وزارت صنایع سنگین برادر مهندس بهزاد نبوی ۱۷ - وزارت فرهنگ و آموزش عالی برادر دکتر محمد فرهادی ۱۸ - وزارت کار و امور اجتماعی برادر ابوالقاسم سرحدی زاده ۱۹ - وزارت کشاورزی برادر دکتر عباسعلی زالی ۲۰ - وزارت کشور برادر حجت الاسلام علی اکبر محتشمی ۲۱ - وزارت مسکن و شهرسازی برادر مهندس سراج الدین کازرونی ۲۲ - وزارت معادن و فلزات برادر مهندس حسین نیلی ۲۳ - وزارت نفت برادر غلامرضا آقازاده - ۲۴ - وزارت نیرو برادر دکتر محمد تقی بانکی. میرحسین موسوی نخست‌وزیر ۶۴/۸/۱" جواب آیت‌الله خامنه‌ای رئیس‌جمهور: "بسمه تعالی، تصویب می‌شود. سید علی خامنه‌ای ۶۴/۸/۲".

۱ ـ در این ملاقات که کشاورزان، دامپروران و تولید کنندگان نمونه کشور به همراه جمعی از مروجین کشاورزی و دامپروری حضور داشتند، آقای هاشمی گفت: "اگر امسال وزارت کشاورزی و جهاد سازندگی آبها را بیشتر مهار کنند و کود و سم را به موقع برسانند تا کشاورزان به کار خود مطمئن و به نتیجه کار دلگرم شوند و بدانند که محصولشان روی دستشان نمی‌ماند، در مدت کوتاهی در بسیاری از زمینه‌ها به خودکفایی می‌رسیم. آن روزی که از لحاظ تولید این کشور روی پای خود بایستد و ما دستمان پیش دیگران دراز نباشد، آن روز همه مسایل قابل حل است و آن روز را ما پیش چشم خود داریم". رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۴، جلد پنجم، دفترنشرمعارف‌انقلاب.

۲ ـ در این مصاحبه دربارهٔ استقبال گسترده مردم برای حضور در جبهه‌های جنگ، نتایج مانور نیروی دریایی در خلیج‌فارس و پخش مصاحبه‌های اسرای عراقی مطالبی عنوان شد. آقای هاشمی ترتیب دادن برنامه‌های مصاحبه گونه برای اسرای آزاد شده عراقی را که طی آن اسرای آزاد شده مدعی شده‌اند در زمان اسارت خود در جمهوری اسلامی ایران مورد شکنجه قرار گرفته‌اند، نمونه دیگری از ادامه سیاست دروغگویی رژیم بعثی عراق خواند و گفت: "عراق تصمیم دارد با این صحنه‌سازیها از آزادسازی اسرای ایرانی در عراق که تحت فشار افکار عمومی و در مقابل آزادسازی یک جانبه اسرای عراقی صورت می‌گیرد، خودداری

(ادامه پاورقی در صفحه بعد)

دست شیعه‌های لبنان هستند ـ بحث و قرار شد برای آزادی آنها کمک شود. خبر رسید سکوی نفتی ابوذر در بمباران امروز عراق، آسیب دیده است. شب به منزل آمدم.

جمعه ۳ آبان ۱۳۶۴ — ۱۰ صفر ۱۴۰۶ — 25 OCTOBER 1985

پیش از ظهر احمدآقا آمد و گفت سپاه اصفهان به دستور امام در مورد گروه قهدریجان ـ که احتمالاً روحانیت بیدار و شاید حزب‌الله هم باشند ـ تحقیق کرده و آنها را دارای تشکیلات مخفی و خانه امن می‌داند. قرار شد با آیت‌الله منتظری در میان گذاشته شود. درباره لزوم فکری برای جلوگیری از انزوای بیشتر بازاریهای مخالف دولت و همفکرانشان و مأیوس نشدن آنها هم صحبت شد.

گزارش‌ها را آوردند که مطلب مهمی نداشت. نماز جمعه را آیت‌الله خامنه‌ای اقامه کردند و اظهارات نسبتاً خوبی در مورد معرفی دولت به مجلس داشتند.

شنبه ۴ آبان ۱۳۶۴ — ۱۱ صفر ۱۴۰۶ — 26 OCTOBER 1985

شورای سرپرستی صداوسیما جلسه داشت. قرار شد در جلسه بعد معاونان [سازمان] و مسئولان شهرستانهای صداوسیما را به پیشنهاد مدیر عامل تصویب کنیم. بیشتر وقت به بحث درباره مسائل سیاسی گذشت. چند ماه است که جلسه نداشتیم. قرار شد عصر به آقای [محمدشریف] مساعدیّه شخصیت دوم مجلس الجزایر که به ایران آمده، وقت ملاقات بدهند. به مجلس رفتم و با ایشان ملاقات کردم[1]. درباره فلسطین، اوپک و مسائل دیگر بحث کردیم. ظاهراً برای توسعه و تحکیم

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

ورزد. جمهوری اسلامی ایران علیرغم تمامی این شانتاژها همچنان به اهداف انسان دوستانه خود مبنی بر آزاد سازی یک جانبه اسرای معلول عراقی ادامه خواهد داد". رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، مصاحبه‌های سال ۱۳۶۴، جلد پنجم، دفترنشرمعارف‌انقلاب.

۱ ـ آقای محمد شریف المساعدیّه مسئول دبیرخانه دائمی کمیته مرکزی جبهه آزادیبخش ملی الجزایر در این دیدار گفت: "من در چارچوب توسعه روابط دو جانبه ایران و الجزایر از طرف رهبری الجزایر مأموریت دارم تا برادران مسئول در ایران را در جریان

(ادامه پاورقی در صفحه بعد)

روابط آمده و کار مشخصی ندارد. شب مهمان مجلس بود. من در شام شرکت نکردم. آقای [مهدی] کروبی مهماندار بود.

شب در مجلس ماندم. آقای [مسعود] روغنی زنجانی نامزد وزارت برنامه و بودجه آمد. نگران بود از اینکه نتواند در کابینه آقای موسوی به خاطر توقعات ایشان، خوب کار کند. اظهار تمایل می‌کرد که رأی [اعتماد] نیاورد. او را دلداری دادم.

یکشنبه ۵ آبان ۱۳۶۴ ۱۲ صفر ۱۴۰۶ 27 OCTOBER 1985

جلسه علنی داشتیم و بحث کابینه دولت در دستور بود. تمام وقت مجلس را مخالفان و موافقان وزرای پیشنهادی گرفتند. تا ساعت دو و نیم بعد از ظهر طول کشید و به خوبی گذشت. عصر و شب در دفترم ماندم، کارهارا انجام دادم و چند ملاقات [داشتم].

آقای محمد جواد حجتی [کرمانی] آمد و یک ساعت و یک قرآن سوغات مکه آورد. درباره لزوم پیگیری بحث‌های ازدواج در خطبه‌های نماز جمعه مذاکره شد. مسئولان سازمان مسکن آمدند و درباره مشکلات تقسیم زمین شهری مذاکره داشتند. آنها تقاضای تفسیر از مجلس کرده‌اند که با مخالفت شورای نگهبان [مسکوت] مانده است. شب در مجلس ماندم.

دوشنبه ۶ آبان ۱۳۶۴ ۱۳ صفر ۱۴۰۶ 28 OCTOBER 1985

صبح زود به جلسه علنی مجلس رفتم و نیم ساعت زودتر جلسه را شروع کردیم. ادامه بحث

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

وقایع و تحولات منطقه قرار دهم و مساعی دولت الجزایر را برای اهتمام در توسعه روابط دوکشور به اطلاع شما برسانم". آقای هاشمی نیز ضمن خوشامد گویی به ایشان به تحلیل تجاوز اسرائیل به مقر ساف در تونس پرداخت و درباره سیاست‌های نفتی اوپک گفت: "اگر کشورهایی مثل الجزایر، لیبی و ایران در مورد نفت سیاست مشترکی داشته باشند و فشار سیاسی بیاورند، کشورهای مرتجع نمی‌توانند کارشکنی کنند. البته این کافی نیست که ما فقط در جلسات اوپک موضع‌گیری کنیم، بلکه باید خارج از اوپک و از ماهها قبل از برگزاری جلسات اوپک، با وارد کردن فشارهای شدید سیاسی بر کشورهایی که قصد اخلال در امر نفت را دارند، به آنها اعلام نمائیم که سیاست‌های متخذه از طرف آنها به قیمت تیره شدن روابطشان با کشورهای مترقی جهان اسلام تمام خواهد شد".





ملاقات با محمد شریف‌از مجلس الجزایر

جمهوری اسلامی ایران
مجلس شورای اسلامی
دفتر رئیس

شماره ل ۲/۱۰/۸۱/۱/د/۵
تاریخ ۶۲/۸/۲
پیوست

بسمه تعالی

قرارگاه خاتم الانبیاء

جناب آقای سید رضا اکرمی نماینده محترم مجلس شورای اسلامی و عضو کمیسیون دفاع بعنوان مسئول هماهنگی تبلیغات جبهه تعیین شده‌اند، لازم است همه نیروهای مسلح و مسئولان تبلیغات کشور با ایشان همکاری نمایند.

رئیس مجلس شورای اسلامی
اکبر هاشمی رفسنجانی

۲/۸ اکرمی
۵۴

نامه معرفی مسئول هماهنگی تبلیغات جبهه به قرارگاه خاتم الانبیاء (ص)

درباره [رأی اعتماد به] کابینه در دستور بود. من هم به عنوان موافق همه وزرا صحبت کردم. وزرا هم دفاع کردند. رأی‌گیری کردیم. برای شمردن تنفس دادیم. خیلی خسته بودم. تا ساعت سه و نیم استراحت کردم.

ساعت چهار برای اعلام نَتیجه رأی‌گیری، جلسه رسمی شد. ۲۲ نفر رأی آورده بودند و دو نفر آقایان [حسین]نیلی و [حسین]نمازی [وزرای معرفی شده جهت معادن و فلزات و امور اقتصادی و دارایی] رأی کافی نیاوردند. نخست‌وزیر و من هم صحبت کوتاهی کردیم. تنظیم کابینه جدید به خوبی انجام گردید. اگر امام دخالت نکرده بودند، مشکل اساسی داشتیم. بیشتر به نفع تندروها شد تا به نفع میانه‌روها.

عصر در جلسه شورای مرکزی روحانیت مبارز شرکت کردم. بحث بر سر این بود که چه شد میانه‌روها در مقابل نظر امام قرار گرفتند و تضعیف شدند. آقایان مهدوی [کنی] و موحدی کرمانی و انواری موضع خودشان را توضیح دادند. شب به مجلس رفتم. عراق امروز به چند تلمبه خانه نفت و گاز ما حمله کرده و به بعضی‌ها آسیب رسانده است.

سه شنبه ۷ آبان ۱۳۶۴ — ۱۴ صفر ۱۴۰۶ — 29 OCTOBER 1985

نصف جلسه علنی را در مجلس ماندم و چند ماده از قانون مطبوعات تصویب شد. پس از گذشتن مسأله کابینه، جو مجلس آرام شده و از تلاطم افتاده است. ظهر در دفترم چند نفر از نمایندگان مراجعه داشتند.

اعلامیه بی‌امضایی چاپ شده و اسم چند نفر از نمایندگان را به عنوان کسانی که بر خلاف نظر امام به نخست‌وزیری آقای موسوی رأی مخالف داده‌اند آورده. بعضی از آنها ناراحتند و از من می‌خواهند به نحوی تکذیب کنم. خبرنامه سازمان تبلیغات اسلامی هم آن را در شماره گذشته خود درج کرده است. به آقای [احمد]جنتی [رئیس سازمان تبلیغات اسلامی]گفتم در شماره بعد بنویسد چون رأی مخفی است، این مطالب اعتبار ندارد.

عصر در دفترم ماندم و گزارش‌ها را خواندم و کارهای اداری را انجام دادم. در جلسه شورای عالی انقلاب فرهنگی شرکت نکردم. امروز عراق به مرکز رادیو تلویزیون در ایلام و کوه نور حمله کرده و آنها را از کار انداخته است. از آنها برای تبلیغ داخل خاک عراق استفاده می‌کردیم. نیروی

۶۰

و امرهم شوری بینهم

بسمه تعالی

شورای انقلاب اسلامی

تاریخ ....

شماره ....

پیوست ....

کارپرداز

جناب سرپرست کار

مکرر صدای گلوله از اطراف مجلس شنیده می‌شود بدون اینکه گزارشی از علت و نتیجه آن برسد. لطفاً سریعاً اقدام نمایید و دستور اکید صادر شود که در هر مورد اتفاق تیراندازی از علت و نتیجه از آن به اینجانب گزارش نمایید و اگر بدون دلیل موجه تیراندازی شده، مرتکب تنبیه گردد.

اکبر هاشمی

۲۴ ه

دستخط مربوط به درخواست بررسی علت‌تیراندازی در اطراف مجلس شورای اسلامی

هوایی ما هم به دو مرکز نفتی عراق حمله کرده است. به ستاد تبلیغات جنگ گفتیم که اخبار را به همان‌گونه‌ای که ماجراجویی عراق را نشان می‌دهد، منتشر کنند.

چهارشنبه ۸ آبان ۱۳۶۴ — ۱۵ صفر ۱۴۰۶ — 30 OCTOBER 1985

پیش از ظهر با حاج احمدآقا درباره مسائل دولت و مخالفت شورای نگهبان با لایحه تشدید کیفر رشوه‌خواری و نامه آقای یزدی رئیس کمیسیون قضایی مجلس به امام مبنی بر شکایت از این مخالفت مذاکره شد و نامه را خدمت امام فرستادم[1].

شب با رؤسای جمهور و دیوان عالی کشور و نخست‌وزیر، مهمان احمدآقا بودیم و امام هم در جلسه ما شرکت کردند. از اظهارات محبت‌آمیز امروز رئیس‌جمهور و نخست‌وزیر در اولین جلسه دولت جدید اظهار خوشحالی نمودند. آقای خامنه‌ای بعد از تشکیل کابینه جدید، موضع خوبی گرفته‌اند.

---

۱ ـ در این نامه آیت‌الله محمد یزدی با اعلام اینکه قسمت عمده قوانین جزایی را بخش تعزیرات تشکیل می‌دهد و دستگاه قضایی با کمبود یا نبود قاضی مجتهد مواجه است، نوشت: "مجلس شورای اسلامی به منظور وحدت رویه در محاکم جمهوری اسلامی که امری است ضروری و جزء وظایف دستگاه قضایی (اصل ۱۶۱) و رعایت اصل مسلم فقهی (مایراه الحاکم) نوع تعزیر را معین و مقدار آن را بین حداقل و حداکثر قرار داده تا بین اقل و اکثر در اختیار قاضی قرار گیرد و این مصوبات هم تاکنون مورد تأیید شورای محترم نگهبان بوده است و در محاکم دادگستری براساس این قوانین عمل می‌گردد ولی اخیراً شورای محترم نگهبان نظری داده است مبنی براینکه تعیین نوع ومقدار تعزیر غیرشرعی است و لازم است به نظر قاضی واگذار شود تا نوع و مقدار آن را به هر میزان معین نماید. به نظر می‌رسد چنانچه در قوانین، نوع و مقدار تعزیر مشخص نگردد، علاوه براینکه تصویب قانون معنی نخواهد داشت، مشکلاتی را نیز در برخواهد داشت. اولاً عدم وحدت رویه قضایی و تفاوت فاحش در احکام صادره به‌وجود خواهد آمد و هر دادگاه برای یک جرم نوعی مجازات معین خواهد کرد که سیستم قضایی را متزلزل ساخته و نظام قضایی را دگرگون خواهد ساخت. ثانیاً مصوبات گذشته مجلس با این استظهار سست شده و دستگاه قضایی متزلزل می‌گردد. بدون تردید راهنمایی‌های آن بزرگوار در حل این مشکل راهگشا بوده و موجب امتنان خواهد بود".

امام خمینی (ره) در پاسخ این نامه چنین مرقوم فرمودند:

بسمه تعالی

در این موقع که اکثریت قاطع متصدیان امر قضا واجد شرایط شرعیهٔ قضاوت نیستند، و از باب ضرورت اجازه به‌آنان داده شده است، حق تعیین حدود تعزیر را بدون اجازهٔ فقیه جامع‌الشرایط ندارند. بنابراین لازم است با تعیین هیأتی مرکب از جنابعالی و حجت‌الاسلام آقای اردبیلی و دو نفر از فقهای شورای محترم نگهبان به انتخاب فقهای مذکور نگهبان، حدود تعزیرات را تعیین کنند که در آن چهارچوب اجازه داده شود، و حق تخطی از آن نداشته باشند. و البته این امر موقتی و اضطراری است تا ان‌شاءالله قضات جامع الشرایط تعیین گردند. ۲۸ آبان ۶۴ روح الله‌الموسوی الخمینی رجوع کنید ← صحیفه امام، جلد نوزدهم، صفحه ۴۲۴، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی



جمهوری اسلامی ایران

مجلس شورای اسلامی

دفتر رئیس

شماره ۰ ق/۴۳۲/۱۸۸۲/د ه

تاریخ ۶۴/۸/۱۹

پیوست

بسمه تعالی

حضرت آیت الله العظمی جناب آقای منتظری دامت برکاته وجودکالشریف

سلام علیکم ،

روابط عمومی مجلس شورای اسلامی درنظر دارد مشروح مذاکرات خبرگان راباتصحیح نهائی منتشر سازد که جلد اول آن درشرف انتشاراست ، درارابطه باانتشاراین مجموعه تاریخی بجاست که حضرتعالی بعنوان ریاست مجلس خبرگان قانون اساسی مقدمه‌ای برای آن داشته باشید ۰ روابط عمومی مجلس منتظرمقدمه حضرتعالی بوده تاجلد اول این مجموعه رامنتشرسازد ۰

اکبر هاشمی رفسنجانی

رئیس مجلس شورای اسلامی

جمهوری اسلامی ایران
مجلس شورای اسلامی
دفتر رئیس

بسمه تعالی

شماره ۱۸۰/۴/۳۸۸۸/۱/د ه
تاریخ ۶۴/۸/۹
پیوست ——

جناب آقای دکتر ایرج فاضل

نامه محبت آمیز جنابعالی مبنی بر تشکر از مجلس شورای اسلامی [illegible] و اعلام عدم شرکت در کابینه جدید دریافت گردید با اظهار تأسف از عدم حضور آن جناب در کابینه جدید قطعاً از تلاشهای موفقیت آمیز جنابعالی در زمینه دانشگاهها و آموزش عالی کشور متشکریم و امید داریم که توانائی در خدمت به مردم و اعتلاء سطح دانش پزشکی موفق باشید.

۶۴/۸/۹

دستخط نامه‌به دکتر ایرج فاضل

با امام درباره لزوم تجدید نظر در قانون اساسی مذاکره کردیم؛ فرمودند در حال حاضر صلاح نیست و مدتی باید صبر کنیم تا در شرایط بهتر انجام شود. بعضی از حضار با تغییر چند اصل به صورت رفراندوم موافق و با تجدید نظر کلی مخالف بودند. می‌گفتند در شرایط فعلی، مصوّبه جدید ضعیف‌تر از اصل قانون اساسی خواهد شد. دیر وقت به خانه آمدم. امروز به چند نقطه صنعتی و اقتصادی عراق از طرف ما حمله شده است ولی عراق جواب نداده و این باعث تعجب است.

پنجشنبه ۹ آبان ۱۳۶۴ — ۱۶ صفر ۱۴۰۶ — 31 OCTOBER 1985

در جلسه علنی، لایحه قانون مطبوعات را داشتیم. خیلی طول کشیده. بعداز تنفس در دفترم به مراجعات نمایندگان گذشت. ظهر و عصر هم چند ملاقات داشتم. آقای [علیرضا]معیّری کاردارمان در فرانسه آمد و گزارشی از اعمال خصومت آمیز حکام فرانسه علیه ایران داد.

آقایان جواد رفیق‌دوست، کریمی و توکلی[بینا] آمدند و طبق معمول از سیاست اقتصادی دولت انتقاد و از من به خاطر حمایت از دولت گله داشتند. گفتم آنها ودوستانشان هم موضع اشتباه دارند. شب [غلامرضا]آقازاده وزیر جدید نفت آمد. گزارشی از وضع نفت داد و گفت که احتمالاً در هفته آینده موشک‌های هاگ و فونیکس می‌رسد؛ البته خیلی بعید است. شب به منزل آمدم.

جمعه ۱۰ آبان ۱۳۶۴ — ۱۷ صفر ۱۴۰۶ — 1 NOVEMBER 1985

تا ساعت ده و نیم در خانه برای خطبه‌های جمعه مطالعه می‌کردم. برای اقامه نماز جمعه به دانشگاه تهران رفتم[۱]. خطبه اول را در مسائل ازدواج در اسلام و بیشتر بحث‌های دوخطبه قبل که

---

۱ ـ در خطبه اول در خصوص آمار ازدواج در اسلام، سستی نهاد خانواده در غرب و مسأله بیماری ایدز مطالبی مطرح شد و به انتقادات درباره ازدواج موقت پاسخ داده شد. در خطبه دوم نیز، درباره مسایل منطقه‌ای و بین‌المللی از جمله مسایل مصر، تونس، فیلیپین و مواضع سیاسی جمهوری اسلامی تحلیل‌هایی به نمازگزاران ارائه گردید. در بخشی از خطبه اول آمده است: «اگر تقوا در جامعه نباشد، از اینگونه بحث‌ها [بحث ازدواج موقت] ممکن است سوء استفاده شود و حتی برای گرفتن آن و انتقالش هم اشخاص بی تقوا ممکن است خیانت کنند و در عمل هم ممکن است سوء استفاده شود. تأکید می‌کنم که هر اصلاح اجتماعی که دولت و مسئولان بخواهند اعمال کنند، اگر عنصر تقوا در خود انسان و در افرادی که قرار است طرح دربارهٔ آنها اجرا شود، نباشد،

(ادامه پاورقی در صفحه بعد)

سروصدای زیادی در جامعه ایجاد کرده، توضیح دادم. عصر هم به استراحت و تماشای تلویزیون گذراندم. در گزارش‌ها هم مطلب مهمی نداشتیم[1]. شب آقای شیخ قدرت علیخانی آمد و وضع قزوین و اختلافاتش را با جمعی از مردم شال و پیشنماز آنجا تشریح کرد.

شنبه ۱۱ آبان ۱۳۶۴ — ۱۸ صفر ۱۴۰۶ — 2 NOVEMBER 1985

شورای سرپرستی [سازمان صدا و سیما] جلسه داشت. معاونان مدیر عامل را در شش بخش تصویب کردیم. گفتیم از طرف شورا از سازندگان فیلم دسیسه تشکر کنند[2]. عصر آقای [حسین] مهدیان آمد و گزارشی از وضع و برنامه‌های بنیاد خیریه طاهر داد. قرار شد برای گرفتن پولهای [مرحوم ابوالفضل] تولیت از بانکهای انگلیس اقدام شود، به شرط اینکه در موارد درستی خرج شود، من هم کمک کنم[3].

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

ابتر و ناقص می‌ماند و لذا خواهش من این است، در این بحث تمام مستمعین ما تقوای یک مستمع و یک عامل را هم در نظر داشته باشند که این از آن بحثهایی است که در دنیا و در جامعه ما بسیار سرنوشت‌ساز است و من خیال می‌کنم، هیچ نظامی نمی‌تواند در جامعه ادعای مدیریت جامعه را داشته باشد و به‌این مسأله نپردازد و اگر نپردازد یک بخشی از نظامش ناقص است".
رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، خطبه‌های جمعه سال ۱۳۶۴، جلد نهم، صفحه ۸۳، دفترنشرمعارف‌انقلاب.

۱ ـ رادیو اسرائیل درباره این خطبه‌ها گفت: "رئیس مجلس شورای اسلامی بار دیگر از مردم ایران خواستار شد که در جبهه‌های جنگ شرکت کنند. طی یک ماه اخیر این دومین بار است که نماینده آیت‌الله خمینی در شورای عالی دفاع، مردم ایران را به ثبت‌نام و حرکت به جبهه‌ها تشویق می‌کند. گزارشهای قبلی حاکی بود که برخلاف سالهای گذشته اهالی ایران اعم از تهران و شهرستانها استقبالی از اینگونه درخواستها به عمل نمی‌آورند و اشتیاقی به رفتن به جبهه‌ها و شرکت در جنگ ۵ ساله نشان نمی‌دهند. آقای رفسنجانی که امروز به عنوان امام جمعه تهران سخن می‌گفت، همچنین عملیات موضعی در جبهه عراق را که نام عاشورای چهار بر آن نهاده شده، یک پیروزی جنگی قلمداد کرد و گفت توطئه‌های دشمنان جمهوری اسلامی برای به سازش کشاندن آن کشور در رابطه با جنگ شکست خورده است. وی در عین حال خاطرنشان ساخت که جنگ اقتصادی عراق و حمله آن کشور به مراکز نفتی ایران نیز مانند طرح حمله به شهرها به شکست انجامیده است. ایشان افزود: از دست عراق کاری ساخته نیست. آقای هاشمی رفسنجانی به‌طور ضمنی از کنفرانس اخیر شورای همکاری خلیج‌فارس اظهار رضایت نمود و گفت شرکت کنندگان این کنفرانس اعلام کردند که مایلند روابط خود را با ایران بهبود بخشند".

۲ ـ فیلم سینمایی دسیسه از تولیدات سازمان صدا و سیمای جمهوری اسلامی نقش دولت ایالات متحده را در ایجاد و اشاعه ویروس بیماری ایدز به تصویر کشیده بود.

۳ ـ مرحوم ابوالفضل تولیت در سالهای پیش از انقلاب اسلامی تولیت آستان مقدس حضرت فاطمه معصومه (س) در قم را عهده‌دار بود. آقای هاشمی در خاطرات دوران مبارزه از مرحوم تولیت چنین یاد می‌کند: "ایشان امکانات مالی زیادی داشت، بچه

(ادامه پاورقی در صفحه بعد)

آقای رفیق‌دوست آمد و درباره نیازهای جنگ و سپاه صحبت شد. گفت بارفروشان میدان [میوه و تره‌بار] از فیلم پریشب سیمای جمهوری اسلامی شاکی‌اند. آقای امیر عراقی آمد و درباره رفتن از وزارت نفت با تعویض وزیر مشورت کرد. کارها را از مجلس آوردند. شب انجام دادم. آیت‌الله منتظری تلفنی از قم صحبت کردند وخواستند که به نمایندگان مجلس بگویم دست از تعارض بردارند و تأکید کردند نوشته‌ای که درباره حکومت اسلامی فرستاده‌اند، بخوانم و نظر بدهم.

یکشنبه ۱۲ آبان ۱۳۶۴ ۱۹ صفر ۱۴۰۶ 3 NOVEMBER 1985

به مجلس رفتم. تا هنگام تنفس در جلسه ماندم. برای فرماندهان دوره دیده سپاه صحبت کردم[1]. رئیس بیمارستان دکتر مجیبیان یزد آمد و برای رفع مشکلات استمداد کرد. عصر آقای [عبدالحسین] ساوه نماینده کرمان آمد و از اینکه درکرمان علیه آقای [مرتضی] فهیم شعار داده‌اند و به خاطر انتخاب استاندار کرمان بدون مشورت با آنها گله کرد. آقای حسین مرعشی هم که به جای آقای [حمید]میرزاده استاندار [کرمان] شده، آمد. سفارش کردم، سعی در جذب مخالفان کند.

گروهی از دانش آموزان اعضای انجمن اسلامی آمدند و من برایشان صحبت کردم. آقای محمدی اردهالی رئیس اتحادیه ناشران آمد. از سخت‌گیری‌های وزارت ارشاد در تعیین قیمت کتابها و از عدم امنیت شغلی ناشران در اثر فتوای امام در لغو حق امتیاز طبع و نشر برای مؤلف

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

هم نداشت. فردی بود روشنفکر و از نظر اعتقادی هم بیشتر جریان مبارزه اسلامی را قبول داشت. او آماده شد که اموال خود را وقف مبارزه بکند به عنوان تأسیس حکومت اسلامی". شرکت طاهر - طبق وصیت مرحوم تولیت - برای حمایت از مبارزان اسلامی با اموال و امکانات مالی او تأسیس شده بود و تعدادی از اعضای نهضت آزادی و تعدادی از روحانیون از جمله آقای هاشمی در اداره این شرکت سهیم بودند. ثروت مرحوم تولیت در تقویت نیروهای مبارز اسلامی در دورهٔ پهلوی نقش ارزشمندی داشت. در مورد فعالیت‌های مرحوم ابوالفضل تولیت در نهضت اسلامی، به کتاب "هاشمی رفسنجانی، دوران مبارزه"، دفترنشرمعارف‌انقلاب، صفحات ۱۷۵، ۲۷۲، ۲۸۲ و ۲۸۴، مراجعه نمائید.

۱ ـ در این دیدار که گروهی از دانشجویان فرماندهی دوره عالی عملیات سپاه پاسداران حضور داشتند، آقای هاشمی گفت: "از اینکه امروز خبر این برنامه بسیار خوب را از زبان خود شما می‌شنوم مایهٔ امید بیشتری است و مسلماً پخش این خبر برای ملت ما امید زیادتری را ایجاد می‌کند. من با مقدار اطلاعاتی که از جنگ دارم به نقش شما که عملاً رزمنده هستید و در جبهه‌ها حضور دارید و در موفقیتهای جنگ مؤثر هستید، واقفم و می‌دانم که یکی از عوامل بسیار مهم پیروزیهای ما همین روح شجاعت فرماندهان واحدهای مختلف و رزمندگان ماست و تا به حال هم ما از این قدرت استفاده کرده‌ایم". رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی های سال ۱۳۶۴، جلد پنجم، دفترنشرمعارف‌انقلاب.

شاکی بود.

آقای رمضانی مسئول دادسراهای اقتصادی تهران آمد. درباره نحوه برخورد با مسائل مهم قضایی مربوطه مشورت کرد. شب به منزل آمدم. آقای آقازاده [وزیر نفت] تلفنی اطلاع داد که امروز دو مخزن نفت در جزیره خارک در اثر اصابت بمبهای عراقی آتش گرفته است.

دکتر حسن روحانی و دکتر هادی آمدند و گفتند شورای امنیت سازمان ملل گویا قبول کرده که عراق را متجاوز بشناسد؛ البته به شرط شرکت ما در شورا. قرار شد در این درباره مشورت شود.

دوشنبه ۱۳ آبان ۱۳۶۴ — ۲۰ صفر ۱۴۰۶ — 4 NOVEMBER 1985

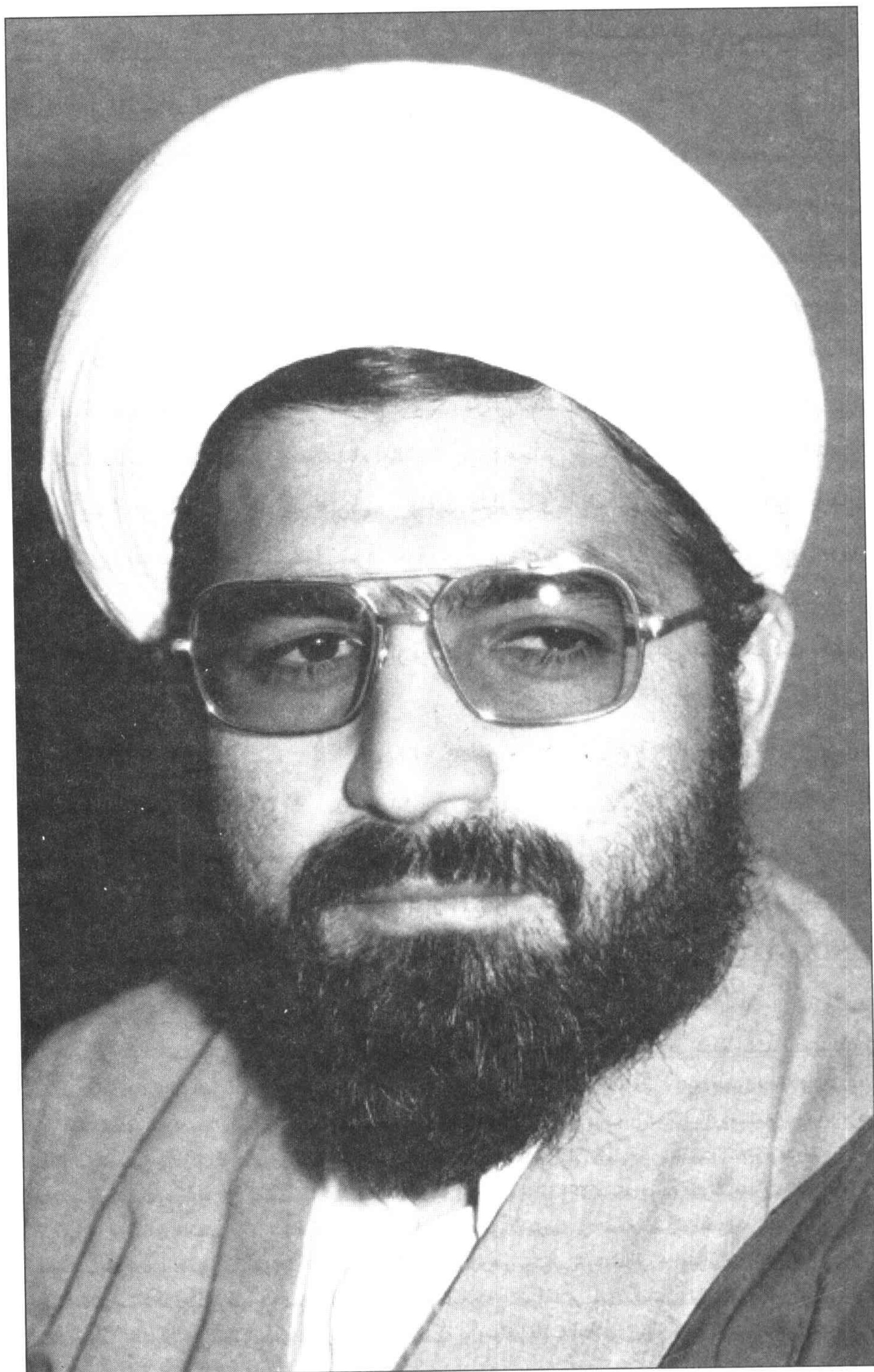
در منزل بودم. عفت برای زیارت، همراه خانواده‌های شهید مطهری و شهید بهشتی به قم رفتند. مقداری از نوشته‌های آقای منتظری را در خصوص حق انتخاب حاکم از طرف مردم برای اظهار نظر خواندم. آقای دکتر روحانی آمد و راجع به سپاه، نیروهای زمینی و دریایی و جنگ نظراتی ارائه کرد. قرار شد برای تحقق آنها همکاری شود و اقدام موکول به انجام عملیات آینده شد.

آقای [ابوالفضل] توکلی بینا آمد و از اینکه شغلی در نظام ندارد، گله داشت. گروهی از افراد مبارز قدیم به خاطر مواضع خاص سیاسی ـ اقتصادی منزوی شده‌اند. اختلاف خطوط فکری کم کم دارد آثار سوء خود را نشان می‌دهد. در گزارش‌ها مطلب مهمی نبود.

آقای نخست‌وزیر سه نفر را برای وزارتخانه‌های اقتصاد و دارایی و معادن و فلزات به رئیس‌جمهور معرفی کرده است. شرح حال و برنامه آنها را برای اطلاع من فرستاده که خواندم. شب آقای صیاد [شیرازی] آمد و گزارش وضعیت منطقه عملیات قادر را داد. با ایشان در مورد هماهنگی با عملیات آینده صحبت کردم.

سه شنبه ۱۴ آبان ۱۳۶۴ — ۲۱ صفر ۱۴۰۶ — 5 NOVEMBER 1985

در جلسه علنی مجلس، قانون مطبوعات تمام شد. کمیسیون ارشاد خیلی دقیق عمل نکرده و بالاخره نواقصی در عمل خواهد داشت. آقای محمدی گیلانی به دفترم آمد و پیام امام را درباره برنامه مجلس خبرگان آورد و برای مسکن خودش استمداد نمود. گفت که امام با انتخاب آقای



حجت الاسلام والمسلمین شیخ حسن روحانی

منتظری [برای جانشینی رهبر] موافق نیستند.

ظهر کارداران و سفرای ایران در کشورهای عربی و آفریقایی آمدند. برای آنها صحبت کردم[1] آنها امکانات بیشتری برای انجام وظیفه تبلیغ انقلاب و اسلام در افریقا می‌خواستند. هیأت اعزامی یونسکو برای بازدید از آثار باستانی صدمه دیده در حملات عراقی‌ها آمدند و مذاکراتی داشتیم.

عصر به جلسه شورای عالی انقلاب فرهنگی رفتم. آئین‌نامه شورای کنترل فرهنگ عمومی مطرح بود که تصویب شد. قرار شد در جلسه بعد درباره وضع استادان و استفاده از افراد خبره فاقد مدرک تحصیلی و فارغ التحصیلان مدرسه تربیت مدرس بحث شود.

شب خدمت امام رفتم و راجع به پیام ایشان در مورد مجلس خبرگان مذاکره کردیم. نگرانند که تعیین آیت‌الله منتظری به عنوان رهبر آینده، باعث عداوت و کارشکنی رقبای دیگر شود. باید با احتیاط و مراعات جوانب کار عمل شود. امروز با آقای ولایتی [وزیر امور خارجه] هم در مورد کیفیت برخورد با پیشنهاد استرالیا مبنی بر شرکت ما در شورای امنیت به امید متجاوز اعلام شدن عراق صحبت کردیم و قرار شد تا از نتایج کار مطمئن نشویم، در جلسه شورای امنیت شرکت نکنیم.

چهارشنبه ۱۵ آبان ۱۳۶۴ — ۲۲ صفر ۱۴۰۶ — 6 NOVEMBER 1985

ساعت هشت و نیم صبح به پادگان ۰۱ در قصر فیروزه برای شرکت در مراسم سر دوشی گرفتن فارغ التحصیلان لیسانس و دیپلمه تحت تعلیم رفتم. مراسم به خوبی انجام شد و من هم برای آنها صحبت کردم[2]. ساعت ده و نیم به مجلس رسیدیم و تا ساعت دو بعد از ظهر کارهای دفترم را انجام

---

۱ ـ در بخشی از این سخنرانی آمده است: "دنیا تازه متوجه گستردگی و ابعاد انقلاب اسلامی شده است. قدرتمندان و سیاستمداران دنیا، اوائل انقلاب اسلامی را با انقلاب‌های الجزایر و ویتنام مقایسه می‌کردند ولی اکنون مجبورند انقلاب ما را در کنار انقلاب‌های بزرگ جهان نظیر فرانسه و روسیه مطرح کنند. انقلاب اسلامی قابل عرضه و پذیرش برای مسلمانان و سایر مردم جهان است. سفرا و کارداران جمهوری اسلامی زبان اسلام هستند و پشتوانه اصلی شما همین حقیقت اسلام و قدرت انقلاب اسلامی است". رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۴، جلد پنجم، دفترنشرمعارف انقلاب.

۲ ـ در این روز آقای هاشمی در مراسم صبحگاه آئین تحلیف دانشجویان دوره سیزدهم آموزشگاه افسری دانشجویان استادیار وظیفه و سربازان دیپلمه در مرکز آموزش ۰۱ کادر تهران شرکت کرد و در سخنرانی خود خطاب به افسران و درجه‌داران و سربازان حاضر در مراسم ضمن برشمردن حرکات استکبار جهانی در مقابله با انقلاب اسلامی ایران گفت: "دنیای کفر و الحاد و استکبار و سلطه گر نمی‌تواند تصحیح مسیر حرکت تاریخ در منطقه را که به وسیله انقلاب اسلامی انجام گرفته است، تحمل کند و همه

(ادامه پاورقی در صفحه بعد)

دادم.

خبر رسید عراق کارخانه نورد اهواز را بمباران کرده است. عده‌ای شهید و زخمی شده‌اند و به تأسیسات هم آسیب رسیده. به فرمانده نیروی هوایی گفتم که تلافی نمایند. عصر با حضور اعضای کمیسیون برنامه و بودجه هیأت رئیسه داشتیم. پیشنهادِ دادن کمک اضافی به نمایندگان برای جبران نیازها مطرح شد ولی تصویب نشد.

اول شب آقای [مسیح] مهاجری مسئول روزنامه جمهوری اسلامی آمد و نگران بود که روزنامه را بگیرند یا خط آن را عوض کنند. اطلاع داد در جلسه گذشته شورای مرکزی حزب [جمهوری اسلامی] به جای مهندس [میرحسین] موسوی و [ابوالقاسم] سرحدی‌زاده ـ که غیبت زیاد دارند ـ علی‌البدل‌ها را دعوت کرده‌اند. از مهندس موسوی خواستم که به حزب بیاید و پذیرفته شد. آقایان نخست‌وزیر و موسوی اردبیلی، شام در مجلس مهمان من بودند. احمدآقا و آقای خامنه‌ای به خاطر مسافرت نبودند. تا ساعت یازده و نیم درباره مسائل مملکتی مذاکره و تبادل نظر کردیم.

پنجشنبه ۱۶ آبان ۱۳۶۴   ۲۳ صفر ۱۴۰۶   7 NOVEMBER 1985

تا ساعت هشت صبح در دفترم کار کردم و تا تنفس در جلسه علنی ماندم. مراجعات نمایندگان زیاد بود. معمولاً نامه‌ها و گزارش‌های زیادی توسط نمایندگان می‌رسد که وقت زیادی می‌گیرد. پیش از ظهر آقای [محمدرضا] باهنر آمد و از فشارهایی که پس از مسأله دولت و مخالفت آنها با نظر امام بر آنها وارد می‌آورند، گله داشت. گفتم که به مسائل دامن زده نشود تا فراموش شود. ظهر هم چند مراجعه از طرف نماینده‌ها داشتم و فرماندهان سپاه گیلان برای ملاقات آمدند[1].

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

امکانات را بسیج کرده تا نگذارد در این آزمایش تاریخی موفق شود. ما برای شکستن این توطئه‌ها باید بهای سنگینی بپردازیم. نیروهای مسلح، نوک پیکان دفاعی ما هستند و بهترین جوانان و نیروی انسانی ما در صفوف رزم، در پشت جبهه و سایر مراکز امداد و آموزش و تدارکات و همچنین تبلیغات، دارند این وظیفه مهم را انجام می‌دهند". رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۴، جلد پنجم، دفترنشرمعارف‌انقلاب.

۱ ـ در این ملاقات که اعضای شورای عالی فرماندهی و فرماندهان پایگاه‌های ناحیه گیلان حضور داشتند، آقای هاشمی گفت: "نقش سپاه در استان گیلان قابل اهمیت است و انقلاب همواره مرهون فعالیت‌های شماست. در اوایل انقلاب، ضدانقلاب در شهرهای شمال، حاکمیتی برای مسلمانها قائل نبود و جنگل‌های شمال نیز برای آنها امیدی ایجاد کرده بود که خیال کنند با تقلید از

(ادامه پاورقی در صفحه بعد)

عصر سروان دادبین آمد و از تصمیم باقی ماندن بخشی از ارتش در دره لولان از خاک عراق ناراضی بود؛ پیشنهاد فسخ تصمیم را داشت و از خودمحوری‌ها و عدم توجه به نظرات دیگران شکایت داشت.

آقای دعایی مسئول حزب [جمهوری اسلامی] یزد آمد. در سفارت ما در استرالیا استخدام شده و از مشکلات یزد به خاطر اختلاف علما گفت. مسئولان ستاد [برگزاری] نماز جمعه تهران آمدند و گفتند ماهانه چهار صد هزار تومان خرج نماز جمعه است که فعلاً منبع درآمدی ندارند. برای ساختن مصلی هم استمداد نمودند. قرار شد از جائی تأمین کنیم. تا ساعت هشت و نیم در مجلس کار کردم. تلفنی با آقای خامنه‌ای و آقای [میرحسین] موسوی درباره پدافند از مراکز حساس و همچنین [تعیین] دو وزیر باقی مانده کابینه صحبت کردم. سر شب به خانه آمدم.

جمعه ۱۷ آبان ۱۳۶۴ — ۲۴ صفر ۱۴۰۶ — 8 NOVEMBER 1985

[سرهنگ هوشنگ صدیق] فرمانده نیروی هوایی اطلاع داد که یک کارخانه لوله سازی و یک پادگان نظامی عراق را به عنوان تلافی، بمباران کرده‌ایم. بیشتر وقتم به مطالعه گذشت.

عصر احمدآقا آمد و راجع به برنامه مجلس خبرگان در خصوص رهبری آقای منتظری و نظر امام مذاکره کردیم. دکتر وحید [دستجردی] رئیس هلال احمر آمد. گزارش سفر به طرابلس لبنان را داد و از بدی وضع اردوگاه اسرای عراقی در مشهد گفت و برای تقویت آقای [علیرضا] مرندی - وزیر بهداری - استمداد نمود.

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

نهضت مرحوم میرزا کوچک خان، می‌توانند اسمی برای خود داشته باشند. آنها برای همجواری دو استان با شوروی‌ها برای خود حق آب و گل قائل بودند و در این مورد برنامه ریزی زیادی کرده بودند. اما پس از مدت بسیار کوتاهی دیدیم که ارزیابی آنها دربارهٔ مردم درست از آب در نیامد. آنها فکر می‌کردند با برنامه‌ریزیهای شاه و لب دریا و عیاشی‌ها و رفاه نسبی، مردم این استان‌ها با انقلاب اسلامی سازگاری ندارند. اما آنچه که به‌وقوع پیوست، عکس ارزیابی آنها بود و دیدیم که استان‌های شمال در بعضی مواقع حتی رکورد اعزام نیرو به جبهه‌ها را نیز شکستند و کار آنها خیلی با ارزش بود. آن منطقه (شمال) مثل کردستان و خوزستان یکی از نقاطی بود که ضدانقلاب به‌آن چشم دوخته بود". رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۴، جلد پنجم، دفترنشرمعارف‌انقلاب.

شنبه ۱۸ آبان ۱۳۶۴ ۲۵ صفر ۱۴۰۶ 9 NOVEMBER 1985

بعد از نماز صبح به مجلس رفتم. ساعت هفت و نیم، جلسه هیأت رئیسه مجلس خبرگان تشکیل شد. سپس به تالار رفتیم. جلسه رسمی ساعت هشت و نیم تشکیل شد. آقای مشکینی مختصری صحبت کردند وسپس نامه آقای منتظری را خواندند که با تشکر از خبرگان خواسته بودند که از انتخاب ایشان به عنوان جانشین امام در زمان حیات امام منصرف شویم.

بحث‌ها شروع شد. احمدآقا اطلاع داد که امام به آقای محمدی [گیلانی]گفته‌اند موضوع پیام را پیگیری نکنند. هم در جلسه صبح و هم در جلسه عصر در این باره بحث کردیم و در تنفس‌ها به مشورت پرداختیم و سرانجام بعداز نماز مغرب با بیش از دو سوم حضار تصویب شد که آیت‌الله منتظری، مصداق صدر اصل ۱۰۷ قانون اساسی هستند؛ یعنی از طرف مردم به مرجعیت و رهبری برای بعد از امام پذیرفته شده‌اند.

ظهر آقای [واعظ] طبسی در دفتر من برای صرف ناهار و گفتگو آمد. راجع به مسائل اختلاف خطوط و لزوم برطرف کردن اختلاف‌ها و لزوم هماهنگی من و آقای خامنه‌ای در مسائل اساسی مذاکره کردیم.

ایشان برای تأمین شهریه آقای منتظری در مشهد که درگذشته‌ها از طرف اوقاف داده می‌شده و اخیراً قطع شده، استمداد کردند. همچنین راجع به استرداد هتل هایت [آزادی] از بنیاد مستضعفان به آستان قدس رضوی که در زمین وقفی و با خرج آستانه در زمان شاه ساخته شده و به مبلغ ۵۵ میلیون تومان به بنیاد پهلوی واگذار گردیده کمک خواست.

در تنفس آقای فیض گیلانی گفت که آقای [سیدمرتضی] پسندیده [برادر بزرگ امام خمینی] خیلی عصبانی است. چون حکم استرداد زمینهایش در خمین توسط آقای [موسوی] خوئینی‌ها [دادستان کل کشور] راکد شده و فرزندش رضا را بازداشت کرده‌اند و از خانه اخراج نموده‌اند. آقای پسندیده می‌خواهد شکایت کند و اعلامیه بدهد. شب از احمدآقا خواستم که آمد منزل ما و راجع به این موضوع صحبت کردیم. قرار شد حق شرعیش پرداخت و دلجویی شود. احمدآقا خبر داد که روز دوشنبه به خبرگان وقت ملاقات با امام داده شده است.

یکشنبه ۱۹ آبان ۱۳۶۴ ۲۶ صفر ۱۴۰۶ 10 NOVEMBER 1985

پیش از ظهر جلسه علنی مجلس شورای اسلامی و بعد از ظهر جلسه مجلس خبرگان داشتیم. تا

ساعت ده صبح در جلسه ماندم. پیش از ظهر آقایان [سرهنگ مصطفی] ترابی و [ناخدا ملک‌زادگان] فرمانده نیروی دریایی آمدند و راجع به عملیات آینده و هماهنگی با سپاه مطالبی داشتند. قرار شد هماهنگی را برقرار کنم.

در جلسه مجلس خبرگان متن عبارت رهبری آیت‌الله منتظری مطرح بود. بالاخره پس از بحث زیاد، پیشنهاد آیت‌الله خامنه‌ای با اصلاحات جزئی به تصویب رسید. ایشان به عنوان منتخب مردم برای جانشینی امام و مورد تأیید مجلس خبرگان معرفی شدند. قرار شد متن مصوبه به امضای همه اعضای مجلس برسد.

شام مهمان آقای خامنه‌ای بودیم. چند نفری از شخصیتهای خبرگان هم بودند. بحث جلسه درباره لزوم کنترل حوزه‌های علمیه بود که افراد ناباب و جاسوسها نفوذ نکنند. شب به خانه آمدم.

دوشنبه ۲۰ آبان ۱۳۶۴ — ۲۷ صفر ۱۴۰۶ — 11 NOVEMBER 1985

تا ساعت هشت و نیم صبح در خانه کار کردم. همراه با نمایندگان مجلس خبرگان خدمت امام رسیدیم. آقای مشکینی صحبت کرد و از نواقص کار حوزه علمیه قم، وجود طلاب ضد انقلاب و شیوع روحیه‌های غیر مخلصانه و... گفت ولی امام گفتند که حوزه قوی است و نباید منفی بافی کرد. دفتر امام خبر را خیلی مختصر به رسانه‌ها دادند[1].

راجع به انتخاب آقای منتظری، آقای مشکینی با اشاره گفت و امام چیزی نگفتند و به خاطر جلوگیری از تحریک علما به رسانه‌ها هم ندادیم. پیش از ظهر به مجلس رفتم ولی در جلسه علنی شرکت نکردم. آقای [سیدرضا] زواره‌ای آمد و گفت روز جمعه گذشته منزلش را دزد زده است. تا شب در دفترم کار کردم و شب به خانه آمدم.

سه شنبه ۲۱ آبان ۱۳۶۴ — ۲۸ صفر ۱۴۰۶ — 12 NOVEMBER 1985

مقداری مطالعه کردم. پیامی برای چهارمین یادواره علامه طباطبائی ارسال کردم که در مراسم

---

۱ ـ متن سخنرانی حضرت امام(ره) در جمع اعضای مجلس خبرگان در کتاب "صحیفه امام" درج نشده است.

افتتاحیه خوانده شود[1]. ظهر بستگان مهمان بودند. آشیخ محمد [هاشمیان] پیش از ظهر آمد و راجع به مسائل اوایل مبارزات صحبت کرد. شب با آقای خامنه‌ای درباره جنگ و روابط با لیبی و سوریه و دو وزیر جدید، تلفنی صحبت کردیم. چند روزی است که عراقی‌ها تجاوزی ندارند؛ علت مبهم است.

چهارشنبه ۲۲ آبان ۱۳۶۴ ۲۹ صفر ۱۴۰۶ 13 NOVEMBER 1985

دیشب باران زیادی باریده و باعث خوشحالی است. امسال از اول سال تاکنون، کم باران داشته‌ایم. ساعت هشت صبح به مجلس رفتم. آقای جمی [امام جمعه آبادان] از آبادان آمد و خواستار لایروبی بهمن شیر برای عمران آبادان شد. مسئول امور نقلیه مجلس آمد و گزارش کار داد.

آقای [حسین] کمالی آمد و گزارش سفر هیأت کارگری به چین به دعوت اتحادیه کارگران را داد. آقای [حسین] موسویان [مدیر امور اداری مجلس] آمد و مشکلات اداری مجلس و ناهماهنگی کارپردازی و هیأت سه نفری ناظر را گفت. کار اداری مجلس با این سازمان موجود مشکل است.

رئیس دانشگاه تربیت معلم و جمعی از استادان آمدند و از مزاحمت‌های تحکیم وحدت و انجمن‌های اسلامی شکایت کردند واز توسعه دانشگاه وپذیرش بیشتر دانشجو خبر دادند.

آقای خلیق از لبنان آمد و گزارش وضع لبنان و پیشنهاد تشکیل اجلاس علمای لبنان را در تهران داد. علمای اسلامی لبنان دارند کم‌کم در مقابل سوریه قرار می‌گیرند که قصد حفظ نظام طائفی لبنان را دارد.

عصر مسئولان [شرکت] مترو تهران آمدند و گزارش کار دادند. شرکتهای [پیمانکاری] داوطلب، قیمتهای مناسبی پیشنهاد کرده‌اند. دکتر جاسبی آمد و گزارش وضع دانشگاه آزاد اسلامی را داد. امسال حدود ۲۴ هزار دانشجوی تمام وقت و ۴۰ هزار دانشجوی پاره وقت می‌پذیرند. مشکلات در مسأله سربازی و مدرک [فارغ التحصیلی] است. این توسعه سریع حتماً بدون نقص نیست. آقای حکیم از قرارگاه رمضان آمدند. بر سر عملیات در داخل خاک عراق توافق نداشتند.

---

۱ ـ متن کامل این پیام در ضمیمه همین کتاب به چاپ رسیده است.

مذاکرات شد و توافق حاصل شد. قرار شد آقای حکیم، افرادی معرفی کند و قرارگاه امکانات را بدهد.

آقازاده تلفنی اطلاع داد که فروش نفت بالا رفته و آمریکایی‌ها باز هم تحویل اقلام را به تأخیر انداخته‌اند و گفته‌اند در کشور ثالثی این اقلام با گروگانها هم زمان معامله شوند. گفتم بگویید ما قبل از اینکه اولین قلم را تحویل بگیریم، نمی‌توانیم اقدامی بکنیم؛ آنها در اختیار ما نیستند و پس از اطمینان از صداقت آمریکا، برای شناسایی و عمل اقدام می‌کنیم.

شب با آقایان خامنه‌ای، ولایتی و موسوی، مهمان آقای [موسوی] اردبیلی بودیم. بیشتر درباره سیاست خارجی و کیفیت همکاری با سوریها و لیبیایی‌ها و جنوب خلیج‌فارس صحبت شد. قرار شد آقای ولایتی [وزیر امور خارجه] برای جلوگیری از نزدیکی اردن و عراق با لیبی و سوریه، به سه کشور سوریه و لیبی و الجزایر سفر کند، سپس به عربستان برود. دیر وقت به خانه آمدم. گزارش‌ها را خواندم.

پنجشنبه ۲۳ آبان ۱۳۶۴ — ۱ ربیع الاول ۱۴۰۶ — 14 NOVEMBER 1985

در منزل بودم. پیش از ظهر گزارشی از مسائل ضدانقلاب خارج کشور خواندم. ظهر اطلاع دادند عراق به کارخانه نورد اهواز و جزیره خارک حمله کرده و خساراتی وارد شده.

عصر آقای ری‌شهری [وزیر اطلاعات] آمد. اطلاع داد توطئهٔ مشترک عراق و ضدانقلاب برای ترور من و آقای خامنه‌ای کشف شده و ضربه‌ای کاری به [چریک‌های فدایی] اقلیت وارد شده. درباره نیازهای [وزارت] اطلاعات و مطالب دیگر گفت. عصر و شب به خواندن گزارش‌ها پرداختم و با آقایان رئیس‌جمهور و نخست‌وزیر درباره پدافند و [مسأله تعیین] وزرا صحبت کردم.

جمعه ۲۴ آبان ۱۳۶۴ — ۲ ربیع الاول ۱۴۰۶ — 15 NOVEMBER 1985

ساعت ده و نیم صبح برای اقامه نماز جمعه به دانشگاه تهران رفتم[1]. به خاطر اطلاعات رسیده

۱ ـ در خطبه اول ادامه بحث ازدواج در اسلام و مسأله استقلال خانم‌ها و حدود آن در فقه اسلامی دنبال شد. در خطبه دوم نیز (ادامه پاورقی در صفحه بعد)

در مورد توطئه ترور، اسکورت آرایش جدیدی داشت. یک هزار و پانصد رزمنده داوطلب به عنوان «کاروان کربلا» در مراسم نماز شرکت داشتند و از آنها تجلیل زیاد شد.

عصر آقای خامنه‌ای اطلاع دادند که به تلافی تجاوز دیروز عراق، یک کارخانه سیمان را در سلیمانیه عراق زده‌ایم. عفت امروز به قم رفت و شب برگشت و مهدی غذا تهیه و از من پذیرایی می‌کرد. مهدی و یاسر با هم تکالیف مدرسه را انجام می‌دادند.

شنبه ۲۵ آبان ۱۳۶۴ ۳ ربیع الاول ۱۴۰۶ 16 NOVEMBER 1985

در منزل بودم و بیشتر وقتم به مطالعه گذشت. پیش از ظهر شورای سرپرستی [صدا و سیما] جلسه داشت. در این جلسه تشکیلات صدا و سیما و مسأله سربازی فارغ‌التحصیلان دانشکده صدا و سیما مورد بحث بود. ظهر همشیره طیبه و بستگان مهمان بودند. اخوی محمد خبر داد حاجیه والده در بهرمان نوق رفسنجان زمین خورده ولی به خیر گذشته است.

عصر آقای آشتیانی نماینده امام در ژاندارمری آمد و از عقب افتادن حقوق فوق‌العاده جنگی سربازان گفت و برای هماهنگی تبلیغات در کردستان کمک خواست. آقای معادیخواه آمد و برای مطالعه پرونده سران طاغوت، برای تکمیل کار تدوین تاریخ انقلاب کمک خواست. آقای رفیق‌دوست و احمد وحید آمدند و گزارش خرید اسلحه از چین و همچنین مقدمات کار عملیات آینده را دادند.

نامه‌ای هم از آقای [محسن] رضایی آمد که به نوعی خبر از تأخیر عملیات و احتمالاً عدم انجام آن می‌دهد؛ ناراحت شدم. فرماندهان بالای سپاه، [غلامعلی] رشید و رحیم [صفوی] موافقت ندارند. آقای ترابی [مسئول دفتر مشاورت امام در ارتش] تلفنی گفت گروه جدید چینی که برای انعقاد قرار داد فروش سلاح آمده‌اند، مدعی‌اند، ماموریت دارند کار را تمام کنند. امروز هم یک کشتی و دو مخزن نفت در خارک و بهرگان هدف حمله قرار گرفته است.

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

مطالبی پیرامون جنگ اقتصادی قدرتهای بزرگ با جمهوری اسلامی، موضوع تثبیت انقلاب اسلامی، تغییر جهت تبلیغاتی آمریکا و اهمیت حضور گسترده مردم در جبهه‌های جنگ مطرح گردید.



مجلس شورای اسلامی

یکشنبه ۲۶ آبان ۱۳۶۴ ۴ ربیع الاول ۱۴۰۶ 17 NOVEMBER 1985

اول وقت به مجلس رفتم. در جلسه علنی لایحه حدود فعالیت بخش خصوصی مطرح بود، اما پیشرفت نکرد. مطالب خام و ناپخته‌ای دارد. انتخابات اعضای [مجلس در] شورای سرپرستی صدا و سیما را داشتیم که تمام نشد. عضو علی البدل انتخاب شد و عضو اصلی به مرحله بعد افتاد.

ظهر در دفترم عقد ازدواج یک پاسدار را بستم و به گزارش آقای [اکبر] پرهیزکار کارپرداز مجلس گوش دادم. عصر آقازاده [وزیر نفت] آمد. گزارش وضع نفت و خارک و برنامه‌هایش را داد. آقای [حمید] میرزاده ـ که به جای آقازاده، معاون نخست‌وزیر در امور اجرایی شده ـ آمد و مشورت کرد. گروهی از دانش‌آموزان ساوه آمدند. برای آنها صحبت کردم و تشویق به تحصیل و تربیت اسلامی نمودم[1].

سفیر استرالیا در تهران آمد و از توسعه روابط دو کشور گفت و ما را تشویق به تماس بیشتر با اعضای شورای امنیت سازمان ملل کرد. من هم ازموارد نقض اصول بین‌المللی از طرف عراق و از لزوم دفاع استرالیا از اصول بین‌المللی به خاطر ریاست شورای امنیت گفتم[2].

در جلسه شورای مرکزی حزب [جمهوری اسلامی] شرکت کردم. بحث بر سر مدیریت روزنامه جمهوری اسلامی بود که مذاکرات به تلخی گرائید. شب با آیت‌الله خامنه‌ای درباره جنگ و

---

۱ ـ در این دیدار جمعی از دانش‌آموزان مجتمع آموزش دانشسرای تربیت معلم روستایی و مدرسه راهنمایی شبانه روزی شهید بهشتی بخش خرگان ساوه حضور داشتند. در این دیدار یکی از مسئولین این مجتمع آموزشی توضیحاتی در مورد شرایط ثبت نام دانش‌آموزان و نحوه ادامه تحصیل آنان ارائه کرد. آنگاه آقای هاشمی طی سخنان کوتاهی ضمن تشکر از حضور این دانش‌آموزان در مجلس شورای اسلامی، آنان را فرزندان خوبی نامید که مسیر خوبی را انتخاب کرده‌اند و اظهار امیدواری کرد که نظیر چنین مدارسی در سراسر کشور گسترش یابد تا فرزندان کشور در روستاها از تحصیل محروم نشوند. آقای هاشمی در پایان خطاب به دانش‌آموزان تأکید کرد: "شما که عموماً از قشر مستضعف این کشور و صاحبان انقلاب هستید، باید از این فرصت و امکانات به نحو احسن استفاده کنید و شرطش این است که در تحصیل علم کوشا باشید و اگر در تحصیل موفق باشید، کلید تربیت نسل آینده را در دستهای خود خواهید داشت".

۲ ـ سفیر استرالیا در این ملاقات ضمن بر شمردن مواضع کشورش در قبال جنگ تحمیلی و محکوم کردن جنایات عراق در نقض اصول بین‌المللی از سوی دولت متبوعش با توجه به اینکه استرالیا ریاست ادواری شورای امنیت را برعهده دارد، نظرات آقای هاشمی را در قبال این شورا جویا شد و اظهار داشت: "استرالیا همه تلاش خود را به کار می‌بندد تا مادامی که عضو آن شورا است نظرات جمهوری اسلامی ایران را به شورای امنیت منعکس نماید". آقای هاشمی در پاسخ اظهار داشت: "در شرایط حاضر که ریاست شورای امنیت با استرالیا می‌باشد، ما انتظار داریم که شما از اصول بین‌المللی دفاع کنید. دفاع از اصول به معنای دفاع از یک طرف نیست. ما در دوران جنگ هیچگاه اصول بین‌المللی را نقض نکرده‌ایم. رژیم عراق جنگ را در بدترین شرایط بعد از انقلاب به جمهوری اسلامی تحمیل کرد و قرارداد الجزایر را زیر پا گذاشت".

فرماندهی نیروی هوایی و مسائل اختلاف خطی جاری بحث کردیم. قرار شد بحث را ادامه دهیم.

دوشنبه ۲۷ آبان ۱۳۶۴ ۵ ربیع الاول ۱۴۰۶ 18 NOVEMBER 1985

پیش از ظهر خدمت امام رفتم. گزارش وضع جبهه و سپاه و ارتش را دادم. امام از سخنان پیش از دستور نمایندگان در مورد سرزنش ادارات و مجریان ناراضی بودند و پیغام دادند که نماینده‌ها این قدر بدگویی نکنند؛ مخصوصاً از اتهام رشوه و رابطه به جای ضابطه که موارد نادری دارند و زیاد گفته می‌شود و خوراک به دشمنان می‌دهد.

تلفنی با نخست‌وزیر درباره کمک به نماز جمعه تهران، وزرای جدید و با آقای رئیس‌جمهور درباره مقابله به مثل در زدن کشتی‌ها صحبت کردم. آقازاده اطلاع داد که یک کشتی در اسکله تی جزیره خارک موشک خورده است.

شب آقای شمخانی آمد. گزارش خوش بینانه‌ای از عملیات آینده داد و برای رفع مشکل اختلاف با بسیج کمک خواست و برای مهندسی جبهه‌ها، هزار دستگاه کمپرسی خواست. به نخست‌وزیر گفتم کمک کنند. به [آقای روغنی زنجانی] وزیر برنامه وبودجه گفتم عقب افتادگی فوق‌العاده جنگی رزمندگان را تأمین نماید.

آقای محمد علی انصاری آمد و راجع به اختلافات خطی کرمان مشورت کرد. از پیرانشهر آقای قادری، نماینده مجلس، اطلاع داد که سمیناری توسط ضدانقلاب در نقطه‌ای مرزی منعقد شده است. آخر وقت قرارگاه حمزه اطلاعات دقیق‌تری را داد و معلوم شد امروز آخر این سمینار بوده است.

سه شنبه ۲۸ آبان ۱۳۶۴ ۶ ربیع الاول ۱۴۰۶ 19 NOVEMBER 1985

ساعت هفت و ربع به مجلس رسیدم. در گزارش‌ها مطلب مهمی نبود. در جلسه علنی، لایحه حدود فعالیت بخش خصوصی مطرح بود. در انتخاب عضو اصلی [مجلس در] شورای سرپرستی

صداوسیما، اختلاف نظر در معنای آئین نامه پیش آمد[1]. ظهر آقای سخائی ـ سفیرمان در قطر ـ آمد و اطلاعاتی در مورد شیخ نشینها داد و در اموری مشورت کرد.

عصر آقای دکتر جزایری آمد و از فشاری که مخالفان دکتر مرندی [وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی] بر او می‌آورند شکایت داشت وخبر از تشکیل کانون اسلامی پزشکان در مقابل نظام‌پزشکی داد. آقای رفیق‌دوست آمد و از پیشرفت معامله با چین گفت[2].

در جلسه شورای عالی انقلاب فرهنگی شرکت کردم. رؤسای دانشگاه‌های مشهد، کرمان و الزهرا تصویب شدند و درباره انضباط دانشگاه‌ها و تقویت مدیریت و مواخذه اغتشاش‌گران در مجتمع هنرهای زیبا بحث شد. سپس درباره استفاده از دانشمندان فاقد مدرک در دانشگاه‌ها بحث شد.

بعد از جلسه با آقای خامنه‌ای درباره جنگ و مسأله عبورکشتی‌های فرانسه از تنگه هرمز ـ که از ما خواسته‌اند، متعرض آنها نشویم ـ صحبت شد. ساعت هشت به خانه آمدم. از آقای صیاد [شیرازی] احوالپرسی کردم. او در بازدید از خط مقدم در اثر انفجار نارنجک، به طور سطحی مجروح شده است.

چهارشنبه ۲۹ آبان ۱۳۶۴ — ۷ ربیع الاول ۱۴۰۶ — 20 NOVEMBER 1985

ساعت هشت و نیم به مجلس رسیدم. تا ظهر یکسره ملاقات داشتم. مدیران [برگزاری] هفته

---

۱ ـ آقایان اسدالله بیات با ۸۱ رأی و اسماعیل فدایی با ۷۶ رأی به عنوان نمایندگان قوه مقننه در شورای سرپرستی صدا و سیما انتخاب شدند.

۲ ـ خبرگزاری فرانسه در این خصوص اعلام کرد منابع موثق در پکن اظهار داشتند چین و ایران پیرامون فروش احتمالی موشکهای زمین به زمین ساخت چین به‌ایران مذاکراتی انجام داده‌اند. همین منابع افزودند مسئولان چین و ایران در ماه‌های ژوئن و ژوئیه سال جاری مسیحی در سفارت ایران در پکن و در وزارت دفاع چین دیدار و پیرامون شرایط چین برای فروش احتمالی موشکهای اسکاد «ای ـ ای و ای ـ بی» بحث وگفتگو کرده‌اند. این موشکها دارای بردی معادل ۱۳۰ الی ۲۷۰ کیلومتر می‌باشد. موشکهای مذکور نوعی موشک تاکتیکی با سوخت مایع است که توسط شوروی اختراع و در سالهای دهه شصت ساخته شد. این در حالی است که چین هنوز به تولید این نوع موشکها ادامه می‌دهد. در محافل دیپلماتیک غربی گفته می‌شود که علیرغم اینکه موشکهایی با تکنولوژی پیشرفته‌تر ساخته شده‌اند، موشکهای اسکاد از قدرت تخریبی زیادی برخوردار بوده و قادر است یک خرج شیمیایی را حمل کند. منابع یاد شده همچنین تصریح کردند که اولین دور مذاکرات پیش از ورود آقای هاشمی رفسنجانی رئیس پارلمان ایران به پکن که در تاریخ نهم ژوئن صورت گرفت انجام شده است. مذاکره کنندگان در پی دومین سری مذاکرات خود ابراز رضایت کردند. در این مذاکرات از آن زمان تاکنون پیشرفت‌های سریعی حاصل شده است.

بسیج مستضعفان آمدند. گزارش دادند و من برای آنها صحبت کردم[۱]. اعضای اتاق بازرگانی آمدند و درخواست شفاعت پیش دولت برای همکاری بیشتر با اتاق را داشتند. چند نفر از کارکنان مجلس آمدند.

آقایان ریاضی و ترابی آمدند. گزارش مذاکره با هیأت چینی را دادند. به نظر می‌رسد سیاست کج‌دار و مریز دارند. عصر هیأت رئیسه مجلس جلسه داشت. نامهٔ امام در جلسه خوانده شد[۲]. درباره

---

۱ ـ در این ملاقات که سرپرست واحد بسیج مستضعفین سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به همراه اعضای ستاد برگزاری مراسم هفته بسیج حضور داشتند، آقای هاشمی گفت: "در آغاز پیروزی انقلاب اسلامی کسی نمی‌توانست پیش بینی کند کشورما تا بدین حد که امروز به همکاری بسیج در زمینه‌های مختلف نیازمند است، احتیاج داشته باشد. آثارکار بسیج را ما در تمامی جامعه خود می‌بینیم و در جنگ و درکل نظام جمهوری اسلامی به تاثیرات نقش این حضور، هر روزکه به پیش می‌رویم بیش از پیش واقف می‌شویم. بسیج یک تجربه جدید در تمامی انقلاب‌های جهان بوده بعضاً از نیروهای مردمی استفاده می‌کردند، ولی هیچ انقلابی را سراغ نداریم که تا این اندازه نیروهای خارجی و عوامل داخلی وابسته، با آن به ستیز برخیزند، اوضاعی که ایران با آن مواجه شد، اگر در هر کشوری، به خصوص آن دسته ازکشورهایی که به انقلاب دست زده‌اند پیش می‌آمد، معمولاً و براساس تجربه‌ها آن انقلاب به شکست منتهی می‌شد، این تجربه در ایران با وجود تمامی توطئه‌های داخلی و خارجی تکرار نشد و این را کشور ما مدیون عوامل زیادی می‌داند که نقطه قوتش بسیج بود. کارهای عمرانی و مبارزه با عوامل فساد از جمله کارهایی است که بسیج می‌تواند درکمک برای حل و انجام آنها، نقشی مؤثر و مفید را ایفا کند". رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۴، جلد پنجم، دفترنشرمعارف‌انقلاب.

۲ ـ در نامه امام خمینی (ره) آمده است: بسمه تعالی، جای بسی تأسف است که مجلس محترم شورای اسلامی، که اولی به حفظ آبروی جمهوری اسلامی است، و در حال حاضر که جهان استکبار و بستگانشان بر ضد اسلام و مصالح کشور اسلامی کوشش بی‌وقفه دارند، در نطق‌های مجلس ناخود آگاه یا خدای نخواسته با آگاهی و برای اغراض غیر انقلابی کوشش در پخش مطالبی مربوط به دولت و ادارات دولتی می‌کنند که در پیش شنوندگان بیخبر انعکاس آن، چنان مأیوس کننده است که گویی ادارات دولت اسلامی به طور دسته جمعی مشغول غارت مردم و رشوه گیری و دزدی و مخالفت با توده‌های ضعیف وکاغذبازی و رفیق‌بازی و هزاران جنایت دیگر هستند و هر کس این مسائل را می‌شنود و بیخبر است گمان می‌کند نزدیکی به ادارات دولتی بی‌رشوه دادن و بدون رابطه، غیر مجاز است. و این امر باعث سستی مردم بعض مناطق کشور در شرکت در نماز جمعه و در جبهه‌ها شده است، که اخبار آن به اینجانب می‌رسد. آقایان می‌دانند که اگر در یک اداره بعض اشخاص تخلفاتی داشته باشند و به طور عمومی به کارمندان و ادارات دولتی نسبت ناروایی دهند، ارتکاب معصیت کبیره شده و در پیشگاه خداوند جواب لازم دارد. اگر بعض آقایان تحت تأثیر تبلیغات فاسد قرار گرفته‌اند و بدون تحقیق مطالبی آنچنان تند و بیحساب بگویند، با دست خود تیشه به ریشه انقلاب و بالاخره اسلام می‌زنند. اینجانب نصیحت به آقایان را از حقوق برادری ایمانی می‌دانم. و تأکید می‌کنم که در مسائلی که به حیثیت جمهوری اسلامی لطمه می‌زند و آبروی قشر بسیار زحمتکش را ـ که با حقوق ناچیز کار می‌کنند ـ می‌ریزد و ملت را به دولت خدمتگزار و ادارات مظلوم بدبین می‌کند و ممکن است انعکاس آن موجب شکست سیاسی بلکه نظامی برای کشور اسلامی باشد، به مجرد گزارشهای فاسد و غرض آلود مشتی شکست خورده طرح این مسائل را نکنید و وجهه جمهوری اسلامی و اسلام را مشوه جلوه ندهید. بلکه به حسب موازین شرعیه، اگر کسی مطلع باشد که یک نفر مشخص خلاف کرده و مُتَجاهِرِ به فسق نباشد، افشای آن فسق مخالف شرع است. و اگر در ادارات یا جای دیگر کسی مرتکب گناهی شد، نباید در ملا عام افشا نمود؛ بلکه باید به محاکم صالح و مقامات ذی‌ربط اطلاع داد تا جلوگیری و مجازات شود. و مجرد وکالت، مصحح خلاف شرع نیست.

(ادامه پاورقی در صفحه بعد)

اختلاف نظر نمایندگان در آئین نامه انتخاب اعضای شورای سرپرستی صدا و سیما بحث کردیم و به نتیجه خوبی رسیدیم.

اول شب آقایان [علی] شمخانی و [رحیم] صفوی آمدند و گزارش عملیات آینده را دادند. آقایان [موسوی] اردبیلی و نخست‌وزیر مهمان من بودند. درباره سیاست روابط با شوروی و مسأله افغانستان بحث شد. قرار شد به سفارتمان در پاکستان بگویم که در جواب پیشنهاد شوروی در مورد تحسین روابط، جواب مساعد بدهد. درباره بودجه و جنگ و کارهای دیگر بحث شد.

آقای خامنه‌ای از زنجان تلفنی تماس گرفتند و گفتند به خاطر خستگی سفر، روز جمعه نمی‌توانند اقامه [نماز] جمعه کنند. از آقای امامی کاشانی خواستم که [نماز جمعه را] اقامه کنند.

آقازاده [وزیر نفت] تلفنی اطلاع داد که منبع عظیم نفت سنگین در بوشهر کشف شده که احتمالاً بین ۲۰۰ تا ۵۰۰ میلیارد بشکه نفت دارد. تأکید کردیم که خبر آن منتشر شود. اخوی احمد و یک نفر کارشناس محیط زیست آمدند و از رفع مشکل ساختمان کارگران مس سرچشمه و به راه افتادن کوره دوم ذوب مس توسط ایرانی‌ها گفتند. دیر وقت خوابیدم.

پنجشنبه ۳۰ آبان ۱۳۶۴ — ۸ ربیع الاول ۱۴۰۶ — 21 NOVEMBER 1985

نامه‌ای از امام به مجلس رسیده بود که از انتقادها و عیب زدن‌های بی حساب به مجریان در نطقهای قبل از دستور نمایندگان به سختی ابراز نارضایتی کرده بودند. پیش از شروع جلسه [آن را] خواندم و مقداری توضیح دادم. در عین حال نماینده بابل در نطق خود تندروی کرد که مورد اعتراض نمایندگان قرار گرفت. دستور جلسه همان لایحه حدود فعالیت بخش خصوصی بود که

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

شما ملاحظه کنید که برای ملاقات این دو نفر مستکبر جهانخوار، که خود را در جوامع مستضعفین و ملتها شکست خورده می‌بینند، چندین ماه است چه تبلیغات وسیعی می‌کنند که دنیا را اغفال کنند و شکست سیاسی خود را جبران نمایند، و بر دنیا تحمیل کنند که جز در پناه این دو قدرت نمی‌توان زندگی کرد. و ما که کشورمان از آن فسادها و فحشاها و چپاولگریها و وابستگیها با تأیید خدای تعالی و همت ملت بزرگوار خود و انقلاب را می‌کنیم. و به این صلاح و سداد نخواهید یافت، با دست خود گور خود و انقلاب را می‌کنیم. و بالاخره چرا دیگران در باطل خود متفقند، و ما در حق خود متفرق. من با کمال تأییدی که از مجلس محترم می‌کنم، میل دارم این مجمع اسلامی، معلم اخلاق و آداب اسلامی باشد؛ و انتقادات این نحو زننده نباشد که در بوقهای تبلیغاتی خارج بهانه بیشتری برای شایعه سازی شود. خداوند به همه آقایان توفیق دهد. والسلام علیکم و رحمت‌الله. ۶ ربیع‌المولود ۱۴۰۶ روح الله الموسوی الخمینی. رجوع کنید ← "کتاب صحیفه امام، جلد نوزدهم، صفحه ۴۲۲، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره).

پیشرفت نکرد. با اینکه جمعی از نمایندگان تقاضای تفسیر آئین‌نامه داشتند، اعلام کردم اعضای شورای سرپرستی صدا وسیما انتخاب شده‌اند.

بعد از تنفس به دفترم آمدم. فرمانداران شهرهای خوزستان آمدند و راجع به اوضاع خوزستان گزارش دادند. سلمانی برای اصلاح آمد. ظهر پدر دو شهید آمد. صد هزار تومان برای جبهه داد و من یک ساعت ـ که سوغاتی رسیده بود ـ به او هدیه دادم. شغلش جوشکاری است. خیلی روحیه بالایی داشت.

نماینده سلسله و دلفان آمد و برای مدرسه علمیه آنجا کمک خواست. آقای فاضل هرندی که از طرف من عازم شرکت در کنفرانس صحرا در پاریس است، آمد و راجع به مطالب مشورت کرد و گفت فرانسه از دادن ویزا به هیأت خودداری می کند. عصر یک خلبان آمد و از سیاست حاکم بر نیروی هوایی شاکی بود.

جمعی از اهالی گناباد آمدند و نیازهای شهر را گفتند. از مجله زن روز آمدند[1] و در مورد بحث‌های خطبه‌های جمعه مصاحبه کردند. اول شب آقای شمخانی آمد و راجع به جنگ و عملیات آینده صحبت کردیم. تا ساعت هشت در دفترم کار کردم و سپس به خانه آمدم.

۱ ـ در بخشی از این مصاحبه آمده است: امروز خانمها با چادرهایی که همیشه علامت نجابت و عفت و پاکی در کشور ما بوده منتهی به خاطر آن افکار در حالت انزوا به سر می‌برده، اسلحه بدست و شعار جنگ بر زبان، در کنار برادران پاسدار و بسیجی شان دوره می‌بینند تا بقیه خواهران را نیز تعلیم دهند. در مورد خانمها، آن شکل بسیار غلطی بود که ما فکر کنیم مسئولیتشان منحصر بشود در داخل خانه به تربیت بچه‌ها، شستن لباس، پختن غذا و جاروکردن برای مردان. البته اینها هم جزو وظایف هست، همان طور که مردها هم جزو وظایفشان هست که در خدمت خانمها و خانواده باشند و زندگی آنها را تأمین کنند، اما نه مسئولیت مردها به آن تمام می‌شود و نه مسئولیت خانمها به این. رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، مصاحبه‌های سال ۱۳۶۴، جلد پنجم، دفتر نشر معارف انقلاب.

آذر ۱۳۶۴



جمعه ۱ آذر ۱۳۶۴ ۹ ربیع الاول ۱۴۰۶ 22 NOVEMBER 1985

در منزل بودم و کار زیادی نداشتم. بیشتر وقتم به مطالعه نوشته‌های آقای منتظری درباره حکومت اسلامی گذشت[1]. مسئول محافظان سپاه آمد و راجع به کم کردن محافظان شخصیت‌ها و پس گرفتن ماشین‌های بنز گفت. به آقای رئیس‌جمهور تأکید کردم که مسأله دو وزیر باقی مانده را زودتر تمام کنند.

شب [آقای حسین مرعشی] استاندار کرمان آمد و گزارش مخالفت آقای احمد توکلی و عکس‌العمل جمعی از روحانیون به نفع استاندار را داد و درباره لزوم تقویت صنعت فرش و صنایع چینی و روستاها مذاکره شد. آقای آقازاده [وزیر نفت] تلفنی اطلاع داد که قرار است فردا موشک‌های هاگ جدید با سه پرواز وارد شود. با اینکه خیلی بعید است ولی اگر وارد شود، تحولی در امر جنگ و مناسبات بین‌المللی است.

با آقای ری‌شهری [وزیر اطلاعات] درباره مسائل امنیتی کشور صحبت کردم. ایشان اطلاع داد که در شناسائی تیم ترور من پیشرفتهای زیادتری شده و تاکنون ۲۵ نفر [از عاملان آن] شناسایی شده‌اند.

شنبه ۲ آذر ۱۳۶۴ ۱۰ ربیع الاول ۱۴۰۶ 23 NOVEMBER 1985

در منزل بودم. به خاطر فوت ابوی آقای سید محمد هاشمی، جلسه شورای سرپرستی [صداوسیما] تشکیل نشد. ناهار بستگان عفت مهمانمان بودند. شب آقای محسن رضایی آمد و طرحهای عملیاتی را توضیح داد. باز هم انجام عملیات را تأخیر انداخته‌اند که تا حدودی منطقی است. درباره بودجه و مسائل دیگر سپاه هم صحبت شد.

شب عفت مهمان بود. من، یاسر و مهدی شام خوردیم. مهدی کباب درست کرد. آقای آقازاده [وزیر نفت] اطلاع داد که ترکیه به هواپیماهایی که قرار بود موشک‌های هاگ را بیاورند، هنوز اجازه عبور نداده است.

۱ـ کتاب "دراسات فی ولایت فقیه" آیت‌الله منتظری، از منابع علمی اصلی درخصوص مباحث حکومت اسلامی و نظریه ولایت فقیه محسوب می‌شود و در مراکز دانشگاهی و مطالعاتی مورد استفاده قرار می‌گیرد. آیت‌الله منتظری در نظریات تکمیلی خود، اعتقاد به وکالت ولی‌فقیه دارند.

کیهان

۲۴ صفحه

شنبه ۳ آذر ۱۳٦٤ ـ ۱۰ ربیع‌الاول ۱٤۰٦ ـ ۲۳نوامبر ۱۹۸۵ ـ شماره ۱۳٦۰۱ ـ تکشماره ۲۰ ریال

...الاسلام امامی ـ
هفته وحدت، هفته
...مسلمانان جهان
...پیامبر اکرم است

صفحه ۲۲

ریگان و گورب...
۱۳ مورد به توافـ...

ژنوـ سوئیس ـ یونایتدپرس: بدنبال پایان کنفرانس ژنو با شرکت ریگان و گورباچف، اعلام شد با اینکه دو کشور آمریکا و شوروی بـــرای جلوگیری از بروزجنگ هسته‌ای با یکدیگر همکاری خواهند کرد، ولی «اختلافات جـ... لاینحل باقی مانده و ... هیچکدام در قبال «جـ... سازگان» تغییر نیافته اسـ...

ریگان و گورباچف ... رابطه با ادامه مذاکرات... در آینده به توافق رسیـ...

حجت‌الاسلام باریك‌بین امـام‌جمعه‌قزوین: در سومین اجلاسیه

مجلس خبرگان آیت‌الله‌العظمی منتظری را بعنوان رهبر آینده برگزید

❋ خبرگان بـراساس آرای اکثریت مردم آیت‌الله‌العظمی منتظـری را انتخاب کردند.

قزوین ـ خبرنگار کیهان:

آیت‌الله العظمی منتظری بعنوان رهبر آینده امت‌اسلامی در سومین اجلاسیه خبرگان منتخب مردم برگزیده شد.

بموجب اصلی که درقانون اساسی است هـرگاه اکثریت قاطع مردم فردی‌را به‌رهبری ومرجعیت شناختند وپذیرفتند دیگر خبرگان وظیفه‌ای جزتائید ندارند. لذا خبرگان براساس آراء اکثریت مردم‌وهم‌برای اینکه دشمنان مایوس شوند وراهی برای نفوذ درآینده این‌انقلاب نداشته باشند آیت‌الله‌العظمی منتظری را انتخاب کردند.

این مطلب را حجت‌الاسلام باریك بین امام جمعه قزوین درخطبه دوم نماز جمعه قزوین عنوان کرد.

وی ابتدا گفت: علمـاء و خبرگان بزرگ وظیفه خودشان را راجع به‌آینده رهبری‌انجام دادند. البته‌میشود گفت‌خبرگان هم کاری نکردند بلکه کاری را که ملت مسلمان ما انجام داده بودند امضاء کردند.

وی افزود: امروزدرسرتاسر کشور ما ملت‌عزیزومردم‌مسلمان ایران از آن وقتی که مساله رهبری ونقش آن برایـشان روشن شده به اهمیت رهبری پی‌برده‌اند و آنراشناخته‌اند. امام بزرگوار را با اینکه در اوایل مبارزه خیلی از مردم

بقیه در صفحه ۳



بدستور دادستان عمومی تهران

رئیس و ۳ تن از مسئولان بیمارستان رویال بعلت نپذیرفتن بیمار اورژانس، بازداشت شدند

● مسئولان بیمارستان جهت بستری کردن یك مادروکودك ۳ ماهه‌اش که در تصادف اتومبیل مجروح شده بودنـد ۱۰ هزار تومان وجه نقـد مطالبه کرده بودند.

● کودك ۳ ماهه براثرشدت جراحات وارده پشت دربسته بیمارستان درگذشت...

چهار نفر از کارکـنان بیمارستان رویال تهران سابق و رسالت فعلی در پی عدم پذیرش دو مصدوم که منجر به فوت یکی از آنان شد، توسط شعبه ٤بازپرسی دادسرای‌عمومی تهران بازداشت شدند.

دایره خبر دفتر دادستان تهران‌طی تماسی با کیهان‌اعلام کرد...

یك نفر از آنان بنام آمنه فوت و دیگری در بیمارستان دولتی بستری گردید.

این جریان بصورت تلفن گرامی‌درساعت ۱۱ شب پنج‌شنبه گذشته بد دفتر دادستان تهران اعلام شد که در همان ساعت حجت‌الاسلام میرعمادی پس‌از اطلاع از جریان امر ٤ دستور تحقیق به کلانتری ۲۰ راصادر...

وزیر فرهنگ و ...

استادان...
تا ۸ میلیـ...
وام مسکن...

تاریخ اعـ...
٦ هزار د...
دانشگاه آ...
مشخـ...

● تعداد پذیرفته‌شدگان کـ... مشخص شد

روی...

رئیس جمهور: صلح بین ایران و عراق
...

یکشنبه ۳ آذر ۱۳۶۴ ۱۱ ربیع الاول ۱۴۰۶ 24 NOVEMBER 1985

آقای دکتر [حسن]روحانی، پیش از جلسه مجلس به دفترم آمد. گزارش پیشرفت امر تنظیم پدافندها و تعمیر وسایل را داد واز عدم همکاری سپاه گله داشت. خبر رهبری آقای منتظری که در جلسه خبرگان تصویب شد به وسیله روزنامه‌ها تیتر شده[1] و در رسانه‌های جهانی مورد تفسیر و تحلیل قرار گرفته است[2].

درگزارش‌ها هواپیمای ربوده شده مصری، مهمترین مسأله روز است[3]. در جلسه علنی تا تنفس درباره لایحه فعالیت تولیدی بخش خصوصی بحث بود. بعد از تنفس، دولت [لایحه را] پس گرفت و راحت شدیم. ظهر در دفترم نماینده خاش آمد. برای آب آشامیدنی خاش و [احداث] زایشگاه و برای نیازهای خودش کمک خواست.

---

۱ ـ روزنامه کیهان در روز ۲ آذر ۶۴ به نقل از آقای باریک‌بین امام جمعه قزوین، تیتر یک خود را به این خبر اختصاص داد: "مجلس خبرگان آیت‌الله العظمی منتظری را به عنوان رهبر آینده برگزید". در پی انتشار این خبر که مانند بمب در رسانه‌های ارتباطی دنیا ترکید، خبرگزاریها، رادیو تلویزیونها و جراید منطقه‌ای و بین‌المللی به تفسیر و توضیح مطلب پرداختند.

۲ ـ رسانه‌های ارتباطی جهان، خبر روزنامه کیهان را به طور کم سابقه‌ای انعکاس دادند. نخستین خبر از طرف رادیو بی بی سی اعلام شد و در بخشهای متعدد خبری این رادیو تکرار گردید. رادیو صدای آمریکا، خبرگزاریهای فرانسه، آسوشیتدپرس، یونایتدپرس، رویتر، و سپس روزنامه‌ها به ارائه زندگی نامه آیت‌الله منتظری و دیدگاههای سیاسی ایشان پرداختند. درکلیه اخبار منتشره در رسانه‌های انگلستان آیت‌الله منتظری به‌عنوان یکی از رهبران مذهبی نزدیک به حضرت امام معرفی شده و قید شده است که مجلس متشکل از خبرگان ایران این انتخاب را انجام داده است.

روزنامه‌های این روز که روزهای یکشنبه در لندن منتشر می‌شود با چاپ عکس حضرت امام (ره) خبر را از خبرگزاری جمهوری اسلامی و بدون ذکر منبع خبر کیهان منتشر کرده‌اند. یکی از این روزنامه‌ها با تیتر ایران جانشین [امام] خمینی را معرفی کرد می‌نویسد: "وی بعد از آیت‌الله خمینی، رهبر عالی روحانی ایران خواهد بود". آبزرور ایشان را یک روحانی برجسته، کارا و پراگماتیست [عملگرا] می‌خواند و سپس به سوابق ایشان در مبارزه با شاه در دهه ۱۹۵۰ مختصراً اشاره‌ای می‌کند و می‌افزاید: "منتظری از نیاز به گسترش انقلاب اسلامی، آشکارا سخن می‌گوید و خواستار ادامه جنگ تا سقوط حکومت بغداد است. وی در مسائل داخلی از لزوم توزیع عادلانه ثروت سخن می‌گوید، گواینکه وی در عین حال معتقد به‌وجود مالکیت خصوصی است. وی همچنین از انقلابیون خواسته است به استادان دانشگاه آزار نرسانند". روزنامهساندی تلگراف نیز با تیتر "ایران مرد جدیدی برگزید" در این زمینه مطالب مغرضانه‌ای نوشت. این نشریه می‌نویسد: "ترس از امکان وخیم شدن سلامتی آیت‌الله خمینی که ۸۲ سال دارد، باعث شد دیروز شنبه ایران یک رهبر مذهبی دیگر را برگزیند و لذا آیت‌الله منتظری به عنوان رهبر آینده انقلاب اسلامی برگزیده شد.

۳ ـ این هواپیمای مسافربری متعلق به خطوط هوایی مصر، روز شنبه ۲ آذر ۶۴ توسط افرادی وابسته به گروه «انقلاب مصر» از فرودگاه آتن پایتخت یونان ربوده شد و در جزیره مالت واقع در ۹۶کیلومتری جنوب جزیره سیسیل ایتالیا بر زمین نشست. در این هواپیما ۹۶ مسافر حضور داشتند. ۱۸ یونانی، ۲۱ فیلیپینی، ۱۴ مصری و ۱۱ فلسطینی از جمله مسافران هواپیما بودند. این هواپیماربایی با حمله کماندوهای مصری و کشته شدن هواپیما ربایان و ۵۴ نفر از مسافران به پایان رسید. دولت مصر، لیبی را به دست داشتن در این هواپیما ربایی متهم کرد.

آقای فاضل هرندی اطلاع داد که چون سفارت فرانسه با تأخیر ویزا به هیأت داده، مراتب را اعلام کرده‌ایم. [آقای مهدوی] سفیرمان در کنیا آمد و از فقر مردم کنیا و سیاست حکومت کنیا در تضعیف مسلمین گفت.

عصر کارپردازان [مجلس] آمدند و چارت جدید اداری مجلس را مورد رسیدگی قرار دادیم. چند نفر خلبان آمدند و از خط حاکم بر نیروی هوایی شکایت داشتند. گروهی از اعضای انجمن‌های اسلامی دانشجویان آمدند. از بدرفتاری دفتر تحکیم وحدت گله داشتند و از من کمک خواستند. آنها را دعوت به وحدت کردم.

شب شورای عالی دفاع جلسه داشت، درباره موذی‌گری‌های افغانستان درباره آب سیستان که از افغانستان می‌آید، بحث کردیم. قرار شد با آنها مقابله کنیم و برای گرفتن آب بیشتر اقدامات سیاسی بشود.

بعد از جلسه با آقای خامنه‌ای درباره جنگ و وزرای جدید صحبت کردیم. شب آقای سرهنگ ترابی [مسئول دفتر مشاورت امام در ارتش] اطلاع داد که نیروی دریایی یک کشتی کویتی را [در خلیج‌فارس] در حالی که ناوهای جنگی انگلیس و فرانسه ناظر بوده‌اند، توقیف کرده است.

دوشنبه ۴ آذر ۱۳۶۴   ۱۲ ربیع الاول ۱۴۰۶   25 NOVEMBER 1985

در منزل بودم. قبل از [طلوع] آفتاب آقای آقازاده اطلاع داد که اولین هواپیمای حامل موشک‌های هاگ جدید در فرودگاه مهرآباد بر زمین نشسته است؛ خبر خوبی است. مدعی هستند که برد موشک‌های جدید ۷۵ هزار پا است و می‌تواند میگ‌های ۲۵ شوروی را بزنند. به فرمانده نیروی هوایی گفتم سریعاً امتحان کنند. او عصر خبر داد که اینها شبیه موشک‌های موجود خودمان هستند. آقای آقازاده می‌گوید صاحبان آنها مدعی‌اند که جدید است. قرار شد فردا به جزیره خارک ببرند و عملاً آزمایش کنند.

ظهر از منزل اخوان مرعشی در قم اطلاع دادند که دو فرزندشان محسن و... را بازداشت کرده‌اند. از دادستان انقلاب تهران توضیح خواستم. عصر آقای [علی]رازینی آمد و توضیح داد که دستگیری به خاطر توصیه کردن به مقامات و ادارات است. تأکید کردم رسیدگی کنند و با قید ضمانت آزاد شوند. این گونه برخوردها درست نبوده و می‌توانستند آنها را احضار و بازجویی کنند.

از حاج احمدآقا نظر امام را در خصوص سروصداهایی که پیرامون رهبری آیت‌الله منتظری در رسانه‌های جمعی جهان به وجود آمده است خواستم[1]. ایشان گفتند امام با توضیح و جا انداختن موافقند. آقای بهزاد نبوی آمد و برنامه‌ای برای دولت جدید پیشنهاد داد.

آقای دکتر ولایتی آمد و گزارش سفر اخیرش به سوریه، لیبی و الجزایر را داد. درباره نظام‌پزشکی هم صحبت شد. نظرش این بود دلجویی کنیم[2]. شب آقای [محسن] کنگرلو از اروپا

---

۱ ـ خبرگزاری رویتر طی گزارشی از تهران با عنوان "مرد اخبار" نوشت: "آیت‌الله حسینعلی منتظری که روز شنبه به عنوان جانشین آیت‌الله روح الله خمینی پس از مرگ وی و رهبر ایران انتخاب شد، یک مرد واقعیت‌گرا است که در جستجوی دادن یک چهره ملایم‌تر به انقلاب ایران است. این خبر به دنبال جلسه محرمانه هفته گذشته ۸۳ تن از خبرگان ـ ارگانی که مأموریت دارد تا جانشینی برای انتخاب [امام] خمینی تعیین کند ـ اعلام می‌شود. منتظری که در سال ۱۹۲۲ متولد شده یکی از عمده‌ترین مریدان [امام] خمینی است که مخالفت مذهبی با شاه را در سال ۱۹۶۰ رهبری می‌کردند و فعلاً زنده می‌باشد. او سالها به‌عنوان معاون نیمه‌رسمی [امام] خمینی خدمت کرده است. شایستگی وی برای رهبری مورد حمایت علی اکبر هاشمی رفسنجانی است که در جستجوی حضور بیشتر حکومت اسلامی در زمینه مسائل اجتماعی و اقتصادی دنیا می‌باشد. رفسنجانی که به عنوان یک روحانی برای پیشنهاد شدن جهت رهبری خیلی جوان است، روابط خیلی قوی با یکی از نیروهای عمده ایران یعنی پاسداران انقلاب دارد که در همه جا حضور دارند و بر پارلمان پرنفوذ و قدرت ایران از صندلی ریاست حکمروایی می‌کند. منتظری در بیشتر نظریات رفسنجانی سهیم است و بارها در زمینه لزوم صدور انقلاب اسلامی، ادامه جنگ با عراق تا سرنگونی حکومت بغداد و تقسیم مساوی ثروت در داخل ایران سخن گفته است، اما وی همچنین سخنانی در دفاع از حقوق بخش خصوصی برای فعالیت و نیاز به تکنسین‌های ماهر ایراد کرده و از انقلابیون خواسته است تا استادان دانشگاه را اذیت و آزار نکنند. یک موضع برجسته وی در ملاقات با قضات و زمانی که گفت در اسلام اینکه یک شخص گناهکار از عدالت جان سالم بدر ببرد تا اینکه یک بی گناه مجازات شود بهتر است، مشخص گردید. هیچ‌گونه اطمینانی نیست که منتظری بتواند رهبر منحصر به فرد ایران شود و ضعف جسمی‌اش وی را واداشت تا از مقامات عالی در سالهای گذشته استعفا کرده و در یک گمنامی نسبی در شهر مقدس قم، واقع در جنوب تهران زندگی کند. یک دلیل دیگر شک و تردید این بود که او به چه اندازه مورد حمایت خبرگان مذهبی منتخب که آیت‌الله‌های مشهوری هستند و در سلسله مراتب مذهب شیعه از وی بالاتر می‌باشند، قرار خواهد گرفت. منتظری همچنین فاقد جذبه روحانی [امام] خمینی و مهارت وابسته به سخنرانی که امام خمینی قدرت وسیعی را بر اثر آن برای اداره مملکت به‌دست آورده، می‌باشد. منتظری در یک خانوادهٔ روستایی در نجف آباد واقع در مرکز ایران متولد شد و تحصیلات مذهبی را در سن ده سالگی آغاز کرد. او دروس اولیه را در اصفهان و سپس قم ـ جایی که در سن ۳۰ سالگی یک مدرس شد ـ فراگرفت. وی در قم با [امام] خمینی ملاقات کرد و یکی از مریدان وی شد و به مبارزاتی که به رهبری [امام] خمینی و به‌عنوان اولین مخالف عمده‌اش با محمدرضاشاه در سال ۱۹۶۳ پیرامون حق رأی برای زنان و اصلاحات ارضی انجام شد، پیوست. براساس بیوگرافی رسمی وی، زندگی او در مخالفت سخت بود. منتظری در زندان شکنجه شد و اغلب ۱۵ سال دیگر تا انقلاب را در زندان و یا تبعید داخلی گذارند. میوه‌انقلاب نیز زیاد شیرین نبود، چون عدم سلامت جسمی منتظری منجر به‌این شد که وی مقامش به‌عنوان امام جمعه تهران که در سال ۱۹۷۹ از سوی [امام] خمینی به‌او داده شده بود و بعداً امامت جمعه قم را از دست بدهد. یکی از پسرانش همراه با تعدادی از برجستگان انقلاب که در انفجار بمب در مقر حزب جمهوری اسلامی در ژوئن ۱۹۸۱ جان خود را از دست دادند، کشته شد و پسر دیگرش در جبهه جنوبی جنگ خلیج [فارس] و در سال ۱۹۸۵ مجروح گردید."

۲ ـ سازمان نظام‌پزشکی در پی چاپ دو نامه از خوانندگان در روزنامه کیهان دربارهٔ نارسائی‌های وضعیت درمانی و بهداشتی

(ادامه پاورقی در صفحه بعد)

تلفنی می‌خواست که ما در جهت آزادی گروگانهای آمریکایی اقدام نمائیم. گفتم منتظر صحت ادعای آنها در مورد هاگ جدید هستیم.

سه شنبه ۵ آذر ۱۳۶۴ ۱۳ ربیع الاول ۱۴۰۶ 26 NOVEMBER 1985

در جلسه علنی چند دستور انجام شد. بعد از تنفس در دفترم به کارها پرداختم. عصر به استادیوم ۱۲ هزار نفری برای سخنرانی در جلسه هفده هزار نفر از بسیجی‌ها رفتم. جلسه خیلی با شکوهی بود[1]. بعد از سخنرانی برای شرکت در شورای عالی انقلاب فرهنگی، به دفتر آقای خامنه‌ای رفتم. بحث درباره دانشگاه تربیت مدرس بود. بعد از جلسه با آقایان رئیس‌جمهور و نخست‌وزیر درباره [انتخاب] وزیر دارایی و مسأله فرانسه صحبت کردیم.

آقای رفیق‌دوست [وزیر سپاه پاسداران] می‌گوید آقای [رولان]دوما وزیر خارجه فرانسه، تلفنی

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

کشور در آبان سال ۶۴ موضع‌گیری شتابزده کرد. یکی از این دو نامه مربوط به کودکی بود که سرش هنگام تولد در بیمارستان به علت سهل‌انگاری، با شمع سوخته بود. موضوع دوم، دختر ۹ ساله‌ای بود که مورد حمله سگ‌های هار قرار گرفته و به علت سهل‌انگاری مربوطه و عدم تزریق سرم ضدهاری، به‌این بیماری مبتلا و فوت کرده بود. با موضع‌گیری سازمان نظام‌پزشکی و اعلام جرم هیأت مدیره این سازمان علیه روزنامه کیهان، انجمن اسلامی مرکز پزشکی ایران با انتشارکتابی به افشاگری دربارهٔ مسئولان نظام‌پزشکی پرداختند. این ماجرا با ورود وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی به ماجرا و انتقاد از عملکرد سازمان نظام‌پزشکی وارد مرحله دیگری شد و تشکل‌های نزدیک به دولت در جامعه پزشکی به موضع‌گیری شدید علیه سازمان مذکور دامن زدند. مهندس میرحسین موسوی نخست‌وزیر نیز در مصاحبه‌ای به انتقاد از سازمان نظام‌پزشکی پرداخت و گفت: "نظام‌پزشکی باید به قوانین احترام بگذارد و باید از مهمترین و رسمی‌ترین ارگان سیاست‌گذاری در مورد بهداشت و درمان که وزارتخانه ذیربط است، تبعیت نماید و نظام‌پزشکی بایستی به شدت از هرنوع حرکتی که پزشکان را در مقابل مردم قرار دهد، پرهیز کنند؛ چراکه این مسأله ممکن است موجب عصبانیت و بدبینی گسترده مردم به پزشکانی شود که سرنوشت خود را به جای آنکه به سرنوشت جبهه‌ها و مردم پیوند بزنند، به پول و زراندوزی و زندگی‌های لوکس و تجملی که از سوی مردم طرد شده، پیوند زده‌اند". در ادامه این تنش، در ۳۰ آبان ۶۴ آقای میرعماد دادستان عمومی تهران دستور بازداشت رئیس و سه تن از مسئولان بیمارستان رویال تهران را به علت نپذیرفتن بیمار اورژانس، صادر کرد.

۱ ـ در این اجتماع بزرگ که فرماندهان پایگاهها و نواحی مقاومت بسیج مستضعفین سپاه پاسداران حضور داشتند، آقای هاشمی با یادآوری جهاد و دفاع به عنوان یک تکلیف و واجب کفایی به نقش مهم بسیج اشاره کرد و گفت: "شعار اصلی بسیج دفاع و رفع خطرات است. اگر بسیج همان اوائل جنگ مجهز بود، شاید تا به این اندازه که امروز متحمل خسارات شده‌ایم، نمی‌شدیم و اگر الان هم بسیج وجود نداشت، مطمئناً خساراتی که به کشور وارد شده بود، بیشتر از الان بود و شاید هرگز به پیروزی هایی که به دست آورده‌ایم، نائل نمی‌شدیم". رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۴، جلد پنجم، دفترنشرمعارف‌انقلاب.

از ایشان خواسته است که نزد حزب‌الله لبنان شفیع بشویم که گروگان مریض فرانسوی را آزاد کنند. گفتیم که یک نفر از زندانیان لبنانی را به آنها بدهید تا ما شفاعت کنیم. اطلاع رسید که دوبی هواپیمای ربوده شده و هواپیما ربایان را به ما تحویل داده و این اقدام جالبی است.

شب برای شام و استراحت به مجلس رفتم. تب داشتم. آقای رفیق‌دوست اطلاع داد که چینی‌ها ضمانت نامه حسن انجام کار را داده‌اند و دیگر مانعی در مقابل معامله نیست.

چهارشنبه ۶ آذر ۱۳۶۴ — ۱۴ ربیع الاول ۱۴۰۶ — 27 NOVEMBER 1985

بعد از نماز صبح با حالت کسالت تا ساعت هشت و نیم کار کردم. آقای [اسماعیل] فدایی آمد و راجع به شورای سرپرستی صداوسیما مشورت کرد. آقای غرضی [وزیر پست و تلگراف و تلفن] آمد و گزارشی از وضع مخابرات داد و برای انجام تعهدات در مقابل فیش‌های تلفن، مطالبه ارز بیشتر داشت. آقای جواد منصوری آمد و پیشنهادهایی درباره کیفیت تبلیغات داشت. آقای [رسول]منتجب‌نیا آمد و گزارش وضع جزیره خارک را داد.

سفیر چین برای خداحافظی در پایان دوره مأموریت آمد و معلوم شد به خاطر بالا بودن سن بازنشسته می‌شود. چینی‌ها تصمیم گرفته‌اند نیروهای جوان‌تر را به کار بگمارند. سرهنگ [محمدحسین]جلالی آمد و نیازهای مالی ارتش را گفت و برای کارهایش استمداد کرد. ظهر چند نفر از نمایندگان آمدند و پیشنهاد تحسین روابط با فرانسه داشتند. آقای رحیمی نوجوان اسیر آزاد شده ـ که با خبرنگار هندی [همان] مصاحبه جالب را داشت ـ آمد. یک ساعت به ایشان هدیه کردم.[1]

عصر هیأت رئیسه مجلس جلسه داشت. شب مهمان آقای خامنه‌ای بودیم. درباره نظام‌پزشکی، روابط با فرانسه و سوریه بحث شد. آقای [موسوی]اردبیلی از دادستان کل کشور شاکی است که دارد قضات را دلسرد می‌کند. درباره [تعیین] وزیر دارایی [برای کابینه] هم بحث کردیم.

۱ ـ این آزاده سرافراز در دوره اسارت خود، در مقابل بانوی خبرنگار خارجی، شرط مصاحبه را رعایت حجاب اسلامی توسط آن خبرنگار عنوان کرده و این شعر را خوانده بود: "ای زن به تو از فاطمه (س) این گونه خطاب است ـ ارزنده‌ترین زینت زن حفظ حجاب است".

پنجشنبه ۷ آذر ۱۳۶۴ — ۱۵ ربیع الاول ۱۴۰۶ — 28 NOVEMBER 1985

درگزارش‌های صبح مطلب مهمی نبود. پس از مصاحبه من درباره رهبری آیت‌الله منتظری تردیدها و تشکیک‌ها آرام گرفته و به تحلیل در ستایش از اقدامات احتیاطی ما و تثبیت نظام گرائیده است. تا هنگام تنفس در جلسه علنی ماندم. آقای اکرمی نماینده سمنان که از طرف من مسئول هماهنگی تبلیغات جبهه‌ها شده آمد و یک میلیون تومان برای مخارج اعزام [نیرو] گرفت.

ظهر دو نفر همافر (نوروزی و بازرگان) آمدند و تأیید و تقویت جهاد خودکفایی را خواستند. عصر جمعی از بسیجیان مناطق سنی نشین مرزی و ورزشکاران باستانی آمدند. برای آنها درباره وحدت و بسیج صحبت کردم[۱]. آقای رضوی مسئول سازمان امور اداری و استخدامی کشور آمد و شرحی از لایحه جدید استخدامی و تشکیلات جدید اداری داد. آنها پیشنهادهای اصلاحی مثبتی دارند.

جمعه ۸ آذر ۱۳۶۴ — ۱۶ ربیع الاول ۱۴۰۶ — 29 NOVEMBER 1985

در منزل بودم. وقتم به استراحت و مطالعه گذشت. درگزارش‌ها هم که شب آوردند و خواندم، مطلب مهمی نبود. به آقای صیاد [شیرازی] گفتم که برای تنظیم برنامه عملیات آینده، فردا بیاید.

شنبه ۹ آذر ۱۳۶۴ — ۱۷ ربیع الاول ۱۴۰۶ — 30 NOVEMBER 1985

پیش از ظهر [به مناسبت سالروز ولادت پیامبر اکرم(ص) و امام جعفر صادق(ع)] به زیارت امام رفتیم و امام در حسینیه جماران برای حضار صحبت کردند. ساعت یازده آقای دکتر [حسن] روحانی به منزل آمد و گزارشی از وضع پدافند داد و درباره عملیات آینده صحبت کردیم. قرار شد ایشان از موشکهای هاگ تازه رسیده ـ که به ادعای نیروی هوایی برخلاف اظهار فروشنده است ـ بازدید نماید.

عصر آقای صیاد [شیرازی] آمد و ماجرای مجروح شدن خودش را توسط ترکش نارنجک‌های

---

۱ ـ رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۴"، جلد پنجم، دفترنشرمعارف‌انقلاب.

خودی تعریف کرد. درباره عملیات آینده با ایشان صحبت کردم و ماموریت نیروی زمینی را مشخص نمودم. قرار شد با افسران تحت فرماندهی‌اش صحبت کند و نظریه بیاورد. تلکسها را از مجلس آوردند، خواندم. تازه مهمی نداشت.

یکشنبه ۱۰ آذر ۱۳۶۴ ۱۸ ربیع الاول ۱۴۰۶ 1 DECEMBER 1985

از امروز به خاطر دستورات متراکم شده، قرار است جلسه علنی مجلس، نیم ساعت زودتر شروع شود و یک ربع ساعت دیرتر ختم شود. آقای [میرحسین موسوی] نخست‌وزیر بودجه سال ۶۵ را به مجلس تقدیم کرد و حدود سه ربع ساعت توضیح داد و من از دولت تشکر کردم. شور اول لایحه ابطال اسناد اراضی موات غیر شهری تصویب شد.

ظهر آقای راجی آمد و برای سفر به آمریکا جهت رسیدگی به فرزندانش کمک خواست. به خاطر بدهی ارزی به دولت، ممنوع الخروج شده و مدعی است در اثر مسدود شدن اموال ایران در آمریکا، نتوانسته مطالباتش را از طرف تجارت پسته بگیرد.

عصر آقای شاملو نماینده ملایر آمد. از استانداری همدان شاکی بود که نسبت به ملایر در تقسیم امکانات، تبعیض مرتکب می‌شوند و از امام جمعه ملایر گله داشت.

از سپاه خواستم که در تنظیم هزینه عملیات آینده جدیت به خرج دهند. آقای رفیق‌دوست اطلاع داد که قرارداد خرید موشک ضد هوایی و ساحل به دریا از چین تکمیل شده و نصف آن را نفت می‌دهیم و کل معَامله چهارصد میلیون دلار است.

آقای نخست‌وزیر پیشنهاد کرد که در مهمانی فردا شب ـ که به افتخار نخست‌وزیر سوریه می‌دهد ـ شرکت کنم. آقای خیّر آمد و از سوء ظن و تعقیب وزارت اطلاعات گله کرد. فرماندهان سپاه در کردستان آمدند؛ آنها از عدم تمرکز در تصمیم‌گیری‌ها و عدم هماهنگی در کار و کمی بودجه و امکانات گفتند. تا ساعت هشت و نیم شب در دفترم کار کردم و سپس به خانه آمدم.

دوشنبه ۱۱ آذر ۱۳۶۴ ۱۹ ربیع الاول ۱۴۰۶ 12 DECEMBER 1985

در منزل ماندم. عصر آخرین جلسه شورای سرپرستی صداوسیما را تشکیل دادیم. این دوره

تمام شد و دوره جدید شروع می‌شود که من و آقای عزیزی نیستیم. کارها و گزارش‌ها را از مجلس آوردند، خواندم و انجام دادم. جمعی از خانواده‌های شهدای سیستان و بلوچستان آمدند. ضمن سخنرانی گفتم از نعمت‌های خداوند به ما این است که مردم شریف و بزرگواری مثل شما محبت می‌کنید و زیارت خانواده‌های محترمی مثل خانواده شهدا را نصیب ما می‌نمائید. از اهداف جنگ تحمیلی این بود که بین شیعه و سنی و یا فارس و عرب ایجاد اختلاف کنند و نگذارند مسلمانان متحد گردند، ولی خداوند این نقشه پلید آنان را نقش برآب کرد و برعکس، وسیله اتحاد مسلمانان و راهی برای وحدت جهانی اسلام باز شد. ما امروز می‌بینیم که برادران و خواهران شیعه و سنی ما که بهترین سرمایه زندگی خود و جوانانشان را در راه اسلام قربانی کردند و به پیشگاه خدای بزرگ تقدیم نمودند، در یک صف و با یک روحیه، همراه و پشتیبان انقلاب اسلامی می‌باشند. خانواده‌های شهدا در انقلاب ما باید به‌عنوان کانون نور و کانون الهام و نمونه‌های صبر و استقامت و ایثار و فداکاری شناخته شوند و حضور خانواده‌های صبور شهدا، در محیط انقلاب، می‌تواند برای نسل‌های آینده راهگشا و راهنما باشد. '

سه شنبه ۱۲ آذر ۱۳۶۴ — ۲۰ ربیع الاول ۱۴۰۶ — 13 DECEMBER 1985

صبح زود به مجلس رفتم. تا هنگام تنفس در جلسه علنی ماندم. ساعت ده و نیم [آقای عبدالرئوف الکسم] نخست‌وزیر سوریه و هیأت همراه به ملاقاتم آمدند. مذاکرات خوبی بود[1]. ظهر

۱ ـ در این ملاقات دکتر عبدالرئوف الکسم نخست‌وزیر سوریه ضمن بیان اینکه هیچ‌گونه اختلافی در دیدگاههای دوکشور وجود ندارد، گفت: "در این مقطع که تهاجم گسترده امپریالیست‌ها علیه ما و همچنین پشتیبانی آنان از مزدورانشان در منطقه تشدید شده، لازم است نیروهای اسلامی و ملی و پیشروگرد هم آیند و برای مقابله با این حمله سبعانه منسجم و متحدتر شوند. سوریه در پرتو اصول و سیاستهای روشنی حرکت کرده و این اصول متکی بر عدم سازش و به رسمیت شناختن دشمن است و هرگز با اربابان دشمنان‌مان سازش نخواهیم کرد و هیچگاه بر مزدوران آنان رحم نخواهیم کرد. راه ما راه مبارزه جویی و جهاد خواهی است و پیروزی ما در این راه مشخص و روشن است". سپس آقای هاشمی ضمن اظهار خوشحالی از سفر هیأت سوری به تهران گفت: "مواضع کشور شما برای ما کاملاً روشن است. به همین دلیل ما کشور شما را همراه و متحد استراتژیک خود می‌دانیم. امپریالیست‌ها و صهیونیستها همه تلاش خود را بر این نهاده‌اند تا سد مقاومی را که امروز در منطقه بوجود آمده و تجسم آن در سوریه به چشم می‌خورد، بشکنند و اگر آنها در اینجا موفق شدند که مقاومت ما را بشکنند، دنیای عرب را فتح کرده‌اند. البته اینکه می‌گویم دنیای عرب، مقصود من در سطح دولتها است، والا مردم هم اکنون به مقاومت شما خاطرجمع هستند و نقش خود را ایفا خواهند کرد. بنابراین این وظیفه همه ماست که سعی کنیم جلوی تهاجمی را که اخیراً از سوی امپریالیست‌ها به چشم می‌خورد

(ادامه پاورقی در صفحه بعد)

چند ملاقات داشتم.

عصر در شورای انقلاب فرهنگی شرکت نکردم. دستور مهمی نداشت. شب در مجلس ماندم و کارها را انجام دادم. سعی می‌کنم که کارها به روز باشد، اما گاهی یکی دو روز عقب می‌ماند.

چهارشنبه ۱۳ آذر ۱۳۶۴ ۲۱ ربیع الاول ۱۴۰۶ 14 DECEMBER 1985

تا ساعت هشت و نیم صبح مطالعه کردم. اعضای هیأت اعزامی به نیکاراگوئه و کوبا آمدند و گزارش سفر دادند و از فقر شدید و نیازهای فراوان نیکاراگوئه گفتند و پیشنهاد کمک به آنها داشتند. آقای داودی [شمسی] مسئول تربیت بدنی آمد. گزارش وضع ورزش را داد و برای توسعه آن استمداد کرد.

گروه هیأت مدیره مدرسه «جامعة الزهرا»ی قم که طلبه‌های زن را تربیت می‌کنند، آمدند و مشکلات تحصیل خانمها را گفتند. چون معلوم نیست بعد از تحصیل چه باید بکنند، پیشنهاد کردم که به عنوان معلم و دبیر تعلیمات دینی در مدارس استخدام شوند.

سفیر آلمان برای خداحافظی آمد. ابوشریف آمد و پیام آقای منتظری را آورد. در جلسه نمایندگان تهران شرکت کردم. زه‌کشی جنوب تهران و صنایع روستایی روستاهای تهران و ساخت مترو مطرح بود.

عصر آقای رهنما آمد و گفت یکی از بانکهای سوئیس اطلاع داده است که پانصد میلیون دلار سپرده سپهبد نصیری معدوم را دارد و باگرفتن ۱۰ تا ۱۴ درصد، می‌تواند [آن را] به ایران برگرداند. به نخست‌وزیر گفتم و قرار شد که دو نفر برای رسیدگی و گرفتن پول بروند.

آقای [رضا]امراللهی [رئیس سازمان انرژی اتمی] آمد و درباره توافقنامه با آرژانتین در مورد همکاری در ساخت نیروگاه اتمی بوشهر با توافق آلمانیها مشورت کرد. شب مهمان آقای اردبیلی بودیم. درباره هیأت پارلمانی فرانسه، وزرای جدید، جنگ، خرید اسلحه از چین و کارهای دیگر

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

بگیریم. اطلاعاتی که در دست است، نشان می‌دهد که دشمن برای کم‌اثر کردن مقاومت سوریه برنامه‌ریزی کرده است و ابعاد قضیه بسیار گسترده است. آنها همچنین تلاش می‌کنند تا لیبی را نیز در مرزهای خودش مشغول کنند و به‌این ترتیب تصور می‌کنند در این لحظات چون ایران هم گرفتاری دارد، طبعاً به خارج از مرزهای خودش نخواهد رسید؛ لذا زمینه را برای یک تهاجم سیاسی، از نظر خودشان مناسب قلمداد می‌کنند".

صحبت کردیم. دیر وقت به خانه رسیدم. عصر هیأت رئیسه [مجلس] جلسه داشت.

پنجشنبه ۱۴ آذر ۱۳۶۴ ۲۲ ربیع الاول ۱۴۰۶ 15 DECEMBER 1985

صبح زود به مجلس رفتم. در نطق‌های پیش از دستور بین آقایان [احمد]آذری قمی و [ابوطالب]حبیبی مشاجره شد. نمایندگان را نصیحت کردم که مسائل تفرقه انگیز را مطرح نکنند. چند دستور انجام دادیم. بیانیه‌ای در رابطه با سفر هیأت پارلمانی فرانسه به ایران تهیه کردم و به اسم روابط عمومی مجلس منتشر کردیم[1]. تنفس ندادیم.

ظهر عقد ازدواج یک دانشجو را بستم. عصر آقای مهندس میرمحمد صادقی از صنایع نظامی آمد و طرح کارخانه توپ سازی را آورد و برای اجرای آن استمداد کرد. آقایان ترابی و ریاضی آمدند و درباره خرید اسلحه از چین صحبت کردند.

سر شب آقای دکتر ولایتی آمد و در مورد مسائلی که در سفر آینده‌اش به عربستان سعودی باید مطرح کنند، مشورت کرد. آقای [محسن]نوربخش از بانک مرکزی، در مورد افتتاح اعتبار خرید سلاح از چین مشورت کرد. شب به خانه آمدم.

---

۱ ـ در این بیانیه مطبوعاتی آمده است: "رسانه‌های جمعی فرانسه در مورد مسافرت هیأت پارلمانی فرانسه به ایران، سروصداهایی به‌وجود آورده‌اند که حاکی از تضاد احزاب فرانسه و یاکارشکنی و شیطنت مراکز قدرت و یا سردرگمی آنهاست. مدتی پیش از طرف احزاب مخالف حزب حاکم فرانسه، اظهار تمایل شد که یک هیأت پارلمانی برای بررسی عوامل تیرگی روابط دوکشور و پیداکردن راه اصلاح روابط به‌ایران سفرکنند و این پیشنهاد از طرف کمیسیون خارجی مجلس شورای اسلامی مورد قبول قرارگرفت. اخیراً ضمن اعلام تصمیم سفر هیأت پارلمانی فرانسه به ایران، مطالبی در رسانه‌های فرانسه و خبرگزاریها با هدف ایجاد ابهام و شانتاژ تبلیغاتی و یا بهره‌برداری برای اغراض سیاسی در رابطه با اهداف سفر، حول محور مذاکره دربارهٔ به اصطلاح گروگانهای فرانسوی در لبنان مطرح گردیده است؛ در حالی که خود می‌دانند که ایران جای مذاکره دربارهٔ این موضوع نیست. اگر گروگان گرفته شدن فرانسویان در لبنان صحت داشته باشد و فرض کنیم که این عمل توسط عمال خود فرانسه و فالانژها و اسرائیلی‌ها با اهداف خاص تبلیغاتی و داشتن بهانه دخالت در امور لبنان نباشد و اگر بپذیریم که حکام فرانسه واقعاً مایل به آزادی آنها باشند، باید در خود لبنان در پی کلید حل مسأله برآیند و نه در ایران که بارها اعلام داشته که باگروگان‌گیری و تروریسم مخالف است. اگر ایران بتواند نقشی در حل این گونه مشکلات داشته باشد، به‌خاطر مسایل انسانی از هیچ تلاشی دریغ نکرده و نخواهد کرد".

جمعه ۱۵ آذر ۱۳۶۴ ۲۳ ربیع الاول ۱۴۰۶ 16 DECEMBER 1985

برای نماز جمعه به دانشگاه رفتم[1]. با اینکه هوا سرد بود، جمعیت زیادی آمده بود و هفت هزار نفر بسیجی راهیان کربلا از استانهای دیگر حضور داشتند. شب آقای [حسین] مهدیان آمد و گزارشی از وضع شرکت طاهر و پیشنهادی در جهت اصلاح آن داد. اخوی زاده محمد و اکبر صفریان آمدند که در مراسم فارغ‌التحصیلی رشته پزشکی شرکت کنم. اکبر از مشکلات مس سرچشمه گفت.

با نخست‌وزیر و رئیس‌جمهور درباره وزرای جدید حرف زدم. قرار شد فرداکار یکسره شود. به دفتر امام گفتم، وقت ملاقات زودتر به آقای ری‌شهری بدهند که درباره مخالفت‌هایی که با قائم‌مقامی رهبری آیت‌الله منتظری می‌شود، مشورت کنند.

شنبه ۱۶ آذر ۱۳۶۴ ۲۴ ربیع الاول ۱۴۰۶ 17 DECEMBER 1985

بیشتر وقتم به مطالعه گذشت. اول شب آقای [سیدحمید روحانی] زیارتی برای مصاحبه درباره زندگی خودم و تاریخ انقلاب آمد. یک ساعت و نیم مصاحبه شد. ناتمام ماند[2]. کارها را انجام دادم.

عفت رفت دکتر و بعد از ظهر برگشت. ناراحت است. دکتر جزایری گفته هموگلوبین خون کم است و مخاط‌های بینی ضعیف است و علاج روشنی ارائه نداده؛ ولی به نظر می‌رسد در قضاوت عجله کرده؛ باید منتظر نظر شورای پزشکی باشیم.

---

۱ ـ در خطبه اول ادامه بحث عدالت اجتماعی در اسلام و حقوق زن و مرد، فتوای فقها در مورد استقلال مالی زن و حقوق زن از نظر غربی‌ها دنبال شد. در خطبه دوم درباره اجلاس اوپک وکاهش قیمت نفت، حرکت جوانان در قالب کاروان راهیان کربلا به جبهه‌های جنگ و دلایل تحمیل اثرات جنگ به جمهوری اسلامی، مطالبی عنوان گردید. در بخشی از خطبه دوم آمده است: "خاصیت عمدهٔ جنگ و جهادهای مقدس و دفاع‌های حق این است که انسانها را مخصوصاً نیروهای بالنده و جوانان جامعه را در یک مسیری می‌اندازدکه آن مسیر، مسیر حق است و جای شهوات و خواسته‌های نامشروع و مضر و ضداخلاقی نیست. در انسانها خواستهای حق مطرح می‌شود و درون این انسانهایی که در نظام طاغوت پوسیده شده بود، به افکار و اطلاعاتی مزین می‌شود که اینها مرضی خداوند است". رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، خطبه‌های جمعه سال ۱۳۶۴"، جلد نهم، صفحه ۱۶۹، دفترنشرمعارف‌انقلاب.

۲ ـ حاصل این مصاحبه‌ها و نیز مصاحبه‌ها با آقای معادیخواه درباره زندگی و مبارزات آقای هاشمی رفسنجانی در سالهای پیش از پیروزی انقلاب اسلامی، درکتاب "دوران مبارزه" تدوین و توسط دفترنشرمعارف‌انقلاب انتشار یافته است. در این کتاب علاوه بر خاطرات ایشان از تولد تا پیروزی انقلاب اسلامی، روز شمار کاملی از وقایع سیاسی دورهٔ پهلوی، آلبوم تصویری مبارزان و سیاسیون دوران مبارزه و اسناد ساواک در ارتباط با ایشان گردآوری و در دو جلد به چاپ رسیده است.



کاروان راهیان کربلا در مراسم نماز جمعه تهران

صدای انفجاری ساعت دوازده و ۵۵ دقیقه بعداز ظهر به‌گوش رسید. بعداً معلوم شد مقابل در بیمارستان شهدای تجریش، بمبی در یک ماشین ژیان منفجر شده که دو نفر شهید و ۱۸ مجروح داشته است.[1]

یکشنبه ۱۷ آذر ۱۳۶۴ ۲۵ ربیع الاول ۱۴۰۶ 18 DECEMBER 1985

صبح مطابق معمول حدود ساعت هفت و ربع به مجلس رسیدم. گزارش‌ها را خواندم و صبحانه خوردم. دستور جلسه، طرح انفکاک سازمان تأمین اجتماعی از وزارت بهداشت و درمان والحاق آن به وزارت کار بود که صف کشی خطی در نمایندگان بود. بعد از تنفس جلسه را به آقای یزدی سپردم. طرح رأی نیاورد. جمعی از نمایندگان به شیوه رأی‌گیری آقای یزدی اعتراض داشتند و مدعی بودند رأی داشته ولی بی طرفی مراعات نشده است.

ظهر [آقای سیدابوالقاسم موسوی دامغانی] نماینده رامهرمز آمد و درباره اختلافات خطی بحث کرد. با صیاد [شیرازی] تلفنی صحبت کردم و خواستم تا و انداز تحویل سپاه بدهد. به فرمانده نیروی هوایی گفتم که به تلافی حملات عراق به اطراف هویزه، به پشت جبهه عراق حمله کنند. عصر به دانشگاه تهران رفتم و در سالن فردوسی در سمینار [اولین سالگرد تأسیس] شورای عالی انقلاب فرهنگی سخنرانی کردم[2] و از آنجا به خانه آمدم.

عصر و شب آقای آقازاده [وزیر نفت] از ژنو تلفن کرد. عصر از توطئه پائین آوردن قیمت نفت

---

۱ - این بمب به وزن ۳۵ پوند از نوع مکانیزم الکتریکی - زمانی و از ترکیبات تی ان تی بود که در اثر انفجار آن دو نفر به نامهای ایرج رحمانی ۴۹ ساله سرهنگ بازنشسته ارتش و فرزانه محمدی پیرایه دانشجوی دانشگاه شهید بهشتی شهید و ۱۸ نفر مجروح شدند. در این حادثه به ۱۲ اتومبیل پارک شده در خیابان خسارت وارد شد و تا شعاع ۱۰۰ متری شیشه‌های اطراف را شکست.

۲ - در این سخنرانی آقای هاشمی خواستار عمومی کردن دانشگاهها و طرح ضربتی برای ریشه کن نمودن بی‌سوادی در کشور شد. در بخشی از این سخنرانی آمده است: "برای مبارزه با سلطه فرهنگی استعمارگران بهترین راه، انتخاب و شناسایی راههایی است که آنها رفته‌اند تا از همان طریق وارد شده و ضد حمله کنیم؛ زیرا استعمار برای سلطه خود راهها را شناخته و مورد مطالعه قرار داده است و ما می‌توانیم خلاف همان راه را برویم و اگر ادعا کنیم انقلاب فرهنگی، درست عکس راهی است که استعمارگران رفته‌اند، جمله درستی است. استعمار سعی دارد قالبهای فرهنگی جوامع را خالی کند. آنها می‌دانند انسان باسواد، آزاد، با شعور و شجاع و متکی به‌اصول هیچ‌گاه تحت سلطه قرار نمی‌گیرد و مشکل می‌توان او را تحت سیطره قرار داد. در حالی که انسان بی‌سواد و ترسو و بی‌اتکا به‌افکار درست را بهتر و آسان‌تر می‌شود به زیر سلطه کشاند". رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۴، جلد پنجم، دفترنشرمعارف‌انقلاب.

نگران بود و قرار شد به دکتر ولایتی در حجاز اطلاع دهیم که از سران عربستان بخواهد همکاری کنند. آخر شب اطلاع داد خطر رفع شده. ظهر آقای [محسن] نوربخش [رئیس بانک مرکزی] آمد و از احتمال معرفی شدن آقای ماجدی به عنوان وزیر [امور اقتصادی و] دارایی نگران بود. خودش هم استخاره کرده بد آمد، ولی عصر معلوم شد آقای ماجدی را آقای خامنه‌ای پذیرفته‌اند و معرفی می‌شود.

شب آقای ری‌شهری [وزیر اطلاعات] به منزل آمد و گزارش پیشرفت شناسایی تیم مامور ترور من و آقای خامنه‌ای و آقای [محسن]رضایی را داد. به نظر می‌رسد به زودی جمع زیادی از عمال عراق بازداشت خواهند شد. در مورد آقای سید صادق روحانی که با قائم مقامی رهبری آیت‌الله منتظری مخالفت کرده، تصمیم به تعقیب محدود او گرفته‌اند. گفتم صلاح نیست.

دوشنبه ۱۸ آذر ۱۳۶۴ ۲۶ ربیع الاول ۱۴۰۶ 19 DECEMBER 1985

بعد از نماز تا ساعت نه صبح مطالعه کردم. آقای نخست‌وزیر آمد. راجع به مسأله هتل قدس مشهد که قبلاً با بودجه آستان قدس [رضوی] و در اراضی آن آستان ساخته شده و خیلی ارزان به بنیاد پهلوی منتقل شده و حالا دست بنیاد مستضعفان است و آستان قدس می‌خواهد پس بگیرد، بحث شد.

فرماندهان سپاه آمدند و تا شب ساعت‌ها راجع به برنامه عملیات آینده و نیازها وامکانات و... مذاکره کردیم. ظهر هم استراحت نکردم و خیلی خسته شدم. به نظرم می‌آید برای احتیاط در تأمین امکانات، زیاده از حد معطل می‌شوند و با حضور این همه نیرو در جبهه‌ها، معطل کردن به نفع نیست ولی نمی‌شود بدون آمادگی کامل هم عمل کرد.

کارها را از مجلس آوردند، انجام دادم. آقای نخست‌وزیر، تلفنی اطلاع داد که [نامه] معرفی وزرا را که به مجلس ارسال کرده، به خاطر مطالبی که گفته شده، فردا در مجلس مطرح نکنم. معمولاً روزهایی که مجلس جلسه ندارد، کارها را در منزل انجام می‌دهم.

سه شنبه ۱۹ آذر ۱۳۶۴ ۲۷ ربیع الاول ۱۴۰۶ 20 DECEMBER 1985

در جلسه علنی مجلس، ابتدا مشکل لایحه جلسه قبل را داشتیم که جمعی از نمایندگان به



جمهوری اسلامی ایران

مجلس شورای اسلامی

دفتر رئیس

شماره ۲۵۰/۲/۹۶۵۲

تاریخ ۶۴/۹/۲۰

پیوست

بسمه تعالی

وزارت کشور

جناب حجت‌الاسلام محتشمی‌پور وزیر محترم کشور

چون جناب آقای موحدی کرمانی استعفاء کرده‌اند از اینکه به عنوان نماینده در شورای امنیت

کشور شرکت نمایند، آقای موحدی ساوجی را به عنوان نماینده در شورای

امنیت کشور معرفی می‌نمایم. اکبر هاشمی

۶۴/۹/۱۹

دستخط نامه به وزیر کشور

رأی‌گیری آقای یزدی اعتراض داشتند. با تدبیر مشکل را رفع کردم. پنج طرح و لایحه تصویب کردیم. قرار بود راهیان کربلای استان تهران مقابل مجلس بیایند. آیت‌الله خامنه‌ای به همین جهت در دفتر من منتظر بودند.

آقای آذری [قمی] آمد و درخواست ارز برای معالجه پروستات در لندن داشت. برای آقای مهدوی [کنی] هم به خاطر کسالت قلبی، گفته شد در لندن جا رزرو کنند. [اعضای] شورای [عالی] انقلاب فرهنگی خدمت امام رفتند ولی من به خاطر کار زیاد نرفتم[1]. جمع زیادی از مردم و بسیجی‌ها مقابل مجلس جمع شدند. آقای خامنه‌ای، آقای رضایی، آقای مهدوی [کنی] و من با اختصار صحبت کردیم[2]. خیلی با شکوه بود.

ظهر با اعضای کمیسیون کشاورزی ملاقات داشتم. از وزیر کشاورزی شاکی‌اند. عصر آقای سرهنگ ترابی آمد و از اختلاف سرهنگ بابایی با آقای صدیق - فرمانده نیروی هوایی - گفت. تا ساعت هشت در دفترم کار کردم. مقدمه‌ای بر مجموعه مذاکرات جلسات شورای انقلاب نوشتم[3].

---

۱ - امام خمینی (ره) در این ملاقات خطاب به اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی فرمود: "دانشگاه را باید شما رو به خدا ببرید، رو به معنویت ببرید و همهٔ درسها هم خوانده بشود، همه درسها هم برای خدا خوانده بشود. اگر این را توانستید که شما برای این کار بروید و این کار را بکنید، درکارتان موفقید، چه برسید به مقصدتان، چه نرسید به مقصدتان. و اگر برای خودتان باشد ممکن است کار، بسیار کار عادی باشد اما برای دیگران نفع دارد، برای شما نفع ندارد، گاهی برای شما ضرر دارد؛ برای دیگری نفع دارد، برای شما ضرر دارد و گاهی برای شما نفع دارد، برای دیگران ضرر دارد. شما می‌خواستید یک کار خوبی بکنید نشده است و کار بد شده است، اما شما می‌خواستید خوب انجام بدهید. این معنا را ما باید همیشه در ذهنمان باشد و توجه به این داشته باشیم تا موفق در امور بشویم، در هر کاری موفق بشویم. من ادعا نمی‌کنم که امثال من یک همچو چیزی هستیم، نه، ما آدمهای ناقصی هستیم، باید برویم تحصیل کنیم، تا تحصیل کمال بکنیم. اما مردم، بودند در بینشان که یک همچو اشخاصی بودند، لااقل ما می‌دانیم انبیا بودند، اولیای خدا بودند که این جور بودند، برای او بوده هر چه کار کردند، نه این است که برای حکومت بوده است یا برای چی بوده. می‌رفتند دنبال حکومت برای اینکه از دست جائرین بگیرند، فشار می‌آوردند که از دست جائرین بگیرند، لکن نه از دست جائرین بگیرند که خودشان حاکم باشند، از دست جائرین می‌برند که عدالت الهی را اجرا بکنند. این کار، کار انبیا بوده، عدالت الهی را می‌خواستند ایجاد کنند لله تعالی. از این جهت که لله بوده است و خالص بودند. آنها، الهی بودند خودشان، کارهاشان این طوری بوده. ما ناقصیم، ما اعتراف می‌کنیم پیش خدا که ما ناقصیم، تا آخر هم نمی‌توانیم این طور کمال را پیدا کنیم. اما باید فکر باشیم که، دنبال این معنا باشیم، همچو نباشد که پشت بکنیم به‌این معانی، دنبال این معنا باشیم که ما یک کاری که می‌کنیم برای خدا باشد". رجوع کنید ← "کتاب صحیفه امام، جلد نوزدهم، صفحه ۴۴۸، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).

۲ - در بخشی از سخنرانی آقای هاشمی آمده است: "بدون شک این اجتماع و این احساس پرشور شما در تاریخ به یادگار خواهد ماند و از اجتماعات تاریخ‌ساز ما هم خواهد بود. نقطه قوت انقلاب از روز اول همین حمایت‌ها و حماسه‌انگیزی‌های شما مردم بود که بحمدالله این اساس و سرّ پیروزی تا به امروز روند تکاملی داشته است. تحقیقاً ما پیروزی انقلاب، موفقیت در جنگ و آینده انقلاب را مرهون حضور شما مردم می‌دانیم". رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۴، جلد پنجم، دفتر نشر معارف انقلاب.

۳ - متن این مقدمه در بخش ضمایم همین کتاب چاپ شده است.

با رئیس‌جمهور درباره مسائل مختلف، تلفنی صحبت کردم. شب به خانه آمدم.

چهارشنبه ۲۰ آذر ۱۳۶۴ ۲۸ ربیع الاول ۱۴۰۶ 21 DECEMBER 1985

ساعت هفت و نیم صبح به مجلس رسیدیم. درگزارش‌ها مطلب مهمی نبود. از ساعت هشت تا ده با فرماندهان نیروی دریایی و سپاه درباره عملیات آینده و هماهنگی نیروها مذاکره کردیم؛ مشکلی نیست.

عصر هیأت رئیسه مجلس جلسه داشت. شب سران قوا در مجلس مهمان من بودند. آقای دکتر ولایتی گزارش سفر به عربستان و امارات را داد. راضی است و فکر می‌کند که آنها در صدد تحسین روابط با ما هستند؛ با قطع نظر از جنگ و در عین حال از جنگ راضی نیستند.

درباره سخت‌گیری در سربازگیری مذاکره شد. قرار شد طرح به مجلس داده شود. تعداد زیادی از جوانان خود را برای سربازی معرفی نمی‌کنند و این در روحیه مردمی که به طور داوطلب در بسیج شرکت می‌کنند، اثر بدی دارد. خیلی از متخلف‌ها بی‌تفاوت‌اند یا با انقلاب مخالفند. شب در مجلس خوابیدم.

پنجشنبه ۲۱ آذر ۱۳۶۴ ۲۹ ربیع الاول ۱۴۰۶ 12 DECEMBER 1985

تا ساعت هفت و نیم صبح در دفترم کار کردم. در جلسه علنی چند دستور انجام شد. پیشرفت کار مجلس این روزها خوب است. ظهر آقایان زائری و شهرکی برای کارهای هرمزگان و زاهدان مراجعه کردند. ۷ هزار نفر از بسیجیان زنجان در [قالب] کاروان راهیان کربلا مقابل مجلس آمدند. من و نخست‌وزیر برای آنها صحبت کردیم[1].

۱ ـ کاروان راهیان کربلا که با بیش از ۱۸۰ دستگاه اتوبوس و خودرو از شهر زنجان به تهران آمده بودند، پس از طی خیابانهای آزادی و کارگر از میدان حر در خیابان امام خمینی (ره) راهپیمایی کرده و در مقابل مجلس شورای اسلامی اجتماع کردند. عده‌ای از مردم تهران با قربانی کردن گوسفند و پخش شیرینی و نقل و نبات، مقدم کاروان راهیان کربلا را گرامی داشتند. آقای هاشمی در اجتماع رزمندگان، عزیمت هزاران تن از بهترین فرزندان استان زنجان به جبهه‌ها را افتخار جاویدی در تاریخ این استان نامید و از سوی خود، نمایندگان مجلس و امام خمینی (ره)، از راهیان کربلا که با صفا و اخلاص قدم در این راه گذاشته‌اند تشکر و قدردانی

(ادامه پاورقی در صفحه بعد)

عصر اعضای جهاد کرمان که در جبهه‌ها عمل می‌کنند، آمدند، گزارش کار دادند برای آنها صحبت کردم[1]. آقای بهادران آمد و راجع به وضع کردها و عراقیهای آواره مطالبی داشت. آقای مهندس روحانی مدیر عامل شرکت متروی تهران آمد. نیازها را گفت و همکاری وزیر کشور را خواست.

تا ساعت هشت در دفترم کار کردم. شب آقای صیاد به منزل آمد و موافقت نیروی زمینی را با عملیات پیشنهادی اعلام کرد. مجموعاً مثبت است و برای تقویت روحیه ارتش، پیشنهادهایی داشت.

جمعه ۲۲ آذر ۱۳۶۴ — ۳۰ ربیع الاول ۱۴۰۶ — 13 DECEMBER 1985

تا ساعت ده و نیم برای خطبه‌ها مطالعه کردم. نماز جمعه را اقامه نمودم[2]. به خاطر جوّی که

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)
کرد و گفت: "هوشیاری مردم ما و وجدان بیدار جوانان ما در تاریخ معاصر برای دنیای استکباری و دشمنان اسلام مثل خاری در چشم شده است. آنها هرچه تبلیغ و هیاهو راه می‌اندازند و می‌خواهند که پشت جبهه ما را تضعیف کنند، وقتی که ضرورت ایجاب می‌کند، مردم با یک حرکت به سوی اهداف انقلاب و جبهه‌ها، همه رشته‌های آنان را پنبه می‌کنند و دوباره چهره تابناک انقلاب را به جهان نشان می‌دهند و به همه مسئولان کشور روحیه می‌دهند". رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۴، جلد پنجم، دفترنشرمعارف انقلاب.

۱ ـ در این سخنرانی آمده است: "کارهای جهاد سازندگی، حتی آنهایی که در جبهه هم نیست، واقعاً جهاد و در خدمت اسلام و انقلاب اسلامی بوده و باعث آبروی انقلاب است. ما هر وقت که می‌خواهیم خدمات انقلاب اسلامی را عرضه کنیم، جزء مهمترین آنها خدمات جهادگران را ارائه می‌نمائیم. انصافاً نهاد جهاد سازندگی از الهامات الهی بود و کارهای چشمگیری از این طریق برای مملکت خصوصاً در روستاها انجام شد. اگر جهاد نبود با وضعی که درکشور وجود داشت و با جنگ و مشکلات زیادی که از لحاظ تأمین کارهای اداری و اعزام نیروهای اداری به روستا هست، روستاها کمافی‌السابق باید مظلوم باقی می‌ماندند. در کشور ما روستاها در بیابانهای وسیع پخش هستند و طبعاً رسیدگی به روستاها در این کشور وسیع و با توجه به فواصل زیادی که مابین روستاها وجود دارد، کار آسانی نیست". رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۴، جلد پنجم، دفترنشر معارف انقلاب.

۲ ـ در خطبه اول نماز ادامه موضوع حقوق زن و مرد با مباحث مدیریت مرد از دیدگاه قرآن و مسأله تحصیل زنان دنبال شد. در خطبه دوم نیز تحلیلی از یأس ارتش عراق از بمباران جزیره خارک، عکس‌العمل مردم در قبال توسعه جنگ، مسأله تعیین آیت‌الله منتظری به عنوان جانشین رهبر انقلاب، اقدامات سازمان مجاهدین خلق در سطح بین‌الملل و قطعنامه سازمان ملل ارائه گردید. در بخشی از خطبه دوم دربارهٔ تصویب قطعنامه عدم رعایت حقوق بشر علیه جمهوری اسلامی چنین آمده است: "اینها خیال می‌کنند حربه حقوق بشر، اگر در روزنامه‌های آمریکایی و رادیوهای استکباری مطرح شود، روی ایرانی‌ها اثر می‌گذارد. شماها نه این ملت

(ادامه پاورقی در صفحه بعد)

کاروان راهیان کربلا ایجاد کرده‌اند، نماز جمعه خیلی با شکوه است[۱]. عصر هم به استراحت و مطالعه گذشت. شب را به تماشای تلویزیون گذراندم. مراجعات خیلی بود. اقامه نماز جمعه خسته‌ام می‌کند.

شنبه ۲۳ آذر ۱۳۶۴ ۱ ربیع الثانی ۱۴۰۶ 14 DECEMBER 1985

با [آقای محمد نبی حبیبی] شهردار تهران و [آقای محتشمی‌پور] وزیر کشور در مورد فعال‌تر کردن کار متروی تهران صحبت کردم. به دفتر امام گفتم وقتی برای ملاقات فرماندهان ارتش بگذارند. وزیر نفت آمد؛ گزارش کارها را داد و فشار عراق برای جلوگیری از صدور نفت را گفت. دیشب یک کشتی در خلیج‌فارس موشک خورده است. به فرمانده نیروی هوایی در مورد دفاع

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

را شناخته‌اید، نه ملتهای دیگر را شناخته‌اید. نه انقلاب را و نه اسلام را شناخته‌اید و این حربه‌های زنگ زده را بی‌خود هی به کار می‌گیرید و مؤسسات جهانی را با این چیزها آلوده می‌کنید. سازمان ملل بیچاره بدبخت فلک زده هم در دست این گردن کلفتها اسیر است و نیمه آبرویی هم که گاهی اوقات می‌خواهد پیدا کند، که در یک گوشه‌ای خدمت کند، این جوری از دست می‌دهد. من امیدوارم که همه این جریانات باعث شود که ملت ما و ملتهای دنیا هوشیار شوند و مثل ملت ما راه خودشان را پیدا کنند". رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، خطبه‌های جمعه سال ۱۳۶۴، جلد نهم، صفحه ۲۱۱، دفترنشرمعارف‌انقلاب.

۱ ـ خطبه‌های نمازجمعه آقای هاشمی بازتاب‌های مختلفی در رسانه‌های بین‌المللی داشت. خبرگزاری آمریکایی آسوشیتدپرس دربارهٔ این خطبه‌ها نوشت: "هاشمی رفسنجانی رئیس پارلمان ایران روز جمعه تهدید خود مبنی بر انسداد تنها آبراه خلیج [فارس]، تنگه‌هرمز، را تکرار نموده و گفت: "ایران هر زمان که احساس کند این امر لازم است نسبت به‌انجام آن اقدام خواهد کرد". هاشمی رفسنجانی گفت: جمهوری اسلامی قادر به درک موقع مناسب برای وارد آوردن ضربه به دشمن می‌باشد. مانور اخیر نیروی دریایی در خلیج [فارس] ثابت کرد که ما قادر به‌انجام عملیات و کنترل منطقه‌ای هستیم که در صورت قطع جریان نفت از آن یک سوم دنیا آسیب خواهد دید. ایران تهدید کرده است که در صورت قطع توانایی صادرات نفتی‌اش از جانب عراق اقدام به انسداد تنگه هرمز خواهد کرد. آسوشیتدپرس از مبدأ منامه پایتخت بحرین نیز گزارش داد: یک سخنگوی نظامی عراق به رادیو دولتی بغداد گفته است تا زمانی که رژیم آیت‌الله خمینی انجام مذاکرات برای ترک مخاصمه ۵ ساله بین دوکشور را قبول نکند عراق به حملات خود به مراکز عمده اقتصادی رژیم تهران ادامه خواهد داد.

در تهران نیز رئیس پارلمان به نمازگزاران روز جمعه گفت: ایران آماده است در صورت عدم ارتکاب جنایات بیشتر علیه ما از جانب رژیم صدام حسین، حمله وسیع خود را متوقف کند. براساس برآوردهایی برای انجام حملات زمینی در جنوب، ایران ۵۰۰ هزار نفر نیرو به مناطق مرکزی و جنوب جبهه اعزام داشته است. آقای رفسنجانی در سخنان خود به حملات اخیر عراق به جزیره خارک و مراکز تجمع نیروهای ایران در جبهه اشاره داشت. وی در عین حال تأکید نمود که جنگ تا پیروزی نهایی و خلع کامل رژیم صدام ادامه خواهد یافت. آقای رفسنجانی همچنین تأکید کرد که ایران خواهان محاکمه جنایتکاران جنگی در بغداد و اعطای شرایطی مناسب قبل از قبول ترک مخاصمه می‌باشد".

بیشتر و تلافی زدن کشتی‌ها تأکید کردم.

آقای سنجقی برای ترتیب احکام مربوط به جنگ و تصمیمات قرارگاه خاتم‌الانبیاء آمد. عصر آقای طباطبایی آمد و در مورد روابط با فرانسه صحبت شد. آقای عزیزی تلفنی اطلاع داد که هیأت فرانسوی دیشب وارد شده‌اند و درباره مطالب مذاکرات مشورت کرد. شب با آقای [سیدحمید]زیارتی درباره زندگی و خاطرات خودم، مصاحبه‌ای یک ساعت و نیمه کردم.

عراق پست برق سد شهید عباسپور را زده است. به نیروها دستور تلافی دادیم. از قرارگاه حمزه همکاری نیروی هوایی را برای زدن مرکزی در داخل عراق خواستند. به آقای سپیدموی[آذر] جانشین فرمانده نیروی هوایی گفتم که هماهنگ کنند. امروز در تهران اولین برف زمستانی بارید.

یکشنبه ۲۴ آذر ۱۳۶۴ ۲ ربیع الثانی ۱۴۰۶ 15 DECEMBER 1985

در گزارش‌ها کثرت حملات هوایی عراق به مراکز اقتصادی پشت جبهه و تلافی ما آمده بود. در جلسه علنی چند دستور عمل شد. گزارش نمایندگان از وضع نیروها در جبهه رضایت بخش است. ظهر آقای [عبدالحسین] ساوه [نماینده کرمان] آمد و از فشار رقبا در کرمان بر ایشان و از آقای [مرتضی] فهیم به خاطر مخالفت با دولت شاکی بود.

عصر نمایندگان خوزستان مراجعه کردند و کمک مالی برای لشکرهای خوزستان گرفتند. از حساب ۱۱۴۰ که کمکهای مردمی به جبهه از طریق مجلس است، پرداخت می‌کنیم. آقای [بیژن نامدار]زنگنه وزیر جهاد [سازندگی] آمد. گزارشی از خدمات جهاد در اصلاح اراضی دیم و مهار آب‌های سطحی و مهندسی جبهه و زدن راه در کوههای جنوب برای عبور لوله نفت به بندر طاهری داد.

آقای [شیخ] سعید شعبان رهبر جنبش توحید [اسلامی] طرابلس لبنان آمد. از دولت سوریه خائف است و شاکی که اسلحه‌هایشان را گرفته‌اند و از احزاب غیر اسلامی حمایت می‌کنند. نماینده درود آمد و از مظلومیت خط امام در لرستان شاکی بود. تا ساعت هشت و نیم در دفترم کار کردم و سپس به خانه آمدم*.

* ـ در این روز هفته نامه «اکسپرس» چاپ پاریس مدعی شد: "آیت‌الله خمینی در اوایل ماه جاری برای نخستین بار به‌طور جدی

(ادامه پاورقی در صفحه بعد)

دوشنبه ۲۵ آذر ۱۳۶۴ ۳ ربیع الثانی ۱۴۰۶ 16 DECEMBER 1985

در منزل بودم. بیشتر وقتم به مطالعه گذشت. اعلام شد که صدام به مسکو رفته است. دو تفسیر وجود دارد: ۱- دلیل وخامت وضع عراق است. ۲- احتمال دارد امکانات بیشتری از شوروی بگیرد[1]. آقای [محمد]فروزنده آمد و شرح وظایف قرارگاه مهندسی رزمی را آورد، امضا کردم. امروز تا عصر برف می‌بارید.

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

پیشنهاد کرد از سمت خویش کناره گیری کند". وی در یک ملاقات خصوصی و محرمانه که در آن دولت‌مردان حکومت و از جمله حجت‌الاسلام خامنه‌ای و حجت‌الاسلام رفسنجانی شرکت داشتند اظهار خستگی و ابراز علاقه به کناره گیری نمود، ولی همه حضار در جلسه از آیت‌الله خمینی استدعا کردند از اجرای این تصمیم خودداری ورزد".

۱- خبرگزاری آلمان غربی در این باره نوشت: "دیپلماتهای مقیم منامه معتقدند به‌دنبال سفر شگفت‌انگیز صدام به مسکو، ایران و عراق در خلیج [فارس] دست به بازی «رولت روسی» زده‌اند. این خبرگزاری از قول یک دیپلمات عرب ادامه می‌دهد: مشکل است که بتوان گفت دور بعد چه چیزی به همراه خواهد آورد، اما اگر انفجاری روی دهد بدتر از آن چیزی خواهد بود که ما تاکنون دیده‌ایم. رئیس‌جمهور عراق به منظور انجام مذاکراتی که به گفته اکثر دیپلماتها معامله‌ای برای تعهد نظامی شوروی در قبال تهدید ایران مبنی بر یک حمله گسترده زمینی بود، روز دوشنبه به‌طور غیرمنتظره به‌سوی پایتخت شوروی پرواز کرد. یک دیپلمات می‌گوید: ایرانی‌ها این امر را کاملاً مشخص کرده‌اند که این بار هدف آنها اشغال زمینهایی در عراق خواهد بود. با توجه به اظهارات هاشمی رفسنجانی رئیس مجلس شورای اسلامی، ایرانیها می‌گویند که حمله آینده یک جنگ سرنوشت‌ساز، تاریخی و گسترده‌تر از همیشه خواهد بود. دیپلمات مذکور افزود: آنها در عملیات شش روزه «هویزه» که ماه مارس گذشته صورت گرفت به رودخانه دجله رسیدند و براساس آمار، عراقیها پس از دست دادن ۳۰ هزار کشته عقب‌نشینی کردند. مفهوم سخنان رفسنجانی این است که این بار آنها سعی خواهند کرد به هر ترتیبی شده پیشروی کنند. ایرانیها در حال حاضر دارند حدس می‌زنند که عراق چه چیزهایی از شوروی خواهد گرفت، که این خود می‌تواند حمله ایرانیها را به تأخیر انداخته یا منتفی سازد و یا اینکه اثر مخالف داشته و موجب شود که ایرانیها بخواهند حمله خود را قبل از عملی شدن معامله تسلیحاتی شوروی و عراق انجام دهند که در این صورت میوه نارسی خواهد بود. منابع دیپلماتیک در این مورد که عراق در مقابل دریافت تسلیحات چه پیشنهادی به شوروی ارائه خواهد کرد، بحث زیادی کرده‌اند و به‌این نتیجه رسیده‌اند که جایزه‌ای که صدام به مسکو خواهد داد، احتمالاً شامل لغو ممنوعیت فعالیت حزب کمونیست عراق که از سال گذشته به اجرا درآمده بود، می‌باشد. یک دیپلمات غربی گفت: بنابراین روسها به همان ترتیبی که در سالهای ۶۰ در مصر عمل کردند، در عراق نیز اقدام به‌ارسال موشکهای دوربرد پیشرفته و هواپیماهای مدرن همراه با کارشناسان روسی خواهند نمود. البته محتمل نیست که آنها به طور همه جانبه عراق را بگیرند. دکمه آتش این تسلیحات به احتمال بسیار زیاد در دست کارشناسان روسی خواهد بود. آنها نیز فقط در صورت حمله ایرانی‌ها آن را فشار خواهند داد. ناظران سیاسی اظهار می‌دارند: گردش عراق به‌سمت مسکو به‌نظر می‌رسد که نتیجه کاهش کمکهای مالی کشورهای عرب نفت‌خیز همسایه باشد. این کشورها که رقمی در حدود ۳۰ میلیارد دلار در طول پنج سال گذشته به عراق کمک کرده‌اند، در حال حاضر با افزایش مشکلات مالی داخلی و نیز فشارهای ایران جهت حفظ بی طرفی کامل مواجه هستند. شاه فهد پادشاه سعودی هفته گذشته گفت که حجم کمکهای خارجی عربستان به دلیل تزلزل بازار نفت باید کاهش یابد، ولی وی از دادن توضیح بیشتر و ارائه رقم این کمکها خودداری کرد".

سه شنبه ۲۶ آذر ۱۳۶۴ ۴ ربیع الثانی ۱۴۰۶ 17 DECEMBER 1985

صبح زود به مجلس رفتم. در جلسه علنی تا هنگام تنفس چند دستور عمل شد. قبل از ظهر آقای [علی]شمخانی [قائم مقام فرمانده سپاه] آمد و راجع به عملیات آینده صحبت شد. ظهر هم دوسه ملاقات داشتم.

عصر به جلسه شورای عالی انقلاب فرهنگی رفتم. آقای رئیس‌جمهور قسمتی از جلسه را نبودند و من اداره کردم. درباره اختلاف دانشجویان و رئیس دانشگاه تربیت معلم، گزارش داده شد و بحث و تصمیم‌گیری کردیم. رؤسای دانشگاه‌های تهران، اصفهان و همدان هم انتخاب شدند[1].

شب با آقای خامنه‌ای درباره روزنامه جمهوری اسلامی بحث کردم. روزنامه از حزب است و به نام آقای خامنه‌ای و آقای [مسیح]مهاجری که آن را اداره می‌کنند و مورد اعتراض بخشی از اعضای شورای مرکزی حزب است. اختلافات خطی است.

نظر دادم که مصلحت نیست مدیریت روزنامه عوض شود. آیت‌الله خامنه‌ای هم قبول دارند، ولی لازم می‌دانند به نحوی کنترل بر مطالب روزنامه داشته باشند. پیشنهاد کردم یک نفر را معرفی شود که مشترکاً با آقای [مسیح]مهاجری اداره کنند و در موارد اختلاف به داوری ایشان مراجعه کنند. آقای خامنه‌ای با این پیشنهاد موافق‌اند، ولی بعید است آقای مهاجری بپذیرد. برای شام و خواب به مجلس رفتم. دیر وقت خوابیدم.

چهارشنبه ۲۷ آذر ۱۳۶۴ ۵ ربیع الثانی ۱۴۰۶ 18 DECEMBER 1985

بعد از نماز صبح تا ساعت هشت در دفترم کار کردم. گزارش‌های مربوط به سفر صدام [به مسکو] را خواندم. مطلب مهمی به دست نیامد. معلوم نیست چه به دست آورده؟ به دانشکده افسری رفتم و برای سمینار فرماندهان نیروی زمینی سخنرانی کردم و گزارش آنها را گوش دادم[2].

---

۱ ـ در این جلسه دکتر حسین فروتن به عنوان رئیس دانشگاه تهران، دکتر حسن رزمجو به عنوان رئیس دانشگاه اصفهان و دکتر غلامحسین آقایی به عنوان رئیس دانشگاه همدان انتخاب شدند.

۲ ـ در پنجمین روز از سمینار ویژه فرماندهان یگان‌های عمده نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران، آقای هاشمی گفت: "مردم از شماها خیلی انتظار دارند و شماها باید کاری بکنید که جنگ، ان‌شاءالله با پیروزی تمام شود و این نیروهایی که در حال حاضر در خدمت جنگ هستند، به خدمت سازندگی کشور در آیند. ارتش باید مظهر نظم و انضباط برای جامعه باشد و انضباطش

(ادامه پاورقی در صفحه بعد)

ساعت ده و نیم به جلسه نمایندگان تهران رفتم. مشکلات شهرداری تهران در کنترل ساختمان سازی شهر مطرح بود. قرار شد با وضع قوانین در مجلس به آنها کمک کنیم.

ظهر مصاحبه مفصلی با تلویزیون آمریکا کردم. مصاحبه گر که یک خانم آمریکایی بود، بیشتر از روابط با آمریکا و مسائل گروگانها و لبنان سئوال مطرح می‌کرد[1]. عصر هیأت رئیسه مجلس جلسه داشت. اول شب کارهای اداری را انجام دادم و گزارش‌ها را خواندم.

شام، سران قوا مهمان آقای [موسوی]اردبیلی بودیم. آقای ری‌شهری وزیر اطلاعات هم بود. درباره عملیات و نحوه همکاری سپاه و اطلاعات بحث شد و به نتایجی رسیدیم. درباره آثار سفر صدام به شوروی هم بحث شد. آخر شب به خانه آمدم. برق تمام تهران خاموش شد. معلوم شد که نیروگاه نکا و دز به ترتیب از کار افتاده و کم کم دوباره روشن شد. باران خوبی می‌بارید.

پنجشنبه ۲۸ آذر ۱۳۶۴ — ۶ ربیع الثانی ۱۴۰۶ — 19 DECEMBER 1985

دیر به مجلس رسیدم. صبحانه نخورده به جلسه علنی رفتم. دو سه روز است یکسره باران می‌بارد. آقایان دکتر روحانی و دکتر هادی درباره پدافند و مسائل سفر آینده‌مان به لیبی مشورت کردند. لایحه مقررات انتظامی هیأت علمی دانشگاه‌ها تصویب شد. تا ساعت یازده همه دستورها تمام شد و جلسه را تعطیل کردیم.

آقای علیزاده نماینده اردبیل آمد و راجع به کمک به دانشگاه آزاد اسلامی و معافیت از سربازی دانشجویان دانشگاه آزاد صحبت کرد. گفتم بهتر است فعلاً در مجلس مطرح نشود. آقای دکتر ولایتی آمد و درباره سفر صدام به شوروی و مطالب مذاکرات هیأت ما در لیبی مذاکره کردیم.

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

را به ارگانها و مردم منتقل کند و این انتقالِ روحیه نظم و انضباط همچنان برقرار باشد. اولیای خدا در زندگیشان ترس و غصه‌ای ندارند و ترس آنها فقط از خدا و آن هم به خاطر خوف ازکوتاهی در انجام وظایف و تکالیف الهی است. در فلسفه اسلامی، هر موجودی که پا به عرصهٔ وجود می‌گذارد، معدوم نشدنی است و نامهٔ‌اعمال هرکس در جهان باقی می‌ماند و دستگاه آفرینش هیچ یک از ورقهای آن را نادیده نمی‌گیرد. کسانی که به خدا و آخرت ایمان و اعتقاد دارند، از هیچ چیزی نمی‌ترسند و اینان، همان اولیاءالله هستند و مهم اینکه انسان وظیفه و تکلیفی راکه بر عهده دارد، انجام دهد و این عین پیروزی واقعی است و اگر ظاهراً هم موفق نشد، ارادهٔ خداوند این گونه بوده است". رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی های سال ۱۳۶۴، جلد پنجم، دفترنشرمعارف‌انقلاب.

۱ ـ رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، مصاحبه‌های سال ۱۳۶۴، جلد پنجم، دفترنشرمعارف‌انقلاب.

ظهر امام جمعه پاوه آمد. از روابط عمومی [مجلس] آمدند و درباره کارت تبریک من به رؤسای مجالس دنیا به مناسبت عید کریسمس مذاکره کردند. عصر به دانشکده الهیات [دانشگاه تهران] رفتم و سخنرانی کردم[1]. مغرب به منزل رسیدم. بچه‌ها در خانه نبودند. تلفنهای منزل دو روز است که قطع است. ظهر برای عشایر ایلام هم صحبت کردم[2].

جمعه ۲۹ آذر ۱۳۶۴ — ۷ ربیع الثانی ۱۴۰۶ — 20 DECEMBER 1985

در منزل بودم. عصر یک نفر از کسبه کرج آمد و وضع آنجا را گزارش داد. شب هم بستگان عفت مهمان مان بودند. چون تلفن سیاسی قطع بود، مراجعات کمی داشتم. بیشتر وقت به مطالعه و استراحت گذشت. در گزارش‌ها هم [مطلب] تازه‌ای نبود.

شنبه ۳۰ آذر ۱۳۶۴ — ۸ ربیع الثانی ۱۴۰۶ — 21 DECEMBER 1985

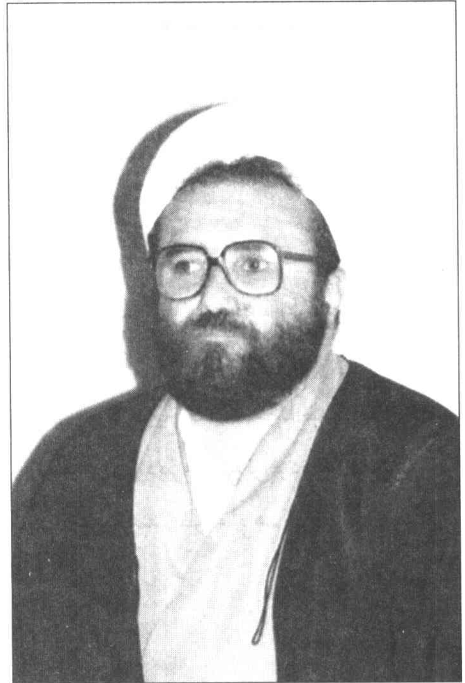
به زیارت امام رفتم. وضع جبهه‌ها و مقدمات کار عملیات آینده را گزارش دادم. از عدم همکاری شورای نگهبان در تعیین چارچوب تعزیرها گله کردم. از ایشان خواستم که با گرفتن مبلغی به عنوان وام از بانک‌ها برای جنگ موافقت کنند که نیازی به تصویب مجلس نباشد. مطرح شدن در مجلس و مذاکره مخالف و موافق، با توجه به علنی بودن مذاکرات مصلحت نیست.

امام فرمودند به نمایندگان موافق دولت بگویم از حربه‌ای که به دستشان آمده در مورد مخالفت

---

۱ ـ آقای هاشمی در این سخنرانی پیرامون ویژگی‌های تحصیل در حوزه و دانشگاه مطالب مبسوطی بیان کرد و بر ضرورت ایجاد یک سیستم دقیق ارزشیابی تحصیلی در حوزه‌ها و نیز دمیدن هرچه بیشتر روح اسلام به دانشگاه‌ها تأکید کرد. ایشان به چگونگی به‌وجود آمدن و سیر تکمیلی آموزشگاه‌های نوین در ایران پرداخت و دستیابی به وحدت به معنای تام و تمام آن در بین دانشگاه و حوزه را یک کار حساس که نیاز به بررسی جوانب گوناگونی دارد خواند و افزود: "وحدت حوزه و دانشگاه اگر یک شعار و یک ایده صرف نباشد کاری است حساس که نیاز به تلاشی درازمدت دارد و متفکرین و صاحب نظران باید به بررسی جوانب آن بنشینند". ایشان سپس ضرورت آشنایی هرچه بیشتر حوزه و دانشگاه به مسائل یکدیگر و نظام حاکم بر روش تحصیلی در این مراکز علمی را متذکر شد و با تأکید بر ضرورت دانش اندوزی در کنار اخذ مدرک تحصیلی برای سنجش میزان آموخته‌ها گفت: روحیهٔ مدرک گرایی صرف به هیچ وجه و در هیچ منطقی قابل قبول نیست و این به آن معنا نیز نیست که مدرک باید کاملاً از بین برود.

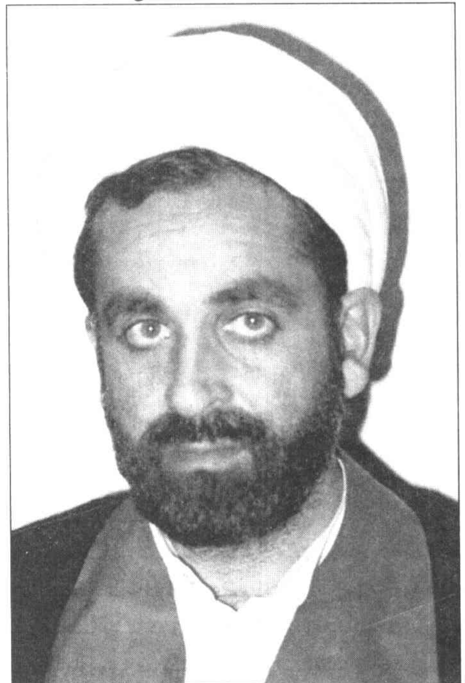
۲ ـ رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۴، جلد پنجم، دفترنشرمعارف‌انقلاب.



حجت الاسلام والمسلمین مسیح مهاجری مدیر مسئول
روزنامه جمهوری اسلامی



حجت الاسلام والمسلمین سید محمد خاتمی
وزیر ارشاد اسلامی



حجت الاسلام والمسلمین احمد سالک فرمانده
کمیته های انقلاب اسلامی



شهید حجت الاسلام والمسلمین عباس شیرازی قائم مقام
رئیس سازمان تبلیغات اسلامی

با نظر امام علیه مخالفان دولت استفاده نکنند و اموال بنیاد مستضعفان که مال فقراست به دولت منتقل نشود. سه هزار نفر از بسیجیان راهیان کربلا از باختران مقابل مجلس آمده بودند. برای بدرقه آنها، در مراسم شرکت و برای آنها صحبت کردم[1].

تا غروب در دفترم کار کردم. درگزارش‌ها تازه مهمی نبود. جبهه‌ها آرام است. عراقیها هم چند روزی است فعال نیستند. معلوم نیست که چرا؟ یا خیلی ترسیده‌اند و یا منتظر گرفتن امکانات از شوروی هستند.

مغرب به خانه آمدم. با آقای [سیدحمید] زیارتی در مورد تاریخ انقلاب مصاحبه کردم. مطالب دیروز در نماز جمعه نسبت به شوروی تند بوده و روزنامه‌ها و رادیو هم تندتر کرده‌اند. ممکن است تحریک کننده باشد. قرار شد که به رسانه‌ها گفته شود ادامه ندهند. نظر امام هم این بود که صدام به احتمال قوی در مسکو چیزی به دست نیاورده است.

---

۱ ـ در بخشی از این سخنرانی آمده است: "صدام برای دریوزگی و نجات خودش مجبور شد به کرملین برود اما ما امیدواریم سران اتحاد جماهیر شوروی که در مسأله قطعنامه مربوط به‌ایران، ثابت کردند حاضرند واقع بین باشند، این راه را ادامه دهند و بیش از این به حمایت از مفلوکی که رفتنی است، ادامه ندهند و مواظب باشند که روابطشان را با مردمی که از کوه هم مستحکم‌ترند، تیره نسازند؛ زیرا ما خواهان ادامه روابط دو کشور در چارچوب همزیستی مسالمت‌آمیز هستیم". رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۴، جلد پنجم، دفترنشرمعارف‌انقلاب.

دی ۱۳۶۴



یکشنبه ۱ دی ۱۳۶۴ | ۹ ربیع الثانی ۱۴۰۶ | 22 DECEMBER 1985

بعد از نماز صبح به مجلس رفتم. وقت جلسه را نیم ساعت به جلو برده بودیم. جلسه علنی ساعت هشت‌وربع شروع شد. قبل از شروع دو تذکر از امام در مورد نطقهای پیش از دستور و دامن زدن به اختلافات در مورد رأی‌گیری برای دولت گفتم. ضمن سخنرانی آقای [ولی‌الله]زمانی نماینده بابل که تلخ و تند بود، جمعی از نمایندگان اعتراض کردند و جمعی از او حمایت نمودند[1]. تریبون را از رادیو قطع کردم.

در تنفس، مسأله پرخاش آقایان [هادی]غفاری و [صادق]خلخالی به آقای محمد خـامنه‌ای مطرح گردید. شش دستور داشتیم که همه عمل شد. مراجعات نمایندگان هم زیاد بود.

ظهر آقایان [محمدعلی]هادی و [رسول]منتجب‌نیا، موقع ناهار به دفترم آمدند و از موفقیت در آزمایش اسکرامبل هواپیماهای اف۱۴ و اف۴ گفتند که از نیم ساعت به ده دقیقه رسیده و در پایگاه بوشهر انجام شده و صرفه‌جویی قابل توجهی در استفاده از امکانات نیروی هوایی است. گفته شد که چرا مسئولان نیروی هوایی، تاکنون [این کار را] نکرده‌اند و حالا هم مخالفت می‌کنند.

آقای فردوسی‌پور آمد و از عملکرد خطی وزارت کشور و حذف نیروهای خط مقابل شاکی و نگران تعویض استاندار [خراسان] و رئیس کمیته مشهد بود. عصر آقای واقفی آمد و گزارش سفر به ژاپن و چین را داد. تحت تأثیر مدیریت قوی آنها قرار گرفته است.

مسئولان بازسازی مناطق جنگ زده آمدند و گزارش دادند. برای آنها صحبت کردم[2]. استاندار خوزستان آمد. نگران عملکرد خطی وزارت کشور و بنیاد امور جنگ زدگان بود.

---

۱ ـ آقای ولی الله زمانی نماینده بابل درباره واردات بی‌رویه و عدم توجه به تولیدات داخلی مطالبی بیان داشت. وی گفت: "تا آن وقت که گندم آرژانتین هر تن ۱۰۰ دلار و با هزینه حمل هر کیلو کمتر از ۱۵ ریال وارد کشور شود و گوشت سرد ترکیه کمتر از کیلویی ۸۰ ریال و پنیر و کره حدود ۱۰۰ و ۱۲۰ ریال و برنج کمتر از کیلویی ۴۰ ریال وارد کشور می‌شود، آیا رغبت باطنی به توجه جدی برای تولیدات داخلی می‌ماند؟ وقتی دولت گندم تحویلی را به نانوایان تهران کیلویی ۷ ریال و ۵۱ دینار و با شهرستانی ۱۲ ریال حساب می‌نماید که قیمت سبوس آن ۲۷ ریال است، گندم تولید داخلی هر کیلو ۵۰ ریال تمام شده انتخاب می‌شود یا گندم وارداتی هر کیلو کمتر از ۱۵ ریال؟"

۲ ـ در این سخنرانی آمده است: "اینکه گفته شد ۲۲ میلیارد تومان دولت خرج سازندگی مناطق آسیب دیده از جنگ کرده و ۸ میلیارد تومان آن را مردم داده‌اند، یعنی سه چهارم از کل آن توسط دولت پرداخت شده است، مردم می‌فهمند با همه این کمکها، تازه مقدار کمی جبران خسارت شده، لذا بُعد ویرانی جنگ روشن‌تر می‌شود و مردم متوجه می‌شوند که این حزب بعث چه سرطانی و چه بلایی برای منطقه است و استحقاق بقا ندارد. این حزب موجود خطرناکی است که نه تنها برای ما بلکه برای کشورهای مجاور هم به نحوی خسارت به بار می‌آورد و این تازه گوشه‌ای از جنایتهای اینهاست که در آمار و ارقام گفته می‌شود". رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۴، جلد پنجم، دفترنشرمعارف‌انقلاب.

بعد از نماز مغرب آقای [محمد]امامی کاشانی آمد و راجع به جنگ و روابط با شوروی پیشنهادهایی داشت. آقای رسول زاده از سپاه آمد و صورت نیازهای سپاه از ارتش برای عملیات آینده را آورد. شب به خانه آمدم. خسته بودم و زودتر خوابیدم.

دوشنبه ۲ دی ۱۳۶۴ — ۱۰ ربیع الثانی ۱۴۰۶ — 23 DECEMBER 1985

بیشتر وقتم به مطالعه گذشت. با نخست‌وزیر درباره وزرای جدید و خرید هلیکوپتر از اندونزی مذاکره شد. آقای صیاد [شیرازی] آمد. بعد از ملاقات امام با فرماندهان ارتش، از صحبتهای امام راضی بود. امام در جمع فرماندهان به آنان ابلاغ کرده بودند که اختیارات فرماندهی کل در جنگ به من واگذار شده است و خواسته بودند اطاعت کنند. راجع به اقلامی که سپاه از ارتش برای عملیات می‌خواهد، توپخانه، مهمات، هلی‌کوپتر، پل ارّاده. و... نیز درباره ستاد مشاور فرماندهی مذاکره کردیم.

سه شنبه ۳ دی ۱۳۶۴ — ۱۱ ربیع الثانی ۱۴۰۶ — 24 DECEMBER 1985

تا ساعت ده و نیم صبح در جلسه رسمی مجلس بودم. ظهر در دفترم چند ملاقات داشتم. عصر به [جلسه] شورای عالی انقلاب فرهنگی رفتم. درباره مسائل دانشگاه شیراز و اختلاف مدیریت با حزب‌اللهی‌ها مذاکره و اتخاذ تصمیم شد. بعد از جلسه مقداری با رئیس‌جمهور درباره مسافرت ایشان و عواقب سفر صدام به مسکو بحث کردیم. برای شام و استراحت و خواب به مجلس رفتم.

چهارشنبه ۴ دی ۱۳۶۴ — ۱۲ ربیع الثانی ۱۴۰۶ — 25 DECEMBER 1985

بعد از نماز تا ساعت هشت و نیم صبح کار کردم. ساعت هشت و نیم آقای سید منیرالدین حسینی آمد و از غیر واقع بین بودن علمای روحانی و متخصصان و لزوم واقع بین کردن آنها گفت. آقایان [حسین]مهدیان و دکتر احمد حاج سید جوادی و مهندس حریری و خانم تولیت آمدند. راجع به آینده شرکت طاهر و اموال [مرحوم ابوالفضل] تولیت و آزاد کردن سپرده‌های او در بانک‌های لندن مذاکره شد.

آقای شریعتی معاون پارلمانی وزارت کشور آمد و سیاست‌های جدید وزارت [کشور] را توضیح داد. آقای سالاری سفیر جدیدمان در بلژیک آمد و خواست موافقت شود که درباره ساخت مترو [تهران] با بلژیکی‌ها صحبت کنند. کاردار جدیدمان در سودان آمد و راجع به اقدامات در سودان مشورت کرد.

نمایندگان شورای همکاری بانکها آمدند و از آقای ماجدی ـ که نامزد وزارت امور اقتصادی و دارایی است ـ دفاع کردند. عصر هیأت رئیسه مجلس جلسه داشت. شب مهمان آقای رئیس جمهور بودیم. درباره سفر ایشان به هشت کشور آفریقایی و آسیایی و وزرای جدید و کمبودهایی که باعث نارضایتی مردم است و جنگ و بسیج و موارد مهم دیگر بحث شد. دیر وقت به خانه رسیدم. نیروی دریایی اطلاع داد که به کشتی کاظمه ـ نفتکش کویتی ـ یک موشک خورده است.

پنجشنبه ۵ دی ۱۳۶۴ | ۱۳ ربیع الثانی ۱۴۰۶ | 26 DECEMBER 1985

اول وقت به مجلس رسیدم و تا ساعت ده و نیم صبح در جلسه علنی بودم. سلمانی آمد، اصلاح کردم. ظهر دکتر معصومی از ژاپن آمد و در مورد توسعه روابط با ژاپنی‌ها حرف زد. دکتر ولایتی آمد و گزارش سفر به لیبی را داد و خبر از پیغام‌های خصوصی شوروی برای تحسین روابط و آمدن کورنینکو [قائم مقام وزیر امور خارجه شوروی] و دعوت دکتر ولایتی به مسکو آورد.

عصر [سرهنگ صدیق] فرمانده و سرهنگ بابایی مسئول عملیات نیروی هوایی آمدند. آنها برای تنظیم شیوه عمل در عملیات آینده، اختلاف نظر دارند. به توافق رسیدیم. یکی از کارمندان مجلس آمد و از کارگزینی و گروه قدیمی کارمندان انتقاد داشت. آقای گلسرخی آمد و از ندادن ویزای آمریکا به او برای سفر و از عدم تحرک دانشجویان ما در خارج گفت. تا ساعت هشت در دفترم کار کردم.

جمعه ۶ دی ۱۳۶۴ | ۱۴ ربیع الثانی ۱۴۰۶ | 27 DECEMBER 1985

تا ساعت ده و نیم صبح در منزل بودم. برای اقامه نماز جمعه به دانشگاه تهران رفتم[1]. راهیان

۱ ـ در خطبه اول ادامه بحث حقوق زن در اسلام با موضوعات اشتغال زنان، کارهای منع شده برای زنان، عرصه‌های فعالیت

(ادامه پاورقی در صفحه بعد)

کربلا از استانهای مازندران و سمنان مراسم را با شکوه کرده بودند. عصر آقای [علی]شمخانی [قائم مقام فرمانده سپاه] آمد و راجع به جنگ و نیازهای عملیات صحبت شد.

شب آقایان دکتر ولایتی، دکتر [حسن]روحانی، [محسن]رفیق‌دوست و دکتر [محمدعلی]هادی آمدند. نتایج سفرشان به سوریه و لیبی بررسی شد و تأکید بر ایجاد روابط حسنه با فرانسه و کمک به آزاد شدن گروگانهای فرانسه در لبنان داشتند. در محوطه مخصوص محافظانِ منزل، یک اتاق برای ملاقات‌ها هم تهیه شده، چون مراجعات در منزل زیاد است. گزارش‌ها را آوردند، خواندم. از یک منبع مصری، خبر از تغییرات عمده در آینده نزدیک در عراق نقل شده است. شب بستگان اینجا بودند.

شنبه ۷ دی ۱۳۶۴ — ۱۵ ربیع الثانی ۱۴۰۶ — 28 DECEMBER 1985

در منزل بودم. آشیخ محمد هاشمیان از رفسنجان آمد؛ همراه احمدآقا آمده و از اختلافات استان کرمان گفت. آقای [عبدالمجید]معادیخواه آمد. گزارش کار بنیاد تدوین تاریخ انقلاب را داد و برای مخارج، مبلغ بیشتری خواست؛ معمولاً ماهی یک میلیون تومان می‌پردازیم. قبلاً ماهی پانصد هزار تومان می‌گرفت.

عصر اولین جلسه ستاد مشاور فرماندهی جنگ با حضور آقایان سرهنگ [اسماعیل]سهرابی،

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

زنان، کانون خانواده در غرب و وضعیت زنان در جامعه اسلامی دنبال شد. در خطبه دوم نیز درباره سالگرد نهضت سواد آموزی، میلاد حضرت عیسی(ع) و سالگرد اشغال افغانستان توسط شوروی مطالبی بیان شد. سپس تحلیلی درخصوص سفر صدام به مسکو و مواضع اتحاد جماهیر شوروی درباره جنگ ایران و عراق و اشغال افغانستان ارائه گردید. در بخشی از خطبه دوم آمده است: "شوروی‌ها به ما گفتند که تغییر مسیر نداده‌اند و همان سیاست قبلی را دارند. ولی یک حرفی را مطرح کردند که این حرف در دنیا مطرح شد، اینجا هم مطرح شد که "ما با این جنگ بی‌معنا مخالفیم". ما می‌خواهیم ببینیم این جنگ بی‌معناست یا نه؟ ما می‌گوییم با معناست، بهترین معنا در این حرکت مردم ما نهفته است. چرا بی‌معنا است؟ شروع جنگ از سوی صدام جنایت است و از سوی ما دفاع مشروع، پس از سوی ما این دفاع است و به یک کشوری که انقلاب کرده و مردمش با دادن هزارها شهید، حکومت منحوسی را ساقط کرده و زمام امرشان را در اختیار گرفته بودند، به این انقلاب تجاوز شد، به خاک این مردم هجوم بردند، پنج استان ما را اشغال کردند و آن همه خرابی به بار آوردند، بعد از این تجاوز ما چه مقدار شهید دادیم و جنگ چه مقدار خرابی به بار آورده است؟ چه اهانتی به این مردم شده است؟ رهبر این مردم از روز اول اعلام کرد که ما حقمان را می‌خواهیم، متجاوز باید بیرون برود، محاکمه شود و خسارتی که وارد کرده بپردازد". رجوع کنید ← کتاب هاشمی رفسنجانی، خطبه‌های جمعه سال ۱۳۶۴، جلد نهم، صفحه ۲۴۵، دفترنشرمعارف‌انقلاب.

محسن رضایی، فرزانه، [محسن] رفیق‌دوست، ناخدا [محمدحسین] ملک‌زادگان، سرهنگ صیاد [شیرازی]، سرهنگ [محمد حسین] جلالی، سرهنگ [هوشنگ] صدیق، دکتر [حسن] روحانی و [دکتر حسن] فیروزآبادی در منزل تشکیل شد.

یکشنبه ۸ دی ۱۳۶۴ ۱۶ ربیع الثانی ۱۴۰۶ 29 DECEMBER 1985

به مجلس رفتم. در جلسه علنی تا تنفس ماندم. پیشرفت خوبی نداشت. ظهر دکتر [عبدالله] جاسبی و مسئولان شرکت کفش ملی آمدند. برای حل مشکل شرکت با بانک کمک خواست.

عصر [آقای راشد عبدالله النعیمی] وزیر خارجه امارات و هیأت همراه به ملاقات آمدند. درباره توسعه روابط و خطر [حزب] بعث عراق و لزوم عدم حمایت شورای همکاری خلیج‌فارس با عراق صحبت کردم[1]. مسئولان [امور] پرورشی آموزش و پرورش آمدند. برای آنها صحبت کردم[2].

---

۱ ـ در این دیدار وزیر مشاور در امور خارجی امارات متحده عربی اظهار امیدواری کرد که در پی پیام شفاهی شیخ زاید مبنی بر دعوت از آقای هاشمی جهت دیدار از کشور امارات، این کشور روزی میزبان رئیس مجلس شورای اسلامی باشد. سپس آقای هاشمی ضمن ابراز خوشحالی از این دیدار گفت: "با پیروزی انقلاب اسلامی ما توقع داشتیم که با برادران مسلمان خود همکاری جدیدی را شروع کنیم و برای اسلام و مسلمین خدمت نمائیم. ما پیش از آنکه سیاستمدار و زمامدار باشیم، طلبه و مبلغ اسلام هستیم، اما متأسفانه دشمنان ما موفق شدند ما را مشغول به مسائلی کنند که نمی‌خواستیم. بسیاری از نیروها و اوقات ما در طول این پنج شش سال تلف شد. اینها همه به دست کسانی صورت گرفت که در منطقه اسلامی بوده و ظاهراً هم عرب بودند و هم همسایه ما؛ در صورتی که می‌توانستند از انقلاب اسلامی به نفع خود استفاده‌های فراوانی ببرند. کشورهای جنوبی خلیج‌فارس هم با اینکه ما مایل بودیم با آنها همکاری بیشتری نمائیم اما به نحوی در این جریان آلوده شدند. حال که به نظر می‌رسد بعضی از آن کشورها مایلند با ما همکاری بیشتری داشته باشند، بهتر است که راجع به آینده بیشتر فکر شود. البته در میان کشورهای همسایه ما، کشور امارات عربی متحده و آقای شیخ زاید نظرات بهتری نسبت به دیگران در مورد جمهوری اسلامی ابراز داشته‌اند، ما هم آن را فراموش نخواهیم کرد".

۲ ـ در این دیدار که معاونین پرورشی و مربیان امور تربیتی حضور داشتند، آقای هاشمی ضمن اشاره به وضعیت نظام آموزشی در رژیم طاغوت و روند غرب‌زدگی و مذهب‌زدایی و آلوده کردن جوانان مملکت به فساد گفت: "ما بعد از پیروزی انقلاب وارث وضع بدی در نظام آموزشی و تربیتی کشور بودیم و بخش وسیعی از مسایل و مقدسات پاک جامعه توسط نظام آموزش رژیم گذشته عمداً و با برنامه‌ریزی‌های حساب شده، آلوده شده بود. البته انتظار نداریم کاری را که آنها طی چند نسل بر سر مردم ما آوردند، بتوانیم در یک نسل مرتفع و برطرف کنیم. باید محیط آموزشی تغییر یابد و آن چنان شود که جامعه ما و جوانان ما در یک محیط اسلامی همچون ماهی در آب غوطه‌ور شود و همه شرایط و ضوابط رنگ اسلامی به خود بگیرد. البته این کار احتیاج به زمان طولانی دارد". رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۴، جلد پنجم، دفترنشرمعارف‌انقلاب.

تا ساعت هشت در دفترم کار کردم.

دو سه مراجعه درباره سفر نخست‌وزیر به مشهد داشتم. قرار بود ایشان ناهار را در منزل امام جمعه باشند. آقای خامنه‌ای و آقای [واعظ]طبسی این [کار] را تضعیف آقای طبسی می‌دانند. به نخست‌وزیر تذکر دادم. ایشان چون احساس کرد که وجه المصالحه اختلاف مشهد می‌شود، سفر را لغو کرد.

شب به خانه آمدم. در شمال تهران، برف حسابی باریده و در جنوب باران. از آیت‌الله [موسوی]اردبیلی خواستم که نماز جمعه آینده را اقامه نمایند.

دوشنبه ۹ دی ۱۳۶۴ — ۱۷ ربیع الثانی ۱۴۰۶ — 30 DECEMBER 1985

طرف صبح احمدآقا آمد. مدتی است که برای استراحت به توصیه پزشکان بیشتر در سفر است. راجع به مسائل جاری کشور و جنگ مذاکره کردیم. آقایان عروج و اقبالی آمدند و توصیه‌هایی در مورد حفاظت داشتند. عصر خانم شهید مطهری آمد. اتومبیلی برای خودشان می‌خواست و نگران یک تلفن تهدید آمیز بود.

آقای سراج [الدین موسوی] رئیس جدید کمیته‌ها آمد. گزارشی از وضع کمیته‌ها داد و برای محل جدید کمیته مرکزی استمداد کرد. گزارش‌ها را از مجلس آوردند. تازه مهمی نداشت. احمدآقا خبر دو نامه از آیت‌الله خامنه‌ای و آقای [جلال‌الدین]فارسی به امام را داد که در آنها از حمایت امام از یک جریان گله شده و خواستار توجه به جناح جامعه مدرسین [حوزه علمیه قم] و... شده‌اند.

سه شنبه ۱۰ دی ۱۳۶۴ — ۱۸ ربیع الثانی ۱۴۰۶ — 31 DECEMBER 1985

برای مراعات امنیت، با توجه به تهدید کتبی، مقداری برنامه‌ها را عوض کردم. یک ساعت دیرتر به مجلس رفتم. قسمت اول جلسه را آقای [محمد]یزدی اداره کرد و بعد از تنفس، من اداره کردم.

جمعیت انبوهی از [کارکنان] نهضت سواد آموزی مقابل مجلس آمده بودند. برای آنها صحبت

کردم[۱]. از محلی که در مجلس برای ستاد جنگ در نظر گرفته شده دیدار کردم.

ظهر آقای اخلاقی نماینده آقای منتظری در دانشگاه کرمان آمد و در مورد کیفیت برخورد با اختلافات استان مشورت کرد. گفتم مصلحت این است که طرفین سکوت کنند. آقای [علی]فلاحیان از وزارت اطلاعات آمد و درباره عملیات و کیفیت همکاری با سپاه مشورت کرد.

بعد از ظهر در جلسه سه‌شنبه حزب‌الله مجلس شرکت و یک ساعت برای آنها صحبت کردم. در مورد مسائل اختلافی، انتقادهای نمایندگان در صحبت‌ها و عدم انضباط در حضور در جلسات نصایحی نمودم. به خاطر تراکم کارم به جلسه شورای انقلاب فرهنگی نرفتم؛ آقای خامنه‌ای تلفنی گله کردند. به سرهنگ صدیق [فرمانده نیروی هوایی] در مورد دفاع جزیره خارک و حملات هوایی تذکراتی دادم.

چهارشنبه ۱۱ دی ۱۳۶۴ — ۱۹ ربیع الثانی ۱۴۰۶ — 1 JANUARY 1986

در راه مجلس به مصلای بزرگ تهران رفتم و آنجا را مشاهده کردم. زمین وسیع و محل خیلی خوبی است. گفتم به خانه‌های مردم ـ که در محوطه مصلا قرار گرفته ـ عوض بدهند و رضایت آنها را جلب کنند. در مجلس با مجله آفریقا مصاحبه مطبوعاتی کردم[۲]. در جلسه نمایندگان تهران شرکت

---

۱ ـ تعداد ۱۲ هزار نفر از آموزشیاران و سوادآموزان نهضت سوادآموزی، پس از اجتماع در سالن شهدای هفت تیر و راهپیمایی به طرف مجلس شورای اسلامی در مقابل مجلس اجتماع کردند. آقای هاشمی در این اجتماع ضمن تقدیر از زحمات آموزشیاران نهضت سوادآموزی، نقش مردم در مبارزه با جهل و بی‌سوادی را متذکر شد و گفت: "مردم باید برای تأمین امکانات سواد آموزی در هر جاکه هستند کوشش کنند و مهمترین کمک مردم، استقبال و پشتیبانی از کلاسهای نهضت است. یکی از سیاست‌های شوم استکبار که در کشورهای جهان سوم پیاده می‌شود، در جهل نگه داشتن ملت‌هاست. این سیاست در تمام نقاطی که استکبار وجود دارد برای حفاظت از منافع استعمارگران پیاده می‌شود. آنها اقلیتی خائن را بردوش اکثریت عظیم حاکم می‌کنند و از همه امکانات بهره می‌گیرند. سیاست اسلام و جمهوری اسلامی در مقابل این نکته قرار دارد. سیاست ما این است که توده مردم، آگاه و حاکم بر سرنوشت خود باشند و همه از امکانات کشور بهره‌برداری کنند. اجتماع شما مثل اجتماع راهیان کربلا زیباست. آنها برای دفاع از اسلام و شکست کفر، تفنگ بر دوش به جبهه‌ها می‌روند و شما نیز با پدیده جهل مبارزه می‌کنید". رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۴، جلد پنجم، دفترنشرمعارف‌انقلاب.

۲ ـ این مصاحبه در مورخه ۱۹ فوریه ۱۹۸۶ در مجله ژون آفریک چاپ فرانسه منتشر شد. در این مصاحبه آقای هاشمی در پاسخ به سوالی درباره شعار "نه شرقی، نه غربی" گفت: "شعار نه شرقی، نه غربی به این معنی نیست که ما نباید هیچ رابطه‌ای با شرق یا غرب داشته باشیم. ما می‌توانیم با شرق و غرب روابط زیادی داشته باشیم. ما نمی‌توانیم موجودیت این دو بلوک را انکار کنیم. ما

(ادامه پاورقی در صفحه بعد)

کردم. وضع بیمارستان‌ها و زباله و مترو مطرح شد. چند ملاقات داشتم.

عصر هیأت رئیسه مجلس جلسه داشت. بحث درباره چارت جدید پیشنهادی کارپردازی بود. شب سران قوا مهمان من در مجلس بودند. آقای دکتر [عبدالله]جاسبی آمد و به عنوان هیأت مؤسس دانشگاه آزاد اسلامی، اساسنامه پیشنهادی را تصویب کردیم و نیابت من از جانب هیأت رئیسه تمدید شد. درباره سفر آقای خامنه‌ای و موضوعات قابل طرح در سفر و مخصوصاً سفر به پاکستان بحث شد. دیر وقت خوابیدم.

پنجشنبه ۱۲ دی ۱۳۶۴ — ۲۰ ربیع الثانی ۱۴۰۶ — 2 JANUARY 1986

تا ساعت هشت در دفترم کار کردم. جلسه علنی تحت تأثیر صحبت‌های سه‌شنبه من منظم بود. برنامه پنج ساله در دستور قرار گرفت. عده‌ای از نمایندگان به خاطر منع لایحه دولت و بیرون رفتن از ماهیت برنامه‌ای مخالفت کردند و تمام نشد. در تنفس پنج نفر از نمایندگان در مورد عدم برخورد قاطع من، در موضوع درگیری نمایندگان با [ولی‌الله]زمانی نماینده بابل انتقاد داشتند.

آقای [منوچهر]متکی سفیرمان در ترکیه آمد و گزارش خوبی از آنجا و مخالفت نظامیان ترکیه با اسلام در مقابل نخست‌وزیر گفت. آقای بهرامی از لاهه آمد و گزارش وضع دادگاه لاهه را داد. نگران مطرح شدن ادعاهای ایرانیان دارای تابعیت مضاعف است.

عصر [مسئولان اجرایی] ستاد خارجی دهه فجر آمدند. برای آنها سخنرانی کردم[1]. آقای عراقی

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)
فقط می‌گوئیم هر کشوری باید در انتخاب سیاست خود آزاد باشد. ما می‌خواهیم بگوئیم که آزادی یک کشور از زیر یوغ آمریکا، برخلاف گذشته، اجباراً به معنای رفتن زیر سلطه اتحاد جماهیر شوروی نیست. بنابراین ما با هرگونه سلطه این دو ابرقدرت و متابعت از آنها مخالفیم". رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، مصاحبه‌های سال ۱۳۶۴، جلد پنجم، دفترنشرمعارف‌انقلاب.

۱ـ در بخشی از این سخنرانی آمده است: "دنیای استکباری و دنیای کفر تقریباً مطمئن شده بود که با برنامه‌هایی که اجرا کرده از اسلام به عنوان یک خطر جدی نجات پیدا کرده است و خیال می‌کرد که دیگر اسلام با آن کارهایی که اینها کرده‌اند، به عنوان یک مکتب کامل نمی‌تواند مطرح بشود و شاید موفق شده بود که چنین طرز تفکری بین خود مسلمان‌ها هم به وجود بیاورد. جمهوری اسلامی در مرحله انقلابش یک طرز تفکر غلطی را که جا افتاده بود، نفی کرد و مراحل بعد را که مهمترین کار هم بود، انجام داد. انقلاب اسلامی این فرضیه را شکست و نشان داد که قدرت بسیج کردن مردم را به خوبی دارد و بیشترین قدرت را دارد، اینجا اولین شوک به کفار و استکبار وارد شد و خواب راحت آنها را به هم زد. ولی آنها در تحلیل‌هایشان معتقد بودند که این مرحله چون متکی به احساسات و نارضایتی از رژیم گذشته است، می‌گفتند که اینها مردم را فریب دادند و آنچه که مهم است این است
(ادامه پاورقی در صفحه بعد)

معاون آقای [فضل‌الله]محلاتی در سپاه آمد و مطالبی درباره جنگ و سپاه داشت. آقای [رضا]امراللهی [رئیس سازمان انرژی اتمی] آمد و درباره کیفیت مذاکره با هیأت فرانسوی که قرار است برای وام و طلب ما بیاید، مشورت کرد.

شب آقای [کاظم]خوانساری سفیرمان از لیبی آمد و پیغام [معمر]قذافی [رهبر لیبی] را آورد که از تهدید آمریکا و اسرائیل نگران شده است. از ما می‌خواهد که جنگ با عراق را تمام کنیم، به شرط اینکه نیروهای دوکشور به جنگ با اسرائیل بروند[1].

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

که بتوانند جامعه را بسازند و جامعه را براساس اسلام اداره بکنند. تحلیل‌های آنها، به آنها می‌گفت: چنین چیزی در اسلام نیست. نه اینها حال مطالعه متون فقه را داشتند و نه قدرت فهم آن را، فقه فهمیدن آن طوری نیست که یک مستشرقی همین طور که می‌آید اینجا و می‌رود خرابه‌ها و آثار باستانی را می‌بیند و یک چیزی می‌فهمد و یک تحلیل می‌کند، فقه آن‌گونه نیست. فقه یک کار سخت و طولانی است که اگر کسی بخواهد بفهمد لااقل باید ۲۰ سال درست درس بخواند و هیچ مستشرقی چنین فرصتی پیدا نمی‌کند و اگر واقعاً بیست سال مثل ما درس بخواند، مسلمان خواهد شد و مأمورن آنها هیچ وقت به عمق فقه تا به حال نرسیده‌اند.

آنها به این فکر بودند که این اسلام نمی‌تواند جامعه را اداره بکند و بعد از چند سالی که هیجانها خوابید و چیزهایی هم مثل جنگ و تروریسم را به ما تحمیل کردند که زوال این انقلاب را تسریع کند و با ایجاد مشکلات می‌خواستند کاری کنند که ما هم نتوانیم جامعه را اداره کنیم و این مشکلات هم مرگ انقلاب را تسریع کند. اما آنچه که اتفاق افتاده و مهم است این است که جمهوری اسلامی برمبنای اسلام موفق شده آن کارهایی راکه آنها فکر می‌کردند با این مبنا نمی‌شود کرد، انجام بدهد. اقتصادش را سروسامان داده. بانک که یک پدیده کاملاً غربی است و اینها فکر می‌کردند که این شیوه از بانک در اسلام قابل توجیه نیست و اسلام نمی‌تواند آن را تنظیم کند. وقتی که اینها دقت کردند دیدند که اسلام پیچیده‌ترین مسأله قرن امروز ما راکه مسایل مالی است به راحتی حل کرده است. مسأله دانشگاه که بنیانش هم غربی است، جوری در نظام جمهوری اسلامی حل شد که در عین حالی که از دستاوردهای غرب استفاده می‌شد، مایه فرهنگی‌اش اسلامی است. در مسایل فنی و تکنیکی اینها فکر می‌کردند که می‌شود با محاصره این مردم و انقلابش را خردکرد ولی بعد دیدند که اینها روی پای خودشان می‌ایستند و هر روزکه می‌گذرد یک رگی از خارج را قطع می‌کنند و به داخل وصل می‌کنند و اگر این روند خودکفایی ادامه داشته باشد، در یک دوران قابل قبولی می‌تواند کشور را از لحاظ تکنیک و مسایل فنی روی پای خودش نگه بدارد". رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۴، جلد پنجم، دفترنشرمعارف انقلاب.

۱ ـ رادیو اسرائیل در این باره گفت: "آقای هاشمی رفسنجانی امروز حمایت حکومت اسلامی تهران را از رژیم سرهنگ قذافی در ارتباط با اتهاماتی که در مورد تروریست‌های بین‌المللی به لیبی نسبت داده می‌شود، ابراز داشت. آقای رفسنجانی که در دیدار با آقای کاظم خوانساری سفیر حکومت اسلامی در لیبی سخن گفت از جمله اظهار داشت که تهران در برابر هرگونه تعرضی که از سوی اسرائیل، آمریکا و یا رژیم‌های به اصطلاح ارتجاع عرب علیه حکومت سرهنگ قذافی به عمل آید، ساکت نخواهد نشست و آن را بدون جواب نخواهد گذاشت. با این همه آقای رفسنجانی درباره ماهیت واکنش احتمالی ایران توضیحی نداد. اسرائیل و ایالات متحده خواستار گردیدند که رژیم سرهنگ قذافی به علت حمایت گسترده از تروریسم بین‌المللی مجازات شود".

جمعه ۱۳ دی ۱۳۶۴ — ۲۱ ربیع الثانی ۱۴۰۶ — 3 JANUARY 1986

به مجلس رفتم. ستاد قرارگاه خاتم‌الانبیا جلسه داشت. چند نفر از فرماندهان سپاه و ارتش، دکتر [حسن]روحانی، فرماندهان نیروهای سه‌گانه، رئیس ستاد مشترک و معاون نخست‌وزیر آقای فیروزآبادی، آقای فروزنده فرمانده قرارگاه مهندسی رزمی و وزرای سپاه و دفاع و... عضو ستادند. آیت‌الله خامنه‌ای هم شرکت کردند. تا آخر شب، جلسه طول کشید. پیشرفتهایی داشتیم ولی تمام نشد و به فردا موکول شد.

برای اولین بار در یک زمان نیروی زمینی [ارتش] و سپاه، بناست در محورهای جداگانه عمل کنند. تقسیم و هماهنگ کردن امکانات کار دشواری است؛ مخصوصاً با توجه به رقابت‌ها. آنها شام را مهمان مجلس بودند. دیر وقت و خسته به خانه رسیدم.

شنبه ۱۴ دی ۱۳۶۴ — ۲۲ ربیع الثانی ۱۴۰۶ — 4 JANUARY 1986

صبح زود به مجلس رفتم. از ساعت هشت صبح تا ظهر ستاد قرارگاه خاتم‌الانبیا جلسه داشت. درباره عملیات آینده که سپاه و نیروی زمینی در محورهای جداگانه عمل خواهند کرد، بحث کردیم. مشکل کار در کمبود توپخانه برای پشتیبانی عملیات گسترده است و در تبادل امکانات، بالاخره به نتایج خوبی رسیدیم و در مورد توپخانه کمیسیونی را مأمور مطالعه و تقسیم توپها کردیم. آیت‌الله خامنه‌ای هم شرکت کردند و مفید و مؤثر هم بود.

عصر آقای [محمدعلی] رحمانی مسئول بسیج آمد. درباره اختیارات و استقلال بیشتر بسیج از سپاه اصرار دارد. مدتی است که بین بسیج و سپاه بر سر اختیارات درگیری است. متأسفانه این درگیری‌ها و تداخل وظایف که نتیجه تأسیس نهادهای انقلاب در کنار ارگانهای قدیمی و کمی تجربه اجرایی آنها است، خیلی وقت‌گیر و خسته کننده است. قرار شد این بحث‌ها به زمان آینده موکول شود.

شب در دفترم ماندم. اطلاع دادند که [آقای غلامرضا رحیمی] نماینده ماهشهر در جاده اندیمشک بر اثر تصادف رانندگی فوت کرده است. نمایندگان برای شرکت در مراسم تشییع، هواپیما خواستند. گفتم یک فالکن در اختیارشان قرار گیرد.



ملاقات با نخست وزیر ترکیه

یکشنبه ۱۵ دی ۱۳۶۴ ۲۳ ربیع الثانی ۱۴۰۶ 5 JANUARY 1986

بعد از نماز آقای محسن رضایی آمد. در مورد عملیات آینده و همکاری با نیروهای هوایی و دریایی و احتمال ضرورت ورود به جزیره بوبیان کویت ـ در صورت اشغال آن توسط عراق و برای بیرون راندن عراق ـ مطالبی گفت.

دستور جلسه مجلس، معرفی دو وزیر اقتصاد و دارایی و معادن و فلزات بود که مخالفت جدی نشد و رأی آوردند[1] و یکسره کار کردیم. آقای مهدوی نماینده بابلسر آمد و راجع به دانشگاه آزاد اسلامی بروجرد و حزب [جمهوری اسلامی] بروجرد و وضع روحانیت بابل و نماینده بابل صحبت کرد.

دو نفر از کارکنان دفترم آمدند و مدعی تبعیض بودند. عصر [آقای تورگوت اوزال] نخست‌وزیر ترکیه و هیأت همراه آمدند و درباره توسعه روابط و جنگ مذاکره کردیم[2]. ایشان می‌گفت اگر عراق

۱ ـ آقای میرحسین موسوی نخست‌وزیر در روز ۱۲ دی آقایان محمد جواد ایروانی و محمد رضا آیت‌اللهی را جهت تصدی وزارتخانه‌های امور اقتصادی و دارایی و معادن و فلزات به مجلس شورای اسلامی معرفی کرده بود.

۲ ـ در این دیدار آقای هاشمی گفت: "ما نظرمان این است که دولت ترکیه سیاست مدبرانه و قابل قبولی را دنبال می‌کند. من

به شما خسارت جنگ را بپردازد، منجر به سقوط صدام هم می‌شود. پرسید آیا شرط این است که خود صدام برود یا حزب بعث. گفتم ممکن است به رفتن صدام قناعت شود. این را گامی به جلو تلقی کردند.

برای تشییع جنازه مرحوم [غلامرضا]رحیمی نماینده ماهشهر به سالن رفتم. اطلاع دادند که امام با دستور دفن در صحن [حضرت معصومه(س)] قم بدون پرداخت پول قبر موافقت نکردند. به برادرش گفتم خود ما می‌پردازیم، در صحن دفن کنند.

آقازاده [وزیر نفت] آمد. گزارشی از وضع گاز داد و درباره موافقت با کشیدن لوله گاز صادراتی به ترکیه مذاکره کردیم. از صدور نفت و قیمت‌های نفت اظهار رضایت کرد و گفت امروز یک کشتی حامل نفت سفید، موشک خورده است. آقای دکتر [حسن]روحانی آمد و درباره عملیات آینده، پدافند و مسائل جنبی صحبت کردیم.

بعد از نماز مغرب، آقای انواری امام جماعت بندرعباس آمد و برای امضای مصوبه خبرگان درباره نیابت رهبری آیت‌الله منتظری و در مورد تعویض امام جمعه و تعیین استاندار [هرمزگان] مذاکره کرد. تا ساعت هشت و نیم در دفترم کار کردم و سپس به خانه آمدم.

دوشنبه ۱۶ دی ۱۳۶۴ — ۲۴ ربیع الثانی ۱۴۰۶ — 6 JANUARY 1986

عصر آقایان [محسن]رفیق‌دوست و [علی]شمخانی آمدند. درباره گروگانهای فرانسوی در لبنان گفتند گویا از گروگان‌گیرها سرنخی پیدا شده است. تلفنی با آقایان نخست‌وزیر و رئیس‌جمهور و دیگران درباره امور کشور صحبت کردم.

آقای [محمد]یزدی اطلاع داد که برای قبر آقای [غلامرضا]رحیمی [نماینده ماهشهر] در صحن [حضرت معصومه(س)] قم، چهار صد هزار تومان می‌خواهند. گفتم گران است. تا به حال اشتباهاً خیال می‌شد چهل هزار تومان است.

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

معتقدم که ما و شما امکانات بسیاری داریم که مکمل یکدیگر هستند و از طرف دیگر ما هیچ مشکلی برای توسعه همکاریهای دو جانبه نداریم. طبعاً ما ترجیح می‌دهیم که با یک کشور مسلمان همکاری داشته باشیم. ما در مورد جنگ با همه وجودمان احساس نفرت می‌کنیم اما فکر می‌کنیم که هیچ راه حلی برای راحت شدن و ایجاد امنیت کامل در منطقه جز رفتن صدام و حزب بعث وجود ندارد. حضور صدام در منطقه نه تنها امنیت منطقه را تأمین نمی‌کند، بلکه کاملاً مخل هرگونه آسایش و امنیت در آن است".

جمهوری اسلامی ایران

مجلس شورای اسلامی

دفتر رئیس

شماره ۵۰۰/۲۰۰۴۱/د۵۰

تاریخ ۱۶/۱۰/۶۴

پیوست

بسمه تعالی

جناب آقای مهندس زنگنه وزیر محترم جهاد سازندگی

خدمت ارزنده و ابتکار جهاد سازندگی در تنظیم آمار کامل روستاهای کشور می‌تواند در سرنوشت این بخش تعیین کننده گردد و در این آمار جهت قرار دادن در مسیر رشد. خداوند تبارک خدمتگزاران امت اسلامی خصوصاً جهادگران را موفق و به بیشتر خدمت وا بدارد.

پیش نویس نامه قدردانی از جهاد سازندگی

آقای [علی]شمخانی خبر داد که [عراقی‌ها] دو پاسگاه ما را در جزیره مجنون جنوبی پس گرفته‌اند که ۲۲ نفر پرسنل هم داشته است. عراق خیلی سروصدا راه انداخته است[1]. هوای تهران تاکنون خیلی سرد نشده، ولی بارندگی بد نیست.

سه شنبه ۱۷ دی ۱۳۶۴ ۲۵ ربیع الثانی ۱۴۰۶ 7 JANUARY 1986

گزارش‌ها را قبل از شروع جلسه خواندم. عراق با هیاهو مدعی است که بخشی از جزیره جنوبی مجنون را پس گرفته است. احتیاج به این تبلیغات دارد. در جلسه علنی کلیات برنامه پنج ساله تصویب شد[2]. کمیسیون، لایحه دولت را مسخ کرد و پیشنهاد شد در شور دوم اصلاح شود. طرح دستگیری و مجازات سربازان فراری مطرح و قسمتی از آن تصویب شد.

ظهر آقای هاتفی آمد. از فشار گروه سید مهدی هاشمی بر دفتر تبلیغات [اسلامی قم] از طریق

---

۱ ـ از جمله خبرگزاری فرانسه گزارش داد: "عراق ادعا می‌کند که بخش‌های عظیمی از منطقه مجنون را از نیروهای ایران باز پس گرفته است. همچنین منابع رسمی عراقی اعلام کرده‌اند که عملیات ساختمانی یک رشته خطوط دفاعی به طول ۵۰کیلومتر در ناحیه جنوبی جبهه برای جلوگیری از تعرض جمهوری اسلامی به پایان رسیده است".

۲ ـ لایحه برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران که در تاریخ ۲۲ مرداد ۶۲ به مجلس شورای اسلامی تقدیم شده بود و طبق ماده ۶۰ آئین‌نامه داخلی مجلس و به درخواست دولت، تقاضای طرح و رسیدگی مجدد آن شده بود، در جلسات کمیسیون خاص لایحه برنامه پنج ساله کشور به ریاست آقای قربانعلی دری‌نجف‌آبادی مورد بحث و بررسی قرار گرفت. اهداف و استراتژیهای کلی و بلند مدت و برنامه قضائی توسعه و نیز اهداف و استراتژیهای مرحله اول توسعه (تجهیز و آمادگی) با تغییرات و اصلاحات عمده در تاریخ ۴ آذر ۶۴ به عنوان شور اول تقدیم مجلس شد. مجلس شورای اسلامی نیز در تاریخ ۱۶ دی ۶۴ شور اول آن را مورد رسیدگی قرار داد و برای شور دوم به کمیسیون ارجاع کرد. این لایحه پس از تصویب نهایی در مجلس برای اجرا به دولت ابلاغ گردید ولی اجرای عملی آن در دوره ریاست جمهوری آقای هاشمی در دوران سازندگی اجرا شد. هدف‌های کلان این برنامه به این ترتیب تعیین شده بود: ۱- بازسازی و تجهیز بنیه دفاعی و تأمین نیازهای ضروری آن برمبنای اهداف دفاعی تعیین شده. ۲- بازسازی و نوسازی ظرفیت‌های تولیدی و زیربنایی و مراکز جمعیتی خسارت دیده در طول جنگ تحمیلی در چارچوب اولویت‌های برنامه. ۳- گسترش کمی و ارتقای کیفی فرهنگ عمومی، تعلیم و تربیت و علوم و فنون در جامعه با توجه خاص نسبت به نسل جوان. ۴- ایجاد رشد اقتصادی در جهت افزایش تولید سرانه، اشتغال مولد و کاهش وابستگی اقتصادی با تأکید بر خودکفایی محصولات استراتژیک کشاورزی و مهار تورم. ۵- تلاش در جهت تأمین عدالت اجتماعی اسلامی. ۶- تأمین حداقل نیازهای اساسی آحاد مردمی. ۷- تعیین و اصلاح الگوی مصرف در جهت تعیین نیازهای انسان و جامعه در جریان رشد و تکامل مادی و معنوی با حفظ کرامت و آزادگی انسان. ۸- اصلاح سازمان و مدیریت اجرایی و قضایی کشور در ابعاد مختلف. ۹- تلاش در جهت ایجاد امنیت قضایی و تحکیم مبانی نظری و عملی تساوی عموم در برابر قانون و اجرای عدالت و حمایت از آزادی‌های مشروع فردی و اجتماعی. ۱۰ ـ سازماندهی قضایی و توزیع جغرافیایی جمعیت و فعالیت‌ها، متناسب با مزیتهای نسبی هر منطقه به استثنای مواردی که ملاحظات سیاسی و نظامی ایجاب می‌نماید.

دفتر آقای منتظری و من جمله در خواست کتابهای کتابخانه دفتر برای کتابخانه سیاسی ـ که به وسیله گروه هاشمی اداره می‌شود ـ گله داشت. آقای یوسفیان از رفسنجان آمد و برای گرفتن پول زمینهایی که بعد از انقلاب در رفسنجان از آنها گرفته شده استمداد کرد. مدعی است باغهای پسته را گرفته‌اند و با بریدن درختان [آنجا را] تقسیم کرده‌اند.

عصر به [جلسه] شورای انقلاب فرهنگی رفتم. وزارت علوم مخالف اجرای قانون انتقال دانشکده‌های پزشکی به وزارت بهداشت و درمان است. پس از بحث مفصل، قرار شد قانون اجرا شود. رؤسای چند دانشگاه انتخاب شدند.

شورای مرکزی [جامعه] روحانیت مبارز تهران جلسه داشت. قرار شد که در اعلامیه‌ای نیابت رهبری آیت‌الله منتظری را تأیید و پیشنهاد کنیم در برنامه تظاهرات سالگرد انقلاب گنجانده شود. خبر دادند آقای مهدوی [کنی] بنا است در لندن قلبشان را عمل کنند.

دیر وقت به منزل رسیدم. آقای [اسدالله]بادامچیان در مورد تصویب نامه دولت که برای تعاونی‌های صادر کننده فرش، امتیاز بیشتری نسبت به افراد صادر کننده در نظر گرفته، اعتراض داشت. قرار شد با نخست‌وزیر در میان بگذاریم.

چهارشنبه ۱۸ دی ۱۳۶۴ ۲۶ ربیع الثانی ۱۴۰۶ 8 JANUARY 1986

نزدیک ساعت نه صبح به مجلس رسیدم. دکتر [حسن]روحانی آمد و گزارش کار کمیسیون تقسیم توپخانه‌ها را داد. آقای [مصطفی]میرسلیم آمد و گزارش وضع مجلس اعلای [انقلاب اسلامی] عراق و انتخابات جدید را داد. سپس اعضای مجلس [اعلا] ـ که حدود هفتاد نفرند ـ آمدند. آقای ناصری صحبت کرد و من هم سخنرانی کردم[1].

۱ ـ این ملاقات در آستانه برگزاری اولین اجلاسیه مجمع عمومی دوره ششم مجلس اعلای انقلاب اسلامی عراق انجام شد. در این دیدار آقای هاشمی گفت: "قرائن و شواهد نشان می‌دهد خداوند به مردم عراق مثل مردم ایران عنایت داشته و با فراهم کردن شرایط موفقیت مردم عراق، زمینه تحول و انقلاب در عراق را بسیار بالا قرار داده است. خصوصاً اینکه اگر با تقدیر الهی در عراق انقلاب اسلامی پیروز شود، با پیوستن دو انقلاب اسلامی در دو کشور نیرومند و غنی و با سابقه در منطقه، مسایل مسلمانان حل خواهد شد. لذا افراد دلسوز به اسلام و مسلمین باید تلاش و فداکاریشان را وسعت بیشتری دهند و اقداماتی در این مقطع را باید خیلی زیاد و جدی قلمداد کنند. مجلس اعلا در این چند دوره کارش رو به تکامل گذاشته و کارش از گذشته هر روز بهتر شده است". رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۴، جلد پنجم، دفترنشرمعارف‌انقلاب.

آقای [قربانعلی]درّی [نجف‌آبادی] آمد. گزارش وضع بودجه سال آینده را داد و درباره کسری‌ها و مطالب مهم مشورت کرد. آقایان رهنما و افتخار جهرمی تلفن کردند و درباره کیفیت برخورد با گرفتن پولی که گفته می‌شود در یکی از بانکهای سوئیس به نام [محمدرضا]شاه و نصیری معدوم داریم ـ حدود ۴۶۰ میلیون دلار ـ مذاکره کردند. امام جمعه و روحانیون خوی آمدند. از وضع شهر و روستاها راضی بودند و از مسئول تبلیغات اسلامی گله داشتند.

عصر هیأت رئیسه مجلس جلسه داشت. شب مهمان آیت‌الله [موسوی] اردبیلی بودیم. درباره گروگانهای فرانسوی در لبنان و مسافرت آقای خامنه‌ای و استرداد پولهای مانده در بانک سوئیس از سران رژیم گذشته و گرفتن ده میلیارد تومان وام از بانکها برای جنگ، با دستور امام و بدون اجازه مجلس ـ که امام به نظر اکثریت سران قوا محول کرده بودند ـ بحث شد. قرار شد با تصویب موارد خرج، عمل شود[1].

اخوی محمود از سوریه، تلفنی پیغام حافظ اسد را در مورد کمک به آزادی گروگانهای فرانسوی گفت. گفتم اگر فرانسوی‌ها به عنوان حسن نیت یک زندانی لبنانی را آزاد کنند، به عنوان کمک وارد عمل می‌شویم.

نامه‌ای به امضای سیصد نفر از زندانیان تواب زندان تبریز رسید که درخواست اجازه رفتن به جبهه و جبران کارهای گذشته خود را دارند. باید مشورت کنیم.

پنجشنبه ۱۹ دی ۱۳۶۴ — ۲۷ ربیع الثانی ۱۴۰۶ — 9 JANUARY 1986

تا ساعت هشت صبح در دفترم کار کردم. قبل از دستور درباره شهادت سلیمان خاطر مصری و مسائل مصر و لیبی و آمریکا و اسرائیل صحبت کردم. بعد از تنفس به دفترم آمد. ظهر رئیس زاده معاون روابط عمومی [مجلس] آمد و تذکرات سیاسی داد. عصر برای بسیجیان شیراز که برای

---

۱ ـ امام خمینی (ره) در ۱۵ دی ۶۴ در پاسخ به نامه آقای موسوی نخست‌وزیر که به مخارج جنگ اشاره کرده و براساس نظر آقای هاشمی رفسنجانی فرمانده جنگ و نماینده امام در شورای عالی دفاع، درخواست نموده بود اجازه واگذاری مبلغ درخواستی به دولت از طریق بانک مرکزی صادر شود، چنین مرقوم فرمود: "بسمه تعالی، در صورتی که ضرورت اقتضا کند و موافقت اکثریت رؤسای سه قوه جلب شود، مجازید، ان‌شاءالله تعالی موفق باشید. روح الله الموسوی الخمینی" رجوع کنید ← "کتاب صحیفه امام، جلد نوزدهم، صفحه ۴۶۳، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).

تمرین شنا در استخرهای تهران از جبهه آمده‌اند، سخنرانی کردم[1].

آقای میرزاطاهری سفیر جدیدمان در تایلند برای خداحافظی آمد و سپس آقای علی حجتی [کرمانی] آمد. تذکراتی داشت و خواهان کار بود. به اخوی محمد گفتم در صدا و سیما کار کنند. تا ساعت هشت کار کردم و سپس به خانه آمدم. تا آخر شب با تلویزیون مشغول بودیم.

مهدی و یاسر که می‌خواهند فردا با من به جبهه بیایند، برای گرفتن اجازه از مدرسه در تلاش‌اند؛ مخصوصاً یاسر.

جمعه ۲۰ دی ۱۳۶۴ — ۲۸ ربیع الثانی ۱۴۰۶ — 10 JANUARY 1986

صبح زود همراه پاسداران به دزفول رفتیم و در پایگاه چهارم فرود آمدیم. به محل برگزاری مانور عملیات هوایی آینده رفتیم. چند منظره بمباران را مشاهده کردیم؛ جالب بود و منظم. ظهر در مسجد پایگاه نماز خواندیم و ناهار دسته جمعی همان جا صرف شد. در سالن پایگاه درباره جنگ، برای خلبان‌ها و تکنسین‌ها سخنرانی کردم[2].

---

۱ ـ در این دیدار که گروه کثیری از رزمندگان متشکل در کاروان راهیان کربلا از استان فارس حضور داشتند، آقای هاشمی گفت: "حرکت نظامی ما هنگامی رخ می‌دهد که شرایط سیاسی آماده شود و ما نمی‌خواهیم حرکتمان صرفاً یک خونریزی باشد. عزیمت گسترده جوانان مسلمان کشورمان به سوی جبهه‌های جنگ تحمیلی، زمینه‌ساز شرایط سیاسی لازم در دنیا است. این حرکت‌ها به این شکل از لحاظ سیاسی کاملاً زمینه‌ساز است که وقتی دنیا حالت رزمندگی ملت ما و تأثیر آن را در مصر، فلسطین، فیلیپین، اندونزی و دیگر کشورهای اسلامی می‌بیند، می‌فهمد که نمی‌تواند این صدا را خاموش کند و متوجه می‌شود که باید در برابر آن تسلیم گردد و این حرکت بی معنا را که از عراق حمایت می‌کند، تکرار نکند و مضر بودن این روش را درک کند. اینجاست که دنیا به خود می‌آید و مرکز نور افشان و کانون نور در جبهه‌ها آثارش را در همه جا به نمایش می‌گذارد و دنیا متقاعد می‌شود که جنگ باید تمام شود و راهی جز سقوط صدام ندارد و این همان زمینه سیاسی است، دنیا باید محاسبه کند که چقدر ارزش دارد، به خاطر یک نظام خود فروخته و حفظ یک نوکر این همه خسارت را تحمل کند. جبهه‌ها باید همیشه مملو از نیرو باشد و نیروها، مدام تمرین کنند و خود را آماده سازند. ما هم روی شرط خود ایستاده‌ایم و آماده‌ایم که به محض آنکه لحظه مناسب فرا رسید، وظیفه خود را انجام دهیم". رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی های سال ۱۳۶۴، جلد پنجم، دفترنشر معارف انقلاب.

۲ ـ در این دیدار سرهنگ صدیق فرمانده نیروی هوایی گزارشی از نحوه آماده‌سازی خلبانان و عظمت این نمایش عظیم و انگیزه نامگذاری آن به نام سرباز رشید اسلام "سلیمان خاطر"، ارائه کرد. سپس آقای هاشمی گفت: "یک سرباز مصری آن فداکاری را کرد و علیه حکومتش که در جنگ شریک دشمن ما است، جنگید و شما با این کار در ایران، این ارتباط را بین خودتان و ملت مصر برقرار کردید. آنچه در مورد این مانور عظیم می‌توان گفت این است که این یک مانور منظم بود که در لحظه‌های پیش‌بینی شده کارها با دقت لازم انجام می‌گرفت و این قدرت شما، در این سطح وسیع بعد از شش سال جنگ و محاصره اقتصادی و

(ادامه پاورقی در صفحه بعد)

پس از کمی استراحت در محل پادگان تیپ دو لشکر ۹۲، جلسه ستاد و قرارگاه خاتم با شرکت فرماندهان و اعضا تشکیل شد و تا ساعت یازده شب ادامه داشت. درباره طرح مانور سپاه و تنظیم امکانات بحث شد. بعضی از نیروها کمی بهانه‌جویی می‌کنند. شاید فکر می‌کنند در این عملیات نمی‌توانند بدرخشند. شب همان جا خوابیدم. مهدی و یاسر هم با من بودند.

شنبه ۲۱ دی ۱۳۶۴ ۲۹ ربیع الثانی ۱۴۰۶ 11 JANUARY 1986

هنگام اذان صبح بیدار شدم. یاسر مشغول درس خواندن برای آمادگی امتحان شد. مهدی بعد از نماز خوابید و من به کار پرداختم. ساعت هفت و نیم صبح جلسه ستاد رسمی شد. بحث تا ساعت ده و نیم ادامه یافت. جلسه در مجموع خوب و موفق بود. بهتر از همیشه هماهنگی و امکانات وجود دارد.

ظهر به پادگان لشکر ولی عصر سپاه در جاده اندیمشک ـ اهواز رفتیم. در مسجد پادگان نماز جماعت خواندیم و برای فرماندهان سخنرانی کردم. پس از ناهار و استراحت، ساعت سه، جلسه با فرماندهان لشکرهای عمل کننده عملیات آینده برقرار شد. گزارش آمادگی و مانور جزء به جزء عملیات را دادند. خیلی زحمت کشیده‌اند. برنامه دقیقی برای عبور از آب و امکانات فراوان ابتکاری تهیه کرده‌اند. در مجموع امیدوارکننده است و بسیاری از مشکلات موجود در عملیات گذشته به چشم نمی‌خورد.

نماز مغرب را همان جا خواندیم و به پایگاه هوایی دزفول برگشتیم. در مرکز ستاد پایگاه با فرماندهان لشکرهای نیروی زمینی دیدار کردم. در جلسه صبح امروز از سرهنگ رامین فرمانده

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)
وابستگی شدیدی که این تشکیلات به دشمنان ما از لحاظ فنی داشت، از افتخارات ما است، اینها چیزهایی است که در تاریخ کمتر پیدا می‌شود و ما هنوز نمی‌توانیم افتخارات شما را آشکار کنیم، چون ناچاریم آنها را سری نگهداریم و اینها از آثار جنگی است که بر ما تحمیل کرده‌اند. به نظر ما شرایط سیاسی که ما از آن دم می‌زنیم، دارد محقق می‌شود و دنیا اکنون با این واقعیت خو می‌گیرد و می‌فهمد که این جنگ در حال یکپارچه کردن امت اسلامی در مقابل استکبار جهانی است. مسایلی که هم اکنون در جهان اسلام شاهد آنها هستیم، جنگ افروزها را قانع کرده که دیگر این جنگ به نفع آنان نیست و اینجا کسی از پای در نمی‌آید و جمهوری اسلامی روز به روز نفوذش روزافزون‌تر می‌شود و مقاومتش الهام‌بخش دنیا گردیده است". رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۴، جلد پنجم، دفترنشرمعارف‌انقلاب.

لشکر ۹۲ درباره پیشروی مختصر عراق در جزیره مجنون جنوبی توضیح خواستم. دفاع درستی نداشت. عراقی‌ها حدود یک کیلومتر در آب جلو آمده‌اند. حدود پنجاه شهید و مفقود و اسیر داده‌ایم. قرار شد خط را تحویل سپاه بدهند. شب به وسیله هواپیمای سیمرغ به تهران برگشتیم. با جنگنده‌ها در رفت وبرگشت محافظت می‌شدیم. بعثی‌ها از زدن هواپیماهای غیرنظامی ابایی ندارند.

یکشنبه ۲۲ دی ۱۳۶۴ — ۱ جمادی الاول ۱۴۰۶ — 12 JANUARY 1986

ساعت هفت ونیم صبح به دفترم رسیدم. گزارش دوسه روز گذشته را مرور کردم. مطلب فوق‌العاده‌ای ندیدم. در جلسه علنی هم تا ساعت ده ماندم. لایحه بازخرید و بازنشسته کردن معلمان ناصالح مطرح بود که رد شد. هیأت ژاپنی به ریاست [آقای ماسایاوکی]فوجیو ـ ایدئولوگ حزب حاکم ژاپن ـ و رئیس انجمن دوستی با ایران در پارلمان ژاپن به ملاقات آمد و نامه نخست‌وزیر ژاپن را آورد. درباره توسعه روابط و جنگ و گروگانهای فرانسوی و آمریکا در لبنان صحبت شد[1].

عصر وزیر خارجه هندوستان به ملاقات آمد و درباره روابط ایران و هند بحث شد[2]. آقای ملک‌پور نماینده زردتشتیان در مجلس آمد. گزارش سفرش به آمریکا را داد. با پیشنهاد خودش برای پیدا کردن اسلحه رفته و دست خالی برگشته بود. از حساسیت آمریکایی‌ها در مورد امام، آیت‌الله منتظری، من و [موسوی]خوئینی‌ها می‌گفت.

---

۱ ـ در این ملاقات فرستاده ویژه نخست‌وزیر ژاپن ضمن عظیم توصیف کردن دستاوردهای سفر آقای هاشمی به ژاپن، برضرورت تماسهای مداوم و تقویت انجمن دوستی بین ایران و ژاپن تأکید کرد و آمادگی این کشور در زمینه مبادلات فرهنگی و دانشجو را اعلام نمود. آقای هاشمی نیز از مهمان نوازی ژاپن در سفرگذشته تشکر کرد و اهمیت انجمن دوستی ایران و ژاپن در تحکیم روابط دو کشور را یادآور شد و گفت: "پس از بازگشت از ژاپن به کمیته مخصوص گفتم توافق‌های دیدار ما را تعقیب نماید. امیدوارم روزی شاهد دیدار نخست‌وزیر و رؤسای دو مجلس ژاپن از جمهوری اسلامی ایران باشیم".

۲ ـ در دیدار وزیر امور خارجه هند با آقای هاشمی، وی با اشاره به درایت شخصیت‌های جمهوری اسلامی ایران گفت: "دریافته‌ام که مسئولین ایرانی مشتاقند که اقتصاد و سیاست مستقلی داشته و صلح و ثبات را در منطقه خلیج‌فارس حفظ کنند. ایران و هند می‌توانند با کمک متقابل، یکدیگر را یاری کنند و با هم به صلح و ثبات منطقه کمک نمایند". آقای هاشمی نیز هند را جزو مناسب‌ترین کشورها برای گسترش روابط دانست و گفت: "متأسف هستم که طی این مدت توسعه روابط مورد نظر میان ایران و هند به دست نیامده است. دو کشور با توجه به شرایط خاص خود می‌توانند برای یکدیگر مؤثر باشند. ما از لحاظ سیاست بین‌المللی با شما مشکلی نداریم، در مسایل منطقه هم نوعاً وحدت نظر داریم. نه شما به ما طمعی دارید، نه ما به شما. با این همه رفت و آمدها کم است و لازم است روابط بیشتر و رفت و آمدها فراوان‌تر شود".

بعد از نماز مغرب اخوی محمود که از سوریه آمده، از وضع پیش آمده در مورد گروگانهای فرانسوی نگران بود و می‌گفت گروگان‌گیرها قولهایی به حافظ اسد [رئیس‌جمهور سوریه] داده‌اند که عمل نشده است. می‌گویند اول باید فرانسوی‌ها اقدام به آزاد کردن اسرای آنها در پاریس کنند. درباره جنگ و خریدهای جنگ و مسائل مربوطه هم اقداماتی داشتیم.

ظهر آقای حسینی نماینده سیرجان آمد و راجع به مسائل اختلافی بین دو خط فکری صحبت کرد. از من می‌خواست که جلوی متهم شدن جریان فکری خودشان به ضدیت با رهبری را بگیرم. شب به خانه آمدم.

دوشنبه ۲۳ دی ۱۳۶۴ ۲ جمادی الاول ۱۴۰۶ 13 JANUARY 1986

ساعت هشت صبح خدمت امام رفتم. گزارش وضع جبهه‌ها و برنامه عملیات آینده را دادم. در مورد گرفتن جزیره بوبیان در صورت تجاوز عراق مشورت کردم. نظرشان نظیر نظر جلسه خودمان بود که قبل از اشغال از طرف عراق، نباید این جزیره را بگیریم و باید به کویت قبلاً اخطار نمائیم. احمدآقا به منزل ما آمد و راجع به بنیاد مستضعفان و واگذاری متفرقه‌های جزئی مصادره شده به کمیته امداد امام یا جای دیگر بحث شد.

نماینده هرمزگان تلفنی از بازداشت بعضی از مسئولان قبلی بنیاد امور جنگ زدگان خوزستان شکایت کرد. به مدیر بنیاد پیغام دادم. با آقایان محسن رضایی و صیاد شیرازی در مورد اختلاف نظری که در مورد تحویل نیروهای بسیجی به نیروی زمینی موجود است، صحبت کردم. آقازاده [وزیر نفت] با ناراحتی از بمب خوردن دو منبع نفت در خارک خبر داد. امیر عراقی [معاون وزیر نفت] آمد و از محدود شدن اختیاراتش در صدور نفت گله داشت.

سه شنبه ۲۴ دی ۱۳۶۴ ۳ جمادی الاول ۱۴۰۶ 14 JANUARY 1986

در گزارش‌ها و تلکس‌ها خبر کودتا در یمن جنوبی و شکست آن واعدام سران کودتا آمده بود[1].

---

۱ ـ این کودتا توسط عبدالفتاح اسماعیل رئیس‌جمهور سابق و علی احمد ناصر انتار معاون رئیس‌جمهور یمن جنوبی علیه علی‌ناصر

(ادامه پاورقی در صفحه بعد)

همچنین استقبال با شکوه مردمی در پاکستان از آیت‌الله خامنه‌ای باعث تعجب ناظران، خوشحالی دوستان و خشم دشمنان شده و مخصوصاً شعارهای ضد آمریکایی مستقبلان[1]. در جلسه علنی چند لایحه تصویب شد.

پیش از ظهر دکتر [حسن]روحانی آمد و درباره عملیات آینده صحبت کردیم. آقای [فضل‌الله]محلاتی آمد. گزارش وضع لبنان را داد و خبر اینکه امام در مورد بعضی مسائل خارجی مسأله را به نظر من محول کرده‌اند و همچنین در امور شرعی مسائل سیاسی. آقای [محسن]رفیق‌دوست آمد و درباره گرفتن باغ بزرگ اقدسیه از بنیاد مستضعفان برای سپاه که از بهایی‌ها گرفته‌اند، کمک خواست. امام آن را مشروط به نظر موافق من کرده‌اند.

ظهر یکی از معلمان مهدی و یاسر آمد و تقاضای کمک در کارهایش داشت. آقای مطهری نماینده زرند آمد و از تحت فشار بودن خودش و همفکرانش در کرمان گله داشت. آقای قائمی نماینده سروستان آمد و در مورد اختلافات با آقای ارسنجانی استمداد کرد.

عصر آقای [محمد]عبائی [خراسانی] [رئیس دفتر تبلیغات اسلامی قم] آمد. اصرار به رفتن بیشتر من به قم داشت. به ایشان تأکید کردم در مشهد با آقای [واعظ]طبسی گرم‌تر باشند. برای سازمان دادن به اداره بیت آیت‌الله منتظری و محدود کردن نفوذ مهدی هاشمی استمداد کرد.

آقای آقازاده [وزیر نفت] و معاونانش آمدند و درباره تکمیل طرح قرارگاه ابوالفضل توسط

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

محمد رئیس‌جمهور این کشور انجام شد، اما در این توطئه کودتا، رئیس‌جمهور از ترور جان سالم به در برد و عاملان کودتا اعدام شدند.

۱ - مردم شهر لاهور پاکستان در حالی که تصاویری از امام خمینی(ره) و آیت‌الله منتظری و آیت‌الله خامنه‌ای در دست داشتند، در پشتیبانی از انقلاب اسلامی شعارهای الله اکبر، خمینی رهبر، مرگ بر آمریکا و مرگ بر صدام یزید کافر سر دادند. استقبال بی‌نظیر مردم لاهور از آیت‌الله خامنه‌ای به حدی بود که وضع عبور و مرور شهر را به کلی مختل ساخت. همچنین گروه کثیری موتور سوار که پیشاپیش اتومبیل‌های هیأت ایرانی حرکت می‌کردند، مقدم رئیس‌جمهور را گرامی داشتند. رسانه‌های مخالف جمهوری اسلامی و خبرگزاریهای غربی با سردرگمی مدعی شدند استقبال پرشور مردم پاکستان از رئیس‌جمهور ایران، برنامه‌ریزی شده و سازمان دیده بوده است. رادیو اسرائیل در این باره گفت: "حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی در نماز جمعه، تظاهرات سازمان دیده‌ای را که با شرکت چند هزار نفر از شیعیان پاکستان هنگام دیدار حجت‌الاسلام خامنه‌ای از اسلام آباد و لاهور به عمل آمد، یک رویداد بزرگ در تاریخ دیپلماسی توصیف کرد و آن را نشانه صدور انقلاب اسلامی به خارج از ایران قلمداد ساخت. گزارش قبلی حاکی بود که در حدود سی هزار نفر از شیعیان لاهور و سایر نقاط پاکستان با شعارهایی در حمایت از حکومت اسلامی ایران از حجت‌الاسلام خامنه‌ای استقبال کردند. خبرگزاری‌ها این تظاهرات سازمان دیده را نشانه آن دانستند که شیعیان پاکستان خواهان سهم بیشتری در حکومت اسلامی سُنی ژنرال ضیاءالحق هستند".

قرارگاه مهندسی رزمی کمک خواستند. در [جلسه] شورای عالی انقلاب فرهنگی شرکت کردم. بحث‌های خوبی داشتیم. ساعت هشت به منزل رسیدم. مصاحبه [خانم خالده عبدالقهار] منشی مخصوص صدام راکه به ایران پناهنده شده، گوش دادم[1].

چهارشنبه ۲۵ دی ۱۳۶۴ — ۴ جمادی الاول ۱۴۰۶ — 15 JANUARY 1986

صبح زود به مجلس رفتم و تا ساعت ده در دفترم کار کردم. ستاد قرارگاه خاتم‌الانبیا جلسه داشت. نیروی زمینی طرح مانور خودش را توضیح داد و درباره هماهنگی با سپاه در حمله آینده مذاکره شد. نیروی هوایی عکس‌هایی گرفته که خیلی لازم بود. در [جلسه] شورای عالی انقلاب فرهنگی شرکت کردم. درباره اجازه تأسیس مدارس توسط بخش خصوصی و یا گرفتن پول از شاگردان متمکّن بحث شد. هیأت رئیسه مجلس جلسه داشت.

شب مهمان آقای [میرحسین موسوی] نخست‌وزیر بودیم. درباره جنگ و بودجه بحث شد. چهار میلیارد تومان از محل استقراض از بانک برای مخارج جنگ اختصاص دادیم. دوماه از چهار ماه عقب افتادگی فوق‌العاده عملیات نیروی زمینی را دادیم. برای خواب به مجلس رفتم.

پنجشنبه ۲۶ دی ۱۳۶۴ — ۵ جمادی الاول ۱۴۰۶ — 16 JANUARY 1986

از ساعت چهار صبح که بیدار شدم، دیگر خواب نرفتم. در جلسه علنی چند دستور انجام شد. خطبه عربی [نماز]جمعه را نوشتم. پیش از ظهر آقای [طهماسب]مظاهری آمد و درباره بنیاد مستضعفان توضیحاتی داد. آقای [حسین]موسویان [مدیر کل امور اداری مجلس] آمد و از مشکلات اداره کارهای اداری مجلس گفت.

---

۱ ـ خانم خالده عبدالقهار منشی و دبیر بخش اطلاعات سری دفتر صدام رئیس‌جمهور عراق که به همراه شوهر و چهار فرزند خود به ایران پناهنده شده بود، در مصاحبه خود به افشای بخشی از جنایات صدام حسین پرداخت. وی گفت که صدام با ضدانقلاب داخلی ایران همکاری می‌کند و اسناد واضحی در این مورد وجود دارد. خانم عبدالقهار گفت: "من با خواهر صدام در تجارت شریک بودم و شرکت‌های تجاری داشتیم. پدرم با روابط من با رژیم صدام مخالفت می‌کرد ولی علاقه‌ای که به کار و شرکت‌های خود داشتم مرا از آمدن به ایران منصرف می‌کرد، ولی بعداً تصمیم گرفتم از همه چیز دست کشیده و به جمهوری اسلامی پناهنده شوم".

ظهر آقای مهندس طباطبایی معاون وزیر کشاورزی آمد و برای پیاده شدن طرح نیشکر خوزستان استمداد کرد. عصر آقای غرضی [وزیر پست و تلگراف و تلفن] آمد و برای ماهواره و توسعه شبکه تلفن کمک خواست. روحانیون حزب جمهوری اسلامی آمدند. برایشان صحبت کردم.[1]

آقایان رفیق‌دوست و شمخانی و افشار آمدند. برای بودجه سپاه کمک خواستند و نظر موافق مرا در تحویل باغ سفیدتپه بهایی‌ها از بنیاد مستضعفان به سپاه گرفتند؛ امام موکول به نظر من کرده‌اند. شب به خانه آمدم. عفت با نگهبانان بیت به خاطر سخت‌گیری با مراجعان درگیر شده بود و به امام شکایت کرده است.

جمعه ۲۷ دی ۱۳۶۴ — ۶ جمادی الاول ۱۴۰۶ — 17 JANUARY 1986

در منزل بودم. برای اقامه جماعت به دانشگاه تهران رفتم[2]. در خطبه دوم، استقبال مردم

---

۱ ـ در بخشی از این سخنرانی آمده است: "برخی معتقدند حکومت اسلامی فقط در عصر امام زمان (عج) باید تحقق پیدا کند. علیرغم این طرز فکر اکنون اسکلت حکومت اسلامی در ایران، تحقق پیدا کرده و در دنیا، جا می‌افتد البته این خبری است که باور کردنش پیش از این مشکل بود. علیرغم این اعتقاد، اسلام تنها مکتبی است که می‌تواند دنیا را به صورتی قابل قبول برای مردم، همراه با اجرای حق و برقراری عدالت، اداره کند. بعضی‌ها فکر می‌کردند این امر شدنی نیست و مثل خورشید پشت ابرها پنهان می‌ماند، تا امام زمان (عج) ظهور کند و این ابرها را برطرف سازد. با وجود اشاعه این طرز فکر در بین مسلمان‌ها، نظر امام امت به عنوان رهبر انقلاب غیر از این بود و ایشان با قاطعیت، دنبال این مسأله که حکومت اسلامی را می‌توان تشکیل داد، بودند. افرادی هم که خدمت امام امت بودند، با ایشان هم عقیده بودند؛ دنبال این راه را گرفتند و گفتند باید بشود. این طرز تلقی که تشکیل حکومت اسلامی مربوط به جامعه ساده جزیرةالعرب در ۱۴۰۰ سال پیش بوده، یک استدلال سطحی، عوامفریبانه و برداشت نادرست از اسلام است. این استدلال تنها کسانی را می‌تواند قانع کند که اسلام را نمی‌شناسند". رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۴"، جلد پنجم، دفترنشرمعارف‌انقلاب.

۲ ـ در خطبه اول ادامه بحث اشتغال زنان از دیدگاه اسلام دنبال شد و مطالبی درباره شخصیت حضرت زینب‌کبری(س) و روز پرستار و همچنین توطئه علیه زنان در رژیم پهلوی ارائه گردید. در خطبه دوم تحلیلی از سفر رئیس‌جمهوری اسلامی ایران به پاکستان ارائه شد و درباره شکست توطئه‌های دشمنان، مسأله مبارزه با مواد مخدر و اعتیاد و موضوع راهپیمایی حامیان راه کربلای بانوان بیان مطالبی گردید. در بخشی از خطبه دوم آمده است: "ما از مردم پاکستان تشکر می‌کنیم که وسیله نشان دادن یک حقیقت شدند. حتی از مسئولان پاکستان تشکر می‌کنیم که مانع این حرکت مردم نشدند و این مقدار اجازه دادند که مردم خودشان را نشان دهند و این قابل تقدیر است. تحقیقاً در اکثر کشورهای دنیا این جوری است، هر جا اجازه دهند که چنین شرایطی به وجود آید، مردم با جمهوری اسلامی، این جوری برخورد می‌کنند. این مردمی که در پاکستان آن استقبال را انجام دادند، نشان داد که اگر یک حرکت حقیقی سالم مقاوم در دنیا تحقق پیدا کند و مردم مقاومت کنند، امروز زیر این آسمان، هیچ قدرتی وجود ندارد که بتواند

(ادامه پاورقی در صفحه بعد)

پاکستان از [آیت‌الله خامنه‌ای] رئیس‌جمهور را مورد تجلیل قرار دادم. حضور خانمهای حامیان راهیان کربلا در نماز جمعه چشمگیر و جالب بود. عصر و شب بیشتر به مطالعه و تماشای تلویزیون گذشت. در گزارش‌ها مسأله مهم، حوادث یمن جنوبی است که هنوز ماهیت آن روشن نیست.

شنبه ۲۸ دی ۱۳۶۴ — ۷ جمادی الاول ۱۴۰۶ — 18 JANUARY 1986

در منزل بودم. احمدآقا آمد. درباره بنیاد مستضعفان و مشکل اداره آن و تفکیک اموال مجهول المالک و غیر مجهول و نظریه آقای [موسوی]اردبیلی و آقای [طهماسب]مظاهری بحث شد. قرار شد که عجله نشود و کار بیشتری برای تصمیم‌گیری لازم است. درباره جنگ، آخرین وضع را برای اطلاع امام توضیح دادم. مقداری گزارش ناخوانده از هفته گذشته مانده که امروز خواندم.

نیروی هوایی اجازه عملیات برون مرزی خواست؛ گفتم فقط در صورت حمله هوایی عراق و به عنوان تلافی انجام شود. سیاست جنگی این است که قبل از عملیات، جو را متشنج نکنیم. شب همشیره صدیقه آمد. عازم سوریه است. از بستگان رفسنجان و نوق احوالپرسی کردم. گفت همه حالشان و وضعشان خوب است.

یکشنبه ۲۹ دی ۱۳۶۴ — ۸ جمادی الاول ۱۴۰۶ — 19 JANUARY 1986

ساعت هفت و نیم صبح به مجلس رسیدم. وضع یمن جنوبی هنوز مبهم است. در جلسه علنی طرح تقسیم عادلانه ظرفیت دانشکده‌های پزشکی مطرح بود؛ تمام نشد. ظهر [سرهنگ محمد حسین جلالی] وزیر دفاع آمد. گفت کره شمالی از ما یک نمونه موشک‌های اگزوست و سایت‌وایندر و توپ اسکای‌گارد برای کپی‌سازی خواسته‌اند. گفتم اگر تعهد عدم تحویل به غیر نداشته باشیم، در مقابل موشک دور برد زمین به زمین می‌دهیم.

آقای اجاره‌دار آمد و در مورد پذیرش مأموریت خارج مشورت کرد. امام جمعه ملایر آمد و

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

جلوی امواج مردم بایستد". رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، خطبه‌های جمعه سال ۱۳۶۴، جلد نهم، صفحه ۲۷۷، دفترنشرمعارف‌انقلاب.

برای موافقت اصولی یک کوره هوفمان آجر در ملایر برای بنیاد مسکن استمداد کرد.

عصر [اعضای] ستاد برگزاری مراسم هفته بزرگداشت معلم آمدند. برای آنها صحبت کردم[1]. تقاضای افزایش حقوق و مزایای معلمان را داشتند. [آقای کاظم اکرمی] وزیر آموزش و پرورش و معاونش آمدند. امکانات بیشتر برای آموزش می‌خواستند. آقای شاملو آمد و برای مسکن کارکنان مجلس استمداد کرد. اعضای برگزاری طرح مانور لشکرهای احتیاط قدس در دهه فجر آمدند. برای آنها صحبت کردم[2]. به دکتر [حسن] روحانی گفتم، قرارگاه رمضان را برای فعال‌تر شدن ترغیب نماید. شب به منزل آمدم، نم نم باران می‌آید؛ مدتی است نباریده.

دوشنبه ۳۰ دی ۱۳۶۴ ۹ جمادی الاول ۱۴۰۶ 20 JANUARY 1986

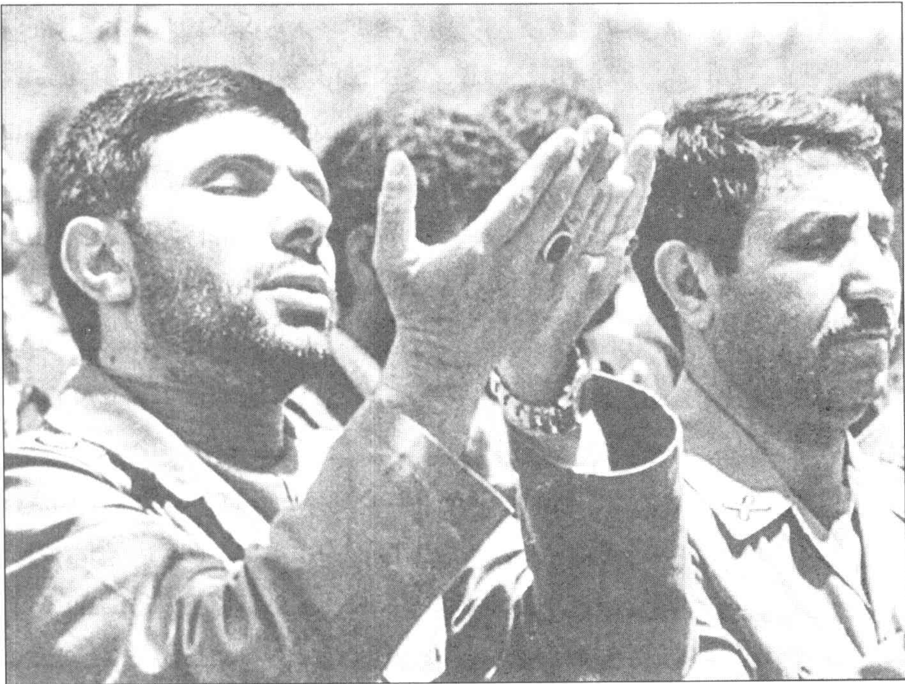
جزوه‌ای از وزارت اطلاعات درباره وضع افغانستان و پیشنهاد کیفیت برخورد با آن خواندم. گزارش مفصل کمیسیون ویژه بررسی عملکرد بیانیه الجزایر را خواندم. به نظرم تحت تأثیر مخالفت با اشخاص و با هدایت داوران عزل شده [دادگاه لاهه]، مخالف دولت تهیه شده. ولی به هر حال منشاء یک سری برخوردها خواهد شد.

دیشب پس از مدتی بی بارانی برف باریده است و امروز هوا سرد است. عصر در اثر باد، یک

---

۱ ـ در این دیدار که نمایندگان معلمین سراسر کشور که جهت برگزاری اجلاس مقدماتی ستاد بزرگداشت مقام معلم در تهران گرد آمده بودند، آقای هاشمی گفت: "اگر بعد فرهنگی و معنوی در یک کشور محکم نشود، ابعاد دیگر در کل کشور پایدار نخواهد بود و زود به هم خواهد ریخت. اگر بعد فرهنگی تحکیم گردد و مردم عوض شوند، آرمانهای انقلاب با جوّ مردم و نسل نو آمیخته می‌گردد و بعد هیچ کس نمی‌تواند این انقلاب را به آسانی بگیرد و برای دوره‌های طولانی پایدار خواهد ماند. این انقلاب با توجه به فطری بودن پایه‌های آن و ارتباط اساسی با طبیعت جهان و هماهنگی با مسیر تکامل آفرینش، رو به تکامل است و سیر نزولی ندارد، به شرط آنکه موقعیت فرهنگی خود را بتواند تحکیم نماید. ما در تاریخ جامعه‌ای مثل جامعه خود را سراغ نداریم که از اسلام اشراب شده باشد و اسلام با افرادش این چنین عجین گشته باشد". رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۴، جلد پنجم، دفترنشرمعارف انقلاب.

۲ ـ در این دیدار که گروهی از فرماندهان نواحی سپاه پاسداران و مسئولین اجرای طرح نمایشی لشگرهای بسیجی در ایام دهه فجر حضور داشتند، آقای هاشمی از ابتکار سپاه برای اعلام ایام دهه فجر به عنوان دهه آمادگی مردمی حمایت کرد و گفت: "یکی از سیاست‌های خوبی که در جمهوری اسلامی انتخاب شده، قدرت نهایی ملی و مردمی کشورمان در مقابل دشمن است و بدین جهت باید همه امکانات مردمی، ادارات، استانداری‌ها، آموزش و پرورش و بسیج و سپاه در این راه به کار گرفته شود و همان طور که تاکنون با تکیه بر نیروی الهی مردم مسلمان ایران پشت دشمن را لرزانده‌ایم، در ایام دهه فجر نیز دشمنان را بیشتر بترسانیم". رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۴، جلد پنجم، دفترنشرمعارف انقلاب.



شهید علی صیاد شیرازی فرمانده نیروی زمینی ارتش

درخت کهن در باغچه مجاور منزلمان از ریشه کنده شد. عصر آقای سید عباس طباطبایی آمد و پیشنهاد تأسیس مدرسه عالی روان شناسی را آورد که اسم آن را «سید رضی» گذاشتیم.

آقای [ابوالفضل]توکلی‌بینا آمد و گزارشی از وضع امارات متحده عربی و وضع صادرات ایران به کشورهای جنوب خلیج‌فارس داد. شب به مناسبت ازدواج اخوی زاده علی، بستگان مهمان‌مان بودند. نخست‌وزیر از تغییر فاحش بودجه دولت درکمیسیون برنامه و بودجه، تلفنی اظهار نگرانی کرد.

بهمن ۱۳۶۴



سه شنبه ۱ بهمن ۱۳۶۴ ۱۰ جمادی الاول ۱۴۰۶ 21 JANUARY 1986

درگزارش‌ها سقوط قیمت نفت دریای شمال در صدر مسائل است[1]؛ ظاهراً توطئه استعمارگران غربی است. می‌خواهند قیمت نفت را زیر بیست دلار در بشکه بیاورند. باید با آن مبارزه کنیم. اگر در عملیات آینده پیروز شویم، ممکن است قدرت فشار بر اوپک را به دست بیاوریم.

در جلسه علنی تا موقع تنفس ماندم. مراجعات نمایندگان خیلی زیاد است. ظهر در دفترم چند ملاقات داشتم. عصر هم اشتباهاً به خیال اینکه شورای عالی انقلاب فرهنگی جلسه ندارد، ملاقات گذاشته بودند. ساعت پنج معلوم شد جلسه داریم. به دفتر رئیس‌جمهور برای اداره جلسه رفتم. در غیاب ایشان، من جلسه شورا را اداره می‌کنم. بحثی درباره مواد درسی و مدرسان معارف اسلامی در دانشگاه‌ها داشتیم و تصمیماتی اتخاذ شد. به خانه آمدم.

چهارشنبه ۲ بهمن ۱۳۶۴ ۱۱ جمادی الاول ۱۴۰۶ 22 JANUARY 1986

صبح زود به مجلس رفتم. فرمانده نیروی هوایی با جمعی از خلبانان به مناسبت توفیق درگرفتن عکس از جبهه دشمن آمدند. برای آنها مفصلاً صحبت کردم[2]. گزارش‌ها را خواندم. هنوز جنگ

---

۱ ـ خبرگزاری رویتر چنین گزارش داد: "بهای انواع نفت خام دریای شمال به کمترین میزان طی شش سال گذشته رسیده و یک دلار و ۵۴ سنت در هر بشکه در بازار آزاد اروپا کاهش یافته است. نفت خام برنت انگلیس که حساس‌ترین وسیله ارزیابی روندهای قیمت در جهان است، روز ۲۱ ژانویه (اول بهمن) کمتر از مرز ۲۰ دلار در هر بشکه معامله شد که این میزان اولین بار پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران که موجب افزایش قیمت‌های نفت شده بود، تاکنون می‌باشد. روز دوشنبه محموله‌ای که قرار است در ماه آوریل بارگیری شود، به بهای ۱۹/۵۰ دلار در هر بشکه فروخته شد، در حالی که نفت بارگیری شده زودتر از آن موعد، بیش از ۲۰ دلار بوده است. تجار نفتی معتقدند که این معامله حاکی از آن است که دلالان نفتی پیش بینی می‌کنند که قیمت‌ها در ماههای آتی بیش از این تقلیل خواهند یافت". آقای مهندس موسوی پس از جلسه هیأت وزیران در مصاحبه‌ای کاهش قیمت نفت دریای شمال را توطئه دشمنان خواند وگفت: "ما از اوپک می‌خواهیم تا در برابر این توطئه ایستادگی کند. چرا که کوتاهی در این مسأله خیانت به ملتهاست".

۲ ـ در بخشی از این سخنرانی آمده است: "جمهوری اسلامی امروز تجربه موفقی را به دنیا عرضه می‌کند که بسیار گرانبهاست. وقتی گرد و غبار ناشی از هیاهوهای شیطنت‌آمیز دشمنان فرو نشیند و فضای دنیا صاف شود، اثر این تجربه در سرنوشت دنیا و کشورهای عقب‌افتاده و جهان سوم که هم اکنون از یک اقدام جدی واهمه دارند، یک تأثیر بسیار جدی خواهد بود. مدتهاست که این روحیه بر جهان سوم حاکم شده است که هر کشوری بخواهد برای استقلال، آزادی و نجات خود اقدامی کند، از یک چاله در

(ادامه پاورقی در صفحه بعد)

داخلی در یمن جنوبی ادامه دارد. دست شوروی‌ها هم در کار است. ستاد قرارگاه خاتم‌الانبیا جلسه داشت. زمان عملیات را تعیین کردیم و درباره همکاری سپاه و ارتش در میدان عمل و تعیین مسئولیت‌ها بحث شد. متأسفانه اختلاف سلیقه وقت تلف کن و مزاحم است.

ظهر آقایان خَیر و [حسین] موسویان ـ مدیر کل اداری مجلس ـ برای کارهای جاریشان آمدند. عصر هیأت رئیسه مجلس جلسه داشت. بیشتر بحث راجع به چارت اداری مجلس بود. سمت‌های چند مدیرکل حذف و به اداره تبدیل شد و فقط یک مدیرکل برای تمام ادارات در نظر گرفته شد؛ لابد چند نفری ناراحت می‌شوند.

شب در دفترم ماندم. جلسه سران قوا تشکیل نشد، چون آقای خامنه‌ای ساعت هفت و ربع از سفر [خارج] وارد می‌شدند. نخست‌وزیر در استقبال ایشان شرکت داشتند[1]. تا آخر شب کار کردم. احکام کارکنان مجلس را امضای نمودم. برف سنگینی شروع به بارش کرد که باعث خوشحالی است. امسال بارندگی کم است.

پنجشنبه ۳ بهمن ۱۳۶۴ ۱۲ جمادی الاول ۱۴۰۶ 23 JANUARY 1986

بعد از نماز تا ساعت هشت صبح در دفترم کار کردم. در گزارش‌ها مطلب مهمی نداشتیم. چند دستور در مجلس انجام شد. ظهر نمایندگان یزد آمدند و از کم آبی یزد و مدیرکل آموزش وپرورش شکایت داشتند. عصر مسئولان دانشگاه آزاد اسلامی آمدند. گزارش وضع دانشگاه‌ها را دادند و من مفصلاً صحبت کردم[2]. یک نفر از اسرای آزاد شده از عراق آمد؛ گزارش وضع آنجا را داد. یک

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)
می‌آید ولی به چاه دیگری خواهد افتاد و گرفتاری‌های مبارزه و انقلاب و ترس از وابستگی‌های جدید، آنها را از هرگونه اقدامات جدی می‌ترساند. این روحیه ضعف و خوف بی‌همتا باعث شده که قدرت‌های استبکاری از این بابت احساس امنیت کنند". رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۴، جلد پنجم، دفترنشرمعارف‌انقلاب.

۱ ـ آیت‌الله خامنه‌ای رئیس‌جمهور از کشورهای پاکستان، موزامبیک، تانزانیا، آنگولا و زیمبابوه دیدن کردند و در مصاحبه‌ای در فرودگاه مهرآباد نتایج سفر به این کشورها را بسیار مثبت خواندند.

۲ ـ در بخشی از این سخنرانی آمده است: "ما حدود ۵۰۰ شهر داریم و آرزوی ما، این بود که ۵۰۰ دانشگاه در این شهرها، داشته باشیم. باید ضمن ایجاد امکاناتی برای ادامه تحصیل جوانان، نحوه برنامه‌ریزی‌های آموزشی به گونه‌ای باشد که بار مالی برای دولت نداشته باشد. هدف این دانشگاه سودجویی نیست و امیدوارم دانشگاه آزاد اسلامی، الگویی برای همه کشورهای اسلامی

(ادامه پاورقی در صفحه بعد)

سکه بهار آزادی به او دادم.

آقایان صفایی و موسویان ـ رئیس و قائم مقام عقیدتی سیاسی ارتش ـ آمدند. گزارشی از کار خود و ارتش دادند و جزوه‌های تعلیماتی را آوردند. شب با سران قوا و احمدآقا و دکتر ولایتی و آقازاده جلسه داشتیم. رئیس‌جمهور گزارش سفرشان را دادند و درباره قیمت نفت و فعال شدن اوپک برای جلوگیری از سقوط قیمت نفت تصمیم‌گیری شد. اطلاع رسید که عراق تأسیسات نفت درگناوه را زده است. دستور دادیم که نیروی هوایی و دریایی تلافی کنند.

سروصدای زیادی در رسانه‌های خارجی در مورد مواضع آیت‌الله خامنه‌ای در سفر آفریقا درخصوص حجاب زنان و مشروبات الکلی برپا شده است.

جمعه ۴ بهمن ۱۳۶۴ ۱۳ جمادی الاول ۱۴۰۶ 24 JANUARY 1986

در منزل بودم*. بچه‌ها همگی مهمان بودند. عصر آقای ترابی اطلاع داد که نیروی هوایی دو

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

بشود و در صحنه بین‌المللی جایگاه ویژه‌ای داشته باشد. مشکلی که مربوط به زمان ما است و انسان را رنج می‌دهد، این است که طالب تحصیل وجود داشته باشد، امکانات تحصیل و نیاز به تحصیل کرده هم باشد، اما کسی نباشد که شرایط عملی آن را فراهم آورد. اکنون، در جامعه ما دانش آموزانی که تحصیلشان را در دبیرستان‌ها به پایان رسانده‌اند و بیکارند، می‌خواهند درس بخوانند و اشتیاق فراوانی هم به درس خواندن دارند، فقط به خاطر پر شدن ظرفیت تحصیلی دانشگاه‌ها معطل مانده‌اند. این عده، بعد از چند سال نشاط جوانیشان را از دست می‌دهند و سرانجام، سرمایه عظیمی از بین می‌رود. اگر امکانات نبود، انسان تکلیفی هم نداشت؛ ولی هنگامی که دانشجو تشنه درس خواندن است و امکانات آموزشی زیادی هم در کشور وسیع و غنی ما وجود دارد، این امکانات باید برای ادامه تحصیل افراد تجهیز شود و گام‌های مؤثر برای توسعه مراکز تحصیل برداشته شود. رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی های سال ۱۳۶۴، جلد پنجم، دفترنشرمعارف‌انقلاب.

* ـ در این روز خبرگزاری فرانسه تفسیری درباره فعال شدن دیپلماسی ایران ارائه داد. در بخشی از این تفسیر آمده است: "تهران از اوایل دی ماه گذشته، صحنه یک دیپلماسی فعال و آشکار شده است که این امر در نظر ناظران سیاسی مقیم پایتخت ایران به منزله خواسته جمهوری اسلامی، مبنی بر عدم دخالت دادن مسائل وابستگی یا انزواطلبی است. از هفتم دی ماه تاکنون هفت هیأت رسمی خارجی به تهران آمده‌اند و چهار هیأت دیگر نیز در آینده نزدیک از این کشور دیدار خواهند کرد. ناظران سیاسی خاطرنشان می‌کنند که گوناگونی جغرافیایی این هیأت‌ها نمایانگر تمایل مقامات ایرانی به عدم بستن افقهای سیاسی مختلف می‌باشد. دیدار راشد عبدالله نعیمی وزیر مشاور در امور خارجی امارات عربی متحده در تاریخ هفتم دیماه گذشته از تهران، بلافاصله سفر مصطفی تینازتی وزیر اقتصاد ترکیه را در رأس یک هیأت ۱۵ نفره از ایران در پی داشت، دیدار اخیر راه‌گشای سفر تورگوت اوزال نخست‌وزیر ترکیه از ایران بود که توسط ۲۰۰ تن همراهی می‌شد. ژاپن همکار برگزیده ایران در زمینه اقتصادی نیز ماسایوکوفرجیو از نمایندگان مجلس و رئیس کمیسیون امور خارجی حزب حاکم لیبرال دمکرات را به تهران اعزام کرد. توکیو در

(ادامه پاورقی در صفحه بعد)

مأموریت موفق علیه مواضع نظامی عراق انجام داده است.

شنبه ۵ بهمن ۱۳۶۴   ۱۴ جمادی الاول ۱۴۰۶   25 JANUARY 1986

بیشتر وقتم به مطالعه گذشت. آقای شیرازی امام جمعه مشهد آمدند. از جبهه برگشته‌اند. بیشتر درباره روابط با آقای [واعظ] طبسی صحبت کرد. بر ضرورت تفاهم کامل تأکید کردم. البته تظاهری به عدم هماهنگی نمی‌کنند. بعد از مغرب با آقای [سیدحمید]زیارتی ادامه مصاحبه درباره تاریخ انقلاب را داشتم. تاکنون حدود هفت ساعت مصاحبه انجام شده و هنوز خیلی مانده است. شب بستگان مهمانمان بودند. کارهایم را از مجلس آوردند، انجام دادم و گزارش‌ها را خواندم. جامعه دندانپزشکی زنجان نامه‌ای به مجلس نوشته‌اند و درخواست کرده‌اند لوایح و طرحهائی که در ارتباط با مسایل پزشکی در مجلس مطرح می‌شود، قبلاً به نظر جامعه پزشکی برسد[1].

یکشنبه ۶ بهمن ۱۳۶۴   ۱۵ جمادی الاول ۱۴۰۶   26 JANUARY 1986

ساعت هفت و نیم در مجلس بودم. قبل از دستور درباره توطئه سقوط قیمت نفت صحبت

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)
ماه دسامبر یک سوم از نفت صادراتی ایران را خریداری کرده بود. سرانجام بالی زام باگان وزیر امورخارجه هند نیز از نهم تا دوازدهم دیماه از تهران دیدار به‌عمل آورد و این در حالی بود که معاون وزیر بازرگانی تایلند نیز در این شهر به سر می‌برد. اوایل ماه ژانویه (اواسط دی ماه)برای شروع سال جدید (۱۹۸۶)که فرانسوا میتران رئیس‌جمهور فرانسه ابراز امیدواری کرد که به عنوان سال پایان مسائل میان تهران و پاریس باشد، ژاک مارتن از جانب میتران به‌مدت چهار روز در تهران اقامت کرد. فرستاده فرانسه همراه با یک هیأت هشت نفره در ملاقاتهای خود اختلافات مالی میان دوکشور را مورد بررسی قرار داد. از سوی دیگر در فصل دیدارهای آتی گئورگی کور نینکو معاون وزیر امور خارجه شوروی قرار است روز دوشنبه آینده وارد تهران شود. منابع موثق دیپلماتیک اعلام می‌کنند که وزیر بازرگانی ایتالیا نیز به ایران می‌آید و احتمال می‌رود که شینتاروآبه وزیر امور خارجه ژاپن نیز به زودی از ایران دیدار کند. هر چند که این دیدار هنوز به‌طور واقع مورد تصمیم‌گیری قرار نگرفته است و بالاخره رسانه‌های ایران به اطلاعیه‌ای از جانب سفیر جمهوری خلق چین به‌مناسبت دیدار آتی زائوزیانگ نخست‌وزیر چین از تهران که تاریخ آن تعیین نشده اشاره کرده‌اند".

۱ ـ در نامه جامعه دندانپزشکی زنجان خطاب به آقای هاشمی آمده است: "نظر به اینکه لایحه تدوین و تصویب قوانین نظام‌پزشکی در دست تهیه است و از آنجایی که سرنوشت کل جامعه پزشکی با نظام‌پزشکی مرتبط است، پیشنهاد می‌شود که هر طرحی و لایحه‌ای که تقدیم مجلس شورای اسلامی می‌شود، قبلاً به نظر خواهی عموم پزشکان کشور و نظام‌پزشکی گذاشته شود تا موجبات دلگرمی قاطبه پزشکان فراهم گردد".

کردم[1]. این مسأله در بعضی نمایندگان نگرانی ایجاد کرده است. چند دستور که از شورای نگهبان برگشته بود، اصلاح شد. بعد از تنفس در دفترم کارهای جنگ را تعقیب کردم. دکتر روحانی آمد و از عدم اجرای بعضی دستورها و وعده‌ها گفت. قرار شد بیشتر پیگیری کنیم. آقازاده اطلاع داد خسارت تأسیسات نفت گناوه خیلی مهم نیست. سرهنگ ترابی اطلاع داد که یکی از مراکز تجمع نیروهای ضد انقلاب ایران در عراق را بمباران کرده‌اند.

ظهر آقای نظری از علمای ساری آمدند. آقای ناصری نماینده زنجان از تصمیم تعویض استاندار زنجان گله داشت. عصر [آقای حسن حبیبی] وزیر دادگستری آمد و از کم شدن بودجه دادگستری در کمیسیون برنامه و بودجه گله داشت. تمام ارگانها گله دارند. از کل بودجه کاسته‌اند. ارزان شدن نفت وضع را بدتر هم خواهد کرد. خانمهای اعضای شورای کاروان زینب آمدند. با اینکه تازه تأسیس است، اختلاف پیدا کرده‌اند.

---

۱ ـ در بخشی از این نطق آمده است: "ملت‌های مظلوم و گرفتار اگر همیشه مواظب نباشند، گرگان جهانخوار هر لحظه‌ای که مناسب بدانند برای آنها یک توطئه‌ای می‌چینند و ضربه وارد می‌کنند. این روزها شاهد یک حرکت صددرصد استعماری هستیم که پایگاه اصلی آن کشورهای پیشرفته و صنعتی هستند و متأسفانه در کشورهای عضو (اوپک) هم سوء ظنی وجود دارد که مهره‌هایی آنها دارند. آن مایه اصلی فساد بازار مشترک است که با مهره شیطانی قدیمی‌شان انگلستان که منبع محدودی از نفت در اختیار آنها است، برنامه‌ریزی کردند و با یک صحنه، یک دفعه ضربه به قیمت نفت وارد کردند؛ با اینکه ما می‌دانیم توان دریای شمال آن قدر نیست که بتواند در نفت دنیا تأثیر اساسی داشته باشد. اینها این مختصر نفتی که دارند برای روزهای دیگری لازم دارند. توطئه این است که کشورهای نفت‌خیز را وادار کنند نفت زیادتری به قیمت ارزان به بازارها بریزند تا آن منابع کشورهای بزرگ استعماری برای روزهای آینده محفوظ بماند. آنها قدرت اینکه برای مدت طولانی نفت زیاد به بازار بدهند، تحقیقاً ندارند و این یک حرکت دروغ و فریب کارانه‌ای است. اندوه این است که کشورهای مسلمان و مطلع از این شرایط توجه به این مسأله نمی‌کنند. اگر این کشورها متوجه باشند و ارزش قدرت خودشان را بدانند دشمنان ما به سرعت به زانو در می‌آیند. ما از اعضای اوپک در درجه اول و کشورهایی که خارج از اعضا اوپک هستند در درجه دوم، می‌خواهیم که عمیقاً به این توطئه توجه کنند و در توری که جلو ما پهن کرده‌اند وارد نشوند. با مقداری خودداری ما می‌توانیم این توطئه را به هم بزنیم و امروز دیگر ملت‌ها بیدارند، اگر دولت‌ها بیدار باشند، اگر کارگر آنها بیدار باشند مسائل به آسانی حل می‌شود. جمهوری اسلامی در این مقطع وظیفه خودش می‌داند که به حمایت از کشورهای محروم و ملت‌های صاحب این ثروت بپاخیزد و این فریبکاری را هم که راه می‌اندازند که ارزان شدن نفت باعث می‌شود که در کشورهای جهان سوم هم تأثیر مثبت داشته باشد ما این را قبول نداریم. درآمد عمده ارزان شدن نفت ۹۰درصد آن به جیب همان نفت‌خوارهای همیشگی می‌رود و چند درصد جزئی ممکن است عاید اینها بشود که اینها را کشورهای اوپک و نفت‌دارها می‌توانند مستقیماً تأمین بکنند. ما ضمن حفظ منافع کشورهای ضعیف می‌توانیم حقوق خودمان را از کشورهای نیرومند پیشرفته که ده‌ها سال است که دارند ما را غارت می‌کنند بگیریم و ان‌شاءالله این کار را خواهیم کرد و به آنهایی که وارد این میدان شده‌اند اخطار می‌کنیم که ما نمی‌گذاریم این لقمه به صورت گوارا از گلوی شما پایین برود و جلوی این کار را به هر صورت که باشد خواهیم گرفت". رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، نطق‌های پیش از دستور سال ۱۳۶۴"، جلد پنجم، دفتر نشر معارف انقلاب.

آقای [هادی] خسروشاهی آمد و از نوشته‌های آقای زیارتی در تاریخ انقلاب گله داشت و تأیید مجدد می‌خواست. آقای [رضا]امراللهی از [سازمان] انرژی اتمی آمد و اطلاع داد که آلمان حاضر است ساخت نیروگاه بوشهر را تمام کند. گفتم اگر جدی شد، بودجه می‌دهیم. تا ساعت نه شب در دفترم کار کردم. آقای سنجقی آمد و نامه‌ای از آقای محسن رضایی آورد و گفت که امروز عصر فرماندهان ارتش و سپاه جلسه داشته‌اند، به توافق رسیده‌اند و راضی‌اند. شب به خانه آمدم.

دوشنبه ۷ بهمن ۱۳۶۴ ۱۶ جمادی الاول ۱۴۰۶ 27 JANUARY 1986

وقتم به مطالعه تاریخ انقلاب و گزارش‌ها گذشت. با نخست‌وزیر درباره تحویل نفت به سوریه و با رئیس‌جمهور درباره صحبت ایشان در جلسه سه شنبه نمایندگان و با [آقای محسن رفیق‌دوست] وزیر سپاه درباره تدارک وسایل حمله آینده و با ستاد قرارگاه درباره پیگیری تصمیمات ابلاغ شده و با ستاد تبلیغات جنگ درباره پخش اخبار بمباران عراق مذاکره شد.

آقای توکلی [بینا] درباره پذیرفتن پیشنهاد [آقای حمید]میرزاده [معاون اجرایی نخست‌وزیر] جهت مسئولیت عمران جزیره کیش مشورت کرد؛ گفتم بپذیرد. آقای خامنه‌ای گفتند چهارشنبه شب برای ملاقات با آقای منتظری به قم برویم. کارهای مجلس را آوردند، انجام دادم. شب به تماشای تلویزیون گذشت؛ برنامه‌ها بد نیست.

سه شنبه ۸ بهمن ۱۳۶۴ ۱۷ جمادی الاول ۱۴۰۶ 28 JANUARY 1986

در جلسه علنی مجلس، لایحه تأمین کادر علمی دانشگاه در شور اول تصویب شد. در تنفس در جلسه کمیسیون برنامه و بودجه که آخرین روز خود را می‌گذراند، شرکت کردم. بحث بر سر جبران کسری بودجه از طریق کاهش قیمت ریال در مقابل دلار بود. ظهر آقای [احمد]عزیزی [رئیس کمیسیون سیاست خارجی] آمد و برای کمیسیون خارجه منشی خواست. آقای ناصری آمد و برای زنجان گوینده نامدار می‌خواست.

آقای فخرالدین حجازی آمد. از نماینده امام در سپاه گله داشت و استمداد می‌کرد. عصر آقای سرهنگ [محمد حسین]جلالی [وزیر دفاع] آمد. در مورد ضعف یا طمع بعضی از واسطه‌های خرید

وزارت دفاع اظهار تردید کرد و برای برخورد با آنان کمک خواست.

در جلسه شورای عالی انقلاب فرهنگی شرکت کردم. مغرب فرماندهان سپاه از جبهه آمده و پیشرفت کار و برنامه حمله آینده را گزارش دادند. اختلاف نظرهایی با ارتش دارند، ولی مهم نیست. شب شورای مرکزی [جامعه] روحانیت مبارز جلسه داشت. بعد از شام به خانه آمدم. انفجار سفینه فضا پیمای چلنجر آمریکا و کشته شدن شش سرنشین آن، از مسائل مهم روز است. این رویداد ضربه‌ای بر حیثیت علمی آمریکا است[1].

چهارشنبه ۹ بهمن ۱۳۶۴ — ۱۸ جمادی الاول ۱۴۰۶ — 29 JANUARY 1986

همراه فرماندهان سپاه و ارتش به خدمت امام رسیدیم. من صحبت کردم و اعلان آمادگی برای شروع حمله را نمودم و از ایشان خواستم که راهنمایی و نصیحت کنند. مخصوصاً در مورد همکاری صمیمانه سپاه و ارتش امام هم خوب صحبت فرمودند[2]. قرار شد خبر ملاقات داده

---

۱ ـ سفینه ۷۰۰ تنی چلنجر، درست یک دقیقه پس از پرتاب با هفت سرنشین خود در فضا منفجر و در اقیانوس اطلس سرنگون شد. این حادثه در مقابل چشمان میلیون‌ها بیننده تلویزیون که به طور مستقیم شاهد پرواز سفینه بودند، اتفاق افتاد. مقامات سازمان فضایی ایالات متحده (ناسا) اعلام کردند علت انفجار نیاز به تحقیق و بررسی طولانی دارد. احتمال داده شد پس از پرتاب، سفینه از ناحیه تانکر اکسیژن دچار حریق گردیده باشد. در تصاویر تلویزیونی در لحظه انفجار چنین به نظر آمد که دو موشک متصل به سفینه به ناگهان از آن جدا شدند. این دومین حادثه فضایی در ۵۶ پرواز در آمریکا بود. اولین حادثه در ژانویه سال ۱۹۶۷ میلادی اتفاق افتاد که در آن سفینه آپولوی یک در سکوی پرتاب با سه سرنشین خود منفجر شد. سفینه چلنجر با اهداف نظامی و تحقیقاتی، قرار بود درباره ستاره دنباله‌دار هالی و قرار دادن قطعاتی برای تکمیل ایستگاه فضایی به فضا فرستاده شود.

۲ ـ در بخشی از سخنرانی حضرت امام خمینی (ره) آمده است: "من امیدوارم که خداوند به همه آقایان و به همه ملت‌های اسلامی و خصوصاً ملت ایران که همیشه در تحت ستم بوده است، قوت روحی بیشتر عنایت کند و به شما رزمندگان ان‌شاءالله قدرت کامل عنایت کند که بتوانید دفاع از کشور خودتان و دفاع از اسلام بکنید. من حرف‌هایم را خلاصه می‌کنم در دو جمله: یکی اینکه باید شما بدانید آنکه فرمان داده است به همه ما، خداست. فرمانده همه خداست. اوست که دفاع را واجب کرده است برای رفع فتنه، مقاتله را واجب کرده است، امر کرده است و او است که فرمانده کل قواست و شما باید متکی به او باشید. و جلمه دوم اینکه: شما مسئول او هستید نه مسئول کسی دیگر. ماها آنقدر که می‌فهمیم یک ظواهری است و بیشتر نیست، همه عالم این طور است. آن چیزی که در باطن افراد می‌گذرد در سر افراد می‌گذرد، در قلب افراد می‌گذرد، آنها را غیر از خدا کسی نمی‌داند، و او حاضر است پیش خدا، مثل اینکه ظاهر و حاضر است، فرقی ندارد و شما مسئول او هستید. شما می‌توانید که در اینجا نسبت به هرکسی تعمیه [= نابینا نمودن] کنید و اظهار نکنید مافی الضمیرتان را [= آنچه در دل دارید] و همه به این معنا که ما فداکار هستیم و چه هستیم و چه هستیم و مهیا هستیم و یا - خدای نخواسته ـ نباشید، می‌توانید این را بگویید، لکن شمایی که فرمانده‌تان خداست و ناظر به امورتان خداست، باید توجه کنید که مسئول او هستید، آنجا دیگر نمی‌شود دغل بازی کرد، هیچ، ابداً و شما باید خودتان،

(ادامه پاورقی در صفحه بعد)

نشود، چراکه دشمن از آن بهره برداری اطلاعاتی در مورد عملیات خواهد نمود. از امام خواستم که تقاضای ملاقات آقای سید علی محمد دستغیب را بپذیرند؛ نگرانند که در شیراز اختلاف ایجاد شود.

احمدآقا هم با من به مجلس آمد. جلسه شور قرارگاه خاتم‌الانبیا تشکیل شد و از ساعت ده تا ساعت چهار بعد از ظهر یکسره ادامه داشت. درباره هماهنگی محورهای عملیاتی و سپاه و ارتش و تدارکات و ساعت شروع حمله و چیزهای دیگر بحث کردیم، خوب بود. ساعت چهار در جلسه هیأت رئیسه شرکت کردم و برنامه یک هفته تعطیل ایام فجر و زمان انجام لایحه بودجه کل کشور را تعیین کردیم.

ساعت چهار و نیم برای شرکت در جلسه چهارشنبه شب سران قوا در حضور آیت‌الله منتظری به طرف قم حرکت کردیم. همگی آمدند و بیشتر به مطالب آقای منتظری گوش دادیم. ایشان انتقادات و پیشنهادهایی درباره وضع توزیع و اقتصاد به طور کلی و عملکرد قوه قضائیه و جنگ داشتند که مخلوطی از مطالب درست و نادرست است. قرار شد در جلسات بعد روی هر یک بحث کنیم. حالشان خوب است و از شورای مدیریت حوزه گله داشتند. شام را چلوکباب خوردیم و ساعت ده و نیم شب به طرف تهران حرکت کردیم. ساعت دوازده به مجلس رسیدیم. خسته بودم و فوری خوابیدم.

پنجشنبه ۱۰ بهمن ۱۳۶۴ ۱۹ جمادی الاول ۱۴۰۶ 30 JANUARY 1986

در گزارش‌ها مسأله سقوط قیمت نفت همچنان مهمترین موضوع است. در جلسه علنی طرح

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)
همه، چه ارتشی و چه سپاهی، چه بسیجی، و چه هرکس هست، شما خودتان را یک قوه بدانید در اسلام. وقتی که گفته می‌شود به حسب روایت «ید واحده» باشند برکفار، «ید واحده»، یعنی قدرت واحده و قدرت واحده، معنایش همین است قدرتهای مختلف نباشد؛ برای اینکه قدرت‌های مختلف ممکن است اختلاف عقیدتی باشد، اختلاف [برسر] چیزهای دیگری باشد و شیطان رخنه کند در او. اما وقتی همه شما دیدید که ما می‌خواهیم برای خدا کار کنیم، خدای ما امر کرده است که ما دفاع کنیم از خودمان، دفاع کنیم از نوامیسمان، دفاع کنیم از اسلام، وقتی همه این مطلب را می‌بینید و می‌دانید و شواهد و قراین و شواهد روایتی در این مسأله هست، دیگر نباید این مسأله پیش بیاید که من نظامی هستم، من ارتشی هست، من سپاهی هستم، من بسیجی هستم، این مسائل نباید پیش بیاید". رجوع کنید ← "کتاب صحیفه امام، جلد نوزدهم، صفحه ۴۶۷، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).

غیر علنی شدن رأی به وزرا مطرح بود که از طرف جناح مخالف دولت حمایت می‌شد. من مخالفت کردم و تصویب نشد. بعد از تنفس چند کلمه‌ای برای جهادگران جبهه غرب که تماشاچی مجلس بودند صحبت کردم و به دفترم آمدم.

آقای سید علی محمد دستغیب آمد. حرفهای امام را به ایشان گفتم. آقایان [حسن]روحانی و [علی]شمخانی و اعضای قرارگاه رمضان آمدند. درباره عملیات تلافی‌جویانه در خاک عراق و مخصوصاً آسیب رساندن به خطوط لوله‌های نفت شمالی و جنوبی عراق مذاکره کردیم. جمعی از نمایندگان که به دعوت وزارت ارشاد عازم کشورهای آسیایی هستند، برای مشورت در انجام مأموریت فرهنگی خود آمدند.

عصر دانشجویان جهاد سازندگی آمدند. برای آنها سخنرانی کردم[1]. آقای [محسن]کنگرلو آمد. پیغام مجدد آمریکایی‌ها را در مورد گروگانهای لبنان واعلام آمادگی برای نوعی معامله آورد. گفتم عملاً باید حسن نیت خود را ثابت کنند. تا ساعت نه شب در دفترم کار کردم و سپس به خانه آمدم.

جمعه ۱۱ بهمن ۱۳۶۴ — ۲۰ جمادی الاول ۱۴۰۶ — 31 JANUARY 1986

اول وقت آقای دکتر ولایتی، تلفنی اطلاع داد که کمیته قدس کنفرانس اسلامی به عنوان اعتراض به تجاوزات اخیر اسرائیل، ازکشورهای اسلامی خواسته روز ۱۲ بهمن اعتصاب عمومی کنند و درباره این اقدام از ما نظر خواست. گفتم خوب است که استقبال کنیم. چون ۱۲ بهمن [روز

---

۱ ـ در این دیدار گروه کثیری از اعضای جهاد سازندگی سراسر کشور که جهت گذراندن دوره‌های کارآموزی و تخصص گردهم آمده بودند، آقای هاشمی گفت: "بسیاری ازکارهای مهمی که نیاز شدیدی به متخصصین خارجی داشت، هم اکنون با دست مردم و با نیروی خود آنها اداره می‌شود. در حال حاضر کشورهای جهان سوم مثل کشور خود ما دارای امکانات و منابع اقتصادی بسیاری هستند که معطل مانده است و دنبال امکانات و نیروها و شرایطی هستند که بتوانند از این امکانات برای از بین بردن فقر کشورشان استفاده کنند و متأسفانه دنیای استکباری که دارای ابزار و متخصص اما فاقد تعهد است، با آنها بسیار بد برخورد می‌کند. متخصصین استکبار که درکشورهای جهان سوم کار می‌کنند، آثار سوء سیاسی و اثرات تلخی به جای می‌گذارند که نشانه‌های آن در دراز مدت رخ می‌نمایاند و روی همین اصل آدم‌های عاقل را وامی‌دارد که از خدمت کارشناسان کشورهای استکباری صرف نظر کنند. کارهای جهادگران سازندگی چون بیشتر در مناطق روستایی صورت می‌گیرد، معمولاً از چشم خبرگزاری‌های جهانی دور است و اگر هم خبرگزاری‌ها خدمات جهادگران را ببینند منعکس نمی‌کنند، چراکه همواره دنبال نقاط ضعف می‌گردند اما با این همه دشمنان ما اعتراف کرده‌اند که کارهای جهاد سازندگی از کم نظیرترین کارها بوده است که جوانان مسلمان ایرانی در دور افتاده‌ترین نقاط انجام داده‌اند". رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۴، جلد پنجم، دفترنشرمعارف انقلاب.

ورود حضرت امام به میهن] برای ما اهمیت دارد آن را به هم مربوط کنیم. نظر ایشان این است که یک ساعت آخر وقت اداری را اعلان اعتصاب کنیم. به آقای [محمد]امامی کاشانی تذکر دادم که در نماز جمعه امروز این مطلب مطرح کنند.

عصر برای افتتاح پروژه ماهواره سیمای جمهوری [اسلامی] در مراسم شرکت کردم و مصاحبه‌ای انجام دادم که مستقیماً پخش شد. جالب بود[1]. نماز مغرب و عشا را در دفتر اخوی محمد خواندیم و برای مراسم اختتامیه کنفرانس اندیشمندان به هتل لاله رفتم و سخنرانی مفصلی ایراد کردم[2]. خسته و کوفته به خانه آمدم. برف خوبی می‌بارد.

شنبه ۱۲ بهمن ۱۳۶۴ — ۲۱ جمادی الاول ۱۴۰۶ — 1 FEBEUARY 1986

در منزل بودم. دکتر ولایتی [وزیر امور خارجه] تلفنی درباره برنامه ملاقات [الکساندر کورنینکو] قائم مقام وزیر خارجه شوروی که فردا به ایران می‌آید، مشورت کرد. به صدا و سیما گفتم که مطالب ضد شوروی در این دو سه روز پخش نشود.

با احمدآقا درباره ملاقات مهمانان خارجی دهه فجر با امام صحبت شد. برف سنگین از دیشب تاکنون ادامه دارد؛ مایهٔ خوشحالی است. ظهر خانواده همشیره زاده محمد مهمانمان بودند. درباره ساختمان منزل مسکونیمان مشورت کرد.

---

۱ ـ اولین ماهواره صداوسیمای جمهوری اسلامی در مراسمی با حضور آقای هاشمی کار خود را آغاز کرد. در این مراسم که به طور مستقیم از شبکه سراسری سیمای جمهوری اسلامی پخش می‌شد، ابتدا آقای محمد هاشمی مدیر عامل صداوسیما گفت: "با توجه به شرایط جغرافیایی برای پوشش کامل کشور، با سیستم قدیمی ماکروویو، نیاز به سه هزار رله تلویزیونی بود که از این تعداد ۵۰۰ ایستگاه در حال حاضر موجود است و زیر پوشش بردن سراسر ایران ۵۰ سال طول می‌کشید و شش برابر رله ماهواره‌ای نیز هزینه داشت، حال آن که با سیستم جدید می‌توانیم با ساخت ۵۰۰ رله ماهواره‌ای در سال ظرف چند سال آینده، کل کشور را زیر پوشش تلویزیونی قرار دهیم". در این مراسم آقای هاشمی رفسنجانی نیز در سخنرانی کوتاهی از دست اندرکاران طرح سیستم ماهواره‌ای تشکر کرد و گفت: "اجرای این سیستم نشان دهنده قدرت فنی و علمی جمهوری اسلامی ایران است". در ادامه این مراسم میزگردی با شرکت آقای هاشمی رفسنجانی، آقای محمد هاشمی و آقای علی شمخانی قائم مقام فرمانده سپاه تشکیل شد و از طریق ماهواره با مراکز استان‌های خراسان، اصفهان و آذربایجان شرقی، تماس‌های مستقیم برقرار شد و اعضای این میزگرد به سوالات تنی چند از اهالی این استان‌ها پاسخ دادند.

۲ ـ آقای هاشمی در مراسم اختتامیه چهارمین کنفرانس اندیشه اسلامی ضمن تشریح دستاوردهای انقلاب اسلامی در زمینه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی، نظامی و فرهنگی گفت: "جمهوری اسلامی ایران، امروز به صورت یک قدرت عظیم سیاسی و نظامی در منطقه حضور دارد". رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۴، جلد پنجم، دفترنشرمعارف‌انقلاب.





مراسم افتتاح پروژه ماهواره سیمای جمهوری اسلامی

یکشنبه ۱۳ بهمن ۱۳۶۴ ۲۲ جمادی الاول ۱۴۰۶ 2 FEBEUARY 1986

در جلسه علنی امروز مهمانان [خارجی] دهه فجر به عنوان تماشاچی حضور یافتند. آخر جلسه یک ربع ساعت برای آنها صحبت کردم[1]. نماز جماعت ظهر و عصر خوانده شد. بین دو نماز یک حقوقدان مصری درباره نکات مُهم قانون اساسی ما صحبت کرد که چند مشکل فکری متفکران مصری را حل کرده است؛ خوب هم حرف زد. ناهار را با مهمانان در رستوران مجلس خوردیم. سر میز ناهار همین حقوقدان مصری و محمد غزالی مصری با من بودند.

سپس در دفترم آقای ناروئی نماینده بم آمد. برادرش را در بم دزدیده‌اند. برای پاک کردن محیط‌عشایر شرق بم که آلوده به قاچاقچیان است، استمداد کرد. عصر پرسنل شهربانی آمدند. برای آنها صحبت کردم[2]. آقای [نصرت‌الله]تاجیک استاندار جدید هرمزگان آمد؛ به ایشان هم نظراتی دادم. آقای [محمدعلی]نظران آمد و راجع به اسرا بحث کرد. آقای دکتر روحانی آمد و برای عملیات آینده مذاکره کردیم.

---

۱ ـ در بخشی از سخنرانی آمده است: "ما این مجلس را خانه همه مسلمانان و محرومان دنیا می‌دانیم و فکر می‌کنیم روزی پیش خواهد آمد که همه مسلمان‌ها، مصوبات مجلس را، کارهایی که نمایندگان این مجلس و شورای نگهبان برای تنظیم قوانین کشور براساس اسلام کرده‌اند، مال خودشان بدانند و برای اداره کشورهای اسلامی دیگر، از این تلاش‌ها استفاده شود. قرن‌هاست که دشمنان اسلام، کفار و استکبار جهانی، مسلمان‌ها را تحقیر کرده‌اند و نسبت به اسلام به گونه‌ای برخورد کرده‌اند که گویا این جمعیت عظیم دنیا و اسلام، برای اداره دنیای نو و مدرن، قدرت کافی را ندارد و این جریان تحقیر، هنوز هم ادامه دارد. از ابتدا، از روزی که به فکر تسخیر کشورهای اسلامی افتاده بودند، همیشه از اسلام می‌ترسیدند و تلاش آنها این بوده که فاصله بیاندازند بین اسلام و قرآن و مسلمین و متأسفانه موفق شده بودند و حتی در این نیم قرن اخیر، در عصر بیداری ملت‌ها، ما می‌بینیم هر جا یک کشور اسلامی خواسته است در برابر استعمارگران اقدامی کند، به نهضت خودشان رنگ قومیت و نژاد یا عناوین وارداتی داده‌اند و ابا داشته‌اند از اینکه به اسم اسلام و قرآن به جنگ با کفر و استکبار بروند. از به کار بردن کلمه کفر و اسلام خودداری کرده‌اند، چنانکه گوئی با شئون خودشان مناسب نمی‌دیدند و با ترقی و تعالی و تمدن مناسب نمی‌دیدند که به اسم اسلام و به اسم قرآن و به اسم سنت پیغمبر، مبارزه کنند و دنیا و مردم را دعوت کنند به این منبع نور، این نشان از خود باختگی است، این نشان از ذلت روحی است، این نشان از بی آگاهی نسبت به معارف اسلام است". رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۴، جلد پنجم، دفترنشرمعارف‌انقلاب.

۲ ـ در بخشی از این سخنرانی آمده است: "تأکید من این است که شما بیشتر با مردم نزدیک شوید. اگر روابط صمیمی با مردم داشته و با آنها خوب برخورد کنید، مثل ماهی در آب می‌شوید. پلیس سر و کارش با مردم است و مردم باید احساس کنند که آنان انسان‌های دلسوز و خدمتگزاری هستند. با استناد به گزارش‌های موجود احساس می‌کنم شهربانی خیلی پیشرفت کرده است. اگر ما و دیگر مسئولان هم با مردم نبودیم تا حالا بازنده شده بودیم. به طورکلی کادر دولتی باید با مردم و دلسوز آنان باشد و اگر این طور شد، مردم هم از آنها حمایت می‌کنند. این حمایت‌های مردم را که می‌بینید، به خاطر خدمت صادقانه به آنهاست و ان‌شاءالله بیشتر خواهد شد و شما به طرف هر چه بهتر شدن روابط با مردم پیش بروید". رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۴"، جلد پنجم، دفترنشرمعارف‌انقلاب.



نماز جماعت در مجلس با حضور مهمانان خارجی دهه فجر

[آقای صادقی مدیر عامل به اتفاق] مدیران فروشگاه‌های زنجیره‌ای قدس آمدند. گزارش کار دادند. مدعی‌اند آنجا را سر و سامان داده و به سود دهی رسانده‌اند و رو به توسعه است. دو میلیارد و نیم تومان مقروض است. تا ساعت هشت و نیم در دفترم کار کردم. آیت‌الله خامنه‌ای تلفنی از نامه نخست‌وزیر در مورد دفتر عراق ـ که اخیراً آقای سالک توسط آقای خامنه‌ای به مدیریت آن منصوب شده ـ گله کرد. شب به خانه آمدم.

دوشنبه ۱۴ بهمن ۱۳۶۴ ۲۳ جمادی الاول ۱۴۰۶ 3 FEBEUARY 1986

جلسه علنی داشتیم. قبل از دستور درباره رحلت آقای [سیدمجدالدین]قاضی ـ امام جمعه دزفول ـ حرف زدم[1]. طرح قانون مطبوعات که از شورای نگهبان برگشته بود، اصلاح شد. پیش از ظهر آقای دکتر روحانی آمد. راجع به جنگ و تأمین تدارک‌ها بحث کردیم. عصر آقای [گئورگی] کورنینکو قائم مقام وزارت خارجه شوروی به ملاقات آمد. درباره توسعه روابط دو کشور بحث شد. از سیاست اتحاد شوروی نسبت به ایران و افغانستان و عراق انتقاد کردم. جواب درستی نداشت. نامه دو رئیس دو مجلس شوروی را آورد و آخر جلسه هم تأکید کرد که موشک دور بردی که تهران را بتواند بزند به عراق نخواهند داد[2]. آقای دکتر ولایتی تلفنی گفت که روسها از محاکمه و سقوط صدام ابایی ندارند[3].

---

۱ ـ آیت‌الله سید مجدالدین قاضی امام جمعه و رئیس حوزه علمیه دزفول به دنبال کسالت و بیماری طولانی از مدتی قبل در بیمارستان شهید رجایی اهواز بستری شده بود و صبح روز یکشنبه ۱۳ بهمن دارفانی را وداع گفت. آقای هاشمی در نطق پیش از دستور گفت: "رحلت عالم مجاهد آیت‌الله قاضی امام جمعه دزفول را به امت مبارز و قهرمان‌مان مخصوصاً مردم دزفول از طرف همه نمایندگان مجلس شورای اسلامی و مخصوصاً از طرف نمایندگان استان خوزستان تسلیت عرض می‌کنیم. ایشان شخصیت کم‌نظیری بود با آن سن زیاد و ضعفی که از لحاظ جسمی داشتند، روح جوان و پرنشاط و خستگی ناپذیری داشتند. از اعضای مؤثر مجلس خبرگان بودند و از استوانه‌های روحانیت کشور و از شخصیت‌هایی که با نور وجودشان خوزستان و کشور را روشن می‌کردند". شایان ذکر است پس از درگذشت آیت‌الله قاضی، حجت‌الاسلام مخبر، حجت‌الاسلام اراکی و سپس آیت‌الله سید ابراهیم بنی‌هاشمیان به ترتیب به عنوان امامت جمعه و رئیس حوزه علمیه دزفول انجام وظیفه کردند.

۲ ـ در پیام کتبی روسای مجلسین اتحاد جماهیر شوروی بر اهمیت تماسها به خصوص تبادل هیأتهای پارلمانی بین دو کشور تأکید شده بود. در این ملاقات آقای کورنینکو بر لزوم گسترش هر چه بیشتر روابط دو کشور در ابعاد گوناگون و برپایه حسن همجواری و احترام متقابل و عدم مداخله در امور داخلی یکدیگر تأکید کرد و آقای هاشمی نیز از پیام کتبی رؤسای مجلسین شوروی تشکر و به سیاست حسن همجواری بین دو کشور اشاره کرد.

۳ ـ خبرگزاری فرانسه در تفسیری از نتایج سفر کورنینکو به تهران گفت: "ناظران سیاسی در تهران معتقدند که دیدار گئورگی

[آقای عبدالحمید عجالی]سفیر الجزایر آمد و از طرف [رابح بیطاط] رئیس مجلس الجزایر من را دعوت کرد و اصرار داشت زودتر بروم. از اینکه در سفر لیبی به الجزایر نرفته‌ایم، گله داشت. آقای سرهنگ ترابی آمد، خداحافظی کرد و به جبهه رفت و گفت من بهتر است با هواپیما نروم و با ماشین بروم. شب را در دفترم ماندم.

سه شنبه ۱۵ بهمن ۱۳۶۴ — ۲۴ جمادی الاول ۱۴۰۶ — 4 FEBEUARY 1986

در جلسه علنی مجلس، شور اول آزادی خرید و فروش اتومبیل‌ها با اکثریت قوی تصویب شد. دولت محدودیت‌های زیادی ایجاد کرده بود. بعد از تنفس به دفترم آمدم. دکتر روحانی از جبهه اطلاع داد که آقای صیاد [شیرازی] آنجا نیست و نیاز به او داریم. بنا شد تذکر دهم. او به شرق کشور رفته است. ظهر [اعضای] بنیاد ازدواج آمدند و برای توسعه کارشان استمداد کردند.

عصر آقای هاتفی آمد و راجع به اختلاف با کتابخانه سیاسی و روحانیت بیدار استمداد کرد. آقای [امیر]میر نماینده زاهدان آمد و برای اختلاف شدیدی که با امام جمعه زاهدان دارند، استمداد کرد. آقای [اسماعیل] فدایی عضو شورای سرپرستی [سازمان صدا و سیما] برای مشورت آمد. تا ساعت هشت در دفترم کار کردم. سپس به خانه آمدم. جواب کتبی امام در مورد واگذاری باغ ظهیرةالقدس به وزارت سپاه برای خانه‌سازی پرسنل سپاه واصل شد. قبلاً امام به نظر من موکول کرده بودند و من موافقت خود را نوشته بودم[1].

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

کورنینکو معاون اول وزیر امور خارجه شوروی از تهران پیش درآمدی بود برای بهبود روابط اقتصادی میان ایران و شوروی که از سال ۱۹۸۲ به‌خاطر حمایت مسکو از بغداد کاهش یافته است. منابع آگاه در تهران همچنین گفتند که تهران در عوض بدین مناسبت در امتناع خود از مذاکره با بغداد و محکومیت حضور شوروی در افغانستان انعطافی نشان نداده است". خبرگزاری فرانسه ضمن اشاره به این موضوع که کورنینکو بلندپایه‌ترین مقام شوروی است که پس از انقلابَ و همزمان با برگزاری دهه فجر از ایران دیدار می‌کند افزوده است: "روزنامه کیهان در مورد این سفر نوشت شوروی با اعزام معاون شواردنادزه وزیر امور خارجه شوروی برای ایران انقلابی، اهمیتی را که به عنوان قدرت مرکزی منطقه شایسته آن است، قائل شده است".

۱ - در نامه آقای محسن رفیق‌دوست وزیر سپاه آمده است: محضر مبارک حضرت آیت‌الله العظمی امام خمینی، رهبر عظیم‌الشأن انقلاب اسلامی و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران و فرمانده معظم کل قوا - روحی له الفداء - احتراماً با توجه به نیاز شدید پرسنل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی - که عموماً از قشر مستضعف می‌باشند - به مسکن، و با توجه به مشکلات موجود، استدعا دارد موافقت فرمایید بنیاد مستضعفان باغ قدس [شهرک شهید محلاتی فعلی واقع در شمال شرق تهران] را که برای این

(ادامه پاورقی در صفحه بعد)

چهارشنبه ۱۶ بهمن ۱۳۶۴ — ۲۵ جمادی الاول ۱۴۰۶ — 5 FEBEUARY 1986

اول وقت آقای صیاد [شیرازی] آمد. مقداری از مشکلات عملیات گفت و احکام را برای امضا آورد. دلیلی برای این سفر و این ملاقات ندیدم، آن هم در شرایطی که وجود ایشان در جبهه لازم است. گرچه به نظر می‌رسد تصمیم جدی بر عمل دارد، ولی این حرکت اخیر برایم قابل فهم نیست.

عصر بیشتر وقتم به مطالعه و استراحت گذشت. کمی هم کسالت دارم. با رئیس‌جمهور درباره مسائل جاری و ملاقات با کورنینکو و... تلفنی صحبت کردیم و جلسه سران قوا را نیز لغو نمودیم. آقای نخست‌وزیر در شیراز است و احمدآقا نیست. از جبهه آقایان روحانی و شمخانی اطلاع دادند که مشکلی ندارند.

پنجشنبه ۱۷ بهمن ۱۳۶۴ — ۲۶ جمادی الاول ۱۴۰۶ — 6 FEBEUARY 1986

ساعت نه صبح به مجلس رسیدم. آقای دین پرور آمد و برای شرکت در کنگره سید رضی دعوت کرد. از وضع فرزندش پرسیدم، گفت که خوب است. آقای صانعی‌پور رئیس کل گمرک ایران آمد. گفت گمرک می‌تواند منبع درآمدهای بیشتری برای کشور باشد و بودجه و حمایت بیشتر برای کار بهتر می‌خواست. مدیر خوبی است. آقای [حسین] طاهری استاندار تهران آمد. درباره پروژه آبیاری اراضی جنوب تهران با هدایت آب‌های سطحی و زیر زمینی تهران توضیح

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)
منظور مناسب است در اختیار وزارت سپاه قرار دهند تا با همکاری وزارت مسکن و شهرسازی نسبت به خانه سازی برای برادران سپاهی اقدام گردد. این مسأله با برادر گرامی حضرت حجت‌الاسلام والمسلمین آقای هاشمی رفسنجانی در میان گذاشته شد. ایشان کاملاً موافق هستند. همچنین برادر گرامی جناب آقای مهندس میرحسین موسوی، نخست‌وزیر محترم و نماینده حضرتعالی در بنیاد مستضعفان موضوع را به موافقت حضرتعالی موکول نموده‌اند. خداوند وجود حضرتعالی را تا قیام ولیّ‌اش سالم و تندرست باقی بدارد. وزیر سپاه پاسداران انقلاب اسلامی - محسن رفیقدوست

پاسخ حضرت امام (ره): بسمه تعالی، جناب آقای نخست‌وزیر با پیشنهاد مذکور بر وفق آنچه جناب حجت‌الاسلام آقای هاشمی گفته‌اند موافقت می‌شود، و مانع ندارد. ۱۵ بهمن ۶۴ - روح‌الله الموسوی الخمینی

آقای سید احمد خمینی، ذیل نامهٔ وزیر سپاه، خطاب به آقای میرحسین موسوی (نخست‌وزیر) نوشته است: «جناب آقای هاشمی نوشته‌اند برای امام خمینی که: اینجانب با تحویل ملک فوق به سپاه پاسداران برای ایجاد مسکن و تأسیسات غیرنظامی موافقم - احمد خمینی". رجوع کنید ← "کتاب صحیفه امام، جلد نوزدهم، صفحه ۴۷۱، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره).

داد. کار بسیار بزرگی است و تا حدودی اجرا شده. کمک خواست و درخواست حمایت و بازدید کرد.

آقای سعد مجبر فرستاده مخصوص آقای قذافی [رهبر لیبی] آمد. پیغام خصوصی قذافی را مبنی بر همکاری در ایجاد نیروی ضربت آورد و از حمایت ما از لیبی در مقابل تهدیدات آمریکا تشکر کرد. آقای هرندی معاون جنگ وزارت علوم آمد. از روند غیر انقلابی دانشگاه‌ها گفت. افکار تندی دارد. نگران تضعیف حزب‌الله است. سیاست علمی و فرهنگی را برایش توضیح دادم.

آقایان میر محمد صادقی و [اسدالله] عسگراولادی از اتاق بازرگانی آمدند و از توجه نخست‌وزیر به آنها و بخش خصوصی راضی بودند و از من می‌خواستند به وزارت بازرگانی هم تأکید کنم. از وضع بد اقتصادی کویت و هواداری مؤمنین کویت از انقلاب اسلامی گفتند. عصر آقایان شریعتی و آخوندی از کمیته اسرا آمدند و از آقای [محمد علی]نظران دبیر شورا در امر اسرا شاکی بودند. معتقدند که حضور نمایندگان صلیب سرخ به نفع ماست. از آثار مثبت آمدن نماینده پاپ گفتند که آقای نظران مخالف بوده است.

آقایان سید [محمدحسین] فضل‌الله و شیخ مهدی [شمس‌الدین] از لبنان آمدند و وضع لبنان را توضیح دادند. معتقدند قرار توافق جدید سوریه موفق نمی‌گردد و نزاع لبنان حل نمی‌شود. حل [این مسأله] را تابع مسائل جهانی در منطقه می‌دانند و کمک بیشتر برای شیعیان لبنان خواستند. آقای وحیدی از اطلاعات سپاه آمد و راجع به حرکت‌های اسلامی در خارج از کشور گفت و راهنمایی خواست.

مطالبی برای پیغام به کویت برای شرایط بعد از عملیات آینده تنظیم کردم و برای وزیر خارجه فرستادم که ابلاغ نمایند. شب به خانه آمدم. کمی تب دارم. امروز و دیروز باران خوبی باریده است.

جمعه ۱۸ بهمن ۱۳۶۴ ۲۷ جمادی الاول ۱۴۰۶ 7 FEBEUARY 1986

تا ساعت ده و نیم صبح در منزل بودم. برای اقامه نماز جمعه به دانشگاه [تهران] رفتم. درباره جنگ و حاکمیت اسلام صحبت کردم[1]. در گزارش‌ها مطلب مهمی نداشتیم. اول شب آقای

۱ ـ در خطبه اول نماز درباره دستاوردهای انقلاب و مراسم جشن دهه فجر مطالبی مطرح شد و در خطبه دوم درخصوص شرایط

(ادامه پاورقی در صفحه بعد)

توکلی [بینا] آمد. قرار است مسئول عمران جزیره کیش شود. برای مشورت در امور آمده بود. همشیره صدیقه آمد. از سوریه برگشته. از شرایط نوق و احوال بستگان سئوالات زیادی کردم. عفت به ملاقات خانمهای مهمان دهه فجر در هتل لاله رفت.

به نخست‌وزیر تأکید کردم که مخارج ستاد نماز جمعه تهران را بدهد. قرار بود ماهانه چهار صد هزار تومان بپردازد. به حساب محمد تقی، کارگرمان در نوق رسیدم. اکثر پول پسته سال گذشته‌مان صرف خود ملک و تجهیزات و نفقه شده است. وضع کشاورزان خوب نیست.

شنبه ۱۹ بهمن ۱۳۶۴ — ۲۸ جمادی الاول ۱۴۰۶ — 8 FEBEUARY 1986

در منزل بودم. کمی هم تب دارم. قرار بود عصر به خوزستان بروم. از قرارگاه خواستند که [سفر را] به خاطر حفاظت اطلاعات به تأخیر بیندازم. حاج احمدآقا آمد و راجع به جنگ و مسائل جاری صحبت شد. آقازاده وزیر نفت آمد. گزارش سفر به لیبی را داد و برنامه همکاری با کشورهای نفت‌خیز برای جلوگیری از سقوط قیمت نفت را توضیح داد. معتقد است بعضی از اعضای اوپک در جهت سقوط قیمت‌ها کار می‌کنند و نقل کرد که الجزایری‌ها گفته‌اند اگر این روزها ایران در جبهه‌ها پیروزی به دست بیاورد، مؤثر است[1].

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

عادلانه ایران برای پایان دادن به جنگ، بر هم زدن امنیت خلیج‌فارس توسط رژیم عراق و دعوت از مردم برای شرکت در راهپیمایی ۲۲ بهمن تحلیلهایی ارائه گردید. در بخشی از خطبه دوم آمده است: "ما عادلانه و قانونمندانه شرایطی را درباره جنگ مطرح کردیم. گفتیم که متجاوز باید از سرزمین‌های ما بیرون رود و به خاطر تجاوزش محاکمه شود، باید خسارات و زیان‌هایی که وارد کرده جبران کند و آن دسته از مردم محروم عراق که آواره شده‌اند، به شهرهای خودشان برگردند. این خواست‌هایی است که همه می‌پسندند و ما تا به حال نشنیدیم که کسی بیاید با ما بحث کند و بگوید خواسته‌های شما عادلانه نیست. البته بعضی‌هایشان می‌گویند: شما آقایی کنید، بگذرید و بعضی‌ها می‌گویند این نمی‌شود و بعضی‌ها می‌گویند شما شرایطی برای داخل عراق نباید تعیین کنید که حاکم چه کسی باید باشد. چه کسی برود و چه کسی بیاید. ما هم می‌گوییم ما تعیین نمی‌کنیم چه کسی باشد. بلکه حرف ما این است، یک کسی که در آنجا گناه کرده است، این گناهکار را محاکمه کنید. لذا هر کس باشد به ما مربوط نیست. هر کس را ملت عراق خواست، آن باشد و هیچ حرف حسابی تا به حال کسی به ما نزده است که شعارها و خواسته‌هایمان عادلانه و به حق نیست". رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، خطبه‌های جمعه سال ۱۳۶۴، جلد نهم، صفحه ۳۰۵، دفتر نشر معارف انقلاب.

۱ ـ خبرگزاری رویتر در گزارشی از تهران تحت عنوان «رهبری ایران، عراق را دعوت به تسلیم می‌کند» نوشت: "علی اکبر هاشمی

(ادامه پاورقی در صفحه بعد)

عصر دو نفر از رفسنجان آمدند و درباره زمینهای مردم که سند ندارد و زمینهای مشاع کمک خواستند. عفت در مراسم مسابقه قرائت قرآن تربیت معلم شرکت کرد و شب دیر آمد، نگران شدم. بالاخره آمد و از جلسه راضی بود.

یکشنبه ۲۰ بهمن ۱۳۶۴ ۲۹ جمادی الاول ۱۴۰۶ 9 FEBEUARY 1986

بعد از دو سه روز کسالت، امروز احساس سلامت می‌کنم. قرار است بعد از غروب برای عملیات به جنوب بروم. می‌تواند این حمله سر نوشت‌ساز باشد؛ هم در جنگ و هم در سیاست و هم در اقتصاد و به خصوص قیمت نفت. امکانات زیادی برای این حمله تهیه شده و خرج زیادی شده و نیروهای زیادی پای کار آمده‌اند.

تقریباً شش لشکر نیروی زمینی ارتش و همه امکانات توپخانه و همه هوانیروز و تمامی امکانات سپاه و نیروهای عظیم مردمی - راهیان کربلا - با آموزش‌های نسبتاً خوب و تعداد زیادی هواپیما و توپهای ضد هوایی و موشکهای‌ها گ و راپیرو بخشی از نیروی دریایی و مهمات فراوان و کارهای زیاد مهندسی رزمی. تاکنون برای هیچ حمله‌ای این مقدار نیرو و امکانات پای کار نیاورده بودیم. علاوه بر کارهای مهندسی بی‌سابقه‌ای که در منطقه در مدت چند ماه انجام گرفته.

فرماندهی جنگ هم به عهده من است و ستاد نیرومندی برای قرارگاه مرکزی خاتم‌الانبیا به کار گرفته‌ام که همه امکانات جنگ را در خود دارد. البته دشمن هم آمادگی زیادی دارد. با این همه،

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

رفسنجانی رئیس پارلمان ایران روز جمعه گفت تظاهراتی که روز سه شنبه آینده درکشور برگزار می‌گردد، آخرین هشدار به عراق برای خاتمه بخشیدن به جنگ از طریق صلح‌آمیز و متوقف بر شروط ایران می‌باشد". این تظاهرات به مناسبت سالگرد انقلاب برگزار می‌گردد. آقای رفسنجانی ضمن دعوت ایرانیها به شرکت در مراسمی که بدین مناسبت برپا می‌گردد گفت: «ما هشدارهایی داده‌ایم و در آینده مجبور می‌شویم به آخرین حربه خود دست یازیم، در هنگامی که روشن شود که دشمنان ما گوشی برای شنیدن هرگونه نصیحتی ندارند". آقای هاشمی رفسنجانی که در خطبه‌های نمازجمعه سخن می‌گفت اضافه کرد شایسته است تظاهرات پردامنه‌ای که ایران در هفتمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی شاهد آن خواهد بود، عراق را قانع کند که تسلیم برای آن کشور واجب و ضروری است. رئیس مجلس ایران که از نفوذ بزرگی در داخل کشور برخوردار است همچنین شروط ایران برای تحقق صلح را تعیین کرد. وی عقب نشینی عراق از اراضی اشغالی ایران و پرداخت خسارات و غرامت جنگ و بازگشت مهاجرین عراقی به کشورشان و نیز محاکمه متجاوز را مورد اشاره قرار داد. منظور از محاکمه متجاوز، خواست ایران مبنی بر سرنگونی صدام حسین رئیس‌جمهور عراق می‌باشد".

نتیجه کار در دست خدا است و ما هم تسلیم رضای خدا هستیم و وظیفه خودمان را انجام می‌دهیم. وَ مَا النَّصرُ اِلاّ مِنْ عِندِاللّهِ وَ مارَمَیْتَ اِذْرَمَیْتَ وَ لکِنَ‌اللّه رَمی. اگر شهادت نصیبم گردید و برنگشتم، وصیت نامه‌ای که دو سال قبل، هنگام رفتن به جبهه برای عملیات خیبر نوشته‌ام، معتبر است و نمی‌خواهم تغییری در آن بدهَم.

آقای [واعظ] طبسی تلفنی احوالپرسی کردند و برای سفر به مشهد اصرار داشتند. وقت تعیین نشد. از ساعت چهار و نیم تا پنج و نیم مصاحبه مطبوعاتی و رادیو تلویزیونی با خبرنگاران داخلی و خارجی در مجلس انجام دادم[1].

به فرودگاه رفتم و ساعت شش و نیم به طرف اهواز حرکت کردم. باران می‌بارید. با اشکال در فرودگاه اهواز نشستیم. در هواپیما لباس نظامی پوشیدم. به محل قرارگاه در گلف اهواز رفتم. مرکز سپاه است. جای امنی تهیه کرده‌اند. مقدمات حمله انجام شده و در رأس ساعت ده شب تهاجم به دشمن از سه قرارگاه شروع می‌شود: دو قرارگاه از سپاه و یکی از ارتش. مراسمی داشتیم که فیلمبرداری شد و من فرمان حمله را صادر کردم[2].

---

۱ ـ در این مصاحبه آقای هاشمی درباره ابهام قانون در مورد تجارت خارجی، نقش آینده روحانیت در اداره امور اقتصادی، سیاسی و علمی، توطئه کاهش بهای نفت، سرمایه‌های ایران در آفریقای جنوبی، گسترش انقلاب اسلامی، تأثیر مانور لشگرهای قدس، نتایج مذاکره با قائم مقام وزیر خارجه اتحاد شوروی، تولید فراوان نفت توسط عربستان و کویت، برخورد جمهوری اسلامی با کشورهایی که از بهای نفت خود کاسته‌اند، راهپیمایی ۲۲ بهمن، سیاست نه غربی و نه شرقی و علت استقبال از قائم مقام وزیر خارجه شوروی، مسایل دادگاهها و ابهام در مسایل اراضی کشاورزی و نحوه تنبیه صدام حسین رئیس‌جمهور عراق، شرایط مناسب برای حمله نهایی، اقتصاد تک محصولی، آسیب پذیری آمریکا و احتمال برکناری صدام به سئوالات مطرح شده پاسخ داد. رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، مصاحبه‌های سال ۱۳۶۴، جلد پنجم، دفترنشرمعارف‌انقلاب.

۲ ـ در عملیات والفجر ۸ ساعت ۲۲/۱۰ دقیقه روز ۲۰ بهمن، آقای هاشمی فرمانده عالی جنگ، فرمان حمله را با قرائت رمز عملیات صادر کرد: "بسم‌اللّه‌الرحمن‌الرحیم، لاحول ولا قوة الاّ باللّه العلی العظیم. و قاتلوهم حتی لاتکون فتنه. یا فاطمة‌الزهرا، یا فاطمة‌الزهرا، یا فاطمة‌الزهرا." در عملیات والفجر ۸ که ۷۵ روز به طول انجامید نزدیک به ۸۰۰ کیلومتر مربع از زمینهای دشمن آزاد گردید. در جریان عملیات، دشمن بیش از ۵۰ هزار کشته و زخمی داشت که در میان آنها یک فرمانده لشکر و پنج فرمانده تیپ دیده می‌شد. همچنین ۷۰۰ نفر اسیر که در میان آنها چندین سرهنگ ستاد، سرهنگ دوم، سرگرد، افسر جزء، خلبان هواپیما و هلی‌کوپتر و درجه‌دار وجود داشت به اسارت گرفته شدند. در این عملیات ۶۰۰ دستگاه تانک و نفربر منهدم و ۱۲۰ دستگاه به غنیمت گرفته شد. تعداد ۵۰۰ دستگاه خودرو منهدم و ۱۲۰ دستگاه به غنیمت گرفته شد. تعداد ۱۵۰ قبضه توپخانه منهدم و ۲۰ قبضه به غنیمت گرفته شد. تعداد ۴۵ فروند هواپیما و ۱۰ فروند هلی‌کوپتر سرنگون شد و ۳ ناوچه جنگی ارتش عراق غرق شد. ضمناً مقادیر معتنابهی وسایل مخابراتی، سلاحهای سبک، رادارهای مختلف و نیز سلاحهای ضدهوایی در میان وسایل انهدامی دشمن و غنایم به دست آمده مشاهده می‌گردید. در عملیات والفجر ۸ ارتش عراق در مجموع ۱۰ تیپ پیاده، کماندویی و نیروی مخصوص، ۲ تیپ زرهی، ۴ گردان ضدهوایی، ۱۰ گردان قاطع جیش الشعبی و ۵ گردان توپخانه را به‌طور ۱۰۰ درصد از دست داد. از طرف

(ادامه پاورقی در صفحه بعد)

دو ساعت بیدار ماندیم. گزارش‌های اولیه دلالت بر شکستن خطوط دفاعی دشمن در همه محورهاداشت و دلیل بر غافلگیر شدن کامل دشمن. خوابیدم و گفتم اگر نیاز پیش آمد، بیدارم کنند. ساعت سه بامداد بیدار شدم. اطلاع گرفتم. معلوم شد نیروی دریایی و سپاه به خاطر ناآرامی دریا نتوانسته‌اند به اسکله‌های البکر والامیه ـ که جزو اهداف بود ـ برسند. یاسر هم همراه من به جبهه آمده است[1].

دوشنبه ۲۱ بهمن ۱۳۶۴ ۳۰ جمادی الاول ۱۴۰۶ 10 FEBRUARY 1986

اول طلوع فجر از خواب بلند شدم. بعد از نماز صبح به تعقیب اخبار عملیات پرداختم. معلوم

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

دیگر ۳۳ تیپ پیاده، کماندو و نیروی مخصوص، ۸ تیپ زرهی و مکانیزه دشمن بیش از ۶۰ درصد منهدم شدند که جهت بازسازی و تجدید سازمان از منطقه عملیاتی خارج گردیدند. همچنین ۱۰ لشکر و ۵ تیپ کماندو، زرهی و مکانیزه دشمن ۳۰ درصد آسیب دیدند که به دلیل کمبود نیروهای دشمن، کماکان در منطقه عملیاتی باقی ماندند تا پس از تجدید سازمان نیروهای آسیب دیده و جایگزینی آنها، نیروهای مزبور به عقب منتقل شوند. با توجه به اهمیت عملیات پیروزمندانه والفجر ۸ گزارش کامل و تفصیلی این عملیات به نقل از مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه در ضمیمه همین کتاب درج شده است.

۱ ـ خبرگزاری‌های غربی مصاحبه مطبوعاتی و رادیوتلویزیونی آقای هاشمی را به نحو وسیعی پوشش خبری دادند. خبرگزاری رویتر در این باره نوشت: "مناسبات ایران با اتحاد شوروی و کشورهای بلوک شرق رو به بهبود است. ولی در حال حاضر دورنمای روابط ما با امریکا این طور نیست. روحانی با نفوذ و سخنگوی مجلس ایران اکبر هاشمی رفسنجانی روز یکشنبه ضمن اعلام این مطلب همچنین گفت: دیدار هفته پیش کورنینکو معاون اول وزارت خارجه شوروی از تهران تاثیر به سزایی در روابط ایران و شوروی و بلوک شرق خواهد داشت. هر دو طرف ایران و شوروی، از دیدار هفته گذشته در تهران به عنوان یک موفقیت یاد کرده‌اند ولی جزئیات موافقتهای انجام شده بین دو طرف را به جز در مورد موافقت برای انجام دیداری در آینده نزدیک در سطح وزیران در جریان گشایش کمیسیون اقتصادی مشترک دوکشور اعلام نکرده‌اند. آقای رفسنجانی گفت: وجود روابط عدیده تجاری و روابط عادی سیاسی و نیز وجود مواضع سیاسی مشترک بین شوروی و ایران به‌این معنی نیست که در روابط ایران با مسکو هیچ مشکلی وجود ندارد. وی از دو مشکل عمده در روابط با مسکو، از پشتیبانی عراق توسط شوروی در جنگ با ایران و حضور نظامی شوروی در افغانستان یاد کرد. وی افزود که شاهد انعطاف پذیری شوروی در هر دو مورد ذکر شده بوده است. وی تأکید کرد که انعطاف ناپذیری قبلی شوروی‌ها تخفیف یافته است. آقای رفسنجانی گفت: مسأله حزب کمونیست توده ایران که توسط شوروی حمایت می‌شود اکنون حل شده است. روابط ایران و شوروی در سال ۱۹۸۳ در پی اخراج ۱۷ دیپلمات شوروی به‌عنوان قسمتی از طرح قلع و قمع حزب توده به پائین‌ترین حد خود تنزل یافت. آقای رفسنجانی این مطلب را نیز رد کرد که روابط گرم اخیر ایران با کشور همسایه کمونیست‌اش توازن اصولی و بنیاد سیاست خارجی ایران مبتنی بر اصل «نه شرقی، نه غربی» راکه از سال ۱۹۷۹ در پی پیروزی انقلاب اسلامی به‌آن عمل می‌شود بهم زده است. وی در جواب سئوالی گفت: ما مکرراً گفته‌ایم قسم نخورده‌ایم که تا روز قیامت روابطمان با آمریکا قطع باشد. وی افزود: برای وضع کنونی در ارتباط با روابط ایران و آمریکا، ایالات متحده باید خود را اصلاح کند و با ایران رفتاری متناسب با یک کشور مستقل در پیش گیرد".

شد نیروی زمینی [ارتش] کاری از پیش نبرده و با دادن تعدادی تلفات عقب نشینی کرده است. قرارگاه نجف سپاه، جزیره ام‌الرصاص را تصرف کرده و قرارگاه خاتم یک با قدرت از اروند عبور کرده و در چند محور خطوط دفاع عراق را شکسته و اهداف مرحله اول را به خوبی تأمین کرده و شهر فاو را تصرف نموده است. قرارگاه هوایی سپاه هم قسمت اعظم اهدافش را گرفته است.

عبور از اروند رود و شکستن خطوط دفاعی و استحکامات دشمن از کارهای معجزه آسا در جنگ است. هوا گاهی ابری است و دشمن هنوز گویا هدف اصلی حملات را نفهمیده. در اطلاعیه‌هایی که تنظیم کردیم، سعی شد هدف را از دشمن مخفی نگاه داریم. دفاع دشمن و حتی دفاع هوایی امروز ضعیف بود و اعتراف کرده که ما از آب عبور کرده‌ایم. به تهران اطلاع دادیم که پیک راهی کویت شود و به حکام کویت بگوید که خودشان باید جزیره بوبیان را حفظ کنند که عراق آن را اشغال نکند. اگر عراق در جزیره بوبیان نیرو مستقر کند، کار نیروهای ما در عراق سخت می‌شود. از قرارگاه‌های خاتم ۱ و ۲ آمدند و توضیح دادند. بعضی محورها ماهیت پشتیبانی یا فریب دارند.

نیروی زمینی ارتش مصمم است، امشب دوباره در جزیره بوارین عمل کنند. اگر هم موفق نشود، نفس عمل برای پشتیبانی عملیات اصلی که در فاو است، مفید خواهد بود. قبل از خواب [گزارش] آخرین وضعیت میدان‌های جنگ را گرفتم. خاتم ۱ ـ سپاه ـ به پیش می‌رود و استحکامات در غرب اروند رود می‌سازد و خاتم ۲ ـ ارتش ـ درگیر شده و قصد پیشروی در جزیره بوارین را دارد. حاج احمدآقا وضع جبهه را پرسید؛ گفتم در نقطه اصلی، خوب پیشرفت کرده‌ایم.

سه شنبه ۲۲ بهمن ۱۳۶۴   ۱ جمادی الثانی ۱۴۰۶   11 FEBRUARY 1986

ساعت چهار صبح با صدای توپهای ضد هوایی اهواز از خواب بیدار شدم و دیگر نخوابیدم و به نوشتن اطلاعیه‌ها و گرفتن اخبار میدان جنگ پرداختم. اطلاع رسید که قرارگاه نجف، دیشب نیروهای خود را از جزیره ام الرصاص عقب کشیده، ولی آقای [محسن] رضایی از این خبر اظهار بی‌اطلاعی کرد و ضمناً اطلاع داد که دیشب دومین پایگاه موشکی عراق در فاو را تصرف کرده‌ایم و مشغول تحکیم مواضع دفاعی هستیم. وضع تهاجمی خوب است ولی مواضع دفاعی هنوز مستحکم نیست و خواست که از امکانات ارتش در جلب توجه ارتش عراق به نقاط دیگر جبهه

استفاده شود.

با رئیس‌جمهور نتیجه عملیات را در میان گذاشتم. اعلامیه‌های چهارم و پنجم قرارگاه را نوشتم و منتشر کردیم. اطلاع پیشرفت در محور فاو را دادیم. تا امروز صبح به خاطر گمراه کردن دشمن به هدف حمله، از این محور چیزی نگفته بودیم. آقایان سرهنگ سهرابی و سرهنگ کهتری، طرح عملیات در منطقه نفت شهر و مندلی را آوردند. ظهر آقای صیاد [شیرازی] آمد. با اینکه در انجام عملیات ناموفق بوده، روحیه‌اش خوب است و وعده داد که فردا برای تصرف جزیره بوارین توسط لشکر ۷۷ اقدام خواهد کرد.

عصر سایت هاگ در منطقه فعال شد و مدعی‌اند ده [فروند] هواپیمای عراقی را ساقط کرده‌اند. آقایان [محسن] رفیق‌دوست و [علی] شمخانی از خط مقدم آمدند و از دفع پاتک‌های عراق و تثبیت موقعیت و برنامه عملیات امشب گفتند. دکتر روحانی را به قرارگاه‌های فرعی فرستادم که از نزدیک وضع آنها را بررسی کنند. آقای [محسن] رضایی از استحکام نسبی در غرب اروند راضی است ولی از اشکالات انتقال وسایل سنگین می‌نالد. راهپیمایی امروز با شرکت بی نظیر مردم برگزار شده که مایه قدرت و استحکام نظام است.

چهارشنبه ۲۳ بهمن ۱۳۶۴ — ۲ جمادی الثانی ۱۴۰۶ — 12 FEBRUARY 1986

به علت کم خوابی در دو شب گذشته، خوب خوابیدم. صبح که بیدار شدم، دیدم آقای دکتر روحانی از منطقه برگشته بود. گزارش کاملی از وضع نیروها و نیازها و برنامه‌ها آورد. مشکل زدن پل روی اروند رود هنوز حل نشده و انتقال وسایل سنگین با دشواری انجام می‌شود. از خط مقدم احوال پرسیدیم. معلوم شد دیشب در یک محور از دو محور مورد نظر عمل کرده‌اند و خوب هم پیش رفته‌اند. از فرماندهان لشکرهای ۸ نجف و امام حسین(ع) ناراضی‌اند که عمل نکرده‌اند.

گزارش‌های روی تلکس‌ها را به طور کامل خواندم. هنوز در دنیا، باور به موفقیت عملیات نیست؛ گر چه تا حدودی معلوم است[1]. عراق از پس گرفتن جزیره ام‌الرصاص استفاده تبلیغاتی

---

۱ ـ نحوه برخورد رسانه‌های غربی با پیروزیهای کسب شده توسط رزمندگان اسلام همواره یک روند ثابت و منظم داشت. این رسانه‌ها با نزدیک شدن زمان عملیات سالانه ایران که معمولاً در زمستان هر سال صورت می‌گرفت و از گستردگی و وسعت قابل

(ادامه پاورقی در صفحه بعد)

زیادی می‌کند. معلوم شد نیروی زمینی هم نتوانسته کاری از پیش ببرد. گفتم اعضای ستاد را برای تصمیم‌گیری درباره نیروی زمینی و ترکیب امکانات دعوت به جلسه کنند.

از نیروی هوایی و هوانیروز خواستیم که به حمایت از رزمندگان مورد تعرض پاتک‌های دشمن بروند. پاتک‌ها شدید است. خیلی خوب عمل کردند، هر دو را تشویق کردیم. امروز هم هشت هواپیمای دشمن را ساقط کردند. متأسفانه عصر، دشمن سایت هاگ را زد و خاموش شد.

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

توجهی برخوردار بود، اخبار و تحلیل‌های خود را پیرامون منطقه عملیات آینده ارائه داده و سعی داشتند از این طریق ضمن هوشیار نمودن دشمن، تصمیم گیرندگان نظامی و سیاسی ایران را دچار تزلزل و تردید نمایند. با آغاز عملیات و کسب موفقیتهای اولیه، فعالیت این رسانه‌ها بر ضعیف و کم اهمیت جلوه دادن پیروزیهای ایران معطوف می‌شد. در نبرد فاو، تا یک هفته پس از شروع عملیات، از سوی برخی فرماندهان نظامی عراق و نیز کارشناسان و ناظران سیاسی - نظامی غرب نسبت به توانایی ایران مبنی بر حفظ و تثبیت منطقه ابهام و تردید وجود داشت، چنانکه روزنامه تایمز لندن نوشت: "آنها قبلاً نیز به پیروزیهای کوتاه مدتی دست یافته‌اند، لیکن تاکنون ثابت شده که توانایی حفظ آن و انجام عملیات طولانی با تمام ویژگیهای لجستیکی را که لازمهٔ آن است، ندارند". رادیو آمریکا نیز در تاریخ ۶۴/۱۱/۲۵ نظریه فوق را به نقل از خبرنگار صدای آمریکا به گونه‌ای دیگر مطرح کرد: "حملات تهاجمی ایران نشان می‌دهد که ایران در هیچ‌یک از پیکارهای گذشته‌اش پیروزی قابل ملاحظه‌ای به‌دست نیاورده است".

در این باره سفیر عراق در ژاپن در مصاحبه با روزنامه یومیوری می‌گوید: "این بار هم مثل گذشته از هم پاشیدن و در هم کوبیدن نیروهای ایرانی به چند ساعت وقت احتیاج دارد و بس".

اما یک هفته بعد از پیروزی ایران و مقاومت نیروهای جمهوری اسلامی در برابر پاتکهای وسیع دشمن و ناتوانی عراق در عقب راندن رزمندگان اسلام، به تدریج لحن رسانه‌های تبلیغاتی قدرتهای جهان نیز تغییر یافت. نبرد والفجر ۸ اوضاع سیاسی منطقه را دچار دگرگونی ساخت و وسائل تبلیغاتی جهان را مجبور ساخت تا با حساسیت بیشتری مسائل ناشی از پیروزیها را دنبال کنند. به‌همین جهت از این پس شاهد توجیه علل ناتوانی عراق در بازپس‌گیری فاو و موکول کردن آن به تغییر شرایط جوی می‌شویم. آنتونی لردکردزمن یکی از کارشناسان امور خاورمیانه‌ای آمریکا در جنگ تحمیلی، معضل اصلی عراق را در فاو و مقایسه آن با ایران چنین بیان می‌کند: "مشکل اصلی عراق آن است که نمی‌خواهد متحمل تلفات شود، در صورتی که ایران به خصوص در حمله اولیه، آمادگی پذیرش تلفات سنگین را دارد. از جمله مشکلات هر جنگ آن است که نمی‌توان بدون تحمل تلفات، دست به ضد حمله زد. معمولاً تلفات در ضد حمله پنج تا ده برابر آن در حالت دفاعی است. عراق ترجیح می‌دهد به‌جای تحمل تلفات سنگین، بخشهای کوچکی از خاک خود را از دست بدهد". روزنامه واشنگتن پست نیز نظریات لردکردزمن را به گونه‌ای دیگر بیان داشته است: "بزرگترین مشکل عراقیها اجتناب آنها از متعهد ساختن پیاده نظام خود به دفع حملات ایران است. آنها به جای این امر، استفاده از آتش توپخانه، بمباران جتهای جنگنده و آتش راکت هلی‌کوپترهای جنگی را انتخاب کرده‌اند. چنین جنگهایی احتیاج به انگیزه شدید و تعهد کامل سربازان دارد که به نظر کارشناسان، در ارتش عراق نقصان آن مشهود است. بنابر اظهار یکی از تحلیلگران نظامی، مجموعه‌ای از ملاحظات سیاسی در عراق به فرماندهی نظامی فشار وارد می‌کند و عمدهٔ تصمیم بر آن است که از دادن تلفات زیادی که باعث نارضایتی‌های سیاسی داخلی شود، اجتناب گردد". عراق در منطقه فاو به لحاظ غافلگیری در مکان و تاکتیک، در برابر رزمندگان اسلام دچار انفعال شد، لذا به رغم تلاشهایی که انجام داد نتوانست نسبت به عقب راندن رزمندگان اسلام موفقیتی کسب نماید.

عصر از دو قرارگاه خاتم ۱ و ۲ آمدند و معلوم شد امروز هم در جبهه فاو پیشرفت داشته‌ایم و نیروی زمینی اعلان قفل شدن عملیات در منطقه‌اش کرد. قرار شد توپخانه‌های خود را به خاتم ۱ واگذار کند و برای زدن پل پی.ام.پی اقدام کنند و یک لشکر به فاو ببرند و برای عمل کردن در غرب آماده شوند.

هیأت لیبی به اهواز آمد و با [محسن] رفیق‌دوست ملاقات کرد. پیشنهادهایی برای حمایت از قیمتهای نفت داشت. شب به تماشای تلویزیون پرداختم. تظاهرات مردم خیلی با شکوه انجام شده است. تلفنی با آقایان رئیس‌جمهور، نخست‌وزیر، احمدآقا و ولایتی صحبت شد.

پنجشنبه ۲۴ بهمن ۱۳۶۴ ۳ جمادی الثانی ۱۴۰۶ 13 FEBRUARY 1986

ساعت یک بامداد با زنگ تلفن آقای [علی] شمخانی بیدار شدم. اطلاع داد که نیروهای سپاه، اسکله الامیه را گرفته‌اند. ولی صبح معلوم شد اشتباه بوده و [آنجا را] نگرفته‌اند. مدتی طولانی خواب نرفتم و لذا امروز معمولاً خسته و کسل بودم. از دیشب نیروهای ما حمله‌ای را به عراقی‌ها شروع کرده‌اند و تا امشب ادامه دارد و چهارگردان از لشکرگارد مخصوص رئیس‌جمهور [عراق] را به محاصره گرفته‌اند، ولی آنها مقاومت می‌کنند.

دشمن دیروز و امروز به وسعت از اسلحه شیمیایی استفاده کرده و حدود سه هزار نفر آسیب دیده‌اند که ۸۰ درصد آن سطحی است. در اهواز چند بار وضعیت قرمز اعلام شد. یک هواپیمای دشمن از بالای ساختمان ما گذشت که بعضی‌ها خیال می‌کنند، محل ما را نشان کرده است. قرار بود امروز به تهران بروم ولی فرماندهان سپاه، بودن من را در اینجا به خاطر درگیری‌های شدید اصلح دانستند. فسخ عزیمت شد.

فرمانده نیروی دریایی آمد وگزارش عدم موفقیت دیشب در تصرف اسکله‌های البکر و الامیه را داد و برنامه آینده را گفت. سایت هاگ کوثر از دیروز خاموش بود. امروز موقتاً راه افتاد و دوباره خاموش شد. امروز سه هواپیمای دشمن را زدیم و یک هواپیما از دست دادیم.

عصر برای رفع خستگی به طور ناشناس و با لباس بسیجی به خیابان‌های اهواز رفتم. یک ساعت گشتیم و جگر خریدیم و خوردیم. فرمانده نیروی زمینی با ستادش آمدند و درباره مأموریت عملیات پس گرفتن نفت شهر بحث شد. قرار شد اقدام نشود.

جمعه ۲۵ بهمن ۱۳۶۴ — ۴ جمادی الثانی ۱۴۰۶ — 14 FEBRUARY 1986

صبح زود خبر رسید که دیشب بخشی از نیروهای لشکر گارد رئیس‌جمهوری عراق منهدم و بخشی نیز از محاصره ما در رفته‌اند و نیروهای ما در نقطه قابل دفاعی موفق به زدن خاکریز شده‌اند. خیالمان راحت شد و دوازدهمین اطلاعیه قرارگاه خاتم را دادیم. به آیت‌الله خامنه‌ای اطلاع دادم که به تهران نمی‌روم. خودشان نماز جمعه را بخوانند و بر بعضی مطالب گفتنی و نگفتنی تأکید کردم.

طبق قرار قبلی همراه دکتر روحانی و پاسدارانِ [محافظ] و یاسر به طور ناشناس با ماشین به طرف دزفول حرکت کردیم. منطقه بین راه خیلی جالب، سر سبز، حاصلخیز و آباد است. باران می‌بارید و خیالمان از ایذاء هواپیماهای دشمن راحت بود. در بین راه از دستفروشهای کنار جاده کاهو خریدیم و در رفتن و برگشتن در صحرا وکنار کارون خوردیم و خاطره زندگی آزاد و بی حاشیه دوران طلبگی را تجدید کردیم.

ناهار در پایگاه هوایی دزفول صرف شد. با آقای غروی رفسنجانی [مسئول] عقیدتی سیاسی نیرو و فرمانده نیرو و سرهنگ رضوانی فرمانده پایگاه درباره امور جنگ و پایگاه مذاکره شد. جنازه یک خلبان مؤمن حزب‌اللهی ـ اسدی جهرمی ـ راکه دیروز هواپیمایش پس از حمله موفق به خاطر سرعت در پرواز در سطح زمین به خاکریز خورده و شهید شده بود، تشییع کردند.

درباره بمبهایی که اخیراً سپاه ساخته است که به عنوان تلافی علیه عراق به کار برود، بحث شد. ساعت شش به اهواز رسیدیم. آقایان [علی] شمخانی و [محسن] رفیق‌دوست از دو خط مقدم آمده بودند. گزارش وضع را دادند. تثبیت شده‌اند. برای انجام عملیات محدود در شمال جبهه امکانات و اجازه خواستند. انجام شد و برای تکمیل کارهای عملیات جاری مذاکره شد. یاسر از دزفول برای رسیدن به مدرسه‌اش به تهران برگشت. آقای [علی] شمخانی گفت حدود شش هزار نفر از نیروها تحت تأثیر [حمله] شیمیایی دشمن قرار گرفته‌اند که حدود یک هزار نفر احتیاج به معالجه دارند و بیست نفر شهید شده‌اند.

شنبه ۲۶ بهمن ۱۳۶۴ — ۵ جمادی الثانی ۱۴۰۶ — 15 FEBRUARY 1986

بعد از نماز صبح، تلکس‌ها را خواندم. دنیا ناچار به پیروزی ما در جنگ اعتراف می‌کنند، اما در هدف و آثار این پیروزی و خود آن به بحث می‌پردازند. دیشب در جبهه تحرکی نبوده، به امشب



عکس یادگاری درمنطقه عملیاتی والفجر ۸

انداخته‌ایم و دشمن هم تحرکی نداشته است.

پیش از ظهر با دکتر [حسن] روحانی برای بررسی وضع پایگاه امیدّیه با ماشین به صورت ناشناس به آنجا رفتیم. با سرهنگ صادقی فرمانده پایگاه و سرهنگ صدیق [فرمانده نیروی هوایی] از تمام قسمتهای آن بازدید کردیم. خیلی وسیع است و تأسیسات لازم برای پرواز دارد. یک [جنگنده] اف۵ اسکرامبل را مشاهده کردیم و اف۵ دیگری را که بال آن با تیر دشمن در عملیات دیروز خراب شده بود. امروز چند پرواز عملیاتی علیه دشمن از امیدیه داشتند. از بسیجی‌ها که بخشی ناچیز از پایگاه را در اختیار داشتند، شکایت داشتند. این گونه مطالب در مورد مراکزی که نهادها از ارتش و جاهای دیگر قدیمی گرفته‌اند، زیاد است. ناهار و نماز و استراحت همانجا انجام شد.

آقای خامنه‌ای تلفنی از وضع جبهه‌ها سئوال کردند. گفتم دشمن امروز حرکتی نداشته یا خیلی کم بوده است. بیشتر حملات هوایی را در جزایر مجنون و هور متمرکز کرده. گویا خیال می‌کنند از آنجا عملیات اصلی انجام می‌شود. ماهواره‌ها و جاسوسان به دلیل تحرک زیاد امکانات موتوری و مهندسی ما که به منظور گمراه کردن دشمن انجام می‌شود، گمراه شده‌اند. خبرنگاران داخلی و خارجی را امروز به منطقه فاو فرستادیم. ساعت پنج بعد از ظهر به اهواز برگشتیم. بمبهایی که قرار بود امروز برسد، باز هم تأخیر دارد. تا ساعت نه شب در اهواز به امور جنگ رسیدگی کردیم و به تهران پرواز کردیم. ساعت ده به منزل رسیدم.

یکشنبه ۲۷ بهمن ۱۳۶۴   ۶ جمادی الثانی ۱۴۰۶   16 FEBRUARY 1986

امروز زود به مجلس رفتم. گزارش جبهه را گرفتم. از دیشب حمله‌ای درجنوب کارخانه نمک شروع کرده‌ایم. در جلسه علنی پیش از دستور درباره جنگ صحبت کردم[1]. جلسه را به آقای

---

۱ ـ در بخشی از این نطق آمده است: "به یمن الطاف الهی هفته گذشته وکلاً دهه فجر برای ملت ما و منطقه مستضعفان جهان و حق جویان روزهای پر برکت و مشحون از الطاف و رحمت الهی بود. ما در این دهه شاهد جلوه‌هایی از طراوت و نشاط انقلاب بودیم که به اعتراف دشمنان و تأیید دوستان انقلاب مثل هفت سال پیش طراوت خودش را کوله‌باری، از تجربه و دستاورد با خود دارد و این چیز کم نظیری در تاریخ است. حضور شکوهمند لشکرهای احتیاط قدس مثل صخره‌های عظیمی بود که در اقیانوسها امواج خروشانی ایجاد بکند. راهپیمایی عجیب وکم سابقه ملت ما در روز بیست و دوم روز مقدس پیروزی انقلاب واقعاً شایان

(ادامه پاورقی در صفحه بعد)

[محمد] یزدی سپردم و برای تمشیت امور جنگ به دفترم آمدم. جنگ به شدت ادامه دارد. تفوّق از ما است. عراق برای جبران ضعف روحیه و شکست خودش اخبار دروغ پخش می‌کند.

حملات هوایی دشمن زیاد است. هاگ دوم امروز عملیاتی شده. به دکتر [حسن] روحانی گفتم، رفت و شخصاً وضع دستگاه بمبهای مورد نظر را بازدید کرد. وعده‌هایی که داده بودند، خلاف بود. با پیگیری قرار شده از امشب با دست پر کنند. شاید هم نکنند. صنایع نظامی ارتش هم چیزی ساخته، ولی کیفیت خوبی ندارد.

نخست‌وزیر آمد. برای ساختن تونل زیر آب اروند برای جبهه طرح آورد، قرار شد تعقیب کنیم. آقای [محسن] کنگرلو آمد و اطلاع داد آمریکا حاضر شده به جای موشک‌های هاگ نامقبول گذشته، موشک تاو بدهد. فردا می‌رسد. نخست‌وزیر هم گفت روسها موافقت کرده‌اند، موشک‌های زمین به زمین از کره شمالی بگیریم. کره هم گفته وام بدهید تا برایتان بسازیم و ما گفته‌ایم از خودتان بدهید، پولش را بگیرید.

وزارت خارجه هم به کویت در مورد استفاده هواپیماهای عراق از فضای کویت اخطار کرده

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

توجه است و انصافاً باید به‌این ملت آفرین گفت و به‌اینها دعا کرد و خدمت کرد. از همه اینها مهمتر این حرکت جدید رزمندگان ما در جبهه بود. آفرینندگان حماسه والفجر ۸ انصافاً غیر از اظهار عجز از قدرت توصیف و ستایش این جانبازیها چیز دیگری نمی‌تواند حق مطلب را ادا بکند درباره این جوانها و رزمندگان ایثارگر و فداکار، به حق از صمیم دل من اعتراف می‌کنم و اظهار می‌کنم که من عاجزم، حتی گوشه‌ای از آنچه که می‌فهمم از این حرکت برای ملتمان برای نمایندگان محترممان توضیح بدهم. ابعاد مختلفی دارد این حرکت، این عملیات، از لحاظ نظامی کمر ارتش بعث عراق شکسته شده چندین لشکر و تیپ مهم عراق که روی آنها خیلی سرمایه گذاری کرده‌اند تا به‌حال صدمه کلی دیده که به این زودی اینها را بازسازی نمی‌شود کرد. کسانی که در امور نظامی واردند و مشکلات تشکیل یک ارتش قوی را می‌دانند زود به‌این نکته پی می‌برند و شرایط هم طوری است که پیش‌بینی می‌شود بقیه نیروهای کیفی صدام در همین منطقه آسیب جدی خواهند دید. برای اینکه منطقه طوری است که از پهلو حدود پنجاه کیلومتر توپخانه‌های ما عقبه دشمن را با رگباری از گلوله‌های سنگین توپ مثل جهنم کرده و مشکل است که یک واحدی در این طول پنجاه کیلومتر که متکی به چند جاده هستند عبور بکنند و جان سالم تا نقطه درگیری بتوانند داشته باشند و از لحاظ تهدید هواپیمایی نیروهای رزمنده هوایی ما بهترین موقعیت مکانی را دارند برای ضربه زدن به دشمن، این بار هم مثل فتح خرمشهر و فتح المبین نیست که صدام ادعا بکند که ما عقب نشینی کردیم و خودمان داوطلبانه رفتیم، اینجا یا باید اعتراف بکند که شکست خوردیم یا باید بجنگد و جنگیدنش یعنی آوردن لشکرهای کیفی‌اش و نمی‌شود با نیروهای بنجلی که جلو خط گذاشته بود و سابق هم داشت همیشه که آنها آسیب می‌دیدند این بار بجنگد. البته ما مغرور نمی‌شویم و ما فکر می‌کنیم که هر چه به دست می‌آوریم به ارادهٔ خداوند است. هر چه تقدیر الهی تعلق بگیرد همان خواهد شد ولی خداوند این شرایط را درست کرده و رزمنده‌های ما با کمترین تلفات در طول جنگ در عملیات بیشترین ضربه‌ها را می‌توانند به دشمن این جور وارد بکنند". رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، نطق‌های پیش از دستور سال ۱۳۶۴، جلد پنجم، دفترنشرمعارف‌انقلاب.

است. تا شب در دفترم کار کردم. گزارش‌های هفته گذشته انبار شده است. امروز هفت هواپیمای عراق را ساقط کرده‌ایم و احتمالاً برای اولین بار یک میگ ۲۵ را با طرح ابتکاری ابابیل زده‌ایم. در مجموع عراق از پاتکهای امروزش شکست خورده است[۱]. شب به خانه آمدم.

دوشنبه ۲۸ بهمن ۱۳۶۴ — ۷ جمادی الثانی ۱۴۰۶ — 17 FEBRUARY 1986

ساعت هشت صبح به زیارت امام رفتم. گزارش پیروزیهای عملیات والفجر ۸ را دادم و در مورد آینده جنگ چهار فرض و چهار راه مطرح کردم. ۱- ادامه جنگ تا سقوط [حزب] بعث عراق[۲] و تشکیل حکومت مردمی ۲- پذیرش سقوط صدام با حفظ بعث و گرفتن خسارات

---

۱ ـ باگذشت زمان و تثبیت موقعیت نیروهای خودی در منطقه فاو و به دنبال گزارش رسانه‌های غربی، سخن فرماندهان و مسئولین عراق نیز رفته رفته تغییر کرد. توانایی رزمندگان اسلام در تأمین پشتیبانی نیروها و تأمین پشتیبانی هوایی و توپخانه، سرانجام عراقیها را که ابتدا حتی به حضور رزمندگان اسلام در منطقه فاو اعتراف نمی‌کردند، مجبور ساخت تا ضمن اعتراف به شکست در این نبرد، بازپس‌گیری آن را بسیار مشکل و دور از دسترس قلمداد کنند. فرماندهان عراق پس از شکست‌های پی‌درپی در پاتک‌های انجام شده، ارتش این کشور را برای تسلط مجدد بر فاو ناتوان معرفی کرده و بر ویژگیهای عملیات فاو تأکید کردند، چنانکه ماهرعبدالرشید، یکی از فرماندهان ارشد نظامی عراق، در این زمینه اذعان داشت: "ایران در عملیات جاری خود از روشهای نظامی نوینی استفاده کرده است و برخلاف توقع، در شرایط جوی سختی که بارانهای شدید می‌بارید، با استفاده از مردان قورباغه‌ای و پیشقراولان رزمی، حمله خود را به مواضع عراقیها آغاز کرد". در شرایط جدید، عراقیها دیگر قادر به انکار حضور رزمندگان اسلام در منطقه فاو نبودند، تا آنجا که لطیف جاسم وزیر اطلاعات عراق در مصاحبه با القبس گفت: «مسأله تصرف منطقه فاو از سوی ایرانیان به‌حدی آشکار بود که دیگر نمی‌توانستیم آن را منکر شویم و برای ما ممکن نبود که اعلام کنیم ایران وارد فاو نشده است". عراقی‌ها تدریجاً به ناتوانی خود برای بازپس‌گیری فاو نیز اعتراف نمودند. عدنان خیرالله وزیر دفاع وقت عراق طی مصاحبه‌ای اعلام کرد: "بازپس گرفتن شبه جزیره فاو از دست ایرانیان دشوار است. وجود باتلاقها و نمکزارها در این سرزمین، مانع اصلی عملکرد واحدهای عراقی هستند". ماهر عبدالرشید نیز به ناتوانی سربازان عراقی اشاره کرده، می‌گوید: "فکر نمی‌کنم به‌این زودیها عراق بتواند در این ارتباط (پس گرفتن فاو) کسب موفقیت سریعی را پیش بینی بنماید".

مدیر توجیه سیاسی ارتش عراق هم در توجیه ناتوانی عراق می‌گوید: "وضعیت زمین منطقه نبرد محدودیتهایی را در استفاده‌از زره‌پوشها و حتی نیروهای پیاده، بر ارتش عراق تحمیل کرده است... زمین نبرد در اطراف فاو طوری است که اجازه نمی‌دهد از تعداد زیادی نیرو در این منطقه استفاده شود". در عین حال که عراق در چنین شرایطی توانایی لازم را برای بازپس‌گیری فاو نداشت، لیکن به لحاظ ارزش سیاسی - نظامی زمین منطقه، نسبت به این مسأله واقف بود که "تنها بازپس‌گیری فاو می‌تواند مجدداً توازن را به سود عراق بازگرداند".

۲ ـ رهبران حزب بعث عراق عبارت بودند از: صدام حسین تکریتی (رئیس‌جمهور و دبیرکل حزب بعث)، عزت ابراهیم الدوری (معاون رئیس‌جمهور و معاون دبیرکل حزب)، طه یاسین رمضان (رئیس جیش الشعبی و معاون نخست‌وزیر)، میخائیل یوحنا، معروف به طارق عزیز (وزیر امورخارجه)، عدنان خیرالله (وزیر دفاع)، عبدالجبار الشنشال (رئیس ستاد ارتش) و سعدون حمادی (رئیس مجلس ملی).

۳- پذیرش سقوط صدام با آمدن حکومت غیر بعثی با خسارات ۴- پذیرش خسارت با حفظ صدام که در این فرض هم احتمالاً به سقوط صدام خواهد انجامید. امام فرض چهارم را قبول نداشتند و فرمودند روی سه فرض دیگر بحث و مذاکره کنیم.

به جلسه علنی نرفتم. از امروز بودجه [سال] ۶۵ مطرح شده. در دفترم به انجام کارهای عقب افتاده و تمشیت امور جنگ پرداختم. آقای روحانی اطلاع داد که مجهزکردن بمبها شروع شده. در جبهه امروز پاتک دشمن و حمله هوایی دو طرف بوده. پاتکها دفع شده و هفت هواپیمای دشمن سرنگون شده.

ظهر آقای زمانیان آمد و مشکلات خودش را با بعضی از رؤسای نهاوند مطرح کرد. آقای ناروئی نماینده بم آمد و برای پیدا کردن اثر برادر ربوده شده‌اش استمداد کرد. عصر گروهی از رؤسای کاروان‌های حج آمدند و از تصمیم حج و اوقاف در خصوص لغو امتیاز روحانیان و کاروان‌دارهای شصت سال به بالا شکایت کردند. آقای [کاظم] اکرمی [وزیر آموزش و پرورش] آمد و برای آموزش و پرورش استمداد کرد.

شب رؤسای سه قوه مهمان من بودند. گزارش وضع جنگ را دادم و درباره آینده جنگ مذاکره کردیم. روی همان فرضهای مطرح شده خدمت امام، به نتیجه قطعی نرسیدیم. بیشتر نظرها روی دو فرض وسط دور می‌زد. شب به خانه آمدم.

سه شنبه ۲۹ بهمن ۱۳۶۴ ۸ جمادی الثانی ۱۴۰۶ 18 FEBRUARY 1986

ساعت هفت و نیم صبح به مجلس رفتم. به خاطر جنگ، بیشتر در دفترم ماندم. خبرهای جبهه می‌گفت که عراق در محور جاده ام‌القصر - فاو دست به حمله زده و دو سه کیلومتر پیش آمده، ولی شب دوباره آنها را عقب زده‌ایم. ظهر چند ملاقات انجام دادم. عِصر در جلسه نمایندگان شرکت کردم و درباره جنگ مطالبی را برای نمایندگان گفتم.

شب درجلسه شورای مرکزی [جامعه] روحانیت مبارز شرکت نمودم. بیشتر صحبت‌ها درباره بد اداره شدن جلسات روحانیت مبارز در دهه‌فجر بود. آقای مهدوی کنی که از لندن پس از معالجه برگشته، به خاطر خستگی نیامده بود. می‌خواستم ایشان را ببینم.

آقای غیوری گزارشی از خدمات خیر خواهان در سیستان و بلوچستان داد و برای توسعه

اقداماتشان و فعال شدن کارخانه نخ قالیبافی زابل و فعال تر شدن کارخانه بافت بلوچ کمک خواست. شام را مهمان آیت‌الله خامنه‌ای بودیم و دیر وقت به خانه آمدم. به آقای [فضل‌الله] محلاتی گفتم که سری به جبهه‌ها بزنند و همچنین در مورد مصدومان شیمیایی کنترلی بکنند.

چهارشنبه ۳۰ بهمن ۱۳۶۴ ۹ جمادی الثانی ۱۴۰۶ 19 FEBRUARY 1986

صبح زود به مجلس رفتم ولی در جلسه علنی خیلی نماندم و برای تمشیت امور جنگ به دفترم آمدم. در بحث‌های نمایندگان مخالف و موافق، موقعی که آقای موسویانی نماینده تهران گفت که مدیریت کشور با ماستمالی امور را اداره می‌کنند و چنین نسبتی را به من هم داد، نمایندگان به او اعتراض کردند و نتوانست حرفهایش را تمام کنند؛ سپس به نوعی عذر خواهی کرد.

در جبهه به خاطر باران دیروز، زمین گل است و تحرکی نیست و نیروهای ما به تحکیم مواضع می‌پردازند. عصر جمعی از هیأت رئیسه مجلس آمدند و درباره جنگ با آنها صحبت کردم. آقای وحیدی مسئول اطلاعات سپاه آمد. درباره پیشنهادهای آمریکایی‌ها درباره گروگانهای آنها در لبنان مذاکره کردیم. از ما خواسته‌اند که برای نجات آنها در مقابل دادن بعضی از نیازهای جنگی کمک کنیم.

آقای خلیلی ـ که در فرانسه مقیم است ـ آمد و پیغام حکام فرانسه را آورد. از من برای کمک به نجات گروگانهای فرانسوی استمداد کرد. گفتم فرانسه قدم اول را برای تحسین روابط بردارد و سپس از ما تقاضای کمک کند.

شب مهمان آقای [موسوی] اردبیلی بودیم. آقایان ولایتی و آقازاده گزارش سفر به الجزایر و برنامه اقدامات برای حفظ قیمت نفت را دادند و برای برنامه تصمیم‌گیری کردیم و قرار شد فعلاً نفت را به قیمت «تت بک» بفروشیم. درباره جنگ و کیفیت رفتار با همسایه‌های جنوبی خلیج‌فارس هم بحث شد. برای خواب به مجلس رفتم.

اسفند ۱۳۶۴



پنجشنبه ۱ اسفند ۱۳۶۴ ۱۰ جمادی الثانی ۱۴۰۶ 20 FEBRUARY 1986

با اینکه در مجلس بودم، به خاطر کارهای جنگ به جلسه علنی نرفتم. کلیات بودجه سال ۶۵ مطرح بود و نخست‌وزیر با تندی جواب مخالفان را داد که کمی هم شلوغ شد. تا ساعت ده صبح در دفترم کار کردم. ساعت ده جلسه ستاد قرارگاه داشتیم. راجع به عملیات آینده مذاکره کردیم. اطلاع دادند چند بمب شیمیایی در شمال فاو به کار رفت. چهار هواپیمای دشمن و دو هلی‌کوپتر دشمن را ساقط کرده‌ایم و یک هواپیما از دست داده‌ایم.

ظهر مسئولان سابق انتظامات مجلس از مشکلاتشان گفتند. عصر کارگران نمونه آمدند و از ابتکارات خود گفتند. آقای سعیدی مسئول حفاظت اطلاعات سپاه آمد و از مشکلاتش با فرماندهی و تداخل وظایف گفت. آقای [احمد] جنتی [رئیس سازمان تبلیغات اسلامی] آمد و از کم شدن بودجه سازمان تبلیغات اسلامی شاکی بود.

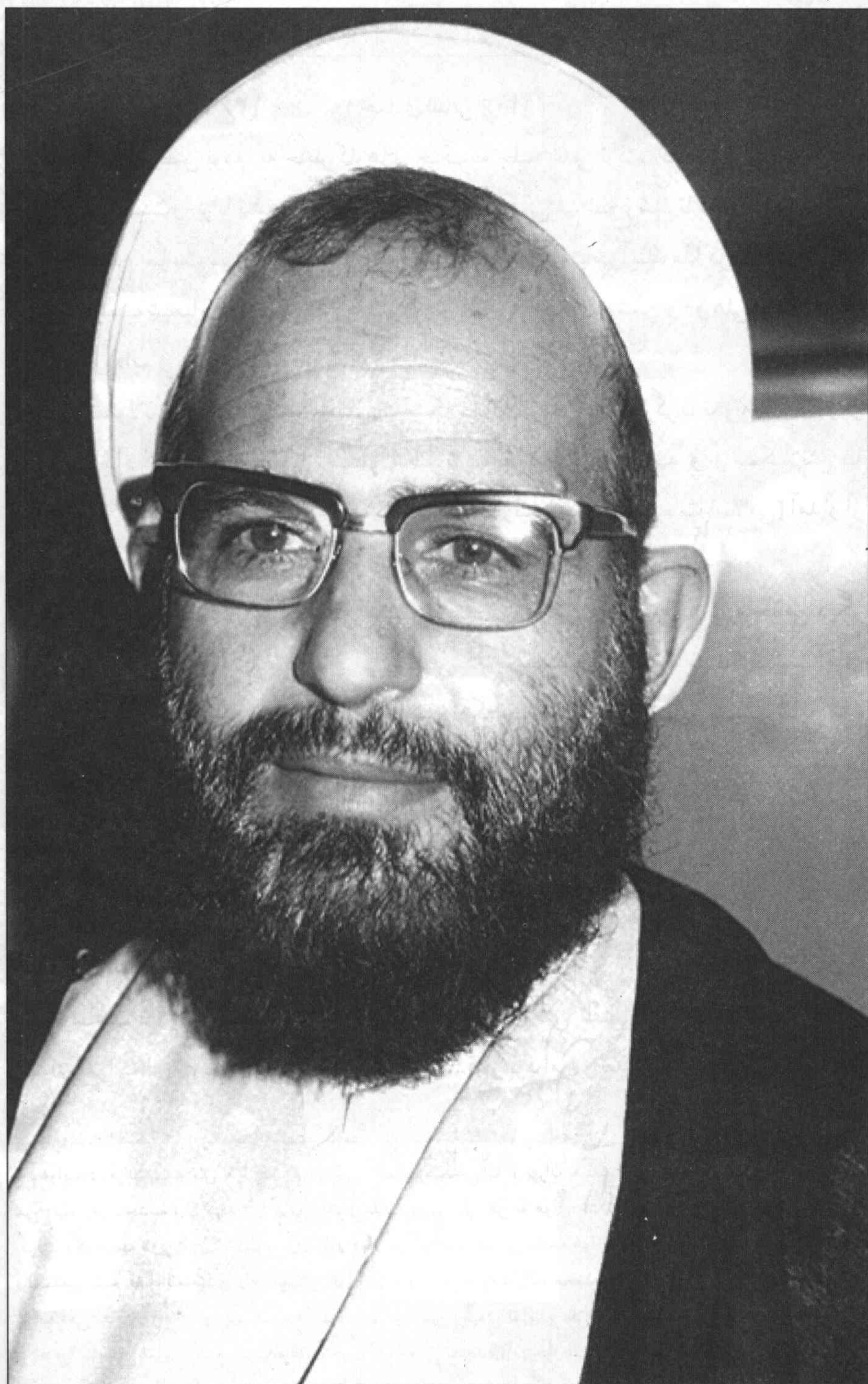
عصر خبر رسید که هواپیمای حامل هشت نفر نماینده مجلس و آقای محلاتی و جمعی دیگر در حوالی اهواز توسط جنگنده‌های عراقی ساقط شده و همه مسافران شهید شده‌اند[1]. شب آقای [محسن] رفیق‌دوست که به محل رفته بود، اطلاع داد که جنازه‌ها قابل شناسایی نیست. شایع شده بود که من هم جزو مسافران بوده‌ام، تلفن‌ها راحتمان نمی‌گذاشت؛ حتی از خارج کشور. گفتم خبری از من در اخبار کانال دو تلویزیون پخش شود.

جمعه ۲ اسفند ۱۳۶۴ ۱۱ جمادی الثانی ۱۴۰۶ 21 FEBRUARY 1986

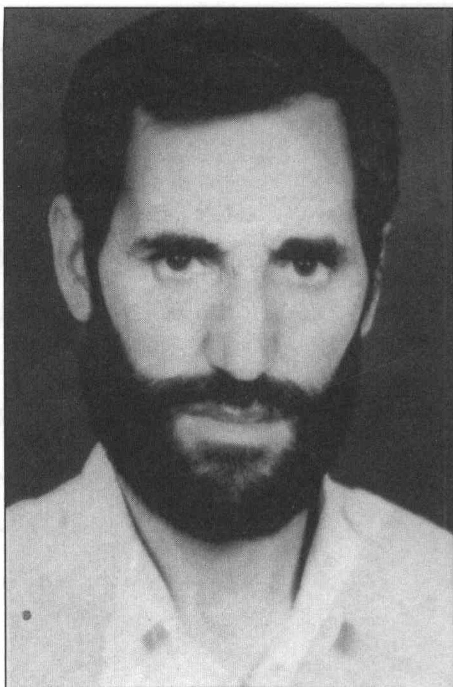
تا ساعت ده و نیم صبح در منزل بودم. آقای مهدوی کنی تلفنی خواست که تشییع جنازه شهدای هواپیمای ساقط شده دیروز، به فردا بیفتد. قرار بود امروز بعد از نماز جمعه تشییع شوند.

---

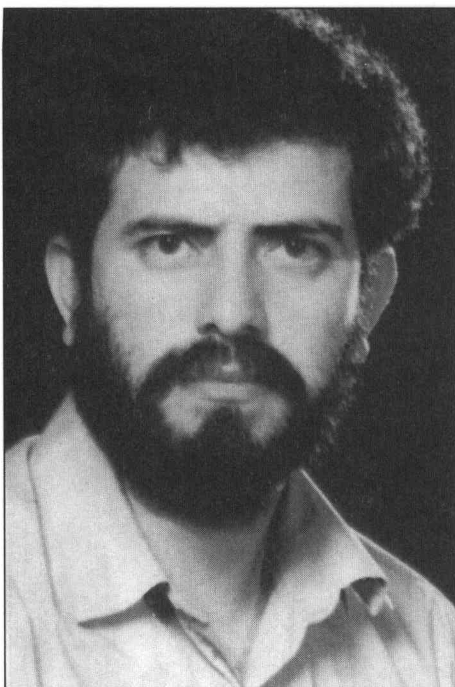
۱ ـ هواپیمای فرندشیپ متعلق به شرکت هواپیمایی آسمان، هنگامی که از تهران به قصد اهواز در حرکت بود ساعت دوازده و سی دقیقه روز پنجشنبه اول اسفند در آسمان اهواز هدف دو موشک هوا به هوای جنگنده‌های نیروی هوایی ارتش عراق قرار گرفت و در منطقه «وین» در ۲۵ کیلومتری شمال اهواز سرنگون شد. در این سانحه هوایی بیش از ۴۰ نفر از جمله حجت‌الاسلام والمسلمین شیخ فضل‌الله مهدی زاده محلاتی نماینده امام در سپاه پاسداران، محمد کلاته‌ای نماینده بجنورد، سید حسن شاهچراغی نماینده دامغان و مدیر مؤسسه کیهان، سید نورالدین رحیمی نماینده ملاوی، مهدی یعقوبی نمایندهٔ تربت حیدریه، غلامرضا سلطانی، نماینده کرج، سید ابوالقاسم موسوی دامغانی نماینده رامهرمز، علی معرفی زاده نماینده خرمشهر و شادگان و ابوالقاسم رزاقی نماینده تنکابن به شهادت رسیدند.



حجت السلام والمسلمین شیخ فضل اله محلاتی نماینده امام در سپاه پاسداران انقلاب اسلامی



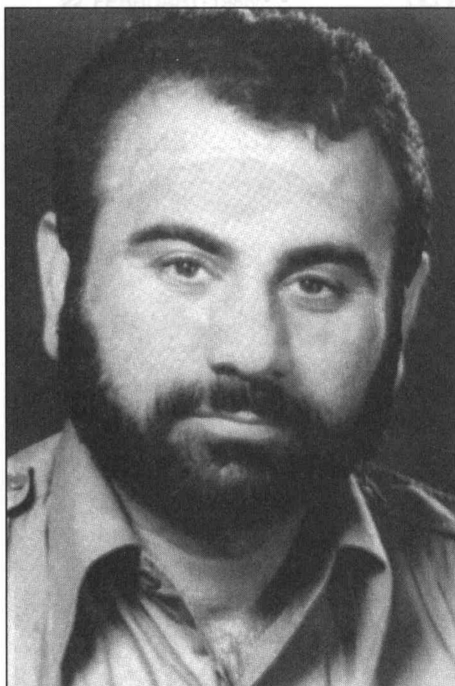
شهید محمد کلاته ای نماینده بجنورد



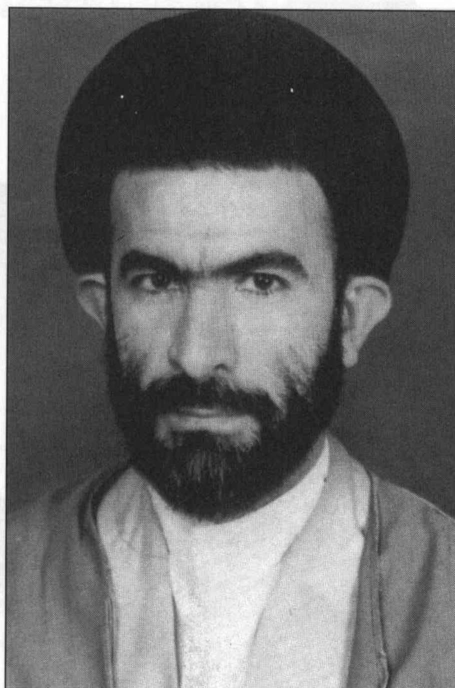
شهید سید حسن شاهچراغی نماینده دامغان



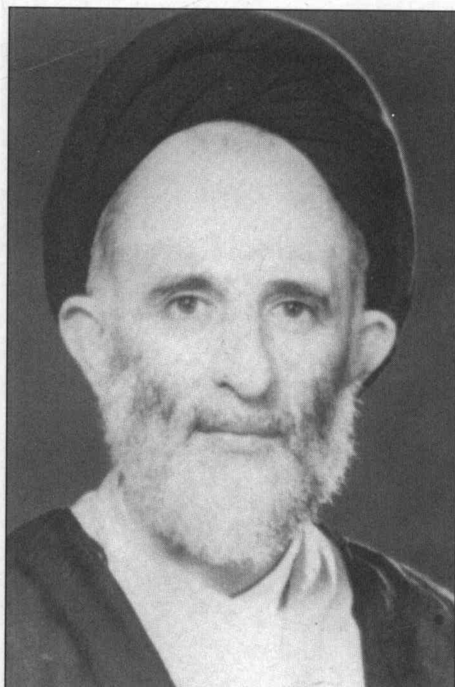
حجت الاسلام والمسلمین شهیدابولقاسم رزاقی نماینده تنکابن ورامسر



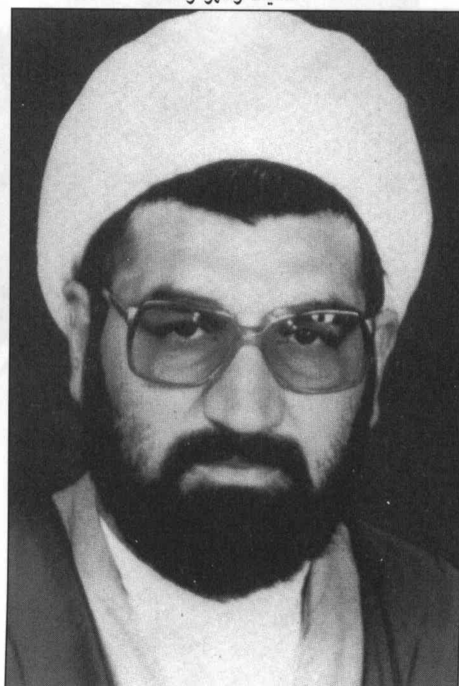
شهید علی معرفی زاده نماینده خرمشهر وشادگان



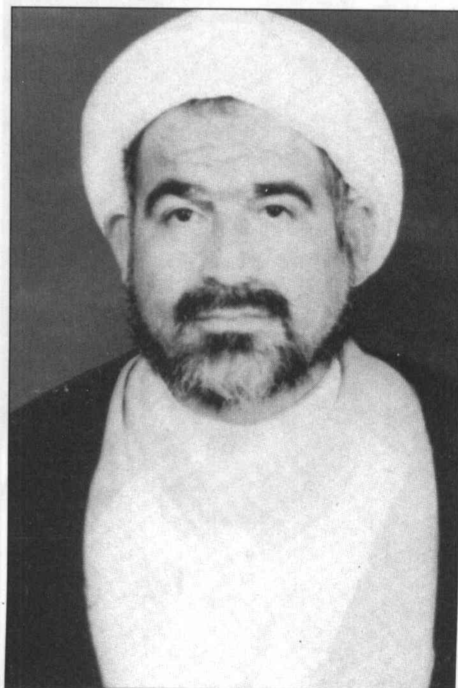
حجت الاسلام والمسلمین شهید داود موسوی دامغانی
نماینده رامهرمز



حجت الاسلام والمسلمین شهید نورالدین رحیمی نماینده ملاوی



حجت الاسلام والمسلمین شهید مهدی یعقوبی نماینده تربت حیدریه



حجت الاسلام والمسلمین شهید غلامرضا سلطانی نماینده کرج

قبول کردم. تلفنی به احمدآقا گفتم از امام بپرسد که آیا با شرکت ما در شورای امنیت [سازمان ملل] موافقند یا خیر. امام جواب دادند که مخالفند.

در نماز جمعه درباره آثار و اهمیت عملیات والفجر ۸ صحبت کردم[1]. احساسات مردم خیلی خوب است[2]. آقای [حسن] روحانی اطلاع داد که امروز هم پنج هواپیمای دشمن سرنگون شده. آقای [منصور] ستاری از افسران با سواد و مجرّب نیروی هوایی کشور، پدافند هوایی را در منطقه، بسیار خوب اداره می‌کند.

عصر احمدآقا آمد و در مورد تعیین نماینده امام در سپاه به جای آقای محلاتی مشورت کرد. گفتم نباید فرماندهان سپاه در حال حاضر برنجند، زیرا در جنگ اثر بد می‌گذارد. از جبهه آقای [محسن] رفیق‌دوست، تلفنی صحبت کرد. نگران حملات آینده‌اند. عده‌ای از بستگان برای دیدن و کار آمدند. در گزارش‌ها موضوع سقوط هواپیمای مسافربری ما انعکاس وسیعی دارد.

شنبه ۳ اسفند ۱۳۶۴ ۱۲ جمادی الثانی ۱۴۰۶ 22 FEBRUARY 1986

صبح زود به مجلس رفتم. نمایندگان در عزای شهدای سقوط هواپیما گریه می‌کردند. جلسه

---

۱ ـ محور خطبه اول نماز جمعه تحلیل پیروزیهای سیاسی و نظامی، راهپیمایی ۲۲ بهمن و حمله به هواپیمای مسافربری بود. در خطبه دوم نیز تحلیلی از عملیات والفجر ۸ و دستاوردهای آن به نمازگزاران ارائه شد. در بخشی از خطبه دوم آمده است: "از دستاوردهای مهم عملیات والفجر ۸ تمرین هماهنگی مجموعه نیروهای وارد در جنگ بود. نیروی رزمنده شما و نیروهای پشتیبانی کننده شما آن چنان در این عملیات هماهنگ رفتار کردند، مثل یک ساعت که تمام دنده‌ها و عقربه‌ها و وسایل دیگرش هماهنگ با هم کار می‌کنند، این جوری در میدان جنگ عمل کردند. سپاه پاسداران انقلاب، این نهاد بسیار مقدس و نیروهای مردم، بسیج مستضعفین راهیان کربلا، نیروی زمینی با همه امکاناتش و نیروی هوایی که نقش بسیار حساسی را ایفا کرد. نیروی دریایی با همه امکاناتی که در آن جا می‌شود به کار برد. هوانیروز و این هلی‌کوپتر کبرا با موشکهای تاو آن چنان در صحنه عمل فعال بودند که وقتی در صحنه عملیات ظاهر می‌شدند، دشمن از ترس روی خاک می‌خوابید". رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، خطبه‌های جمعه سال ۱۳۶۴، جلد نهم، صفحه ۳۴۳، دفترنشرمعارف‌انقلاب.

۲ ـ خبرگزاری فرانسه در تفسیری اعلام کرد: "آقای هاشمی رفسنجانی نماینده امام خمینی در شورای عالی دفاع ایران امروز جمعه تأکید کرد که اهداف نخستین مرحله تهاجم والفجر ۸ بدست آمده است. رئیس پارلمان ایران که در مراسم نمازجمعه دانشگاه تهران سخنرانی می‌کرد تصریح کرد که عراقیها دو راه بیشتر ندارند یا پیشروی کنند که در آن صورت آنان زیر آتش توپ‌های ما قرار خواهند گرفت و یا اینکه در همان جا که هستند باقی بمانند. آقای رفسنجانی که نقش بسیار مهمی در رهبری جنگ ایفا می‌کند، خاطرنشان ساخت در حالی که نبردها از دوازده روز پیش در شبه جزیره جنوبی عراق ادامه دارد، عراقی‌ها گفته‌اند که ما قصد داشتیم به بصره برویم اما این شهر یک میلیون نفر جمعیت دارد و ما خود را مسئول جان ساکنان غیرنظامی این شهر می‌دانیم".

رسمی تشکیل دادیم. درباره فاجعه صحبت کردم[۱]. شور دوم لایحه بودجه شروع شد، ولی نمایندگان آماده شرکت در بحث نبودند. برای شرکت در مراسم تشییع جنازه تنفس دادیم. جمعیت زیادی مقابل مجلس آمدند. مسئولان کشور هم شرکت کردند. من هم صحبت کردم[۲]. به خاطر عدم حصول نصاب، جلسه رسمیت نیافت.

پیش از ظهر در جبهه با آقای روحانی، رفیق‌دوست و محسن رضایی صحبت کردم. پاتک ضعیفی از طرف دشمن بوده که دفع شده و پنج هواپیمای دشمن ساقط شده است. دشمن در کارخانه نمک، نیرو پیاده کرده و تا عصر نیروها درگیر بودند. ظهر عفت و خانم شهید مطهری و خانم شهید باهنر به دفتر من آمدند و عصر رفتند.

آقای صیاد [شیرازی] عصر آمد و دو ساعتی گزارش کار داد. پیشنهادش این است که در عملیات آینده هم نقش نیروی زمینی [ارتش] پشتیبانی باشد نه اصلی. برای تقویت هوانیروز و توپخانه تأکید کردم. به آقای [کمال] خرازی گفتم تبلیغات جنگ ضعیف است و اخبار جنگ

---

۱ ـ در این نطق آمده است: "بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم - انالله و انا الیه راجعون. جای دوستان و عزیزان همکارمان در امروز در این جلسه خالی است و اما بیشتر، ما از آنها عقب هستیم جای ما، در بزم ربانی و روحانی باشکوه شهدا در محضر ربوبی خالی است و ما عقب هستیم. مجلس شورای اسلامی این افتخار را خداوند عطا کرده به او که همراه و همرنگ مردم و رزمندگان باشد در دورهٔ قبل در حساس‌ترین مقاطع تاریخ انقلاب، مجلس شورای اسلامی با تقدیم دهها شهید حرکت انقلاب را تسریع کرد و خون جدید به رگهای انقلاب تزریق کرد. یاد شهدای این مجلس همیشه مایه الهام و حرکت مردم بود و در کنار سایر شهدا. همرنگی تا آنجاست که در آستانه سال هشتم انقلاب، هشت شهید را ما دادیم و حتی در نام و در عدد با عملیات والفجر ۸ با رمز عددی ۸ ما همراه شدیم. من به خانواده‌های محترم این عزیزانمان تسلیت عرض می‌کنم و هم تبریک؛ تبریک به خاطر سعادتی که خداوند به آنها داد و آنها را در زمره خانواده‌های عزیز شهدای انقلاب و اسلام قرار داد. به خودمان هم تبریک می‌گویم که ما لیاقت بازماندگان شهدا را پیدا کردیم که مجلسمان بازمانده شهدا باشد. آقای محلاتی هم از ما بود، از مجلس شورای اسلامی بود، نماینده دوره قبل بود و بقیهٔ شهدا هم از ما هستند. چه آنهایی که پاسدار این برادران بودند و چه آنهایی که در مسند قضایی خدمت می‌کردند. روحانیونی که برای تبلیغ و اعلام پیام الهی به طرف مسئولیت‌های خودشان و مناطق خدمتشان می‌رفتند. انصافاً با دیدی که ما از دنیا و آخرت داریم و از دیدگاه جهان بینی اسلام روزهای شیرینی باید برای ما باشد. سفره نعمت الهی برای کسانی که لیاقت این نعمت را دارند باز است و راه جهاد راه مقاتله در راه خدا و راه پیوستن به ریبون در رکاب انبیا و اولیا راه اتصال به شهدای کربلا و احد و بدر امروز برای ما در سایه این رهبری و در سایه این انقلاب باز است. ما متأسف نباید باشیم از اینکه همرنگ ملتمان هستیم. در شرایطی که ما در سراسر کشور، مردممان به خانواده‌های شهدا با لبخند غرورآفرین جنازه‌های شهدای خودشان را تشییع می‌کنند، ما قیافه‌هایمان به خاطر از دست دادن همکارانمان گرفته نخواهد بود و ما هم همراه آنها هستیم".

رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، نطق‌های پیش از دستور سال ۱۳۶۴، جلد پنجم، دفترنشرمعارف‌انقلاب.

۲ ـ آقای هاشمی در میان شعارهای کوبنده و فریاد «انتقام، انتقام» تشییع کنندگان که سرتاسر فضا را پوشانده بود، دربارهٔ شهادت شهدای سانحه هوایی و جنایت صدام سخنرانی کرد. رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۴، جلد پنجم، دفترنشرمعارف‌انقلاب.

پخش نمی‌شود. قرار شد تقویت شود. تا ساعت هشت شب در دفترم کار کردم و به خانه آمدم.

یکشنبه ۴ اسفند ۱۳۶۴ ۱۳ جمادی الثانی ۱۴۰۶ 23 FEBRUARY 1986

به مجلس رفتم. لایحه بودجه سالانه در دستور است. پیش از ظهر سرهنگ هاشمی از غرب کشور آمد. برنامه عملیات آینده را گفت. عصر وابستگان نظامی [جمهوری اسلامی] در خارج از کشور آمدند. برای آنها مفصلاً صحبت کردم[1]. شب در دفترم ماندم. از جبهه اطلاع دادند که چند ضد حمله عراق را دفع کرده‌اند.

دوشنبه ۵ اسفند ۱۳۶۴ ۱۴ جمادی الثانی ۱۴۰۶ 24 FEBRUARY 1986

کمی کسالت داشتم. در جلسه علنی شرکت کردم. پیش از شروع جلسه چند کلمه‌ای درباره استحکام وضع ما در فاو و تکذیب تبلیغات عراق حرف زدم. بعد از تنفس به دفترم آمدم. ظهر آقای طهماسبی از اصفهان آمد. از من تصفیه حساب خواست، برای اینکه اموالش را نگیرند. گویا به اتهام سوء استفاده از امکانات ساخت نیمچه تانک، اموالش را گرفته‌اند. ادعاهای نادرستی داشت و شکست خورد.

عصر آقای رحیمی، شخصی را به نام مقدم آورد که مدعی بود اشعه جدیدی کشف کرده که از

---

۱ ـ در بخشی از این سخنرانی آمده است: "هیچکس نمی‌توانست پیش بینی کند که جمهوری اسلامی با اسلحه کاملاً آمریکایی به کمک انقلابی کاملاً ضدآمریکایی بتواند بجنگد. اسلحه‌هایی که ابزارهای پیچیده‌ای دارند و احتیاج به قطعات و متخصص دارد و دائماً در حال پیشرفت و دگرگونی است، ضد اسلحه‌های آنها مرتب ساخته می‌شود. هر سال اسلحه‌های جدیدتر و موشکها و هواپیماها و رادارهای پیچیده‌تری عرضه می‌شود که اگر نگوئیم خاصیت اسلحه‌های قبلی را از میان می‌برد، لااقل آنها را کم خاصیت می‌کند. مدت شش سال است، با اسلحه آمریکایی جنگیده‌ایم و طبیعی است که اینها نیاز به قطعات و مراحل بیشتر دارد ولی ما این مشکل را با تلاش زیادتر و با ایمان مردان حل کرده‌ایم. اگر ده روز پیش می‌گفتند شما این مشکل را نتوانستید حل کنید شاید از نظر بعضی‌ها قابل قبول بود. ولی امروز همه فهمیده‌اند که ما محکم‌ترین سد دفاعی را شکستیم. سدی که صدام افتخار می‌کرد که ۸۵ هزار نیروی مردمی و همه امکانات برای ساختن آن بکار رفته که با نیروی ارتش‌های موجود در دنیا شکستن آن سد امکان نداشت. مخصوصاً در شرایط خاصی که اروند رود و دهانه فاو و نخلستان‌ها و موانع دیگر را که خود یک پدافند محکم طبیعی ایجاد کرده بود، را در اختیار داشت". رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۴، جلد پنجم، دفترنشرمعارف انقلاب.

لیزر هم مهم تر است و از من برای گرفتن اجازه ثبت اختراع و تأمین امکانات به ثمر رساندن آن استمداد کرد. به وزیر علوم گفتم کمکش کنند. شب آیت‌الله خامنه‌ای به دفترم آمدند. درباره جنگ و هم درباره پیشنهاد آمریکایی‌ها در خصوص کمک به آزادی گروگانهای آمریکایی در لبنان در مقابل بعضی از نیازها مذاکره کَردیم. قرار شد با احتیاط پیش برویم.

دو سه بار با آقای دکتر روحانی در جبهه تلفنی صحبت کردم. گفت امروز پاتکهای عراق را به خوبی دفع کرده‌ایم و چهار هواپیمایش را ساقط نموده‌ایم. شب به خانه آمدم. آقای ری‌شهری تلفنی گفت که منافقین از طریق سئوالات تلفنی از افراد خام و بی‌تجربه، فهمیده‌اند که بناست عملیات آینده در اطراف مریوان باشد. اطلاع دیر هنگام رسید؛ اگر درست باشد. چون بنا است امشب عملیات تقریباً آغاز شود.

سه شنبه ۶ اسفند ۱۳۶۴ — ۱۵ جمادی الثانی ۱۴۰۶ — 25 FEBRUARY 1986

صبح زود آقای [محسن] رفیق‌دوست، تلفنی اطلاع داد که دیشب در شرق سلیمانیه [عراق] عملیات [والفجر ۹] انجام شده و پیشرفت خوبی داشته‌ایم و در فاو باران می‌بارد و تحرک مهمی نخواهد بود.

به مجلس رفتم. قبل از جلسه خبر را به نماینده‌ها دادم؛ خوشحال شدند. قبل از دستور درباره عملیات [والفجر ۹] صحبت کردم[1] و آن را به عنوان انتقام سقوط هواپیمای خودمان و شهادت جمعی از شخصیتهای مجلس و دستگاه قضایی و... و به عنوان عکس‌العمل ما در خصوص قطعنامه

---

۱ ـ در بخشی از این نطق آمده است: "آقایان نمایندگان لابد اطلاع دارند همانگونه که انتظار می‌رفت شورای امنیت رأی آبکی بی‌اثر خودش را صادر کرد. ما هیچ‌وقت به‌این سازمان و این شورا امیدی نداشتیم ولی توصیه‌های خودمان راکردیم وگفتیم اگر کار جدی می‌خواهید بشود باید با واقعیت‌ها درست برخورد بشود و آتش افروز جنگ محکوم بشود و متخلف از موازین بین‌الملل محکوم بشود. آنها نسبت به این مسأله خیلی ضعیف برخورد کردند. با تغییرات بی رونق و اشاره گونه خواستند عوام‌فریبی کنند. لذا این قطعنامه‌ای که اینها صادر کردند، هیچ‌گونه اثری ندارد و ما را مأیوس کرد از اینکه بتوانیم از این راه عدالت را و حق را برقرار کنیم. حتی در مورد این فاجعه سقوط هواپیمای مسافربری که همه دنیا دارند این را تقبیح می‌کنند، شورای امنیت به‌عنوان یک مسئول امنیت دنیا یک کلمه حرف نزد. ما راهمان را منحصر می‌دانیم به‌همان که خودمان اعلام کردیم که با زور و با قدرت خودمان حق‌مان را بگیریم و لذا انتقام این شهدای عزیزمان را همان طور که ملت ما خواسته بودند ما گرفتیم و در شب گذشته و بعد از یأس از اقدام شورای امنیت، رزمندگان ما در جبهه شمال ضربه کاری تحت عنوان انتقام به مزدوران صدام وارد کردند". رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، نطق‌های پیش از دستور سال ۱۳۶۴، جلد پنجم، دفترنشرمعارف‌انقلاب.

ضعیف شورای امنیت معرفی کردم[1]. در تنفس در مراسم بدرقه سه لشکر فجر استان تهران که از مقابل مجلس به جبهه می‌رفتند، شرکت کردیم و نخست‌وزیر برای آنها صحبت کرد.

ظهر در دفتر با جبهه تماس گرفتم. معلوم شد تمام اهداف عملیات شمال غرب تأمین شده و دشمن مقاومتی نشان نداده. بنا شد اسم عملیات را والفجر و به هدف انتقام از شرارت بعث عراق معرفی کنیم. از نیروی زمینی خواستم که یک تیپ برای ادامه عملیات به منطقه غرب بفرستد. آقای [حسن] روحانی خبر داد که قرار است فردا احتمالاً قرارگاه ابوالفضل در جنوب عمل کنند. به آقای [کمال] خرازی گفتم بیانیه آن را برای فردا آماده داشته باشد.

آقای محتشمی [وزیر کشور] تلفنی اطلاع داد که با آقای منتظری درباره ساخت متروی تهران مذاکره شده و ایشان قانع شده‌اند و موافقت کرده‌اند. اطلاع داد که جلال طالبانی هیأتی فرستاده و خواسته که با ما علیه صدام همکاری کند، گفتم بپذیرند. آقای محسن رضایی تلفنی از جاده‌ای که روی بهمنشیر زده‌اند و مشکل پل را حل کرده‌اند، خیلی راضی بود. آقای جاسبی آمد و گزارش کار دانشگاه آزاد اسلامی را داد.

---

۱ ـ از نظر سیاسی، تبعات ناشی از فتح فاو به منزلهٔ تغییر در ماهیت سیاسی جنگ نیز بود. بدین معنا که اتخاذ استراتژی دفاع مطلق از سوی عراق، پس از فتح خرمشهر، با این هدف بود که جنگ در روند فرسایشی، سرانجام منتهی به پذیرش صلح از سوی ایران خواهد شد. ولی فتح فاو و ارتقای موقعیت سیاسی و نظامی ایران در شمال خلیج‌فارس، عملاً منجر به پیدایش شرایط جدیدی شد که هیچگونه مطابقتی با مشخصه‌های جنگ فرسایشی نداشت. شورای امنیت سازمان ملل، متعاقب تحولات جدید و تغییر توازن به سود ایران، در تاریخ ۶۴/۱۲/۳ اقدام به تهیه پیش نویس و صدور بیانیه‌ای مهم نمود. در بند ۳ این بیانیه آمده بود: "دبیرکل از ایران و عراق بخواهد که دو کشور بی درنگ در زمین، دریا و هوا آتش بس را رعایت کرده و بلافاصله تمام نیروهای خود را تا مرزهای بین‌المللی شناخته شده به عقب بکشند". قبل از این، در سخت‌ترین شرایطی که جمهوری اسلامی مورد تهاجمات زمینی، هوایی و دریایی دشمن قرار می‌گرفت، سازمان ملل پس از چند روز تعلل، تنها اقدام به صدور بیانیه‌ای می‌کرد که در آن صرفاً از وجود درگیری بین ایران و عراق اظهار تأسف می‌شد. اما پس از فتح فاو و بعد از آنکه موقعیت برتر سیاسی - نظامی جمهوری اسلامی آشکار شد، سازمان ملل با صدور قطعنامه‌ای جدید، عملاً به سود عراق موضعگیری نمود. بدیهی است که در این شرایط تقاضای برقراری آتش بس و عقب نشینی به مرزهای بین‌المللی، بدون اشاره به تعیین متجاوز و پرداخت غرامت و مسائلی از این قبیل، هیچ معنا و مفهومی به جز وارد آوردن فشار سیاسی - روانی بین‌المللی علیه جمهوری اسلامی نداشت. قطعنامه ۵۸۲ شورای امنیت برخلاف قطعنامه‌های پیشین به اتفاق آرا مورد تصویب قرار گرفت و طارق عزیز وزیر امور خارجه عراق نیز بلافاصله آن را قابل پذیرش خواند.

وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران در پاسخ به بیانیه شورای امنیت سازمان ملل، با صدور بیانیه‌ای در تاریخ ۶۴/۱۲/۱۷ اعلام داشت: "عدم موضعگیری صریح و قاطع در این زمینه (تعیین متجاوز) نشانگر آن است که شورا هنوز اراده سیاسی لازم را در این زمینه ندارد. براین اساس، آن قسمت از قطعنامه که برکل موضوع جنگ و خاتمه مناقشات مربوط می‌شود ناقص، بی اعتبار و غیرقابل اجرا است... اولین قدم برای حرکت به سمت حل عادلانه جنگ، محکومیت صریح عراق به عنوان متجاوز است".

چهارشنبه ۷ اسفند ۱۳۶۴ ۱۶ جمادی الثانی ۱۴۰۶ 26 FEBRUARY 1986

به مجلس رفتم، ولی برای پرداختن به امور جنگ در جلسه علنی شرکت نکردم. آقای یزدی جلسه را اداره کرد. در جنوب ـ در جبهه فاو ـ دشمن به طور کلی حرکتی نداشت. دیشب در درگیری ضربه خورده است.

در جبهه شمال، نیروهای ما به پیشرفت و تحکیم مواضع می‌پرداختند. دشمن عکس‌العمل و مقاومتی نشان نمی‌دهد و خیلی عجیب است و تاکنون حتی خبر حمله را در شمال هم نداده است؛ یا در درون خودشان مسأله‌ای دارند و یا به خاطر ضربات شدیدی که خورده‌اند، آن چنان تعادل را از دست داده‌اند که نمی‌دانند چه کنند و یا دارند برای حرکت دیگری آماده می‌شوند.

قرارگاه ابوالفضل(ع) در جنوب آماده شده ولی وزش باد متناسب نبود و عمل نکرده و منتظر وزش بادند. در شمال باز هم بین صیاد [شیرازی] و سپاه اختلاف نظر بروز کرده و مقداری از وقت و فرصت را دارند از دست می‌دهند. صیاد مایل نیست نیروهای ارتش را تحت فرمان سپاه بگذارد و مایل هست که خودش مستقلاً عمل کند. عصر [سرهنگ صیاد شیرازی] آمد، او را توجیه کردم. سپاه هم سیاست مخصوص خودش را دارد و مایل است قدرت نشان دهد[1].

---

۱ ـ پس از عملیات بدر، در سطوح عالی جنگ پذیرفته شد که سپاه و ارتش ضمن پشتیبانی از یکدیگر، هرکدام مستقلاً طرح‌ریزی عملیات کنند و اجرا نمایند. همچنین مدتی پس از این تصمیم، امام خمینی سپاه را موظف کرد تا همچون ارتش، از قوای سه گانه زمینی، هوایی و دریایی برخوردار باشد. البته سپاه هم زمان با عملیات خیبر تشکیل یگان دریایی داده بود. لیکن تشکیل نیروی دریایی مسأله جدیدی بود. عملیات والفجر ۸ اولین نبرد سپاه بعد از دریافت حکم تشکیل سه نیرو بود. در این عملیات هر سه نیروی سپاه به کارگرفته شدند، هر چند که نیروی هوایی آن از پدافند هوایی و موشکی فراتر نرفته بود. بدین ترتیب این عملیات با طراحی و فرماندهی سپاه پاسداران اجرا شد و به منظور پشتیبانی از این عملیات، یک تک فریب در هور و دو تک پشتیبانی در شلمچه و ام‌الرصاص نیز انجام شد. تک فریب را سپاه در هور اجرا کرد. این تک، عملیاتی بود مهندسی که سبب غافل‌گیری بزرگ دشمن شد و به نیروی خودی امکان داد قبل از هوشیار شدن دشمن، موقعیت خود را در منطقه فاو مستحکم سازد. عملیات شلمچه به فرماندهی ارتش اجرا شد و اگر چه به شکستن خط دشمن نینجامید و بیش از ۴۸ ساعت ادامه نیافت ولی در دو روز اول عملیات، نقش پشتیبانی را برای منطقه فاو داشت. همچنین تک پشتیبانی سپاه در جزیره ام‌الرصاص که به شکستن خط دشمن و آزادی این جزیره انجامید، تأثیر مهمی در پشتیبانی «والفجر ۸» داشت، هر چند در این عملیات نیز پس از ۴۸ ساعت، براثر فشار دشمن منطقه تصرف شده تخلیه گردید.

تک اصلی در فاو در حالی که دشمن غافل بود، با عبور نیروهای غواص از رودخانه عریض اروند آغاز شد و در زمانی کوتاه با گسترش سرپل گرفته شده، رأس البیشه، کارخانه نمک، سایت‌های موشکی و شهر فاو آزاد شد و نیروهای خودی آماده مقابله با پاتک‌های دشمن شدند. از سوی دیگر، دشمن که در آغاز عملیات با یگان‌های موجود خود در منطقه به مقابله با رزمندگان برخاسته بود، پس از فرو ریختن مواضعش به سرعت یگان‌های گارد را وارد نبرد کرد تا با ایجاد تأخیر فرصت لازم را برای ورود

(ادامه پاورقی در صفحه بعد)

ظهر آقای عرفانی نماینده تالش آمد. از گرفتن زمین از قاضی شرع شهرداری تهران ناراحت است. آقای عطائی نماینده سنندج آمد. از لندن اطلاعاتی آورده بود، درباره نفوذی که عناصر طاغوتی و ضد انقلاب در خریدهای خارج ما دارند. گفتم گزارش مکتوبی بدهد.

شب با سران دیگر قوا، مهمان آقای خامنه‌ای بودیم. درباره آینده جنگ صحبت کردیم. بحث در این بود که حالا که نقطه مهمی از عراق مثل فاو در دست ما است و ارتباط عراق با دریا قطع شده، بهتر این است که آتش‌بس را بپذیریم و با این اهرم برای گرفتن حقوقمان و سقوط صدام از طریق محاکمه اقدام کنیم و یا اینکه به جنگ ادامه دهیم تا صدام برود. به جایی نرسیدیم. قرار شد هفته بعد با حضور آیت‌الله منتظری و در خدمت امام بحث شود.

از لبنان خبر رسید که چریک‌ها می‌خواهند اعلان کنند یک گروگان فرانسوی را به انتقام تحویل دو مسلمان عراقی از طرف فرانسه به عراق، اعدام کرده‌اند. گویا قبلاً او مرده ولی اعلان نشده بوده. آقای ولایتی [وزیر امور خارجه] که برای شرکت در کنفرانس خلع سلاح به ژنو می‌رفت، مشورت کرد.

پنجشنبه ۸ اسفند ۱۳۶۴ ۱۷ جمادی الثانی ۱۴۰۶ 27 FEBRUARY 1986

صبح زود برادر محسن کنگرلو، تلفنی اطلاع داد که امروز یک محموله موشک تاو از طرف آمریکایی‌ها می‌رسد، برای اینکه ما برای آزادی گروگانهایشان در لبنان اقدام کنیم. گفتم به سپاه تحویل دهند. با توجه به تأثیری که این موشک‌ها در جنگ زمینی و زدن تانکها دارد، بعضی فکر می‌کنند که آمریکا مخالف شکست صدام نیست، یا سیاست دیگری دارد. احتمالاً دارد باج می‌دهد برای صاف کردن زمینه روابط بعد از پیروزی در عراق و جلوگیری از گرایش ما به طرف تحسین روابط با مسکو.

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

یگان‌های احتیاط ارتش عراق فراهم آورند. اما یگان‌های گارد نه تنها نتوانستند در تثبیت مواضع آزاد شده تأخیر ایجاد کنند، بلکه سازمانشان نیز متلاشی شد و عقب نشینی کردند و ناگزیر به عقب گریختند. ورود یگان‌های احتیاط ارتش عراق به میدان نبرد مؤثر نبود و ۷۵ روز پاتک آن‌ها فقط بر آمار تلفات و خسارت‌های دشمن افزود، چنان که سرفرماندهی ارتش عراق به یقین رسید که تلاش برای بازپس‌گیری فاو به‌جایی نمی‌رسد و به جز انهدام یگان‌هایش نتیجه‌ای ندارد، لذا پاتک‌ها را متوقف کرد. بدین‌ترتیب سواحل عراق درکنار خلیج‌فارس و هم مرز با کویت در تصرف رزمندگان ایران باقی ماند.

در منطقه فاو ضربه ای واردکرده‌ایم و تعدادی اسیرگرفته‌ایم و در منطقه والفجر ۹ هم به طرف سلیمانیه عراق پیشرفت کرده‌ایم. عصر آقای [علی] شمخانی اطلاع دادکه فشار دشمن روی یکی از ارتفاعات فتح شده زیاد است و شب اطلاع دادند که فشار خنثی شده. آقای [محسن] رفیق‌دوست از جبهه آمد و گزارش وضع جبهه را داد. مستحکم هستیم و نیروهای جدید الورود کارسازند. شب خانواده مهمانی رفتند و من و مهدی در خانه ماندیم. گزارش‌ها را خواندم. شورش مردم مصر علیه حکومت از حوادث مهم است.

جمعه ۹ اسفند ۱۳۶۴ — ۱۸ جمادی الثانی ۱۴۰۶ — 28 FEBRUARY 1986

از جبهه خبر دادند که در جبهه شمال پیشرفت داشته‌ایم. در جنوب پاتک دشمن و نفوذ دشمن در خطوط ما رفع شده و دو هواپیمای دشمن ساقط شده و سایت موشک هاگ آسیب دیده است. نماز جمعه را در دانشگاه تهران اقامه کردم[1]. عصر عفت برای شرکت در جشن تولد مونا [دختر فائزه] به خانه فائزه رفت. شب گزارش‌ها را خواندم. مطلب مهمی نداشت.

شنبه ۱۰ اسفند ۱۳۶۴ — ۱۹ جمادی الثانی ۱۴۰۶ — 1 MARCH 1986

صبح زود به مجلس رفتم. از جبهه‌ها خبر گرفتم، مسأله مهمی نداشتند. در جلسه علنی شرکت کردم. تا ساعت ده در جلسه بودم. عصر سفیر سوریه آمد و خواست که نفت به آنها بدهیم و در مورد اقساط عقب افتاده سخت نگیریم. از مشکلات اقتصادیشان گفت. به خاطر خلاف وعده سران

---

۱ ـ در خطبه اول ادامه بحث عدالت اجتماعی در اسلام در ارتباط با حقوق زنان مطالب دیگری مطرح شد. در خطبه دوم نیز قطعنامه شورای امنیت دربارهٔ جنگ ایران و عراق، حرکت انقلابی مردم مصر، نقش رادیوهای بیگانه در مورد جنگ تحمیلی، عملیات والفجر ۸، روحیه متزلزل ارتش عراق و نقش کشورهای حاشیه خلیج‌فارس تحلیل‌هایی به نمازگزاران ارائه شد. در بخشی از خطبه دوم آمده است: "در مورد رأی سازمان ملل، این رأیی که آقایان صادر کردند، نقاط مثبتی داشت اما نشان داد که سازمان ملل و شورای امنیت و آنهایی که حاکم هستند و قدرتهایی که حق وتو دارند و در آنجا حاکمند و نفوذ دارند، نمی‌خواهند این جنگ تمام شود. تحلیل ما از اول همین بود و حالا هم همین است که آنها مایلند این جنگ باشد و در این جنگ پیروزی وجود نداشته باشد و جمهوری اسلامی و عراق درگیر باشند و آنها بتوانند از این درگیری استفاده کنند و آن چیزهایی که نمی‌خواهند این است که جمهوری اسلامی در این جنگ پیروز شود که بسیار با پیروزی ایران در این جنگ مخالف هستند". رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، خطبه‌های جمعه سال ۱۳۶۴، جلد نهم، صفحه ۳۶۶، دفترنشرمعارف‌انقلاب.

سوریه در مورد دادن موشک‌ها، حرف‌ها خیلی موثر نیست.

آقای کنگرلو آمد و گزارش مذاکره با آمریکایی‌ها را داد. اطلاعات چندان مهمی نداده بودند و خواستار آمدن به ایران ـ به طور سری ـ برای بررسی نیازهای جنگی ما بودند. گفتم اگر می‌خواهند ما در لبنان برای آزادی گروگانهایشان کمک کنیم، باید ۱۰۰ موشک فونیکس بدهند.

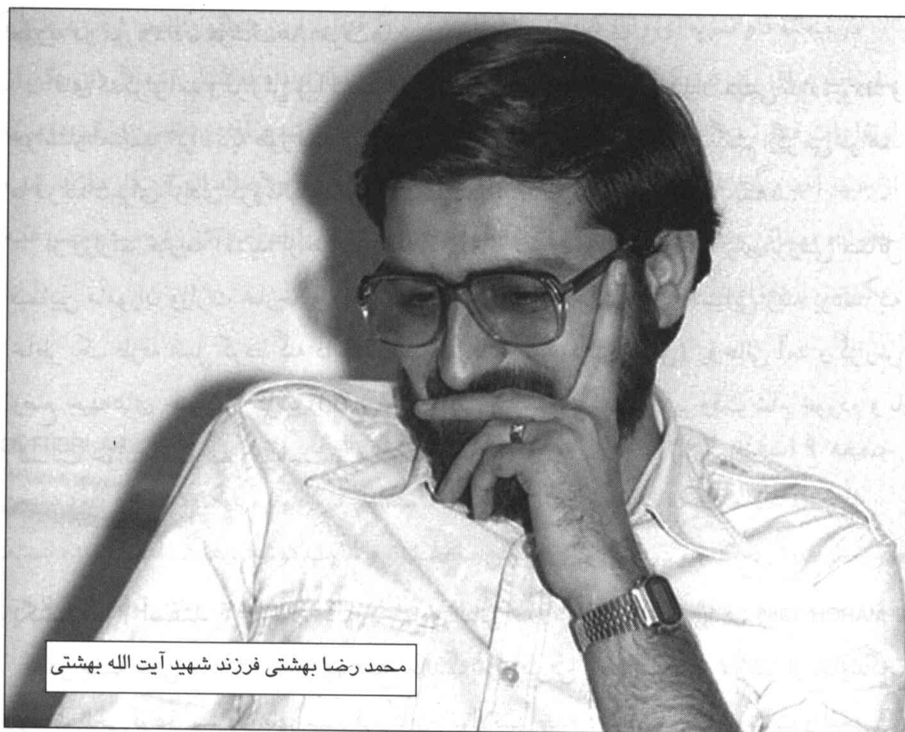
از وزارت خارجه آمدند. از هیأت پارلمانی که به دعوت وزارت ارشاد برای بررسی مسائل فیمابین مأموران وزارت خارجه و مأموران ارشاد در خارج به کشورهای آسیایی رفته بودند، به خاطر یک طرفه عمل کردن گله داشتند. شب به خانه آمدم. دکتر [حسن] روحانی آمد و گزارش وضع جبهه‌های جنوب و غرب را داد. شب جمعی از بستگان آمدند. دیر وقت شام خوردم و با کسالت خوابیدم. دو سه روز است سرماخوردگی دارم.

یکشنبه ۱۱ اسفند ۱۳۶۴   ۲۰ جمادی الثانی ۱۴۰۶   2 MARCH 1986

در جلسه علنی تا ساعت نه و نیم صبح ماندم. به خاطر بی انضباطی یکی دو نفر از نمایندگان اوقات تلخی کردم. پیش از ظهر ستاد قرارگاه خاتم‌الانبیا جلسه داشت. درباره عملیات والفجر ۹ و ادامه آن بحث کردیم[1] و تصمیماتی اتخاذ شد. از جنوب هم اطلاع دادند، دشمن تحرکی ندارد.

ظهر عقد ازدواج پاسداری را بستم و به اظهارات دانشجویی که مدعی ابتکاری در دوربین دارکردن آرپی جی بود، گوش دادم. معتقد بود به زودی امام زمان(عج) ظهور خواهند کرد. عصر برای گروهی از خانمهای عضو بسیج و وزارت دفاع که به مناسبت روز زن آمده بودند، صحبت

۱ ـ اولین عملیات از سلسله نبردهای مربوط به استراتژی تعقیب دشمن در جبهه شمالی، در منطقه چوارتا با طراحی و فرماندهی سپاه پاسداران در سه محور اجرا شد و نیروهای خودی توانستند در دو مرحله به اهدافِ مورد نظر همچون ارتفاعات کوخ نم‌نم، ناصر، ماماخلان، موبرا، پلنگه سور و قله کاژال پیر (کچل) ـ که از بلندترین قلل منطقه است ـ دست یابند. چند روز پس از پایان عملیات و تحویل خط به نیروهای پدافندی در حالی که مناطق متصرفه هنوز به طور کامل تثبیت نشده بود، نیروهای عراقی در حملاتی توانستند کلیه نقاط تصرف شده را بازپس گیرند. نکته حائز اهمیت، همزمانی این عملیات با عملیات «والفجر ۸» بود، یعنی در حالی که توان اصلی سپاه در منطقه فاو درگیر بود، یگان‌های تازه تأسیس سپاه، عملیات «والفجر ۹» را انجام دادند و توانستند در تهاجم خود کاملاً موفق باشند و چنانچه نیروهای پدافندی جایگزین آنها قادر به حفظ منطقه می‌شدند، نیروهای ایران در منطقه سلیمانیه به موقعیت ممتازی دست می‌یافتند. به‌این ترتیب این عملیات نشان داد که در صورت گشودن دو جبهه همزمان علیه ارتش عراق، توان دشمن تجزیه می‌شود و قادر نخواهد بود در دو جبهه مجزا و به طور هم زمان به مقابله برخیزد.


محمد رضا بهشتی فرزند شهید آیت الله بهشتی

کردم[۱].

مسئولان کمیته امداد امام آمدند. گزارش کارشان را دادند و برای عقب افتادگی پولشان کمک خواستند. آقای رستگاری آمد و راجع به موضوعاتی که لازم است روی آنها در تبلیغات تکیه کنیم، تذکراتی داد. آقای محمدرضابهشتی آمد و تذکراتی درباره لزوم آموزش بیشتر افراد برای کارهای اصولی داشت. برای پرکردن جای خالی حزب [جمهوری اسلامی] تأکید داشت. شب آقای [علی] شمخانی آمد و گزارش عملیات والفجر ۹ را داد. عراق نیرو آورده و جلو پیشرفت را گرفته. شب به خانه آمدم.

۱ ـ در بخشی از این سخنرانی آمده است: "سهم خانم‌ها در انقلاب کمتر از آقایان نیست. ما در مسیر صحیحی قرارگرفتیم. البته نه من و نه هیچ‌کس دیگری نمی‌تواند ادعا کند که محیط صددرصد اسلامی شده و همهٔ حقوق و حدود خانمها اکنون با حقوق اسلامی منطبق گردیده است. اکنون اشکالاتی از لحاظ افراط و تفریط هست، در بعضی موارد حقوق لازم داده نشده است و در بعضی موارد هم که داده شده است، خانم‌ها خودشان، خودسانسوری می‌کنند و یک نوع افراط گری‌هایی انجام می‌دهند که مانع کارها می‌شود". رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۴، جلد پنجم، دفترنشرمعارف‌انقلاب.


ملاقات با رئیس کمیسیون خارجی پارلمان آلمان غربی

دوشنبه ۱۲ اسفند ۱۳۶۴ ۲۱ جمادی الثانی ۱۴۰۶ 3 MARCH 1986

اول وقت به مجلس رفتم. نصف جلسه علنی را ماندم. ظهر نمایندگان استان‌های جنگ زده آمدند. خواستار کمک برای بالا رفتن بودجه مهاجران جنگ زده بودند. عصر با [آقای هانس اشترکن] دبیرکل اتحادیه بین‌المجالس و رئیس کمیسیون خارجه مجلس آلمان ملاقات داشتم[1]. تقاضای ملاقات خصوصی کرد. گفت معتقد است که ایران بالاخره صدام را شکست می‌دهد و گفت غرب نگران وضع ترکیه و [عربستان] سعودی، بعد از پیروزی ایران است و همچنین نمی‌داند شما در عراق چه برنامه‌ای دارید. گفتم ما چیزی بر مردم عراق تحمیل نمی‌کنیم. انتخاب با خودشان است. حاضریم درباره آینده عراق با ترکیه و عربستان مذاکره کنیم.

---

۱ ـ در این ملاقات دکتر هانس اشترکن رئیس شورای خارجه مجلس آلمان فدرال و دبیرکل گروه پارلمانی بین‌المجالس مجلس آلمان غربی گفت: "ما در اتحادیه بین‌المجالس سعی می‌کنیم به صورت مستقل عمل نمائیم تا بتوانیم سهمی اساسی در تصمیمات داشته باشیم". آقای هاشمی نیز گفت: "ما خوشحالیم که با چهره‌ای از چهره‌های پارلمانی دنیا مواجه هستیم که طرفدار حق و حقیقت باشد و انتظار داریم که تصمیمات شما در بین‌المجالس منشأ اثری برای حرکتهای مفید در دنیا باشد. آنچه گذشته است نشان می‌دهد که بین‌المجالس زیاد جدی گرفته نمی‌شود و شما اگر بخواهید مؤثر باشید باید به مسایل جدی بپردازید و تصمیمات جدی بگیرید و به حرفهای متنفذین دنیا گوش نکنید تا بتوانید جای خود را در دنیا باز کنید و الا کارهای شما تشریفاتی است".

کمیته پیگیری توافقهای سفر چین و ژاپن آمدند و اصلاحیه‌ای برای تبصره ارزی بودجه پیشنهاد دادند که بتوانیم قراردادهای بزرگ را [به صورت] نسیه منعقد کنیم. در مجلس پیشنهاد دادم قبول شد.

آقای وحیدی مسئول اطلاعات سپاه آمد و گزارش مذاکره با آمریکایی‌ها را داد. مطلب مهمی نداده بودند. کلیاتی گفته بودند که قابل اعتماد هم نیست. قبلاً گفته بودند اطلاعات مهمی خواهند داد که در جنگ تأثیر جدی دارد. شب مسئولان سپاه و قرارگاه‌ها آمدند و درباره جنگ و مهندسی و ترابری از اروند و تدارک دیگر اقلام کار بحث شد. تا ساعت دوازده شب جلسه طول کشید. با خستگی خوابیدم.

سه شنبه ۱۳ اسفند ۱۳۶۴ ۲۲ جمادی الثانی ۱۴۰۶ 4 MARCH 1986

تا ساعت ده و نیم در جلسه علنی بودم. به دفترم آمدم. آقای روحانی آمد و خواستار گرفتن وسایل هاگ از آمریکایی‌ها در مقابل گروگانها شد؛ به کنگرلو گفتم. ظهر آقای اعلمی، قاضی و امام جمعه اشتهارد آمد. پول و طلا برای جبهه آورد. آقای ناصری آمد. پیشنهاد سپاه زنجان مبنی بر اعلان عراق آزاد در منطقه فاو را آورد. عصر تا ساعت هشت شب در دفترم کار کردم. در جلسه شورای انقلاب فرهنگی و [جامعه] روحانیت مبارز شرکت نکردم. با جبهه تماس گرفتم. مسأله مهمی نداشتند. شب به خانه آمدم.

چهارشنبه ۱۴ اسفند ۱۳۶۴ ۲۳ جمادی الثانی ۱۴۰۶ 5 MARCH 1986

کار بررسی لایحه بودجه سال ۶۵ ادامه داشت*. پیش از ظهر و ظهر در دفترم ملاقات‌هایی در

* ـ آقای هاشمی در نطق پیش از دستور با اعلام خبر تجاوز ارتش عراق به شهر شادگان و شهادت و مجروح شدن جمعی از مردم این شهر از سازمان ملل خواست جلوی این شرارت‌ها را بگیرد. ایشان گفت: "تجاوز صدامیها به شهر عرب‌نشین شادگان و شهادت و مجروح شدن جمعی از مردم، نشان دهنده این است که استیصال صدام ممکن است او را وادار کند باز به جنایاتی از اینگونه دست بزند. ما به سازمان‌های بین‌المللی، مخصوصاً سازمان ملل اخطار می‌کنیم که اگر جلوی این شرارت‌ها را نگیرند، مسئول عواقب این گونه پیشامدها، که وسیع خواهد بود، آنها هستند". رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، نطق‌های پیش از دستور سال ۱۳۶۴، جلد پنجم، دفترنشر معارف انقلاب.

مورد کار جنگ داشتم. دیشب دشمن در جاده ام‌القصر حمله کرده و شکست خورده است. عصر هیأت رئیسه مجلس جلسه داشت. گزارش کمیسیون ویژه بیانیه الجزایر آماده شده. سیاسی تهیه شده و برای مطرح شدن در مجلس مشکل داریم. آئین‌نامه [داخلی مجلس در این زمینه] مبهم است.

شب مهمان احمدآقا بودیم. آیت‌الله منتظری هم از قم آمده بودند. امام هم در جلسه شرکت کردند، ولی با اظهار بی حالی [کسالت] خیلی نماندند. آقای منتظری از امام خواستند که اجازه بدهند مفتی‌زاده [از رهبران مذهبی اکراد] در منزلی بیرون از زندان، تحت نظر باشد. امام قبول نکردند. همچنین آقای منتظری خواستند که به آقای [سیدکاظم] شریعتمداری که اکنون در بیمارستان بستری است، اجازه ملاقات با علما داده شود. امام فرمودند با اهل خانه‌اش ملاقات کند.

درباره آینده جنگ بحث کردیم. فرض‌های ۱ ـ پذیرش آتش بس به شرط محاکمه صدام و خسارات ۲ ـ ادامه جنگ تا سقوط صدام ۳ ـ انجام یک حمله مؤثر دیگر و پس از به دست آوردن موضع سرنوشت ساز ۴ ـ اقدام به رکود جنگ و حرکت سیاسی برای سقوط بعث عراق مطرح شد. بیشتر فرض سوم تقریباً پذیرفته شد. گرچه عملاً هم غیر از این نمی‌شود کرد. افکار عمومی و رزمندگان همین را می‌خواهند. امام در این بحث شرکت نکردند. در پایان درباره تقسیم باقیمانده بودجه جنگ بین ارتش و سپاه و جهاد و دولت تصمیم‌گیری شد. دیر وقت به خانه آمدم.

پنجشنبه ۱۵ اسفند ۱۳۶۴ ۲۴ جمادی الثانی ۱۴۰۶ 6 MARCH 1986

در جلسه علنی مجلس، بحث بودجه ادامه یافت. از افزایش بودجه آموزش و پرورش، صداوسیما، دادگستری و سازمان تبلیغات اسلامی حمایت کردم؛ افزایش یافت. قبل از دستور فوت آیت‌الله حاج شیخ مرتضی حائری را تسلیت گفتم[1]. پیش از ظهر دکتر روحانی آمد. درباره سیاست خارجی مربوط به جنگ، مهندسی جنگ از قبیل پل روی اروند رود و وسایل عبور دیگر

۱ ـ آیت‌الله حاج شیخ مرتضی حائری صبح ۱۵ اسفند به دنبال یک بیماری در تهران دارفانی را وداع گفت. به‌همین مناسبت از سوی آقای هاشمی پیام تسلیتی به محضر امام خمینی و خانواده آن عالم عالیقدر ارسال شد.

همچنین در نطق پیش از دستور آقای هاشمی اظهار داشت: "اطلاع پیدا کردیم که متأسفانه حضرت آیت‌الله حاج آقا مرتضی حائری فرزند حضرت آیت‌الله العظمی حاج عبدالکریم حائری یزدی بنیانگذار حوزه علمیه قم دارفانی را وداع گفته‌اند، ما این مصیبت را خدمت امام امت و خانواده محترمشان تسلیت عرض می‌کنیم".

مذاکره کردیم.

عصر جمعی از طلاب قم ـ که درباره تربیت در معارف اسلامی تحقیق می‌کنند ـ برای مشورت آمدند. سفیر ترکیه آمد. دعوت رئیس مجلس ترکیه را آورد؛ پذیرفتم. از حمله به یک نفتکش ترک ناراحت بود. درباره آینده عراق نگران بود و قبول داشت که ما در حال پیروزی هستیم. نصیحت کردم که مواظب روابط باشند که تیره نشود. وزیر جهاد و گروهی از مسئولان پشتیبانی جنگ جهاد آمدند. گزارش خدمتشان در جبهه را دادند. خیلی جالب است. تشویقشان کردم و امکانات بیشتر خواستند. [محسن] رفیق‌دوست آمد. اطلاع داد که بنا است مقداری موشک زمین به زمین بخریم یا بگیریم. از جبهه اطلاع دادند که دشمن حمله را شروع کرده است.

جمعه ۱۶ اسفند ۱۳۶۴ ۲۵ جمادی الثانی ۱۴۰۶ 7 MARCH 1986

از جبهه اطلاع گرفتم. گفتند پاتک دیشب دشمن ضعیف بوده و شکست خورده. باران هم کار را به نفع ما کرده است. کمی استراحت و رفع خستگی کردم. عصر آقای [عبدالمجید] معادیخواه برای کارهای بنیاد تدوین تاریخ آمد. آقای افشار برای طرح‌های سپاه در جهت اعزام نیرو به جبهه و مانورهای سپاه، برای جنگی نگه داشتن روحیه مردم آمد. آقای دکتر قوجقی [پزشک] معالج عفت برای دیدار من آمد. شب به خواندن گزارش‌ها و استماع اخبار گذشت. زودتر از شبهای دیگر خوابیدم.

شنبه ۱۷ اسفند ۱۳۶۴ ۲۶ جمادی الثانی ۱۴۰۶ 8 MARCH 1986

تا ده صبح در جلسه مجلس بودم. ظهر در دفترم چند ملاقات داشتم. آقای موحدی، امام جمعه اسلام آباد غرب آمد. از حذف نیروهای هم خطش توسط خط مقابل ـ که با نصب امام جمعه جدید باختران قدرت گرفته‌اند ـ گله داشت. آقای مهدوی نماینده گناباد آمد و از نیازهای منطقه‌اش گفت. آقای صیاد شیرازی آمد. وضع جبهه را گفت و از استرداد چند قله از قله‌های تصرف شده در عملیات والفجر ۹ و برنامه‌های آینده جنگ گزارش داد.

عصر در دفترم کار کردم. دکتر روحانی آمد و درباره جنگ و خرید رادار از انگلیس مذاکره

کردیم. از وزارت دفاع درباره گلوله‌های توپ فرانسوی که اخیراً در فرانسه سروصدا راه انداخته پرسیدم. گفتند سه کشتی قبلاً خریده‌ایم. آقای [روغنی] زنجانی وزیر برنامه و بودجه آمد. درباره لایحه متمم بودجه سال ۶۴ صحبت شد. گفتم اگر بشود به صورت یک تبصره در بودجه سال ۶۵ گنجانده شود، از بحث‌های طولانی متمم راحت می‌شویم. قرار شد تا فردا فکر کنند.

شب به خانه آمدم. یاسر اسکناس صد ریالی جدید آورده بود که اخیراً با تلقین رادیو بغداد در اذهان آمده که از ریش عکس مرحوم مدرس که روی اسکناس است، شکل روباه ترسیم شده ولی بیشتر تلقینی است تا واقعیت. این اولین اسکناس تولیدی خود ایران است[1].

یکشنبه ۱۸ اسفند ۱۳۶۴ ۲۷ جمادی الثانی ۱۴۰۶ 9 MARCH 1986

به مجلس رفتم، ولی در جلسه علنی شرکت نکردم. برای کارهای دیگر در دفترم ماندم. چون همه ارگانها توقع دارند که از اضافه شدن اعتبارشان در بودجه حمایت کنم و با نبودن در جلسه، مقداری از مشکل حل می‌شود.

وزیر دارایی آمد و گزارش سفر به یوگسلاوی را داد. معتقد است آنها خیلی آمادگی برای تحسین روابط دارند. وزیر برنامه و بودجه آمد. درباره اصلاحیه بودجه ۶۴ صحبت کردم. ترجیح می‌دهیم که به صورت تبصره‌ای عمل شود که محتاج به بحث‌های زیاد نباشد، ولی می‌گویند نمی‌شود. [محسن] رفیق‌دوست آمد و برای تأمین پول جنگ کمک خواست. یک میلیارد تومان از دولت گرفتم.

ظهر سفرای ما در آسیا و اقیانوسیه آمدند؛ برای آنها صحبت کردم[2]. عصر نمایندگان انجمن

---

۱ ـ بانک مرکزی به مناسبت میلاد رسول اکرم (ص) و ولادت امام جعفر صادق (ع) اسکناس جدید یکصد ریالی را برای اولین بار توسط متخصصان ایرانی طراحی، حکاکی و چاپ نمود. روی این اسکناسها تصویر شهید سید حسن مدرس و پشت آن نمای خارجی مجلس شورای اسلامی بود. امام خمینی در ۷ آذر ۶۴ دربارهٔ این اسکناس چنین مرقوم فرمود: "سزاوار است که [بر] اولین اسکناس که در ایران به طبع می‌رسد، عکس اولین مرد مجاهد در رژیم منحوس پهلوی چاپ شود. خداوند رحمت فرماید ایشان را. روح‌الله‌الموسوی الخمینی". رجوع کنید ← "کتاب صحیفه امام، جلد نوزدهم، صفحه ۴۳۱، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره).

۲ ـ در بخشی از این سخنرانی آمده است: "با شرایطی که گذشت و مسایلی که بعد از عملیات والفجر ۸ و ۹ پیش آمد، شما حرفهای زیادی برای گفتن دارید وگوشهای زیادی در جهان برای حرفهای شما باز شده است. دنیا تحقیقاً کنجکاو شده است که در

(ادامه پاورقی در صفحه بعد)

ماماهای ایران آمدند. از وزارت بهداری شکایت دارند که سخت‌گیری می‌کنند. گفتند حدود چهار هزار مامای تحصیل‌کرده هستند. آقای [سعید]رجایی خراسانی نماینده ایران در سازمان ملل آمد. گفت که آمریکایی‌ها برای اصلاح روابط زیاد مراجعه می‌کنند. گفتم امیدوارشان کند. سفیر آمریکا در واتیکان با ایشان دوبار در این خصوص تماس گرفته است.

از جبهه خبر دادند که دو هواپیمای دشمن را ساقط کرده‌اند و با قرارگاه رعد در مورد آرایش پدافند اختلاف دارند. شب آقای محسن رضایی آمد. وضع جبهه را توضیح داد ونسبت به عملیات آینده بحث کردیم. هنوز هم مشکل عمده، [عدم] هماهنگی با ارتش است. خواستار اختیارات بیشتر و رفع مشکل داخلی سپاه و امکانات بیشتر بود. شب به خانه آمدم. ظهر با [آقای ایلید وادوا] وزیر خارجه رومانی ملاقات داشتم. او خواستار توسعه روابط و سفر من به رومانی بود.

دوشنبه ۱۹ اسفند ۱۳۶۴ ۲۸ جمادی الثانی ۱۴۰۶ 10 MARCH 1986

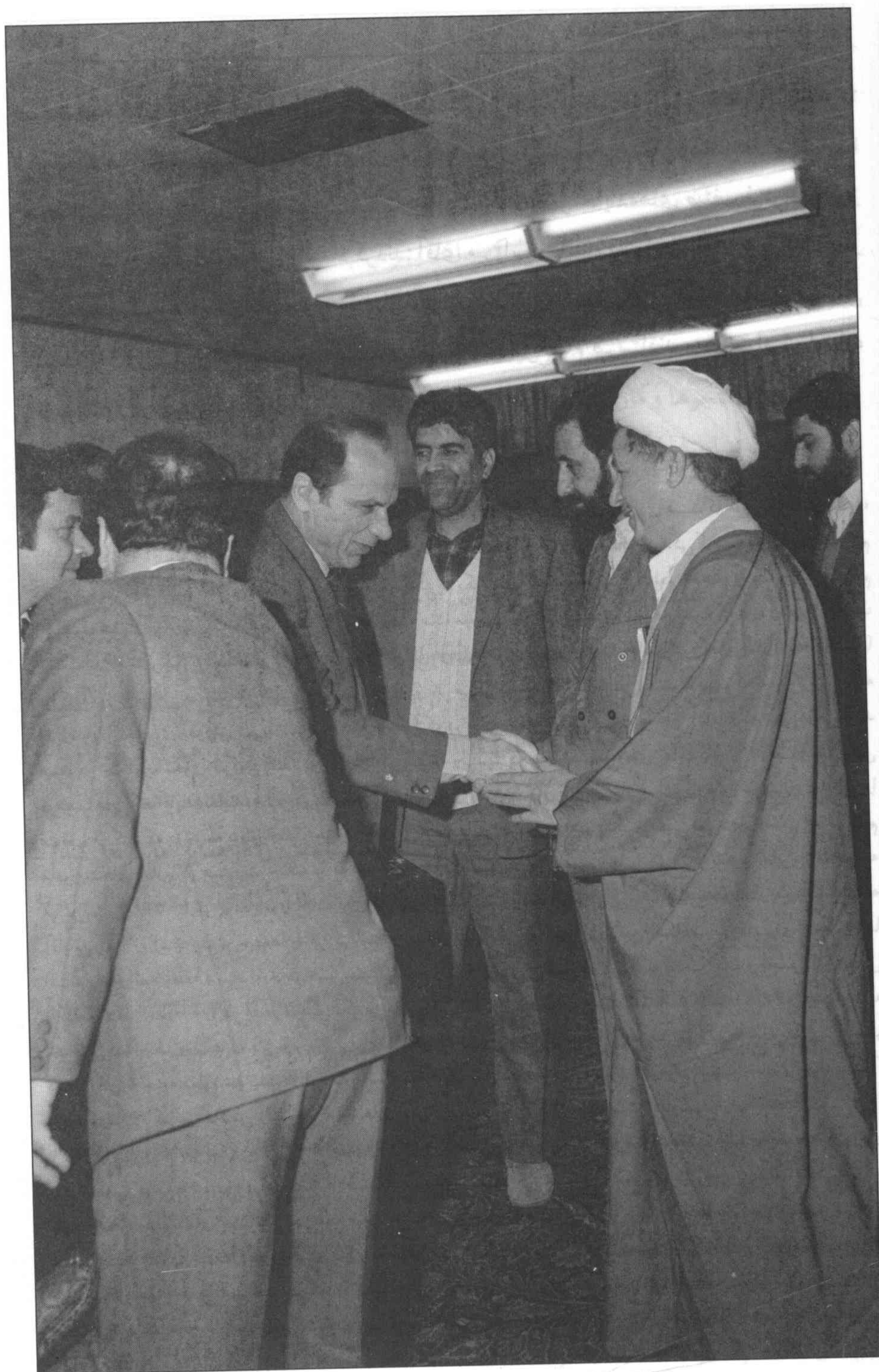
به مجلس رفتم. تا ساعت ده صبح در جلسه علنی ماندم. از جبهه اطلاع دادند عراقی‌ها نیروهای تکاور را خیلی نامنظم از خور عبدالله در میدان نبرد، در تیررس تیر بارهای ما پیاده کرده‌اند که قبل از هر اقدامی نابوده شده‌اند. دو هواپیمای عراقی هم سرنگون شده است. از تعطیل شدن سایت ها گ به خاطر خراب شدن پاورها شکایت دارند.

ظهر عفت و فاطی و فائزه آمدند و مهمان مجلس بودند. سارا و مونا هم بودند که خیلی شیطنت کردند. ظهر چند ملاقات هم داشتیم. تا دیر وقت شب کارها را در دفترم انجام دادم. آقای کنگرلو برای پیشنهاد چند قلم اسلحه از جانب یک واسطه اسلحه آمد. شب با تلویزیون مشغول بودم. سریال مجموعه "آئینه" برنامه خوبی است و مسائل خانوادگی را خوب تعلیم می‌دهد[1].

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

مورد ایران بیشتر چیز بفهمد. در محاسبات معمول در دنیا، این تحولات برای افراد اهل نظر مایه‌های تفسیر است". رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۴، جلد پنجم، دفترنشرمعارف‌انقلاب.

۱ ـ این سریال توسط گروه معارف اسلامی شبکه اول سیمای جمهوری اسلامی تهیه شده بود و شب‌های دوشنبه از تلویزیون پخش می‌شد. در این سریال منشأ اختلاف زن و شوهرها و راههای عملی برای رفع آن اختلافات ارائه می‌گردید.



دیدار با وزیر امور خارجه رومانی

سه شنبه ۲۰ اسفند ۱۳۶۴ ۲۹ جمادی الثانی ۱۴۰۶ 11 MARCH 1986

بحث بودجه بالاخره تمام شد و اصلاحیه بودجه سال گذشته مطرح شد*. بعضی‌ها معتقدند که متمم است، نه اصلاحیه. در تنفس مراجعات زیادی داشتم. ظهر نماینده‌های صنف فرش آمدند و برای کارهای صادرات فرش استمداد کردند. آقای میرزایی نماینده فلاورجان آمد. از فعالیت‌ها و شبکه بندی نیروهای مخالف دولت اظهار نگرانی کرد و پیشنهاد دلجویی از سازمان آزادیبخش فلسطین را داشت. جمعی از نمایندگان نامه‌ای به محضر امام فرستادند و درخواست اجازه حضورشان در جبهه را دادند[1].

---

* ـ آقای هاشمی در این روز در نطق پیش از دستور گفت: "از طرف آقایان نمایندگان فشار زیادی هست که ما بتوانیم کاری بکنیم، ترتیبی بدهیم که آقایان به نحوی در جبهه و کارهای جنگ شرکت بکنند. ما روی این مسأله رسیدگی کردیم، در هیأت رئیسه هم بحث کردیم. دو تا مطلب جداگانه هست که باید تصمیم بگیریم یکی (البته ما تصمیماتی گرفته‌ایم خدمت آقایان عرض می‌کنیم اگر قبول هست این روشی که ما فکر کرده‌ایم به مصلحت است مجموعاً این جور بشود) یک نامه هست که عده زیادی از آقایان خواسته‌اند که ما ترتیبی بدهیم که در ساعات غیروقت مجلس، وسیله آموزش نظامی آقایان فراهم بشود که این کار را ما می‌کنیم. با مراکز آموزش نظامی صحبت می‌کنیم و جای مناسبی را در نظر می‌گیریم. آقایان اسم‌نویسی بکنند ما ببینیم که به چه ترتیب و چه اندازه باید آنجا برای آموزش تشریف ببرند. مسألهٔ دوم این که در حال حاضر جمعی از نماینده‌ها یا آن طور که خیلی‌ها می‌گویند همه، در جنگ به نحوی شرکت کنند. در کل ما به‌این نتیجه رسیدیم که بیائیم کار حوزه‌ای نمایندگان را متوقف کنیم. یعنی مرخصی‌هایی که آقایان نماینده‌ها می‌گیرند، طبق آئین‌نامه برای رفتن به حوزه‌های انتخابی برای کارهای خودشان، فعلاً این را متوقف می‌کنیم که در نتیجه به‌طور معدل حدود ۳۰ تا ۴۰ نفر که ما مرخصی می‌دادیم دیگر مرخصی نمی‌دهیم و سعی هم می‌کنیم مأموریت‌های خارج از مسئولیت جنگ را که در خارج یا جاهای دیگر می‌دادیم، آنها را هم دیگر ندهیم. بنابراین ما همیشه می‌توانیم بین ۳۰ تا ۴۰ نفر از آقایان را آماده برای کارهای جنگ داشته باشیم. چه آنهایی که مایلند مستقیماً در جبهه باشند و چه آقایانی که لازم است پشت جبهه‌ها به مراکز استان‌ها بروند برای بسیج مردم، برای تأمین امکانات نیروها، برای همکاری با استانداران و ائمه جمعه و سپاه به خاطر همین مسائل بسیج و کارهایی از این قبیل که مربوط به جنگ است و مجلس کار خودش را ادامه بدهد. حدود ۲۰۰ نفر ما در مجلس نگه می‌داریم. این احتیاج به همکاری جدی آقایان و خانم‌ها دارد که غیبت باید به حداقلش فقط به ضرورت‌ها که قابل قبول باشد برای ما بشود که ما بتوانیم هم کارمان را ادامه بدهیم و همه به جبهه برسیم. البته اگر در اثر رفتن به جبهه معلوم شد بیشتر از این لازم است که آقایان نمایندگان به جبهه بروند آن موقع ترتیب جدیدی خواهیم داد".

رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، نطق‌های پیش از دستور سال ۱۳۶۴، جلد پنجم، دفترنشرمعارف‌انقلاب.

۱ ـ در این نامه که به امضای بیش از ۱۲۰ نماینده رسیده، آمده است: "ما نمایندگان مردم به اینکه خود را قطره‌ای از دریای بیکران امت مومن و شهید پرور و حاضر در صحنه‌های این رستاخیز عظیم می‌بینیم. افتخار می‌کنیم و بدینوسیله آمادگی خود را جهت تحقق رهنمودهای حضرتعالی در همه موارد خاصه در ساحت دفاع مقدس در برابر تجاوز صدامیان و با تأکید بر ضرورت حضور مستمرمان در جبهه‌ها اعلام داشته، خدا را به خون پاک همکاران عزیزمان که در حمله جانیان عفلقی به هواپیمای مسافری آسمان که منطقه را گلگون ساخت، سوگند می‌دهیم که به ما نیز توفیق پیروی از آن بسیجی مجاهد را که بر بالای بولدوزر در مقابل گلوله‌ها و ترکش‌های کاری دشمن استقامت نموده، خاکریز لازم را برای سپاهیان اسلام فراهم فرمود و همان جا به لقاء حق پیوست، عنایت فرماید".

عصر در [جلسه] شورای انقلاب فرهنگی شرکت کردم. در شرایط گزینش دانشجویان دوره فوق لیسانس اصلاحاتی در جهت سخت‌گیری انجام شد. درباره دانشگاه آزاد اسلامی بحث شد. تندروها با توسعه آن مخالفند. ادامه بحث به جلسه بعد موکول گردید. مادر شهیدی مبلغی فرستاده و گفته نذر کرده برای هر هواپیمای عراقی که ساقط بشود، مبلغی برای جبهه می‌پردازد[1].

شب با آیت‌الله خامنه‌ای درباره جنگ و شرایط کلی کشور بحث کردیم. به خانه آمدم. در جماران و ارتفاعات برف باریده. این روزها بارندگی خوبی می‌شود. مجموعاً از این لحاظ سال خوبی است. دانشجوها و کارگران اعلان راهپیمایی به سوی سفارتخانه‌های عربستان و کویت برای محکوم کردن سیاستشان کرده‌اند که گفتم بهتر است به لانه جاسوسی آمریکا بروند؛ پذیرفتند.

چهارشنبه ۲۱ اسفند ۱۳۶۴ ۱ رجب ۱۴۰۶ 12 MARCH 1986

تا بعد از ظهر در منزل بودم. خاطرات را نوشتم. با مسئولان جنگ درباره امور جنگ صحبت کردم. آقای وحیدی تلفن کرد و گفت اریک رولو فرانسوی برای پیگیری مسأله گروگانهای فرانسوی بدون ویزا وارد فرودگاه [مهرآباد] تهران شده و پیشنهاد کرد که در همان فرودگاه با او مذاکره شود و اجازه ورود ندهیم. گفتم اجازه بدهید ولی صحبت خیلی محدود باشد. چون به ما ربطی ندارد و اگر بخواهید کمک به فرانسه کنیم، فرانسه باید سیاستش را در مقابل ما عوض کند؛ با این سیاست خصومت‌آمیز که فرانسه با ما دارد چه توقعی دارید که ما در کاری که به خودمان مربوط نیست، دخالت کنیم؟

فرانسوی‌ها در بحران افتادند. وزیر کشورشان استعفا داد و به نظر می‌رسد بحران گروگانهای لبنان به دنبال اخراج دو عراقی، سوسیالیست‌ها را دچار شکست سختی در انتخابات هفته آینده خواهد کرد.

عصر به مجلس رفتم. آقای محسن رضایی آمد. طرحی برای حمله محدود در سد دربندیخان به منظور صرف نظر کردن از فشار روی آنها برای ادامه عملیات در منطقه بوارین ارائه داد. در جلسه

۱ ـ مادر شهید احمد فراهانی که برای سقوط هر فروند هواپیمای عراقی در عملیات والفجر ۸ مبلغ ۲ هزار ریال نذر کرده بود، با ارسال ۱۳۶ هزار ریال پول نقد و مقداری طلا به آقای هاشمی رئیس مجلس شورای اسلامی، از ایشان خواسته بود تا این کمک در جبهه‌های جنگ صرف شود.

هیأت رئیسه مجلس، برنامه هفته آینده و تعطیلی عید [نوروز] مشخص شد. ستاد قرارگاه خاتم‌الانبیا جلسه داشت. گزارش وضع میدانهای جنگ را شنیدیم. برای تقویت بیشتر نیروها در سلیمانیه، نتوانستیم تصمیم بگیریم. سپاه سیاست واقعی‌اش را رو نکرد. مشکل کار در عدم هماهنگی سپاه و ارتش است. هر دو به تنهایی تَصمیم می‌گیرند و کارایی ستاد هم کم می‌شود.

شب مهمان آیت‌الله [موسوی] اردبیلی بودیم. وزیر نفت درباره مواضعمان در اوپک مشورت کرد. قرار شد قاطع روی قیمت بمانیم. نخست‌وزیر به خاطر کسالت شرکت نکرده بود. دیر وقت به خانه رسیدم. کنگرلو اطلاع داد، واسطه آمریکایی‌ها فردا به تهران می‌آید.

پنجشنبه ۲۲ اسفند ۱۳۶۴ — ۲ رجب ۱۴۰۶ — 13 MARCH 1986

به مجلس رفتم. در گزارش‌ها موضوع گروگانهای فرانسه و فشار بر فرانسه به خاطر تحویل دو عراقی مجاهد به عراق و شکست و افتضاح فرانسه مسأله مهمی است. پیش از شروع جلسه نمایندگان را به خاطر بی نظمی و تأخیر ملامت کردم. سالگرد وفات آیت‌الله کاشانی را گرامی داشتم[1]. اساسنامه کمیته [های انقلاب اسلامی] را تصویب کردیم و بدون تنفس تا نزدیک ظهر کار کردیم. خسته شدم.

ظهر در دفترم آقای شهرکی آمد و گزارش سفر هیأت [اعزامی مجلس] به ترکیه را داد. آقای [عباسعلی] زالی [وزیر کشاورزی] آمد و برای سفر به کنفرانسی مشورت کرد و از کمیسیون اصل ۹۰ گله داشت. عصر [آقای پیتر ملادینوف] وزیر خارجه بلغارستان به ملاقات آمد و دعوت رئیس مجلس آن کشور را آورد؛ پذیرفتم. معلمان مدرسه دخترانه روشنگر آمدند و از سخت‌گیری آموزش و پرورش گله دارند.

دو سه نفر برای پیشنهاد فروش اسلحه آمدند که این روزها خیلی زیاد است. هیأتی که از طرف

---

۱ ـ در این نطق آمده است: "یاد حضرت آیت‌الله کاشانی این مرد بزرگ و مجاهد را که حق عظیمی بر نهضت اسلامی تاریخ معاصر ما دارند، گرامی می‌داریم و از ملتمان می‌خواهیم که در مراسمی که ظرف فردا و روزهای دیگر در رابطه با سالگرد این شخصیت بزرگ برگزار می‌شود، حضور فعال داشته باشند و همین جا از ستمی که به‌ایشان و نهضت اسلامی از طریق ملی‌گراها وارد شد و ضربه‌ای زد به حرکت اسلامی در بخشی از تاریخ ما تنفر خودمان را اعلام می‌کنیم. به خانواده محترمشان و همه ملتمان ما رحلت این مرد بزرگ را و این روز تاریخی را تبریک و تسلیت عرض می‌کنیم". رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، نطق‌های پیش از دستور سال ۱۳۶۴، جلد پنجم، دفترنشرمعارف‌انقلاب.



جمهوری اسلامی ایران
مجلس شورای اسلامی

دفتر رئیس

شماره ۱۶۷۰۰/۲۱۴
تاریخ ۶۴/۱۲/۲۲
پیوست ~~۱۲/۱~~

بسمه تعالی

جناب آقای نجم الدین کارادومان

ریاست [illegible]

نامه دعوت جنابعالی را برای مسافرت به کشور دولت و ملت مسلمان ترکیه دریافت کردم.

~~[illegible]~~ از ابراز حسن نیت ~~[illegible]~~ تشکر می‌کنم و معتقدم که این سفر برای توسعه و تحکیم بیشتر روابط دو کشور مفید است.

اینجانب هم مثل جنابعالی معتقدم که تماس‌های رؤسا و نمایندگان مسئولان کشورها می‌تواند در تحکیم دوستی و توسعه همکاری‌ها نقش مؤثر داشته باشد.

دعوت جنابعالی را با مسرت می‌پذیرم و امیدوارم که در موقع مناسب به زیارت شما و مردم مسلمان [illegible]

[illegible]

پیش نویس پاسخ به دعوت رئیس مجلس ترکیه

آیت‌الله منتظری برای آشتی دادن گروههای معارض به افغانستان رفته بودند، آمدند. وضع جنگ داخلی بین این گروهها در افغانستان فاجعه است و تقریباً جهاد با کفار را فلج کرده است. موقتاً خاموش شده و پیگیری لازم دارد.

آقای [محمدعلی] هادی آمد و برای شرکت در [اجلاس] اوپک مشورت کرد. آقای [محسن] رضایی اطلاع داد که عراق تپه‌ای در شمال و موضعی در جنوب را پس گرفته است. شب اطلاع داد که مجدداً آنها را عقب زده‌ایم.

جمعه ۲۳ اسفند ۱۳۶۴ — ۳ رجب ۱۴۰۶ — 14 MARCH 1986

در منزل بودم. ظهر آقای محسن رضایی آمد. درباره جنگ بحث کردیم. وضع جبهه فاو بد نیست ولی در غرب خوب نیست. ضعیف دفاع می‌کنند. شب گزارش‌ها را خواندم. باز هم عراق به دروغ ادعای پیشرفت در جبهه فاو کرده و حتی مردم را در بغداد برای شکرگزاری از پیروزیهایش به خیابان ریخته است. دیروز با حملات هوایی به پل مهم قطور در مسیر ترانزیت به ترکیه و نیز به کارخانه نیشکر کشت و صنعت کارون و رله تلویزیون در خوزستان آسیب رسانده‌اند.

شنبه ۲۴ اسفند ۱۳۶۴ — ۴ رجب ۱۴۰۶ — 15 MARCH 1986

به خاطر مسائل جبهه والفجر ۹ ناراحت بودم. ارتش عقب نشسته است. احمدآقا آمد. درباره جنگ و ارتش صحبت شد و گفت دختر مرحوم آشیخ مرتضی حائری، در جلسه ختم پدرش در منزل علیه امام صحبت کرده و خانواده‌های شهدا، فردای آن روز به منزلشان رفته و آنها را مورد ملامت قرار داده‌اند. به دکتر روحانی گفتم هیأتی نیرومند برای رسیدگی به مسأله عقب‌نشینی به غرب بفرستند. به صیاد و رضایی گفتم با سرعت باید [مواضع را] پس بگیرند. عراقی‌ها سروصدا راه انداخته‌اند.

عصر خانواده دکتر واعظی آمدند و راجع به اختلافات خطی نگران بودند. گیتی امین آمد و از گرفته شدن اموالش تحت عنوان بند(ب) نگران بود. آقای [محسن] کنگرلو آمد و از پذیرفتن آمریکایی‌ها در خصوص تحویل قطعات [موشک]هاگ در مقابل کمک به آزادی گروگانهایشان

در لبنان خبر داد. آمریکایی‌ها اطلاع داده بودند که شوروی برای حمله به ایران آماده می‌شود. حدس می‌زنم دروغ است و برای تیره کردن روابط ما با شوروی است.

امروز عصر، پاتک عراقی‌ها در فاو به شدت سرکوب شده است. اقدس خانم [خواهر همسرم] از سوریه آمده و از پذیرایی خوب زوار توسط کاروان‌داری وزارت ارشاد تعریف می‌کرد. برف زیادی در این دو سه روز باریده و هنوز هم می‌بارد. پیامی برای رئیس پارلمان انگلستان ارسال نمودم و پیشنهاد کردم استفاده عراق از سلاح شیمیایی را محکوم کنند[1].

یکشنبه ۲۵ اسفند ۱۳۶۴ — ۵ رجب ۱۴۰۶ — 16 MARCH 1986

به مجلس رفتم. در جلسه علنی شرکت کردم. پیش از دستور درباره تهدیدهای غربی‌ها به خصوص آمریکا، انگلیس و فرانسه مبنی بر دخالت در منطقه و حمایت آنها از کویت صحبت کردم[2]. از حضور ناوگان آمریکا در پاکستان انتقاد کردم. دو نایب رئیس، آقایان کروبی و یزدی

---

۱ ـ در این پیام خطاب به "برناداویتریل" رئیس پارلمان انگلستان، آقای هاشمی خواستار محکومیت رژیم عراق به خاطر حمله به هواپیمای مسافری و استفاده از سلاحهای شیمیایی شد. دهها تن از مجروحین شیمیایی که در شبه جزیره فاو مورد اصابت سلاحهای شیمیایی عراق قرار گرفته بودند، جهت مداوا به برخی شهرهای اروپا از جمله لندن اعزام شدند و چند نفر از آنان بر اثر شدت جراحات وارده، شهد شیرین شهادت نوشیدند.

۲ ـ در بخشی از این نطق آمده است: "از آثار پیروزی‌های رزمندگان ما در جبهه‌ها و شوکی که وارد شده به جبهه ارتجاع و استکبار و صهیونیسم در منطقه، همین حرکات مذبوحانه و تشویش در برنامه‌های تبلیغاتی دشمنان اسلام است. بد نیست که یک درنگی بکنیم و وضع را یک مقدار با نمایندگان محترم مجلس در میان بگذاریم. از یک طرف دشمنان اسلام چاره‌ای ندارند جز اعتراف به شکستشان و خضوع در مقابل عظمت پیروزی‌ها. چون اگر حداقلی از این پیروزی‌ها را مطرح نکنند، دیگر هیچ اعتباری در میان افکار عمومی ملت‌ها برایشان باقی نمی‌ماند. یک صدم واقعیت‌ها را هم که مطرح بکنند، اعتراف به شکست است و این کار را بالاجبار کردند و همین مقدار اعتراف پایه‌های حکومت صدام را و در نتیجه دژ ضد اسلامی را در منطقه متزلزل کرده و رو به ویرانی می‌رود. برای چنین شرایطی ما از اینکه سازمان ملل مخصوصاً دبیرکل سازمان ملل و این گروهی که به‌اینجا آمده بودند، آنها هم حداقل وظایف خودشان را انجام دادند باید متشکر باشیم و این مقدار وجدان در دنیا باشد. گرچه در شرایط خاص که بخش ناچیزی از جنایات صدام را اینها ابراز کردند و قبول کردند که بمب شیمیایی به کار رفته، البته وسعت جنایات صدام خیلی بیش از اینها است، سه سال است دارد از این جنایات آثار زیادی در دنیا مشهود می‌شود ولی سکوت می‌کنند. این بار دیگر در حالی که خود اینها در منطقه بودند، بیمارستان را بمب شیمیایی انداختند، دیگر این سند محکم قابل چشم‌پوشی و اغماض نبود ولی باز ما متشکریم از این گزارش و متشکریم از اظهاری که آقای دبیرکل کردند و انتظار هم داریم که شورای امنیت و خود آقای دبیرکل و سازمان ملل و خیرخواهان دنیا این مسأله را تعقیب کنند تا جلو توسعه این بلیه این قرن را بگیرند". رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، نطق‌های پیش از دستور سال ۱۳۶۴، جلد پنجم، دفترنشرمعارف‌انقلاب.

نبودند. تا آخر وقت در جلسه ماندم. خسته شدم.

مسأله بودجه با دخالت امام حل شد. شورای نگهبان استقراض دولت را خلاف شرع گفته بود که به امام اطلاع دادم و امام به آنها پیغام دادند که خلاف شرع نیست. آنها نظرشان را پس گرفتند. مایل نبودند کتباً پس بگیرند، چون جراید نوشته بودند، ولی مجبور شدند؛ نظریه خطرناکی است، خوب شد که حل شد. اصلاحیه بودجه سال ۶۴ در دستور بود. اصرار بعضی از نمایندگان در خصوص متمم بودن ـ و نه اصلاحیه بودن ـ مشکل ساز بود و منجر به حرفهای تند شد. بالاخره با دو سوم آراء تصویب شد.

خبر رسید یکی از اتومبیلهای گروه اعزامی برای تحقیق در علت عقب نشینی ارتش در تپه‌های اطراف چوارته عراق، تصادف کرده و آقایان [رسول] منتجب‌نیا و [سیدرضا] اکرمی در اراک بستری هستند. گفتیم بقیه به مأموریت بروند. عراق زدن مراکز اقتصادی را شروع کرده و باید مقابله‌به‌مثل کنیم. ظهر و عصر در دفترم چند ملاقات داشتم.

دوشنبه ۲۶ اسفند ۱۳۶۴ — ۶ رجب ۱۴۰۶ — 17 MARCH 1986

تا ساعت هشت در دفترم کارکردم. موضوعات مهم بین‌المللی، مسأله اوپک و قیمت نفت بود. نتایج کنفرانس اوپک هنوز مبهم است و درباره مسأله شکست سوسیالیست‌های فرانسه در انتخابات، خیلی‌ها معتقدند، عامل شکست آنها جهاد اسلامی در لبنان است که آنها را تحت فشار قرار داده است.

ظهر چند ملاقات از نمایندگان داشتم. عصر آقای [اکبر] ترکان مسئول صنایع نظامی آمد و درباره وضع صنایع گزارش داد و مشورت کرد. آقای دکتر روحانی آمد و درباره جنگ بحث کردیم. گروهی از دانشجویان دفتر تحکیم وحدت آمدند. درباره جدا شدن دانشکده‌های پزشکی از وزارت علوم و توسعه دانشگاه آزاد اسلامی و عوض شدن مسیر راهپیمایی دانشجویان از سوی سفارت کویت به سوی سفارت آمریکا انتقاد داشتند. توضیح دادم. شب در دفترم ماندم.

سه شنبه ۲۷ اسفند ۱۳۶۴ — ۷ رجب ۱۴۰۶ — 18 MARCH 1986

کمی در جلسه علنی مجلس ماندم. [اداره جلسه را] به آقای کروبی سپردم و به دفترم آمدم.

آخرین مصوبه مجلس در این سال، مقررات صادرات و واردات بود. برای مسئولان بسیج شهرهای جنوبی خراسان که از جبهه آمده بودند، صحبت کردم[۱]. برای خانواده‌های شهدای آنجا از امام وقت ملاقات گرفتم.

آقای فخرالدین حجازی که عازم پاکستان بود، برای مشورت آمد تذکراتی درباره وضع بحثهایش در آنجا دادم. با تعویض طلاهای رسیده برای جنگ، مقداری سکه برای هدیه به بعضی از رزمندگان از بانک مرکزی گرفتم. آقای دکتر روحانی آمد و درباره جنگ و مسائل جنبی آن بحث کردیم.

خبر رسید که دشمن به پالایشگاه اصفهان بمب انداخته و خسارات به بار آورده. گفتم مقابله‌به‌مثل شود. ظهر سفیرمان در چین آمد و راجع به روابطمان با چین صحبت شد. عصر آقای صالحی نماینده اصفهان آمد. نگرانیهایی از اوضاع داشت و تذکراتی بیشتر در جهت ضعف کار دولتی‌ها داد.

در جلسه شورای عالی انقلاب فرهنگی شرکت کردم. بحث درباره دانشگاه آزاد اسلامی بود. جمعی با توسعه آن مخالفند. قرار شد فقط آن واحدهایی که شرایط اساسنامه را دارند، رسمی شوند و مدرک بدهیم. سپس در [جلسه]شورای مرکزی روحانیت مبارز شرکت کردم. درباره مرجعیت روحانیت مبارز برای اختلافات در مساجد بحث شد. قرار شد از امام اجازه بگیریم. درباره احتمال فوت آقای شریعتمداری که اکنون در بیمارستان‌اند و می‌گویند سرطان دارند، بحث شد. نظر بر این شد که اجازه [برگزاری] مراسم بدهیم.

شب به خانه آمدم. حاجیه والده و همشیره طاهره آمده بودند برای سفر به عمره. مدتی بود آنها را ندیده بودم. احوالپرسی و دیداری به عمل آمد. آنها در روستای بهرمان، زادگاهمان زندگی می‌کنند؛ با خانه‌داری و اداره امور زندگی.

---

۱ ـ در این ملاقات که مسئولین شوراهای بسیج پایگاههای تربت حیدریه، کاشمر، فریمان، سرخس، شیروان و تربت جام حضور داشتند، آقای هاشمی گفت: "امروز جوانان ما به هیچ چیز به جز جبهه و جهاد فکر نمی‌کنند و عشقی در سر جوانها است که به جبهه بروند. این روزها جوانانی را می‌بینیم که از مراسم تشییع جنازه شهید به پایگاه بسیج می‌روند و ثبت نام می‌کنند". رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۴، جلد پنجم، دفترنشرمعارف‌انقلاب.

چهارشنبه ۲۸ اسفند ۱۳۶۴ ۸ رجب ۱۴۰۶ 19 MARCH 1986

ساعت نه صبح برای دیدن طرحهایی که برای مصلای بزرگ تهران در مسابقه رسیده است به تالار وحدت رفتم. بیش از سی طرح است. به نظرم طرح مهندسان سوریه‌ای از دیگران بهتر است؛ گرچه رتبه چهارم و پنجم را زده‌اند.

به مجلس رفتم. آقای [علیرضا] معیری آمد. گزارش سفر به سوئد برای شرکت در مراسم دفن آقای [اولاف] پالمه نخست‌وزیر سوئد ـ که ترور شده ـ را داد[1]. آقای [محمد] کیاوش آمد. برای کارکنان در آبادان کمک خواست. دادم.

مقداری از گزارش‌ها را خواندم. عراق سیاست زدن مراکز اقتصادی را انتخاب کرده است. دستور مقابله به مثل را تأکید کردم. آقای سعیدالذاکرین آمد و اجازه انتقال از مجلس را خواست. قیصر آمد و گفت کتابچه بودجه را باید وزارت برنامه و بودجه چاپ کند. آنها خواسته‌اند که مجلس چاپ کند. چند نفر از طرفداران سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی آمدند. از بازداشت خسرو تهرانی و دوستانش نگران بودند.

عصر مسئولان نواحی بسیج آمدند. برای آنها صحبت کردم[2]. رئیس سازمان انتقال خون آمد. گفت نیاز به خون داریم. قرار شد خبر را پخش کنند. شورای عالی دفاع جلسه داشت و پس از آن مصاحبه رادیو تلویزیونی کردم. شب مهمان نخست‌وزیر بودیم. بحث درباره سیاست خارجی و آینده عراق بود. در مواردی به تصمیم رسیدیم و مواردی در بحث قرار گرفت.

آخر شب آقای [محسن] رضایی، تلفنی گفت هزار عدد سکه طلا برای دادن به رزمندگان می‌خواهد. قرار شد نخست‌وزیر بدهد. اطلاع دادند که دشمن به [کارخانه] فولاد اهواز حمله کرده است. شب به خانه آمدم. والده و همشیره که در انتظار من بودند، خوابیده بودند. احمدآقا از طرف

---

۱ ـ اولاف پالمه نخست‌وزیر سوئد و نماینده ویژه دبیرکل سازمان ملل در ارتباط با جنگ ایران و عراق در روز ۹ اسفند ۶۴ هنگام خروج از سینما در یکی از خیابانهای استکهلم به همراه همسرش مورد اصابت دوگلوله قرارگرفت و صبح روز بعد در بیمارستان درگذشت. پالمه به خاطر فعالیت‌های ضد آمریکایی و طرفداری از مواضع کشورهای جهان سوم در مبارزه علیه کشورهای بزرگ صنعتی غرب شهرت داشت. وی قرار بود دبیرکل آینده سازمان ملل متحد شود.

۲ ـ در بخشی از این سخنرانی آمده است: "الحمدلله ملت ما تحول مثبتی پیدا کرده‌اند و خداوند این نعمت را در این مقطع تاریخی به‌ما داده است که درون مردم ما را به طرف ملکوت اعلی و معنویت‌ها سوق می‌دهد. مهمترین چیزی که در این جامعه اتفاق افتاده، همین تحول درونی است، مخصوصاً در جوانها چشمگیر و دور از انتظار بود". رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۴"، جلد پنجم، دفترنشرمعارف‌انقلاب.



دیدار با وزیر امور خارجه سوریه

امام اطلاع داد که پرواز هواپیمای حامل جمعی از مسئولان کشور که عازم عمره‌اند، اگر در آن احتمال خطر باشد، حرام است. پرواز لغو شد.

پنجشنبه ۲۹ اسفند ۱۳۶۴ ۹ رجب ۱۴۰۶ 20 MARCH 1986

آقای ولایتی صبح زود خبر داد که وزیر خارجه سوریه امروز وارد ایران می‌شود و پیامی برای ما دارد و می‌خواهد رؤسای قوا را ببیند. آقای [محمدعلی]هادی آمد و گزارش مذاکرات اوپک در ژنو را داد. معتقد است توافق نظر بر کم کردن سطح تولید نفت دارند و بحث در مقدار آن است. به هریک از والده و همشیره طاهره یک صد دلار سر راهی دادم که در سفر عربستان استفاده کنند.

عراق یک کشتی را دیشب در لنگرگاه خارک زده است. آقای [علی]شمخانی آمد. گزارش وضع جبهه‌ها را داد و برای اعزام نیروی بیشتر و تقویت توپخانه و تقویت مهندسی استمداد کرد. شب وزیر خارجه سوریه به ملاقات آمد. پیامش ضعف مالی شدید سوریه بود و کمک می‌خواست. گفت از کمکهایی که قرار بود کشورهای عربی به سوریه بنمایند، فقط عربستان سالانه پانصد میلیون دلار می‌دهد و بقیه نمی‌دهند.

احمدآقا آمد. درباره پرونده انفجار نخست‌وزیری که به اجرا افتاده و لزوم تأکید بر حق و عدالت بدون مواضع سیاسی تأکید شد. همچنین درباره دانشگاه آزاد اسلامی که مورد مخالفت افراطیهای دانشگاه‌ها است و باید از آن حمایت کرد، مذاکره کردیم.

خوشبختانه با عملیات موفق والفجر هشت و عبور از اروند و تصرف فاو و قطع رابطه عراق با خلیج‌فارس و محبوس شدن باقیمانده نیروی دریایی عراق در ام‌قصر، انتظار طولانی عملیات سرنوشت ساز پایان یافت. سال ۶۴ پایان خوبی دارد، گرچه همین عملیات هم به تمامی اهداف خود نرسید که بتواند مصداق عملیات موعود برای ختم جنگ باشد. از توفیقات الهی برای ثبت حوادث سال، خاضعانه متشکرم.

۶۴/۱۲/۲۹

اکبر هاشمی

ضمایم

عملیات قدس

از آنجا که قسمتی از چند عملیات محدود در سال ۶۴ در هور انجام گرفت، ذکر نکاتی در این باب، که هور چه جایگاهی در استراتژی جنگ داشته و همچنین مهیاسازی مقدمات عملیات گسترده در هور، لازم و ضروری به نظر می‌آید. عمده‌ترین هدف عملیات بدر در سال ۶۳ قطع جاده استراتژیک العماره - بصره بود، لیکن بنا به عللی دست‌یابی به آن مقدور نشد. اما در عین حال، جایگاه هدف یاد شده در استراتژی جمهوری اسلامی محفوظ بود. لذا پس از عملیات بدر اولین حرکت و هرچه نزدیکتر شدن به جاده بصره - العماره و دو پاسگاه ابولیله و ابوذکر منظور گردید. علاوه بر این خط پدافندی که پس از تصرف پاسگاه ترابه - در عملیات بدر - در این منطقه بوجود آمد، احتیاج به ترمیم داشت و انجام این تعرضات (عمدتاً قدس ۱ و ۲) می‌توانست ضمن نزدیک کردن خطوط پدافندی به رودخانه دجله و جاده بصره - العماره، خطی منظم و به هم پیوسته را بوجود آورد.

از سوی دیگر دشمن پس از عملیات بدر، حساسیتی قابل ملاحظه و چشمگیر نسبت به هور از خود نشان داد. چنین به نظر می‌رسید که قوای نظامی عراق تلاشی وسیع را به منظور عقب راندن نیروهای خودی از هور انجام دهند؛ لذا این مهم، خود، ضرورت تحکیم و تثبیت مواضع بدست‌آمده (طی عملیات خیبر و بدر) و نیز اتخاذ موضع تهاجمی در مقابل تعرضات احتمالی

دشمن را افزونتر می‌کرد.

اهداف عملیات قدس ۱ و ۲ و موقعیت منطقه

به طور مشخص چهار هدف مجزا در عملیات قدس ۱ و ۲ منظور گردید که عبارت بود از:

۱ - پایگاه ابوذکر

۲ - روستای ابوسعید

۳ - برکه مختار

۴ - کمین دژبانی (عقبه دشمن)

پایگاه ابوذر و ابولیله در حد فاصل پاسگاههای شط علی و طبر و در نزدیکی رودخانه واقع است که از سمت غرب تا حدود روستاهای الزجیه والحسان، از سمت جنوب تا روستای البیضه و از شمال تا پاسگاه ترابه را می‌توان محدودهٔ عملیاتی این منطقه محسوب کرد.

در این میان شناسایی در هور دشواری و معضلات فراوان داشت؛ زیرا از یک سو وجود آبراههای متعدد و از سوی دیگر کمین‌های احتمالی دشمن که بعضاً به صورت سیار بود و همچنین مواضع و موانع بازدارنده در شناسایی ایجاد مشکل می‌کردند. براین اساس، گم شدن عناصر شناسایی (اوایل کار) امری غیر منتظره نبود؛ چنانچه بارها عناصر شناسایی راه خود را گم کرده، سپس با شنا کردن مسافتی طولانی و گاه در صورت خستگی مفرط، با خواباندن نی‌ها و استراحت بر روی آن، خود را به کندی به مواضع خودی رسانده بودند.

مواضع و استعداد نیروهای دشمن

دشمن در منطقه مزبور از مواضع و موانع مختلف برخوردار بود؛ فی‌المثل بشکه فوگاز (ناپالم)، سیم خاردار حلقوی (که بعضاً تا یک متر در سطح آب و چند رده در زیر آب را می‌پوشانید)، تنها قسمتی از آن بود.

دشمن در اطراف پاسگاه ابوذرکر و روی خشکی اطراف آن سنگرهای متعددی احداث کرده بود؛ همچنین در روی برکه مختار، علاوه بر سنگر، کمین سیار نیز گذاشته بود که به صورت زیگزاگی یکدیگر را پوشش می‌دادند و عاملی مؤثر در تأمین پاسگاه ابوذکر به شمار می‌رفت.

استعداد دشمن در این منطقه عبارت بود از سه گروهان کماندویی که به ترتیب یک گروهان در



پاسگاه «ابوذکر»، یک گروهان در پاسگاه «ابولیله» و یک گروهان در برکه مختار، استقرار داشتند. یک گروهان هم پشت برکه مختار در احتیاط نزدیک بود.

علاوه بر این نیروهای موجود در منطقه، عناصری از تیپ‌های ۶، ۵ و ۱۱۴ لشکر ۲۵ در منطقه حضور داشتند که برخی از آنهاَ در میان اسرا و کشته شدگان مشاهده می‌گردید.

دشمن همچنین به منظور کنترل منطقه با استفاده از هلی‌کوپتر و هواپیمای پی - سی - ۷ مرتباً گشت شناسایی انجام می‌داد و بعضاً در روند مواضع خودی اجرای آتش می‌کرد.

شرح عملیات

پس از فراهم آمدن مقدمات عملیات و حرکت نیروها از نقطه رهایی به سمت هدف‌های از پیش تعیین شده، در تاریخ ۶۴/۳/۲۵ مصادف با روز قدس، حمله با رمز «یا محمد رسول الله یا الله (۳)، قدثری انا فیه ففرج عنی یا کریم، الله اکبر» آغاز شد. نیروها با عکس‌العمل سریع، ظرف سه دقیقه، علاوه بر پاکسازی نیروهای دشمن تعدادی از آنها را به اسارت درآوردند؛ چنانکه تصرف پاسگاه ابوذکر و ابولیله مدت پنج الی هفت دقیقه به طول انجامید.

در محور برکهٔ مختار، نیروهای عراقی اندک مقاومتی کردند که این مقاومت در هم کوبیده شد. ضمناً فرمانده پاسگاه ابوذکر که غافلگیر شده بود، هنگامی که قصد فرار داشت، به هلاکت رسید.

در صبح روز عملیات، هواپیماهای پی - سی - ۷ و هلی‌کوپترهای دشمن فعالیت خود را آغاز کردند، اما با استقرار سلاحهای ضدهوایی و سقوط یک فروند آن، که با موشک سام- ۷ انجام گرفت، دشمن عملاً ناتوان گردید.

دشمن همچنین مبادرت به پاتک کرد، که توسط قایقهای حامل دوشکا، ۱۰۶ و تیربار تحت حمایت‌های هلی‌کوپتر و هواپیمای پی - سی ۷ انجام گرفت که البته ماحصلی برای او نداشت و در نتیجه تلفات و ضایعات زیر بر دشمن وارد آمد:

- انهدام یک گردان کامل از تیپ حطین، تعدادی از عناصر تیپهای ۶،۵ و ۱۱۴ لشکر ۲۵ کشته و اسیر شدند. ۲۰۰ نفر از نیروهای دشمن مجموعاً به هلاکت رسیدند و نزدیک به ۲۰۰ مجروح و ۹۰ اسیر از آنها برجای ماند.

گذشته از این ۱۵ فروند قایق، یک فروند هواپیما و ۲ فروند هلی‌کوپتر و ۱۲ پاسگاه سیار دشمن منهدم شد. همچنین ۴ قبضه توپ ضدهوایی، ۶ قبضه خمپاره‌انداز و ۳۰ قطعه پل دوبه‌ای

بخشی از غنایم بدست آمده را تشکیل می‌داد. ضمناً منطقه‌ای به وسعت ۱۸۰ تا ۲۰۰ کیلومتر مربع آزاد گردید.

به منظور ممانعت از تک احتمالی دشمن و مرتفع نمودن نقاط ضعف خودی و تبدیل آن به قوت و همچنین آسیب‌پذیر کردن دشمن و به دست‌گیری ابتکار عمل، در تاریخ ۶۴/۴/۴ در ساعت دو بامداد رزمندگان اسلام تهاجم خود علیه دشمن را در اطراف البیضه آغاز کردند.

طی درگیریهایی که چند روز ادامه داشت نیروهای خودی توانستند ضمن انهدام بخشی از نیروهای تیپ ۶۸ کماندوئی و دفع پاتکهای دشمن با پاکسازی و الحاق، موقعیت خود را در مناطق تصرف شده تثبیت نمایند.

عملیات قدس ۳

هدف از عملیات قدس ۳، عمدتاً تصرف تپه ۱۹۴، انهدام تجهیزات و گرفتن تلفات و اسیر از دشمن بود؛ البته در ابتدا، تصمیم بر این بود که نیروها پس از تصرف هدف، با انجام پاکسازی، منطقه را تأمین نمایند، لیکن عملیات بنا به عللی، در نهایت به صورت «نفوذی» تغییر شکل داد.

منطقه عملیاتی مورد نظر، که نزد دشمن به ارتفاعات «عین منصور» و در بین افراد محلی به «قره سیاه» مشهور است، در محور عمومی دهلران - طیب در غرب رودخانه میمه قرار دارد. این منطقه دارای یک سری تپه و ارتفاعات می‌باشد. همچنین در شرق رودخانه که به منطقه «بیات» معروف است وجود ارتفاعات ۲۰۸ به دلیل مشرف بودن روی حاشیه غربی «میمه» قابل ذکر است. ضمناً عراق هنگام عقب‌نشینی سراسری خود پس از فتح خرمشهر، قسمتی از ارتفاعات یاد شده را -که در خط مرزی دو کشور قرار دارد - به لحاظ موقعیت حساس آن، همچنان حفظ کرد. خط اولیه دشمن در جلوی شیار مالحه و روی ارتفاع ۱۹۴ واقع بود. دشمن با استقرار بر روی ارتفاع مزبور، که طول آن به یک کیلومتر می‌رسید، دید کافی بر روی خط خودی و منطقه عمومی دهلران داشت.

یک جاده خاکی از جاده آسفالته مهران - دهلران به طرف ارتفاع ۲۱۶ رفته، از خط خودی عبور نموده، سپس از غرب شهرک طیب به داخل خاک عراق امتداد می‌یابد.

این جاده اصلی به فاصله حدود دو کیلومتر پس از ارتفاع ۲۱۶ از پشت مقرها و پاسگاه‌های دشمن که خط جلوی مالحه را تشکیل می‌دهند، می‌گذرد.

در سمت راست جاده اصلی به موازات خط دشمن سه جاده فرعی شمالی - جنوبی قرار داشت که از طریق این جاده‌ها عقبه دشمن به خط جلوی مالحه و ۱۹۴ مرتبط می‌شد و نیروهای عراقی از این طریق تدارک می‌گردیدند. آرایش خط جناح چپ دشمن از شیار مالحه خالی بود و این نقطه ضعف اساسی دشمن قوتی برایَ نیروهای خودی محسوب می‌شد.

موانع دشمن در این عملیات، عبارت بود از د ردیف مین والمر و ده ردیف سیم خاردار حلقوی؛ همچنین در اطراف سنگرهای دشمن در این محور، ۱۶ ردیف سیم خاردار حلقوی کار گذاشته بودند و نیز سه میدان مین انفجاری و منور و ۲۴ رده سیم خاردار رشته‌ای در اطراف پایگاهها و مقرهای دشمن نصب شده بود.

به تناسب راهکارهای موجود در منطقه، عملیات از دو محور طراحی شد. نکته قابل توجه در این عملیات، و مسأله غافلگیری بود، چنانچه نیروهای خودی با رعایت حفاظت و استفاده از شب جهت تردد و نقل و انتقالات، سعی وافری بر ممانعت از هوشیاری دشمن داشتند، لیکن تحرکاتی از عناصر دشمن مشاهده می‌شد که به نظر می‌رسید اصل غافلگیری مخدوش شده است؛ اما بعداً معلوم شد که تحرکات دشمن صرفاً جابجایی نیروها به خاطر خستگی و ضعف روحیه بوده است. علاوه بر این هنگام تهاجم نیروهای خودی، عناصر دشمن در سنگرها در خواب به سر می‌بردند و این امر خود دلیلی در غفلت دشمن محسوب می‌شد. ضمناً سعی بر این بود که تعرض به دشمن همراه با ابتکار عمل باشد؛ بدین معنی که حمله در ابتدا به قرارگاه دشمن و از پشت صورت گیرد تا خط متزلزل شود و علاوه بر این در اولین فرصت کابلهای برق و سیم‌های مخابراتی دشمن قطع شود تا بدین طریق، ارتباط نیروهای دشمن با عقبه و نیروهای در خط به طور کلی قطع و مختل گردد.

با نزدیک شدن زمان آغاز تک، نیروها در محورهای از پیش تعیین شده حرکت خود را به سمت دشمن آغاز کردند. حرکت نیروها چنان آمیخته با غافلگیری بود که برخی از آنها توانستند خود را به بالای سر نیروهای دشمن رسانده جهت انجام عملیات اعلام آمادگی نمایند.

به هر روی، پس از اعلام آمادگی کلیه نیروها از محورهای مختلف، در ساعت ۲/۴۵ بامداد ۶۴/۴/۱۹ عملیات با رمز: «ولا حول ولا قوةالا باللّه العلی العظیم، انا فتحنالک فتحاً مبینا. یا امام صادق (ع)، یا امام صاذق (ع)، یا امام صادق (ع)، اللّه اکبر» در کلیه محورها با هجوم به دشمن آغاز شد.

سرعت عمل نیروها چنان بود که پس از قرائت رمز عملیات و در همان لحظات اولیه نزدیک به ۷۰ نفر از نیروهای دشمن به اسارت درآمدند. از آنجا که هدف عملیات نفوذی بود، لذا نیروها حتی‌الامکان از به غنیمت گرفتن اقلامی که دست و پاگیر بود و انتقال آنها به عقب خالی از مشکلات نبود، امتناع ورزیده، سعی بر این داشتند که اساساً امکانات دشمن را منهدم سازند و به آتش بکشند. پس از اجرای موفق عملیات، با نزدیک شدن طلوع فجر و روشنایی هوا، به نیروها دستور عقب‌نشینی داده شد.

نظر به اینکه دشمن غافلگیر شده و نیز در تدبیر عملیاتی سیم کابل مخابراتی آنها قطع شده بود، طبیعتاً از اهداف عملیات آگاه نبود. لذا صرفاً به منظور حضور در منطقه، پاتک خود را با نیروهای زرهی و تعدادی هلی‌کوپتر آغاز نمود. دشمن تصور می‌کرد نیروهای خودی بر روی ارتفاعات ۱۹۴ و سایر پایگاههای منطقه مستقر شده‌اند، لذا تلاشی قابل توجه را به آن سمت معطوف نمود لیکن با عقب‌نشینی به‌موقع نیروهای خودی پس از انجام مأموریت محوله، اساساً آسیبی قابل ملاحظه متوجه آنها نشد. دشمن در شب عملیات قصد تعویض نیروهایش را داشت، لذا به دلیل عدم آمادگی تلفات زیادی را متحمل شد.

نتایج عملیات

۱ - پاکسازی منطقه‌ای به وسعت ۲۰ الی ۳۰ کیلومتر مربع

۲ - کشته و مجروح کردن بیش از ۷۰۰ تن از نیروهای دشمن

۳ - انهدام ده انبار مهمات، ۶ قبضه تفنگ ۱۰۶ م.م، یک قبضه توپ پدافند هوایی، تعداد زیادی خودرو سبک و سنگین (شامل ایفا، جیپ) و همچنین انهدام پمپ بنزین قرارگاه گردان.

در مجموع از تیپ ۸۰۵ پیاده ارتش عراق، گردان یکم صد در صد و گردان دوم ۶۰ درصد منهدم و به گردان سوم نیز خساراتی وارد آمد.

در این عملیات، گذشته از ضعف دشمن در جناح دادن و عدم آشنایی با زمین منطقه، ابتکارات نیروهای خودی در دور زدن دشمن، توجیه گردانهای عمل کننده، نزدیک شدن به دشمن با حفظ غافلگیری، قطع ارتباط، زدن مقرهای فرماندهی و آتش پشتیبانی مؤثر (که توسط ارتش اجراء شد) قابل توجه بود. همزمان با عملیات قدس ۳، از سوی نیروی زمینی ارتش در شرهانی، عملیاتی به‌منظور بازپس گرفتن مناطقی که به تازگی به اشغال دشمن درآمده بود، انجام شد. این حرکت منجر

به معطوف نمودن ذهن دشمن به آن منطقه شد و به طور غیرمستقیم به منزله پشتیبانی عملیات قدس ۳ محسوب گردید.

قدس ۴

دو حادثه مهم در جهت شکل‌گیری عملیات قدس ۴ در دریاچه ام‌النعاج در هورهویزه نقش داشت: یکی کنار رفتن تهل‌های[1] شط‌الدوب بود، که بر اثر طوفان شدید و بیسابقه صورت گرفت و بدین وسیله شط به دریاچه ام‌النعاج متصل گردید و دیگری اسارت تعدادی از نیروهای شناسایی عراق بود که طی یک درگیری با مجاهدین عراقی به اسارت درآمدند. اطلاعات نسبتاً موثقی که از این اسرای تخلیه شده بدست آمد، زمینه مناسب را جهت معطوف کردن توجه فرماندهان به دریاچه ام‌النعاج فراهم کرد.

آب دریاچه ام‌النعاج از رودخانه‌های ایران تأمین می‌شود که از طریق آبراههای متفاوت در آن جریان می‌یابد. دریاچه و آبراههای منتهی به‌آن، دارای تهل‌های فراوان است. در شرق دریاچه تهل‌ها بیشتر متحرک بوده، مسیر حرکتشان شرقی - غربی است و عمدتاً بستگی به جهت وزش باد دارد.

قبل از جنگ عده‌ای از عشایر در این دریاچه زندگی می‌کردند که بر روی تهل‌های ثابت، سایبان ساخته و از راه صید ماهی امرار معاش می‌کردند. همچنین فروش نی به کارخانه‌ی حصیربافی نیز بخشی دیگر از درآمد آنها را تشکیل می‌داد.

اهداف عملیات قدس ۴

۱ - انهدام نیروی دشمن

۲ - آزادسازی بیش از ۱۵۰ کیلومتر مربع از دریاچه ام‌النعاج و در نتیجه تسلط بر بخشی دیگر از هور

---

۱ - از بهم پیوستن نی و دیگر روئیدنها در هور، به‌مرور زمان قطعاتی جزیره مانند بر روی آب ایجاد می‌شود که ساکنین منطقه به آنها تهل یا طهل می‌گویند. تهل‌ها اکثراً کوچک و متحرک می‌باشند. البته در هورهویزه تهل‌های بزرگی نیز دیده می‌شود که به جزیره‌های ثابتی تبدیل شده‌اند و بادهای معمولی قادر به جابجایی آنها نمی‌باشد.

۳ - گرفتن جای پا جهت گسترش عملیات

۴ - گرفتن جناح از دشمن و نزدیک شدن به قسمتی دیگر از خشکی‌های عراق که شامل روستاهای سلف المعده، الهویه، حمیدان و... می‌شود که در جنوب شرقی العماره واقعند.

شناسایی

پس از تعیین محدودهٔ منطقه عملیات، کار شناسایی از دو محور بر روی آبراهها، کمینها و پاسگاه‌های دشمن آغاز شد. نظر به حساسیت منطقه و هوشیاری نسبی دشمن، امر شناسایی نیازمند دقت و سختکوشی بسیار بود و طبیعتاً معضلاتی به همراه داشت.

در محور غربی، دشمن دارای ۴ پاسگاه ارتشی و ۵ کمین فرسان الهور بود. کمینها نیز به دو صورت فعالیت می‌کردند؛ یکی متحرک که با بلم در میان نی‌ها مخفی می‌شدند و دیگری ثابت که بر روی تهل‌ها استقرار داشتند. در هر کمین دشمن از ۸ تا ۱۵ نفر نیرو با سلاحهای سبک مانند کلاش و آرپی‌جی حضور داشتند.

در محور شرقی در ام‌الطیره دو پاسگاه به استعداد جمعاً ۳۰ نیرو و تعدادی کمینهای فرسان‌الهور وجود داشت. استعداد و آرایش کلی منطقه عبارت بود از لشکر ۲۹ در المعیل و تیپ ۱۱۷ مرزی، که گردان و عناصری از گردان ۲ این تیپ در دریاچه ام‌النعاج و گردان ۴ آن از ابوخصاف به سمت جنوب، در مقابل آبراه خیط، استقرار یافته بودند.

بافت و ترکیب نیروهای عمل کننده در این عملیات می‌تواند از ویژگیهای آن در مقایسه با سایر عملیات به شمار رود زیرا غیر از فرماندهی و برخی کادرها، تمامی عناصر آن از نیروهای مجاهد عراقی بودند که در چهار چوب «تیپ بدر» سازماندهی شدند. عناصر تیپ بدر ترکیبی از ارتشیان پناهنده عراقی و مجاهدین غیرنظامی بود که صرفاً به لحاظ بینش سیاسی و انگیزه حرکت و جهاد مسلحانه در جبهه حضور یافته بودند. هسته اولیه تیپ بدر ۲ سال قبل در حد یک گردان به نام شهید صدر تشکیل شد و سپس رو به گسترش نهاد تا جایی که در عملیات بدر توانستند با توانی بیشتر اجرای مأموریت نمایند.

به منظور آمادگی نیروها آموزش فشرده برای آن‌ها در زمینه‌های شنا، غواصی، بلم زنی و قایقرانی به مورد اجراگذارده شد. همچنین در زمینه مهندسی و تدارکات، اقدامات مقتضی صورت گرفت؛ به طوری که بوسیله نی بر آبراههای مورد نظر عریض گردید و پلهای خیبری به جلو منتقل

شد. واحد تدارکات نیز بنه‌های تدارکاتی را به جلو کشید و از آمادگی لازم جهت تدارک و تأمین عملیات، در چند روز اول، برخوردار گردید.

شرح عملیات

دشمن قبل از آغاز تک تقریباً روزی یک تا دوبار به وسیله هواپیماهای پی - سی - هفت منطقه را بمباران می‌کرد. در مواردی هم اقدام به شناسایی و گشت رزمی می‌نمود که به‌دلیل وجود کمین‌های خودی، نتوانست حرکتی عمده صورت دهد.

به هر روی، در تاریخ ۶۴/۵/۱ در ساعت ۱۲ نیمه شب تک آغاز شد. سرعت عمل نیروها و بهره گیری از عنصر غافلگیری دشمن را تا مدتی با سرگشتگی و آشفتگی مواجه کرد و عملاً قادر به هیچ اقدام اساسی نشد. در این میان مسأله قابل توجه، اسارت مأمور بیسیم فرماندهی دشمن بود، که با گفتن اللّه اکبر خود را تسلیم نیروهای اسلام نمود.

دشمن پس از سقوط پاسگاه‌ها و تأمین اهداف عملیات، به‌اجرای شدید آتش توپخانه مبادرت ورزید، به طوری که تردد در منطقه با اشکال مواجه شد.

در این موقع تعدادی از اسرا به تقاضای همکاری پاسخ مثبت داده به پای بیسیم منتقل شدند. از پست شنود با فرماندهی خود (در عقبه) تماس گرفته و تقاضای نیرو کردند. از آنجا که دشمن برروی منطقه تسلط نداشت، نپذیرفت؛ ولی در مقابل تقاضای قطع آتش، به بهانه اینکه بر روی سر خودمان می‌ریزد، بعد از لحظاتی آتش توپخانه عراق به طور کلی قطع شد و در این فاصله ترددها صورت گرفت و این امر، کمکی شایان به رزمندگان نمود.

نتایج عملیات

در پایان عملیات قدس ۴ نیمی از دریاچه ام‌النعاج که از شط‌الدوب در غرب دریاچه شروع شده و تا برکه ام‌سوده در شرق آن امتداد داشت، به وسعت ۱۵۰ تا ۲۰۰ کیلومتر مربع آزاد شد. همچنین بیش از ۲۰۰ نفر از نیروهای دشمن کشته و زخمی شدند و ۵۳ نفر به اسارت درآمدند.

قدس ۵

عملیات قدس ۵ به‌منظور تکمیل اهداف قدس ۱ و ۲ در نظر گرفته شد و اهداف زیر برای آن

منظور گردید:

۱ - تصرف پاسگاه الیج واقع در هورالهویزه

۲ - نزدیک شدن به البیضه با توجه به حساسیت پاسگاه الیج که در سمت چپ پاسگاه بلاله و نزدیکی البیضه قرار داشت.

۳ - تأمین بیشتر جاده خندق

۴ - تأمین بیشتر جناح راست خط پدافندی که احتمال می‌رفت دشمن با اتکاء به خشکیهای موجود در این محور با نزدیک شدن به مواضع خودی، آن را مورد تهدید قرار دهد.

۵ - محدودتر شدن خط پدافندی خودی و تقلیل پاسگاههای بر روی آب

موقعیت منطقه: پاسگاه الیج واقع در هورالهویزه و در شمال منطقه عملیاتی بدر، حدفاصل پاسگاه بلال و جاده خندق، در شرق البیضه قرار دارد. موانعی که دشمن در این منطقه داشت، عمدتاً عبارت بودند از ۶ الی ۷ ردیف سیم خاردار، حدود ۷۰۰ متر میدان مین، بشکه‌های ۲۰۰ لیتری فوگاز (آتشزای ناپالم).

همچنین دشمن در پاسگاه الیج ۲ دستگاه تک لول ضدهوایی، ۲ قبضه خمپاره انداز ۸۱ و ۸۲ میلی‌متر و مهمات کافی جهت ۴۸ ساعت مقاومت در اختیار داشت و نیروی گردان سوم از تیپ ۷۰۱ کماندویی حذیقه در آن مستقر شده بود.

شروع عملیات: پس از کسب آمادگی‌های لازم، نیروهای تکاور در تاریخ ۶۴/۵/۱۵، در حد فاصل ساعت ۱۸ الی ۱۹ بعد از ظهر، حرکت خود را از نقطه رهایی به سوی دشمن آغاز نمودند و پس از پشت سر گذاردن پاسگاههای خودی، با اندکی تأخیر در معابر و محورهای مورد نظر قرار گرفتند. در این اثنا مسأله قابل توجه تیراندازیهای کور و بدون هدف دشمن بود که در جوانب مختلف صورت می‌گرفت.

در ساعت ۲۳ پس از اعلام آمادگی کلیه نیروهای عمل کننده، رمز عملیات توسط فرماندهی باعنوان «یاعلی ادرکنی» قرائت شد و به دنبال آن، درگیری در محَورهای مختلف آغاز گردید.

در یکی از محورها وجود تک لول دشمن منجر به اشکالاتی در امر پاکسازی شد که پس از رفع مانع، عملیات ادامه یافت.

در محور دیگری که دشمن هوشیار شده بود، نیروهای خودی به قصد فریب دشمن تظاهر به پناهندگی نمودند. در این اثنا با سرعت عمل یکی از برادران و مسلح شدن وی، درگیری آغاز شد و

در نهایت پس از سقوط پاسگاه، ۱۸ تن از عناصر دشمن به اسارت درآمدند.

شرح عملیات

زمان آغاز تک، یک روز پس از میلاد امام هفتم (ع) (۸ صفر) در نظر گرفته شد، لذا رمز عملیات به همین مناسبت «یاموسی الکاظم (ع)» انتخاب شد.

در ساعت ۲ بعد از نیمه شب، عملیات با قرائت رمز آغاز گردید. در محور شرقی عملیات، به لحاظ استفاده از اصل غافلگیری و نیز پشتیبانی موثر آتش ادوات، دشمن هراسان شده، در همان ساعات اولیه اهداف مورد نظر تأمین گردید. فی‌المثل نیروهای خط شکن که با بلم به سمت هدفهای خود در حرکت بودند، در سر آبراه بجبله و نصله با چند ردیف سیم خاردار -که نیروهای کمین در پشت آن مستقر بود - رو به رو شدند ولی با این وجود فرصت را از دست نداده، دشمن را از جناح چپ زیر آتش قرار دادند و پس از باز شدن معبر، با عبور از میان موانع، کمین‌های دشمن بدون هیچ‌گونه مقاومتی پا به فرار گذاشتند و بدین وسیله ۱۵ کمین دشمن که از نیروهای فرسان‌الهور بودند، سقوط کرد و پس از آن پیشروی به سمت پاسگاه‌های دشمن ادامه یافت و بدین ترتیب به سقوط آنها منجر شد.

در محور غربی عملیات با اجرای آتش مناسب و استفاده از مانور آتش و حرکت، نیروهای غواص ابتدا با پرتاب نارنجک به طرف سنگرهای دشمن تهاجم خود را آغاز کردند و سپس با رسیدن نیروهای موج بعدی و استمرار تک، پاسگاههای دشمن یکی پس از دیگری سقوط نمود.

در صبح روز اول عملیات، در حوالی ساعت ۱۱/۵ صبح، دشمن پاتک خود را آغاز کرد؛ لیکن با اتخاذ تدابیر مناسب توأم با خونسردی، نیروهایی که در میان نی‌ها کمین کرده بودند، پس از نزدیک شدن دشمن، به آنها حمله‌ور شدند و بدین وسیله پاتک دشمن خنثی شد.

پاتک دوم دشمن در ساعت ۲ بعد از ظهر همان روز، با پشتیبانی آتش توپخانه و حمایت هواپیمای پی - سی ۷، با ۱۲ فروند قایق شروع شد.

مجاهدین عراقی در میان نی‌ها به کمین نشستند تا اینکه دشمن به فاصله ۵۰۰ متری آنها رسید، سپس ۳ فروند قایق به فرماندهی شهید ابوالخیر از میان نی‌ها بیرون آمده، آتشی پر حجم را روی دشمن اجرا نمودند. با این اقدام، ۱۲ فروند قایق دشمن تصمیم به فرار گرفتند ولی با تعقیب آنها توسط مجاهدین عراقی، اجباراً به حواشی دریاچه رسیدند و پس از برخورد با نی‌ها متوقف شدند و

این امر موجب کشته و اسیر شدن تعدادی از آنها و به غنیمت گرفته شدن ۸ فروند از قایق هایشان گردید.

در این تعقیب و گریز، برادر ابوالخیر به شهادت رسید ولی مخابراتچی قایق او حاضر به بازگشت نشد و با انگیزهٔ گرفتن انتقام شهید ابوالخیر به تعقیب قایق‌های عراقی ادامه داد تا اینکه بر اثر سرعت بیش از اندازه قایق شهید ابوالخیر بر روی قایق دشمن سوار شد، به طوری که هر ۳ نفر نیروهای داخل آن به هلاکت رسیدند.

در روز دوم عملیات، دشمن به لحاظ اهمیت دریاچه ام‌النعاج تصمیم به بازپس‌گیری آن گرفت و جهت انجام این مهم، ابتدا فرماندهی منطقه را که از خود ضعف نشان داده بود، تعویض و به دنبال آن اقدام به سه پاتک متوالی نمود.

در پاتک اول، دشمن ۸ فروند قایق را با پشتیبانی ۵ فروند هواپیمای پی - سی - ۷ وارد عمل کرد. در پاتک دوم، ۸ فروند و یک دستگاه نفربر خشایار توأم با پشتیبانی هوایی وارد عمل شد. سومین پاتک دشمن از المجری با ۱۲ بلم و حمایت هواپیمای پی - سی - ۷ آغاز شد. در این میان مجاهدین عراقی از تاکتیک استتار در نی‌ها و سپس حمله به دشمن استفاده کرده، به‌آنها حمله‌ور شدند. دشمن با مشاهده مکرر این صحنه غافلگیر شده، اقدام به فرار کرد.

همچنین یکی از مجاهدین عراقی هنگام تعقیب قایق دشمن با نقص فنی دوشکا مواجه شد و نتوانست تیراندازی کند، لذا از پشت، خود را به قایق دشمن کوبید و منجر به غرق شدن آن گردید.

در عملیات عاشورای ۴ تمامی اهداف مورد نظر تأمین شد و نتایج زیر بدست آمد:

- آزادسازی ۱۱۰ کیلومتر مربع از زمین‌های منطقه
- تصرف ۳ پاسگاه و کمین دشمن
- اسارت ۷۶ تن از نیروهای دشمن (که تنها در حین پاتک اسیر شدند)
- به غنیمت گرفتن ۲۷ قایق و بلم، ۹۹ قبضه سلاحهای نیمه سنگین، ۲ قبضه ضد هوایی تک‌لول ۱۴/۵ و ۴ قبضه خمپاره انداز ۸۲ و ۶۰ م. م.

در این عملیات، دشمن بیش از ۳۰۰ نفر کشته و زخمی به جای نهاد، ۲۵ پاسگاه منهدم شد، یک فروند هواپیمای پی - سی - ۷ سقوط کرد و بیش از ۱۰۰ فروند قایق و بلم دشمن منهدم و نابود گردید.

نتایج و ارزیابی عملیات محدود

پس از آنکه سلسله عملیات محدود انجام گرفت از آنجا که قسمت اعظم آن در هور بود، لذا

دشمن دچار نوعی هراس و شتابزدگی شد و همین امر موجب مبادرت دشمن به ترمیم اساسی مواضع و استحکامات دفاعی خود شد که آن را استراتژی پدافندی نامید.

علاوه بر این زنده نگاه داشتن جو جنگ و مقاومت، خصوصاً پس از اهتمام به جنگ شهرها، نقشی به سزا در خارج و داخل دَاشت.

سلسله عملیات قدس و عاشورا نشانگر ادامه مقاومت و استمرار در ادامه جنگ به هر شکل ممکن بود. این امر گذشته از سایر نتایج دستاوردهای نظامی عملیات و آسیب‌پذیری و انهدام دشمن است که قسمتی از آن به شرح زیر است:

۱ - حفظ روحیه تعرضی

۲ - افزایش انسجام یگانها و پرورش کادر و افزودن به تجربیات جنگی آنها.

۳ -گرم نگاه داشتن جو جنگ در میان مردم

۴ - تضعیف روحیه سربازان دشمن و ایجاد تزلزل در آنان

۵ - به ضعف کشانیدن موضع قدرت نمایی و مانور دشمن که پس از عملیات بدر با جنگ شهرها در حال افزایش بود.

۶ - در انفعال قرار دادن دشمن و گرفتن مجال هرگونه پدافند از او

۷ - بازپس‌گیری بخشی از اراضی اشغالی و پیشروی در خاک دشمن

۸ - خاطرنشان ساختن توانایی و قابلیت‌های نظامی جمهوری اسلامی جهت وارد آوردن فشارهای پی در پی به دشمن

۹ - فریب دشمن و ممانعت از هوشیاری آن نسبت به تلاشهای اصلی و گسترده در آینده

۱۰ - نزدیک شدن به عمق دشمن در بعضی مناطق و تسلط بر خطوط ارتباطی و عقبه آن ها

۱۱ -بهره گیری از زمان و مشغول ساختن دشمن، جهت طراحی عملیات گسترده (والفجر ۸) و بازسازی و سازماندهی یگانها

۱۲ - در خط چیدن نیروهای احتیاط دشمن - از آنجا که دشمن سلسله عملیات محدود را سراسری و در طول مرز فرض می‌کرد، لذا مبادرت به تقویت خطوط عملیاتی کرد که عمدتاً با بهره گیری از نیروهای احتیاط بود و این از نظر مصرف شدن نیروهای دشمن و آسیب پذیری آنها از اهداف عملیات محدود به شمار می‌رفت.

۱۳ - تقویت پشتیبانی یگان‌های رزمی توسط مردم هر منطقه.

والفجر ۸ و فتح بزرگ فاو

شکی نیست که هرگونه تحرک نظامی در جبهه از تأثیرگذاری‌های مثبتی در زمینه‌های سیاسی - اجتماعی، نظامی برخوردار خواهد بود، لیکن نمی‌توان این نکته را نادیده انگاشت که تعیین سرنوشت نهایی جنگ تنها در گرو عملیات گسترده می‌باشد. به عبارت دیگر آنچه که جنگ را از حالت توازن قوا و نتیجتاً بن‌بست خارج کرده و ابتکار عمل را در اختیار جمهوری اسلامی ایران قرار می‌دهد و همچنین توانایی‌های تکنولوژیک عراق را به زیر سئوال می‌برد، انجام عملیات در مقیاس گسترده است.

طبیعی است که جهت افزایش تأثیرگذاری تحرکات نظامی ایران، لزوماً بایستی این تعرضات با سرعت عمل و استمرار همراه باشد، تا بدین وسیله دشمن زمان لازم برای بازسازی و تجدید سازمان را بدست نیاورد.

عملیات گسترده از برد و شعاع بیشتری در ابعاد سیاسی و نظامی برخوردار است و چون دشمن را الزاماً با تمام توان به رویارویی می‌کشاند، امکان آسیب‌پذیری او را افزایش داده و در صورت استمرار ماشین جنگی دشمن را متوقف می‌سازد. از این رو دشمن با تک‌های ممانعتی در هوا و زمین به نوعی در صدد است تا مانع از انجام تحرکات گسترده شده یا حداقل در زمانبندی آن اخلال کند.

با توجه به آنچه که ذکر شد پیدا است که صرفاً نمی‌توان به اقدامات محدود نظامی آن هم برای دراز مدت بسنده کرد زیرا علیرغم تأثیرات آن این نوع حرکت‌ها نمی‌تواند نقش تعیین کننده و سرنوشت سازی را در روند جنگ تحمیلی ایفا کنند.

براین اساس در پی فشارهای همه جانبه دشمن پس از عملیات بدر، عملیات گسترده والفجر ۸ نظر به وضعیت خاص دشمن در منطقه (فاو) و همچنین حساسیت ژئوپولتیکی منطقه (تسلط بر شمال خلیج فارس و همسایگی با کویت و...) در دست طراحی قرار گرفت. البته در این فاصله سلسله عملیات محدود به منظور فعال نگه داشتن جبهه‌ها انجام یافت.

در این روند تجارب جنگ در سه سال گذشته و واقعیات برآمده از آن می‌آموخت که بایستی به تناسب استراتژی و اهداف سیاسی ـ نظامی جنگ، توان رزمی لازم در زمینه‌های مختلف، بدست آورده و مبتنی بر آن منطقه عملیاتی انتخاب شود تا در این صورت کسب موفقیت از تضمین و درصد بالاتری برخوردار گردد.

مسأله توان رزمی و افزایش آن عمدتاً در سه مرحله می‌بایستی مورد نظر قرار می‌گرفت؛ تصرف هدف، تأمین و نگهداری منطقه، مقابله با فشارهای دشمن و در صورت نیاز توسعه و تداوم عملیات.

زمین فاو نظر به موقعیت جغرافیایی و وضعیت طبیعی آن تا اندازه‌ای معضلات تأمین منطقه و مقابله با فشارها را حل می‌کرد؛ بدین معنا که با تلاقی بودن زمین و نیز وجود عارضه‌های مصنوعی مانند کارخانه نمک، عملاً قسمت اعظم زمین منطقه را برای دشمن غیر قابل استفاده می‌کرد و به همین دلیل کارآیی نیروی زرهی عراق را کاهش می‌داد. از آنجایی که منطقه از سه طرف محصور در آب است، طبعاً درگیری از یک سمت با دشمن راحت‌تر به نظر می‌رسید و نیز به هنگام پاتک دشمن از دو سمت به نیروهای خودی پهلو می‌داد که این امر آسیب‌پذیری آنها را فزونی می‌بخشید.

عوامل انتخاب منطقه

طراحان و دست‌اندرکاران سپاه پاسداران انقلاب اسلامی برای اجرای عملیات والفجر ۸، به لحاظ موقعیت خاص جغرافیایی منطقه، وضعیت کلی دشمن، وجود رودخانه اروند و... مشکلات و معضلات عدیده‌ای را رویاروی خود داشتند که در نهایت با درنظر گرفتن عوامل و پارامترهای مختلفی از جمله: ارزش نظامی - سیاسی زمین منطقه، عدم وجود سابقه عملیات در

عبور از رودخانه عریض و جزر ومدّ بالا، عدم هوشیاری دشمن وامکان پدافند و نگهداری منطقه، محدوده فاو را در مقایسه با سایر مناطق عملیاتی ترجیح دادند.

الف: ارزش نظامی - سیاسی زمین منطقه

موقعیت زمینی منطقه و نیز وضعیت خاص نیروهای خودی و دشمن در آن مقطع به طور طبیعی ارزشهای متعددی را در بر داشت که بدون ارتباط با محاسن انتخاب زمین و ارزشهای سیاسی منطقه نبود از جمله:

۱ - تصرف شهر فاو و تأسیسات بندری آن

۲ - هم مرزی با کویت در شمال خلیج‌فارس

۳ - تهدید بندر ام‌القصر

۴ - انهدام و یا تصرف سکوهای پرتاب موشک

۵ - تأمین خورموسی و تردد کشتی‌ها به بندر امام خمینی

۶ - تسلط بر اروند رود

ب: عدم هوشیاری دشمن

معمولاً قسمت اعظمی از هوشیاری دشمن مبتنی بر کسب خبر و تحلیل اطلاعاتی آنها نسبت به شواهد و قرائن موجود در مناطق عملیاتی بود. گذشته از این اطلاعات و تجربیات دشمن در خصوص توانایی‌های جمهوری اسلامی و تاکتیکهای اتخاذ شده در طول جنگ نقش تعیین کننده‌ای را در کشف منطقه عملیاتی از سوی دشمن داشت. فی‌المثل در جنوب کشور دشمن همیشه نسبت به هورالهویزه حساسیت خاصی را داشته است زیرا پس از عملیات والفجر ۴ تا قبل از عملیات والفجر ۸، قوای اسلام تحرکات چشمگیری را توأم با عملیات گسترده خیبر و بدر در هور انجام دادند.

براین اساس از آنجایی که انجام عملیات در منطقه فاو، نیازمند امکانات ویژه و تاکتیک ابتکاری می‌بود، دشمن تصور وقوع عملیات گسترده را نمی‌داد. پیدایش این وضعیت (عدم هوشیاری دشمن) برای فرماندهان سپاه در طرح‌ریزی عملیات والفجر ۸ به عنوان یک عنصر مثبت در مزیت منطقه فاو، تلقی می‌شد.

ج: امکان پدافند، تأمین و نگهداری منطقه

قسمت عمده‌ای از عملیات، پس از شکستن خطوط مقدم دشمن و حضور در منطقه، نگهداری آن در مقابل فشارهای عدیده دشمن می‌باشد. در این روند قطعاً گذشته از کسب آمادگیهای لازم جهت حفظ منطقه و رویارویی مناسب با دشمن، «زمین» و موقعیت آن از دیدگاه مزبور از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

نظر به اینکه منطقه فاو را آب از سه طرف احاطه کرده است، طبعاً فشار دشمن تنها از یک قسمت خواهد بود و این امر با اتخاذ تدابیر مناسب مانند حفر کانال، اجرای آتش، بهره‌برداری از عارضه کارخانه نمک و... قابل حل بنظر می‌رسید.

نکتهٔ قابل ذکر در اینجا پیش بینی نحوه برخورد دشمن بود. در این زمینه چنین تصور می‌شد که با توجه به‌اینکه دو مسأله «زمین» و «نیرو» برای دشمن از اهمیت حیاتی برخوردار می‌باشد، لذا در اینجا برخلاف گذشته ارتش عراق بین انتخاب یکی دو مسأله دچار تردید خواهد بود؛ به عبارت دیگر از یک سو ارزش سیاسی نظامی زمین دشمن، را وادار به بازپس‌گیری آن، به هرشکل ممکن، خواهد کرد و از سوی دیگر شکل زمین منطقه، عملاً توان قابل ملاحظه‌ای را از دشمن می‌گیرد و خسارات و ضربات فراوانی را بر سازمان رزم وارتش عراق وارد خواهد ساخت؛ در نتیجه دشمن نمی‌تواند دو مسأله را در کنار هم حفظ نماید بلکه می‌بایستی یکی را فدای دیگری کند که این امر خود مقدمه از دست دادن عنصر بعدی نیز خواهد شد.

در نتیجه اگر دشمن برای حفظ زمین بجنگد نیرو را از دست خواهد داد و عملاً در درازمدت قادر به حفظ سایر مناطق عملیاتی نیز نخواهد بود و اگر بخواهد نیرو را حفظ نماید بایستی خسارات و ضایعات روحی و تزلزل سیاسی - اجتماعی ناشی از شکست در فاو و از دست دادن منطقه حساس و مهم آنجا را متحمل شود.

مشخصات طبیعی منطقه

منطقه عملیاتی فاو، شبه جزیره‌ای است محصور در میان رودخانه اروند، خلیج‌فارس و خورعبدالله که از سمت خشکی به بصره منتهی می‌گردد.

در شمال این منطقه رودخانه اروند و جزیره آبادان واقع است و در فاصله ۹۰ کیلومتری شمال غربی آن شهر صنعتی بصره. همچنین در جنوب آن خورعبدالله و در جنوب شرقی آن، خلیج‌فارس

و در جنوب غربی بندر ام‌القصر قرار دارد.

منطقه عملیاتی والفجر ۸ به علت شبه جزیره‌ای بودن، هوای آن غالباً دارای رطوبت زیاد در تابستان و «شرجی» می‌باشد.

زمین منطقه به‌جز عوارض مصنوعی مانند جاده، خاکریز، سیل بند و... سکوهای پرتاب موشک، خالی از هرگونه پستی و بلندی طبیعی است.

از آنجایی که زمین منطقه محصور در میان آب می‌باشد، تحت تأثیر جزر و مد آب خلیج و رطوبت دائمی حاصل از آن است؛ بدین معنا که قسمت عمده‌ای از زمین منطقه باتلاقی، نمکزار و سست می‌باشد. به همین دلیل به‌جز فاصله رودخانه تا جاده اول فاو، بصره که خاک قابل کشت دارد، مابقی خاک آن منطقه شوره‌زار است و با کمترین بارندگی لغزنده و چسبنده می‌شود و تردد هرگونه خودرو و وسائل سنگین در آن تقریباً غیرممکن می‌گردد.

- رودخانه اروند

جریان آب رودخانه اروند از دو رودخانه دجله و فرات در خاک عراق سرچشمه گرفته و رودخانه کارون نیز به داخل آن می‌ریزد. حرکت آب از شمال به طرف جنوب است که به خلیج‌فارس منتهی می‌گردد.

آب رودخانه اروند که از دریا تأثیر می‌پذیرد، عمدتاً دارای دو حرکت جزر (کاهش ارتفاع آب و حرکت آن به‌طرف خلیج) ومد (افزایش ارتفاع آب و حرکت آن از دریا به سمت رودخانه) می‌باشد که مجموعاً در طول شبانه‌روز، چهار بار تکرار می‌گردد.

ارتفاع آب در عمیق‌ترین قسمت رودخانه به ۲۵ متر می‌رسد و اختلاف ارتفاع آب در پائین‌ترین حالت جزر و بالاترین حالت مد به ۳/۵ متر می‌رسد.

وضعیت ساحل خودی و دشمن به دلیل رسوبات حاصل از جریان آب متغیر است؛ چنانچه در سال ۴۸ منجر به تغییر حدود مرزی ایران و عراق شد. این تغییرات در زمین خودی و دشمن در ساحل رودخانه وضعیتی مخالف هم بوجود آورده است؛ بدین معنا که در آنجایی که ساحل ما محکم است، ساحل دشمن سست می‌باشد و متقابلاً آنجایی که ساحل ما سست است، ساحل دشمن محکم می‌باشد. در بخشی از قسمتهای منطقه، زمین آن باتلاقی است؛ چنانچه بیشترین قسمت آن در حاشیه جنوبی جاده ام‌القصر از جزایر ام‌حجام تا رأس‌البیشه و منطقه جنوبی آن به

سمت خلیج‌فارس به همین وضع می‌باشد که عرض منطقه باتلاقی آن در بعضی مناطق به ۴ کیلومتر می‌رسد.

در ساحل رودخانه اروند پوششی از «چولان»، (بوته‌های بلند) و «نی» وجود دارد که هر چه رودخانه به سمت دهانه اروند نزدیکتر می‌شود، عمق چولان آن افزایش می‌یابد. همچنین در قسمت‌های پیچ‌دار رودخانه، آن قسمت از ساحل که فشار اصلی به آن وارد می‌شود، فاقد پوششهای ساحلی می‌باشد.

در ساحل، ارتفاع چولانها حداکثر ۱/۵ متر و ارتفاع نیزارها ۳ الی ۴ متر است به گونه‌ای که نفر پیاده به راحتی می‌تواند در میان آن خود را مخفی کند. عمدتاً زمین این قسمتها سست بوده و به سختی قابل تردد است به گونه‌ای که در برخی از مواقع انسان تا زانو در گل فرو می‌رود.

گذشته از چولان و نیزار، نخلستان بزرگی در ساحل خودی و دشمن که عمق آن بین ۲ تا ۵ کیلومتر متغیر است وجود دارد. این نخلها، به وسیله کانال و نهرهای مصنوعی عمود بر اروند، در حالت مد آبیاری می‌شوند. همچنین زمین اطراف نخلستانها اغلب سست می‌باشد و تنها در مناطقی که زمین از سختی لازم برخوردار بوده جاده احداث شده است. علاوه بر این امکان آتش سوزی در نخلستانها بسیار زیاد می‌باشد.

- عوارض مصنوعی

گذشته از مواضع و استحکامات دشمن، در این قسمت تنها به موقعیت جاده‌ها و برخی از تأسیسات صنعتی دشمن و نیز شهر فاو اشاره می‌شود:

در منطقه عمومی والفجر ۸ در خاک عراق سه جاده وجود دارد که به ترتیب عبارتند از:

۱ - جاده فاو - بصره به طول ۹۱ کیلومتر

۲ - جاده استراتژیک فاو - بصره به طول ۸۲ کیلومتر

۳ - جاده فاو - ام‌القصر به طول ۵۰ کیلومتر

سه جاده موجود در منطقه، شهر فاو و منطقه بندری آن را به جنوب شهر بصره متصل می‌نماید.

شهر مسکونی فاو، اسکله‌های آن (چهار چراغ، معابر و قشله) و نیز تأسیسات صنعتی و نفتی این منطقه، تماماً پس از جنگ به لحاظ اینکه در معرض تعرضات هوایی و آتش توپخانه جمهوری اسلامی قرار داشتند، عملاً دچار ضایعاتی شده و قابل بهره‌برداری نیستند.

ویژگیهای نظامی ومنطقه‌ای عملیات فاو

منطقه عملیاتی فاو و موقعیت جغرافیایی آن، وضعیت ویژه‌ای را رویاروی فرماندهان عملیاتی سپاه قرار داده بود؛ بدین معنا که از سویی عوامل مثبت نوید پیروزی و پیدایش سرآغاز جدیدی را در جنگ می‌داد و از سوی دیگر موانع برجسته‌ای خودنمایی می‌کرد که هرکدام در جای خود می توانست نقش بازدارنده‌ای را در توقف کار و احیاناً عدم الفتح عملیات ایجاد نماید. در واقع این قسمت از معضلات بود که اساساً منجر به پیچیدگی عملیات شده و ضرورت اتخاذ تاکتیکهای ویژه‌ای را ایجاب می‌کرد.

الف: مزایای منطقه و ویژگیهای مثبت عملیات

۱ - کوتاه بودن عقبه‌های خودی

در عملیات والفجر ۸ بر خلاف عملیات خیبر و بدر که عمدتاً عقبه‌های خودی طولانی بوده و طبعاً پشتیبانی و تدارک عملیات را با مشکلاتی مواجه می‌ساخت، عقبه‌های خودی می‌بایستی با حل معضل رودخانه اروند مرتفع می‌شد. مشکلات عدیده‌ای که در این زمینه وجود داشت، یکی از عوامل مؤثر در ناتوانی ارزیابی دشمن نسبت به وقوع عملیات و توانایی رزمندگان اسلام در برقراری راه عقبه بر روی رودخانه اروند بود.

در واقع نزدیک بودن عقبه‌ها این امکان را می‌داد که روی دشمن حتی اجرای آتش خمپاره داشته باشیم، همچنین فرماندهی به سهولت در منطقه حضور داشته و هدایت مستقیم‌تری را در رابطه با عملیات عهده‌دار گردد.

علاوه برآن تسریع در تدارک نمودن نیروها و نیز سهولت در تخلیه شهدا و مجروحین، انتقال نیروهای دنبال پشتیبان، کاهش مسافت، پیاده روی نیروی خط شکن از نقطه رهایی تا شکستن خط و... نقش تعیین کننده‌ای را در رقم زدن و ترسیم سرانجام عملیات دارا بود.

۲ - عدم تناسب زمین با مانور زرهی و آتش دشمن

چنانچه اشاره شد زمین منطقه به دلیل باتلاقی بودن، خصوصاً در فصل زمستان امکان بهره گیری کامل از امکانات زرهی را به دشمن نمی‌داد. به‌عبارت دیگر، دشمن علیرغم وسعت زمین منطقه عملاً قادر به بهره گیری از آن نبود و در نتیجه متکی بر جاده‌های موجود در منطقه

می‌شد که این امر باعث محدود شدن میدان عمل و مانور نیروهای زرهی دشمن می‌گردید.

علاوه بر آنچه که در مورد زمین منطقه ذکر شد، وجود کارخانه نمک نیز قسمت دیگری از معضلات دشمن در هنگام انجام پاتک بود. بدین معنا که عارضه کارخانه نمک به وسعت ۶۰ کیلومتر مربع امکان مانور زرهی دشمن را محدود به معابر خاصی می‌کرد و این امر با توجه به آتش خودی می‌توانست آسیبهای عمده‌ای را بر پیکر سازمان رزم عراق وارد نماید.

از سوی دیگر نظر به حجم آتش دشمن در گذشته چنین پیش بینی می‌شد که با توجه به لحاظ نمودن مسأله غافلگیری، آماده نبودن زمین دشمن و نداشتن مواضع توپخانه و محدودیتهای دیگر و نیز وجود هدفهای مختلفی که در معرض توپخانه دشمن وجود داشت و اجرای آتش ضدآتشبار، عملاً توپخانه دشمن کارآیی عمده‌ای را نداشته باشد.

۳ - پوشش مناسب پدافند هوایی منطقه

تکهای ممانعتی هوایی دشمن که معمولاً از صبح روز اول عملیات آغاز می‌شود، اساساً با هدف عقبه‌ها و نیز خطوط مقدم و به منظور برهم زدن آرایش نیروهای خودی و نیز تهدید موفقیتهای بدست آمده می‌باشد. از این رو چنین پیش‌بینی می‌شد که با توجه به شکل منطقه و اینکه دشمن، محدود به نوع خاصی از مانور هوایی خواهد بود[1] می‌توان با آرایش مناسب سلاحهای ضدهوایی، برخلاف تصور دشمن، جنگنده‌های آن را هدف قرار داد و تلاشهای هوایی او را خنثی نمود.

۴ - تسلط آتش بر روی خطوط و عقبه دشمن

حضور و گسترش ما در شرق اروندرود، به راحتی اجرای آتش انبوه همراه با دیده‌بانی بر روی عقبهٔ دشمن - از جنوب بصره تا خطوط مقدم، به طول ۷۰ کیلومتر و نیز پس از آن - را میسر می‌نمود. تحقق این امر با توجه به‌اینکه بر خلاف ذهنیت و باورهای دشمن بود، در بطن خود تأثیرات قابل ملاحظه‌ای در تقویت روحیه نیروهای خودی و پشتیبانی تک و نیز ایجاد ضعف و

---

۱ ـ هواپیماهای دشمن به هنگام بمباران، ناچار می‌بایستی مدت مشخصی را بر روی جزیره آبادان پرواز نمایند و این وضعیت میزان آسیب‌پذیری آنها را افزایش می‌داد.

تزلزل در دشمن را - بر هم زدن آرایش و سازمان نیروهایش به هنگام حرکت به سمت هدف و نیز زمان شروع پاتک - به دنبال داشت.

۵ - امکان حفظ غافلگیری

نظر به‌اینکه اساس و ویژگی عملیات والفجر ۸، عبور از رودخانه، شکستن خط دفاعی و نیز تأمین منطقه بود، لذا دشمن حداقل در شرایط کنونی، جمهوری اسلامی را فاقد چنین توانایی‌هایی در انجام عملیات می‌دید و این امر نقش مؤثری را در انحراف ذهن دشمن نسبت به انجام عملیات در این منطقه داشت. از سوی دیگر اجرای طرح فریب در مناطقی دیگر از جبهه، تأثیری قابل ملاحظه، در مسأله غافلگیری ایفا می‌کرد.

۶ - محدود بودن زمین و عمق کم هدف

نظر به‌اینکه اهداف تعیین شده برای یگانهای عمل کننده در عمق کمی قرار داشت، نیروها به راهپیمایی و تلاش محدودتری برای دست یابی به‌اهداف خود نیاز داشتند، مضافاً اینکه اهداف تعیین شده در مدت زمان کمتری تأمین می‌شد؛ همچنین با حفظ توان و انسجام نیروها، عملاً تعمیق عملیات، عبور یگان از یگان، مقاومت مناسب‌تر در مقابل پاتکهای دشمن، بازسازی یگانها و... با قوت بیشتری قابل تحقق می‌شد.

ب: موانع منطقه‌ای و نظامی

۱ - رودخانه اروند

در میان تاکتیکهای مختلف عملیاتی و شیوه‌های گوناگون رزم، عملیات آبی - خاکی خصوصاً عبور از رودخانه، پیچیده‌ترین نوع تحرکات نظامی است؛ آن هم در رودخانه‌ای با مشخصات اروند که دارای جریان جزر ومد شدید در ساعت شبانه‌روز است. عرض رودخانه بین ۵۰۰ تا ۲۰۰۰ متر متغیر است و همچنین آغاز و پایان جزر و مد دارای مشخصات ویژه‌ای می‌باشد؛ چنانچه در یک زمان شدت جریان آب در ساحل، وسط، سطح و عمق رودخانه متفاوت است. لازمهٔ عبور از چنین رودخانه‌ای انجام محاسبات دقیق بر روی جریانات آب، اتخاذ تاکتیکهای مناسب در عبور نیروهای پیاده و شکستن خط، طراحی عبور وسایل سنگین، ساحل سازی برای نقل و انتقالات و

نصب پلهای مناسب را می‌طلبید و این امر با توجه به حساسیت‌های عملیات، نیاز به دقت و رعایت حفاظت توأم با سرعت عمل داشت.

۲ - آماده نبودن عقبه‌های خودی

از آن جایی که در غرب رودخانه اروند برخلاف سایر مناطق عملیاتی، تا قبل از والفجر ۸ تهاجمی از سوی نیروی خودی و دشمن صورت نگرفت، زمین منطقه مورد نظر دست نخورده و بکر باقی مانده بود و طبیعی به نظر می‌رسید که نیازمند تلاشهایی قابل ملاحظه در زمینه کارهای مهندسی باشد.

گذشته از این وجود نخلستان در حدفاصل رودخانه اروند و بهمن‌شیر که محل استقرار عقبه‌های خودی بود، احتیاج به کار شدید مهندسی داشت. حال آنکه به لحاظ تسلط دیده بانهای عراقی بر روی منطقه و تعارض آن با امر حفاظت، عملاً سرعت کار گرفته می‌شد. مضافاً بر اینکه جزیره آبادان به دلیل شرایط جوی و نوع خاک آن برای اقدامات مهندسی مناسب نبود و می‌بایست با حجم بسیار گسترده‌ای از سایر مناطق، خاک مورد نیاز به وسیله کمپرسی به منطقه حمل می‌شد.

وضعیت یاد شده، مشکلات عدیده‌ای را در پیش روی قرارگاه مهندسی قرار داده بود؛ چرا که می‌بایست از یک سو ملاحظاتی را در زمینه حفاظت رعایت کند و از سوی دیگر حجم رو به افزایش کار مهندسی را پاسخگو باشد. در همین زمینه، قرارگاه مهندسی برای عملیات اصلی، نزدیک به ۵۰۰ پروژه طرح فریب در سایر مناطق عملیاتی را در دست اقدام و اجرا داشت.

۳ - حضور اطلاعاتی دشمن در منطقه

یکی از موانع عمدهٔ رعایت غافلگیری، حضور دشمن در منطقه جهت کسب اطلاعات بود که در این زمینه از عوامل زیر سود می‌برد.

○ دیده بانی: وجود دکلهای ۴۲ متری و ۱۰۰ متری در منطقه این امکان را به دشمن می‌داد که کلیه جاده‌های موجود در منطقه به خصوص جادهٔ حاشیه‌های رودخانه اروند و جاده‌های عمود بر آن را زیر دید داشته باشد و کلیه نقل و انتقالات و اقدامات مهندسی را ثبت نماید.

○ گشتی‌های شناسایی که عمدتاً وظیفه آنها ثبت تغییر کمین‌های خودی است.

○ گشتی‌های شناسایی در عمق که به وسیله غواص صورت می‌گیرد.

○ عکس هوایی: دشمن به‌طور متوسط هفته‌ای یک بار عکس هوایی از منطقه تهیه می‌نمود. همچنین با استفاده از ماهواره‌های اطلاعاتی غرب کلیه تغییرات در سطح زمین، جاده، مواضع توپخانه، بنه‌مهمات، محل قرارگاه و... را ثبت می‌نمود.

○ رادار رازیت: بدین وسیله دشمن نقل و انتقالات موجود بر روی جاده‌های پشت نخلستان را تا اندازه‌ای ثبت می‌نمود.

○ جاسوسی عوامل ستون پنجم: تردد افراد در منطقه عملاً این امکان را به دشمن می‌داد که به اشکال گوناگون با استفاده از عناصر نفوذی، اخبار و اطلاعات لازم را جمع‌آوری نماید.

○ شنود: دشمن با استفاده از دستگاه‌های مختلف استراق سمع این امکان را داشت که از طریق شبکه‌های ارتباطی خودی، اطلاعاتی را بدست آورد.

۴ - نیاز به امکانات ویژه و مناسب

نظر به پیچیدگیهای عملیات می‌بایست امکانات خاصی تدارک می‌شد که عمدتاً مبتنی بر طراحیهای ابتکاری بود. نصب پل بر رودخانه اروند یکی از مشکلات مهم عملیات محسوب می‌گردید و برای آن منظور باید پلهای استاندارد و مخصوص از بازارهای دنیا تهیه می‌شد که این امر با توجه به معضلات عدیده‌ای که وجود داشت، امکان‌پذیر نبود. در نتیجه با بهره‌گیری از تجارب گذشته (خصوصاً عملیات خیبر) و استفاده از امکانات موجود، پلهای مورد نیاز در داخل تهیه گردید.

۵ - تهاجم شیمیایی دشمن و معضلات آن

تک شیمیایی دشمن در منطقه عملیاتی که عمدتاً پس از احساس ناتوانی صورت می‌گرفت، قابل پیش‌بینی بود و چنین به نظر می‌رسید که بایستی تدابیر لازم جهت کاهش تأثیرگذاری تهاجمات شیمیایی دشمن اتخاذ شود؛ زیرا وجود نخلستان، منجر به نشت گاز شیمیایی در داخل نخلها شده و طبعاً جریان باد به راحتی قادر به جابجایی آن نخواهد بود.

پاره‌ای از تدابیر عملیاتی

فرماندهان عملیاتی با توجه به محسنات و مزایای منطقه و نیز رویارویی با حجم انبوهی از

معضلات و مشکلات موجود، تدابیر متعددی را اتخاذ نمودند که پاره‌ای از آنها به‌شرح زیر می‌باشد:

۱ - طرحهای حفاظتی تأمین و فریب

۲ - مهیاسازی منطقه

۳ - طراحی عملیات

۴ - تاکتیکهای جمع‌آوری اطلاعات

گذشته از این موارد مسائل دیگری در زمینه مخابرات، تبلیغات، استار و اختفاء و نیز نقل و انتقالات صورت گرفت که در ادامه بحث به آنها اشاره خواهد شد.

۱ - طرحهای حفاظتی تأمین و فریب

دستیابی به اصل غافلگیری عمدتاً متکی بر رعایت حفاظت و اجرای طرحهای فریب و نیز لحاظ نمودن سرعت عمل و تاکتیکهای ویژه و ابتکاری می‌باشد. نظر به تلاشهای دشمن در زمینه کسب اطلاعات و در اختیار داشتن منابع داخلی، نظیر منافقین و از سوی دیگر نحوهٔ آمادگی نیروهای خودی که توأم با بسیج گسترده نیرو است، طبعاً دستیابی به غافلگیری نیازمند حل معضلات متعدد و گذار از فرازو نشیبهای متفاوتی می‌باشد. بدین منظور علاوه بر رعایت حفاظت تدابیری جهت فریب دشمن بویژه، در زمینه تردد نیروها اتخاذ گردید. اجرای فریب در کنار اقدامات حفاظتی به یک معنا تأثیرگذاری بیشتر حفاظت و بالطبع رعایت غافلگیری است.

براین اساس و مبتنی بر آن باور داشت که دشمن نسبت به منطقه غرب اروند حساس شده، چنین تدبیر شد که با ایجاد حساسیت در سایر مناطق ذهنیت دشمن مشوش و مخدوش گردد.

رژیم عراق بنا به توجه جمهوری اسلامی نسبت به هور و از سوی دیگر فقدان قابلیت‌های لازم از نظر نظامی و تکنولوژیک جهت عبور از رودخانه اروند، عمده ذهنیتش معطوف به‌این منطقه (هورالهویزه) می‌شد.

در نتیجه تصورات دشمن نسبت به تحرکات خودش و شواهد و قرائن موجود در غرب اروند نشانگر تأثیرگذاری رعایت حفاظت و اجرای طرح فریب بود که این امر به منزله خنثی نمودن تمامی برتریها و امکانات تکنولوژیک دشمن در زمینه کسب اطلاعات بود؛ چنانچه در نزدیکی عملیات والفجر ۸ نقل و انتقالاتی از دشمن صورت گرفت که دقیقاً نشانگر غافلگیر شدن او بود.

فی‌المثل در جلسه‌ای که در لشکر ۱۶ عراق منعقد شد، قسمتی از توپخانه‌های موجود در منطقه عمومی اروند به منطقهٔ عمومی شرق دجله (هور) منتقل گردید.

علاوه بر این عدم انجام تکهای ممانعتی هوایی دشمن در غرب اروند، با توجه به تاکتیکهای آن در بازدارندگی و بر هم زدن سازمان نیروها بوسیلهٔ حملهٔ هوایی چنین می‌نمایاند که دشمن منطقه فاو را به عنوان محور اصلی عملیات درک ننمود، زیرا در غیر این صورت از تاکتیک همیشگی خود مبنی بر بمباران پراکنده مواضع و عقبه‌ها استفاده می‌کرد.

۲ - مهیاسازی منطقه

قرارگاه مهندسی در امر مهیاسازی منطقه عمدتاً عهده‌دار اجرای چند مأموریت بود:

الف - ساختن جاده‌های مواصلاتی در عقبه و اتصال آن به شبکه‌های سراسری، احداث بیمارستان صحرایی و شیمیایی، ساخت مواضع موشک‌های زمین به هوا، پد هلی‌کوپتر، ایجاد مواضع توپخانه، احداث قرارگاهها، بنه‌های تدارکاتی و... قسمتی از تلاشهای مهندسی را تشکیل می‌داد.

ب - عبور از رودخانه اروند، گرهٔ اصلی عملیات والفجر ۸ را تشکیل می‌داد و با توجه به شرایط زمین و سواحل نامناسب خودی و دشمن و وجود موانع در ساحل، می‌بایست اقداماتی صورت می‌گرفت که شرایط مناسبی برای عبور از موانع فراهم آید و همچنین وسایلی ابداع و ساخته شود تا عبور نیرو و امکانات را تسهیل نماید.

ج - به‌منظور تثبیت و تأمین منطقه تصرف شده که در واقع نیمی از عملیات را تشکیل می‌داد دو مسأله عمده در نظر گرفته شد یکی، ایجاد موانع به‌منظور جلوگیری از پیشروی دشمن مانند: کندن کانال و احداث خاکریز و دیگری ساخت وسائل و ابزاری (مانند سنگرهای انفرادی) که نیروهای در خط را در مقابل آتش دشمن حفظ کند.

گرچه حجم عظیم کار با سرعت لازم تناسب نداشت اما برادران مسئول توانستند با اتخاذ تدابیر مناسبی به‌این امر مهم دست یابند بگونه‌ای که تنها در امور جاده سازی اقدامات انجام شده از راندمان زیر برخوردار بود:

- احداث جاده در داخل نخلستان از حاشیه اروند تا خسروآباد ۳۵۰کیلومتر
- احداث جاده و پد بین بهمنشیر تا خسروآباد ۷۰کیلومتر

- احداث جاده از قاسمیه تا دهانه اروند رود ۸ کیلومتر
- احداث جاده‌از بهمن‌شیر تا جاده آبادان ۳۵کیلومتر
- احداث جاده از چوبیده به قفاص در شرق بهمنشیر ۱۰ کیلومتر
- اسفالت جاده آبادان - چوبیده در شمال بهمنشیر ۶۰کیلومتر
- اسفالت جاده آبادان - چوبیده در جنوب بهمنشیر ۵۰ کیلومتر

بنابراین جمع کل کار احداث جاده تا قبل از عملیات والفجر ۸ در منطقه اروند، بالغ بر ۴۷۳ کیلومتر و ترمیم اسفالت جاده‌های موجود ۱۱۰ کیلومتر بوده است.

۳ - طراحی عملیات

عملیات والفجر ۸ در زمینه طراحی مانور و اتخاذ تاکتیکهای عملیاتی، عمدتاً چند مسأله را رویاروی خود داشت:

الف - عبور از رودخانه (پیاده و وسائل سنگین مهندسی، زرهی)
ب - شکستن خط دفاعی دشمن که در ساحل رودخانه و همراه با موانع و استحکامات بود.
ج - پاکسازی نخلستان و جنگ در شهر
د - مراحل پیشروی و پدافند

عبور از رودخانه (پیاده) و شکستن خط، اساساً یک موضوع عمده را تشکیل می‌داد، زیرا لازمه شکستن خط عبور از رودخانه بود.

عبور از رودخانه و شکستن خط

بحث عبور شامل سه مرحله می‌شد: عبور غواص و قایق و شکستن خط، عبور یگانهای مانوری با قایق‌ها و دیگر وسایل شناوری و در آخر پس از تأمین سرپل تصرف شده در ساحل رودخانه، عبور وسائل سنگین صورت می‌گرفت.

همچنین عبور از رودخانه به لحاظ تسلط دشمن بر روی آب و نیز جریانات مختلفی که آب رودخانه داشت، نیازمند شرائط خاصی بود. به‌هنگام تک می‌بایستی نهرهای عمود بر رودخانه اروند، مملو از آب باشد تا پشتیبانی یگان‌های مانوری بوسیله قایق، امکان‌پذیر گردد و همچنین نیروها بتوانند در ساحل دشمن از موقعیت مناسبی برای سازماندهی برخوردار باشند و با آرایش

مناسب و به صورت منسجم به خطوط بعدی دشمن تهاجم نمایند.

شکستن خط دشمن در ساحل رودخانه اروند به‌دور از مشکلات نبود؛ لذا تدابیر مختلفی در نظر گرفته شد تا توقفی در آن حاصل نشود. بدین معنا که قایق‌های تیزرو و آتش ساحلی، که از سلاحهای مختلف تشکیل شده بود، برای شکستن خط منظور گردید.

مأموریت نیروهای خط شکن در موج اول که اساساً بوسیله غواص صورت می‌گرفت خاموش کردن تیربارهای دشمن، راهنمایی و هدایت موجهای دوم به معابر وصولی که از دشمن پاکسازی شده بود، باز نمودن معابر و نیز در اختیار گرفتن ساحل خودی و تأمین آن به منظور استمرار «تک» بود.

در این زمینه مشکلات متعددی وجود داشت مانند نفوذ آب به‌داخل سلاحهای انفرادی، مشکلات عبور نیرو و تجهیزات از رودخانه.

فقدان چولان به منظور پوشش در بعضی از مناطق و بالطبع عدم امکان استتار و اختفاء و... که تماماً طی تلاشهای مستمر و پرحجمی که صورت گرفت با اتخاذ تدابیر مناسب برطرف گردید.

پاکسازی

پاکسازی دشمن در منطقه عملیات، که عمدتاً پوشیده از نخلستان بود به منظور از میان برداشتن هرگونه مقاومتهای پراکنده و یا متمرکز دشمن و در نتیجه امکان تثبیت و تأمین منطقه تصرف شده انجام می‌گرفت.

گذشته از این پاکسازی مناسب دشمن و نابودی هرگونه آثار حضور دشمن در منطقه، عملاً زمینه‌ساز تحقق مراحل بعدی عملیات محسوب می‌شد؛ البته بازپس‌گیری منطقه از سوی دشمن مشکلات زیادی را در بر داشت زیرا که امکان مانور زرهی در نخلستان محدود و متکی به‌جاده بود و نیروی پیاده دشمن نیز بعلت فقدان روحیه لازم برای جنگ تن‌به‌تن توانایی رویارویی با رزمندگان ما را نداشت.

مراحل پیشروی و پدافند

مرحله اول: – پس از عبور و شکستن خط و پاکسازی نخلستان عملاً مرحله اول با دست‌یابی به شهر فاو و پایگاه موشکی به پایان می‌رسید، براین اساس به منظور ادامه عملیات،

چنین تدبیر شده که استفاده مطلوب از عوارض طبیعی و مصنوعی صورت گیرد. مضافاً بر اینکه امکانات غنیمتی از دشمن تا اندازه‌ای نیازمندیهای تعجیلی در وضعیت اولیه عملیات را مرتفع می‌ساخت لکن از این به بعد مسأله اساسی عبور وسائل سنگین بود که می‌بایست صورت می‌گرفت.

مرحله دوم - پس از مرحلهٔ اول می‌بایستی سه راهی تقاطع مقابل شهر فاو حفظ می‌شد تا از هرگونه رخنه احتمالی دشمن به شهر جلوگیری به‌عمل آید.

مرحله سوم - در این مرحله عمدتاً تلاشهای مهندسی در ایجاد مواضع مناسب جهت رویارویی با پاتکهای دشمن و تشکیل خط مناسب در نزدیکی کارخانه نمک، منظور شده بود. در این میان به تناسب اولویت‌ها و اهمیت زمین منطقه که نحوهٔ خاصی از پدافند را به نیروهای خودی دیکته می‌نمود، تدابیر مناسبی اتخاذ گردید.

همچنین قابل ذکر است که در این میان طرحهای متعدد پدافندی، شیوهٔ خاصی از پدافند بنام «دفاع عاشورایی» اتخاذ شد که نام آن خود نشانگر عزم راسخ رزمندگان در حماسه آفرینی و نیز حفظ منطقه تصرف شده، به هر شکل ممکن بود.

بدین قرار براساس وضعیت منطقه و جاده‌های موجود، محورهای مختلفی با فرماندهی مشخص در نظر گرفته شد تا نیروها، از انسجام مناسب‌تری در مقابل پاتکهای دشمن برخوار باشند.

علاوه بر این احداث خاکریزهای مختلف، که نقش مؤثری در بازدارندگی پاتکهای دشمن داشت، در نظر گرفته شد.

هـ - عبور وسائل سنگین

تحقق مراحل عملیات و نیز تثبیت و تأمین منطقه تصرف شده اساساً بستگی به مسأله عبور وسایل سنگین داشت که طبیعتاً با مشکلاتی همراه بود. بدین‌جهت، به منظور حل معضلات عبور وسائل سنگین، بحث و بررسی‌های متعددی صورت گرفت که قسمتی از آن عمدتاً در زمینه‌های:

تأثیرات موقت جزر و مد،

محورهای عبور،

محل تخلیه،

ساحل سازی جهت بارگیری،

میزان عبور،

مدت زمان بارگیری،

و نحوهٔ استتار وسائل عبور در روز بود،

عبور وسائل سنگین به سه مسأله اساسی بارگیری، حمل و تخلیه، اتکاء داشت. در این زمینه امکانات گوناگون مانند صفحه پی. ام. پی، طارق، هاورکرافت، دوبه و... در نظر گرفته شد که پس از آن ساحل سازی و نصب پل در اولویت‌های بعدی قرار داشت.

البته ساحل دشمن در دو نقطه بدلیل آمادگی لازم، مشکل خاصی را نداشت لیکن در ساحل خودی می‌بایستی تلاشهای لازم انجام و تدابیر مناسب اتخاذ می‌گردید؛ از آن جمله می‌توان، پهن کردن فرش باتلاقی، کارگذاردن سطحه، تراورس، گاویون، نخل، پل خیبری ۲ و... درکنار اروند را نام برد.

گذشته از این ۴ نوع پل، کوثری (سبک نفررو) - خیبری ۱ و ۲، طرح خضر و پل دوبه‌ای طراحی و تهیه گردید.

و - پشتیبانی عملیات

امر پشتیبانی به دو مبحث، «پشتیبانی رزمی» و «پشتیبانی خدمات» تقسیم می‌شد.

نیروی هوایی جمهوری اسلامی در عملیات والفجر ۸ با پیشنهاد سپاه پاسداران قرارگاهی را تحت عنوان «رعد» با فرماندهی شهید بابایی[1] ایجاد نمود که درکنترل عملیات فرماندهی کل سپاه در صحنه نبرد بود و براین اساس مأموریتهای زیر به‌آن ابلاغ گردید:

۱ - پشتیبانی نزدیک با حملهٔ هوایی به‌دشمن

۲ - پدافند هوایی منطقه و مقابله با حملات هوایی دشمن

۳ - تخلیه مجروحین از فرودگاه‌های عقبه

۴ - تهیه عکس هوایی از وضعیت دشمن

همچنین به منظور کسب آمادگی لازم به تناسب مأموریت واگذاری، مانورهای متعددی

---

۱ ـ علیرغم اینکه شهید بابایی فرماندهی عملیات قرارگاه را بر عهده داشت لیکن بنا به حساسیتهای موجود و شرایط خاص آن مقطع که اساساً برای حفظ و تثبیت فاو نیاز به ایثار و از خودگذشتگی بود، این شهید بزرگوار خود بیش از ۶۰ ساعت پرواز انجام داد و همانند بسیجیان با تلاش و ایثار مخلصانه، به جبران کمبودها پرداخت.

توسط این قرارگاه صورت گرفت و چنانچه ذکر شد قسمتی از مأموریت قرارگاه رعد تأمین پدافند هوایی منطقه بود که در این زمینه سپاه پاسداران و نیروی هوایی به طور مشترک در زمینه بکارگیری امکانات موجود هماهنگی‌های لازم را ایجاد کردند.

آنچه که اساساً ضرورت پدافند هوایی را روشن نمود و منجر به اتخاذ تدابیر فوق شد، تجربه عملیات بدر و تلاشهای دشمن در اثبات برتری هوایی خود بود.

براین اساس و به منظور برخورد جدی‌تر با امر پدافند هوایی عملاً روشهای مناسب‌تری گزینش شد و به‌دنبال آن انواع مختلف سلاحهای ضد هوایی از جمله: سایت موشکی، انواع توپهای ضدهوایی و... عملاً به گونه‌ای تنظیم شد تا دشمن در ارتفاع بالا در تیررس موشک زمین به هوا و در ارتفاع پائین بوسیله سلاحهای ضدهوایی مورد اصابت قرارگیرد.

همچنین قابل ذکر است که وجود عناصر ارزشمند و ایثارگر جهاد خودکفایی نیروی هوایی نقش برجسته‌ای را در امر سازماندهی و بکارگیری مناسب سلاحهای ضدهوایی ایفا نمود.

همانند قرارگاه رعد نیروی هوایی، قرارگاهی تحت عنوان «شهید سلیمان خاطر» توسط پرسنل و عناصر هوانیروز با مأموریتهای زیر تشکیل شد:

۱ - ترابری نیرو و تجهیزات

۲ - حمل مجروحین

۳ - هلی برد نیرو در صورت لزوم

۴ - پشتیبانی آتش نزدیک

قابل ذکر است که قبل از عملیات، با توجه به مأموریت محوله، آموزشهای لازم و مانورهای متعدد برای آمادگی بیشتر، توسط این قرارگاه انجام گرفت و بدین ترتیب بود که توانستند تلاشهای چشمگیر و ایثارگرایانه‌ای را انجام دهند.

- لجستیک و تدارکات

همزمان با طراحی عملیات والفجر ۸ و مشخص‌تر شدن ضرورت پشتیبانی عملیات، کمیسیون ویژه‌ای در هیئت دولت، متشکل از وزارت خانه‌های مختلف، راه و ترابری، کشاورزی، نیرو، مسکن و شهرسازی، صنایع سنگین، صنایع و معادن، مخابرات، دفاع، جهاد سازندگی و سپاه پاسداران، تشکیل شد. پس از آن دو کمیته بنام «مهندسی رزمی» و «مهندسی صنعتی» بوجود آمد تا به صورت اساسی‌تری در امر جنگ مشارکت نموده و نیازهای موجود را برطرف نماید.

از جمله محسنات اقدام جدید دولت افزایش توان اجرایی مهندسی جنگ و فزونی یافتن کیفیت اقدامات مهندسی، به لحاظ بکارگیری تخصص‌ها و امکانات بالفعل و بالقوه موجود در وزارتخانه‌ها بود.

در پایان تنها به قسمتی از مأموریتهای واگذاری به وزارتخانه‌ها اشاره می‌شود:

- وزارت نیرو: نصب دکلهای مخابراتی و دیده‌بانی
- مسکن و شهرسازی: ساخت بیمارستانهای متعدد، سایت و...
- کشاورزی و راه و ترابری: جاده سازی و بازسازی و مرمت جاده‌های منطقه
- وزارت سپاه: ستاد فوریتها در رابطه با مهندسی صنعتی که قسمتی از عمده‌ترین کارش پیگیری و ساخت طارق بود و قایق‌ها و...
- وزارت جهاد سازندگی:[۱]
- وزارت صنایع: ساخت دوبه‌ها

طراحی آتش

عبور از رودخانه عمدتاً ضرورت بکارگیری آتش را در ابعاد مختلف تعیین می‌نمود؛ بدین معنا که برای عبور می‌بایست، سد آتش قوی و مناسبی در مقابل دشمن ایجاد گردد تا برای انتقال وسائل مهندسی، ادوات زرهی، ضد زره و توپخانه به آن طرف شط، فرصت مناسب ایجاد و بدین وسیله با انجام عملیات تأخیری از سوی توپخانه، زمان لازم از دشمن گرفته شود.

علاوه بر این گسترش عمق و عقبه دشمن در عرض جبهه این امکان را به نیروهای خودی می‌داد که در منطقه تک، آسیب عمده و قابل توجهی را به یگانهای دشمن که در حال پاتک می‌باشند، وارد نموده و سازماندهی و روحیه آنان را از هم بپاشد.

---

۱ - جهاد سازندگی از بدو تشکیل تا ادغام با وزارت کشاورزی همواره در تمامی صحنه‌های انقلاب، از کار عمرانی در روستاها تا کار فرهنگی در استانهای محروم (کردستان، سیستان و بلوچستان و...)و نیز جنگ تحمیلی حضور فعالانه داشت و در این راه زحمات جانکاه و توانفرسایی را متحمل شد، در طول این جنگ تحمیلی جهاد سازندگی گامهای بلندی در خصوص انجام مهندسی، پشتیبانی و... برداشت. احداث سنگر در خطوط مقدم و در زیر آتش دشمن تا احداث و ترمیم جاده‌ها تنها قسمتی از جلوه‌های نورانی تلاش برادران جهادگر بود؛ اقداماتی که قلم یارای ترسیم و بیان تمام ابعاد و زوایای آن را ندارد.

در اینصورت نیروهای پاتک کننده قبل از رسیدن به منطقه درگیری صدماتی را متحمل شده و فاقد روحیه لازم برای جنگ می‌شدند.

در این میان طرح ریزی آتش عمدتاً بر روی جادهٔ اول و نخلستان، زدن تقاطع جاده‌ها، اسکله چهار چراغ و شمال منطقه عملیاتی والفجر ۸ منظور شده بود.

قابل ذکر است که در این زمینه سه مشکل اساسی وجود داشت:

۱ - زمین منطقه

۲ - رعایت غافلگیری

۳ -کمبود امکانات

بدین معنی که سستی زمین منطقه لزوماً نیازمند زیرسازی مناسب برای استقرار موضع توپخانه است و رعایت غافلگیری، عمدتاً باعث تأخیر در انتقال توپخانه‌ها و بنه‌های آنها می‌شد.گذشته از این، تحویل و انتقال نیمی از توپخانه‌های مورد نیاز در عملیات از نیروهای زمینی ارتش جمهوری اسلامی - نظر به‌اینکه این نیرو برای عملیات در شلمچه و زید آماده می‌شد - مشکلاتی را در بر داشت.

۴ - جمع‌آوری اطلاعات

فعالیت عناصر شناسایی با فاصله اندکی پس از عملیات بدر آغاز شد. در این مدت اقدامات زیر صورت گرفت:

۱ - دیده بانی مستمر از فعالیتهای گوناگون دشمن

۲ - تهیه شناسنامه نهرها و جاده‌ها و زمین منطقه خودی

۳ - تهیه نقشه و کالک منطقه

۴ -کنترل فعالیتهای دریایی دشمن توسط رادارهای دریایی.گذشته از این شناسایی‌های لازم از زمین منطقه و تأثیرگذاری باران برآن، طول و عرض و میزان فشردگی نخلها، طول و عرض نهرها و تأثیر جزر و مد بر روی آن.

انواع مختلف جاده‌ها اعم از شنی، اسفالت و نیز ارتفاع آن از سطح زمین، روئیدنی‌های کنار ساحل، وسعت و چگونگی گل و لای آن و تأثیرگذاری جزر و مد بر روی آن و... صورت گرفت.

در این مدت عمدتاً در سه زمینه به طور مشخص اطلاعات لازم بدست آمد:

۱ - خط مقدم دشمن
۲ - موانع و استحکامات موجود در منطقه
۳ - مشخص نمودن معابر وصولی عملیات

- خط مقدم دشمن

خط مقدم دشمن به شکل دیواره‌ای در سرتاسر حاشیه اروند در حد تقریبی مد آب قرار داشت و ارتفاع آن بین ۱ الی ۲ متر متغیر بود. مواد تشکیل دهنده این خط در نقاط مختلف فرق می‌کرد ولیکن عمدتاً از خاک ریز، کیسه گونی خاک، تنه درختان نخل و همچنین سنگرهای بتونی، تشکیل شده بود. علاوه بر این سنگرهای دیگری وجود داشت که بتونی، تشکیل شده بود. علاوه بر این سنگرهای دیگری وجود داشت که از الوان پلیت و کیسه‌گونی پر از خاک احداث شده، فاصله آنها بین ۲۰ تا ۳۰ متر بود.

سنگرهای دشمن عمدتاً به‌گونه‌ای طراحی شده بود که تسلط کامل بر روی آب و ترددهای احتمالی آن را فراهم می‌ساخت.

- موانع و استحکامات دشمن

دشمن بنا به استراتژی پدافندی‌اش که عمدتاً پس از عملیات بدر اتخاذ نمود، مبادرت به ترمیم و تکمیل مواضع خود در غرب رودخانه اروند از مقابل جزیره ام‌الرصاص تا رأس البیشه، کرد.

در این منطقه مواضع دشمن جهت ممانعت از نفوذ نیروی پیاده، عبور قایق و هاورکرافت و نیز پهلوگرفتن شناورهای سنگین، طراحی شده بود.

موانع دشمن عمدتاً از ابتدای ساحل و در میان گل و لای آغاز و تا سنگرهای رده دوم ادامه داشت. نیروهای دشمن غالباً در اوقاتی که آب در حالت جزر بود، در ساحل رودخانه کار خود را آغاز می‌کردند.

در این میان دشمن از انواع سیم خاردار رشته‌ای، حلقوی و فرشی در ردیفهای مختلف و به اشکال متفاوت استفاده کرده و نیز شاخک‌های فلزی از نوع نبشی و میل گرد به شکل هشت‌پرهای مختلف معروف به خورشیدی، نصب نموده بود.

در بسیاری ازنقاط مین‌های منور نیز تعبیه شده بود؛ بدین شکل که با نصب آن بر روی

هشت پرهای فلزی، به‌صورت تلهٔ انفجاری عمل می‌کرد.

علاوه بر این، دشمن در لابلای میادین مین و سیم خاردار سنگرهای کمین و استراق سمع، که فاصله آنها از یکدیگر متفاوت و کمترین آنها به حدود ۲ متر می‌رسد، قرار داده بود.

همچنین دیوار دفاعی جدیدی را از چزابه تا فاو احداث کرده بود که در تبلیغات خود از آنها بنام «حصون» نام می‌برد.

شرح عملیات

در ساعت ۲۲/۱۰ دقیقه روز ۶۴/۱۱/۲۰ توسط آیت‌الله هاشمی رفسنجانی، فرماندهی کل جنگ فرمان حمله با قرائت رمز عملیات صادر شد:

بسم‌اللّه‌الرحمن‌الرحیم. لاحول ولا قوة الا باللّه العلی العظیم. وقاتلوهم حتی لاتکون فتنه. یا فاطمة الزهرا، یا فاطمةالزهرا، یا فاطمةالزهرا.

یگانهای نیروی زمینی سپاه پاسداران با پشتیبانی آتش طرح‌ریزی شده و شلیک بیش از هزاران گلوله، تهاجم خود را در محورهای مورد نظر آغاز و مبادرت به شکستن خط کردند.

با توجه به احتمالاتی که در زمینه هوشیاری دشمن مطرح بود، شکستن خط، پاکسازی وگرفتن سر پل مناسب، نقش اساسی را در تضمین موقعیت عملیات داشت. غواصها می‌بایستی معابر را باز کرده تا نیروهای قایق سوار بتوانند از این معابر وارد ساحل دشمن شده و تا روشنایی صبح منطقه را جهت استحکام سرپل پاکسازی کنند.

نحوهٔ عکس العمل دشمن در لحظات اولیه عملیات و رویارویی با موجهای گسترده نیرو که سراسر خط دشمن را مورد تهاجم قرار داده بودند، غیرمنتظره و تعجب برانگیز بود؛ چنانچه از سوی یکی از فرماندهان دشمن به رده بالاتر وضعیت اولیه چنین گزارش می‌شود:

«دشمن (ایران) مانند سیل توسط قایق نیرو پیاده می‌کند و باز می‌گردد، اگر چاره‌ای نکنید احتمالاً می‌روند ام‌القصر را هم بگیرند، وضعیت ما بسیار بد می‌باشد».

دشمن در همان لحظات اولیه به دلیل گستردگی محورهای هجوم و انجام تک پشتیبانی (ام‌القصر) نسبت به عملیات احساس خطر می‌نماید. در این میان صدام به منظور آرام نمودن وضعیت و زایل کردن هراس نیروهای عراقی، در پاسخ گزارش یاد شده می‌گوید: «مقاوم باشید، سه لشگر زرهی می‌فرستیم و ایرانیها را شکست می‌دهیم».

گسترش وضعیت و تأمین هدفهای عملیات، در همان شب اول چنان غیرمنتظره بود که نیروهای پشتیبانی می‌بایستی برای تأمین مراحل بعدی عملیات در صبح یا شب دوم عملیات به‌کار گرفته می‌شدند، در ساعت ۱۲ نیمه شب وارد منطقه شدند تا به سمت اهداف خود حرکت نمایند.

پس از پاکسازی خط اول، در ادامه کار دو مسأله عمده در پیش روی رزمندگان قرار داشت: دور زدن و محاصره شهر و حضور در محور ساحلی واقع در جناح شمالی.

حضور در دو محور یاد شده، نقش مؤثری را در مقابله با پاتکهای دشمن و نیز تثبیت و تأمین سرپل اولیه داشت. لذا دو لشکر پرتوان و قدرتمند سپاه که مأموریت دستیابی به اهداف فوق را داشتند، به منظور پاکسازی و الحاق خط اول، تلاش خود را شروع کردند؛ بدین‌ترتیب قبل از روشن شدن هوا و پس از در هم شکستن مقاومتهای ضعیف دشمن، یگان مأمور جهت تصرف شهر فاو، ابتدا با حضور در مدخل ورودی شهر به محاصرهٔ آن پرداخت.

در جنوب شهر فاو نیز یکی دیگر از یگانها با طی نمودن مسافت زیادی در عمق، به صورتی باور نکردنی خود را به خورعبدالله رساند به طوری که این امر موجب گردید شهر فاو از شمال و جنوب به محاصره رزمندگان درآید.

در محور شمالی شهر فاو در چند منطقه دو یگان عمل کننده به لحاظ رویارویی با دشمن و همچنین مشکلات عبور از اروند رود مقداری دچار کندی در حرکت گردیدند. ولی منتهی الیه محور ساحلی که کلید حفظ منطقه محسوب می‌شد، با خیز بلند نیروها به تصرف درآمد. ورود یگان بعدی که برای تصرف خط کارخانه نمک در نظر گرفته شده بود، موجب پیوستگی و تأمین خط پدافندی مرحله اول گردید.

پیش بینی می‌شد در صبح عملیات، مناطقی که جبهه را تهدید خواهد کرد، عمدتاً محورهای ساحلی و جاده استراتژیک فاو - بصره باشد. بدین‌ترتیب با حضور در دو محور یاد شده، عملاً اطمینان خاطر لازم بوجود آمد.

پاکسازی والحاق

پاکسازی جنوب شهر فاو و باقیماندهٔ نیروهای پراکنده و غیرمنسجم دشمن، که در منطقه به صورت سرگردان حضور داشتند، دنبال می‌شد. حضور پرقدرت نیروها پس از محاصره شهر فاو و نیروها در محور ساحلی و نیز دستیابی به خور عبدالله در جنوب فاو، پاکسازی عناصر باقیمانده

دشمن در رأس البیشه -که بعضاً با مقاومتهای پراکنده خود مشکلاتی را ایجاد می‌کردند- آغاز شد. بر این اساس ابتدا، رزمندگان با هجوم به تیربار دشمن در خط مقدم رأس البیشه آن را خاموش نموده، سپس به امر پاکسازی نخلستان شمال و جنوب شهر مبادرت ورزیدند. در نتیجه یگان مأمور به تصرف شهر فاو، پس از رفع موانع موجود و مقابله با مقاومت‌های پراکنده دشمن، توانست با انهدام مقر تیپ ۱۱۱ و به اسارت گرفتن فرماندهٔ آن، شهر را به صورت کامل پاکسازی کند.

همزمان با پاکسازی شهر و سایر قسمت‌های منطقه، چندین یگان به منظور ادامهٔ عملیات، از مقابل شهر فاو، حرکت خود را جهت اهداف مورد نظر و تأمین آن آغاز کردند و قبل از فرا رسیدن تاریکی شب، ضمن انهدام دشمن، تا دومین پایگاه موشکی پیشروی نمودند. در نتیجه تا پایان روز اول، رزمندگان موفق به‌تصرف شهر فاو، پاکسازی کامل منطقه و حضور در شمال فاو (محور ساحلی) شدند و بدین ترتیب مراحل اول و دوم عملیات انجام پذیرفت و اهداف مورد نظر با موفقیت تأمین گردید.

وضعیت دشمن

پس از آغاز شکسته شدن خط از سوی نیروهای خودی، تلاشهای چشمگیر و اساسی از سوی دشمن مشاهده نگردید. دشمن در این عملیات به دلیل تحقق امر غافلگیری، وضعیتی متفاوت با سایر عملیاتها داشت چنانچه مقاومت و تلاش ارتش عراق به جز در چند محور مانند رأس البیشه و مقر تیپ ۱۱۱، چشمگیر و قابل توجه نبود. گذشته از این تحرکات دیگری از سوی دشمن مشاهده شد که عمدتاً عبارت بود از:

- مقاومت پراکنده نیروهای باقیمانده در حدفاصل یگانها،
- تظاهر به ضد حمله نیروهای باقیمانده در اطراف پایگاه موشکی و محور ساحلی و ضد حمله‌های کم حجم و بدون اثر توسط یگانهای احتیاط منطقه طی این روز به لحاظ وضعیت آشفته و درهم ریخته دشمن وعدم اطلاع کامل تمام نیروها و عناصر از وقوع عملیات و ابعاد و گستردگی آن، مسئولیت لجستیک و پشتیبانی را عهده‌دار بود، بدون اطلاع از حضور نیروهای اسلام در فاو، وارد منطقه عملیاتی می‌شدند و این امر موجب گردید تلفات زیادی بر دشمن وارد شود. گذشته از این تحرک بارزی از دشمن، در زمینه تکهای هوایی مشاهده نگردید و تنها چندین بار عقبه

نیروهای خودی در شرق اروند رود و نیز ساحل دو طرف آن، مورد بمباران هواپیماهای دشمن قرار گرفت که مسأله قابل توجهی نبود.

مقاومت در محور ساحلی

نظر به‌اهمیت محور ساحلی و حساسیت دشمن نسبت به آن، همانطورکه پیش بینی می‌شد، پس ازگذشت ۳۶ ساعت، عراق اولین فلش پاتک خود را متوجه آن سمت کرد. دشمن ابتدا لشکر ۵ را به سرعت وارد منطقه نمود و پس از آنکه نیروهای این لشکر به نزدیکی کارخانه نمک رسید، آرایش گرفته و پاتک خود را به محور ساحلی شروع کردند. طی مدت کوتاهی دوبار و به طور جدی درگیری شدت گرفت به صورتی که در بعضی از محورها نبرد تن به تن صورت می‌گرفت و در نهایت دشمن موفق به پیشروی نشد. نیروهای خودی پس از آن به منظور ایجاد خطوط دفاعی مستحکم، با استفاده از وسایل مهندسی (لودر، بولدزر و...) که تا روز دوم منتقل شده بود، موفق به ایجاد خاکریزهای کوتاه و محدودی گردیدند.

نظر به‌اینکه نیروهای دشمن اهمیت محور ساحلی را درک می‌کردند، در روز بعد مجدداً تلاشهای جدی و تازه خود را متوجه محور ساحلی کردند. سرعت در انتقال و عبور دستگاههای مهندسی وایجاد خطوط دفاعی مطمئن و به یاری آمدن سایر یگانها، عملاً از پیشروی دشمن ممانعت به عمل آورد و پس از چند روز با اتخاذ تدابیر لازم، این محور نفوذناپذیر شد و دشمن نیز از آن ناامید گردید.

شروع تلاشهای اساسی از جانب دشمن

تا روز سوم عملیات، دشمن تنها با نیروهای لشکر ۵ و باقیمانده نیروهای موجود در منطقه به مقابله می‌پرداخت. طی این مدت رژیم صدام تصور می‌کرد، محوراصلی عملیات «هورالهویزه» است و طبعاً درک صحیح و مناسبی از موقعیت عملیات نداشت. علاوه بر این از هم پاشیدگی نیروهای موجود در منطقه و نیز انجام حمله از محور «ام الرصاص» که به لحاظ نزدیکی به بصره، این شهر را در معرض تهدید قرار می‌داد و همچنین امکان مسدود نمودن عقبه دشمن، پس از عبور نیروهایش به سمت فاو و رأس البیشه، دشمن را دچار سردرگمی ساخت و قسمتی از تلاش او را به‌حل محور «ام الرصاص» معطوف نمود. اما سرانجام پس از سه روز، دشمن متوجه اساسی بودن

عملیات فاو شد و به صورت جدی وارد میدان گردید.

پیش آمدن وضعیت یاد شده عملاً «زمان» لازم را از دشمن به منظور مقابله گرفت و زمینه‌های گسترش سرپل و حفظ تحکیم مواضع بدست آمده را فراهم کرد. پس از ناکامی تلاشهای اولیه دشمن، که عمدتاً با لشکر ۵ شروع شد، دشمن اقدام به وارد کردن لشکر گارد ریاست جمهوری نمود؛ بدین شکل که قرارگاه تاکتیکی ستاد مشترک عراق در شهر ناصریه به فرماندهی نیروهای گارد جمهوری اعلام نمود، باید هر چه سریع‌تر با تمام امکانات برای سد کردن حمله رزمندگان و بازپس‌گیری مناطق تصرف شده تحت امر سپاه هفتم وارد عمل شود. براین اساس و به‌دنبال تصمیم‌گیری عجولانه ستاد عملیات جنوب عراق، تیپهای ۳ و ۴ نیروی مخصوص گارد جمهوری وارد عمل شدند. دو تیپ مذکور در دو طرف و در امتداد جاده استراتژیک فاو - بصره گسترش یافته، به سمت شهر فاو حرکت نمودند. قبل از آغاز درگیری، نیروهای خودی به دلیل دید و تیر بر عقبه‌های دشمن و آرایش مناسب توپخانه‌ها، آتش پر حجم و سنگینی را بر روی نیروهای گارد اجرا کردند که بر اثر آن ۳۰٪ آنها به هلاکت رسیدند.

ضمناً در همین روز به گردان کماندویی تیپ ۱۰ زرهی از نیروی مخصوص نیز دستور داده شد که تا سه راهی کارخانه نمک - جاده ام القصر خود را گسترش دهد تا مانع از دور خوردن تیپهای ۳ و ۴ شود.

بدین ترتیب نیروهای گارد جمهوری پس از ورود به منطقه، شب را در پناه تانکها و خاکریزهای پراکنده، که به عنوان سنگر تانک مورد استفاده قرار می‌گرفت، به سر بردند تا پس از روشنایی هوا در روز بعد، حمله اساسی خود را شروع کنند.

قابل ذکر است که نیروهای خودی طی این مدت (۳روز) و تا استقرار نیروهای لشکر گارد، با استفاده‌از زمان بدست آمده توانستند، پایگاه‌های اول و دوم موشکی در شمال شهر فاو را فتح و خود را به ضلع جنوبی کارخانه نمک و پس از آن با گسترش شرقی - غربی به سمت جاده استراتژیک، روی جاده شنی تا کنار سه راهی کارخانه نمک، رسانده و در آنجا مستقر شوند.

درگیری با لشکر گارد

نیروهای خودی پس از درک موقعیت و نحوه گسترش عناصر لشکر گارد، فلش حملات خود را از سه محور زیر تنظیم نمودند:

نقشه عملیات پیروزمندانه والفجر ۸ و فتح فاو





Mahshahr
ماهشهر
بهمنشیر
Bahmanshir
ایران
Iran
عراق
Iraq
اروند رود
Arvand River
خسروآباد
Khosrow Abad
چویبده
Choibdeh
مینوحی
Minoohi
قفاص
Qofas
کویرین
Kavirin
XX
XXX
کربلا (+)
Karbala
XXX
نوح
Nooh
اروند کنار
Arvand Kenar
فاو
Fao
XX
26
7

Capabilities

250
200
150
100
50

۱ - جاده اول به سه راهی

۲ - از جاده شنی به پشت دشمن

۳ - از مقابل، روی جاده دوم و اطراف آن

براین اساس در همان تاریکیِ شب و هنگامی که نیروهای لشکر گارد در حال استراحت به سر می‌بردند، نیروهای خودی توانستند با استفاده از نقاط ضعف آنها، از آرایش مناسبی توأم با غافلگیری برخوردار شوند؛ چنانچه با آغاز درگیری، دشمن احساس نمود به‌طور همه جانبه، از روبرو و جناحین مورد تهاجم قرار گرفته است.

این حمله، همراه با اجرای انبوه آتش توپخانه، ادوات و سلاحهای سبک برای دشمن کاملاً غیرمنتظره بود، لذا عرصهٔ نبرد، بر آنها تنگ شده و حتی قادر به کوچکترین حرکت نشدند.

در صبح روز ۶۴/۱۱/۲۴، هنوز هوا به طور کامل روشن نشده بود که دشمن برای عقب زدن نیروهای خودی و به منظور پشتیبانی از لشکر گارد، ساعت ۵/۳۰ دقیقه صبح، مبادرت به حمله شیمیایی کرد، لیکن بمبهای شیمیایی در میان دو تیپ از لشکر گارد جمهوری فرود آمد و منجر به آلودگی ۷۰٪ از نیروهای آنها گردید؛ به‌طوریکه اکثر آنان، بینایی خود را از دست دادند. پس از این واقعه، نیروهای گارد سخت وحشت‌زده شده، مرتب درخواست کمک می‌کردند. با تلاش پیگیر فرماندهی لشکر گارد، تیپ ۴۳۳ به کمک تیپهای ۳ و ۴ فرستاده شد، لیکن در همان لحظات اولیه مورد حمله قوای اسلام قرار گرفت و پس از انهدام یک گردان، بقیه پا به فرار گذاشتند. گذشته از این با پیشروی رزمندگان اسلام تا کارخانه نمک و تصرف مقر لشکر ۲۶ در داخل کارخانه، فرماندهی سپاه هفتم که وحشت‌زده شده بود، ناچاراً منطقه را ترک کرد. در این بین نیروهایی که در محاصره قرار داشتند همچنان سعی زیادی می‌کردند که با بازیافتن خود از معرکه بگریزند، لیکن تدبیر مناسب نیروها و نیز آتش پرحجم و قدرتمند توپخانه، امان دشمن را بریده بود، چنانچه فرماندهٔ نیروهای محاصره شده، وضعیت خود را به فرماندهی رده بالا، چنین گزارش می‌نمایند:

«درگیری بسیار شدید می‌باشد و نیروها در محل خود، مقاومت می‌کنند! نیروهای مهندسی که قرار بوده امشب سنگرسازی گردانها را حل نمایند، اکثر آنها فرار کردند، گردانها وضع بسیار بدی را می‌گذرانند».

«ما از تمام جهات و از چهار طرف در محاصره دشمن قرار گرفته‌ایم. احتیاج به یک تیپ زرهی داریم که راه باز شود. لازم است این تدبیر، سریع انجام گیرد. به فرمانده لشکر ۲۶ بگوئید

یک گردان مکانیزه و توپخانه بفرستد که ما را پشتیبانی کنند. باید از جاده ساحلی (جاده فاو - البحار) نیروی کمکی برای تیپ ۳ و ۴ بفرستد، هر چند گران تمام شود».

«وضعیت ما بسیار بد و سخت می‌باشد، آتش توپخانه روی ما، بسیار مؤثر است و تلفات نفرات، با شمارش دقیقه افزونتر می‌شود. فعلاً در مواضع خود مقاومت می‌کنیم ولی بداد ما برسید».

پس از مسدود نمودن راههای کمک به نیروهای در حال محاصره و ناامیدی دشمن از اعزام نیروی کمکی، فرماندهی لشکر گارد خطاب به فرماندهی تیپ ۳ و ۴، به‌عنوان آخرین راه حل، «جنگ و گریز» و «فرار» را توصیه می‌کند:

«شما با جنگ و گریز بیائید بیرون، چون خبر محاصره به بغداد رفته است. شما اگر می‌توانید آبروی لشکرتان را بخرید و بیائید عقب. ما کاری نمی‌توانیم بکنیم.»

پس از ابلاغ این فرمان، باقیماندهٔ نیروهای دشمن با ناامیدی، دست به تکاپو زدند و پس از ساعتی جنگ و گریز، حدود ۲ ساعت بعد از ظهر، تنها تعداد اندکی از نیروهای گارد ریاست جمهوری صدام، توانستند از مهلکه جان سالم بدر برند و اکثریت این نیروی ویژه به هلاکت رسیدند.

جنگ هوایی

همزمان با ورود لشکر گارد به منطقه، بعد از ظهر روز سوم، حمله وسیع و گسترده هوایی دشمن آغاز شد. حاکمان بغداد برای جبران عقب ماندگی در «نبرد زمینی» و نیز ممانعت از پیشروی رزمندگان اسلام، مبادرت به حملات هوایی پی در پی کردند. این تلاش در روز چهارم، ابعاد وسیع‌تری به خود گرفت؛ چنانکه نیروی هوایی دشمن با تمام توان وارد عمل شده و علاوه بر بمباران شیمیایی [1] به بمباران پلهای جزیرهٔ آبادان پرداخت.

در این میان آرایش مناسب سلاحهای ضدهوایی، در طی ۸ روز جنگ شدید هوایی، روزانه ۳ تا ۴ فروند از هواپیماهای دشمن را ساقط کردند.

---

۱ ـ نظر به اینکه چنین حوادثی، پس از ناتوانی دشمن، در غالب عملیاتها قابل پیش‌بینی می‌باشد، لذا ماشینهای حامل مواد خنثی کننده شیمیایی، در سرتاسر منطقه استقرار یافته بودند. علاوه بر این ماشینهای آتش نشانی که برای مقابله با حریق، در نخلستان حضور داشتند، با شستشوی نخلها، آلودگیهای موجود را برطرف می‌کردند.

پیدایش چنین وضعیتی، رعب زیادی را در دل خلبانهای عراقی ایجاد کرد، به گونه‌ای که وقتی وارد آسمان منطقه می‌شدند، بعضاً تنها در صدد خالی کردن بمبها در بیابان و فرار از تیررس گلوله‌های ضدهوایی و موشکهای زمین به هوا بودند. این رعب آنقدر افزایش یافته بود که حتی یک بار، پس از شلیک موشک وَ اصابت آن به هواپیما، خلبان هواپیمای دیگر دشمن، به خیال اینکه مورد اصابت قرار خواهد گرفت، هواپیما را رها کرده، به بیرون پرید.

در مجموع، تهاجمات وسیع هوایی دشمن نتوانست کاری از پیش برد و راه تدارکات نیروها را مسدود نماید. به ویژه اینکه تدابیر برادران جهاد سازندگی در زمینه احداث پل بر روی بهمن‌شیر، امیدواری دشمن مبنی بر انسداد عقبه‌ها را تبدیل به یأس نمود و بدینوسیله گام مهمی در تثبیت منطقه، برداشته شد.

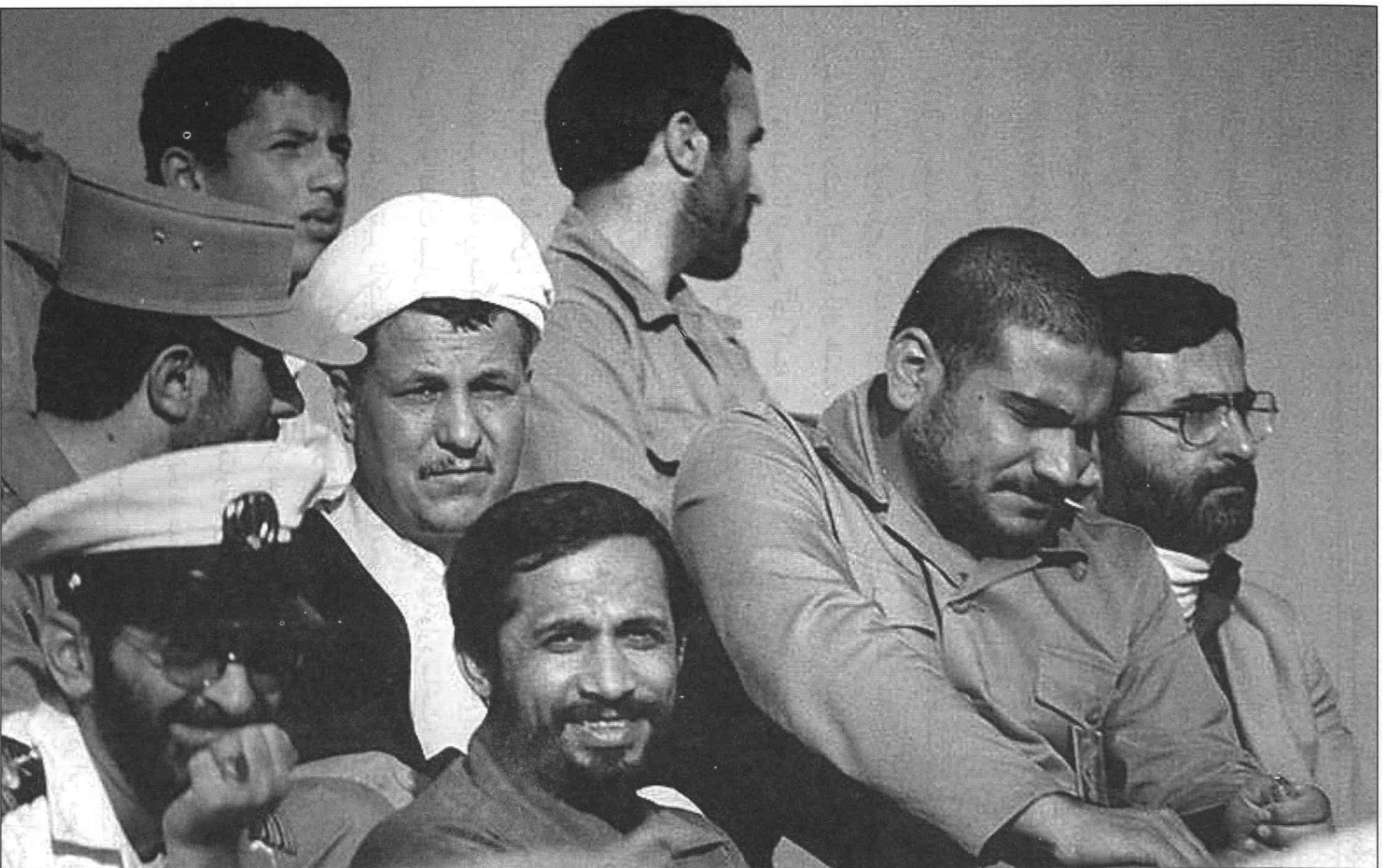
تصرف خط نهایی عملیات

طی پنج روز اول، نیروهای خودی در محور میانی جاده استراتژیک، محور ام‌القصر و کارخانه نمک، بر حملات خود شدت بخشیده و توانستند نیمی از کارخانه نمک را تصرف کنند و بر روی جاده ام‌القصر نیز، خطی موازی کارخانه نمک تشکیل دهند. همچنین در محور میانی، که دشمن شدیداً نسبت به آن حساس بود، رزمندگان طی چند شب درگیری متوالی، با در هم شکستن خطوط دشمن، در شب هشتم خود را به سه راهی کارخانه نمک رسانده و با احداث چند رده خاکریز بلند و آرایش مناسب ضد زره، در پشت آن مستقر شدند.

از روز هشتم به بعد با تشکیل خط مناسب پدافندی، دشمن که خود را به طور کامل باز یافته بود، پاتکهای خود را مجدداً آغاز کرد. بدین شکل که ابتدا، از جاده فاو - البحار، وارد شد که با مقاومت نیروهای خودی و سرانجام از دست دادن نفرات و انهدام تجهیزات، عقب نشست.

سپس از جاده استراتژیک، فلش اصلی تهاجم خود را بر روی سه راهی کارخانه نمک، متمرکز کرد. لیکن براثر اجرای آتش شدید خمپاره و توپخانه، انهدام قابل توجهی را متحمل شده، با به جا گذاردن هزاران کشته و زخمی، اقدام به عقب نشینی کرد.

پس از آن در روز یازدهم عملیات به منظور تکمیل خط پدافندی و تثبیت آن، در سراسر محور ساحلی و میانی، آب انداخته شد و بدین وسیله، دشمن از تلاش مجدد، در محورهای یاد شده، ناامید گردید.



از راست به چپ کمال خرازی، علی شمخانی، محسن رفیق دوست، اکبر هاشمی، مهدی هاشمی، علی صیاد شیرازی، اسفندیار حسینی

آتش سنگین توپخانه

در جریان حملات دشمن، در محورهای ساحلی و میانی، آتش توپخانه، نقش ویژه‌ای را در انهدام و عقب زدن نیروهای دشمن داشت؛ زیرا نیروهای آنها از آخرین نقطه عقبه خود، که از محور ام‌الرصاص عبور می‌کردند تا خط تماس در فاو، زیر دید و تیر نیروهای خودی قرار داشتند.

شدت آتش خودی بر روی دشمن، به حدی بود که تاب و توان مقاومت را از آنها، سلب می‌کرد. نیروهای عراقی که در طول ۵ سال جنگ، با چنین آتشی کمتر مواجه شده بودند، به شدت روحیه خود را باخته بودند؛ به‌طوریکه فرمانده یکی از تیپهای دشمن می‌گوید:

«آتش توپخانه دشمن (ایران) وسیع و بسیار سنگین و مؤثر است. تعداد ۶ دستگاه تانک ازکار افتاده است، توان رزمی به شدت پائین آمده، که براثر درگیری و آتش سه روز گذشته می‌باشد. توپخانه‌های دشمن (ایران) آزاد هستند. خواهش ما این است که آتش متقابل، روی منابع آتش دشمن زیاد شود تا از حجم آنها کاسته شود».

در چنین وضعیتی و با توجه به پاتکهای متوالی دشمن و شکست آنها و انهدام قابل توجه نیروهایش، روحیه ارتش عراق به شدت متزلزل گردید. به طوری که چند تن از فرماندهان رده بالا، خود را تسلیم نیروهای اسلام کردند.

تغییر تاکتیک دشمن

مقابله سرسختانه رزمندگان، در محورهای ساحلی و جاده استراتژیک، امکان پیشروی را به دشمن نداد و تلفات بسیار سنگین و قابل ملاحظه‌ای را بر آنها وارد ساخت؛ به‌گونه‌ای که این وضعیت، منجر به تغییر تاکتیک دشمن در «رزم» و «محور عملیات» گردید. براین اساس که نیروهای عراقی در تدبیر جدید خود، وارد کارخانه نمک و محور ام‌القصر شده، به کارگیری «نیروی پیاده» را جایگزین «نیروی زرهی» کردند.

اولین تلاش در محور ام‌القصر با درایت و مقاومت رزمندگان، در هم شکسته شد. تهاجم بعدی دشمن که از داخل کارخانه صورت گرفت، به لحاظ عدم حضور جدی نیروهای خودی، موجب گردید یکی از مربعی‌های داخل کارخانه، به تصرف دشمن درآید. لیکن بلافاصله با تقویت آن محور و تلفاتی که بر دشمن وارد شد، عملاً حرکت آنها متوقف گردید. دشمن در این محور، برای هر ۴۰۰ متر یک تیپ قرار داده بود و در هر حمله از چند تیپ استفاده می‌کرد که هرکدام پس از

آسیب دیدگی و تلفات وارده، مجبور به عقب‌نشینی می‌شدند.

در مقابله با پاتکهای دشمن در محور ام‌القصر و کارخانه نمک، جنگنده‌های نیروی هوایی و هلی کوپترهای هوانیروز نقش مؤثری را ایفا کردند. به صورتی که بمباران عقبه‌های دشمن در محور جاده دوم و سوم و شکار تانکهای آنان، تلفات سنگینی را بر دشمن وارد ساخت.

تیم‌های آتش هوانیروز، نیز در یک تلاش چشمگیر در بالای سر دشمن حاضر بوده و با شروع هر حمله از جانب دشمن، آنها نیز با شجاعتی تحسین برانگیز به اجرای مأموریت می‌پرداختند*.

---

* ـ رجوع کنید ← کتاب سیری در جنگ ایران و عراق ـ ۲، خرمشهر تا فاو، محمد درودیان، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، ۱۳۷۸، تهران.

عملیات والفجر ۸
از نگاه دیگران

◻ عبدالحلیم ابو غزاله
وزیر دفاع مصر در دوران جنگ تحمیلی

ایران در حملات خود در سال‌های ۱۹۸۴ و ۱۹۸۵ [۱۳۶۲ و ۱۳۶۳] خسارات بسیار متحمل شد، اما امید خود را برای ساقط کردن حکومت صدام حسین از دست نداد. فرماندهی ایران همچنان در تلاش برای یافتن راه هجوم در مرداب‌های شرق بصره بود و طرح حمله به جنوب عراق و تسلط بر شبه جزیره فاو و ام‌القصر را تکمیل می‌کرد. ایران با مشکلات پیچیده‌ای دست و پنجه نرم می‌کرد. این کشور قادر به بسیج کردن بیش از یک میلیون تن نبود. ارتش حدود ۳۰۵ هزار و سپاه و بسیج حدود ۳۵۰ هزار تن نیرو داشتند. ایران تقریباً ۱۰۰۰ تانک رزمی و حدود ۱۴۰۰ خودرو زرهی و بین ۶۰۰ تا ۸۰۰ واحد توپخانه داشت و نیروی هوایی ۳۵ هزار نفره ایران حدود ۸۰ فروند پرنده قابل استفاده داشت.

در مقابل، ارتش عراق و جیش شعبی حدود ۸۰۰ هزار تن نیرو داشتند که ۲۳۰ هزار تن آنها

سرباز احتیاط بودند. عراق حدود ۴۵۰۰ تانک رزمی، ۴۰۰۰ خودرو زرهی و بیش از ۵۰۰۰ واحد توپخانه داشت. نیروی هوایی ۴۰ هزار نفره این کشور نیز ۵۰۰ پرنده قابل استفاده داشت.

اولین هجوم اصلی را در سال ۱۹۸۶ [اواخر سال ۱۳۶۴]، عراق انجام داد. چند هفته طول کشید تا تدارکات عملیات در نزدیکی مجنون جمع‌آوری شود و جاده‌های منتهی به این جزایر بهسازی شود. عراق سپس سطح آب را پایین آورد و تجمع قوای انبوهی متشکل از نیروها و تجهیزات مهندسی فراهم آورد تا پشتیبانی عملیات در جزیره شمالی را ـ که در دست ایران بود ـ تأمین کرده باشد. در ۶ ژانویه [۱۶ دی] ـ که روز ارتش عراق است ـ دو تیپ از سپاه سوم عراق هجوم به مواضع ایرانیان در بخش شمالی جزیره را آغاز کردند. این مواضع به خوبی مجهز نشده بودند. زیرا اساساً اینها مواضع هجومی بودند نه مواضع پدافندی. با فرا رسیدن ۸ ژانویه [۱۸ دی ۱۳۶۴]، قوای عراق موفق شدند نیروهای ایران را از نیمه جنوبی جزیره خارج کنند[1]. با این همه، این حمله موفق عراق باعث توقف یا تأخیر در اجرای طرح‌های هجومی ایران نشد. فرماندهان ایرانی همچنان امیدوار بودند که اگر فشار کافی بر قوای عراق و حکومت این کشور وارد سازند، قادر به شکستن خطوط دفاعی عراق خواهند بود. ممکن است برخی فرماندهان ایرانی به احتمال دخالت الهی در این جنگ مؤمن بوده باشند. به هر حال ایران توان هجومی قدرتمندی در نیمه دوم سال ۱۹۸۵ [۱۳۶۴] در جنوب ایران جمع کرده بود و تعداد فراوانی قایق کوچک و تجهیزات شناور تهیه و شروع به تمرین عملیات آبخاکی در دریای خزر کرد. شبکه‌ای از راه‌های نظامی خاکی در مرداب‌ها ایجاد و مناطقی را در طول شط‌العرب [اروندرود] زیر آب برد. در اکتبر ۱۹۸۵ [مهر ۱۳۶۴] عراق برای اولین بار زنان را برای نگهبانی از مناطق نظامی پشت جبهه استخدام کرد تا بتواند مردان را به جبهه اعزام کند. قانونی وضع شد که کارگران غیر نظامی را به جبهه اعزام کنند. در دسامبر ۱۹۸۵ و ژانویه ۱۹۸۶ [دی ۱۳۶۴] حدود ۵۰ هزار داوطلب فراخوانده شدند. ایران نیز تجهیزات بیشتری برای پدافند شیمیایی از خارج وارد کرد. نشانه‌هایی در این زمان وجود داشت که سوریه کارشناسان و کمک‌های خود را برای تهیه گازهای سمی[2] روانه ایران کرده است.

---

۱ ـ حمله عراق به جزیره مجنون جنوبی صورت گرفت و عراق مدعی تصرف آن شد. متعاقب این ادعا ایران به شدت قضیه را تکذیب کرد و آن را یک حربه تبلیغاتی دانست.

۲ ـ نویسنده برای بیان ادعاهای خود هیچ سند و منبعی را معرفی نکرده است. به این ترتیب در صحت بسیاری از ادعاها تردید

بعد از بسیج عمومی در ایران، گسترش نیروهای این کشور در جبهه جنوبی آغاز شد. دو سوم نیروهای سپاه پاسداران انقلاب از لشکر ۲۵ به نام کربلا و لشکر ۸ نجف تا سایر لشکرها در این گسترش حضور داشتند. حدود نیمی از ارتش به ویژه لشکرهای مهم آن (باختران، مازندران، خراسان و...) نیز به این گستره اضافه شدند. به این ترتیب تعداد نیروهای گسترش یافته به ۲۰۰ هزار تن [حدود ۲۰ تا ۲۵ لشکر] رسید و بخش اعظم آنها بین اهواز و دزفول و هورالعظیم و هورالهویزه مستقر شدند.

در اوایل سال ۱۹۸۶ [زمستان ۱۳۶۴]، ایران تجهیزات آبخاکی خود را در طول شطالعرب [اروندرود] و جنوب آبادان مستقر کرد و تعداد بسیاری شناور کوچک و پلهای شناور تهیه و ذخیره کرد. همچنین نیروی کماندویی خاصی برای خط شکنی آبخاکی و جنگ در مردابها آماده ساخت. تشکیلات آنها شبیه به فرماندهی یگانهای ویژه و هوابرد بود. این نیروها در عمل توانایی خوبی از خود برای عبور از شطالعرب [اروندرود] و ایراد ضربه نشان دادند.

تسلط ایران بر فاو

در اوایل فوریه [بهمن ماه] ایران آماده اجرای سلسله عملیات جدیدی شد که در آن زمان اهداف آن معلوم نبود ولی این نیروها برای تصرف شبه جزیره فاو آماده میشدند تا سرزمین عراق را از خلیج [فارس] جدا سازند. البته در ادامه این حمله، حرکت به سمت شمال برای تصرف بصره و ایراد ضربهای شکننده به توان تولید نفت عراق نیز در نظر گرفته شده بود. حمایت از شورشیان یا انقلابیهای شیعه یا هر عملیات ضد حکومت عراق در جنوب این کشور هم مدنظر قرار داشت.

ایران مرحله اول حمله را در ۹ فوریه [۱۳۶۴/۱۱/۲۰] بر ضد سپاه سوم و هفتم عراق آغاز کرد. ایران میکوشید تا در این منطقه قوای عراق را به دو بخش شمالی و جنوبی تجزیه کند. در حمله به سمت شمال که در سه نقطه صورت گرفت، خط شکسته نشد. این حمله، حمله فریب یا کمکی بود.

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

جدی وجود دارد. بطلان برخی دیگر از ادعاها نیز به مرور زمان و با روشن شدن حقایق بیشتر آشکار شد. خوانندگان پس از گذشت بیش از نوزده سال میدانند که سوریه به هیچ وجه دارای تکنولوژی شیمیایی قوی در سطح نظامی نیست، چه رسد به آنکه نوزده سال قبل اقدام به صدور دانش فنی آن کرده باشد!

بخشی از هجوم، در خط حد دو سپاه عراق صورت گرفت که با مواضع مستحکم عراق روبه رو شد. با این که ایران سه روز پیاپی امواج انسانی پی در پی را اعزام می‌کرد اما آتش عراق این نیروها را به عقب می‌راند که خسارت جانی و تجهیزاتی سنگینی به آنان وارد آمد. هجوم در نقطه دوم به وسیله یک گروه نسبتاً کوچک زرهی که از منطقه خشک حوالی جنوب "القرنه" عبور کرده بود، صورت گرفت. این هجوم تبدیل به مسابقه تیراندازی در مسافت کوتاه بین قوای ایران و عراق شد. عراق در این مسابقه هم از لحاظ نفرات آموزش دیده، هم از لحاظ تسلیحات برتر بود، بنابراین، نیروهای ایرانی خسارات جانی سنگینی حدود ۴۰۰۰ تن در این نقطه متحمل شدند[۱].

در نقطه سوم که حمله آن در روز ۱۴ فوریه [۱۳۶۴/۱۱/۲۵] صورت گرفت، تلاشی برای بازپس‌گیری جزیره شمالی مجنون بود. قوای عراق موفق به محاصره نیروهای حمله کننده و ایراد خسارات سنگین به آنها شدند. حملات ایران در جنوب را می‌توان چنین خلاصه کرد که نیروهای ایرانی از تاریکی شب و بارش باران در روزهای ۱۰ و ۱۱ فوریه [۲۱ و ۲۲ بهمن] برای انجام دادن دو حمله آبخاکی به فاو بهره جستند و بخشی از نیروها با حمایت مردان قورباغه‌ای به جزیره "ام‌الرصاص" در جنوب خرمشهر در شط‌العرب [اروندرود] حمله بردند. نیروهای ایرانی موفق شدند بر این جزیره که از آن دفاع نمی‌شد، مسلط شوند و سپس به سمت جاده فاو ـ بصره پیشروی کنند. در این مرحله، حمله ایران با مقاومت شدید عراق روبه رو شد، در حالی که این نیروها تجهیزات زرهی یا توپخانه برای مقابله با پاتک عراق به همراه نداشتند. قوای عراق در روز ۱۲ فوریه [۲۳ بهمن] ام‌الرصاص را بازپس گرفتند و لشکر ایران را به آن سوی شط‌العرب [اروندرود] عقب راندند.

اما حمله دوم که به سمت شبه جزیره فاو بود در منطقه‌ای نزدیک "سیبه" با موفقیت انجام شد. با این که عرض رودخانه در این نقطه ۲۵۰ متر است[۲] و عبور نیروهای ایران نیز در شب و در حین بارش باران صورت گرفت اما عبور موفقیت‌آمیز بود. نیروهای ایرانی توانستند به سرعت پل

---

۱ ـ ظاهراً باید منظور نویسنده از خسارات جانی، مجموع شهدا و مجروحان این حمله باشد که با این وصف نیز آمار ارائه شده اغراق‌آمیز است.

۲ ـ عرض رودخانه در محل عبور نیروهای ایرانی (که در نزدیکی مصب اروندرود قرار داشت) بسیار بیشتر از ۲۵۰ متر بود و حداقل به ۸۰۰ تا ۱۰۰۰ متر می‌رسید.

شناوری نزدیکی سیبه بر شط‌العرب [اروندرود] نصب کنند و حدود یک لشکر را با استفاده از قایق در شش نقطه از ساحل شبه جزیره فاو پیاده کنند[1].

فرماندهی عراق دچار فریب در تشخیص منطقه اصلی نبرد شد و تصور کرد هجوم اصلی ایران در منطقه شمالی است و بیشتر نیروهای احتیاط خود را در اطراف القرنه مستقر ساخت و در واکنش نیز تأخیر کرد. فرماندهی منطقه‌ای عراق متوجه گلوله باران شدید ایران روی بصره بود و خیلی دیر درک کرد که جهت اصلی تلاش ایران در جنوب بصره بوده است.

خطوط پدافندی عراق در فاو به صورت ضعیف تجهیز شده بود؛ زیرا فرماندهی عراق پیش‌بینی نمی‌کرد که نیروهای ایرانی قادر به انجام دادن عملیات خط شکنی و عبور از موانع آبی باشند و به همین دلیل در برابر اهمیت استراتژیک شبه جزیره فاو کوتاهی کرد. با این که بندر فاو تقریباً متروکه بود و قوس بزرگی از مرداب‌ها و باتلاقها، آن را از بصره جدا می‌ساخت و از خطوط اصلی ارتباط عراق نیز دور بود، اما پیروزی ایران در فاو می‌توانست عراق را از خلیج [فارس] جدا سازد و به ایران نیز امکان حمله به بصره از سمت جنوب را بدهد و خطوط ارتباطی عراق و کویت را تهدید کند.

نیروهای عراقی در نزدیکی مناطق اصلی عبور نیروهای ایران اندک بودند و در شهر، غیر از هزار تن نیروی احتیاط، کسی نبود و این نیروها هم قادر به مواجهه با چنین حمله‌ای از ایران نبودند. نیروهای ایران عملیات را با موفقیت گسترش دادند و به سرعت در همان ساعتهای اولیه حمله وارد عمق مواضع عراق شدند. قوای عراقی تا ۱۴ فوریه [۲۵ بهمن][2] مقاومت کردند ولی

---

۱ - در نبرد فاو (والفجر ۸) نیروی زمینی و دریایی سپاه پاسداران با کمک نیروی هوایی ارتش و هوانیروز در سه محور وارد عمل شدند که در دو محور بصره و هور، عملیات فریب انجام شد. قرارگاه قدس با استفاده از چند یگان مانوری سپاه مأمور تهاجم به محور بصره از طریق عبور از اروند بود و همچنین قرارگاهی در منطقه هور، عملیات فریب را انجام می‌داد.

۲ - پاتک‌های پی در پی عراق تا روز ۱۶ فوریه (۲۷ بهمن) ادامه یافت و با آغاز عملیات والفجر ۹ در شمال از شدت عملیات عراق در این منطقه کاسته شد. اما با این حال از نظر نیروهای ایرانی، نبرد فاو ۹۰ روز به طول انجامید و در این مدت نیروهای عراقی با اصرار فراوان بدون توجه به وضعیت نظامی و برتری سوق الجیشی مناطقی که به کنترل نیروهای ایرانی در آمده بود، هرگاه که می‌توانستند نیرویی را جهت اجرای عملیات سازماندهی کنند، اقدام به پاتک می‌کردند. شدت تلفات دشمن در حمله

(ادامه پاورقی در صفحه بعد)

برخی واحدهای عراقی در خارج از فاو دچار ترس و وحشت شده و مواضع خود را با برجای گذاشتن اکثر سلاح‌های سنگین خود رها کردند. عراق در این حمله ۴۰۰۰ کشته در برابر ۲۵۰۰ کشته [شهید] ایران داد.

با این که عراق اعلام کرد که ۳۵۵ سورتی پرواز هواپیمای جنگنده و ۱۳۴ سورتی پرواز هلی‌کوپتر در روز تصرف فاو انجام داده است، اما این مأموریت‌ها تأثیری در مراحل اولی عملیات نداشت.

شدت باران، کارایی هواپیماها و هلی‌کوپترهای عراق را مخدوش کرده بود و اوضاع جوی تا روز ۱۴ فوریه [۲۵ بهمن] هم مناسب نشد و در این روز با اینکه هوا ابری بود، نیروی هوایی عراق امکان اجرای عملیات یافت. جنگنده‌های عراقی بی آنکه موفق به یافتن اهداف مناسبی شوند، خسارات مؤثری را متحمل شدند. نیروهای پیاده ایرانی آموزش لازم را برای پراکنده شدن، استفاده از کانال و پنهان شدن پشت خاک‌ریزها و جابه جایی تجهیزات سنگین و تنظیم ارسال تدارکات در شب به وسیله مجموعه‌های کوچک دیده بودند. عراق در روز اول نبرد والفجر ۸، بین ۱۵ تا ۳۰ فروند هواپیما از دست داد و هیچ موفقیتی جز در حمله به چند هدف به دست نیاورد.

ضربات هوایی عراق در انهدام خطوط ارتباطی خاکی و طولانی ایران در طول شط‌العرب [اروندرود] از خرمشهر تا آبادان و از آنجا تا نقطه رهایی ایرانیان در پاشنه جنوبی جزیره آبادان، غیر مؤثر و بی‌فایده بود. اکثر تحرکات ایرانی‌ها در شب صورت می‌گرفت و صبح‌ها هم هوا خراب بود. خسارات وارده بر جاده‌ها بر اثر بمباران هواپیماهای عراقی، به سرعت به دست ایرانی‌ها ترمیم و اصلاح می‌شد. هواپیماهای عراق همچنین از ایراد خسارات مؤثر به پل‌های موجود در مسیر و کانال‌ها و اسکله‌های موجود در کنار جاده خاکی اصلی، ناتوان ماندند و به این ترتیب نتوانستند مانع تحرک ایرانی‌ها شوند.

در نتیجه این دگرگونی‌ها، عراق آماده اجرای پاتک در روزهای اولیه حمله ایران نشد و این امر

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

اولیه ایران و پاتک‌های اولیه دشمن و سپس در جریان انتقال نیرو از بصره به ام‌الخصیب (در امتداد اروندرود) ـ که در تمام طول مسیر زیر آتش دقیق و سنگین توپخانه ساحل مقابل قرار داشت ـ چنان فراوان بود که یگان‌های پاتک کننده عراق با حدود نیمی از توان باقی مانده خود وارد میدان اصلی نبرد شدند و این به معنای قبول شکست پیش از آغاز درگیری بود.

به نیروهای ایران اجازه داد تا نیروهای تقویتی خود را تا ۲۰ هزار تن وارد فاو کنند.

در برابر، فرماندهی عراق نیروهای احتیاط خود را در مدتی طولانی از ترس حمله احتمالی ایران به بصره یا به سایر مناطق در شمال همین منطقه وارد عرصه دفاع نکرد. در ۱۳ و ۱۴ فوریه [۲۴ و ۲۵ بهمن] نیروهایی از بصَره و القرنه وارد عمل شدند و چند پاتک ضعیف و غیر منظم انجام دادند. در این نبردها مشخص شد که نیروهای پیاده عراق به خوبی قادر به رزم پیاده نیستند و هنگامی که تعدادی از تیپ‌های گارد ریاست جمهوری [حدود ۱۰۰ هزار تن] وارد عمل شدند، آنها نیز برای جنگ نزدیک یا عبور از مرداب و حرکت در زمین‌های سست آموزش ندیده بودند و به همین دلیل موفقیت قابل ذکری به دست نیاوردند. توپخانه و زرهی عراق هم در عین برتری‌شان نسبت به ایران، تأثیر قابل توجهی بر نیروهای سنگرگرفته ایران نداشتند.

ایران در اوج این موفقیت‌ها، تهدید کرد که از طریق فاو به بندر ام‌قصر حمله خواهد کرد. نیروهای ایرانی به "خورعبدالله" - یعنی مسیر آبی مقابل کویت - رسیده بودند. برخی شایعات، حکایت از محاصره پایگاه دریایی عراق در ام‌القصر (با فاصله کمتر از ۱۶ کیلومتر به فاو) داشت. ایران مرکز فرماندهی و کنترل و اعلام خطر هوایی عراق را که منطقه خلیج [فارس] را پوشش می‌داد، در شمال فاو تصرف کرد و این اخبار نگرانی شدیدی در کویت و پادشاهی سعودی برانگیخت.

با فرا رسیدن ۲۴ فوریه [۵ اسفند] خسارات انسانی ایران ۱۰ هزار تن و تلفات عراق ۵ هزار تن شد. عراق در این روز قوای احتیاط خود را گسترش داد و خطوط پدافندی خود را نیز تقویت کرد. ایران هم تمام توان خود را مصرف کرده بود و دیگر نیرویی در اختیار نداشت تا عملیات را گسترش دهد؛ بنابراین به تصرف فاو بسنده کرد و کار تثبیت مواضع خود را در نزدیکی سیبه (در شمال) و برخی مناطق دیگر آغاز کرد، اما نیرو و توان ایران به اندازه‌ای نبود که در این زمین باز و عریان در برابر قوای عراق رودررو بایستد. می‌توان گفت که نیروهای عراق موفق به محاصره نیروهای ایران شدند اما برای به اجرا گذاردن پاتک اصلی دچار مشکلات متعدد گردیدند.

عراق پاتک‌های خود را با تیپ‌های تقویت شده در چند محور آغاز کرد که به سرعت این توان به حد لشکر افزایش یافت. در یکی از محورها در طول ساحل شط‌العرب [اروندرود] پیشروی‌هایی به سمت جنوب صورت گرفت، اما در برابر مواضع جنوب ام‌القصر، پیشروی حاصل نشد. ستون دوم و ستون مرکزی نیز در طول جاده‌ای که سال قبل ایجاد شده بود و امکان

جابجایی سریع نیروهای عراقی را به دور از دید و تیر آن سوی شط [اروندرود] فراهم می‌ساخت، به سمت جنوب به حرکت درآمدند. این جاده از دل بیابانی می‌گذشت که تابستان‌ها به زمین سست و رملی تبدیل می‌شد و زمستان‌ها به زمین گل آلود و چسبنده، بنابراین حمله عراق متکی به جاده‌ها بود و امکان پیشروی در برابر نیروهای ایرانی که مجهز به تعداد بسیاری توپ و سلاح‌های سبک ضدتانک بودند، نداشت. اما ستون دوم در طول جاده ساحلی خور عبدالله حرکت کرد؛ وظیفه این ستون آن بود که در زمین باز بجنگند بی آنکه بتواند از جاده اصلی خارج شود.

به این ترتیب نیروهای عراقی در هر بار هجوم خود در این وضعیت متحمل خسارات غیر قابل قبولی شدند. نیروهای ایرانی همچنان با روحیه و شور فراوان می‌جنگیدند و مقادیر فراوانی سلاح در اختیار داشتند. در مدت یک هفته عراق با وجود ادامه تلاش برای پیشروی به سمت جنوب هیچ موفقیتی جز پیشروی‌های اندک به دست نیاورد.

براساس برآوردها در این زمان قوای عراق حداقل ۵ هزار کشته و زخمی برجای گذاشتند. اوضاع جوی نیز تا ۲۲ فوریه [سوم اسفند] اجازه استفاده عراق از قدرت برتر هوایی‌اش و هلی‌کوپترهای هجومی و توپخانه‌اش را نداد. در این زمان نیروهای ایرانی همگی در مواضع خود مستقر شدند و ایران از این ده شب فرصت مناسب، برای تقویت نیرو و تجهیزات و تدارکات جدید به خوبی استفاده کرد و با استفاده از پل‌های شناور ـ که شب‌ها نصب و روزها جمع می‌شد ـ این کمک‌ها را وارد فاو کرد.

عراق در تلاش جدید برای عقب راندن ایرانی‌ها از فاو، بهترین فرماندهان خود را برگزید و آنها را بر سر سه ستون هجومی گمارد؛ سپس آتش شدید توپخانه را برای حرکت نیروهای پیاده و تصرف قدم به قدم مواضع به کار گرفت. عراق در این زمان از برتری‌های سه گانه خود در نیروی هوایی و آتش توپخانه و زرهی بهره جست و بهبود اوضاع جوی به عراق اجازه داد تا از موشک‌های کاتیوشا برای ایجاد آتش پرحجم استفاده کند. نیروهای عراقی انبوهی از مهمات، صرف زدن اهداف پراکنده ایرانی‌ها کردند و از ۲۰۰ دستگاه تانک برای اجرای آتش نیمه مستقیم بر این اهداف بهره گرفتند. مصرف مهمات به ۲۰۰ گلوله توپ در روز برای هر واحد توپخانه رسید. ظاهراً همه چیز زیر آتش بود: هر مکانی که احتمال حضور نیرو در آن می‌رفت حتی اگر در آن لحظه خالی بود!

هر دو طرف نبرد، هر آنچه در دست داشتند وارد معرکه کردند. عراق همچنان متحمل

خسارات در قوای زرهی و نیروی هوایی می‌شد تا جایی که ایران اعلام کرد هفت هواپیمای عراق را در یک روز ساقط کرده است. عراق هم اعلام کرد که از ۹ فوریه تا ۳۱ مارس [از ۲۰ بهمن تا ۱۱ فروردین] ۱۸۶۴۸ سورتی پرواز بر فراز فاو انجام داده است. خلبان‌های عراقی شروع به پرواز در ارتفاع پایین (در جوی مناسب) کردند و این آمادگی را داشتند که در برابر اجرای خوب مأموریت، خساراتی را هم متحمل شوند. آنها از گازهای "موستارد" و "تابون" در حملات خود علیه نیروهای ایرانی در فاو استفاده کردند. ظاهراً این گازها به دلیل آموزش ندیدن کافی نیروهای ایرانی در استفاده از تجهیزات پدافندی ش.م.ر، مؤثر افتاد وعراق به موفقیت‌هایی در پی این تلاش دست یافت؛ هر چند گفته شد برای کسب این موفقیت‌ها، بهای هنگفتی پرداخته شده است. عراق دریافت که این بهای سنگین را به جهت نقص در نیروهای پیاده و قوای خط شکن و نفوذی می‌پردازد. با این حال، نیروهای تقویتی جدیدی از منطقه پدافندی سپاه سوم وارد این منطقه کرد. تا ۲۱ فوریه [۲ اسفند] نمی‌شد ادعا کرد که عراق نبرد یا مانور توانمندی را به اجرا گذارده است. عراق در اجرای پاتک‌ها خسارات سنگینی دید و تنها در یک حمله در روزهای ۲۳ و ۲۴ فوریه [۴ و ۵ اسفند] دو گردان خود را از دست داد.

حمله آبخاکی نامنظمی که عراق کوشید در روز ۹ و ۱۰ مارس [۱۸ و ۱۹ اسفند] در پهلوی قوای ایران به اجرا در آورد، گردان‌های دیگری را از دست عراق در آورد. همچنین حدود یک لشکر نیز در تلاش دیگر عراق برای اجرای پاتک علیه نیروهای سنگر گرفته ایرانی، از بین رفت. آنچه عراق احیاناً در روز به چنگ می‌آورد، شب‌ها از دست می‌داد؛ زیرا ایرانی‌ها از برتری رزم شبانه خود بر عراق بهره می‌گرفتند. لشکر ۲۸ و لشکر ۸۰ عراق در تلاش برای پیشروی به سمت فاو در ماه مارس متحمل خسارات سنگین شدند و عراق ناگزیر به انهدام قطار ویژه حمل مجروح شد![1]

با آنکه در روز ۱۱ مارس [۲۰ اسفند] عراق پاتک دیگری را انجام داد اما در طول سه روز نبرد فقط ۷ کیلومتر پیشروی کرد.

در ۲۰ مارس [۲۹ اسفند] که ایرانیان برای ترمیم خط خود از حالت دفاعی خارج شدند، عراق نتوانست فرصت را مغتنم بشمارد و ضد حمله جدیدی را به اجرا گذارد. در این زمان حدود ۲۰ هزار ایرانی و ۲۵ هزار عراقی در مواضع خود به فاصله چند صد متر از یکدیگر در محاصره هم

---

۱ ـ مراجعه به اسناد نشان می‌دهد که در این تاریخ حمله‌ای به قطار ویژه حمل مجروح نشده است.

بودند و هیچ یک از دو طرف نیرو و توان و قدرت جا کن شدن برای هجوم نداشتند.

نهایتاً پاتک‌های عراق بر فاو به این منتهی شد که عراق از توپخانه خود برای گلوله باران شیمیایی فاو بهره گیرد. به عنوان مثال، عراق به منظور پشتیبانی از حمله‌ای که در روز ۲۴ فوریه [۵ اسفند] انجام داد از بمب‌های هوایی و گلوله‌های توپخانه برای حمله شیمیایی خود بهره جست که موجب مصدومیت ۱۸۰۰ سرباز ایرانی شد. اما این گازها بر نیروهای عراقی نیز آسیب رساند. به این ترتیب عراق موفقیتی در استفاده از سلاح شیمیایی برای پشتیبانی از عملیات هجومی خود به دست نیاورد[1].

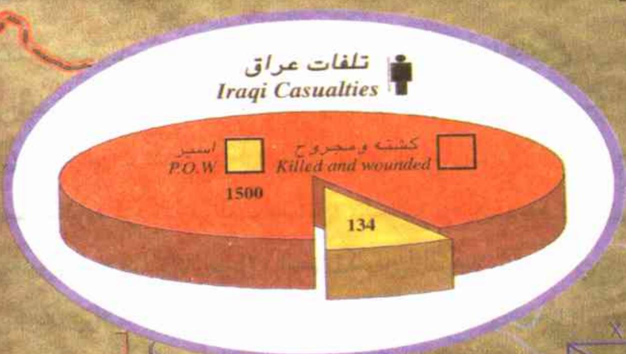
---

۱ ـ رجوع کنید ← جنگ عراق و ایران، عبدالحلیم ابو غزاله، ترجمه نادر نوروزشاد، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، ۱۳۸۰، تهران ـ صفحه ۱۹۶-۲۱۷.

ادامه نبرد در شمال کردستان
عملیات والفجر ۹

هنوز یگان‌های اصلی ایران در فاو به سر می‌بردند که بخشی از آن‌ها برای انجام حمله‌ای دیگر با نام "والفجر ۹" به کار گرفته شدند. این حمله در منطقه کردنشین عراق در نزدیکی مرزهای شمالی و در فاصله حدود ۲۷۰ کیلومتری شمال بغداد، ۹۵ کیلومتری شمال غرب کرکوک و ۲۲ کیلومتری سلیمانیه صورت گرفت که در آن دو لشکر مختلط از نیروهای سپاه و نیروهای کرد بارزانی شرکت داشتند. طراحی این هجوم به منظور استفاده از فرصتی بود که به سبب نیروی کم عراق برای پوشش کامل به منطقه شمالی کردستان، به دست آمده بود. هدف این هجوم تسلط بر بخش‌هایی از دو دره مرزی بود که به سرزمینی باز در عراق منتهی می‌شد.

حمله در روز ۱۵ فوریه [۲۶ بهمن] و به صورت نسبتاً محدود آغاز شد و قوای ایرانی به سرعت موفق به تسلط بر برخی مناطق و روستاهای واقع در دره سلیمانیه شدند. سپس حرکت به سمت "چوارتا" ادامه یافت و برخی ارتفاعات حیاتی در این دره ـ به فاصله ۲۰ کیلومتری سلیمانیه ـ به دست ایران افتاد. در ۲۴ و ۲۵ فوریه [۵ و ۶ اسفند ۱۳۶۴] حمله‌ای با استعداد ۸ تیپ به منظور تصرف اراضی مرتفع و مشرف بر جاده سلیمانیه و بعضی مناطق کوهستانی به مساحت حدود ۶۰۰ کیلومتر مربع آغاز شد. با این که بیشتر شهرهای عراق در این منطقه خالی از سکنه شده بودند اما



ایران
عراق
بانه
Baneh
سورکوه
Surkuh
105
هلوان
Halvan
155
110
سیویل
Siwayl
سارسیر
Sarsir
موبرا
Mubra
لری
Lery
کنگرک
Kangarak
چوارتا
Chuartah
پلنگی سرو
Palangi Sarv
ماماخالان
Mamakhalan
چمیاله
Chemialeh
57
29
شیخ گزنشین
Sheikh gazneshin
کاتو
Kato
کچل
Kachal
کانی مانگا
Kanimanga
34
1
کوهان
Kuhan



قوای ایران شهر چوارتا را به محاصره خود در آوردند. اکثر نیروهای عراقی برای شرکت در نبرد فاو از این منطقه تخلیه شده بودند اما ایران توانست گروه کوچکی را در سیتاک در روز ۲ مارس [۱۱ اسفند] بعد از عقب نشینی ۲۵۰۰ سرباز عراقی به اسارت در آورد. گرچه عراق از سلاح شیمیایی هم استفاده کرد اما ایران توانست به سلیمانیه نزدیک شود و برای اولین بار در طول جنگ این شهر را در روز ۳ مارس [۱۲ اسفند] گلوله باران کند.

در این زمان عراق مجدداً نیروهای خود را [از منطقه فاو] به شمال بازگرداند و ایران تصرف مناطق جدید را متوقف کرد. روشن و واضح بود که کردهای شمال به عکس شیعیان جنوب کمک شایانی به ایران کرده‌اند و همراهی مؤثری با ایران از خود نشان داده‌اند. این موضع در ماه مه [اردیبهشت] واضح‌تر شد زیرا در آن زمان نیروهای عراقی موفق به پاک سازی کردها در منطقه‌ای بین "دهوک" و "بادینان" نشدند و عناصر کرد حملات خود را به خط لوله نفتی در نزدیکی مرز با ترکیه افزایش دادند و بر منطقه "مانجیش کوچک" در استان موصل مسلط شدند و در برابر پاتک ۱۹ مه [۲۹ اردیبهشت] که به وسیله قوای کوهستانی ارتش عراق صورت گرفت مقاومت کردند و آن را از دست ندادند.

البته آثار استراتژیک حملات ایران و کردها در شمال دارای ارزش محدودی بود اما به هر حال سبب شد تا برخی یگان‌های عراقی از جمله لشکر ۱۱ در منطقه زمین‌گیر شوند و همچنین موجب تقویت سیاسی ایران در تسلط بر فاو شد. می‌توان گفت که حدود ۳۰ هزار سرباز ترک تنها تضمین موجود برای سلامت خطوط لوله نفت عراق به ترکیه بودند.

در اوایل آوریل [نیمه فروردین ۱۳۶۵] نبرد در فاو عادی و تقریباً روش جاری شده بود و این تا اوایل سال ۱۹۸۸ [زمستان ۱۳۶۶] ادامه یافت. ایران تقریباً ۲۰۰ کیلومتر مربع از شبه جزیره فاو را به دست آورده بود و توانسته بود پل شناور روی شط‌العرب [اروندرود] را محافظت کند. ایران از این معبر استفاده کرد و تجهیزات و قایق‌های کوچک را به کار گرفت تا سرپل به دست آمده در فاو را با نظم و دقت تدارک کند. ایران در این شبه جزیره حدود ۲۵ هزار سرباز داشت. با این همه موفقیت چندانی در ارسال تجهیزات سنگین به این شبه جزیره به دست نیاورد اما توانست توپخانه خود را به مناطق دیگری جابجا کند تا به این ترتیب بتواند پایگاه هوایی مهم شعیبیه در نزدیکی بصره را گلوله باران کند. به طور کلی عراق ایران را در منطقه جنوب در محاصره نگه‌داشت و توانست سیستم پدافندی قوی و جدیدی در طول محیط خارجی خطوط ایران در فاو ایجاد کند.

به‌عکس مواضع ایرانی‌ها، عراق خطوط پدافندی خود را چند لایه کرد و به وسیله شبکه‌ای از جاده‌های خوب آنها را به مناطق پشت و پایگاه‌های پشتیبانی مرتبط ساخت و به میزان کافی در این پایگاه‌ها تدارکات و تجهیزات قرار داد. همچنین در مناطق مختلف منطقه به میزان کافی واحدهای پدافند هوایی و سکوهای آتش توپخانه فراوان مستقر ساخت و مقادیر بسیاری مهمات وارد منطقه کرد و قدرت آتش خود را به میزان هفت برابر ایران افزایش داد. نیروهای عراقی اطلاعات دقیق و مهمی را نیز از مواضع ایرانی‌ها وا هداف خود در آن جمع‌آوری کردند و به ویژه پس از تثبیت وضعیت و تبدیل اوضاع به حالت پدافند ثابت این اطلاعات منجر به بالا رفتن دقت آتش توپخانه [وکاهش تردد و تحرک ایرانی‌ها] و اجبار آنان به باقی ماندن در سنگرها وکانال‌ها و پناه‌گاهها شد. در همین زمان خساراتی که قبلاً به عراق وارد شده بود، فرماندهی عراق را واداشت تا از انجام دادن پاتک‌های دیگر در فاو منصرف شود. حتی زمانی که اوضاع جوی تغییر کرد و زمین در منطقه فاو خشک شد و امکان استفاده از نیروی زرهی برای عراق فراهم آمد؛ زیرا فرماندهی عراق قادر به تحمل خسارات بیشتر نبود و البته هنوز نمی‌توانست برای اجرای یک پاتک همه جانبه، شمار فراوانی از نیروی خود را به کار گیرد.

ایران ۳۰۰ تا ۴۰۰ هزار نیرو را همچنان در طول مرز ۱۱۰۰ کیلومتری خود با عراق در حالت آمادگی دائم برای حمله نگه داشت. از حیث مواضع استراتژیک برتری با ایران بود؛ در شمال نیروهای مقاومت کردستان مساحت بیشتری را در اختیار داشتند و ایران به فاصله ۱۵ کیلومتری سلیمانیه رسیده بود. در جبهه میانی نیروهای ایرانی در ارتفاعات میمک در فاصله ۱۱۵ کیلومتری بغداد حضور داشتند. تجمع اصلی نیروهای ایران در مواضع هجومی در ناحیه دیگری از مردابها آماده رسیدن به جاده بصره ـ بغداد بودند و در فاو نیز همچنان دو لشکر ایران استقرار داشت. ایران در هر نقطه می‌توانست نیرو متمرکز کند و از عدم عمق استراتژیک عراق بهره گیرد؛ در حالی که عراقی‌ها در برابر خود هدف مهمی که بتوانند آن را تصرف کنند نمی‌دیدند.

در صحنه کشتی‌رانی و خلیج فارس هم ایران به فشار نظامی خود ادامه داد. نیروی دریایی ایران یک کشتی آلمانی را در نهم ژانویه [۱۸ دی] تفتیش کرد؛ اولین کشتی آمریکایی را در ۱۲ ژانویه [۲۲ دی] و اولین کشتی انگلیسی را در ۱۳ ژانویه [۲۳ دی] بازرسی نمود. همچنین در روز سوم مارس [۱۲ اسفند] یک کشتی ترکیه با هلی‌کوپتر مورد حمله قرار گرفت و این آغاز حملات به کشتی‌ها به وسیله هلی‌کوپتر بود. در هفتم ژانویه [۱۷ دی] ایران سه پایانه نفتی در سواحل جنوبی

خود دور از برد هواپیماهای عراقی احداث کرد و افتتاح آن را در ماه فوریه و مارس برنامه‌ریزی کرد. بندر لنگه، جزیره قشم در داخل تنگه و جاسک در خارج از تنگه‌هرمز.

طرح پشتیبانی از این پایانه‌ها به وسیله کشتی‌هایی بود که ایران آنها را اجاره کرده بود. ایران همچنین اعلام کرد تلمبه خانه‌ای را در فاصله ۴۰ کیلومتری خارک احداث می‌کند. در عمل، ایران وسیله‌ای راحت‌تر برای انتقال نفت خود به کشتی‌های نفتکش نسبت به پایانه‌های شناور یافت که این روش در ژوئن ۱۹۸۶ [خرداد ۱۳۶۵] آغاز به کار کرد. اما همین پایانه‌های شناور بعداً هدف حملات هواپیماهای دور پرواز عراق قرار گرفتند.

بنابراین بعید به نظر نمی‌رسید که عراق به بمباران‌های استراتژیک خود روی بیاورد. "پل قطور" که ایران را به ترکیه مرتبط می‌ساخت، مورد حمله عراق قرار گرفت و زده شد. در ۱۳ مارس [۲۲ اسفند] هواپیماهای عراقی حمله مهمی به تهران و پالایشگاه نفتی آن انجام دادند. ایران هم یکی از کارخانجات اسلحه‌سازی عراق را بمباران کرد و به گلوله باران برخی اهداف دیگر مانند قطارهای راه‌آهن و اهداف غیر نظامی پرداخت. عراق همچنین ایستگاه دریافت ماهواره در اسدآباد و مرکز تلفن و ارتباطات بین‌المللی ایران را هدف قرار داد. نیروی هوایی عراق به حملات خود بر نفت‌کش‌های ایرانی ادامه دادو و تعداد حمله به کشتی‌های تجاری (از اوایل جنگ در سپتامبر ۱۹۸۰ ـ شهریور ۱۳۵۹) به ۸۵ مورد و تعداد حمله به شناورهای تدارکاتی و لجستیکی به ۴۰ مورد رسید. از همه این وقایع و سایر اتفاقات می‌توان چنین دریافت که ایران راهی جز کسب پیروزی در نبرد زمینی در پیش رو نداشت. ایران نیروی انسانی بیشتری در اختیار داشت؛ هر چند که با مشکلات فراوانی در این زمینه رو به رو بود. با همه این احوال نیروی زمینی ایران به ۱/۲۵ میلیون نفر رسید و به این کشور امکان داد تا سازماندهی و تشکیلات آنها را بهبود بخشد؛ تعداد ۶۵۰ هزار نفر نیروی دائمی و عملیاتی، حدود ۵۵۰ هزار تن نیروی بسیجی و احتیاط که در مقاطع زمانی مختلف به کار گرفته می‌شدند. ارتش نیز حدود ۳۵۰ هزار تن نیرو داشت که در لشکرها سازماندهی شده بودند. سپاه پاسداران انقلاب هم با استعداد ۳۵۰ هزار تن در لشکرهای کوچک‌تر از ارتش سازماندهی شده بود[1].

---

۱ ـ رجوع کنید ← جنگ عراق و ایران، عبدالحلیم ابو غزاله، ترجمه نادر نوروزشاد، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، ۱۳۸۰، تهران ـ صفحه ۱۹۶-۲۱۷.

نامه نمایندگان مجلس شورای اسلامی در خصوص آیت‌الله منتظری

محضر مبارک حضرت آیت‌الله العظمی امام خمینی
رهبر کبیر انقلاب اسلامی ـ دام‌ظله العالی

با تقدیم سلام و تحیات وافره و سپاس از خداوند متعال که ملت ایران را در سایه مجاهدات و رهبری آن مرجع عالیقدر تقلید از سلطه استکبار شرق و غرب و ستمشاهی نجات داد و هدیه بزرگ الهی یعنی جمهوری اسلامی را به ما و همه مستضعفین جهان عنایت فرمود.

و بحمدلله روند بعد از پیروزی انقلاب و انتقال ارزش‌های انقلاب به ملل مسلمان و ستمدیدگان تاریخ، رهایی مستضعفین را از قدرت‌های سلطه گر نوید داده و می‌دهد "هل بفضل الله و رحمته، فبذلکه فلیفرحوا"

و لذا این امت بزرگ شبانه روز دعای طول عمر پربرکت نائب بحق ولی الله الاعظم را بر زبان دارد و نمایندگان منتخب ملت نیز همچون موکلین خود صمیمانه مسألت می‌نمایند که خداوند متعال وجود مقدس حضرت امام را تا تشکیل حکومت جهانی اسلام به دست توانای امام عصر

عجل الله تعالی فرجه الشریف مستدام بدارد.

اکنون که خبرگان ملت به پیروی از نظریات آن رهبر بزرگ در جهت تثبیت و تحکیم نظام جمهوری اسلامی و تایید خواست اکثریت قریب به اتفاق ملت، حضرت آیت‌الله العظمی آقای منتظری را به عنوان رهبر آینده تشخیص و معرفی نموده‌اند. ما نمایندگان مجلس شورای اسلامی ضمن تایید نظر خبرگان محترم، با سپاس بیکران به درگاه پروردگار توانا و آرزوی مجدد طول عمر حضرت امام، این تصمیم به حق و سرنوشت ساز را به محضر حضرتعالی و به امت شریف و فداکار و خبرگان ملت تبریک و تهنیت می‌گوئیم.

"الیوم یئس الذین کفر و امن دینکم"

خدایا خدایا تا انقلاب مهدی خمینی را نگهدار

شماره ....
تاریخ ۱۳۶۴/۹/۱۷
پیوست ....

جمهوری اسلامی ایران
مجلس شورای اسلامی

بسمه تعالی

محضر مبارک حضرت آیت الله العظمی امام خمینی رهبر کبیر انقلاب اسلامی - دام ظله العالی

با تقدیم سلام و تحیات وافره و سپاس از خداوندمتعال که ملت ایران را در سایه مجاهدات و رهبری آن مرجع عالیقدر تقلید از سلطه استکبار شرق و غرب و ستمشاهی نجات داد و هدیه بزرگ الهی یعنی جمهوری اسلامی را به ما و همه مستضعفین جهان عنایت فرمود.

و بحمدالله روند بعد از پیروزی انقلاب و انتقال ارزشهای انقلاب به ملل مسلمان و ستمدیدگان تاریخ رهائی مستضعفین را از قدرتهای سلطه گر نوید داده و میدهد " قل بفضل الله وبرحمته فبذلك فليفرحوا "

و لذا این امت بزرگ شبانه روز دعای طول عمر پربرکت نائب بحق ولی الله الاعظم (ع) را بر زبان دارد و نمایندگان منتخب ملت نیز همچون موکلین خود صمیمانه مسئلت مینمایند که خداوند متعال وجود مقدس حضرت امام را تا تشکیل حکومت جهانی اسلام بدست توانای امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف مستدام بدارد.

اکنون که خبرگان ملت به پیروی از نظریات آن رهبر بزرگ در جهت تثبیت و تحکیم نظام جمهوری اسلامی و تایید خواست اکثریت قریب به اتفاق ملت، حضرت آیت الله العظمی آقای منتظری را بعنوان رهبر آینده تشخیص و معرفی نموده‌اند.

ما نمایندگان مجلس شورای اسلامی ضمن تایید نظر خبرگان محترم با سپاس بیکران بدرگاه پروردگار توانا و آرزوی مجدد طول عمر حضرت امام این تصمیم بحق و سرنوشت ساز را به محضر حضرتعالی و به امت شریف و فداکار و خبرگان ملت تبریک و تهنیت می گوئیم. " اليوم يئس الذين كفروا من دينكم "

خدایا خدایا تا انقلاب مهدی خمینی را نگهدار

[امضاهای دستنویس]

نامه نمایندگان مجلس شورای اسلامی به محضر امام خمینی در خصوص انتخاب آیت الله منتظری به عنوان جانشین مقام رهبری

سید مصطفی ذوالقدر

صدرالدین ...

مصطفی میرزا

۶۴/۹/۱۷

سید رضا اکرمی

عباس ...

سید جواد حسینی

انتخاب برحق کردم

انقلاب ما انجام دادن

ابوطالب حسینی

سید مجتبی ...

طالب حاجی

۶۴/۹/۱۷

۱۴- احمد تبریزی

۱۵-

۱۶- سید ابوالفضل ... سراوان

۶۲/۹/۱۷

۱۸- محمد مهدی ...

مهدی حاجی

۲۱

۲۲ سید حسین حسینی ...

۲۳- نماینده یزد

۱۳۶۴/۹/۱۷ ش

دکتر ...

... نیشابور

مرتضی ...

محمدی

۲۷

۲۸

صفوی

۲۶- محمد ...

۲۴- ...

فخرالدین ...

عبدالکریم ...

عبدالعلی ...

یونس محمدی

نماینده خرمشهر و ... آبادان

محمد ...

با تشکر از نماینده ...

امضاء به عنوان ... آیة الله ...

عبدالامین ...

سید ...

سید تقی موسوی اردبیلی

نماینده ... اردبیل و مشکین شهر

سید ابوالفضل ...

علی احمد ...

رحیمی

۹۴/۹/۱۷

رشید نوربخش

۹۴/۹/۱۷

نماینده ارومیه

۹۴/۹/۱۷

۹۴/۹/۱۷

عباس پاپی‌زاده نماینده دزفول

علی یزدانی

۹۴/۹/۱۷

سید علی حسینی نماینده

نماینده

علی

خدایا خدایا تا انقلاب مهدی (عج)

خمینی را نگهدار

نامه نمایندگان مجلس شورای اسلامی در خصوص ابقای نخست وزیر

بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم

محضر مبارک رهبر عظیم‌الشأن انقلاب اسلامی،
حضرت آیت‌الله العظمی امام خمینی ـ مدظله

پس از سلام و آرزوی طول عمر با عزت و برکت برای آن حضرت به عرض می‌رسانیم: وضعیت حساس مملکت و دگرگونی قریب الوقوعی که نسبت به دولت در پیش است، ما نمایندگان مجلس شورای اسلامی را بر آن داشت که موجب تصدیع شویم. با این امید که از نفس قدسی و نظر بلند شما که همواره به جانهای مشتاق حقیقت، اطمینان بخشیده است و منشاء برکات برای اسلام و جمهوری اسلامی بوده است، مدد بگیریم.

همان طور که خاطر خطیر مستحضر است، در پی انجام انتخابات ریاست جمهوری، دولت تازه‌ای معرفی خواهد شد. این واقعه در هنگامه‌ای رخ می‌دهد که ملت ایثارگر و انقلابی ما، پنجمین سالگرد جنگ تحمیلی را با همهٔ آثار و تبعاتش صبورانه به پشت سر گذاشته و تحت

رهبری آن حضرت، سربلند و مقتدر، دفاع مقدس از اسلام و انقلاب اسلامی را سرلوحهٔ برنامه‌ها و تلاشهای خود قرار داده است و تنگناهای سخت مالی و اقتصادی را بزرگوارانه با همتی الهی تحمل می‌کند.

ما نمایندگان این مردم عظیم‌الشأن، ضمن تقدیر از نخست‌وزیر متعهد و دولت تلاشگر او که جوانمردانه با موفقیت، در دورانی بسیار سخت به انجام وظیفه همت گماشته‌اند و خدمات ارزنده‌شان همواره مورد عنایت حضرت امام و امت بزرگ اسلامی بوده است، انتظار و توقع خود را در این مقطع حساس از تاریخ انقلاب اسلامی نسبت به معرفی نخست‌وزیر و دولت جدید به عرض امام عزیز می‌رسانیم و از پیشگاه مقدسشان درخواست ارشاد می‌کنیم:

۱ - سابقه انقلابی و ارزندگی، حقیقت درخشانی است که بایستی بر چهرهٔ دولت جمهوری اسلامی بدرخشد تا همهٔ نیروهای انقلابی و کافهٔ مردم فداکار ما با امید و نشاط به حمایت آن برخیزند و حضرت امام هم بر این نکته تأکیدی فراوان دارند، بنابراین چنانچه دولتی فاقد چنین امتیاز بوده و یا خدای نخواسته نکاتی منفی داشته باشد، ضربه‌ای به‌انقلاب وارد خواهد آمد.

۲ - اکنون ملت و کشور ما یکی از بحرانی‌ترین مواقع تاریخی را می‌گذراند. اشتعال دامنه جنگ و خطر ضربه‌یابی مخازن نفتی، تهدیدات نظامی آمریکا، فشارهای شدید اقتصادی، توطئه‌های خطرناک سیاسی و تحریکات ضدانقلاب از عوامل مهمی است که فشار طاقت‌فرسای آن بر دوش مردم صبور و مظلوم ما سنگینی می‌کند و تغییر دولت که متأسفانه به قرار مشهود، مستلزم تغییری عظیم در سطح کشور خواهد بود، تزلزلی شدید در ارکان دولت و اداره کشور به وجود خواهد آورد که مسلماً عواقبی وخیم در بر دارد.

۳ - آنچه متأسفانه مشهود است، جریانی خاص و گسترده و طیفی معلوم و مشخص، تغییر دولت را حمایت و همراهی می‌کند که در صورت موفقیت، ممکن است نیروهای فراوان انقلابی کنار گذاشته شوند و یا به‌کنار روند و بحران و خسران فراوان در سامان اداره مملکت که اکنون قشرهای مؤمن و انقلابی ارزنده‌ای در متن آن مشغول خدماتی صادقانه‌اند، پدید آید.

۴ - مردم محروم و پرتوان و صبور ما با معرفی دولتی جدید به طور طبیعی توقعات و انتظاراتی خواهند داشت و چون دولت جدید فاقد امکاناتی تازه و گسترده است، موجبات یأس مردم فراهم خواهد شد.

۵ - چون دولت جدید تجربه و تلاش و امکانات فراوان‌تری ندارد و از داشتن اکثریتی قاطع در

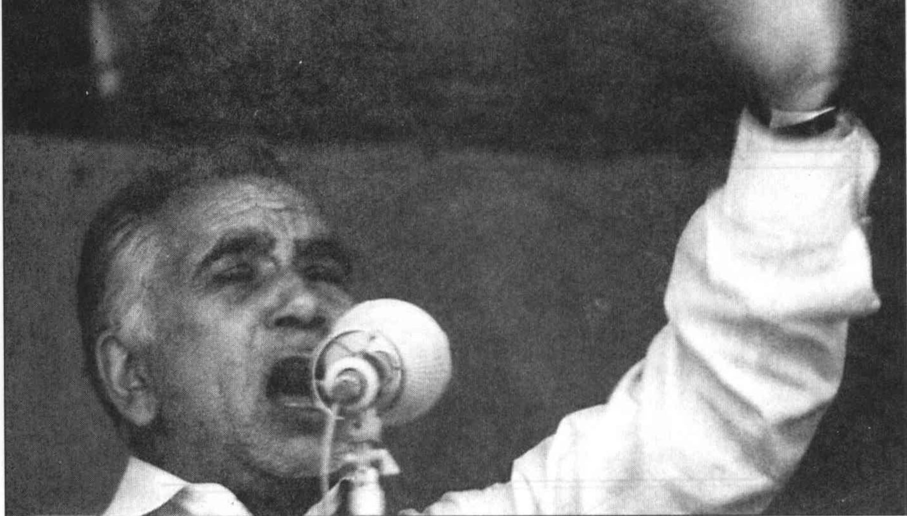
مجلس و بین مردم برخوردار نیست به موفقیت‌های لازم دست نخواهد یافت و در نتیجه کشور دچار بحران می‌شود.

۶ - آنچه صادقانه به عنوان نمایندگان مردم دریافته و معروض می‌داریم، این است که دولت آقای مهندس موسوی با وجودِ مشکلات فراوان داخلی و خارجی و علیرغم جوسازیها و ایجاد موانع و ناهماهنگیهای عمدی، دولتی موفق بوده است و این حقیقت را شخص حضرت امام و مسئولان مهم و متعهد کشور و نهادهای انقلابی و مردم آگاه درک کرده‌اند و تعویض چنین دولتی در این موقعیت حساس مغایر با مصالح مملکت و ملت است.

۷ - چون به فرموده حضرتعالی، مسأله اصلی جنگ است و دولت فعلی با قوای رزمنده و فداکار ما در ادامه جنگ و تلاش برای حصول پیروزی، توافق و همکاری برنامه‌ریزی شدهٔ گرم و صمیمانه‌ای دارد، کنار رفتن آن به مسأله جنگ ضایعات و صدماتی وارد خواهد ساخت.

و اینک که مجلس در آستانه تصمیمی سرنوشت ساز قرار گرفته است، بدون شک راهنمایی‌های آن حضرت می‌تواند روشنگر راه ما باشد. لذا موجب امتنان و افتخار خواهد بود اگر اجازه فرمایید بعضی از نمایندگان مجلس، لحظاتی شرفیاب شوند و از هدایت‌های آن حضرت در این مورد کسب فیض نمایند.

از خداوند متعال می‌خواهیم که همواره امت ما را از برکات رهبری آن امام بزرگوار برخوردار فرماید: والسلام علیکم و رحمةالله و برکاته.



شعر فخرالدین حجازی
درباره هاشمی رفسنجانی

الا ای هاشمی مرد خردمند
که بر لبهای تو چون پسته لبخند

سراپا پاک چون آب زلالی
چو گل پا تا به سر حُسن و کمالی

خردمندی زگفتارت پیداست
خداخواهی ز افکارت هویداست

به وقت خطبه اعجازت نمایان
سخن فهم و سخن سنج و سخن دان

رخ پاک تو چون مرآت ایزد
در آن جاری بود آیات ایزد

دلت از رنج مردم پر درد است
که این از خصلت مردان مرد است

تو با این فکر و علم و شور و ایمان
بمان جاوید براین عهد و پیمان

xxx

از آن سیمای جمهوری چه گویم
که بغضی سخت بفشارد گلویم

ولی از ترس داداشت خموشم
همان بهتر که دردم را بپوشم

که داداشت دو تکیه گاه دارد
برکشور خیمه و خرگاه دارد

تو باشی تکیه گاه استوارش
دگرش آن احمدآقا هست یارش

جوابم ده که از پا اوفتادیم
در این کشور مگر ماها مدادیم

فرمان تشکیل هیأت ویژه در خوزستان

جناب حجت‌الاسلام آقای موسوی خوئینی‌ها، دادستان محترم کل کشور

از آنجا که جنابعالی و جناب آقای هاشمی رفسنجانی، جانشین فرمانده کل قوا و جناب آقای جزایری، امام جمعه محترم اهواز، و جناب آقای نخست وزیر محترم و آقایان استاندار و دادستان و مدیر کل اطلاعات استان خوزستان معتقدند که باید با افراد شرور و شیوخ فاسد و ضدانقلابی که اکثراً با عراق و با ضدانقلاب خارج از کشور ارتباط داشته‌اند برخورد شود، و از آنجا که استان خوزستان درگیر جنگ است و این برخورد نمی‌تواند سیر طبیعی و قانونی خود را بنماید، بلکه باید سریعاً اقدام گردد، به هیأتی مرکب از آقایان: استاندار و مدیر کل اطلاعات و دادستان و یا نمایندگانشان در آن استان متفقاً اجازه داده می‌شود تا به هر نحو صلاح می‌دانند با دشمنان خدا برخورد نمایند. باید سعی کنند خدای ناکرده به بی گناهی ظلم نشود.

روح‌الله الموسوی الخمینی[1]

---

۱ ـ صحیفه امام، دفتر تنظیم و نشر آثار امام خمینی، جلد بیستم، صفحه ۴۲۵

مقاله‌ای درباره
شهید مهدی نصیری لاری

بسم‌الله الرحمن الرحیم

شهید نصیری لاری یکی از همکاران همراه ما در دوره اول مجلس شورای اسلامی و پس از شهادتش جای خالی ایشان در مجلس محسوس بود. اطلاعات وسیع و آشنایی با جریانات و سوابق روشن و روحیه اسلامی و انقلابی و شهامت و شجاعت در تصمیم‌گیری و اتخاذ موضع سیاسی، اجتماعی از ایشان نماینده‌ای شایسته و فعال و مؤثر ساخته بود و در برهه حساسی از تاریخ انقلاب در یکی از حساس‌ترین سنگرهای انقلاب ـ یعنی مجلس شورای اسلامی ـ نقش تاریخی خویش را ایفا نمود.

روزهای حساس و سرنوشت ساز درگیری لیبرال‌ها با نیروهای خط امامی و مسلمانان خالص را بیاد آورید. یک سال اول دوره اول مجلس را می‌گویم.

طیف گسترده ضدانقلاب بر محور رئیس جمهور مغرور و نادان و نا آشنا به روحیه ملت و پایه‌های اصلی قدرت، تصمیم گرفته بودند مجلس شورای اسلامی راکه در خط مقدم نیروهای خط امام با ضدانقلاب در مصاف بود از صحنه بیرون کنند و با صراحت و وقاحت در روزنامه‌های



جمهوری اسلامی ایران

مجلس شورای اسلامی

دفتر رئیس

شماره ۵۰۳/۱۴۹۶۱/۵۰

تاریخ ۶۴/۱/۱۷

پیوست

بتعالی

بسم الله الرحمن الرحیم

شهید نصیری لاری یکی از همکاران همراه ما در دوره اول مجلس شورای اسلامی

بود و [illegible] پس از شهادت جای خالی ایشان در مجلس محسوس بود. اطلاعات وسیع و داشتن

با جرأت و سوابق روشن در جبهه اسلامی و انقلاب و شهامت و شناخت ملت در تصمیم گیری

و اتخاذ موضع سیاسی اجتماعی از ایشان نماینده‌ای شایسته و فعال و موثر ساخته

بود و در برهه حساسی از تاریخ انقلاب و در یکی از حساس‌ترین سنگرهای انقلاب

یعنی مجلس شورای اسلامی نقش تاریخی خویش را ایفا نمود.

روزهای حساس و سرنوشت ساز درگیری لیبرالها با گروههای خط امامی و مسلمانان

خالص را باید آورد. یکسال اول دوره اول مجلس را میگویم.

طیف گسترده ضد انقلاب بر محور رئیس جمهور متمرد و منافقین و دیگر روحیه

ملت و نماینده‌های مجمع قدرت تصمیم گرفته بودند مجلس شورای اسلامی را که در خط

مقدم نیروهای خط امام با ضد انقلاب در تعارض بود از میدان صحنه بیرون کنند

و با جنجالها و وحشتها در روزنامه‌ها و ارگان جمعیتهای خود [illegible] همه

را به تبعیت ... دو دستگی بادیه ... را مطرح میکردند و پاسخ را روشن نمیدانستند. و خیال

میکردند با انحلال مجلس و شکست دولت شهید رجائی بحث لیست ادعایشان هم باز میشود

دستخط پیام درباره شهید نصیری لاری



جمهوری اسلامی ایران

مجلس شورای اسلامی

دفتر رئیس

شماره ....

تاریخ ....

پیوست ....

بسمه تعالی

ص ۳

و میدان برای مخالفان اسلام و انقلاب بی رقیب مانده و مشاغل حساس را در دست خود داشتند
هم جمعیت متشکل و متعهدی که اکثریت نمایندگان را داشت
آن روزهای سرنوشت ساز از دردمندی جمع متشکل و متعهد و ... وظیفه تاریخی
خود را تشخیص دادند و سینه سپر کردند و بالاخره موفق شدند اسلام و انقلاب
را از شر لیبرالها و بیگانه‌ها و منافقان و مارکسیست‌ها و ... و سلطنت
طلب‌ها و ... نجات دادند که با هم مشترک جبهه موقتاً متحدی را علیه انقلاب و اسلام
تشکیل داده بودند و نمونه‌ای از عملکرد آن را در فاجعه ۱۴ اسفند دانشگاه تهران
دیدیم کفایت ... و کشور را از یک فتنه به پایان
شهید مظلوم دکتر بهشتی از پیشتازان این جمع متشکل بود و بالاخره جان
خود را در این راه مقدس نثار کرد و ... انقلاب نداد و قدرت و پایندگی کشور را
مرهون همین خونهای مقدس شهدا است که با ... ملت و هدایت رهبر
توانسته جریانی سالم و قوی ... و جوش و خروش در تاریخ معاصر مانده بهترین تشکرها را
تقدیم همراهان عزیز زمان مان میکنیم که ... در جمع اولیاء الهی در ملاء اعلی شاهد
به ثمر نشستن نهال نوپایی هستند که با خونشان آبیاری کرده‌اند.

اکبر هاشمی رفسنجانی ۱/۱۰/۶۴

ارگان جمعیت‌های خود "بن‌بست" و "کی باید برود" را مطرح می‌کردند و پاسخ را روشن می‌دانستند و خیال می‌کردند با انحلال مجلس و شکست دولت شهید رجایی، بن‌بست ادعایی هم باز می‌شود و میدان برای مخالفان اسلام ناب بی رقیب می‌ماند و متأسفانه در خود مجلس هم جمعی عضو و تعدادی هوادار داشتند.

آن روزهای سرنوشت ساز از درون مجلس، جمعی مصمم و مقاوم که اکثریت نمایندگان را داشتند، وظیفه تاریخی خود را تشخیص دادند و سینه سپر کردند و بالاخره موفق شدند اسلام و انقلاب را از شر لیبرال‌ها و ملی‌گراها و منافقان و مارکسیست‌ها و بی‌بندوبارها و سلطنت طلب‌ها و اربابانشان که با منافع مشترک، جبهه موقتاً متحدی را علیه انقلاب اسلامی تشکیل داده بودند و نمونه هماهنگی‌شان را در فتنه ۱۴ اسفند دانشگاه تهران دیدیم، یا ـکشور را از یک فتنه بی‌پایان نجات دهند.

شهید مهدی نصیری جزو پیشتازان این جمع مصمم بود و بالاخره جان ارزشمند خود را در این راه مقدس نثار کرد و انقلاب، تداوم و قدرت و بالندگی‌اش را مرهون همین خون‌های مقدس شهدا است که با حمایت ملت و هدایت رهبر، توانسته جریانی سالم و قوی و جوشان و خروشان در تاریخ معاصر بماند. بهترین ثناها را تقدیم همراهان و همرزمان‌مان می‌کنیم که در جمع اولیاء الهی در ملاء اعلی شاهد به ثمر نشستن نهال‌هایی هستند که با خونشان آبیاری کرده‌اند.

رئیس مجلس شورای اسلامی

اکبر هاشمی رفسنجانی ۱۳۶۴/۱/۱۰

پیش‌نویس نامه به امام درباره شورای محترم نگهبان

بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم

به خاطر نگرانی که از آثار وضع موجود دارم، احساس می‌کنم مطالبی را با خود شما در میان گذارم، به امید اینکه یا نگرانی‌ام رفع شود و یا با کمک شما از خطر احتمالی جلوگیری گردد. اینجانب شورای نگهبان را برای تداوم انقلاب اسلامی ضروری می‌دانم و معتقدم اگر چنین شورایی در نظام ما نباشد، خطر انحراف نظام جدی است و انحراف انقلاب از اسلام، علاوه بر اینکه ارزش آن را نابود می‌کند، خود انقلاب را از بین خواهد برد.

و از آن روزی که وارد مبارزه با نظام پهلوی شده‌ام، این فکر را به طور مبهم داشته‌ام و روزهای اول پیروزی برای تحقق آن حداکثر تلاش را نموده‌ام و اختلاف اصولی ما با جریان‌های متظاهر اسلامی مثل منافقین و لیبرال‌ها و امتی‌ها و بنی‌صدر و جبهه ملی و... بر سر همین بود که ما حاکمیت با قید و شرط فقه موجود سنتی را لازم می‌دانستیم و آنها زیر بار نمی‌رفتند و تا امروز تجربه و گذشت زمان، این عقیده را در من راسخ‌تر کرده و امیدوارم هیچ قدرت خارجی نتواند این بنای مستحکم را بشکند.

(۷)

جمهوری اسلامی ایران

مجلس شورای اسلامی

دفتر رئیس

شماره ....

تاریخ ....

پیوست ....

ص ۱

بسم الله الرحمن الرحیم

بسمه تعالی

شورای محترم نگهبان

سلام علیکم

[illegible] که از [illegible] وضع موجود دارم ادای وظیفه تسلیم مطالبی را [illegible]

[illegible] نگرانی‌ها [illegible] شورای نگهبان [illegible] خطر [illegible] جلوگیری گردد

[illegible] شورای نگهبان برای تداوم انقلاب اسلامی [illegible]

[illegible] اگر چنین شورای [illegible] در نظام [illegible] خطر [illegible] انحراف [illegible]

[illegible] انحراف انقلاب از اسلام علاوه بر [illegible]

[illegible] را از بین خواهد برد.

[illegible] با نظام [illegible] را

و روزهای اول [illegible] برای تحقیق آن [illegible] و [illegible]

[illegible] اسلامی [illegible] الهام [illegible]

و... [illegible] بود که ما [illegible] موجود [illegible] را [illegible]

[illegible] امروز [illegible] این عقیده را [illegible]

[illegible] خارجی [illegible] قدرت [illegible] را بشکند [illegible]

ولی نگرانی مهم من این است که [illegible] از درون [illegible]

[illegible] اسلام را [illegible] نسل جوان [illegible]

دستخط نامه به شورای نگهبان



جمهوری اسلامی ایران

مجلس شورای اسلامی

دفتر رئیس

شماره ....

تاریخ ....

پیوست ....

ص ۵

بسمه تعالی

وزارت معادن و فلزات در سیستم کنونی زیاد است. — الف) اگر لازم شد

اگر چنین کمیسیونی خطوط و دستورالعمل‌ها را مشخص کند و نحوه ارتباط وزرا

در دو وزارتخانه با شورای نگهبان دارند در نظر بگیریم. در موضوع تهمت‌ها

و سوءظن‌ها بیشتر قرار بگیرند.

ب) مواردی که شورای نگهبان ... و توزیع کالاها ملاحظه

چگونه نظر خود را با رعایت ضوابط و شرایط قانون اساسی و احکام اسلامی

مشخص کرده‌اند.

ملاک رعایت مصلحت کشور هم در همین نظریه باید رعایت شود. ولی

اگر هم فرض کنیم مصلحت هم در رعایت کجاست ولی راه تأمین مصلحت

این نیست. موضوع باید از طریق ... نمایندگان مجلس و نیز نظرات آنها اقدام شود.

مصلحت حفظ امنیت و شورای نگهبان ... مهمتر از این کار است.

* * *

با توجه به وضع موجود مسائل مهم کشور بلا اجرا مانده. نه دولت و نه مجلس

نمی‌توانند اقدام نمایند: ۱ـ مسئله اراضی کشت موقت ۲ـ مسئله تجارت خارجی

ولی نگرانی مهم من این است که این بنا از درون آسیب ببیند و به اصطلاح این امامزاده آن را تضعیف نماید.

مواردی در میان مجلس شورای اسلامی و شورای نگهبان پیش می‌آید که ممکن است رفته‌رفته مشکلات غیر قابل حل و آثار سوءِ جبران‌ناپذیر پیش بیاورد و اگر امروز چاره نشود، نمی‌دانیم فردا چه خواهد شد.

بخشی از این مشکلات ناشی از ابهامات خود قانون اساسی است و برخی به عملکردها برمی‌گردد، استدعا دارم توجه خاص مبذول فرمائید:

۱- قانون اساسی، تفسیر قانون اساسی را در اصل به خود شورای نگهبان محول کرده. حال که مرجع خود شورای نگهبان است، باید به‌گونه‌ای عمل کند که احتمال تعصب و ترجیح جانب خود برای نظار پیش نیاید که موجب ضعف اعتماد به این نهاد ـ که باید خیلی مقدس و سالم بماند ـ گردد، ولی متأسفانه در عمل این نکته مراعات نمی‌شود.

۲- در مورد انطباق مصوبات مجلس شورای اسلامی با شرع مقدس و قانون اساسی، اصل ۹۴ می‌گوید.... و چنانچه آن را مغایر ببیند برای تجدید نظر به مجلس بازگرداند. طبق این اصل باید عنوان "مغایر" اجرا شود تا به مجلس برگردانده شود.

ولی شورای نگهبان معمولاً اگر چهار رأی موافق فقها را برای انطباق مصوبه‌ای با شرع نداشته باشد، آن را اعاده می‌کند و برای این اقدام خود به اصل ۹۶ استناد می‌کنند که گفته "تشخیص عدم مغایرت مصوبات مجلس شورای ملی با احکام شرع با اکثریت فقهای شورای نگهبان...."

گذشته از اینکه روشن است که اصل ۹۴ که در صدر بیان است، باید مقدم بر این اصل ۹۶ باشد. کاملاً بیش از یکی از اعضای شورای نگهبان شنیدم که همین تفسیر مورد عمل آنها که باید دو سوم آراء اعضا را داشته باشد، نداشته. طبیعی است که این گونه عملکرد از اعتبار این نهاد مقدس می‌کاهد و آثار نامطلوبی در روحیه نمایندگان مجلس دارد که... این گونه آراءشان متهم به خلاف شرع بودن شده و همچنین در روحیه کسانی که طرفدار مصوبات‌اند.

۴- در اصل ۹۵ آمده است: در مواردی که شورای نگهبان مدت ده روز را برای رسیدگی و اظهار نظر کافی نداند، می‌تواند از مجلس شورای ملی حداکثر برای ده روز دیگر با ذکر دلیل "خواستار تمدید وقت شود".

شورای نگهبان در تفسیر این اصل می‌گوید، صرف اعلان شورای نگهبان کافی است و موافقت

مجلس برای مهلت جدید لازم نیست.

برای هر کسی این سئوال پیش می‌آید که چرا تنظیم کنندگان قانون اساسی به جای این عبارت ازکلمه "اعلان" استفاده نکرده‌اند؟ حداقل خواستار تمدید وقت شدن بدون نیاز به عمل "تمدید" از طرف مجلس، نشان مسامحه در تعبیر است. آیا اینگونه تفسیرها، آن هم در مواردی که به نفع شورای نگهبان احتمال مرجوع انتخاب شود، مناسب با شأن فقهای عادل منصوب مقام رهبری هست؟

۳- مهمتر از اینها دخالت دادن صلاح اندیشی‌ها و نظرات محتوایی و کارشناسی در آراء شورا است که در گذشته موارد زیادی داشته. در این موارد با توجه به آثار و لوازم، مصوبات اعاده می‌شود و به گونه‌ای به قانون اساسی یا احکام اسلام مرتبط می‌شود که خیلی نمی‌چسبد و روشن است که صلاح اندیشی و کارشناسی نقش عمده داشته و در حقیقت شورای نگهبان در نقش مجلس عمل می‌کند.

از این قبیل موارد در طول پنج سال گذشته نمونه‌های فراوانی داشته‌ایم و برای نمونه دو مورد اخیرا راکه داشته‌ایم به خدمتتان ارسال می‌دارم و تقاضا دارم خود جنابعالی نظر بدهید که تا چه حد این نظرات در محدوده وظایف و حقوق شورای نگهبان است.

الف ـ **در مورد وزارت صنایع سنگین**، با توجه به اینکه درگذشته بارها شورای نگهبان اینگونه موارد را تأیید کرده و منجمله عین همین مسأله را درباره وزارت معادن و فلزات داشتیم که در تاریخ... انجام شده. اگر حواشی که مسائل خطوط و دسته‌بندیهای سیاسی و نحوه ارتباط وزیران که در وزارت‌خانه با شورای نگهبان دارند در نظر بگیریم، در معرض تهمت‌ها و سوءظن‌های بیشتری قرار می‌گیرند.

ب ـ **در مورد لایحه تأمین و توزیع کالا**، ملاحظه بفرمائید چگونه نظر خود را با استنباط و استظهار به قانون اساسی و احکام اسلام مرتبط کرده‌اند.

ممکن است مصلحت کشور هم در همین نظریه باشد و یا نباشد. ولی اگر هم فرض کنیم مصلحت هم در رد لایحه است، ولی راه تأمین مصلحت این نیست و باید از طریق بحث با نمایندگان مجلس و تغییر نظر آنها اقدام شود و مصلحت حفظ اعتبار شورای نگهبان برای آینده مهمتر از اینها است.

با توجه به وضع موجود، مسایل مهم کشور پادرهوا مانده. نه دولت و نه مجلس نمی‌توانند اقدام

بنمایند. ۱- مسأله اراضی کشاورزی ۲- مسأله تجارت خارجی ۳- قانون کار ۴- مالیات چـون می‌دانند شورای نگهبان نظرات کارشناسی خود را اعمال نماید و احتمال بدنامی مجلس و دولت و خود شورای نگهبان وجود دارد، به علاوه دشمنان از علنی شدن اختلاف نـظرها سـوءاستفاده می‌کنند و معلوم است اگر نشودَ با معیارهای اسلامی این مسایل مهم کشور را حل کرد، ممکن است در نظر خیلی‌ها اصل صلاحیت اسلام برای اداره جامعه زیر سئوال برود و ضعف‌های ما به حساب اسلام گذاشته شود.

با توجه به مطالب بالا که فقط بخشی از مسایل ما است، انتظار داریم که رهبر عظیم‌الشـان اقدامی برای حل مشکل به هرگونه که صلاح می‌دانند بفرمایند. و اگر هم صلاح می‌دانند که وضع به همین صورت بماند، خیال ما را هم راحت فرمایند.

چون هیچ راه دیگری برای حل مشکلات به نظرم نرسید، ناچار مزاحم جنابعالی شدم، به امید اینکه در پیشگاه خداوند مقصر نباشم و وظیفه‌ام را انجام داده باشم.

اکبر هاشمی رفسنجانی

پاسخ به نامه نخست وزیر ژاپن

جناب آقای یاسو هیرو ناکازونه، نخست وزیر محترم ژاپن

نامه محبت‌آمیز و پیام‌های خیر خواهانه جنابعالی توسط فرستاده ویژه شما آقای یوشی هیرو ناکاپاما دریافت شد.

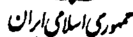
اینجانب هم مثل جنابعالی، سفرم را به ژاپن موفقیت‌آمیز و منشأ آثار و برکات زیاد در جهت توسعه روابط دو کشور و حل مشکلات بین‌المللی ارزیابی می‌کنم، مشروط به پیگیری و تداوم ملاقات‌ها و تبادل نظرات و پیام‌ها.

و از اینکه جنابعالی و همکارانتان برای حل مشکلات بین‌المللی به تلاش برخاسته‌اید خوشحال و سپاسگزارم. مخصوصاً برای تلاش در حل مشکل جنگ تحمیلی عراق بر ایران و مشکل بزرگ تروریسم بین‌المللی که خطر بزرگی در راه آرامش جهان است، ارزش زیادی قائلیم و می‌توانید در این راه به همکاری همه جانبه ما اطمینان داشته باشید. وَلی همان گونه که در ژاپن در مذاکرات و در کیفیت کار، وحدت نظر داشتیم، لازم است در جریان عمل هم به طور اصولی و با وحدت نظر حرکت شود. ما و شما متفق بودیم که درباره ختم جنگ، باید به صلح پایدار اندیشید و تروریسم را باید از ریشه براندازیم و به آتش‌بس شکننده در جنگ و شکستن شاخ و برگ تروریسم و تقویت ریشه‌های جنگ و ترور بپردازیم.

شماره ۱۷۴۵/۱۰/م

تاریخ ۱۷/۵/۶۴

پیوست دارد



مجلس شورای اسلامی

دفتر رئیس

بعونه تعالی

جناب آقای یاسوهیرو ناکازونه نخست وزیر محترم ژاپن

نامه محبت آمیز و پیامهای خیرخواهانه جنابعالی توسط نماینده ویژه شما آقای هیرو ناکایاما دریافت شد.

از اینکه هم شخص جنابعالی سفرم را به ژاپن موفقیت آمیز دانستید و آثار و برکات زیادی در جهت توسعه روابط دو کشور و حل مشکلات بین المللی ارزیابی کردید مسرور شدم و به پیگیری و تداوم ملاقاتها و تبادل نظرات و پیامها

و از تمایل جنابعالی و همکارانشان برای حل مشکلات بین المللی به ویژه برطرف شدن این خوشحال و سپاسگزارم. مخصوصاً برای تلاش در حل مشکل جنگ تحمیلی عراق بر ایران و مشکل بزرگ تروریسم بین المللی که خطر بزرگی در راه گسترش صلح است ارزش زیادی قائلم.

و می‌توانید در این راه به همکاری صمیمانه ما اطمینان داشته باشید ولی همانگونه که در ژاپن در دیدارها در کیفیت کار و وحدت نظر داشتیم لازم است در اینجا عمل که راه اصولی و با وحدت نظر درک شود

دستخط پاسخ به نامه نخست وزیر ژاپن

در مورد مسأله گروگان‌های خارجی در لبنان، متأسفانه برای ما ابهامات زیادی وجود دارد که امیدواریم در سایه تلاشهای شما رفع شود:

۱- ما نمی‌دانیم ادعای وجود گروگان آمریکایی در لبنان تا چه حد صحت دارد.

۲- در صورت صحت ادعا، نمی‌دانیم عامل آن کیست و احتمال اینکه عوامل آمریکا و اسرائیل برای اهداف خاص ماجراجویانه، خود دست به این کار زده باشند، وجود دارد.

۳- اصلاً مطمئن نیستیم که آمریکا خواهان آرامش در منطقه باشد و ممکن است برای ایجاد بهانه دخالت و سرکوب مردم، چنین حوادثی را به وجود بیاورد.

۴- و بر فرض اینکه گروگانگیری واقعاً توسط مخالفان آمریکا واقع شده باشد، مطمئن نیستیم که آمریکا خواهان حل آن باشد. ممکن است ترجیح دهد که این وضع بماند و وسیله اجرای اهداف دخالت در امور دیگران و استفاده برای اهداف داخل آمریکا باشد.

۵- حرکت آمریکا بعد از حل مسأله هواپیمای ربوده شده "تی، دبلیو، اِ" این سوء ظن‌ها را تأیید می‌کند. مسئولان سوریه به ما گفتند که آمریکا تعهد کرده که پس از حل مسأله هواپیما، زندانیان لبنانی که برخلاف مقررات جهانی در اسرائیل زندانی‌اند، آزاد شوند ولی می‌بینید که به وعده خود عمل نمی‌کند.

۷- اگر سیاست آمریکا این باشد، احتمال بی‌اعتبار شدن شما و ما در نظر مردم مظلوم لبنان در جریان تلاش جدید، جدی است.

۸- به نظر اینجانب، برای اثبات جدی بودن مسأله گروگان‌ها و جدی بودن آمریکا در راه نجات آنها، آمریکا باید به وعده قبلی خود عمل کند و زندانیان لبنانی در اسرائیل آزاد شوند.

۹- قابل پیش بینی است که اگر زندانیان لبنان در اسرائیل بمانند، حتی در صورت آزادی گروگان‌ها به ادعای آمریکا، این گونه حوادث با شکل بدتری به وقوع خواهد پیوست.

۱۰- از مسئولان هوشمند ژاپن انتظار داریم به این تذکرات دوستانه توجه نمایند و فریب ریاکاران را نخورند که تلاش‌ها بی‌نتیجه یا بد نتیجه نباشند.

رئیس مجلس شورای اسلامی
اکبر هاشمی رفسنجانی
۶۴/۵/۱۷

پیام به یادواره علامه طباطبایی

بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم

یادواره علامه طباطبایی فرصتی تازه در اختیار علاقه‌مندان به علم و معرفت می‌گذارد و بار دیگر توجه عمومی را به ارزش علم و دانش جلب می‌نماید.

علامه طباطبایی با آثار گرانقدر خود در تاریخ جاوید است و این یادها و یادواره‌ها و یادنامه‌ها وسایل ابزار توجه و تربیت نسل‌های جدید و غنا بخشیدن به برنامه‌های تربیتی است.

استاد بزرگ ما با نوشته‌های پربارش و شاگردان و دست پرورده‌های بی‌شمارش در بخش عظیمی از جهان اسلام و مراکز علمی جهان حضور دارد و به نقش سازنده خود ادامه می‌دهد و در این یادواره‌ها، باید ضمن جمع‌بندی آثار حضور استاد و محاسبه مقدار روشنگری انوار آن منبع نور، راه‌های جدیدی برای توسعه منطقه نفوذ و فتح قلمروهای تازه برای سازندگی و احیاء و نشاط جستجو کرد.

با تشکر از برگزارکنندگان و شرکت کنندگان در این محفل مقدس، تذکر این نکته را مفید می‌دانم که رسالت این گونه یادواره‌ها را لازم است از سطح بزرگداشت و یاد و احترام بالاتر بریم و خودمان را به سطح بینش و خواست مراتبی چون علامه طباطبایی نزدیک کنیم و برای تداوم حرکت حیاتبخش ایشان تلاش کنیم.

جمهوری اسلامی ایران
مجلس شورای اسلامی
دفتر رئیس

شماره ۹۰۰۳۲۲۵۰/ل/د/ه
تاریخ ۲۰/۸/۹۰
پیوست ندارد

بسمه تعالی

بسم الله الرحمن الرحیم

یادواره علامه طباطبائی فرصتی تازه در اختیار علاقه‌مندان به علم و معرفت می‌گذارد و بار دیگر توجه عمومی را به ارزش علم و دانش جلب می‌نماید.

علامه طباطبائی با آثار گرانقدر خود در تاریخ جاویدان است و این یادها و یادواره‌ها و یادنامه‌ها و همایش‌ها [illegible] توجه و تربیت نسل‌های جدید و غنا بخشیدن به برنامه‌های تربیتی است.

استاد بزرگ ما با نوشته‌های پربار و ارزشمند خود [که منتشر گردید] پرده از وجوه بی‌شماری در بخش عظیمی از جهان اسلام و در آن علم جهان معاصر برداشت و به تعریف تازه‌ای [illegible] همت گمارد [illegible] در این یادواره‌ها باید عمق حقیقی آثار حضرت استاد و [illegible] روشنگری انوار آن منبع نور، راه‌های جدیدی برای توسعه منطق نقد و فتح قلمروهای تازه برای سازندگی و احیاء نشاط جستجوگری [illegible]

با تشکر از برگزارکنندگان و شرکت‌کنندگان در این محفل مقدس نکته‌ای را لازم [illegible] میدانم که رسالت اینگونه یادواره‌ها را [illegible] از سطح بزرگداشت

دستخط پیام به یادواره علامه طباطبائی

اگر عمر محدود انسان‌ها اجازه به این مردان بزرگ نمی‌دهد که همه افکار و اهداف خود را به جامعه و تاریخ منتقل کنند، خاصیت علم و عرفان این است که شاگردان می‌توانند بدون وقفه راه اساتید را ادامه دهند و بلکه به شتاب و ابعاد آن بیفزایند.

انوار ابتکارات و نوآوری‌های این دانشمند در تفسیر و اخلاق و فلسفه و مسایل اجتماعی روز هم از لحاظ موضوع و میدان عمل و هم از نظر شیوه کار، چیزی نیست که با خاموشی چراغ عمر ایشان به خاموشی گراید و یا درجا بزند، بلکه آنها را باید فتح ابوابی به حساب آورد که نسل‌های امروز و فردا وارد فضاهای وسیع نورانی گردند و از هر ضلع و زاویه ابواب دیگری باز کنند و از هر مشعل نورافکن‌های جدیدی خلق نمایند.

کاروان علم و ادب و هنر و اخلاق و عرفان را درنگ و توقف روا نیست، به خصوص که در عصر انقلاب اسلامی و تحت لوای رهبری بی‌مثال و فقیهی کم نظیر چون آیت‌الله العظمی امام‌خمینی، فرصتی گرانبها در اختیار جویندگان حق و تشنگان کوثر معارف اسلامی قرار گرفته که آب دریا را اگر نتوان کشید، در حد نیاز و عطش، خودمان می‌توانیم از این اقیانوس بیکران بهره گیریم.

والسلام علیکم و علی عبادالله الصالحین

اکبر هاشمی رفسنجانی

۱۳۶۴/۸/۲۰

نامه قربانی‌فر به محسن کنگرلو

پیرو مذاکرات قبلی و همانطور که مسبوقید در پانزده ماه گذشته، اینجانب در تمام مدت و با تمام قوا سعی در تهیه و ابتیاع تجهیزات و اسلحه‌های مورد نیاز جمهوری اسلامی نمودم. و همانطور که آگاهید یک بار نیز سی هزار دلار که بابت نمونه موشک تاو داده بودم از دست رفت، به علاوه صرف هزینه‌های بسیار دیگری. ولی بعد از آن همه تلاش به این نتیجه رسیدم که توسط واسطه‌ها و شرکت‌های تسلیحاتی نمی‌توان تسلیحات موشکی و مدرن را بدست آورد و فقط تضییع مال و وقت است و باید این کار از سرچشمه درست شود و باید به هر حیله و وسیله‌ای که ممکن باشد، این تجهیزات و وسایل را مستقیماً از خود آمریکایی‌ها بدست آورد. با عطف توجه جنابعالی به این امر که در آمریکا اگر رابطه مستقیم و سطح بالایی باشد و به قول خودشان Lobying یعنی فعالیت توأم با مذاکرات و روابط ویژه قوی و ارتباطات خصوصی، می‌توان کارها را آن‌طور که مورد نظر است انجام داد. به عنوان مثال، شایع است که لابینگ اسرائیل و عربستان و چین در واشنگتن از همه قوی‌تر است. با امیدی که به رابطه شخصی خودم باسناتور دول (Dole) رئیس سنای آمریکا از حزب جمهوریخواه داشتم، عازم واشنگتن گردیدم. باید توجه جنابعالی را به سابقه امر جلب کنم. در ایالات متحده زمانی که رئیس جمهور جدیدی به قدرت می‌رسد، کلیه مقامات و صاحبان قدرت از طرف رئیس جمهور از همان حزب برنده و از همان سرکردگان و فعالان حزبی انتخاب می‌شوند که آنها تا قبل از به قدرت رسیدن رئیس جمهور جدید در شغل‌های غیر دولتی و

مصطفی [illegible]

۳۰

برادر حاج مصطفی

پیرو مذاکرات قبلی و همانطور که مستحضرید در بیست سال گذشته انجام در تمام مدت و با تمام تواناییم در تهیه و ارسال تجهیزات و اسلحه مورد نیاز جمهوری اسلامی کوشا[illegible] و همانطوریکه آگاهید یک بار دسترسی زیاد دارد که بابت خرید پوسک تاو دادن لوازم از دست رفت بعلاوه صرف هزینه‌های بسیار دیگری، ولی بعد از آن همه تلاش باین نتیجه رسیدم که توسط واسطه‌ها و شرکتهای تسلیحاتی نمیتوان تسلیحات موشکی مدرن را بدست آورد و فقط تضییع مال و وقت است. باید این کار از سرچشمه درست شود و باید به هر حیله و وسیله‌ای که ممکن باشد این تجهیزات و وسائل را مستقیما از خود آمریکائیها بدست آورد که با عطف توجه [illegible] تعالی باین امر که در آمریکا اگر رابطه مستقیم در سطح بالائی باشد و تحول [illegible] یعنی نفوذ در LOBBY خانواده‌ها توأم با مذاکرات و روابط ویژه تحول و ارتباطات [illegible] میتوان کارها را آنطور که مورد نظر است انجام داد بعنوان مثال شاهد هستید که کابینه اسرائیل و عربستان و چین در واشنگتن از همه قوی‌تر است. بخصوص که همه آمریکائیها انسانهای [illegible] و تحول ما اهل حق و حساب هستند [illegible] که به رابطه شخصی خودم با سناتور DOLE دول رئیس سنای آمریکا از حزب جمهوریخواه داشتم ملزم داشتن گردیدم که توجه حضرتعالی را به نکته مهمی [illegible] در ایالات متحده زمانیکه رئیس جمهور جدیدی بقدرت میرسد کلیه مقامات و صاحبان قدرت از طرف رئیس جمهور از میان حزب برنده و از میان [illegible] رهبران حزبی انتخاب میشوند که آنها تا قبل از بقدرت رسیدن رئیس جمهور جدید در مشاغل غیر دولتی و شرکتها و مؤسسات و یا مشاورین کارتل‌های آمریکائی مشغول بکار بوده‌اند

تصویر اصل نامه منوچهر قربانی فر به محسن کنگرلو (عنوان نامه نام مستعار است)

شرکت‌ها و مؤسسات و تراست‌ها و کارتل‌های آمریکایی مشغول به کار بوده‌اند. به عنوان مثال، وزیر دفاع و وزیر خارجه فعلی آمریکا هر دو رئیس هیأت مدیره و مدیر عامل دو شرکت بسیار عظیم و معروف آمریکایی بودند که هر دو قراردادهای عظیمی در عربستان سعودی داشتند و بقیه مقامات آمریکایی هم عضو هیأت مدیره شرکت‌ها و صنایع بزرگ و سهامداران آن بوده‌اند که از آن جمله است آقای دول که ایشان در سال ۱۹۷۴ سهامدار عمده شرکت ترانس کنتینانتال تکزاس و صنایع استریک Strick فیلادلفیا بودند و من توسط آقای سول‌کتز Sol Katz که رئیس هیأت مدیره آن دو شرکت بزرگ بودند با ایشان آشنا شدم که منجر به تأسیس یک شرکت مشترک ایرانی آمریکایی بنام ترانس کنتانتال ایران با سرمایه ۵۰ میلیون تومان برای حمل و نقل گندم و جو از بنادر و مستقیماً از کشتی‌ها به سیلوها با سیستم بسیار جدید یعنی حمل با کامیون‌های سیلودار و تخلیه توسط مکنده‌های الکتریکی گردید و خدمات شایسته‌ای در این امر انجام داد، که اکنون نیز کم و بیش ادامه دارد. آن دو شرکت سهم خود را که هفده میلیون و پانصد هزار تومان بود یعنی حدوداً دو و نیم میلیون دلار مستقیماً از آمریکا حواله کردند. کار آغاز شد که سوابق در پرونده شرکت مزبور موجود است و بعد از اینکه از آن شرکت خارج شدم آقایان هم سهام خود را واگذار کردند و با خاطره خوشی از هم جدا شدیم. ولی من همواره طبق رسم ایرانیان هرگاه به آمریکا می‌رفتم برای ایشان قالیچه، خاویار، پسته و هدایای دیگر می‌بردم و روابط حسنه را حفظ کرده بودم چون آنها تجار بسیار نیرومند و خوشنامی بودند. تا اینکه آقای دول در سال ۱۹۸۴ به ریاست سنای آمریکا که رسماً سومین شخصیت ایالات متحده آمریکاست انتخاب شدند. او که یک جمهوریخواه است از دوستان بسیار قدیمی جورج بوش معاون ریاست جمهوری آمریکا می‌باشد.

من سه روز پس از ورود به واشنگتن توانستم برای دیدن ایشان آن هم در منزلشان وقت بگیرم و شام را با ایشان خوردم. مذاکرات و صرف شام جمعاً ۵ ساعت طول کشید. یعنی از پنج و نیم بعد از ظهر الی ده و نیم شب، نیم ساعتی از این مذاکرات به جست‌وجوی احوال و یاد خاطرات و چگونگی کار و فعالیت من گذشت و بعد من حدود سه ساعت برای ایشان توضیحات مستدل و بسیار قانع کننده‌ای دادم، مبنی بر اینکه سیاست فعلی آمریکا در ایران خطاست و آمریکا باید در این جنگ جمهوری اسلامی را که سدی است عظیم در مقابل توسعه کمونیسم و دولت شوروی و سیاست‌های توسعه‌طلبانه آن، حمایت کند و در این جنگ، عراق که از اقمار روسیه شوروی است باید بازنده شود.

من موارد بسیاری از جمله حمایت و مبارزه ایران در کنار برادران مجاهد مسلمان افغان در مقابل روسیه، وضعیت شیعیان عراق را که در اکثریت ۷۰٪ به ۳۰٪ می‌باشند، اهمیت مسأله شیعه در مبارزه با کمونیزم و مبارزه دولت جمهوری اسلامی با آن، خطر تقویت منافقین مارکسیست و تروریست توسط عراق و عوامل چپ و اصول اعتقادی جمهوری اسلامی را به طور مفصل و کامل شرح دادم. ایشان با دقت بسیار به حرفهای ما توجه داشت و یادداشت نیز برمی‌داشت. ایشان گفتند که موارد مشروحه مورد توجه خاص ایالات متحده می‌باشد و فردا در جلسه‌ای که با آقای بوش دارم مفصلاً صحبت خواهم کرد؛ چون او مرد تصمیم است و سعی می‌کنم که شما هم بوش را ببینید تا شاید بشود کاری کرد و گفت فردا شب به من زنگ بزنید.

در تماس فردا شب، به من گفتند فردا ساعت ۳ بعد از ظهر به دفتر مخصوص من بیایید ایشان را هم ملاقات خواهید کرد. در آن ملاقات که در ساعت نزدیک به چهار بعد از ظهر تا پنج و بیست دقیقه طول کشید، من تمام نکات و اهم مسایل مربوطه را که به آقای دول توضیح داده بودم به طور کامل به ایشان گفتم. او با دقت گوش می‌کرد. پس از اینکه من نزدیک به چهل دقیقه صحبت کردم، ایشان گفتند ما انتظار داشتیم که این حرف‌ها را از وزیر خارجه ایران بشنویم نه از شما. به هر حال شور و احساسات وطن‌پرستی شما برای ما قابل درک است و به آن احترام می‌گذاریم، اما مایلم که من هم مسایلی را برای شما روشن سازم که قادر به بحث در جایی دیگر نیستم، ولی می‌تواند بازتاب نظرات و خواسته‌های ما، آن هم به طور کاملاً غیر قابل آشکار باشد. اولاً ما وارث یک پرونده پیچیده و شلوغ و پر از سوءظن و عدم اعتماد با خاطراتی بد بنام روابط ایران و آمریکا شدیم که ما به عنوان دولت مردان و دولت جدید نه نقشی در آن بازی کرده بودیم و نه از آن آگاهی داشتیم؛ یعنی ما روزی به دفتر کار آمدیم که همان روز گروگان‌های آمریکا آزاد شدند و همانطور که می‌دانید بزرگترین گرفتاری و مشکل ما در این کشور مسأله افکار عمومی می‌باشد و اینجا رسانه‌های گروهی کوچکترین حرکت و حرف ما را با ذره‌بین بزرگ می‌کنند و ۲۴ ساعته دنبال درزکردن و کسب خبر و بزرگ کردن آن هستند. با این جهات ما قدرت مانور چندانی به طور آشکار نداریم؛ مگر این گونه مسایل را به طور بسیار خصوصی و صد در صد اطمینان بخش طرح و اجرا کنیم، چون آشکار شدن این موضوعات به منافع و موقعیت سیاسی ما به شدت لطمه خواهد زد.

من مایلم که دید خودمان را از مسأله جنگ ایران و عراق و مشکلاتی که با آن مواجه هستیم برایتان روشن کنم؛ ما از نقطه نظرهای شوروی و اروپایی‌ها نسبت به این جنگ آگاهی کامل داریم

که در اینجا مورد بحث ما نیست و من به نقطه نظرها، ارزیابی، تحلیل، مسایل و مشکلات خودمان در رابطه با این جنگ اشاره می‌کنم که در این جنگ علاوه بر مسایل یاد شده دو ایزم قوی طرفین آن قرار گرفته‌اند یعنی ایرانیزم و عربیزم و شیعیزم و سُنیزم که البته می‌دانید سنی‌ها ده برابر شیعیان و عرب‌ها حدوداً ۳ برابر ایرانیان می‌باشند. من با اعتقاد راسخ به آنچه که شما گفتید که ایران سدی است در مقابل کمونیزم، اهمیت مسأله شیعه ـ مسأله شیعیان عراق که در اکثریتند، مسأله افغانستان، و بسیار مسایل مهم دیگری که شما، به آن اشاره نکردید و شاید هم اطلاع ندارید که مهمترین آن از نظر ما مسأله استراتژیک و منبع انرژی بودن ایران است که کارتر هم در کتاب خود به آن اشاره کرده بود. اما من لازم می‌دانم که به شما خاطر نشان سازم که ارتش آمریکا در دو مورد به خصوص دستورالعمل ویژه و اختیارات قبلی دارد؛ یعنی ارتش آمریکا در دو حالت یا ورود ارتش سرخ به برلین غربی و یا ورود به مرزهای ایران بدون مشورت و فوت وقت به مقابله مستقیم و رویارویی تمام عیار با ارتش سرخ خواهد شتافت و این مسأله برای روس‌ها نیز کاملاً روشن شده است. این یک روی سکه است اما روی دیگر سکه مشکل اصلی ما با افکار عمومی در آمریکا و منافع و منابع استراتژیک، اقتصادی و سیاسی دراز مدت آمریکا در جهان عرب و دنیای تسنن است. یعنی اینکه در آمریکا افکار عمومی ما را تحت فشار دارد که آقایان این همان دولتی است که دیپلمات‌های ما را به گروگان گرفته بود، روی پرچم آمریکا رژه می‌روند و آن را آتش می‌زنند، انواع توهین‌ها را به جامعه و مقامات ما می‌کنند و در لبنان به سفارتخانه و کمپ ما حمله می‌کنند، آشوب‌ها و حرکت‌های برعلیه ما را تحریک و تقویت می‌کنند و از طرف دیگر هم عرب‌ها و سنی‌ها ما را مرتب زیر فشار می‌گذارند که یالا کاری بکنید.

وقتی که ما به آقای شیخ کویت جواب رد دادیم که ما نمی‌توانیم آنچه را که می‌خواهد در اختیارش بگذاریم که به عراق بدهد و آنها کار خارک را تمام کنند و به آنها خاطر نشان ساختیم که برای آمریکا مسأله انرژی و استراتژیک مسأله‌ای ورای خصومت‌های قومی و منطقه‌ای است و آقای شیخ هفتم بعد برای دهن‌کجی به ما برادر خود را به کرملین فرستادند و قرارداد عظیم خرید اسلحه امضا کردند. حالا هم ۱۳ کارشناس شوروی در کویت هستند و دارند برایشان مرزهای الکترونیک می‌کشند و بعد هم در ملاقاتی با سلطان قابوس به او می‌گوید بد نیست شما هم روابطی با شوروی داشته باشید.

حالا شما چطور انتظار دارید که ما به عنوان مسئولان آمریکا در مقابل چنین فشار عظیم داخلی

و خارجی مقاومت نموده و درست در جهت مخالف آن حرکت نموده و درکنار شما جبهه و جهت بگیریم و یاریتان دهیم.

اما برای رهبران مسئول آمریکا مسایل استراتژیک، حیاتی و حقایق غیر قابل افشا بالاتر از هر احساس و هر فشاری است. ما به دلایل فوق قادر بداشتن هیچ گونه رابطه رسمی و سیاسی حداقل برای مدتی با کشور شما نیستیم.

و رابطه غیر رسمی توسط مراجع دولتی و عمومی را هم صلاح نمی‌دانیم، چون به هر حال خطر فاش شدن دارد، اما در مقابل من به شما رسماً پیشنهادی می‌دهم و آماده‌ام که همین هفته هم اجرا کنم.

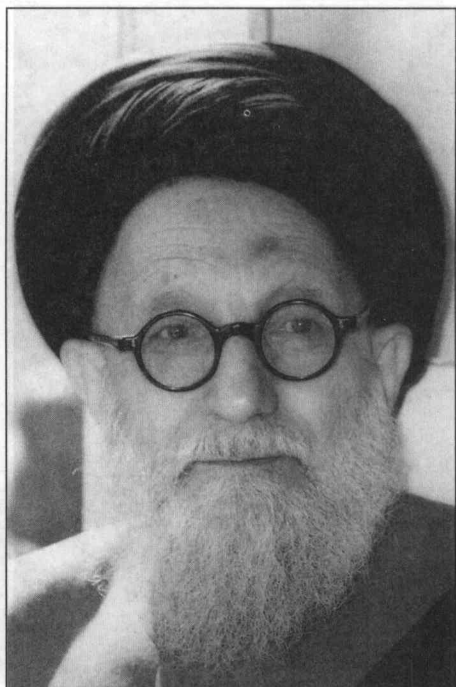
اگر بتوانید مستقیماً حالا که با نشانه‌ای نیز به ایران می‌روید، این پیام را به آقایان برسانید و واسطه و رابطه‌ای هم درکار نباشد، آنگاه ایران می‌تواند به آنچه که می‌خواهد دست یابد. این کار باید فقط توسط یک نفر تراستی Trusty یعنی شخص کاملاً مورد اعتماد و اطمینان طرفین عمل شود؛ یعنی همان طور که در بانک‌های سوئیس عمل می‌شود. بدین صورت که دو معامله گر بدون اینکه همدیگر را ببینند و یا حتی همدیگر را بشناسند، پول و اسناد خود را نزد تراستی بانک می‌گذارد و او آنها را مبادله و سهم هر کدام از طرفین را می‌دهد و نه در جایی ضبط می‌گردد و نه منعکس و نه می‌تواند پخش گردد. سوری‌ها به ما تعهد کرده‌اند که اعمال نفوذ و قدرت کنند و هفت نفر آمریکایی را که در لبنان گرفتار شده‌اند آزاد کنند و البته انتظاراتی هم دارند. حالا برای اینکه ما هم دلیلی برای خودمان داشته باشیم شما بیایید فوراً این اعمال نفوذ و قدرت را بکنید و همزمان ما هم چون اعتماد به مسایل ماورای احساس و فشار داخلی و خارجی داریم، حاضریم به همان طریق تراستی اسلحه مورد نیاز و مساعدت‌های فنی را بدون کوچکترین سند و خط و پولی مبادله کنیم و در اختیارتان بگذاریم ولی در ظاهر قضیه هم، ما به شدت با معامله هر نوع اسلحه برای شما مبارزه خواهیم کرد و حتی اگر بد و بیراه بیشتری هم بشنویم ناراحت نمی‌شویم. من با آقای دول فردا صحبت می‌کنم و ایشان هم فرمول این کار را در اختیارتان می‌گذارد. به هنگام خداحافظی آقای دول گفتند فردا ساعت ۷ بعد از ظهر به منزل من بیایید.

من فردا در رأس ساعت مقرر به منزل ایشان رفتم، گفتند خیلی خوشحالم اگر عاقلانه و درنهایت مخفی کاری عمل شود همه کارهایتان رو به راه می‌شود. و یک قرارداد دو صفحه‌ای هم به عنوان نمونه فنی کار به من دادند که به ضمیمه پیوست است. البته طبق موارد قرارداد، به من

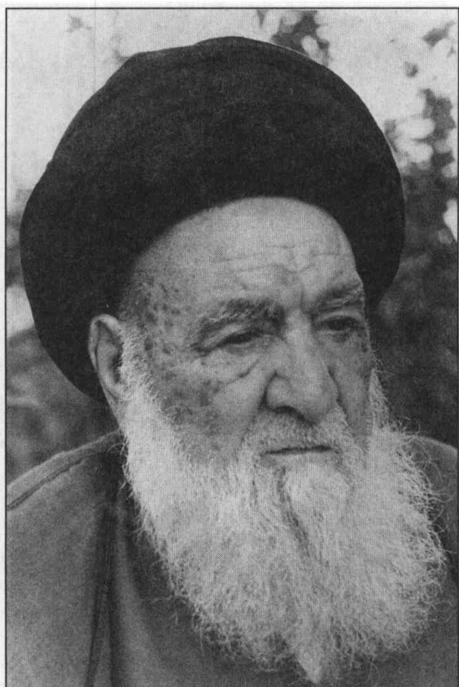
گفت این یک موقعیت حساس و استثنایی است که باید از آن نهایت بهره‌برداری را بکنید و به جز اسلحه هر چیز دیگری از آمریکا لازم داشته باشید مانند کاترپیلار و وسایل بوئینگ و غیرو به همان‌طریق در اختیارتان می‌گذاریم. و حتی توسط شرکت‌های هلندی و سوئیسی خودمان وسایل مورد نیاز تانک‌ها و هواپیماهای اف ۴ را برایتان می‌فرستیم و کارشناسان همان شرکت‌ها یک ماهه همه چیز را برایتان رو به راه خواهند کرد. من ضمن تشکر بسیار از ایشان خداحافظی نموده و قرار شد به‌محض دریافت نتیجه مثبتی نزد ایشان برگردم و ترتیبات فنی همه کارها داده شود. امید است که از این راه بتوانم خدمت ناچیزی برای رزمندگان اسلام و پیروزی کشورمان در این جنگ تحمیلی انجام داده و نزد پروردگار توانا روسفید و سربلند گردیم.

منوچهر قربانی‌فر

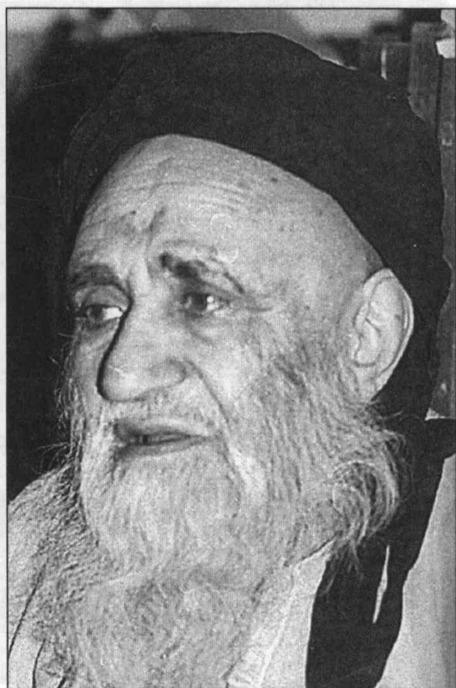
تصاویر و اسناد



آیت الله سید کاظم شریعتمداری



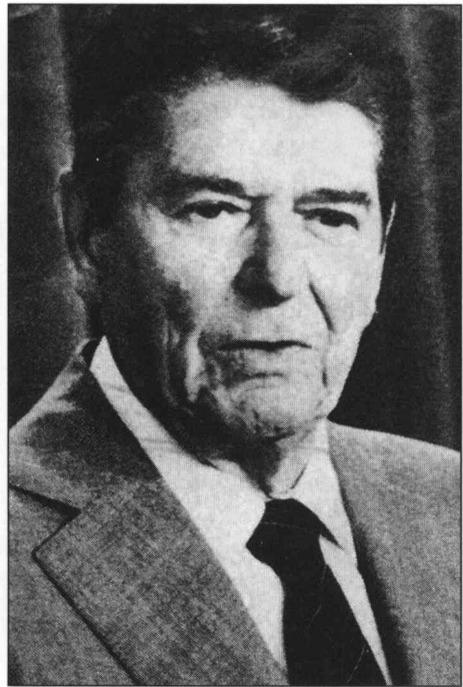
آیت الله سید ابوالقاسم خویی



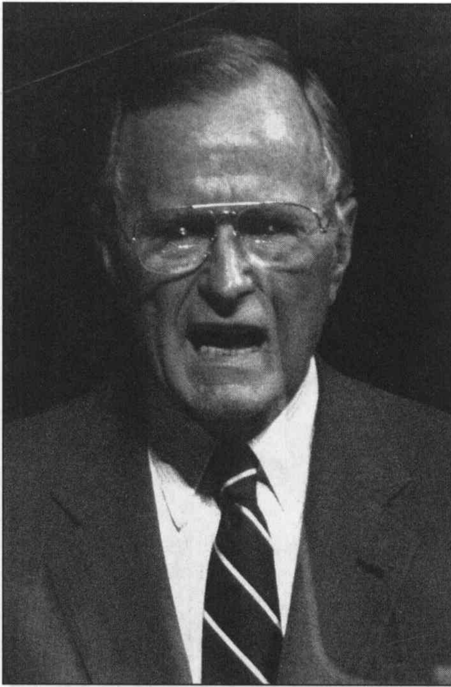
آیت الله سید شهاب الدین مرعشی نجفی



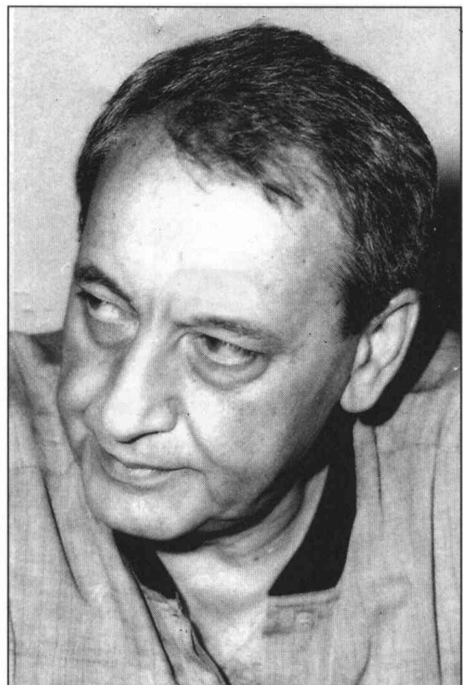
مهدی بازرگان



رونالد ریگان رئیس جمهور آمریکا



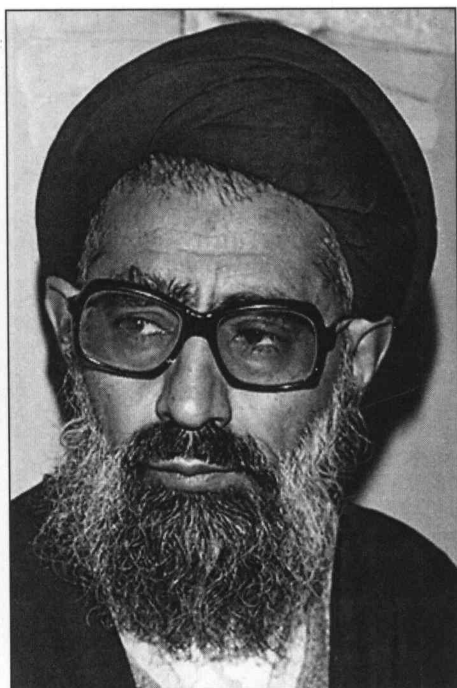
جرج بوش معاون رئیس جمهور آمریکا



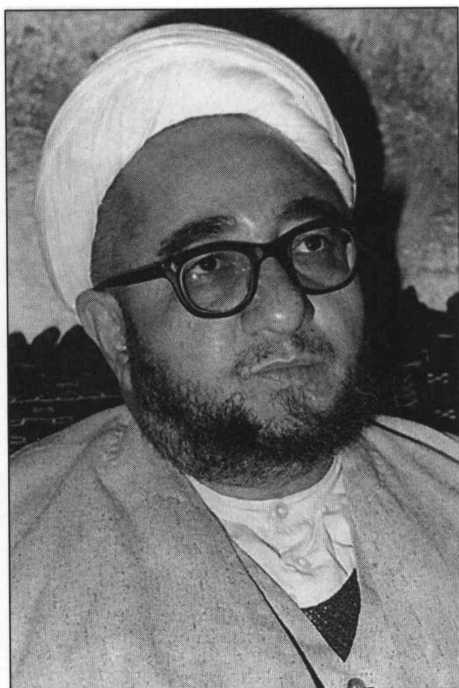
نبیه بری رهبر حزب امل لبنان



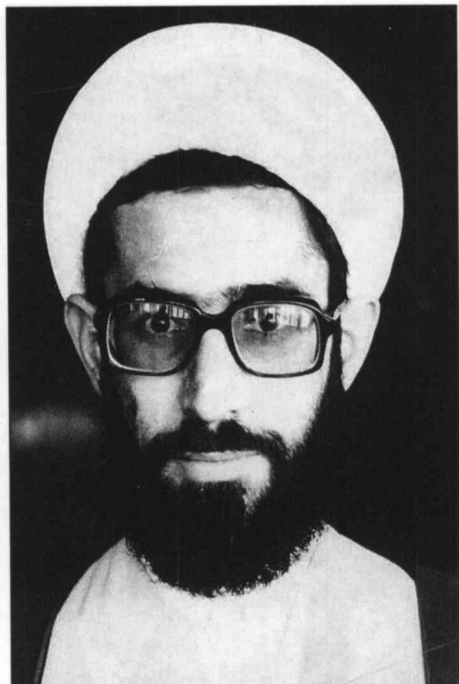
خاویر پرز دکوئیار دبیر کل سازمان ملل متحد



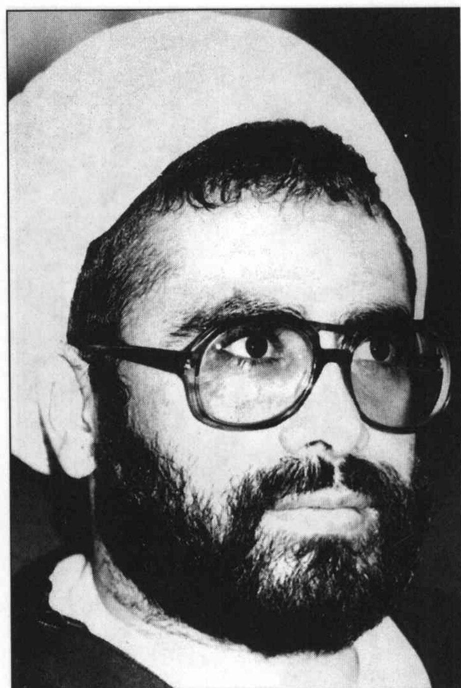
آیت الله سید جلال الدین طاهری



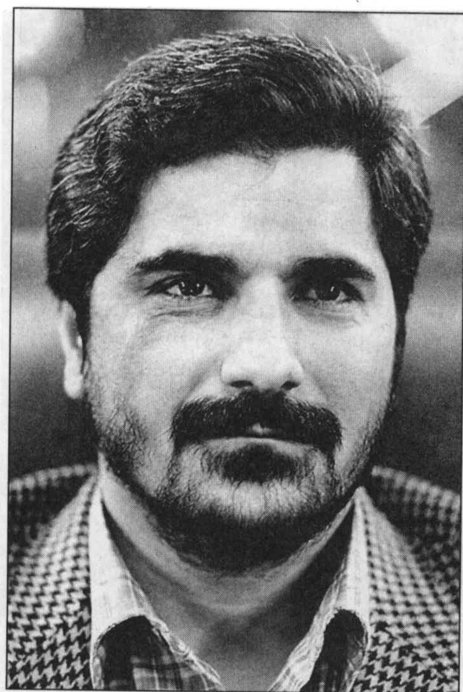
آیت الله صادق خلخالی



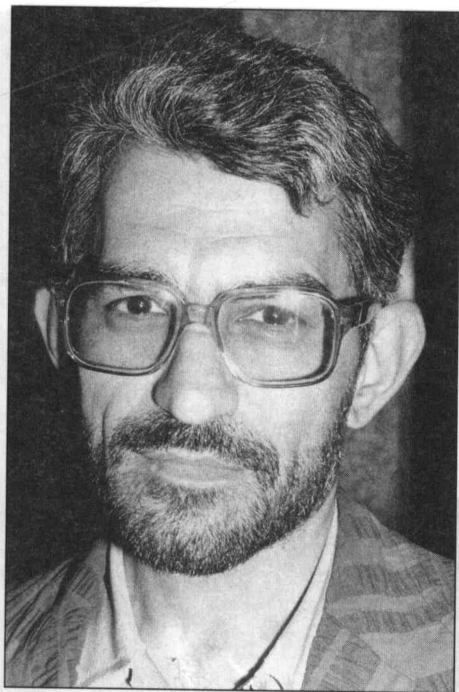
حجت الاسلام والمسلمین رسول منتجب نیا



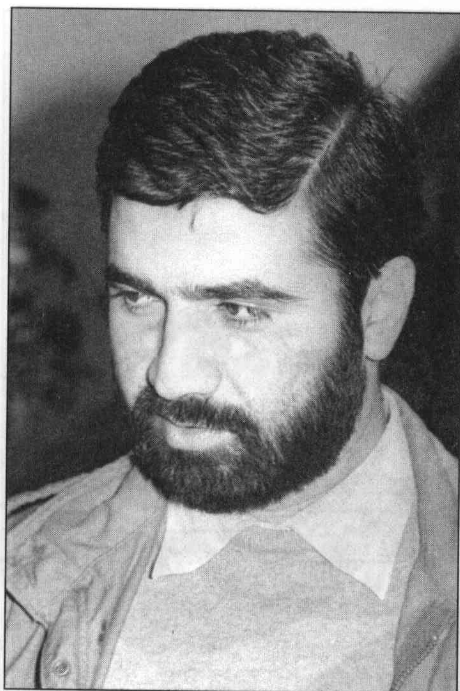
حجت الاسلام والمسلمین محسن دعاگو



محمد فرهادی



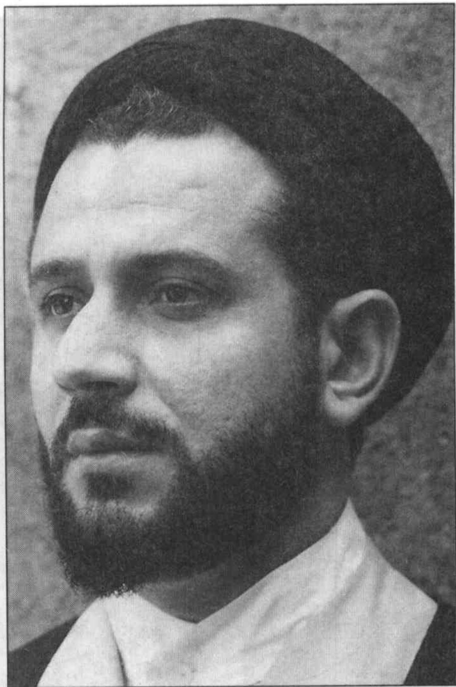
ایرج صفاتی دزفولی



حسین کاظم پور اردبیلی



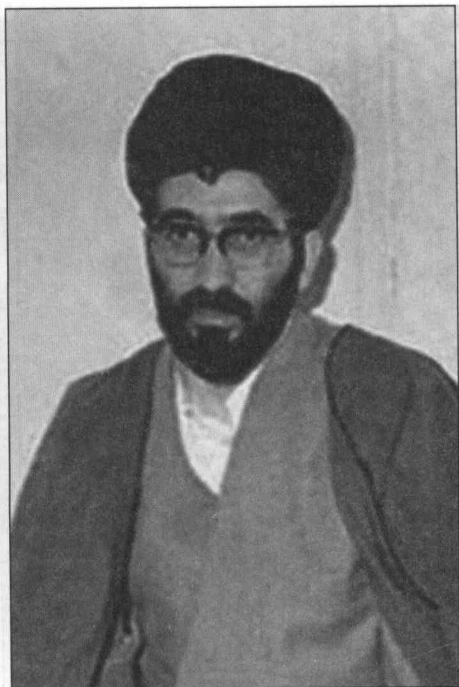
سید حسین موسویان



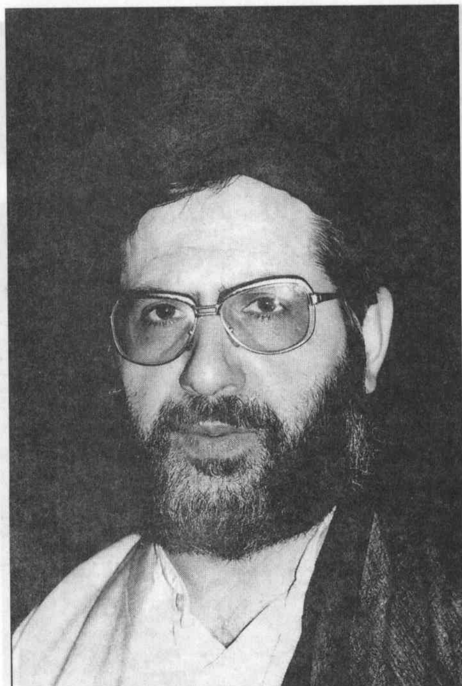
حجت الاسلام والمسلمین سید ضیاء میرعماد



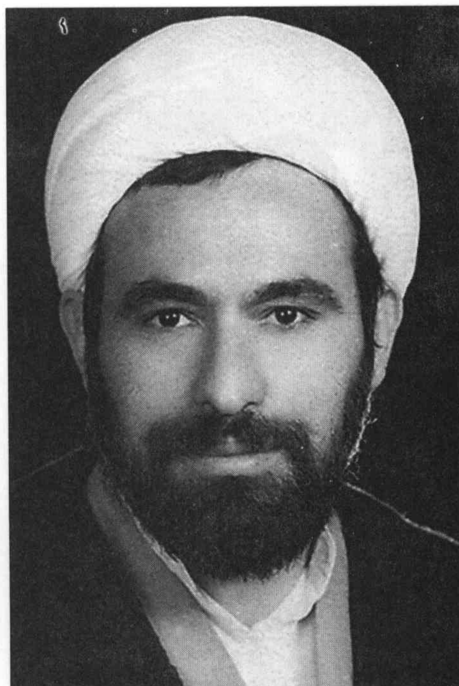
شیخ علی تهرانی



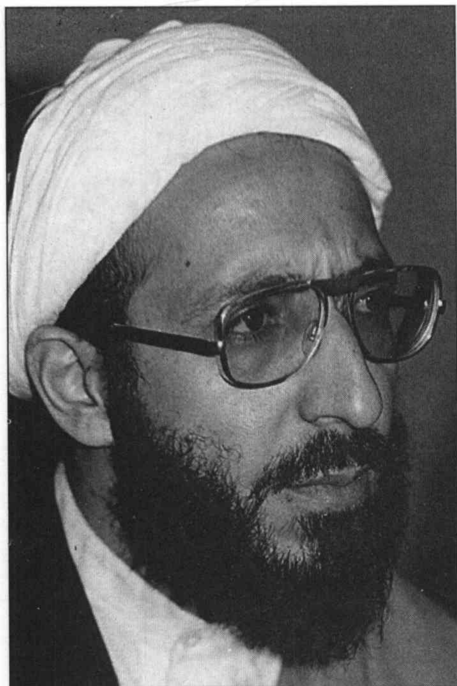
حجت الاسلام والمسلمین سید هادی خسرو شاهی



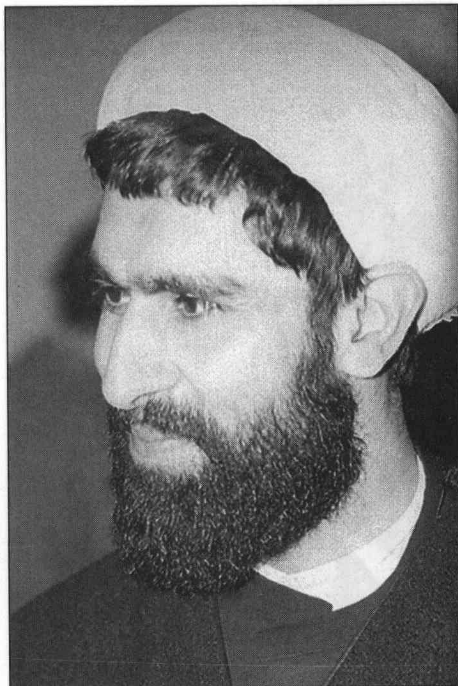
حجت الاسلام والمسلمین سید محمد خامنه ای



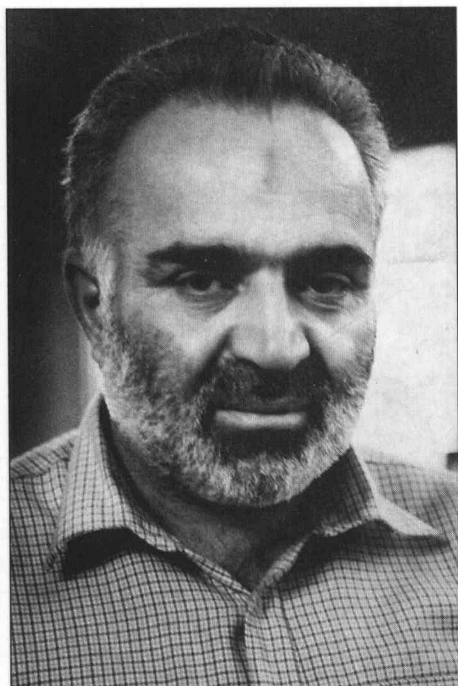
حجت الاسلام والمسلمین رحیمیان



حجت الاسلام والمسلمین هادی غفاری

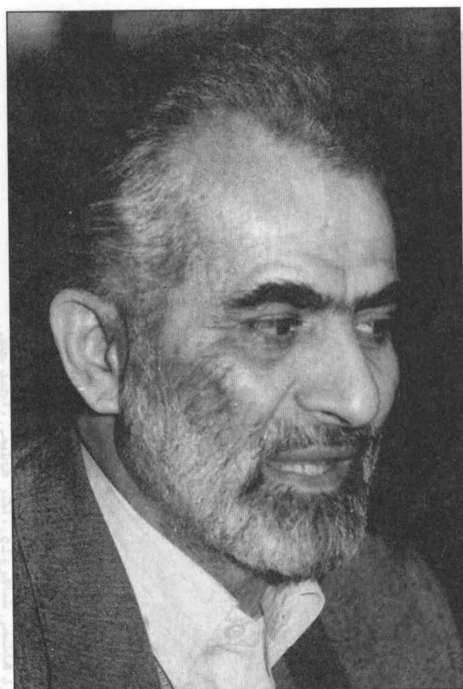


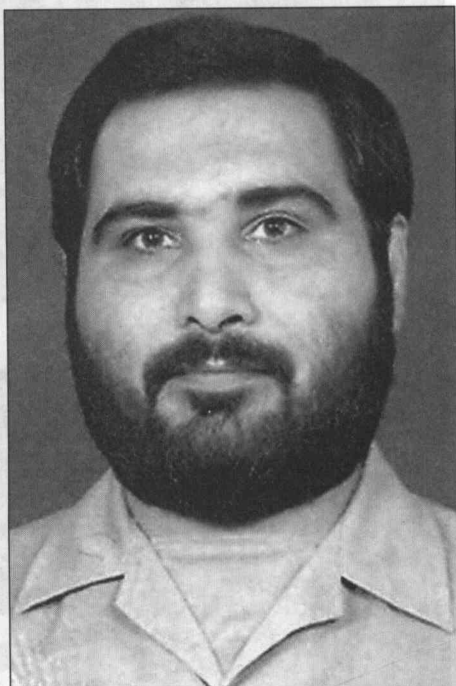
حجت الاسلام والمسلمین عبدالمجید معادیخواه

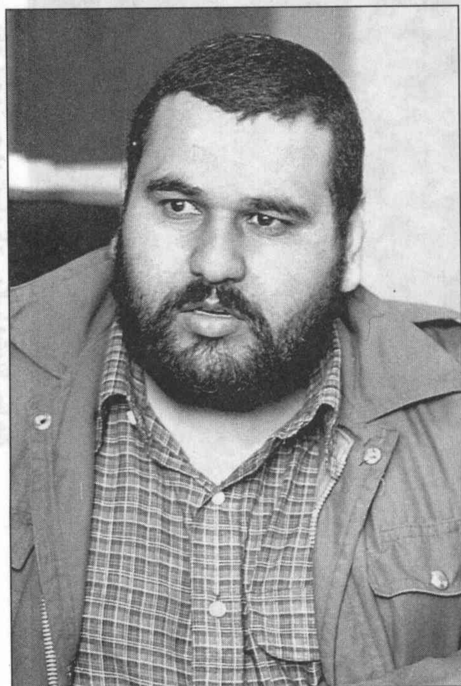


ولی الله زمانی


علی شمخانی


محمد علی نظران


محمد فروزنده


سید حسن فیروز آبادی



در جمع دیپلماتهای وزارت امور خارجه

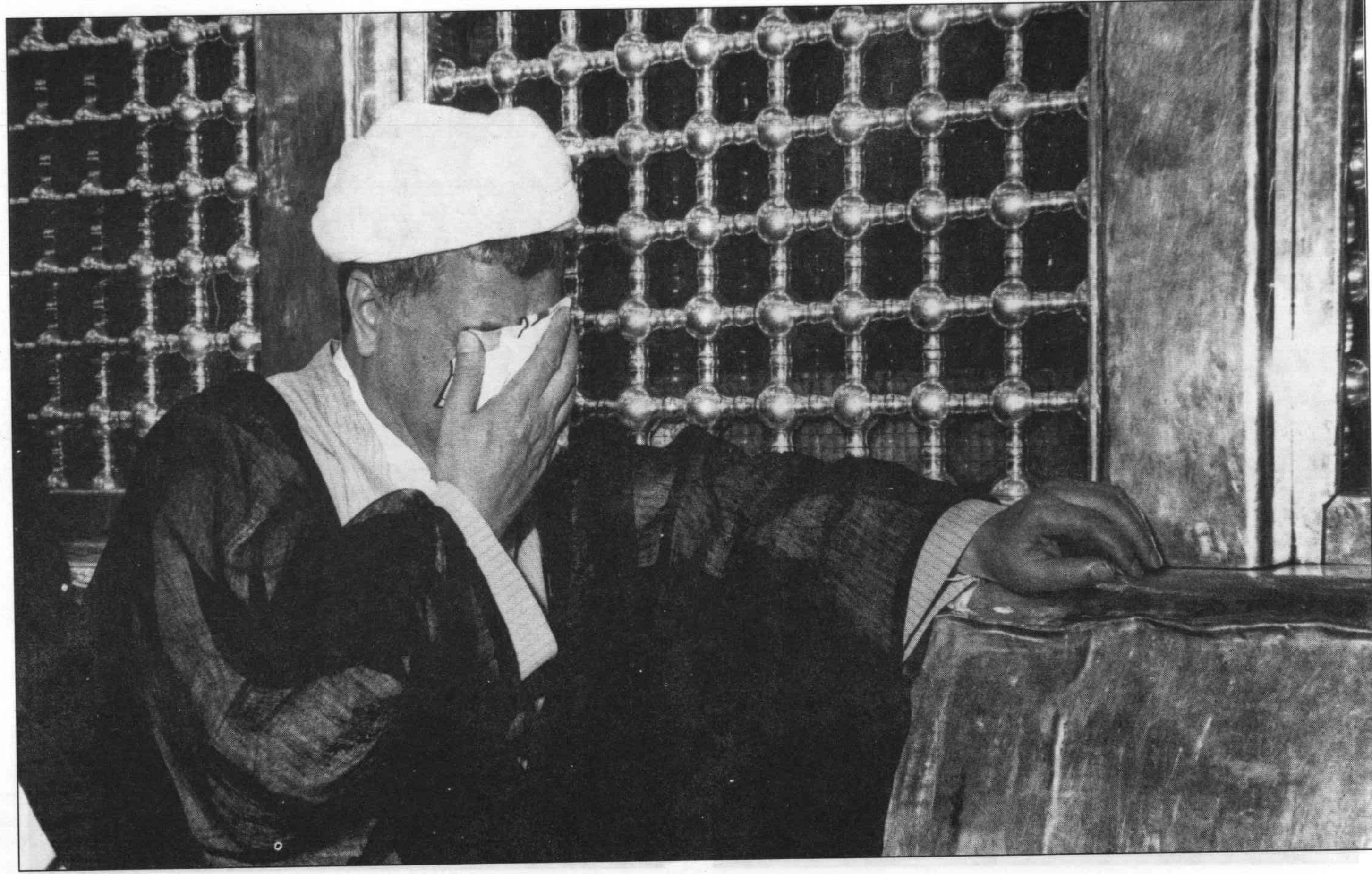


کنفرانس اندیشه اسلامی - از راست به چپ: محمد خاتمی، محمود هاشمی شاهرودی، اکبر هاشمی، احمد جنتی





تصاویری از برنامه های سفر لیبی



در کنار ضریح مطهر حضرت زینب (س) - دمشق



دیدار با دنگ شیائوپنیگ رهبر چین







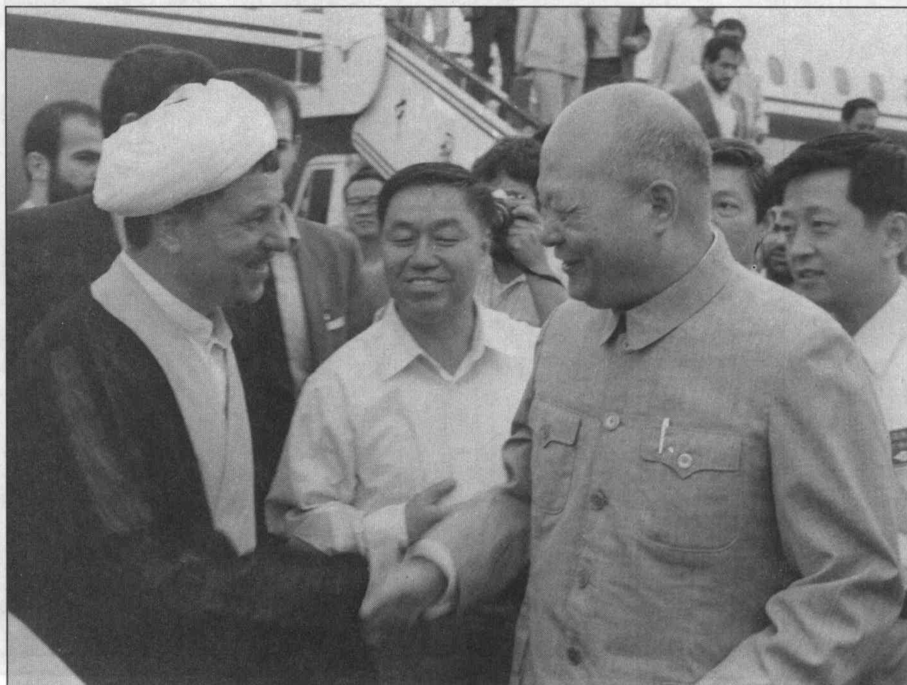
ملاقات با لی شیان یان رئیس جمهور چین



ملاقات با رئیس پارلمان جمهوری خلق چین



نمائی از شهر ممنوعه



ملاقات با استاندار شیان در چین





مذاکره با مقامات چینی



ملاقات با زائو زیانگ نخست وزیر چین



بازدید از موزه‌شهرشیان



ضیافت شام استاندارشیان





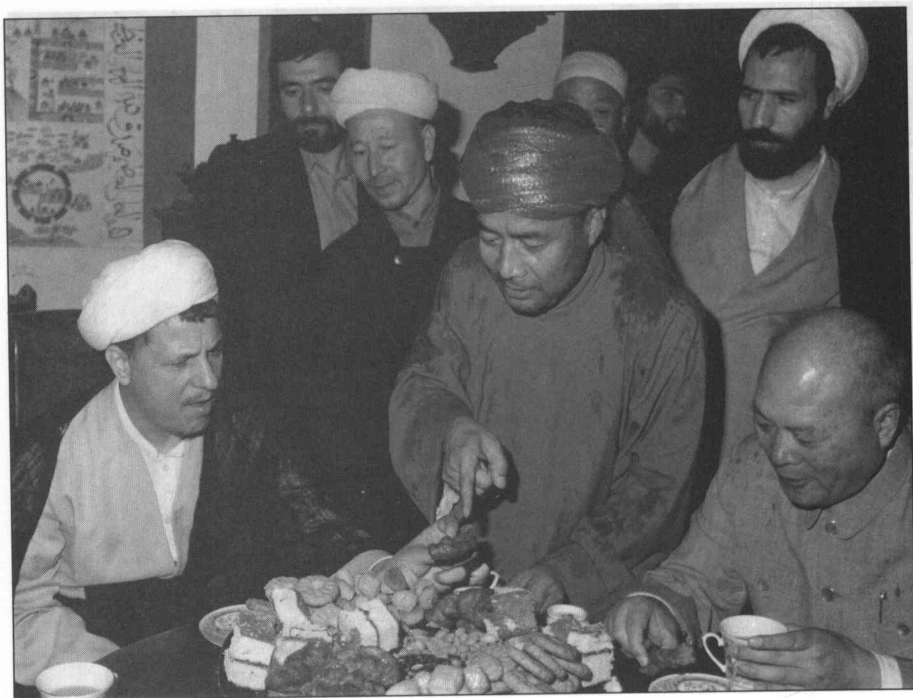


بازدید از مسجد جامع شیان در یک هوای بارانی

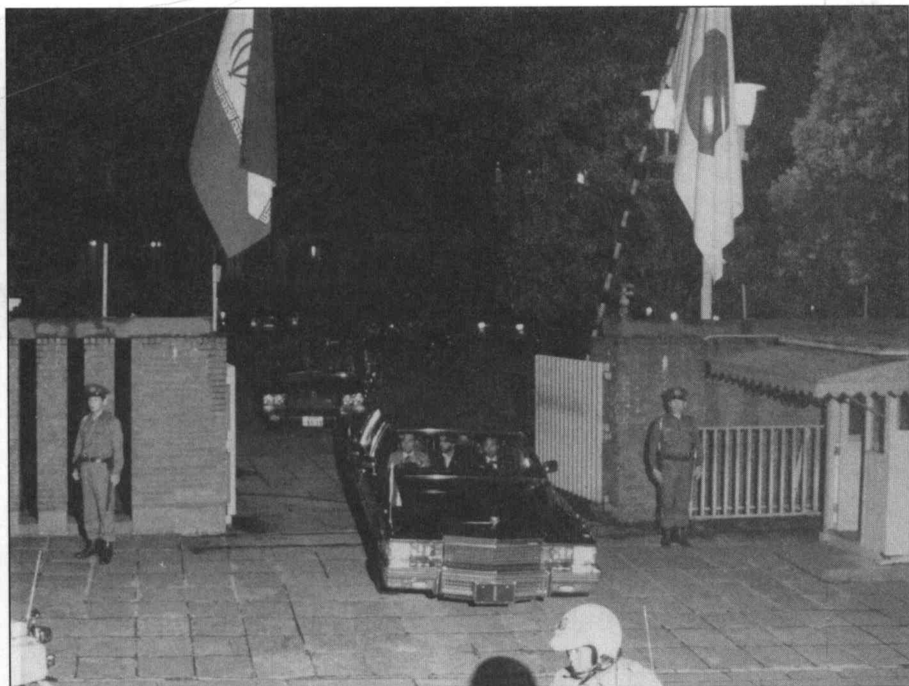


بازدید از موزه شهرشیان





پذیرائی امام جماعت مسجد جامع شیان





استقبال در فرودگاه هاندا در توکیو



ملاقات با ناکازونه نخست وزیر ژاپن



سخنرانی در ضیافت شام نخست وزیر ژاپن



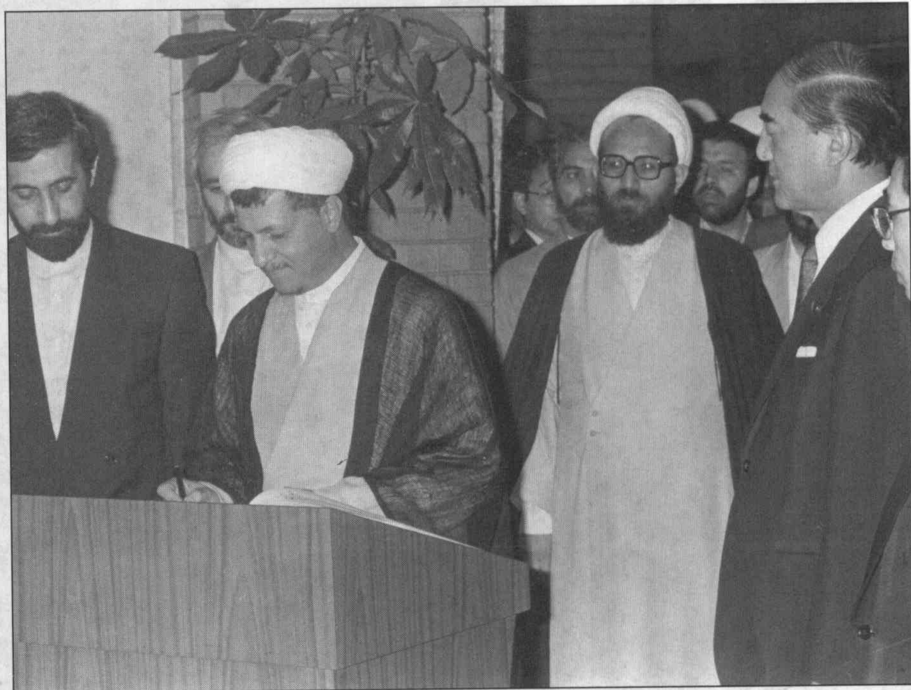
دیدار با وزیر خارجه ژاپن



ملاقات با صنعتگران ژاپن



مذاکره با ناکازونه نخست وزیر ژاپن



امضای دفتر یادبود در ژاپن



ملاقات با مقامات اقتصادی ژاپن





ملاقات با وزیر صنعت ژاپن

آغاز ... ۲ ... ۳ ... سطر ۵ ... ۶ ... مصاحبه ۸ ... ۹ ... ۱۰ ... [illegible]

عوامل رشد و تکوین شخصیت امام)

۲۹ [illegible]

بیت روحانی ـ شهادت پدر و زندگی با یتیمی و تربیت مادر و عمه صالحه ... سال

۲ ـ هجرت از خمین به اراک و استفاده از محضر آیت‌الله حائری ... [illegible]

۳ ـ هجرت به قم همراه ... حائری و اقامت در آنجا ... [illegible] و انتقال حوزه از اراک به قم ـ و رشد در حوزه جدیدالتأسیس سال ۱۳۴۰ قمری تا ۱۳۵۵ وفات حائری

دوران اول ... ۳۵ سال در سال ۱۳۲۰ تا ۵۵ ـ مقدمات مشروطه و جریانهای مشروطه است و جنگ جهانی اول و کودتای سیاه و روی کار آمدن سلسله پهلوی و انواع ... وطلبی ... که ... سیاسی و اجتماعی ... این دوران را ... [illegible] فصل ... [illegible]

قدرت عظیم روحانیت ... مشروطه ـ فریب و تفرقه روحانیت در جریان مشروطه ـ عامل غرب‌گراها در ... [illegible] ـ فرمان ... روحانیان و ... قلع و قمع روحانیت ـ ... شیعه ... حوزه ... [illegible]

درب ... استقلال ... [illegible]

... [illegible]

... قم ... استقلال ... حوزه ... سال ۱۳۴۱ تا ۴۲ [illegible]

... عراق ... سال ۴۳ ... [illegible] ... ۲۰ ... [illegible]

قم ... [illegible]

... [illegible] ... (حوزه قم ...)

... [illegible]

در ... حکومت اسلامی ... [illegible]

... [illegible] ... در اسلام ... رساله‌ها ... [illegible]



مجلس شورای اسلامی

بسمه‌تعالی

شماره ۵۰/۲۵۰/۱۲۹۰/۱۸/د ه

تاریخ ۲۱/۷/۱۳۷۱

برادر ارجمند جناب آقای منتجب‌نیا نماینده محترم [illegible]

با توجه به اهمیت مسئله جزیره خارک منطقی است جنابعالی به نمایندگی اینجانب به عنوان دفتر ریاست مجلس در خارک دفتری تشکیل دهید که کلیه امور دفاعی و حل و فصل موارد ذیربط را به انجام برسانید.

دستخط حکم انتصاب آقای رسول منتجب نیا



جمهوری اسلامی ایران
مجلس شورای اسلامی

شماره [illegible]
تاریخ ۱۸/۷/۶۴

بسمه تعالی

وظائف دفتر مشاورت امام در خارک:

۱ ـ نظارت بر امور جاری نیروهای نظامی، و قسمتهای وابسته بوزارت نفت

۲ ـ تهیه گزارش از حوادث و رویدادهای منطقه خارک

۳ ـ ایجاد هماهنگی بین یگانهای نظامی (هوائی، دریائی و سپاه) و غیر نظامی

۴ ـ پیگیری و حل مشکلات و نیازهای موجود منطقه

۵ ـ انعکاس گزارشات حوادث و مشکلات منطقه به نماینده محترم حضرت امام در منطقه و مراجع مربوط.

~~[illegible]~~

۶ ـ شناخت و معرفی ~~[illegible]~~ ماموران صالح و ناصالح برای تشویق و تنبیه

نماینده امام در شورای عالی دفاع

[illegible]

و امرهم شوری بینهم

شورای انقلاب اسلامی

بسمه تعالی

تاریخ ....

شماره ....

پیوست ....

بسم الله الرحمن الرحیم.

مذاکرات جلسات شورای انقلاب مربوط به [illegible] اینجانب در [illegible]

متأسفانه بطور دقیق و کامل ضبط نگردیده. قسمت عمده جلسات توسط [illegible]

[illegible] یادداشت شده که طبعاً دارای نواقصی از قبیل افتادگی مطالب

یا اختلاف [illegible] است. مذاکرات بعضی جلسات یا بخشی از جلسات آن که حضور نداشته‌ام

آن قسمت اصلاً یادداشت ندارد (البته جلسات با بعضی از اعضای شورای

انقلاب در ساعات دیگر بطور خلاصه مطرح می‌شده)

[illegible] تلاش کرده که حتی‌الامکان مذاکرات را با عین الفاظ

ثبت کند ولی در این امر موفق نبوده و بسیاری جمله‌ها و شکل کلمات

ناقص و غیر قابل قرائت بود و در نوشته‌ها فراوان [illegible] است.

متن حاضر با کمک خود [illegible] تا [illegible] از دفاتر [illegible] جلسات

استنساخ گردیده و موارد کلمات شکسته یا غلط و عبارات ناقص و نامفهوم

و نقطه‌چین‌ها به جای کلمات یا عبارات [illegible] است

در بازنویسی است. دفتر رئیس مجلس شورای اسلامی

دستخط مربوط به چاپ کتاب مذاکرات شورای انقلاب

۵۴

جمهوری اسلامی ایران

مجلس شورای اسلامی

دفتر رئیس

شماره ۱۷۲۸۴/۵۸ م

تاریخ ۶۶/۵/۱۶

پیوست

بسمه تعالی

شورای محترم نگهبان

عطف به نامه شماره ...

لطفاً به نکات زیر توجه فرمایید:

۱- چون در این نامه اظهار نظر نسبت به مصوبه مجلس شورای اسلامی پس از گذشت مهلت قانونی شده است تکلیف ما نسبت به ابلاغ مصوبه چیست؟

۲- اگر منظور از این نامه رد کردن مصوبه باشد به این دلیل که صحت قوانینی که برای این مصوبه مستند بوده در آن شورا محرز نیست، این نتیجه به خطر ناروا برای نظام اسلامی است زیرا اکثر قوانین نظام گذشته از این جهت وضع مبهمی دارند و بیشتر مصوبات مجلس در رابطه با آنهاست.

۳- اگر این استدلال برای رد مصوبه کافی است چرا قانون بودجه کل کشور که براساس همین قوانین تنظیم شده مورد تأیید قرار گرفته و هرچه وابسته به آن قوانین است امروز در رابطه با انطباع و محور عمل ما است.

دستخط نامه به شورای نگهبان



جمهوری اسلامی ایران

مجلس شورای اسلامی

دفتر رئیس

شماره ....

تاریخ ....

پیوست ....

بسمه تعالی

و شما میدانید که اصلاح آنها در زمان محدودی عملی نیست

۵ - شما اطلاع دارید که کل قوانین مالیات در مجلس شورای اسلامی در دست بررسی است و برای شاید ماه دیگر به شورای نگهبان ارجاع خواهد شد

۶ - خواسته‌اند اگر مخالفتی با قانون اساسی یا شرع مقدس در این مصوبه با قطع نظر از قوانین مالیاتی جاری فعلی می‌بینید مرقوم فرمایند

در خاتمه اگر درباره مسئله مورد نظر در این نامه ابهامی هست از مقام محترم رهبری کسب تکلیف فرمایند و توجه داشته باشید که اگر این باب اعتراض به مصوبات مجلس شورای اسلامی باز شود ناچاریم مسائل مجلس را تعطیل کنیم.

رئیس مجلس شورای اسلامی

اکبر هاشمی

۵ / ۱۰ / ۶۴

۶۴/۵/۱۶

شورای محترم نگهبان

عطف به نامه شماره .... لطفاً به نکات زیر توجه فرمائید:

۱ - چون در این نامه اظهارنظری نسبت به مصوبه مجلس شورای اسلامی نشده پس از گذشت مهلت قانونی ممکن است تکلیف اینجانب ابلاغ مصوبه باشد.

۲ - اگر منظور از این نامه ردکردن مصوبه باشد به این دلیل که صحت قوانین پایه این مصوبه برای آن شورای محترم محرز نیست این فتح باب خطرناکی برای نظام اسلامی است زیرا روشن است که اکثر قوانین نظام گذشته از این جهت وضع مشابهی دارند و بیشتر مصوبان مجلس در رابطه با آنها است.

۳ - اگر این استدلال برای دو مصوبه کافی است چرا مثلاً قانون بودجه کل کشور که براساس همین قوانین جاری تنظیم میشود مورد تأیید قرار میگیرد.

۴ - هر چه باشد آن قوانین امروز در جامعه ما مطاع و محور عمل ما است و شما می‌دانید که اصلاح آنها در زمان محدودی عملی نیست.

۵ - شما اطلاع دارید که کل قوانین مالیات در مجلس شورای اسلامی در دست بررسی است و برای تأیید در آینده به شورای نگهبان ارجاع خواهد شد.

۶ - خواهشمند است اگر مخالفتی با قانون اساسی یا شرع مقدس در این مصوبه با قطع نظر از قوانین مالیات جاری فعلی می‌بینید مرقوم فرمائید.

در خاتمه اگر درباره مسئله مورد تذکر این نامه ابهامی می‌بینید از مقام محترم رهبری کسب تکلیف فرمائید و توجه داشته باشید که اگر این باب اعتراض به مصوبات مجلس شورای اسلامی باز شود ناچاریم بکلی مجلس را تعطیل کنیم.

رئیس مجلس شورای اسلامی
اکبر هاشمی رفسنجانی



جمهوری اسلامی ایران
مجلس شورای اسلامی
دفتر رئیس

شماره ۲۵۰/۷۲۸۵/ ۲۰/ م
تاریخ ۶۴/۵/۱۶
پیوست دارد
مصوبه مجلس شورای اسلامی و نامه شورای نگهبان و نامه رئیس محترم مجلس به شورای نگهبان

بسمه تعالی

محضر مقدس رهبر عظیم الشان انقلاب امام امت دام ظله العالی

استدعا میشود به مکاتبه ومصوبه ضمیمه توجه خاص مبذول فرمائید

با این نظریه شورای محترم نگهبان باب جدیدی برای رد کردن مصوبات مجلس باز کرده که اگر پذیرفته شود راهی جز تعطیل مجلس و کارهای کشور نیست .

ملاحظه میفرمائید که به دلیل عدم احراز صحت قوانین گذشته مصوبه‌هائی که بر اساس آنها تنظیم شده رد میشود در حالیکه میدانند قوانین مالیات در دستور کار مجلس است .

اگر همین رویه را در مورد مصوبات قضائی و اداری و فرهنگی و نظامی و . . . مجلس اعمال کنند تکلیف چیست ؟

مگر چندین بودجه سالانه مصوب مجلس که به تائید شورای نگهبان بوده بر اساس همین مقررات نبوده؟ و ما برای گرفتن مالیات از کسانیکه نمیخواهند مالیات بدهند چه باید بکنیم ؟

البته این عدم احساس نیازها و مشکلات منحصر به این مورد نیست لطفا" چاره‌ای بفرمائید .

اکبر هاشمی رفسنجانی

نامه به شورای نگهبان



جمهوری اسلامی ایران

مجلس شورای اسلامی

دفتر رئیس

شماره ۵۰/۱۶۰۴۸/۲۵۰

تاریخ ۶۴/۳/۲۸

پیوست

بسمه تعالی

شورای محترم نگهبان

بخاطر نزدیک شدن انتخابات ریاست جمهوری و [illegible] نداشتن سه وزیر فقید کابینه و ابهام قانون اساسی لازم است که نظر شورا در تفسیر اصول ۱۲۴ و ۱۲۵ و ۱۴۱ روشن باشد. خواهشمند است نظر شورا را در موارد زیر بیان فرمائید

۱- با توجه به دو اصل ۱۲۴ و ۱۲۵ آیا پس از انتخاب رئیس جمهور نخست وزیر و کابینه به اعتبار سابق خود باقی هستند و یا نیاز به معرفی مجدد به مجلس و گرفتن رأی تمایل و اعتماد وجود دارد؟

۲- در فرض نیاز به معرفی مجدد، در صورت انتخاب مجدد رئیس جمهور وقتی که خود نخست وزیر و کابینه را به مجلس آورده نیز چنین نیازی هست یا نه؟

۳- [illegible] نخست وزیر نسبت به وزارتخانه‌های فاقد وزیر بر اساس اصل ۱۴۱ احتیاج به تصویب مجلس و موافقت ریاست جمهوری دارد و یا نیازی از ابتدا دارد و یا نه ندارد؟ و تفسیر معتبر شورا را لازم دارد؟

اکبر هاشمی ۶۴/۴/۲

دستخط نامه به شورای نگهبان درباره انتخابات ریاست جمهوری

جمهوری اسلامی ایران

مجلس شورای اسلامی

دفتر رئیس

شماره ۲۵۰/۴۳/۶/۵/۱/۲۰/م

تاریخ ۱۸/۴/۶۴

پیوست

بسمه تعالی

جناب سرلشکر صیاد شیرازی

به پیوست مدارک حضوری جناب آقای قادری نماینده مردم

شهر سردشت در مجلس شورای اسلامی برای همکاری ایشان در مورد

نظر را به حضور تقدیم می‌نمایم

۱۸-۴-۶۴

دستخط نامه به فرمانده نیروی زمینی



جمهوری اسلامی ایران

مجلس شورای اسلامی

دفتر رئیس

شماره ....

تاریخ ....

پیوست ....

بسمه تعالی

بسم الله الرحمن الرحیم

محضر ...

مواردی در روابط مجلس شورای اسلامی و شورای نگهبان پیش آمده است که ممکن است رفته رفته مشکلات غیر قابل حل و آثار سوء جبران ناپذیر ببار آورد و اگر امروز با [illegible] چاره نشود نمی‌دانیم فردا چه خواهد شد.

بخشی از این مشکلات ناشی از ابهامات خود قانون اساسی است و بخشی به عملکردها برمی‌گردد. استدعا داریم توجه خاص مبذول فرمایند.

۱- قانون اساسی تفسیر قانون اساسی را به عهده خود شورای نگهبان محول کرده، حال که مرجع خود شورای نگهبان است باید بگونه‌ای عمل کنند که احتمال تعصب و ترجیح جانب خود در اظهار نظر پیش نیاید که موجب ضعف اعتماد به این نهاد که باید مرجع مقدس و سالم باشد گردد. ولی متأسفانه در عمل این نکته مراعات نمی‌شود. [illegible] اصل ۹۵ [illegible] شورا را موظف شده که [illegible] مهلت ده روز مصوبات را [illegible] درباره مصوبه‌ای [illegible] آقایان در تفسیر خود [illegible] اعلام تفسیر کرده‌اند و صرف اعلام [illegible] مهلت را کافی دانسته و موافقت مجلس را شرط نمی‌دانند. برای [illegible] این سؤال مطرح می‌شود [illegible] اگر [illegible] قانون

پیش نویس نامه به امام خمینی در خصوص شورای نگهبان

جمهوری اسلامی ایران

مجلس شورای اسلامی

دفتر رئیس

شماره ۰۰۰۷/۰۰۰۳۲/۱/د.م

تاریخ ۱۷/۵/۶۵

پیوست دارد

بسمه تعالی

۵- حرکت امریکا بعد از حل مسئله اسرای [illegible] ربوده شده [illegible] ۲۰۷ [illegible] را
نادیده می‌گیرند. مسئولان سوریه به ما گفته‌اند که امریکا تعهد کرده که پس از حل مسئله اسرا
زندانیان لبنانی که بر خلاف مقررات [illegible] در اسرائیل زندانی‌اند آزاد شوند.
ولی می‌بینید که به وعده خود عمل نکرده و نمی‌کنند.
۶- به نظر می‌رسد امریکایی‌ها با خلف وعده می‌خواهند مردم منطقه را عصبانی و تحریک
به اینگونه اعمال کنند.
۷- اگر سیاست امریکا این باشد احتمال گرفتار شدن [illegible] و ما در نظر مردم
مظلوم لبنان در [illegible] [illegible] به جدی [illegible] است.
۸- به نظر ما [illegible] برای اثبات جدی بودن [illegible] و جدی بودن امریکا در
راه نجات گروگانها [illegible] امریکا باید به وعده قبلی خود عمل کند و زندانیان لبنانی را
که در اسرائیل [illegible] آزاد شوند.
۹- [illegible] بهتر [illegible] که اگر زندانیان لبنانی در اسرائیل [illegible] آزادی
گروگانها [illegible] امریکا این گونه حوادث [illegible] به وقوع بپیوندد.
۱۰- از مسئولان هوشمند [illegible] انتظار داریم [illegible]
دولت [illegible] و [illegible] کارات را [illegible] که تلاش [illegible]
نتیجه باید بهتر باشد.

رئیس مجلس شورای اسلامی ایران
اکبر هاشمی ۱۷/۵/۶۵

و امرهم شوری بینهم

شورای انقلاب اسلامی

بسمه تعالی

تاریخ ۶۴/۲/۲۸
شماره ۹۰/۵۲۱۴/۲/۶۴
پیوست ندارد

بسم الله الرحمن الرحیم

خداوند به شما توفیق دهد که از این اجتماع و مشاوره نتایجی در شکستن حصر تبلیغاتی دشمنان انقلاب اسلامیتان بگیرید.

بدانید که دشمنان اسلام و انقلاب برای گرداندن افکار مجهز به امکانات عظیم تبلیغی در شبکه های خبری خود هستند. واقعیت است که این امکانات ناشی از علم و تکنولوژی پیشرفته ای که برق و نور و هوا و انرژی و سایر نعمتهای الهی که برای همه بشریت خلق شده

استکبار جهانی با غصب ثروتها و امکانات اکثریت محرومین جهان توانسته سررشته این منبع قدرت و نفوذ را در دست داشته باشد و در حدود مصالح و منافع خود به دیگران امکان بهره گیری بدهد.

آنها که از خود پیامی ندارند و باید در اختیار قدرتهای بزرگ باشند در بهره گیری از این ابزار مشکلی ندارند البته اثری هم در حرکت عمومی و سرنوشت مهم جهان ندارند.

اما آنها که پیامی دارند و برای گفتن حرف نو دارند و میخواهند در راه آزادی و استقلال ... به پیش ببرند در این راه مشکل دارند

ص ۲

و امرهم شوری بینهم

بسمه تعالی

شورای انقلاب اسلامی

تاریخ ....

شماره ....

پیوست ....

و حتی این شکل باید در اولویت قرار دهند.

خوشبختانه امروز در اثر توسعه صنایع مربوط به کار رشته منابع ناشی از انحصار ابرقدرتها تا حدودی بیرون رفته و امکان تحصیل وجود دارد

ولی بنا به این شرایط متزلزل است و لازم است که در جهت خودکفایی و استقلال در این میدان صورت گیرد

تکنولوژی صدا و سیما برای یک انقلاب آنهم انقلاب اسلامی که میتواند با تشکیل رسانه‌های بسود و مسازنده از نیازها و ضرورتهای اولیه است و مسامحه در تحصیل آن به هیچ وجه روا نیست.

به فضل الله کشور ما در حال حاضر از نیروهای کارآزموده و متفکر و علاقمند و متخصصین دیگر برخوردار است و رهبری مجلس و دولت در این راه حامی

از سیمای رسانه میخواهیم که همه همت و توان را صرف تحصیل نمایند و رسیدن به سطح استقلال و خودکفایی در این صنعت نائل آیند

با توفیق اتخاذ تصمیمات موثر سمینارتان را امیدوار گردد

رئیس مجلس شورای اسلامی

۵٤



جمهوری اسلامی ایران

مجلس شورای اسلامی

دفتر رئیس

شماره ۱۷۲۸۵/۲۵۰

تاریخ ۶۶/۵/۱۶

پیوست ....

بسمه تعالی

محرمانه

محضر مقدس رهبر عظیم الشأن [illegible] انقلاب اسلامی دام ظله العالی

استدعا می‌شود به مکاتبه و مصوبه ضمیمه توجه خاص مبذول فرمایید.

با این نظریه، شورای محترم نگهبان باب جدیدی برای رد کردن مصوبات مجلس باز کرده که اگر پذیرفته شود، راهی جز تعطیل مجلس و کارهای کشور نیست.

ملاحظه می‌فرمایید که به دلیل عدم احراز مصلحت، قوانین گذشته مصوبه‌ای که برای اولین بار تنظیم شده رد می‌شود، در حالی که صدها نظیر آن قوانین مالیاتی در دستور کار مجلس است.

اگر همین رویه را در مورد مصوبات قضایی و اداری و فرهنگی و نظامی و ... مجلس اعمال کنند تکلیف چیست؟

مگر چنین نبود که تشخیص مصوبات مجلس که با نظر شورای نگهبان بوده از آن مجلس است؟ [illegible] اینها تشخیص را حق شورا می‌دانند؟ و یا اولی گرفتن مالیات [illegible]؟

البته این [illegible] عدم اعتنا نسبت به نظرات و مشکلات، منحصر به این مورد نیست. لطفاً چاره‌ای بفرمایید.

اکبر هاشمی

دستخط نامه به امام خمینی



دفتر رئیس

شماره: ۵۰۰/۱۷۰۱۲/۴۱

تاریخ: ۶۴/۵/۲۷

پیوست: ـــــ

بسمه تعالی

← کارلوس نونیز تالز

جناب آقای
رئیس محترم مجلس نیکاراگوئه

نامه جنابعالی را دریافت [کردم]. مشکلاتی را که دولت و ملت [شما از راه]
امریکا در مقابل انقلاب مردم کشورتان ایجاد کرده‌اند و مشکلاتی که در راه
استقلال دارید، طبیعت انقلاب طلب و سلطه‌جوی امپریالیسم
است. امریکا [پس از] ۶ سال نتوانسته است انقلاب شما را که بیخ گوش امریکا
است و خنجری در قلبش تلقی می‌کند [بشکند]، بلکه از تحمل انقلاب
اسلامی ایران [هم] با این که [از] امریکا فاصله دارد در [زمینه] جرئت
ولی تجربه نشان داده که هرگاه عزم راسخ و هدف مقدس
با همدلی ملتها از هر سو [...] گوش [...] امریکا و [...] در [...]
منطقه به استقلال [...] و مردمان در کانون



جمهوری اسلامی ایران

مجلس شورای اسلامی

دفتر رئیس

شماره ۱/۴۱/۱۲/۷۰۱/م د ۵

تاریخ ۶۴/۵/۷

پیوست —

بسمه تعالی

منطقه [illegible] و [illegible] ~~[illegible]~~ خود تنها در کشور ما [illegible] هم وجود

آثار [illegible] دست [illegible] را [illegible] پیدا شود

ما این [illegible] را محکوم می‌کنیم و در کنار

[illegible] این همه [illegible]

رئیس مجلس شورای اسلامی

[illegible]

و امرهم شوری بینهم

شورای انقلاب اسلامی

بسمه تعالی

تاریخ ۵۹/۷/۱۱

شماره ۲۵/۱۸۱۸/دم

پیوست

بسم الله الرحمن الرحیم

جناب سرگرد جلود برادر ارجمند نخست وزیر جمهوری الجماهیری لیبی

با سلام و احترام و درود برای جناب عالی و مردم مسلمان لیبی و بخصوص رهبر محترم جناب سرهنگ قذافی

و با تشکر از مهمان نوازی های گرم شما و مسئولان محترم کشورتان در جریان مسافرت اینجانب و همراهان

متاسفم که اولین نامه ام پس از مسافرت و آن مذاکرات گرم و دوستانه و آن تصمیمات برادرانه ماهیت گلایه دارد.

انتظار من و همراهانم و دوستان مسئول اینجا این بود که قرارهای داده شده بدون تاخیر اجرا شود و هیچ فکر نمیکردیم که پس از گذشت بیش از سه ماه چیزی که شما میدانید

دستخط نامه به نخست وزیر لیبی

و امرهم شوری بینهم

شورای انقلاب اسلامی

بسمه تعالی

تاریخ ....

شماره ....

پیوست ....

برای دوستان ما آن جنبه حیاتی دارد و اشتباه رهبری در دریافت صدور یک نسخه نباید بشود و مورد بحث و مذاکره است. بیان شده وضع ما را حس نمایند نیازی به توضیح نحوه آن نیست و مطلبی را که روی کاغذ هم آمده لازم نیست یاد داریم. مطلعید که حسن اجرای آنها در مملکتی که دولتی که به کارها رها شده تا تغییرات اساسی دارد

ضرورت اینکه ما نیست که اگر برقرار هم باقی است به کارگزاران و مسئولان بایستی اجازه تا چه حد به شرکتی بدهند

و اگر برای اجرای آنها شکلی دارید صریح و واضح به ما بگوئید که ما برنامه کار خودمان را با توجه به واقعیت‌ها تنظیم نمائیم

رئیس مجلس شورای اسلامی
اکبر هاشمی رفسنجانی

و امرهم شوری بینهم

شورای انقلاب اسلامی

بسمه تعالی

تاریخ ۱۳۶۴/۹/۱۹
شماره
پیوست

بسم الله الرحمن الرحیم

استاد شهید مطهری در مراجعت از سفر پاریس دستور رهبر عظیم الشأن انقلاب را مبنی بر تشکیل شورای انقلاب آوردند. امام ~~[illegible]~~ ها را شهید مطهری و شهید بهشتی و موسوی اردبیلی و شهید باهنر و اینجانب هاشمی رفسنجانی را به عنوان هسته اولی شورا تعیین و اجازه داده بودند که افراد دیگر را با اتفاق نظر این پنج نفر اضافه شوند. و در جلسات ابتدایی تصمیم این شد که حتی‌الامکان ترکیب شورا حتی‌الامکان از اعضای روحانی و غیر روحانی به نسبت مساوی و نزدیک به هم باشند.

ترتیب انتخاب اعضای دیگر و تکمیل شورا تا آنجا که حافظه یاری می‌کند و با استفاده از حافظه دیگران چنین بود:

پیش از پیروزی انقلاب آقایان سید محمود طالقانی، سید علی خامنه‌ای، مهدوی کنی، مهندس بازرگان، دکتر سحابی، مهندس کتیرائی، سرلشکر قرنی (شهید)، سرتیپ مسعودی به اتفاق آرا به عضویت انتخاب شدند.

و بعد از پیروزی انقلاب و تشکیل دولت موقت آقایان بازرگان و سحابی و کتیرائی و قرنی به کار دولت وارد شدند و به جای آنها آقایان دکتر حبیبی، مهندس سحابی

دستخط مقدمه کتاب مذاکرات شورای انقلاب

و امرهم شوری بینهم

بسمه تعالی

شورای انقلاب اسلامی

تاریخ ....

شماره ....

پیوست ....

پس از استعفای دولت

ص ۲

دکتر شیبانی، بنی صدر و قطب زاده انتخاب گردیدند. در مرحله بعد آقایان مهندس میرحسین موسوی، محمد جلالی و دکتر پیمان انتخاب گردیده شدند و آقای سعودی که بعداً به اجرائی رفت.

پس از تصرف لانه جاسوسی آمریکا و استعفای دولت موقت، شورای انقلاب که تا آن تاریخ نقش مجلس را در مقابل قوای دیگر داشت، به دستور رهبر انقلاب مسئولیت اجرائی را هم به عهده گرفت و به تبع آن ترکیب شورا عوض شد.

در ترکیب جدید آقایان بازرگان و یزدی و... به شورا اضافه شدند و آقایان ... پیمان و جلالی و... به مسئولیت‌های دیگر رفتند.

* * *

قبل از پیروزی انقلاب به خاطر ترکیب اعضای شورای انقلاب کاملاً سری بود و در شرایط آن عصر نمی‌توانست چیزی از آن را افشا سازد که به همین جهت صورتجلسه تهیه نشده و هیچگونه اثری در دست نیست. به طور کلی تقسیم مسئولیت شورا قبل از پیروزی انقلاب بیشتر در جهت هدایت انقلاب بود و برای نظام بعد از پیروزی انقلاب و ترکیب مسئولان در نامه‌ها و قانون اساسی و امور دیگر هم کمک و مشورت داشت و در مورد کارها

و امرهم شوری بینهم

بسمه تعالی

شورای انقلاب اسلامی

تاریخ ....

شماره ....

پیوست ....

مهم با کسب نظر رهبر عظیم الشأن انقلاب عملی میکنم درج.

تا دو هفته پس از پیروزی انقلاب مذاکرات و تصمیمات شورای انقلاب تدوین نشده و اولین جلسه‌ای که مذاکراتش ثبت شده جلسه ۱۳۵۷/۱۲/۸ است که دکتر شیبانی به عنوان منشی کار ثبت مذاکرات را آغاز نمود. همانگونه که ملاحظه میکنید نوشته‌ها کامل نیست. بعضی از مطالب از قلم افتاده و بعضی از جملات ناقص و احیاناً نامفهوم است. ولی در مجموع قابل استفاده است و میتواند برای تاریخ انقلاب سندی ارزشمند باشد و میشود با استمداد از یادداشتها و خاطرات اعضای شورا و نشریات رسانه‌ها و جمع مصوبات موجود آنها را تکمیل کرد.

باید اعتراف کرد که غفلت از ثبت کامل مذاکرات و اسناد شورای انقلاب اشتباه بزرگی است و دلیل عمده این غفلت، کارهای زیاد، فقدان کادر، کم تجربگی و مشخص نبودن حدود مسئولیتها و عدم شناخت نیروها در روزهای اول انقلاب میباشد.

تذکر این نکته هم لازم است که مذاکرات جلسات کمیسیونهای شورای

و امرهم شوری بینهم

بسمه تعالی

شورای انقلاب اسلامی ص ٤

تاریخ ....

شماره ....

پیوست ....

تا تصویب که بیشتر به بحث و تصویب لوایح بپرداخته نیز از ریاست هیئت و منطبق بوده و مانده و فقط نتایج بحثها که مصوبات فراوان از نهادهاست در اختیار دولت.

بعد از انتخاب اولین رئیس جمهور و انتقال ریاست شورای انقلاب به او به عنوان رئیس قوه مجریه نقش جلسات ما بیشتر از گذشته بود که خلاصه مذاکرات را ثبت میکرد که از لحاظ تاریخی اهمیت آن ضعیفتر است

و آخرین مرحله کار شورای انقلاب هم که پس از انتخابات اولین مجلس شورای اسلامی بود در غیاب ما تشکیل میشده وضع دیگری و حال و هوای مخصوصی دارد.

اکبر هاشمی رفسنجانی رئیس مجلس شورای اسلامی

٦٤/٩/١٩

فهـرست اعـلام

فهرست جایها

فهرست اصطلاحات

مانند چند سال گذشته، در سال ۱۳۶۴ نیز مسأله اول کشورمان دفاع مقدس بود و مسائل دیگر، حتی انتخابات ریاست جمهوری و تشکیل کابینه- که بسیار هم پرماجرا بود - تحت الشعاع جنگ قرار داشت.

در پایان این سال با عبور نیروهای ما از اروند و تصرف شهر فاو ،نزدیک‌شدن به خاک کویت، شرایط کاملا جدید و حساسی در منطقه و جهان به وجود آمد. اما در طول سال، امید و دلواپسی بر کشور حاکم بود؛ امید به خاطر مطرح بودن عملیات سرنوشت ساز و دلواپسی به خاطر مسلح و مجاز شدن عراق به امکانات انجام شرارت علیه مراکز غیر نظامی و کشتی های حمل و نقل در خلیج فارس که تقریباً در سراسر سال به طور متناوب ادامه داشت.

بخشی از مقدمه کتاب



دفتر
نشر معارف انقلاب

قیمت: ۸۰۰۰۰ ریال
ISBN 964-7193-18-1
شابک ۱-۱۸-۷۱۹۳-۹۶۴